







武家伝



مقدمه ۴	توجیه محافظه خوتین	ترجمه ۷
ذکر بعض حوادث ۶	بوزیر حسن پاشا ۶ فوت کاتب بیکچریان ۷	وقوع محاربه باطابور اعدا ۹
ورود اردوی همایون	بعض حوادث ۱۰	قدوم بعض وزرا
بایساقی و وقوع مشورت ۹	عزل و بوده بغداد ۱۱	باردوی همایون ۱۲
ذکر اشاره ارکان دولت و قرار یافتن ارسال سرعسکر بجانب له ۱۲	حوادث متفرقه ۱۴ خرکت اردوی همایون ۱۶	اخذ و حبس دفتر دار بندر ۱۶ حوادث متفرقه ۱۷
وقوع مشورت ۱۸ لاحقه ۱۹ بعض حوادث ۱۹	عزیمت خان عالیشان بقاوشان ۲۰ نقی والی حلب رجب پاشا ۲۰	بعض توجیهات وزرای عظام ۲۰
ورود اعدا بجانب خوتین و وقوع مشورت و تعیین عساکر ۲۱	وقوع محاربه و پریشانی عساکر ۲۲ بعض حوادث ۲۳	باشوغ شدن علی پاشا بجانب خوتین ۲۴
حرکت اردوی همایون و نصب سرعسکر و محافظ بندر ۲۵	اعدای بدسکال ۲۶ اعدام قهرمان پاشا ۲۹	توجیه رتبه وزارت بازه محمد پاشا و عزل کتخدای صدر اعظمی ۲۸
اعدام ترجمان دیوان ۲۸	کیفیت محاصره خوتین و شهادت محافظ پاشا و استخلاص قلعه ۲۹	ترجمه ۳۰ عزل صدر اعظم الحاج محمد امین پاشا و نصب علی پاشا ۳۲
بعض حوادث ۳۴	نصب جسر و عبور عسکر ۳۷ و ورود سلحدار شهر باری باردوی همایون ۴۱	اعدام صدر سابق محمد امین پاشا ۴۲ ترجمه ۴۳
وصول صدر اعظم باردوی همایون و عقد مجلس مشورت ۴۶	حرکت اردو بجانب ایساقی ۴۷ نقی مکتوبی و تبدیل کاتب کتخدا ۴۸	نصب سرعسکر بغداد ۴۹ ورود خبر مسرت از جانب بندر ۵۰
حرکت اردوی همایون مشتای باباطاغی ۵۱	محاربه سرعسکر بغداد وزیر محمد پاشا ۵۲	احسان وزارت محمد پاشا و خزینه دار علی پاشا ۵۳

وفات سرعسکر بندر	نصب سرعسکر بندر	رفع وزارت والی اناتولی ۵۶
الحاج علی پاشا ۵۳	و کتخدا شدن رسمی احمد ترجمه ۵۴	وقوع محاربه در قلاص افندی و حوادث شماره ۵۵ و قرار اعدا ۵۶
عزل صدر اعظم علی پاشا	عزل کتخدای صدر اعظمی ۵۹	عزل سرپاوشان ۶۰
و سردار اکرم شدن خلیل پاشا ۵۷	توجیهات و تدبیرات ۵۹	عزل دولتشکرای خان و نصب قیلان کرای ۶۱
توجیه عسکر اسلام بقویشان و حوادث ایشان و محاصره ابراهیل و کوی ۶۱	وقوع محاربه در قراوه اخراج توغ ۶۷ عزل آغای بیکچریان ۶۷	عزیمت سر جبهه جیمیان بایساقی ۶۸ عزل قیلان در باور را بر ابراهیم پاشا ۶۸
ذکر استحکام بعض قلاع و توجیه اینه محلی ۶۸	بعض حوادث ۶۹ مقدمه ظهور و محاربه در میان ۷۰	وقایع سده اربع و عثمانین و ما بینه و الف ۷۵ تخریب ۷۶
بعض وقایع ۷۶	بعض حوادث ۷۸ حرکت اردوی همایون ۷۶ استطراذ ۷۷	الخرایق دوغنا و ویرل قبو دان دریا ۸۱ لا محاله ۸۳
حرکت خان بقصد تسخیر بغداد ۸۴	وقوع مشورت و ماموریت آغای بیکچریان ۸۵ بقاوشان ۸۵	انذار ۸۸ بقیه احوال جنگ و معرولی کتخدای قول ۸۹
حرکت و ورود صدر اعظم ۹۰	بعض وقایع ۹۷ ورود خان باردو و ویشان و قعه اسماعیل ۹۷	عزل آغای بیکچریان و سر غریبه جیمیان ۹۹ ۷۵۱
انزاع کفار اثم و نصرت اهل اسلام در قریم ۱۰۰	شکستن جسر طونا ۱۰۲ استیلائی کفزار بقعه کلی ۱۰۳	ذکر کذا رش قیل و قال در مجلس مشورت ۱۰۴ ۷۵۱
محاربه خان و عودت او بخطه قریم ۱۰۶	احسان وزارت بطاغستانی علی آغا ۱۰۸ وفات شریف مکه ۱۰۹	مأموریت محمدی پاشا بمحافظه ماچین و بازه پاشا بجانب خرسوه ۱۱۰
بعض وقایع ۱۰۷	مطلب نفیس ۱۱۴	وفات حسام الدین پاشا
دخول کفار بقعه بندروا فکرمان و آمدن سفر مسعود ۱۱۱	مأموریت مسعود کرای سلطان بجانب بکرش ۱۱۶	وقوع دریا شدن جزایری حسن پاشا ۱۱۷



دکتر محاسن ابراهیل	ذکر بعض توجیها ۱۲۲	تمه ۱۲۴
و ماموریت مکتوبی الحاج	هجوم کفار و مقهور شدن	ترك قلعہ ابراهیل و مرور
عبدالرزاق افندی ۱۱۹	ان قوم مکار ۱۲۳	اهالی بجانب ماچین ۱۲۵
سوء تدبیر ۱۲۶	حرکت اردو بمشتا ۱۲۸	عزل خان قریم ۱۳۰
عنایت مکتوبی عبدالرزاق	رفع وزارت بازار محمد پاشا	غریبه ۱۳۱
افندی باستانه سعادت ۱۲۷	وعزل اغای یکجریان ۱۲۹	کتخدای صدر عالی ۱۳۲
عزل صدر اعظم خلیل	آمدن خان عالی شان و عقد	اخراج مواجب و توریعات
پاشا و نصیب سلحدار	مشورت برای مشتا ۱۳۵	سایره ۱۳۷
محمد پاشا ۱۳۲	کیفیت خان قریم ۱۳۶	مکتوبی صدر اعظمی ۱۳۷
بعض وقایع ۱۳۹	وفات	بعض حوادث ۱۴۳
شهرزاده سلطان بابا ۱۴۲	وزیر محمد پاشا سرعسکر	توجیه وزارت یکتخدای
وقوع توجیها ۱۴۴	افلاق ۱۴۳	لاحقه ۱۴۵
ظهور آتش ریفات همایون	استرداد اسنادات	دخول کفار بقلعه برکوی
۱۴۶ نئی اغای سلحداران	یکجریان ۱۴۷	و ماموریت سرچاوشان
و نشر ریفات ۱۴۷		بجانب یکجولی ۱۴۷
مقتولی کج علی ۱۴۹	توجیها ۱۵۰	اسبیلای کفار بر ایسافی
هجوم دشمن بطولحی	وقایع سنه ۱۵۰	و نهضت سردار اکریم
۱۴۹ تمه ۱۵۰	ومایه والف ۱۵۱	بکرای باباطاغی ۱۵۲
ورود خزینه و نشر ریفات	ماموریت طاعتستانی علی	توجیه روزنامه اول
۱۵۳ قصه غریبه	پاشا حافظه طو ترکان	و بعض حوادث ۱۵۵
۱۵۳	۱۵۴ عزل دفتر دار	
ذکر نصیرت اهل اسلام	ورود خیمه محوهر باغای	نصرت عساکر
و استخلاص قلعہ برکوی	یکجریان و احسان وزارت	اسلام در قلعہ ۱۵۹
۱۵۶ تمه ۱۵۸	محافظ طو طو ۱۵۹	وقوع مشورت ۱۶۰
مرور کفار بطولحی	بعض حوادث ۱۶۴	حرکت خان و شیوع خبر
و برایشانی سفای ۱۶۱	احوال سرعسکر و دین	اسبیلای کفار بقریم ۱۶۶
ظهور دشمن و وقوع قتال ۱۶۳	محسن زاده محمد پاشا ۱۶۵	
انهرام کفار در حوالی اوزی	تذنب ۱۷۳	توجیه رتبه
وقایع ۱۶۹ انهرام کفار	مشیر میرانی باراه ۱۷۳	مکتوبی صدر انپاشاهی
دو پیشگاه برکوی ۱۷۰	و وقایع سایره ۱۷۳	باستانه سعادت ۱۷۵

ابتدای وقوع مکاتبات	توجیها ۱۷۶	امدن اسرا و طو طو ۱۷۸
در میان دولت علیه	وعزل والی شام ۱۷۷	سرعسکر برکوی ۱۷۸
وروسیه ۱۷۶		قصه عجیبه ۱۷۹
هجوم مسکو و بریشانی	ذکر بریشانی سرعسکر	سرعسکر شدن عبدی پاشا
اردو و عودت صدر	ودین ۱۸۳	بفره صوو و ماموریت علی
اعظم به بازار حق ۱۸۰	بعض وقایع ۱۸۴	پاشا بکو سنجده ۱۸۵
وقعه بازار حق ۱۸۵	افاده ۱۸۸	تادیب و قهر بعض
صدارت بخش زاده	شروع صدر اعظم	بی ادبان ۱۹۰
محمد پاشا ۱۸۶	بمقام سفیر ۱۸۸	حکمت ۱۹۰
خان شیدن مقصود	اخراج مواجب ۱۹۴	تذنب ۱۹۴
کرای ۱۹۱	ریش الکتاب شدن الحاج	سرعسکر شدن وزیر
بقیه احوال خان ۱۹۳	عبدالرزاق افندی ۱۹۴	خلیل پاشا بکمر سیاه ۱۹۵
آمدن فوج جبال روسیا	وفات دفتر دار شق اول	ظهور نشر ریفات بجانب
از جانب برزورق و ظهور	۱۹۷ آمدن خزینه و وفات	متردار اکریم ۱۹۹
مکتوب مرشال ۱۹۶	الحاج احمد پاشا ۱۹۸	عودت فوج جبال روسیا ۱۹۹
اغتای اغای یکجریان	وقوع منازعه در غلطه	احسان وزارت بسلیمان
در کاه عالی و بعض	۲۰۱	پاشا و بعض وقایع ۲۰۲
توجیها ۲۰۰	بعض توجیها ۲۰۲	
عقد منار که ۲۰۳	وقایع سنه ۱۸۸۶ ماموریت	لاحقه ۲۰۷
توجیه ابتدائی بصدر	عبدالکریم افندی بعقد	ختم امر منار که ۲۰۷
سابق ۲۰۵	منار که ۲۰۷	ذکر شروط منار که ۲۰۸
نهضت سردار اکریم	اخراج عطیه و بیان	اخراج مواجب و ظهور
بکرای شمی ۲۰۹	احوال شمی ۲۱۰	نشر ریفات ۲۱۱
حوادث ناشنفره ۲۱۱	توجیها ۲۱۱	امدن مرخصان دولت
احوال شیخ البلد علی بک	۲۱۷ آمدن منصرف تر حاله	علیه باردوی همایون ۲۱۸
۲۱۳ صورت کاغذ ۲۱۵	وفرات مولد شریف ۲۱۸	غریبه ۲۱۹
احسان وزارت بمناسبت	عنایت مرخصان دولت	احسان پایه استانبول
کوتاهیه و میر میران جده	برای مکالمه ۲۲۰	یاسینی زاده افندی ۲۲۱
و حوادث سایره ۲۱۹		



میرمیران شدن ارسلان بك	شروع مرخصان بمكالمه	حوادث متفرقه ۲۳۳
۲۲۱ وقوع مشورت	۲۲۲ اجمال مكالمه	توجیه رتبه وزارت
۲۲۱	۲۲۳ عودت مرخصان	۲۲۴ باسماعلی اغا
توجیهات جزویه ۲۲۴	عودت مرخصان باستائنه	وقوع مشورت و مرخص
۲۲۴ بعض وفیات	۲۲۴ سعادت	۲۲۵ شدن رئیس الكتاب الحاج
۲۲۴	۲۲۵	۲۲۵ هیدالریاق افندی
طلب محلول از او جفها	عزیمت رئیس الكتاب بجانب	ورود والی قرمان و وقوع
۲۲۶ و اخراج مواجب	۲۲۶ بكرش	۲۲۶ ابتدای مشورت برای مشت
۲۲۶	۲۲۷ اجتماع مرخصان	۲۲۷ و آمدن تشریفات
بعض وقایع و احسان	وفات قاضی اردوی	۲۲۸ اجمال مكالمه مرخصان
۲۲۹ وزارت بعلی اغا	۲۲۹ همایون نعمة الله افندی	۲۲۹ و عودت ایشان
۲۲۹	۲۳۰ وقوع توجیهات	۲۳۰
تذنیب ۲۴۵	۲۳۰ وقایع سنه ۱۱۸۷	۲۳۰ وقوعات
۲۴۷ وقایع جزویه	۲۴۹ متفرقه	۲۴۹ ظهور و طوخی
۲۴۸ توجیهات علیه	۲۴۹ تنیهای شاهانه	۲۵۱ استطراد
۲۵۰ حرکت سردار اکرم	۲۵۰ انزمام دشمن دین	۲۵۰ اعدام تركمنه واده
۲۵۰ بعض برای شنی و دکر	۲۵۰ رومنجق	۲۵۰ عزل و نصب
۲۵۲ بعض امور	۲۵۲ سرعسكر قره	۲۵۲ وقوعه قره صو
۲۵۲ دعوت دولت كراي خان	۲۵۲ مرور اعدا بجانب بالیه	۲۵۲ بقیه احوال سلسله
۲۵۶ ۷۰۶	۲۵۶ و تفرق عسكر و محاصره	۲۵۶ و انزمام كفار
۲۵۶ كزفتاری علی بك	۲۵۷ سلسله	۲۵۷ لاحق
۲۵۷ پویشانی شدن اردوی عثمان	۲۵۷ عزل اغای بکچریان	۲۵۷ ورود والی اناطولی
۲۵۷ پاشا ۲۶۳	۲۵۷ بعض حوادث	۲۵۷ و ماموریت او و دکر
۲۵۷ سرعسكر رومنجق	۲۵۷ بعض وقایع	۲۵۷
۲۵۷ وزارت جللی زاده السید	۲۵۷ طفر یافتن جند اسلام	۲۵۷ ماموریت سرچاوشان
۲۵۷ احسن اغا ۲۶۷	۲۵۷ در جزیره استانکوی	۲۵۷ بعیت سرعسكر قره صو
۲۵۷	۲۵۷	۲۵۷
۲۵۷ عزل سرعسكر قره صو	۲۵۷ آمدن خزینه و وقوع	۲۵۷ دکر متفرقه اردوی
۲۵۷ ۲۶۹	۲۵۷ بعض توجیهات	۲۵۷ قره صو و كزفتاری عمر
۲۵۷ مشنا ۲۷۰	۲۵۷ پاشا و اسیر اغا	۲۷۰

احسان وزارت باغی	هجوم كفار و پویشانی سر	۲۷۱ اجمال حسن تدبیر رئیس
۲۷۱ بکچریان	۲۷۱ عسكر بازار حق و مامور	۲۷۱ الكتاب افندی
۲۷۱	۲۷۲ شدن رئیس الكتاب	۲۷۲ غریبه
۲۷۵ انزمام كفار در روانه	۲۷۵ ذکر انتقال خاقان جهان	۲۷۵ ترجمه ان پادشاه مقفور
۲۷۷ بعض تداركات	۲۷۷ السلطان مصطفى خان بن	۲۷۹ ذکر آثار و خیرات ان
۲۷۸ نصب سرچاوشان	۲۷۸ السلطان احمد خان	۲۷۸ پادشاه جبل الضغات
۲۷۸ مسند اربابان و كات	۲۷۸ ذكر مشایخ الاسلام	۲۷۸ ورود خط همایون و باقی
۲۷۸ كبری در عهدان شهریار	۲۷۸ در عهدان پادشاه	۲۸۲ صدارت عظمی
۲۸۱ مستحسن الانار	۲۸۱ والامقام	۲۸۲
۲۸۲ احسان وزارت بحسن	۲۸۲ عزل و نصب حضرت	۲۸۲ نصب صدر روم
۲۸۲ پاشا و وقوعات سایر	۲۸۲ فتوی پناهی	۲۸۲ عزل سرابطباء خاصه
۲۸۲	۲۸۲ وفات بابی زاده	۲۸۲ عزل شیخ الاسلام
۲۸۲ عزل صدر اناطولی و قاضی	۲۸۲ وقایع سنه ۱۱۸۸	۲۸۲ اعطای
۲۸۵ استانبول	۲۸۵ وزارت باغی سلطانداران	۲۸۵ دخول سردار
۲۸۵ ونصب شیخ الاسلام	۲۸۵	۲۸۵ اكرم بمشتای شنی
۲۸۹ خفر خندق در شنی	۲۸۹ وقوع محاربه در رومنجق	۲۸۹ فوت سرعسكر قره دکر
۲۸۹ سرعسكر شدن وزیر غازی	۲۸۹ وسلسله	۲۸۹
۲۸۹ حسن پاشا	۲۸۹ حوادث متفرقه	۲۸۹ وقوع توجیهات
۲۸۹ احسان وزارت ببعض	۲۸۹ وقوع مشورت و ماموریت	۲۸۹ نهضت سردار اکرم
۲۹۳ ذوات	۲۹۳ اغا پاشا و رئیس الكتاب	۲۹۳ بعض برای شنی
۲۹۳ بعض وقوعات	۲۹۳ افندی بجانب خرسو	۲۹۳ هجوم كفار بازار حق
۲۹۳ حرکت اغا پاشا و رئیس	۲۹۳ وقوع شورش و اختلال	۲۹۳ حرکت سردار اکرم
۲۹۷ افندی ۲۹۷	۲۹۷ و رفتن رئیس الكتاب	۲۹۷ خاتمه جنگ
۲۹۷ بقریه ییگی بازار	۲۹۷ باستائنه سعادت	۲۹۷ و انعقاد صلح
۲۹۷ اجتماع مرخصان	۲۹۷ غدر نمچه	۲۹۷ بعض حوادث
۲۹۷ بامر شال روسیه	۲۹۷ قائم مقام شدن عزت محمد	۲۹۷ حرکت اردوی همایون
۲۹۷ لاحق	۲۹۷ افندی	۲۹۷
۲۹۷ وفات سردار اکرم	۲۹۷ صدر اعظم شدن قائم مقام	۲۹۷ حرکت اردوی همایون
۲۹۷ محسن زاده محمد پاشا	۲۹۷ پاشا و حوادث سایر	۲۹۷ باستائنه سعادت
۲۹۷ ترجمه ۳۱۰	۳۱۰	۳۱۰ خاتمه









بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جد بحد و احصا خالق ارض و سما اولان جناب ذی الجلال  
والکبریا به سراد که اصحاب ارباب و بیجان و تصرف کنندگان  
اقایم و بلدانه که مال حکمت علم و عملی ایلله ناب و قدرت احسان  
و شوکت سیاست فاضله لایله نظم امور افراد انسان ایلدوب  
حجة الحق علی الخلق اولان ملوک بهترین سلوک اسلامیه بی تمسک حبل  
المتین شریعت ایلله ممتاز و وجود عالمسود لرین خدمت زرین طراز  
ایست و تشریف لطیف سعادت ایلله اعزاز ایلدوب تقویت  
قانون ناموس اعظم و تقویم اعوجاج مصالح امم ضمنتده صحیفه  
پیرای حد و ث اولان میر مرغوبه و افاضل و هو به لرین اخلاف باهر  
الانصافه محل عبر و بالانشین تحکام سلطنت اولان خواتین عدل  
آینه ذریعة تعالیم نفع و ضرر ایلدی و صاوة و سلام سبب افرینش انام  
و مغفر انبیای عظام اولان پیغمبر محمد المصطفی علیه افضل  
التحایا حضرت تلمیذک نثار نزه ملایک مقام لری قیلنور که باید دین مبین  
و رفع ظلام مشرکین ضمنتده تیغ انشبار شریعتی آخته و علم زرینجوی  
فر و شوکت اسلامیه بی افراخته ایلدی آل و اصحاب بنده صبح و مسا  
اوله رضوان جناب مولی \* اما بعد \* معلوم اوله که فواید فن تاریخ و سیر  
جلد اولده مفصلا گذارش پذیرک چاکر کتر اولوب بوام ظاهر النفعک  
مبادی و مقاصد و مصادر و موارد نه اعظم سلاطین جهان افلاطون  
عصر و اسکندر زمان مظهر سر السلطان ظل الله یای ایلله کل

مظلوم المضطرب من بأس سنیفه شداد العجم و غلاظ الروم  
اعنی به السلطان الغازی سلیم خان بن السلطان الغازی مصطفی خان  
حضرت تلمیذک علم عالم ارای شاهانه لری شامل اولوب زمان سعد  
اقتران سلطنت لرنده و اسلاف کزین لری عصر بنده تعاقب  
ملوان و تنایع خدایان ایلله لوحه طراز سنوج اولان احوالک  
ندوینی اخلاف و اعقاب شاهانه لریته بر کذار اولتی اراده  
سینه سی هر بار خاطر کذار خسروانه لری اولد یغنه بنه بوندن  
اقدم حاکم و سایر وقایع نویسلرک تحریر ایند ک لری وقایعک جمع  
و تلفیق و مجددا قلمه التفریق ضبط و تنسیق اولنسی دولت  
علیه لرنده البوم توفیقی و وقایع نویس اولان عبد قلیل البضاعه به  
امر و فرمان و ذکر اولنان مجلدات شایسته اسفحسان اوله جتی  
وجهله بروجه محرر قلمه النوب مرفوع عتبه رفیع البیان لری  
قینوب بومقابله ده عبد نانوان مظهر جود و احسان خسروانه لری  
اولمشیدم جلد مذکوره ذیل اولان انوری افندبنک ضبط  
ایلدیکی وقایع صور مکاتب و سایر اغایب ایلله ملتان و هر حاله  
عدم و قوفندن ناشی تاریخی مجمع سهو و نقصان اولد یغندن غیری  
تاریخه قیدی سزا اولمیان بعض احوالی تحریر و املا ایلله تکثیر سواد  
اجزا ایلدیکی مهبط فیض جناب مولی اولان طبع مجلای حضرت  
شهر یاری به هویدا اولمغله تاریخ مذکور دخی حاکم و سایر لری  
اثاری کی مجددا قلمه النوب ماده لری تصحیح و هفوه لری تنقیح  
اولنقی اراده سامیه سی بوعبد کبضاعه به تلخیص اولنوب تاریخ  
مذکورک مبدأندن بر سنه صکره فقیر بر تقصیر مکتوبی و امدی  
قلم لرنده زعم ناسه کوره فن انشاده وجود ملکه و لیاقت له کسب  
اشتهار اتمش خلفادن بولنوب سر ابردولته محرم و نامه رسالک  
و مکالمه خدمت لرنده مستخدم اولد یغندن بشقه رکاب همایونه  
سرا تقدیم اولنسان تقاریرک اکثر بیسی رأسا قلم عاجز انمله مزین  
و مختم اولوب بوجهله مجلد مذکورک حاوی اولد یغنی وقایعک دقایق  
و بطون احوالنه و قوف عییدانه م بروجه اوفی و اتم اولوب  
هر ماده بی فضل حق ایلله و قوعی او زره صفحه زین تحریر و هر فقره بی  
وجه لاینی او زره پیرایه بخش حسن تعبیر اتمک و تراجم احیان  
و تکمیل نقصان و مهمات اموری اضاحه و بیان اتمک و ادب لری



الزمام و سنگسان اوج نار بخندن بدآ ايله افسای مامورینه نشینم  
ساق اقدام قیلوب جناب حق اتمامی مقدر و بوم مطلب عزیز المالی  
میسر ایلر ایسته اواخر دور حضرت محمود خاندن الی یومنا هذا  
ظهور ایدن وقایع دولت ابد مدت سرایا اثر قلم عبدی قیمت اوله جفی  
ظاهر اولوب همان جناب افریننده بسایط و غیر ککات و نظام  
دهنده شوارد احوال مخلوقات تعالی ذاته عن الشبهات قطب  
زمان و غوث دوران و باعث نظام جهان و جهانیان اولان  
مهر یار کینی شان و پادشاه ساهی مکان حضر تریخی سر بر شوکت  
مضیر ملوک کانه رنده عمر طویل و فعل جیل ايله مؤید و بوم مقوله  
اثر خیریه نک برورنه مظهر بته اسم ساهی و نام کرامتین صلیه  
عالمه و محمد ایلنه امین مقدمه عالم باجزائها حادث و متغیر اولقی  
حسبیه روی ار شده کاه اشی و جنک و کاه زاری و اهنگ عوارضاتک  
دقیق دم ظهوری تحقیقات ارباب بقیه نظرا امر حکمی اولوب  
بو امر بن مختلفینک وقوعی دخی بحسب المشیه و رای ستاره غیب  
و کونین رونای مناظر ام اولان بعض اسباب روزنه منوط اولوب  
شویله که مبتدا خلقت ادمدن بو عصره کلجه عالم کون و فساد ده  
سر بر آورده ظهور اولان حوادث کلیه و جزویه به اعمان نظر  
ایله دقت اولنسه هر بری بر رسیه مستند اولوب جمیع اشیا فعال  
لاشادن صدور بولوب افعال عبادک بل مطلقا اسباب و استعدادک  
جریان افورده دخل و تأیری اولدیغی محقق ایسته دخی قیاض مطلق  
جل جلاله حضر تریک بر شیشی اسباب ظاهره سی عقیده  
خلق ایتک عادت الهیه سی اولدیغی محتاج ینان اولوب حتی  
حکمائک امر ایجاب سز ایجاب استعداد سز استعداد اسباب سز  
اولمزدید ککری بو معنایه فریدر بنابرین بوز سندن برود دولت  
متحدده مر کزنی بولان روسیه لو ملک و عسکر نه نظام و بر قاج  
دولت ايله تحت و طالعنی تجزیه و امتحان ایچون محاربه به قیام و بحکم  
استدراج اککرایام محار بلزینه غلبه و بقض ممالکی ضبط  
ایله قلوب ارباب دولة اختلاج و بر مشیدی دایره تغلبه ادخال  
ایندکاری اراضی کند و مملکتلری ککی اقصای بلاد شمالیه دن  
اولوب نفع وجدوانی قلیل و خرت و زراعتدن حاصل اولان  
جیوبات و سایر محصولات ادنی من قلیل اولمغه جهات متفعه دن

\*

حصه منه و تجارت و داد و ستد عالمدن سود منه اولقی دواعیسی  
لبل و نهاردرون مکاید مشخو نلرند تذبذب ایدوب خصب و رخا  
و کثرت عشب و کلا ايله کثیر الانهار و وسیع الاقطار اولان  
له مملکتیه طامع و رفته رفته بو مطلبه وصول ضمننده ترتیب ایندکاری  
دام و تزویر و قوت قدرات تعبیر اولسان متعینان لهلودن بعض کسه ل  
مطامع اولوب قریب حدود و جنسیت سبب کریمی الفت اوله رقی  
طایفه مذکور نک بالتدریج عروقه دخول ايله مقدمات تسایج  
مطالبه وصول بولدیله یعنی کیدرک لهلونک بر طایفه سنی زیر لوای  
حمایه به اله رقی حقارنده حسن معامله بی تقریط و طایفه آخری  
اوزرینه تسلیط ایدوب بین الطائفتین نفرت و وحشت حدوثنه  
علت و ککندوری دخی کاه اصلاح ذات البین و کاه یکطرفی  
الزمام ايله طرف اخره تحویل عین ایدرک قرال نصی کبی و لهلویه دایر  
سایر مراتب احوالنه تعرض کبی امور نظامیه به تعدی و برار القده  
سر بستک ضمایق ماده سنه دخی تصدی ایدوب خلا فکیر لری  
تادیب صورتنده له مملکتیه عسکر تسیر و هوالینه متابعت ایتمیلری  
تکدیر و مسقوله به بعض ایدن طایفه سز ارا دولت علیه به بالاشتمکا  
البحا و عظمای لهلو یاندن اولان بوتوسکی مسقولونک تسلطی  
رفع و لهذه اجتماع ایدن عسکرینی ابعاد ايله علاقه لری بالکلیه  
انقطاع بولدیغی حالده له مملکتک سر آمدی اولان پادولیه ابالی  
بجذا فیرها دوات علیه به بالطوع و ارضا ترک اولنه جفی اعمال مملکه  
او عصرک رجالی بوامر عظمی سهل و همین فرض ایدوب قولا و فعلا  
مسقولوی لهدن اخراج اسبابنه تثبیت ايله مجهول العاقبه بر امر  
خطیره شروع و مباشرت و فواید تجارت و جهت اخری ايله جلب  
منفعت قصد یله دولت علیه بی فرانسزل دخی جنکه تحریرض و مانع  
اولان دولتره اطالة لسان تو بیخ و تعرض ایلدیله مسقولو ایسه  
اصول امورنی مقدمه ملاحظه و اعتراض ایدلره مسکت و غیر  
مسکت جواب اخضار ایدوب طرفیندن قاله ککلان سئوال  
و جواب بالاخره حرب و جدالی ایجاب ایدوب مسقولو بوماده ایچون  
اختیار جنک ایچوب دولت علیه عسکر ادرنه به و غایبی طوبی  
کناره و ادر وارمن لهی تغلبه ایتک و دولت علیه بر مقدار مصرفه  
دوچار اولورنده پادولیه ککی ریالت کثیر النمایه مالک اولقی



خصوصاً بی بعض کسه ل ایراد و صدر وقت دخی بویه اجتهاد  
ایدوب نقض عهد امری فی ابکی طرف بربرینه اسناد ایله محاربه به قرار  
و پردیلر اردوی همایون منوال محرر اوزره استانه سعادتدن  
یرکوک کو تورمن عسکر ایله حرکت و طی منازل ابتدایه  
مسقولو اظهار رعونت ایدوب سوه ندبیر وقت زاد و عدم  
وفاداری اجساد ایله سفر نه نتیجه و رد یکی انشاء الله محملاری  
کلمه بکه تحریر و مکالمه و سایر احوالده واقف اولدیغیز امور  
رمز و کنایت و اشارت و صراحتله تسطیر اولنور (ذکر بعض  
خوالت) سردار اکرم حضرت نوری سال سالف ذی الحجه سنه ادرنه  
صحراستی مضرب خیام و ادرنه بوستانچی باشبسی اولان اسماعیل  
افغانی قیو بی باشلیق ایله بکلم ایدوب متوفی قریم کرای خاتک  
دیوان کاتبی اولان بسیم عمر افندی بک خشونت تحریرات ایله بعض  
اموره مباشرتی سبب ادبار و نکستی اولوب بهک قلعه سنه نفی  
و تسرب و او مناجده اولان کسه ل بو تقریب ترهیب اولندی  
صورت اطباءه برفاج نفر کافر حسیجه تیار مرضی داعیه سببه  
موصوب همایونده سایر اولدقلری متواتر اولوب لدی الاستطاق  
مسقولو طرقتدن اجزای سمویه ایله تعیین اولند قلیرخی تقریر  
و واسطه تیغ خونبار ایله عزیمت کسه ل سعیر ایلدیلر سپهسالار  
والا جا لیل و نهار تکبیر جند و سپاه و شمشیر دك اون بیک  
نفر بیکجری یلری تصحیح بد رکاه ایدوب سایر پیاده او جفلی  
دخی تصحیح رخصت خواه اولدقلرندن بیک اوچیوز نفر جبه خانه دن  
و اولمقدار طور پخخانه دن و مکز یوز نفر عرب جیلردن تصحیح  
وانلردخی بوامتیا زات ایله تفریح اولندی (توجه محافظه  
خوتین بوزیر حسن پاشا) اردوی همایونک عسکر وافر ایله  
استانه دن حرکتی سرحد رده مشهر اولدیغنه بناء خوتین  
پناقلری رزو انچه طرفه کذار ایتک ضمتده محافظی وزیر  
حسن پاشادن اذن و رخصت خواستکار اولدقلرندن مشار  
الیه قلعه محافظه سینه مأمور و تجاوز حدود ضمتده طرفه  
امر عالی ظهور یافتند بکدن منعه مجبور اولوب نه حال اینه  
مشکات و برقاچکون مرورنده فتنه کاران سرحد کافیه الاول  
جمع خشمرا ت ایدوب تحصیل رخصت ایچون حمله واددن

بیرون نامعقول حرکات اظهار ایلدکلرند دشتک طور له به اتوز  
ساعت بعدی اولوب سرحد له تجاوزی وقوع بولمدن عسکره  
اذن و انصراف مشارالیه باعث اجتناب و استکاف اولدیغندن  
غیری لهو حایه سببه دولت علیه بو تکلف عظمی اختیار ایدوب  
خوتین خلقک اینه مراد لری اعلاء کلمه مولی اولیوب لهلوی  
نهب و سبی اولمغله بو ابکی مخدوری ملاحظه واردوی همایوندن  
خبر کلنجیده ک سرحد پادشاهی محافظه اولتی خصوصنده ایراد  
ابتدایکی جواب معقول او مقوله عاقبت امور دن غافل اولانلرک  
سامعه ادراکلر بته موصول اولیوب هسان بغته وزیر مشار الیهک  
اوزر بته هجوم و عسکر بیک اکثریسی خارج قلعده بولنوب  
اتهاز فر صتله او وزیر مشری تدبیری دائرة هتیدن معدوم  
ایلدیلر بو خبر هایل اردوی همایونه واصل اولد قده مقدمه  
بغدان طرفه تغیین و شجاعت و درایتی معلوم ارباب بقین  
اولان سلاتیک متصرفی وزیر اخسخلی حسن پاشا خوتین محافظی  
نصب اولنوب بر آن اقدام مأمور اولدیغی امر محافظه به استیصال  
ایلمی بابتده طرفه خطایا اصدار مثال لازم الامتثال قیلندی  
متوفای مشار الیه ختجه جی عبدالله پاشانک بکنی اولوب رکاب  
مستطاب حضرت شهر یاریده تعین و شرف آکساب ایلدیرک  
نایل وزارت و مکمل قبول خلقی ایله سفر مذاکره سی خلالنده ابتدا  
بندر بغداد خوتین جانبینه شقه پرداز لوای عزیمت اولمشیدی  
مسمن و اختیار و صلاح حال و اوراد واذکار اشتغالی ایله  
شهرت شعار بروزیر نامدار ایدی فوت کاتب بیکجریان  
بر زماندن بروخته و بعض امراض ایله دم بسته اولان بیکجری  
کاتبی محمد صبحی افندی بک صباح حیاتی شام ممانه مبدل و کاتب  
مذکوره باش محاسبه جی اولان کسریه لی زاده ابو بکر بک افندی به  
محول اولوب پاش محاسبه ایله شهدی عثمان افندی حلو المذاق  
واورنده بولسان سپاه کناهی ایله استانه دن وروردی فرمان  
اولسان عبدی افندی بکنی مصطفی افندی مظهر اشفاق اولدی  
ترجمه متوفای مومی الیه دور ابراهیم پاشاده بکلکچی اولان  
خلیل فهمی افندی بک مخدومی اولوب ترهع شباب هنگامده  
مکتوبی خلفاستنه الخاق و بر زمان طشرده و وزیرای عظامه



دیوان کاتبی ایله نیر قدر هنری کمال الاشراق اولوب بعده  
استانه سعادت و ارد وخواجده ای رتبه منه مضاعف اوله رفی  
بعض مناصب ایله رفیع الشأن و کیدرک بکلکچی دیوان شاخ الارکان  
اولشیدی بعده نالیه وضر بخانه واره ودفتر اما نثریله خرم  
و یاش محاسبه ویکچیری ککاتبی ایله شهر قی کار علی علم اولوب  
تاریخ مذکورده وفات و تسلیم و دیغه حیات ایلدی سامی  
و شاکر بک نحر بر ایند کیری وقایع جمع و ککند و سنی دخی براق  
منته لك حوادث ضمنیه مقبول قوابل اولور تاریخ یازوب الیوم  
متداول و مشهور و دار الطباع عامه ده نسخهلری موقور قیلتوب  
اشعار دلاراشی نظر اعتباره سزا و پسندیده کزوه با بقادر ع  
هر شامی قدر و غین اوله صبحی محمد ک نقش مهری وزاده طبعیدر  
خطا تذکره ثانی عبد الحمید افندی صاحب ترجمه ک احقاد ندر  
موقوفای مؤمنی الیه استر صحبت اختاب و نشوه دار الفت ارباب  
الباب ایکن بر زمان اختیار کوشه حول و صهوة معاشرندن  
نزول ایدوب بطاانه احواله واقف بعض اهل معارف بوزقاردن  
سوال و استکشاف مافی البال ایلد کده شو و جهله جواب ویره شکله  
یا کازان محبت پیونده علاقه معاشرت تعلقی قراشدن موء کد  
اولوب کیدرک خواشی عظما یه نفوس رذیله اصحابی مختلط اولوب  
تخصص محبه مبتنی اولان مقامله فساد قاه غلبه خرمن و هوا سینی  
ایله معاشرت اهل نفاق و تزویر متبدل اولوب یار صادق دیدیکن  
جاسوس غیوب و محرم موافق دیدیکن نماینده ذنوب اولدی  
لحرم صحبت خواصه رذال ناس مداخله ایتمکله مجلس انس و اتفاق  
بر همزده دست نفاق اولوب توابع غیر مطاوعدن حرص و شره  
و خسارت و سده ظهوری دخی مخدوم متبوع طرفدق بخل و قهر  
ضدورته علت اولدیعی ایچون السنه خرف کیران زمان دم و قدحه  
اماده و ابواب نهمت و سوء ظن انامل افتر ایله کک شده اوله رق  
خواص کرام و عظمای بنام بساط عیش و انبساطی طی ایدوب  
نفسلرین بلا قضا ملذذات هوایه دن متبع و اولمعتا اواز متدن  
اولان اشیا و قرنائی تدبیر ایله ترک وردع ایلدیلر بنابرین مجلس  
چهار ک کرمی محبت برودت و خشوخته متدل و اهل جود و سخاوت  
سماحت و مکرملری تقیر و ضنه محول اولدی عشق یازان

جال محبت اولان یاران پاکیزه سیرت الوده کان وادی مجاز اولان  
اصحاب خیانت مشار کندن ایا ایدوب لفظ الفت و محبت و حرف  
اثلاف و مواسی لسانه المقدن توفی ایدر اولدیلر (وقوع محاربه  
باطابور اعدا) مسقوا و ایله مطار حه ککار زان محقق و اشکار  
اولوب هنوز تجاوز حدوده اقدام و جتار تیری مشاهده اولمعتا  
ایکن محافظ پاشاک فقیدانی سینی ایله عسکری پیونده فساد و بوسنیله  
استخلاص قلعه ده استعداد و همیله طور له دن بر مقدار عسکر  
احرار ایلد ککری خوتینده اولان دلاوران اسلانه بدیدار  
اولد قده وار شده بولسانلر اوج کون محاربه دن صکره بر فرقه سنی  
قلعه ده متحصن و بر فرقه سنی بغداد طرفنه توجه ایلدیک قلعده ده  
اولنزه متین اولد قده اعدا تمکین و تنزیس انعام ک قصدیه معموریتی  
شهره افاق اولان واروشی الحراق و قلعه دن جنک و پیکار  
تشمیر ساق ایلدیلر قلعده ده اولنلرک ثبات ایله مقاومملری  
اعدانک حساسنه او یوب ککد ککری سمنه خایا عودت خلافتده  
خوتین مامورلرندن تکه متصرفی ایلر محمد پاشا یشوب دشمن  
ایله اهنک جنک و بش ساعت قدر اعمال طوب و تفک ایلوب  
پاشای مومی الیهک اموال و اشیا سنی غارت و معینده اولان  
عسکر ک اکثری نایل شهادت اولدیه دخی وافر کفاری  
رحم خطار و تیغ انشبار ایله ابصال در کک نار ایلدیک اخباری  
باباطاغی صحر اسنده معسکر همایونه واصل اولوب طوب شلکی  
ایله اظهار یشاشت و مبار قیلمدی (ورود اردوی همایون  
بابشاهی و وقوع مشورت) صدر اعظم و سر دار اکرم  
باباطاغندن تحریک قدم وایشاهی صحر اسنه رکن علم ایدوب  
مهمات و لوازم سفریه بی تکمیل و انعام ضمیمه بکرمی کون  
قدر آرام و مناسب اولان محله خرام ایتمک اراده سنیله اردوی  
همایون رجالی و اوجفلو و سایر ارباب و قوفد ایله عقید انجمن  
مشورت و نه محله عزیمت مناسب اولدیعی ککشف و ابضا حه  
مبادرت ایدوب حتی نوسه مال عقیده بنم سفر ایله القم اولوب  
نه ظرفه حرکت دولت علیه به خیر لوایسه او محلی تعیین وجهت  
نافعه بی بلاکم و تردد تبیین ایلد دید ککده اعدای دینک چکونی  
احوال و رای بوده خفاده متواری و بوسنیله حضار و له

\*

\*



وحیرت طاری اولوب هر کس مهر زن لب سکوت و بر برینه نظر  
ایله مبهوت اولدیلر. پاش محاسبه بی شهدی عثمان افندی تحریک  
زبان و اعدا بوندن اقدام خوتین طرفدن نمایان اولوب بودغه  
بندر طرفدن ظهوری احتماله قریب اولدیفنی بیان ایله کلامی  
تطویل و سردار اکرم حضرتلری بشور سابرلی دخی سولسون  
کلامه موی البنی تحجیل ایلوب اوجاق اختیارلرندن بعضیلری  
اوزی و بندر قلعه رنک حصانت و متانندن بحث ایله خوتین طرفه  
حرکتی ترجیح و بعضیلری نهرطونا فروزندن صکره اقتضای  
حاله کوره حرکت اولغسنی تصریح ایتلرله رأی اخیر پسندیده  
صدر مشتری تدبیر اولوب محرم الحرامک بکرمی التجی کونی  
صنوف عساکر قانونلری اوزره طونا اوزرینه معدود اولان  
جسزدن قرتال جانینه ککذار ویرلورنده نصب خیام و اتخاذ  
مقام ایله قرار ایلدیلر (بعض حوادث) خوتین سرعسکری نصب  
اولسان روم ایلی و البشی وزیر محمد پاشا مقدمات معینه مامور اولان  
طوایف عسکری ایله بالنفس قارشو طیرفه مرور اراده سنده  
اولوب مسقواو ایله زنار بند اتفاق اولان لهلولی سی و استزفاق  
و مسقو لو بی دخی حین مضاد فده زور بازو ایله دوزخبلره الحاق  
ایتمک باینده طلبا ب اذن و رخصت و خصوص مذکور بادی  
نظرده منافع حریبه دن معدود ایسه دخی جزوی تدارک ایله  
مشار ایتمک حرکتی شریطه حرم و احتیاطه عدم رعایت قییلندن  
اولوب بنا برین مشار ایله اردوی همایونه ککلوب استیذان  
ایندیکی مصالحک زیر و بالاسی مطاعه و مشاوره و دوش غیرتیه  
مخمسول اولان خطب جسم سرعسکرینک تکمیل شوارد اوری  
عقبندة اجرای مقتضیات حاکم مبادره اولاق اوزره طرفه حکم  
شریف اطاره اولاندی له یویارلرینک مشخصلرندن اولوب  
مسقواو یه مخالفت ایله ترک جیل و مملکت ایدن پرتوسکی بر زمان  
قریم ککرای خان دایره سنده اقامت کرین و بزم مدت بندر ده  
کوشه نشین اولوب اردوی همایونک خان دپه سنه ورودنی  
اصناف ایله بندردن دهر زن حرکت و موصکب همایونه کلدیگی  
کوشزد صدر و الامتیت اولغیله صفر الحیرک اون برنجی پنجشنبه  
کونی اوتاقی ثریا نطق سردار اکرمی ترین و مسقوره محل تعیین

اولندوقده جوابه اغاز و مسقو لو دن شکوه بردار اولوب بین  
الدول سر بستک ایله امتیاز بولان له ممالکنی مسقو لو بازده مضار  
وداعیه استملاک ایله مجمع لشکر جرار ایدوب یووضع ناهنجار  
ذوات علیه ایله اولان عهدک مغایری اولاق اعتبار یله مسقو لو یه  
حدنی بلدرمک و لهلولنک امتیازات قدیمه لزینی اعاده ایتلک ایچون  
جناب ندم الما بارینک عنوان سپهسالاری ایله مکرم اولدقلری له جمهوریه  
باعث ممنونیت و الفخار اولمشدر دیکده صدر اعظم و سردار  
اکرم حضرتلری یو وجهله بسط کفتار غرایب نکاز پیورده یلرکه  
مسقواونک خلاف شروط له مملکتنه اطاله دست تعدیسی مقدا  
له جمهوری طرفندن دولت علیه یه تحریک اولندیقنه پناه سر بستک  
لازمه سی وقایه اولندهرق لهلولنک استحصا لاسباب راحتی و بین الدولتین  
جاری اولان عهد و شروطک عدم مغایرتی جمهوریه مؤکدا  
تحریک و وقوعی محتمل اولان بعض مکاره دن منع و تحذیر اولمشلر ایکن  
عدم اصفا و کمال غفلت و غرور ایله دشمنک عنان عزیمتی ارضا  
ایلدیلر ایچق دولت علیه لهلولنک خجایه سمندن دستکش فراغ  
اولوب احاطه عالم ایدر عساکر ایله مامور یتمز حسیله صیف  
و شتا صبح و مسا دیموب مجلده اعدای یو اوزر سق شمشیر ظفر تأثیر  
ایله قهر و تدبیرلنده تصیر اولماز بیکه پادشاه عالمپناه حضرتلرینک  
نجلی مقامنده داماد و سردار اکرمی سیرم سیر اسکندر و خراکم  
برق لامع الاثر دن بالاتر اولوب دولت علیه یه ادعا ایتدیکر صفوت  
شائبه کدورتدن وارسته ایسه خصمک غیر متبوعی اولان لهلولری  
افراز ایتلک خصوصتی طرفکدن جمهوریه اشارت و سندی باشکده  
اولان لهلولر ایله حاضر و منبیا اولوب اوطرفه سرعسکر نصب  
اولسان وزیر محمد پاشا ایله بالمعیه طور له بی ککذاره سرعت  
ایدوب وسع و طاقت کریشدیک قدر ایقایی لازمه دوستی و طرفداری یه  
دقت ایله سر دیکله مجله غایت و کلامه نهایت ویرلندی  
عزل و بوده بغیدان (خدمات سفریه ده اظهار صداقت ایتلک  
اراده سیله بغیدان و بوده سی نصب اولسان لیغوره جایزه معینه  
انعام و ایغداندن مایعه و اشتراسی فرمان اولسان ذخایری  
استکمال ایتلک مأمول صدر و لا مقام ایکن ملحوظ اولان درجه ده  
جلب ذخایر ایتمدیگی حسیله السنه ناسده خیانتی مذکور و بواشاده



اخذ اولسان دالردن دخی مسقولویه میل ورکونی محسوس  
و مشهور اولوب فی الحال عزل واحضار وچاوشباشی محبسه  
وریلوب دالرك تقریری روبرو کند و به اشعار اولند قدده دامن  
انکاره تشبث و برقاج کون تلبثدن صکره تفضیل حال ایله  
استانه سعاده ارسال اولمشیدی اسی الوصول سیف سیاستله  
مقول اولدی ( قدوم بغض وزرا باردوی همایون ) شیواس  
والبسی کل احمد پاشا زاده وزیر علی پاشا کمال ایهت و دارا ت وکی  
عسکر و نفرات ایله موکب همایونه واصل و کوستردیکی الای  
دلارادن طبع سردار اکرمی به انشراح حاصل اولوب مشار  
الیهی سمور کورک الباسبله جندلان واردوی همایونده اقامتی  
فرمان ایلدی خلی رجب پاشا و مؤصلی عبد الجلیل زاده امین  
پاشا و مولد و انجی علی پاشا تان طوز و حرکنارندن سردار اکرم  
حضر تتری مشتمل و متفر و علی پاشا صاحب حبیب و استانه  
معاذنده تحصیل ادب ایتمش وزرادن اولدیغه بناء ملاقاته وضع  
ورفتارندن مشکر اولوب برادر جناب کزلی رای العین مشاهده ایله  
صحیح کزه کوشداده اولسه ایدم وزرای عظامه انقضاض کلد یکنه  
جزم ایدردم دید یکنی فقیر قصیر الباع مشار الیهدن شفاها  
استماع ایدم سابقا ابراهیل مخافظی جانیکی سلیمان پاشا دخی  
اردوی همایونه جلیب اولندیغه بناء اوزی محافظه سی عهده سنه  
تفویض و برآن اقدام عربتمنه امر محافظه به قیام ایلمی اغرا  
و تحریض اولندی ( ذکر استشاره ارکان دولت و قرار یافتن  
ارسال سرعسکر بجانب له ) له جمه و زیله قار لوخه مضالحه سنده  
منعقد اولان شروطنک کما ینبغی اجراستنده دولت علیه  
طرفندن اهتمام برکال ایکن مسقوا و مقدمه ده بیان اولسان  
وجوه منافی استیصال ایچون هر خطه ده برنقش غریب و هر دمه  
برفعل عجیب اظهار یله له لورک بعض تعینلری طرفلریه اماله  
و فقط دولت علیه چقنده اوله رق تحفظی و تدافعی بعض شروط  
مقاوله و خفیة استدلالی مناوله ایلد ککری مقدمه قرح  
سامعه دولت ایدوب مسقوف و کتخداسی ایشقوفدن بو کیفیت استخبار  
اولند قدده کتمه بحالی اولوب ضدق ماده بی اقرار ایتمشیدی  
مسقولونک له لور ایله اتحاد و موافقتدن غرضی تدریج ایله

اولا له مملکتیه استیلا و ثانیاد دولت علیه حدود نه مضرت و فساد  
القاسنه دایر بر معنی اولوب کذب و دروغ ایله مزوج کلاملریه  
و لصلحه تمهید ایتد ککری مقدمات لاغیه لریه اعتبار اولنماق  
خصوصی بند و نصیحت صورتنده طرفلریه افاده اولمشیکن  
متنبه اولوب دوست اتخاذ ایتد ککری قوم کیدرک مئانه لریه القای  
فساد واقویاسنی طرفلریه بند وضعفا سنی دیار اجانبه ابعاد  
ایدوب مسقولونک درون لهه دخولی خلاف عهد اولدیغه بناء  
عسکر فی حکمک و امور لهه تعرض ایتمامک خصوصی هر چند  
افاده اولندیسه دخی مفید اولوب ضرر لری حدود اسلامییه به  
اصابت و سرحد نشین اولنلری مبتلای اندیشه و ضحرت ایدوب  
صاقبت مسقولونقض عهد و تجاوز حدود و خونین محاصره سنه  
بذل مجهود ایدوب اخبار ثقاته ککوره محاصره ده بولنان کفارک  
ثلاثی له لودن اولوب دولت علیه امتیازات سابقه لری بقا و حیا لری  
ضمتمده خزاین اقتضا ایتمش ایکن بو نعمتک قید رینی بلوب قهر  
و استیصال لری اضممار ایدن قومه اعانت و اسباب شر و مضرت  
دالات ایلد ککرندن اوزر لریه دخی سقرایمک واجب و طایفه  
مذکوره دن استیمنانه و اغب اولنلرک سی و استرقا قلمر یچون  
عنا کر کسیره ایله برعسر عسکر نصی اولیای امور یستنده مناسب  
کوریلوب در حال اوتاق سردار اکرمیده بو خطب اهم ایچون  
مجلس مشورت انعقاد و وزرای عظام و اوجغلو و رجال دولت  
اخضار یله بالاده بیان اولسان مواد تعداد اولندیغندن غیری  
له طایفه سندن مسقولو طرفنه تبعیت ایدنلرک سی و استرقاق  
و بیوت و اماکن و مواضع و مساککری تخریب و احراق اولنقی  
مشروعینی شامل طیرق شرع اتوردن و بریلان درت قطعه  
فتوی اردو قاضی افندی به لاجل القرائه مجلسده اعطا و اولدخی  
فتواری واحد بعد و اخذ قرائت ایله بیان حکم مولی ایدوب سردار  
اکرم حضر تتری مجلسده بولنانلره خطاب و کیفیت جمله نک  
معلومی اولوب بو اخره متفرع خاطر خطور ایدن تدبیر و تصرف  
نه ایسه بیان اولنسون دیو استیجواب ایلد ککده باشمز حبیل  
التین شرع شریقه مربوط اولوب یو یاده صرف مقدور جمله به  
عن اهم الامور اولدیغنی بیان و نصب سرعسکر وله مملکتیه دخول



ایله اظهار کرد و فراموشند. یکر زبان و چنان اولد یار. بوندن صکره  
پوتوسکی وله بوبارلندن بر قاج نفر کسمه لروارد وی همایونده  
بولتان دول ترچانلری کتور یلوب له جانبته سر عسکر نصب اولندی  
پنا نبله پوتوسکینک مقدمات تعهدی اوزره مسقولو و متبوعلرینک  
طریق استیصاللرینی اراثت وله دروشت ادخال اولنه جوق عساکرک  
ذخیره لرینی تدارککه مباشرت ایملک و مسقولونک تحالقلرینی  
جمع ایله کند و دخی بر طرفدن چکنه اقدام و غیرت ایملک ماده لری ایراد  
اولدقد اولوجهله عمل اید چکنی و التمش بیک قدر عسکر اسلامه  
ذخیره بشدره چکنی تعهد ایدوب اختتام مجلس خلاند مسقور  
برقطعه تقریر عرض ایملکه عموم ناس محضرند قرائتی مناسب کورلیوب  
وقت آخره تعویق و جوابی مطالعه یه تعلیق اولندی خوتین  
و بقدان سر عسکری اولان وزیر محمد پاشا بخدوده قریب تابور نام  
محلده ضرب خیام ایدوب قبل المجلس سبکبارجه اردوی همایونه  
احضار و مقاصد دولت یکل یکل طرفه اخبار اولنوب سر عسکرک  
کورکی ایله تخیل و معینه ترتیب اولتان عساکر و مهمات  
ولوارم سر عسکری و ادوات جمله سی تکمیل و صفر الحیرک اون  
سکرنجی جمعه کونی صوب مقصوده تسیل اولنوب بالاده بیان  
اولتان احوال و لهلوتک غدیره شلوکری حقارنده ایجاب چکن  
و جندال ایلدیکنی مین دول نصارایه ایسان نامه لرتشر وارسال  
اولندی (حوادث متفرقه) قریم صکرای خان زاده قیلان کرای  
سلطان ذخایر میری انبارلری خراشته قریم خانی قیلان کرای خان  
طرفندن مامور و مقتضای مامورینی اوزره امر محافظه ده  
سعی مشکور اولوب بومقابلة ده فروه قائم الباسیله مسرور  
اولدی ایچ ایل سنجاغی الحاقیه بندر محافظی میرمیران صکرامدن  
ضاری زاده محمد پاشا قی الاصل سیواس الای بکسی اولوب  
طفیان لوندات زمانده سیواس متسلی بولمغله سرآمد او باش  
اولان قاضی اوغلی مقرر کسمند اظهار شجاعت و مردانگی  
ایندیکدن میرمیرانلق ایله چورم سنجاغی عنوان سرنامه اقبالی  
اولمشیدی طریزون ووان و قارص ایالتلرده دایر و صکرورنجی  
محمد پاشا وقفه سندن صکره قارص نظامنه تعیین قیلنوب  
نور باری ند میر و سرحد بادشاهی بی تطهر ایلدیکنه مقابله

و مسقط راسی اولان سیواس ایالتیه حقنده معامله بالجامه قیلنشدی  
سفر همایون تقریبی ایله سیواس صکر احمد پاشا زاده وزیر  
الحاج علی پاشایه توجیه و مومی الیه عن اصل سفر کورمش  
وازمایش امور ایتمش کسملدن اولدیغه بنه ایچ ایل سنجاغیه  
قدری تنویه اولنوب بعده بندر محافظه سنه عنان مامورینی تحویل  
و برمدن امور محافظه یه قیام و تقویه اطراف و انحصار اهتمام  
اوزره ایکی انقاس حیاتی تکمیل ایلدی پاشای مومی الیه  
جسور و بهادر و اعمال عسکره قادر و امور سیاسیه ده ماهر  
لطیفه کوی معارف آشنا و تهدیدتی ایقاعه قادر بر مرد  
توانا ایدی نور اسلامیه ده مترصد رخصت چکن و پیکار اولان  
ولا و سران عسکره اعدانک بولند قلمی محالرده قهر و تدبیر  
خصوصی مقدمات احکام سلطانی ایله تنبیه و اشعار اولند یغنه بنه  
بوخلالده نورالدین سلطان اق صوبی بر مقدار تانار ایله صکره  
ایدوب بیک قدر فزاقه تصادف ایدوب طرفین بر برینه علی الغفله  
هجوم و حمله ایملکه قزاقلر فرار و بر محله تحصن ایندکلی اشکار  
اولدقد اطرافلری استیجاب و اکثریتی کشته شمشیر اثناب  
قیلنوب اجل نارسیده لرله برنفر قوچال افتاده کتد ابطال اولوب  
اردوی همایونه کوند رلدیکی خان طرفندن قهر بر و ذکر اولسان  
اسرا لخص ایله استانه طرفه تسیر اولندی محضراغا یاز یجیسی  
عبد السلام افندی اخذ تقریر اسرا و ابلاغ حوادث کبرا ختمند  
سردار اکرمه اولان اتشایینی اوجقلو سی هضم ایدوب  
قرب باب عالیدن دور و شرف مصاحبت صدر الصدور دن  
مهور اولوق داعیه سبله صورت اکرامده باش یاز یجی نصب  
اولنوب بر قاج کون مرورنده براغالی ایله تفسیر و برینه زندان  
کاتی عمر افندی تطریب اولندی دیار بکر مضامیندن بالوبکی  
اسماعیل بک برار عسکر ایله اردوی همایونه کلوب الایینی رویت  
و بومقابلة ده مستحق تحسین و پادشاه عزیمت اولان له جانبی  
سر عسکری معینه تعیین اولندی اردوی همایون قاضیسی  
اولوب لسان هوامده التونی جوق دیمکله شهر اولان عبدالله افندی  
اهل علم و فضیلت و صاحب هوش و درایت اولوب سفر بر اولان  
امثاله رعایت اولندی کی افندی مومی الیه دخی ملحوظ نگاه



عاطفت اولی مقتضای شیه دولت ابد مدت اولفله صفر الحیر  
 او اخرنده لطف حضرت جهانپانی اولان اناطولی پایه می فرمانی  
 اردوی همایونه وارد و طرف سردار اکرم میدان یدنه اعطا ایله  
 محسود ارباب مساند اولدی (حرکت اردوی همایون) ایساقی  
 منزلده منعقد اولان مشورت عومیه ده سردار اکرم حضرت تریک  
 نه جائیه توجه ایله چکی قطع اولمیب طونایی مرورون صکره مصلحت  
 وقته نظرا حرکت اولمسی قرار گیر ارباب رای ونه بیر اولمشیدی  
 برمنوال محرر طونایی کیچوب طی منازل ایله خان دپه می تام صحرانجیم  
 عسکر ظفر اثر اولوب خونین طرفنه کرکی کبی تقویه واستحکام  
 وعلی الخصوص عسکر کثیر ایله له جانی سر عسکرینک نصیبی مصلحتنه  
 ختام ویریلوب اردوی همایونک بندر طرفنه توجهی استصواب  
 وصفرک یکری دردیچی کونی بندره قریب یصی دپه دیملکه شهرتیب  
 اولان فضای واسع ارامگاه چند و سپاه اولدی ( اخذ وجنس دفتردار  
 بندر) جزیه محاسبه سبله بندر دفترداری اولان جانی دامادی  
 احمد افندی به چین مامورینده احوالیدن ذخایر اشتراف و انبارله  
 املا و بندر سر عسکری اردو سنه روز مره تعینات اعطاسبله  
 فضلله سنی در انبار و سنجاع شریف اردو و سچون ادخار ایتمک  
 و بومصلحت ایچون جانب میریدن وافر مبلغ تسلیم و مصروفاتنک  
 قاعده گیری اوزره محسوبتی دخی طرفنه تفهیم اولمشیدی بندره  
 وصولنده حکم خانی ایله بوجاق تاتاری بندره ذخیره کتوروب  
 فرض اولسان بهاسبله بیعه عرض ایلد ککلمنده هر تقدیر قیم  
 ذخایر تنزلده ککوردیسه دخی کیدرک تنزل زیاده اوله جفتی  
 ملاحظه ایله قطع رغبت و تاتارل دخی انتفای تفاق و رواج ایله  
 ذخیره به عدم احتیاج ملاحظه سنی ایدوب حوله لری نقل و آخر  
 محله بیع ایتدکلمندن بندر ده نقطه و غلا ظهوریله سر عسکر اردوستک  
 اداره سنی مشکل و بومصورته ادخار ماده دخی ناقابل اولوب  
 ضروری مقدمه در انبار اولنان ذخایری صرف واقفا و بعضا  
 بدل اعطاسبله اصحاب تمیناتی ارضیا اوزره ایکن اردوی  
 همایون ایله حسابدن بیرون سواری و پیاده بندر صحرانجی همک  
 بوقلمون ایدوب مقدمه فرونلر احضار و ذخایر ادخار اولمندن  
 همان اوکون طایفه عسکری بی ضرورت استیعاب و نان و شعبه

\*

\*

سوداسی جمله سنی انداخته خلایب اضطراب ایدوب بندر محکمری  
 برعلتی اولکی کون بر غروشه وایکچی کون اوچ غروشه دک  
 فر وخت ایدوب انبارک دخی سودای طمع ایله ذخیره لری تکمیل  
 و ضرورت اکی دفعه انبارک چک نقد تبدیل اولندی و خان دپه سندن  
 بندره کلجه انباری راهده ذخایردن ضرورت چکیلرک بندر ده رفاهیت  
 نسلی خواطر عسکرده جولان ایدر ایکن بندره وصول کونی  
 فقدان ذخایر از قالدیکه سبب غلوی عساکر اوله بشاء علی ذلک  
 بندر دفترداری عزل و خلافت عاده محضراغا محبسته نقل و برایکی  
 کوندن صکره حسانی رویت اولمق ایچون باشبانی قوی اغا چادر نه  
 حبس ایله انداخته هوایه مذلت وارل اولوب باش محاسبه جی شهدی  
 عثمان افندی بندر اورد سنه دفتردار نصب و تعیین و مهمما امکن  
 صقوبت اموری موین اولندی قلت زاد بانه سبله ایکی کوندن  
 صکره دیر لکده علاقه سنی اولوب شهب و غارت قصدیله اردوی  
 همایونه تبعیت ایدنلردن بش اون یک ادم استماعیل یکچنده و سایر  
 محله متفرق و آخره سرایت امری محقق اولد یغندن معابر  
 و مسالک او امر علیه تسبیح و اومقوله لک راه ککمریزی سدا و لقی  
 تنبیهاتی و لاه و حکامه اشعار اولندی بوندن صکره یکری یدی کون  
 بندر ده اقامت اولوب کیلی و افکرمان و سایر اما کندن هر به و حیوانات  
 ایله ذخیره نقل اولوب بومیه یوز یکری بش کبیله شعبه والی  
 یک طغوز یوز چوال دقیق و درت یک قطار یکسماد ویریلوب  
 گاه عینا و کاه نصی بدلا اعطا اولمغله بندر ده و طونا حواله سنده  
 اولان ذخایره بالکلیه نفاذ کوب ذخیره سر لکدن سال قابله او محله  
 اعدای دین بوجه سهولت مستولی اولد یغی محله لری کلدیکه ابضاح  
 و تبیین اولنور بالفعل دفتردار اولان ابراهیم افندی بوخال عبرت  
 اشتغال مشاهده ایله صرف مقدور و بندر ده فرونلر بناسنده و عسکره  
 ذخیره بشدر ملک امر نده سعی نامحصور ایلدیکی رای العین منظور  
 اولدیسه دخی سوه تدبیر قیلندن اولان سرحدلری ذخایردن افرغ  
 و وقتنده سرحدنشینلر الم جوعه ن حالت مخمضه به ابلاغ ایلدی  
 حوادث متفرقه (قریم خانک احوال اعدایه اولد چقه و قوفی اولوب  
 دشمن قتی طرفدن ظهور ایله چکی تحقیق اولمق خاطره سی قلب  
 سردار اکرمی به لایح و ارامگاه ای اولان قاوشان قریه سندن

\*



اردوی همایونه کلمسی بایده دعوی متضمن طرفه ادم رائج اولیدی  
 خان مشار الیه برندن حرکت واردوی همایونه بر ساعت محله  
 ترتیب اولسان بملک رشمی اجر اسندن صکره الای الیه اردوی  
 همایونه کلوب سردار اکرم حضرتلری برفاج خطوه استقبال الیه لازمه  
 مهمانوازی به رعایت ایلوب سفره دایر بعض امور مذاکره سیندن  
 صکره طرف خانیلرینه اعداد اولسان خیامه عطفک عنان ایلدیلر  
 یکجیری اغاسنک حسل وعقده افتداری اولوب قلم تعیینات سینی  
 الیه ضابطلری کلام معقول الیه الزام فریضه ذمی ایکن روی  
 درشتی و خوشنله هر کسه جواب داده و عسکری عدم ضبط الیه بر طرفه  
 افتاده ایلدیکی غیظی خاطر ارسکان سلطنتده مضمر و قریم خانی  
 دخی سردار اکرم الیه حین ملاقاده بوقضیه بی موکد و مقرر ایلوب  
 فی الحال اغالقدن عزل و تکذیر و دیمتوقه به نقل و تسیر و بندر  
 اردوسی اغاسی اولان قول کتخداسی سابق سلیمان اغا یکجیری اغالغی  
 الیه مظهر لطف و قریلندی (وقوع مشورت) اشبوشهر ربیع الاول  
 او اسطنده خان عالیستان و وزیرای عظام و سایر ارکان دولت  
 اوتاق زیانظا قده عقد انجمن جمعیت و طرح قرعه مشورت ایلوب  
 اعدای بد سکا لک اقصوصه طرفندن بمالك دولت علیه به هجومی قران  
 حالیه الیه استدلال و یقینان یو یارلرینک بعضی مسقوا الیه متحد  
 و بعضی فراره مستعد اولمسله یاش قصه سنی محافظه به قوی  
 الاقدار یوزیر نامدارک تعیین اولمسی مناسب حال عد اولوب  
 بوضوئده مسقولونک اق صوبوینده متحد انشا ایلدیکی ایلساوات  
 واوره انفراد و غیر خوراد قلعه رینک فغ و تسخیری و قصد مقابله  
 الیه سر نما اولان مسقولونک قهر وند میری ضمتده مرتب اردو الیه  
 بر سر عسکر نصب و تسیری مناسبیدر دیو سردار اکرم جله به  
 خطاب الیه جوینده جواب باصواب اولد قده مسقولونک ذکر  
 اولسان قلاعه عسکری موجود ایکن اخر تحله تعیین جتود سو  
 ندیردن مقدود اولوب همان قلاع مذکوره ک استخلاصی  
 ایچون کفایت مقداری عسکر و مهمات الیه بر وزیر مستوده تدبیرک  
 بر عسکر نصیب و بغداد مملکتی الیه یاش قصه سنی محافظه به آخر  
 روز یرک تعیین اسب و مجاری احواله نظر استصواب اولوب بومصلحت  
 تحسینده و رای استار تقدیردن به صورت رونمای ظهور اولور سیه

اقتضاسله کوره حرکت اولنورد یو محلسده اولان ارباب الباب  
 سد ابواب سؤال و جواب ایلدیلر بنه علی ذلک بندر سر عسکری  
 اولان مولد و انجی وزیر علی پاشا سر عسکر لکدن عزل اولنوب یاش  
 محافظه سینه تعیین اوتاق صوبوینده واقع قلاع مذکوره ک  
 تسخیر یچون ترتیب اولسان عسکره وزیر کل احمد پاشا زاده علی  
 پاشا سر عسکر نصب اولنوب دوش استیهای سمور قایض السور  
 الیه ترتیب اولندی (لاحقه) وزیر مشاور الیه غایت بین و صاحب تمکین  
 روزیر اولوب طوایف عسکرینک ما اوف ترفه و اسایش و جنگ  
 خصوصیتده ترک ایدمان و ازمایش ایلدکری سینی الیه روز مضافده  
 بایدار و ولوغور پادشاهیده پانسیار اولمه جعفری استشار  
 ایلدیکندن تخیری قلم ذخایر بادی پریشانی عساکر اوله جغنی یاد  
 و دامن استغفایه تثبیت الیه رفع عقیر فریاد ایلوب بالاخره کتخدایک  
 و دفتر دار افندی کافه امور سر عسکری فی الزام الیه هر اراده سنک  
 حصولی صحتده بر خیزده دامن اهتمام اوله جعفری مقدماتی تمهید  
 و خطیب جسم سر عسکری بی کردن همینه تقلید ایلدیلر قریم خانی  
 دخی قریق یرک قدر تانار دشمی شکار الیه ایلساوات طرفه هرور  
 و تحریک و اخراق و سی واسترقاق فصلیه دیار کفاری بزمزده هیاج  
 و شور ایتمک اوزره مامور اولدی (بعض حوادث) بواثنا ده اعدا  
 طرفندن دلال اخذ و استنطاق اولند قده روسیه عسکری سرکرده سی  
 اولان غالیچین نام جنرالک مقدمه خوتین طرفه ارسال ایلدیکی  
 دوله ورکی نام پاشا بوع الیه ایازه پاشا و سایر بهادران اسلام مناوله  
 الات خصام ایلدکرنده دسکرا اولسان پاشا بوع و ایکی نفر جنرال  
 و اوج نفر عابور الیه الی غیر اوجیال و وافر پیاده و سواری مسلح ایدی  
 زبانستان و یسمانده کان کفار خوتینه یکر می ساعت مسافه اولان  
 بار قلعه سنده انخاد مکان و قانچه قلعه سنه مسامت اولان قریه زده  
 درت یرک قدر قزاق اطرافدن هنوز ادراک ایتش ذخیره بی دو کدروب  
 بار قلعه سنده اولان کفار ایصال و اتفاق و کیوه طرفندن بواثنا ده  
 بر مقدار عسکر کلوب جمعیت اولی به التصاق و روسیه خلا فکیرلندن  
 اولوب بعض بجهت ره متخصن اولان له رعایاسی قزاقلر نهب و غارت  
 و قریب خوتین اوزرینه کله جکر بی ایما و اشارت ایلدکری بی بعض  
 جواسیس تحقیق و بخلالده طرفندن فرار ایدن بهودیلر دخی

\*

\*



اخبار مذکور به تصدیق ایلدیلر میرمیران کرامدن قره سی  
 سنجاقی متصرفی اولان اوزون عیبد الله پاشا چیلک عنوانله نهر  
 طورله بی قارشو کچوب کرها اوطوعا روسیه لوتک ید تحکمه کرتار  
 اولان لهلوتک بهضبی دربقه ولوژه نام محله مجاور یخنه ره تحصن  
 ایدوب او طرف باش بوغی اولان جندال طرفدن محافظه لینه طغوز  
 یک قدر اشقیای قزاق الحاق اولدینی خبری پاشای مومی الیه  
 استراق ایتکله متوکلا علی الله اوزر لینه هجوم و طغوز یوز قدر  
 کافری سیف صقیل صلابت الیه معدوم ایلدیکدن غیرتی وافر  
 قیداسره ربط الیه محاربی اشباهه غراب و بوم ایلوب الویه باز کونه  
 ورؤن مقطوعه الیه اردوی همایونه رجعت و کورک و چلنک  
 و سایر انعامات الیه قاید لشکر و سیران عسکر کسب مغنرت ایلدیلر  
 عزیمت خان عالیشان بقا و نشان ( مشار الیه تمثیل ساز و سلب الیه  
 دیار اعدایی انکیخته شور و شغب ایتک اوزره مأمور اولدیفندن شهر ربیع  
 الاولک بشنجی کونی سردار اکریم الیه رسم و داعی اجرا و سکسان  
 الی یک غروش جانب میریدن طرفته اعطسا اولوب کلدیکی موال  
 اوزره وزرای عظام و سایر ارکان دولت تشیعنه دامن در میان  
 رعایت و طعنه و دارا الیه قاوشانه طوغرو غنایر بر عنایت اولدی  
 فی وال حلب رجب پاشا ( مشار الیه ابراهیل محافظی ایکن اعدا  
 خوتین قلعه سی محاصره و آغاز مشاجره ایدوب محصورله بالنفس  
 امداد ایلدی بابت طرفته موهکد امر عالی مرفضد و زاولشیکن  
 مأمور اولدینی محله عنیمندن اظهار بحزن الیه بر زمان اوزی  
 حواله بنده کشت و گذار و بومدت بندر ده اقامت الیه امرار روز کار  
 ایلر ایدی مشار الیهک عهد شده حلب ایالتی کی نمادار بر منصب  
 وار ایکن بندر واروشنده بر خانه استیجار و بکرمی بش قدر در بدر  
 اتباع الیه قرار ایدوب تدارک ابتدکی جوار ی به مقارنت و لیل  
 و نهار اداره بر صکار مباضعه الیه افراغ جرابه شهوت ایدوب  
 بورفتار و اوضاعی هر حاله محل شان وزارت اولدیفندن دفتر  
 وزرادن امی الفنا و دیمتوقیه فی واجلا اولندی ( بعض توجیهات  
 وزرای عظام ) موره طرفلرینک محافظه سی مقتضای حاله  
 کوره اهم و صاحب شان بروز برک او حوالده بولمسی الزم اولدیفنه  
 بناء صدر اسبق حسن زاده محمد پاشایه انا بولی محافظه سی چلبان

کوریلوب اولیاده طرفته خطایا ارسال امر جلیل الشان و قندیه  
 محافظی صدر اسبق خوزه یا شایه جده سنجاقیه حبش ایالتی و سلب بقا  
 انا بولی محافظی وزیر حسین پاشایه قندیه ایالتی توجیه و احسان اولندی  
 مروه اعدای جانب خوتین و وقوع مشورت و تمین عساکر ( خصم مکار  
 له مملکتده جمع و ترتیب ابتدکی کفار الیه شهر ربیع الاولک ایلکچی  
 کونی خوتینه سکر ساعت بعدی اولان فورو که نام معبدن کور بوسنی  
 قوروب برو طرفه گذار ایشدیکنی و خوتین قلعه سنه ذخیره الیه  
 امداد و سر عسکر اردوشنه مهمات و عسکر و جیه خانه الیه معاونت  
 اولوب مقابله به استعداد و برلک خصوصتی سر عسکر پاشا  
 و مقدمه او طرفه مأمور اسلام کرای سلطان تحریر و اخبار ایلدکلیته  
 بناء و جوه اردوی همایون کتخدایک چا درنده اجتماع و مفهوم قائمه به  
 جمله سی کسب اطلاع ایدوب قریم خانک مقصد ما ایلسا وات  
 طرفته تصیم اولمان مأمورینی فتح اولتمسرتن نورالدین سلطانک  
 مقدار وائی تا تار الیه او طرفه مأمورینی و یا خود ترتیب آخر الیه امداد  
 و اعانه اولتی بحی در میان و امرینک بیری ترجیح اولنه میوب  
 بالآخره خان عالیشان الیه مذاکره و مجاوبه اولتی استخسان  
 اولتمقله امر مزبوری شفاها مذاکره و خبری ایصال ایتک اوزره  
 صدر اعظم مکتوبچیسی سلیمان فیضی افندی قاوشانه ارسال اولتمشیدی  
 اردوی همایونه کلان تحریراتی مومی الیه قریم خانیه تقدیم  
 ونه کونه تدبیر مقتضی اولدینی استکشاف الیه نورالدین سلطانک  
 تعیین اولتمسرتن تفهیم ایلدکده سلطانک بوماده دایره استطا عتدن  
 خارج اولوب بالنفس کندوسنک حرکتی لازم کلدیکنی و تاتار  
 طایفه سی طوب و خبریه تاب آور اولوب معینه لزومی قدر عثمانو  
 عسکرینک مأمورینی و خان دبه سنه اولان انبارل و یاش قصبه سی  
 تحفظه اولتی خصوصتین افاده و بوجواب الیه مومی الیه اعاده  
 ایتشیدی ماه مرقومک سکر فحی کونی عموم مشورتی ترتیب  
 و بتدر اختیار لیدن بر قاج کسسه مجلسه ادخال الیه اصول فصلحت  
 جمله مواجبه سنه تفریع و تزیین اولندکده خان جنانک  
 سرحدلک اعظمی اولان بندر و اوزی قلعه لرینی ترک الیه خوتینه  
 توجیهی هر چند مناسب دکل ایسه دخی بویا بنده رای و اراده لرینه  
 موافقت موجبات مصلحتدن اولوب بالنفس عزیمتین اهل شوری



وجود مخدور ایله معقول صکوروب انجق بو طرفلری محافظه ایچون  
نورالدین سلطانک قاوشان نام محله ضرب خیام ارام ایلمی لازمدر  
دیو حصار مجلس اطلاق زمام کلام ایتمه یله خان مشارالیهک مأمورینی  
ضممنده اقتضا ایدن نامه همایون و خلاصه اراه اهل مشورتن متضمن  
تحریرات طرف سردارا کر میدان ابعاث و حرکت زغب و احداث اولندی  
بوندن صکره خان معینه دیار بکر و الهسی وزیر محمد امین پاشا  
ویکیچری اوجا غندن اون بش یک سواری ایله یکریمی یک پیاده و مستوفی  
طوب و باروت و سایر اشیا ترتیب و فرستاده و انبارلر محافظه سنه  
دخی عسکر تعیین اولوب مقدمه ایکی یک ارن بود ایله اردوی همایونه  
وارد میر میراندن احمد پاشا زاده محمد پاشا دخی پاشا قصبه سی  
محافظه سنه مأمور وزیر علی پاشا معینه تسبیل و حرکتی تعجیل اولندی  
وقوع محاربه و پریشان عساکر (خوتین سر عسکری مرعش  
بکلیر بکلیسی ابازه محمد پاشا ایله جانیکلی علی بکی طوایف عسکری ایله  
قارشو طرفه کیچورنک قیدنده ایکن جسر بنا سنه با قلوب اینز و انچه  
طرفنه عبور و محل مذکورده کفاردن برقاج الای ظهور ایدوب فی الحال  
چنکه شروع و دشمن عسکر اسلامی طابورلری اوزرینه چکنک  
خدعه سیله میل رجوع ایدوب بو خدعه دن اهل اسلام غافل و تعقیب  
ایدنک ناکاه طابور خصمه واصل اولماریله دشمن صکور اچدر میوب  
طوپلره آتش و سوار بسنه رخصت و یروب ناچار برقاج دقیقه مطارده  
و کثرت دشمن مانع ثبات و مجالده اولوب برقاج نفر مرد مجاهد منصفه  
بهشته متصاعد و وافر کفار ره رودار البوار اولدیغی حالده جنود  
موحدین عودت و جانیکلی علی بکی اوارالنده دشمن احاطه ایدوب  
جهاندن نومید اولدیغی ابازه پاشایه بدید اولد قدده مجمع کفار هجوم  
وایلغار و مرقومی تخلص ایله عتیق سیف خوتین ایدوب بوندن صکره  
بی نان و عاف و مقابله اعداده اقامت سبب ناف اوله جغنی پاشا  
مومی اله ادرالک ایله عسکری خوتین طرفه امرار و واقع اولان احوالی  
سر عسکر پاشایه اخبار ایلدی برقاج کون تنفس و راحتدن صکره  
تکرار عسکر بی شمار ایله او طرفه کذار مصمم ایکن بالاده افاده اولندیغی  
کی دشمن نهر طور له به برقاج محله کو پرو قوروب عسکری پیدری  
بو طرفه کیچورد بکی سر عسکر پاشایه انها اولمغله ارموده موجود  
عساکر ایله اسلامکرای مقابله دشمنه تعیین و خوتینه ایکی ساحت

مضافه ترتیب باق و بین قلوب هر طرفدن چنک و صواش قبولی  
کشاده و ایکی طرفدن وافر آدمی خا که اقتضای اولوب دشمن خدیعت  
اساس صولت اسلامیه نظر ایله انداخته هاویه بیم و هراس و جنب  
مهر که ده واقع بیسته به استظهاری ایله میدان چنکی خالی بر اقدیغی  
اسلام عسکری مشاهده و احساس ایلد کده میل قرار گاه و علی الصباح  
زیر پرده خفسادن رونمای بروز اوله جق نقش غریبه مسد نارنگاه  
ایلدیلر ذخایره اولان قلت و اوج بش صکورونن پرو ذخایر و قتیله  
بیسته میوب الم جوع ایله انسان و حیوان بیستاب و طاقت اولد قلدن  
عسکری بیستاده از حیف و صکت کو تگون و با خصوص روسای  
عسکر یکدیگره اعتبار تباعض و تضاعف ایدوب نه حال ایسه خوتین  
محافظی وزیر حسن پاشا طوایف عسکری به نصیح و پند ایدوب کلیات  
معقوله سی انجق در تیز قدر مرد مبارزه تأثیر و ابرته بی کون میدان  
چنکه سل شمشیر ایلوب الشمس یک قدر لایق منزل و معجز اولان  
عسکر تلال و وهادیه ذکر اولنان بوا درلک چنکنه نظری واذ بال امداد  
و اعانه بی جر ایله امداد فرار و مغرور جانات مستعار اولمشلر ایدنی  
او مقوله له مدار جرات اولی انجق برقاج دفعه دخی سالف الیسان  
دلاورلر دشمنه هجمه انداز صلابت و کیدرک بر مقداری نائل رتبه شهادت  
و بر مقداری جریح عودت و بوج صلابت پیدری سببی ایله وافر کافر  
مستاصل سبب باتر اولدیلر بو هجومک دخی فایده سی اوایوب  
انجام کار ابتدا کیچری سردنکیچدیلسی کرزان و کیدرک  
مزینسلرده اولان پیاده به دخی بو حالت سر پان ایدوب بعضیسی  
یغندان طرفه و بعضیسی خان دپه سی اطرافه بشتایان اولدیلر  
سر عسکر پاشا بو کفیتدن متالم و متاسف و محافظ بولنان وزیر حسن  
پاشا ایله قلعه طرفه منصرف اوله رق محافظه قلعه به اهتمام و ایضای  
حق نان و نمک شهر یار ققام ایلدیلر صکور دخی میدان عسکرین  
خالی بولوب قلعه بی هر جانبدن محصور و لیل و نهار طوب  
و خیره ایله محصورلری بحضور ایلیدی (بعض جوادت) بوندن  
اقدم ایلیم اوات اوزرینه عسکر ترتیب و برقاج اوزرینه دخی  
قارشویه صکور حفره امرار و تسرب اولمشلیدی انجق سر عسکر  
اردو سنه ذخیره ایضا لنده عسکر نذوعی الخصوص خوتین وقعه سی  
دخی بین الناس واصل سر منزل شهرت اولوب باری شوقدر ندرلک



وامك صنایع اولیای ایچون اعدای اشغال و بخت طریقه بر مقدار  
عسکر او طرفه تعیین و ارسال اولیای فایده دن خالی اولیای بعضی  
بودند منقاد اولان مجلسه بهض اهل تدبیر نظر بر ایند کارنده رأی  
وند بر ایند لایس دینله راجه کسه به خلعت الباس اولمشیدی  
صبا کسری نینده اولان اختلال و ذخیره قلیله حاصل اولان  
شوش بال بوماده بی دخی الفسا و خوتین طرفی شغلنه ایلما ایلدی  
اردوی هما بونده بختی الله تعالی وقوع بولان موط و غلا سچی ایل  
توبتو ارجو فحادث و حل و عقد اربانک کمال اضطراب و محنت  
باعث اولوب سردار اکر مدخی عدم مساعده روزگار ایله مخیر المزاج  
و محتاج تدبیر و علاج اولوب هر کس مخیر و غایت احواله ناظر ایکن  
ناگاه بندر واروشنده جلده ایله کیدر و شخص کشتی کافر یا صدی  
خدا سبیل فریاد و خارج و داخله بولانلرک دهشتی مزداد ایدوب  
از قالدی دریای موج عسکر اطعمه انداز غروش و نهب اردو کبی  
بر امر مکروه و قوعیله عالم منزست و مد هوش اوله امله نه حال ایسه  
مکر جاسوسلر دینو دلار ندا و سرحد خلقی دخی بومضایه ذهاب ایل  
دفع حرکت ارباب هوا ایلدیلر بغداد و بوده سی لیفورک عزل  
و استیصالی مقدمه اشراپ و استانه دن و بوده و زودنه دله امور  
بغدا نیک ایکی اوج بویه تفویض اولمشی استصواب اولمشیدی  
استکرات صوبیدن قسطنطین بودغه بغداد و بوده لغنه تعیین  
واردوی هما بونه کلوب الباس خلعت اولندقدن عسکره اظهار مایه  
صدافت ایلی تنبها نیله کوش غفلتی تعریک و مقدمه بغدادان  
طرفه مأمور چرخم بک لباس شریقی ایله زمام عزیزی تحریک اولندی  
باشوغ شدن علی پاشا بجای خوتین (بودن اقدم اعدانک پرو  
طرفله هر روز اشدیکی خبری متواتر و مشهور اولدیغنه بناء خان  
وساژ ما مورل خوتین طرفه توجه و خلال طرفه توره غون عسکره  
تصادف ایلدایوم دشمن قائل کور بیده اولدیغنی تقوه ایلرله راه  
کر بزی قطع و جمله سی جمع اولندیغنی و بر مقدار ذخیره و پیاده  
عسکر ایله اسناد اولمشی خان و علی پاشا طرفلرین تحریر و انفسله  
مکن مرتبه پیاده و ذخایر تسبیارندن بشقه علی پاشا باشوغ خلق  
عنوانله اغراز واردوی هما بون خزینه سندن خزانه لدی الاقتضا  
صرف و توزیع ایچون بش یک التون و بر مقدار چلدن افرایله بازوی

اقتداری قصدید و خان عالیشان ایله مذاکره امور و اتفاق ایلک  
خصوصاتی طرفه تا کیدر و اون یک غروش دخی برسم عطیه ایازه  
پاشا طرفه ارسال و جلده به اوامر و قوایم ایله افاده حال اولندی  
حرکت اردوی هما بون و نصب سر عسکر و محافظ بندر (خوتین  
سر عسکری وزیر محمد پاشا نیک اردو سنده احتیاط ایدن اجتناب  
مقابله اعداده عدم ثبات ایله متفرق براری و قلا اولدی قبری اردوی  
هما بون خلقه باعث فتور و کسل بود شکت قصیدی پاش  
طرفنده ابراهیل قلعه سنه هجوم اولدی یعنی عسکری طائفه سی تقول  
ایلده ایدر سابقه به ایزات و هن و خلیل ایلدیلرکندن غیری بندر ایلارلنده  
مطلقا ماکولات قالمیوب بالضروره سوا حمل طونادن چار پاد ایل  
استحلاب و وقتیه ذخایر بنشه مدیکندن صوف عساکر اضطراب  
چکوب بواسطه ایله بومیه ایکی نیک اوج نیک قدر ادم اردوی هما بون  
سرداده وادی قرار و اعاده لری تا کجای حوصله اقتدار اولوب  
عسکره بوجمله قلیط طریان و بین الناس نو بنوارا جف و اکیدوبه  
دوران ایشیدی ابراهیل و اساجی ایلارلندن نقل ذخیره اسان و هن  
و خوتینه امدادک سهولتی متین اولیق حبشی ایله خان دپه سنده اردوی  
هما بونک محاسن استمراری کار فرمایان دولت تدبیر و بندر سر عسکر  
و محافظ تعیین اولمشی تدبیر ایلدیلر ایلسا و ان جانی سر عسکری  
وزیر کل احمد پاشا زاده علی پاشا سر عسکر لکه شایان کور بلوب  
الباس خلعت ضمیمه سردار اکر طرفدن دعوت اولندقدن بریشانی  
جساکر و قلیط ذخایر ایله قبول خطب سر عسکر بدین روتاب اجتناب  
و کجندابک خیمه سنه کلوب محاذ بر سر عسکری بی اطباب و امهات  
ایلله عدم قبولی اشراپ ایدوب طرف سردار اکر میدان الباس  
خلعت مصطفی تعیل اولندقه سبب طلب نه اولدیغنی معلوم اولدیغندن  
اظهار تردد و صغوبت حال فکر یله بالضروره اراآت روی درشتی  
و تعند ایدوب ایکی ساعت قدر قبل و قال و جواب و سوال و جوابی  
و ایکی طرفک مانده کی و تبعیه بادی اولوب بالاخره اردو قاضیسی  
عبد الله افندی و قیو کجنداسی با بوردی مصطفی اغا محلیله  
کلوب اجنات کیره ایله اشارت الی الزام و تمشیش نیک غروش  
میردند و یکنمی بش نیک غروش قیو کجنداسی سندن بروجه قدس  
طرفه تسلیم اولوب سارمطالیک حصوله دخی بالاتفاق



با همت اید بحکمر بی عهد و الزام ایلد کاردن صورت رضا ایلد اوتانی  
 سرداری اکر می به تحریک پا و دوش استیالنه ستره کراک خلعتی  
 ایلد اولوب میر میراندن دیگر ابارده پاشا دخی بندر قلعه سی  
 محافظه سنه نهمین اوانک دخی مطالبه مساعده ایلد حرازی تسکین  
 اولدقدن صکره صدر اعظم و سردار اکرم حضرتلری اشوریع الاولک  
 یکر می ایکنجی چهارشنبه کونی بندر صحر اسلندن فک اوانا اقامت  
 و خان دپه سنه طوخر و تحریک لوا عزیمت اولوب قره حضار متصرفی  
 میر میراندن سیله محمد پاشا خرخره جبلکه اختیار و چرم بکی جوهر  
 پاشا دمدار قیلندی ستره صکره مشار الیهک معینه ترتیب جنودک لزونی  
 ظاهر اولدقدن قره حضار سنجای متصرفی اولوب میر میراندن اسیری  
 بکر پاشا و حاجی زاده محمد پاشا و حلب ایالتی و شهاب و سلحدار  
 او جغت لردن بکر نفر از قیل و تحریک اولوب بحی پاشا مکتوب بجهستی  
 حسنی افتدی دخی بندر دفتر داری بریده قایم و سلی شهدی عثمان  
 افتدی اردوی حما یون ایلد خان دپه سنه عازم اولدی (اعدای  
 بندر کال) عسکر اسلامی توفیم و اشغال قصد یله اوری قلعه سی اطرافه  
 بر مقدار قزاق و قطعه ارسال ایلوب بنه انحراف و احتیاطه رعایه عسکر  
 واجه طلبی منضم اوزی محافظی وزیر سلیمان پاشا و دفتر دار و سایر  
 ضابطانک اردوی هما یونه عربضه لری کاسکله اسماعیل و نسکی  
 طرقلردن اوج بیک قدرد القلیج تحریک رخصت ویرلد یکندن بشقه  
 سایر یکجری و جبهه جی و طو بچی او جغت لردن ایکی بیک پاده اوطرفه  
 فرستاده و تعیینات محساکره مدار اولی ایچون اوزی دفتر داری طرقله  
 دخی بکر می بش بیک غروش ارسال ایلد مظلوم بلرینه مساعده اولندی  
 اعدام قهرمان پاشا) دوقه کین سنجای متصرفی قهرمان پاشا الی بیک  
 میریلو عسکر ایلد سفره مامور اولوب الحق اوج بیک نفر تحریک و میر بیک  
 باقی اچده سی مستلذات هوا و هو سنه صرف و تبدی ایدوب تولردده  
 هت اغراض مهملین و نهب اموال مساکین ایدرک طو نایه قریبی  
 خبری اندقدده خوین محافظه سنه مامور و بوجحه عظیمه سی  
 مکتوم صدور اولیای امور اولمشیدی خویننه وارد قده مقتضای  
 جبتلی اولان فساد اغاز و عسکری طایفه سی اغوا و تسویل  
 ایلد هر بار درجه فتنه بی باز ایدوب خوین محافظی وزیر حسن  
 پاشا ک مقتوی اولان عسکر و ایضه سبیله اعدا منه علت

\*

\*

واعدا لشمام خویننه کلد کده هنوز ریای حرب اداره  
 و غبار جنگ اثاره اولمدن عسکر بوزلدی اوازه سبیله سبب  
 دهشت وجهه دن اول فراره مباشرت و مستقلا تفرقه عسکره  
 آلت اولوب عدم توحش رؤسا قصد یله جزای مایلیقی تاخیر  
 واضمار و بندر سر عسکری معینه وار می اوزره امر عالی  
 اصدار اولمشیدی عدم امثال سمته راهی و بوسبیله مفعوض  
 یاد شاهی اولوب اعدا منه هر چند بشیر ساق اولددرسه دخی  
 حیوان وحشی کبی شکار دن رمان و هنوز تکمیل افاس حیات  
 اید بکی سببی ایلد اله کیر می و ابسته وقت و زمان اولوب حسین  
 پاشا وقعه سنه وزارت طلب و خواهشی تلیم و اعمال عسکر  
 و خدمات سایرده بدغالبه اربابیدن زیاده مصالح دولته بر لیه جفی  
 تصریح ایش بولندی دن اوزمان خویننه قایم مقام و سمور کورک  
 ارسالدن بشقه صلحه مر امده مساعده اولد جفی ایهام اولمشیدی  
 بو وعد غریب الاسلوبه اغترار و بی باک و پروا تانیسا خان دپه سنه  
 نصب خیم اولد جفی کون بملک برنده دامن صدر اعظمی به  
 رخسا اولدی حین اعدا منه اماده قیلان سلحدار و اندرونلردن  
 بر قاج نفر کسره مجوس اولدی فی افاده ایلد و رای سایبانه قید  
 و تبدیه اشتغال لرینی سلحداری مشاهده و فی الحال طنجیه سی  
 چکوب پیشکیر اغا سی دفعه دنیادن ازاده اتمکله شخص  
 هر قوم قتل اولوب پاشای موی الیه دخی بر رنجی حواله و شهرت  
 و نامی صحیفه عالمدن ازاله اولندی موی الیهک اتبای لرن بود  
 طایفه سنندن اولوب مخلفاتی قبضه مامور اوللره مبادا تسلیمده  
 اظهار خشونت و عناد و یغما و غارت اطلاله دست فساد ایلد لردیو  
 بو وقعه ده حاضر اولان قره می متصرفی عبدالله پاشا کراولان  
 مخلفانک حراسته مامور اولوب مقتولک اردو سنه وار دقدده  
 قبض مخلفانه شخص واحد مانع اولما مشیکن معینه اولان اولندان  
 مخلفاتی یغما و تالان و اتباعی عریان و بعضی جرح و ضرب ایلد  
 ناتوان ایلد کاردی اومقوله فلا ککرده ل کلوب سردار اکرم  
 اوانا ییشکا هنده داد خواهانه شکایت و بوطور غریب صدر اعظمه  
 موجب ملالت اولد رقی فی الحال چاوشا بی معرفتیه نهب و غضب  
 اولنان اشیا ک بعضی اسزداد و بعضی طایفه لوندات کم



و نفس خبیثه ظهورات ابراد قید ایلدیلر (توجیه رتبه وزارت  
باباز محمد پاشا و عزل کتخدای صدر اعظمی) مشار الیه بکه تان  
میدان جلالت و کوی ربای قضای صرامت اولوب حکیم زاده  
علی پاشا مر حومک اندرون چوقداری ایکن سیواس صحرای سنده  
زور با واشقیاری تدبیرده فوق المسامول خدمت ایدوب مرور  
ازمان ایلد میر میران و بوسفرده دخی صرف تاب و توان ایلد اوغور  
پادشاهیده بذل مال و جان ایلد یکی سردار اکرم حضرت تریته  
نمایان اولمغه بجاه والای وزارت ایلد قدری ترفع و سبقت ایدن  
خدمتی وارسته کمره تضییع قیلند یغدن بشقه الحاله هذه  
سفرده موجود و اموال و اشیا می نمیکرده دشمن بد بود اولمغه  
مقتاد اولان وزارت جایزه شی طرفه انعام و بوجوهله دخی  
شیراب زلال اکرام قیلندی میر اخور اول ایکن صدارت  
کتخدا لغنه لایق و محل کوزیلان الحاج احمد اغا محمول عهده  
صدافتی اولان خدمتده احاطه عقل و ادراکی قدر قصور  
ایتماش ایکن اردوی هما یونده بعض متفلس اموریه تعرض و موی الیه  
دخی گاه تعارض و گاه تقارض اوزره کوزینوب بوسبیله ایلد  
کوکب مستعلی اقبالی هابط و کیدرک نظر سردار اگر میدن ساقط  
اولوب بوی کیفیت معلوم حضرت تاجداری و عزله اراده  
سینه جاری اولمشیدی بناء علی ذلک اردوی هما یونه خزینه  
ایصال ایتمک ماموریتی ایلد پادر رکاب اولان میر اخور اول مصطفی بکه  
خفیه کتخدای خط شریفی و رلدیسه دخی خزینه ایلد عزیمتی زمانه  
محتاج اولد یغدن ذکر اولنان خزینه ادرنه طرفنده اولان قویجی باشی  
عبدالله اغایه تسلیم ایلد و رادن ایصالی ناکید ایتمک و کندی دخی  
بران اقدام اردوی هما یونه عزیمت ایتمک و صایاسی رتبه بازوی  
ما موریتی قیلمشیدی میر موی الیه اردوی هما یونه وارد و ابرار  
خط شریف ایلد کده فی الحال مسند کتخدای به صاعد اولوب  
سلطی دخی خدمتی مشکور اولمق زمینده اکسای خلعت سمور ایلد  
مرور و بروقی اراده شاهی استانه سعادت طرفته راهی اولدی  
اعدام ترجان دیوان صدر سابق وقتنده نثار درهم و دینار ایلد دیوان  
ترجانی تحویل ایدن بقولای امور سقریه به دایره اکر ات ایلد صدر  
اعظم اظهار معلومات و بوسبیله تحصیل خصوصیت و امتیازات ایدوب

اهل اسلامه نظری کج و هر ماده ده کربوه کرد وادی عناد و لج  
ایلد زوج رای معوج ایلد بکندن فضله مقصد ما خیا لخانه فکر  
فاسدنده صورت ویرد یکی او هنام و خیالاتک بطلانی ظاهر  
واشکار و سردار اسکری بوسبیله ایلد جل و شر مسار ایندی یکی  
و بوکاد ارفقی چوق ملعنه اجسار ایلد یکی معلوم شهر بار  
عالی تبار اولمغه کتخدای سابق معینی ایلد استانه سعاده احضار  
اولدوب الای کوشکی التده کرد تنه حواله تیغ خونخوار و عبرت  
خذناشنا سان روز کار قیلندی میخال و بوده نک اوغلی میخال بقه  
ترجانی لغه انتخاب و اشبور بیع الاخرک او خجی کونی اردوی  
هما یونه ایاب و ترجانیلق خدمتی اکسای ایلدی (کیفیت  
محاصره خوتین و شهادت محافظه پاشا و استخلاص قلعه از محاصره  
و وقایع سایه) تفرق عسکر سبی ایلد سر عسکر پاشا و محافظ حسن  
پاشا و اون یک قدر پیاده خوتین قلعه سینه تحصن و هر طرفه  
جنکه میواله یکن و دشمن عهد شکن دخی خلومیدان و تفرق  
مبارزان سبی ایلد خوتین قلعه سینه نصف ساعت محاصره  
مترسارانشا و طویل و ضعیفه ترتیب لوازم حصار و اذا اتمشیدی  
سر عسکر ازد و سنده قرق برپاره طوب و مهمات سایه مقدمه ترک  
اولدوب نقله زمان مساعد اولد یغدن قلعه ده اولان اهل اسلام  
مبتلای اندوه و الام اولوب دشمن ایسه اوقوله مهمات ترک  
خدمت حریبه به جل ایلد اردو سینه نقل ایلد یکی تحقق ایتمک بوم  
محاصره نک فردانی محافظه مشار الیه ایلد و اغامی متر سکضوی  
عبدالله اغا اتقانی و مهمات مذکور نک قلعه به اد خیا چون  
میان حیه شد نطق ایلیوب اوچ یک قدر دلاوران میدان  
جنگ و و غا ایلد سر عسکر اردوسی برینه کلدکرنده طوب و خیام  
و مهمات و سایر اشیا قلعه به نقل واد خال و برخلال طشره ده ترک  
ایتما مکه نام و شیا نرین صحیفه زین ابطال رجال ایلد پرا عدا  
قلعه طبعیه مترسارین تقریب و اون دقیقه محاصره خندقل  
خفیه عسکرین تعبیه و ترتیب و اون برقطعه طوب اعمال و باش  
طایبه ایلد حاجی عثمان و مقتول اوغلی طایفه نرین دوککه اشتغال  
ایدوب فضل حق ایلد بو طوبلرک قلعه و اهالی به ضرری اولدوب  
قطر ایزوانجه طرفنده واقع برغه قریه سی التده ایجاد ایندی یکی



حصانات مستحکمه نك طوپلری محصورین اسلامه اضطراب و کمال  
مرتبه بیج و ناب و بیروب خوتین محافظی وزیر حسن پاشا ایسه حاجت  
دین و محافظه اعراض مسلمین ازاده مسیله یوسف پاشا طایفه سندن  
وسایر محاررین دشمنه کوز آچندز بیوب طوپ و تفنگ ایله  
اشغال نایزه جنک و طایفه زده اولان غزائی اغرا ایله مژسملری  
دشمنه خلعه میدن تنک ایدوب محاصره نك اون برنجی بازار ابرته سی  
کونی وزیر مشایز ایسه ماوا ایستنده جزوی راجت ایچون  
محل امر که دن غودت ایلدکده اعدانک برکون اول قارشو طرفه  
وافریاده سی کلوب ارنیادمان محصورلی منع ایچون کینکا هار  
بیدا ایتد کارینی رای العین مشاهده ایتکله کندیوه مخصوص  
تفنگلرینی بمقدار باروت ایله احضار و مستقر اولدی بقی محلدن درکین  
اولان مشرکینی دانه تفنگ ایله یزار و برقاچنی ایصال درکه نار  
ایلدیکی حنا لده اعدا طرفندن آتیلان طوپلرک برکله سی  
وتفنگلرک بردانه سی ارامکا هاری اولان محله اصیامت و فی الحال  
اطرافنده اولان باروتی اشغال و اندن اعمال ایتد کلری علو  
تفنگلره سرایت و قور شونک بیری طوپوغنه راست کلوب  
اوهز بریشه جسدان فی زخمیدان و اوج کونون ضکره  
عزم دارا القرا زایلدی رنجه مشار الیه تمش اوج نار یخنده  
مظهر قهرضا خب عصر اولان احتیاج احمد پاشانک بخدومی  
اولوب مسقط را سی اولان اولیده مقیم لیکن باریقه میر عیرانی  
یخنده ابالی ایله نایل مانی و تمش ش نار یخنده وزیر و اوج  
سینه بلا انفصال کرجستان مژسکر لکله ناسم و شانی  
فلک مسرا اولمشیدی سکستان ایکی نار یخنده کوستندیل  
سجاعتی الحاقیه سلا نیکه منصرف و سکسان اوج محرمده  
توجه اولسان اوزی محافظلقندن ماموریتی خوتینه منصرف  
اولوب وجه مشروح اوزره ترک عالم فانی و غزم سمت جاودانی  
ایلدی مشار الیه قرط جسدانله معروف و حلم و وفار  
ایله مالوف زعابا پرورداد کستر و تبین الوزرا موفر  
و مقبر شجاعنده قهرمان و علو همت و اقدامه  
رستم داشتان و خفی صبح اوصد ری قسبح و اعتقادی  
صحیح بر وزیر صاحبان دیر ایدی بینه صدده کله لم خان

عالبشان معینه مامور طوایف عسکری و پاشایوغ نصب اولنان  
وزیر علی پاشا و سایر وزیرای عظام و میر میران کرام پاش  
قصبه سنده اجتماع و احوال اعدایه اطلاع عقیده خوتین  
جانبه عزیمت و خصم ایله طرح بزم رزم ایتک فکر نده ایکن ناکاه  
اوپر فدن بوز غون عسکری ظهور و مامورلی کیکرده راه  
شور ایدوب نه حال ایسه مذکورل تعویق و اطرافه منشر  
اولانلری جمع ایچون اولانلر تفریق اولوب انلر دخی کلوب اردو به  
الحاق و بعض دالر استنطاق اولند قده دشمن بی میناق خوتینک  
برو طرفنده واقع اق مسجد نام محله دك مژسکر حفر ایدوب قطنه  
وقزاق طایفه سنی قرا غوله تعیین ایله رصد بین شقاق اولد قلری  
سردار اکرم طرفه انما و بر مقدار ذخایر و مهمات ایستد ما  
ایلدیلر اوج بیک قدر دالقیج و مهمات و ذخایر و وجوه سایر  
ایله امداد اولند یغندن غیری الی بیک غروش دیل و کله کور نلره  
و بزمک اوزره از سال اولوب بران اقدام اعدای بد نهاد اوزرینه  
سوق کایب و اجناد ایتلری باینده جله سینه خطا با امر جلیل  
الاعتبار اصدار اولمشیدی بورتیسات و صول بولزدن مقدم  
میر میراندن چلک پاشا خزینه داری اولان علی پاشا کند و عسکری  
و معینه مرتب سایر عساکر ایله تعیین اولوب کفارک قطنه زبینه  
قانی کیری نام محله مصادقه ایله اکثر بسن قنطره تیغ تابداردن  
امرار و برقاچ مژسملرینی ارامگاه چند نصر تشعار ایلیوب  
قطنه لک بقیه سی خوتین پیرامنده اولان سوراخ طابوره ماردم  
بریده کبی انسیاب ایلدیلر طرف اسلامدن سرزده ظهور  
اولان جرات و اقدام باعث خوف و خشیت اعدای لشام اولوب  
قلعه طرفندن شجون و او طرفدن هجوم ایله جالری دیگر کون  
اوله جغنی قومیه مذاکره و مژسملرینی ترک و مفاد زده و اهالی  
قلعه بو وجهله و ارسته اضطراب محاصره اولوب دشمن دخی  
کرجخانه و راستنده احداث ایتد یکی استحکاماته سعی بوج  
ایله و اوج و سیدیاب خروج ایلدی بوندن ضکره اعدانک  
تخصن ایتد یکی محله بوریش خصوصی خان عالبشان و سکر  
پاشا و پاشایوغ و سایر افراد عسکری ایله مشورت و جله سی  
رایرینه موافقت ایله بالاتفاق مژسکر حفره مباشرت و قلعه ده



و بر طرفه اولان پیاده کسان زمره سی متر سله تشکین  
و سوار باری اطرافه تعیین اولوب بوند بیدلید بر دشمن دینه  
تیر مسموم بکفی تا تیر و کند و لرینه مقدمه استیصال و تیر  
اوله جغنی ملا حظله ایله شهر ربيع الاخرک او تبحی بازار کجه سی  
متر سله ردن قمار شو طرفه مرور اسبابک نهیته سنه شروع  
ایتد ککری معلوم چند ظفر متبوع اولد قده علی السحر خان  
ووزرا و سایر زنی تعقیب و نهر طور له ده اولان کبر بارینه دك  
اوقوم مستحق اللومی تعجیر و تغذیب ایلد ککریدن غیری جسر  
مد و د زین فسخ ایدنجیه دك وافر ی کشته حسام اسلام  
و قلمره نعییه ایتد ککری الی قطار بازوت رسیده معرض  
نقل و اغتنام اولدی (عزل صدر اعظم الحاج محمد امین پاشا  
و نصب علی پاشا) روایت صحیحیه به کوره مشار الیهک استانه دین  
خرککئی مسقولوبی اخافه و توهیم ایله له مملکتدن اخراج  
و قوم مذکورک بین الدول مشروط اولان سر بستلکرینی ابقایه  
مبنی اولوب ایساقچه به واریجه طوایف عسکری بی داد و دهش  
و انعام و بخشش ایله مظهر التفات و نوازش ایدوب طونابی مروردن  
ضکره ممالک محروسه دین دریا ککری عساکر اسلام جوش  
و خروشه ککروب بر مرخله دین نهضت و یورد برینه کلنجیه دك  
مر حلتینک ایتداسندن ایتها سنه دك سواد عسکر زایل اولوب  
بوقدر نفوسه ذخیره ایصالی خارج طاقیت بشیر و فی الاصل  
ادخار اولنان ذخایر دخی قلیل اولوب عسکر کثیره به وفا ایتیه جکی  
مقرر ایکن خان دپه سنه واریجه دك ته حال ایسه خلفه مستوفی ذخیره  
توزیع اولوب اردوی همایون بندره و ایکجی دفعه ده خان دپه سنه  
کلدکده مدخر اولان ذخیره نفاذ کلوب اطرافدن جلیه ضرورت  
الجا و مامورلر خواب و راحت ترک ایله اومقوله بی انصافلره ذخیره  
بشدردمک امرنده سعی اوقی ایدرلر ایدی فضایل غرا و جهاددن  
بخشیر و نوایب و شداید بقریه به متحمل اولسان ارباب ترفه  
و بطرفل ذخایری بهانه ایله ارزوی لذت بالین و پست و بر  
معبردن طونابی ککدر و استانه سعادت کلوب معلوم جهانیان  
اولان سینه لرین درلودر لوعلل ایله متواری و تبحیح غضب جناب  
شهریاری ایلدیلر دشمن دخی له مملکتدن عسکرینی اخراج

اینبوب خلاف ملاحظه مقابلیه جسارت و طور له بی برو کچوب  
سر عسکر اردوسی بر منوال محرز پریشان ایتد ککدن صکره  
ایکجی دفعه ده قلمه محاصره سنه مباشرت ایلدی عسکرک  
عدم ثباتی و زاد و ذخیره تدارکنک صعوبتی و رؤساک بر محله  
مأموریتلری اقتضا ایلد ککده کوتا کون اعداز ابرادیه امر شریقه  
عدم امتثالری صدر اعظمی ایلام و مینلای علل و اسقام اینبوب  
مشهور ملل اولان عقل و درایتنه خلل و ذهن موشکافنه فتور  
و کسل و سودای مرانی و خولیا به مبتلا و رجبال دولت بهض  
امور معقر له بی افاده ده چین چین و اثر غضب و نفیرین مشاهده سندن  
هریری عزلت ککری کوشه ازوا اولوب بواسباب ایله  
برایکی دفعه صدارتدن استعفا و انحراف مزاج ایله امور دولت  
کبرویه قالمق رتبه لرینه رسیده اولدی یعنی درگاه والایه بالاسترحام  
عرض و انما ایتشیدی علل جزویه ککدرک علت نامه مقامه  
قائم و افواه ناسده اولان اراجیف و اغاوطه نك دفعی باینده  
عزلی نزد فرد نلو ککانه ده امر لازم اولغله جله اموال و اشیا سی  
انعام و ککندوسی دیمتوقه ده اقامت و ارام ایله اکرام اولوب  
نزع و دفع مهر همایون مصلحتی ضمننده میراحور ثانی کل احمد پاشا  
زاده فیضی یک اردوی همایونه مأمور اولمشیدی میرموی ایله  
ربیع الاخرک طغوزنجی سبت ککونی اردوی همایونک قرار کاهی  
اولان خان دپه سنه واصل و ایتد ککخدا یک ککانی ابراهیم  
افندی ک جادریه نازل اولوب رجال بابی احضار و مأمور بیتی  
جمله سنه اشعار ایلد کده ککخدا ی صدر اعظمی مصطفی یک و کاتی  
ابراهیم افندی سایبان سردار اکرمی به داخل اولوب مشار ایله  
فیضی بکک مأمور بیتی سوال ایلد ککده ککخدا یک تبلیغ حاله مقتدر  
اوله میوب همان ککاتب افندی قق در بجه مقال و مقدمه ماسوه مزاج  
مسبی ایله طرف همایوندن عزل استند عاستده اولد قلیته بناء مرام  
اصفانه لری قرین اسعاف و مساعده و تدبیر و علاج ضمننده  
یلامصا دره دیمتوقه ده اقامت لری اراده همایون اولدی یعنی  
افاده ایلد ککده میرموی الیه فی الحال دعوت و جاوشیا شی اغا  
معینی ایله بومصلحت دایر اولان خط همایونی اراشت عقیده  
مهر شریف استرداد و یکجیری اغاسی سلیمان اغا قائم مقامی



مسند به اصحاب اولوب خوتین طرفه یا شبنو غ اولان وزیر علی  
پاشایه مهر همایونی تسلیم ایچون میر موی الیه تشریفاتی وحدتی  
یکر افندی بی استصحاب و خوتین طرفه عزم و شتاب ایلدی  
صدر سابق دخی بر کیمه صکا لاول اوبه سنده اقامت و فرداسی  
نهر بروت کتارنده نصب اولنان خیمه سنه عزیمت و مختار لری  
اولان سه مشهور عثمان بك الیه بر سفینه به راسکب و طومار  
اوه دن نهر طونابه واندن ایساقی به واندن دخی مأمور  
اولدی یعنی دیمتوقه به ذاهب اولدی ماه مزبورك اون اوچجی  
کونی خوتینه ایکی یچق ساعت مسافه ده واقع بمکک نام محله  
میر موی الیه واصل اولوب تبشیر مهر همایون ضمننده شاطربنی  
ارسال واستکشاف اراده صدر فرخفصال ایلد کده برکون  
تاخیر و فرداسی پنجشنبه کونی ورودی تذکیر اولمشیدی  
یوم مذکورده میر موی الیه حرکت تاهب وارد و به نصف ساعت  
محله تقرب ایلد کده مشار الیه قارشو طرفدن ظهور ایدن کفار  
اوزرینه عسکر ترتیب ایتمک شغلی الیه برزده دامان تاب  
وتوان و ناچار بر قاج ساعت دخی اولدیغی محله ظهور اراده به  
نکران اولسی بیان و او او جهله مترقب امر و فرمان اولمشیدی  
شغل عسکر دن ازاده سر اولد قلی آن میر موی الیه  
ارسال پیام و اوتافه تقریری هنکام اوتوز خطوه بردن  
استقبال و صنوف تکریم الیه مهر همایونی تقبیل و نهاده  
جیب اقبال ایدوب بر موجب تشریفات جلّه به الباس خلعت  
و کاکان رویت مهم سفر به به مباشرت ایلدی (بعض حوادث  
اردوی همایونده خزینده ک فقدانی و اطراف و اصکنافده اولان  
مأمور لک اظهار صورت تنکد متی و ناتوانی ایلد ککری  
معلوم حضرت جهان بانی اولدیقنه بناء بودقه دخی اوچ یک  
بشیور ککبه به قریب مبلغ خزینده همایوندن افراز اولوب  
قبوچی باشی عبدالله اغا مباشرتیه خان دپه سنه ارسال  
و موکب همایون خزینده سنه ادخال اولندی اناطولی و البسی  
وزیر فیض الله پاشا ک مکمل قبو خانی الیه ایالتی آلوب  
بر آن اقدام اردوی همایونه التحاقی فرمان اولمشیکن سردار  
اکرم بندره و کافق اول خان دپه سنه ورودن مسکره اهسته

رقنار الیه برندن قیام و ایساقی صحرایسته رکز اعلام ایشیدی  
بودقه دخی حرکتی استیصال اولند قده باشنده اولان اولند  
بخشش طلبی الیه راه عزیمتی بند وارد وی همایون خزینده سنند  
یکرمی بش یک غروش قرصا طرفه اعطای اولمشی رجسایدوب  
مطلوبه مسافعه بید ریغ و رجسای قریب قیوی و توسویغ  
قیلشیدی بودقه دخی حرکتی محالی اولدی یعنی ایا تسلا  
حسن الیه بلا استیذان اردو سنندن انصکاک و خزان دپه سنده  
عطف عثمان والا بلربی اراشت ایلد تبرئه ذمت و بوندن مسکره  
تکرار مشار الیه استیصال امری اصدا و و کاکان حذر بازیه  
اظهار و اعانه خواستکار اولوب بودقه دخی مطلوبی قید  
مبلغ استقراض و هزار صغوبله برندن انتهای ایلوب قیوسی  
حلقدن ماعدایک قدر لونیات الیه خان دپه سنه ککلوب  
قایم مقام پاشا الیه ملاقات وارد وی همایونک برجا بنده رکز  
زایات ایلدی رلوا بی شریف سعادت ردیفک قدوم شتا و محاذیر  
اخری الیه خان دپه سنده اقامه سی رجسالی دوات علیه طرفه  
استصواب و افاده سی فیضی بکه اشراق اولمشیدی میر موی  
الیه خصوص من ککوری بیان و امشال الیه دخی بو زانی  
استیصال ایدوب الحق بعض امور دپه بوی ایچون رئیس  
الکتاب محمد رجائی افندی الیه تذکیر تانی عبد الرزاق افندی  
وزیر دینی فرمان و اولد دخی بلا توقف صدر اعظم طرفه سوق  
یکران ایلد یلر کفار اشزار هر طرفدن مالک اسلامیه بی بازده  
مضار اتمک مقاصد الیه بودقه آقظوی کچوب اوزی اطراف  
اولان قشلاقلری بعضی احراف و حرا به زار و دواب و مواشی بی  
سوق الیه بر قاج ککبه بی زحمت ایلد ککری محافظی وزیر  
سلیمان پاشا استخبار و بالنقش اوزر لینه ایلد ککری  
مشغورل خوف تعقیب الیه ککله کلری محله عزیمت و امشال  
الیه دخی عتدای و ضول المیله هو دت ایدوب بوندن مسکره جا بجا  
اصدا بو طرفه دهشت القاصندن خالی اولد ککری هویدا  
و ککند و سنک بالنفس قهر دشمن و سبله سبله قلعه دن  
خیمه خلاق مأمور بی اولوب لیدی الا فضل ایلد الیه  
محاذیر اتمک ایچون بر مقدار سوار بی تعیبتی انهناء و اوزیده



اولان وجوه قوم بوغزینی امضا ایستاداریدی که بختبند عسکر  
 اشید زومی طاهر و او طرفدان طلب عسکر مقتضای حاله  
 مغایر اولد یقین اردوی هما یونده موجود قره سی سنجی  
 متصرفی عبد الله پاشا و معتدله اولان لوندانک لوازم و حواجی  
 زویت و اوزی به تعیین و قلعه مزبوره نیک اطراف و وجهه  
 تحصیل اولندی (فوت قاضی اردوی هما یون عبد الله افندی  
 مشد ایله متاعب خط و ترخال سفر به ایله ضعیف الحال اولوب  
 بندردن خیابان دبه سینه کلد کلد ضعیف و خودی اشتداد  
 و عاتی کبدلک امتداد بولوب قشلاق طرفته اردوی هما یونک  
 حوه تی وقتی دینی نامعلوم و کبدلک اسباب راحت و حضوری  
 معدوم اولد یقین بالاسلطان نهر ایستاداریدی قصه سینه  
 روان اولمشیدی و بر قایق کون قصه مذکوره ده اقامت  
 و شهر مذکور یکری بشی اثنین کونی سفر آخرت ایلون  
 سلطان عثمان خا مع شریفنده صد و استیق نین ابراهیم پاشا  
 فرستده و او خا تر کافه علوم و فنون مدفون قبلدی مشار  
 الله صونا ظری التوفیق محمد اعلی ک فیلدن یوز اون سکر  
 تار ایچنده کم عدد میدان سیاحت وجوده قدم و عنوان شایده  
 وقتی حصین انواع علوم ایدوب نیلی اجد افندی و مدرسی  
 محمد افندیان هر فنی طریق اوزره اخذ و تلقی و سکون بکون  
 درجه استعدادی کسب ترقی و یکری بش تار ایچنده ملازم و فرق  
 درت اسنه مسئله شیخ الاسلام میرزا زاده محمد افندی بالامتحان  
 رؤس الخدیله مظهر مکارم اولمشیدی داماد زاده فیض الله افندی  
 مشیخته قدسیه حاکم و انتضای مدت حکومت ایله استانبوله  
 قیام اولد و در حضور در سینگ برنده مقرر اولوب سعه علمی  
 معلوم حضرت جهاندار ی اولفله شام پایه سینه دنوارنده  
 اکرام و ویش درنده مدینه منوره قضای سینه رخصتای  
 روضه مطهره سید الانام اولدی سکنان رسالنده استانبول  
 پایه سنی احراز ایله بالار و سمر منزل امتیاز و بر سینه دن سکره  
 اردوی هما یون قاضی سینه مظهر صوف اعزاز او اوب  
 سکمان اوج اولنده انا طولی پایه سینه قدسی افزون و تاریخ  
 مذکورده ذابق مرارت زیب المنون اولدی مشارالیه

سوره بقره اولینه باز دینی جاشینه پضاوی اسلام قبول و فنون  
 سواره به متعلق رساله لری متداول و مقبول و بعضی ترکی اشید  
 انشاده دینی میل و رغبت و عسیدی مختص ایله از مایش معرفت  
 ایلیوب خوتین قلعه سی تحلیض اولند و ده انشاد ایشدیکی تار بخدر  
 عبد یارنج قهرین دیدی ایل عرش و فرش مشقوی قلدی  
 مد مر سب سلطان مصلحتی (نصب حصین و عبور عسکر و ظهور  
 پریشانی) خوتین قلعه سی محاصره دت تحلیض و تدمیر اعدا  
 بین از و مسا تبصیر اولوب روز بروز دلاوران اعدا سوزدن  
 جسدانته اعتمادی اولنار فوج فوج نهر طور له بی فار شو کچوبه  
 دشمن سوار سینه مکافسه و مطسارده و دیل و سکله اخذ ایله  
 و طرفه معاوده ایدر ایدی اردوی هما یونک اجزای حصین  
 نواشده تما ما جلب اولوبه قلعه جوارنده واقع یکیدر محله حصین  
 انشا و فار شو طرفه متر سار و بعضی استحکامات وضعی ایله  
 دفع کبد اعدا قلعه دینی متعلق اولد و ده گفتار کمال خوف  
 و خشیه دوجار و حصین مذکورک انهدا منه الت اولور  
 بزوع صنعت اجرایی نتیجه افکار ایدوب بالآخره بریحی ذراع  
 حریج الشکل بر صندوقه احداث و درونی اجزای تار به ایله املا  
 و اطراف اربعه سینه درت قطعه مملو طینه تعبیه ایدوب شویله که  
 جریبان ما ایله اجزای حصین بر محله طینه لک بری دو قفسه فی الحال  
 اشغال و صندوقه به سرایت ایله حصین قطعه و علندن  
 ابطال ایله چکنی دلائل متاعبه ایله استدلال و بر کچه  
 ذکور اولنسان صندوقه بی اوج میل بو فارودن نهر طور له به  
 القاء و امواج نهر ایله اکر چه تخمین ایلد کبری حصین  
 محاذ سینه اصابت و التقا ایلدی انجق طینه لک بر محله اصابت  
 انجق صندوقه ده اولان اجزای تار به دینی رشاشه آب  
 ایله متبیل و صندوقه مذکوره علی حالها بر محله توقف ایله  
 دسینه لری مطلق اولوب بوق کعبه بعضی غرات هدایت منهاج  
 وقوف ایله ذکور اولنسان صندوقه بی هیئت مجموعه سینه نهر دن  
 اخراج و حضور سردار ایدوب به تبصیر ایدوب بوق مقابله ده  
 جبهه ایلد لری تقدیم ایله تبصیر و سراقشار لری خلدن  
 بزوبن دنگ ایله ترین اولندی دشمن بداندیش اعمال ایشدیکی



مکرو فریک بر مصطفی برآمد یعنی مشاهده ابله مبتلای اندوه  
و تشویش اولوب قارشو طرفه قصد محافظه جسر ابله درون  
مترسده در کسین اولان چند موحدی سر آزرده شیخون ایتک  
باینده اعمال نیرنجیات و فسون ایتشیدی جسر مذکورک  
بر طرفی منقض اولق جهتیه راس جسرده حفر مترس ممکن  
اولوب قرار نهاده واقع پشته ده فقط به مقدار محل حفر و مترس  
اختصاص اولد یغندن بر طرف استحکامدن عالی و اعدانک بو جهته  
ایرات مضره بحالی اولوب لبله عسکری ترتیب و بر فرقه سنی  
مترس و دیگر فرقه سنی جسر اوزرینه تسریب ایتشیدی  
عسکر اسلام دشمنک هجومی عدم تقریب ابله فارغ البالی  
اولد قلری عاده ایکی طرفدن حمله یه تاب اور اوله منوب مترسری  
تک و ارزوی جسر ابله عودتده کفار مصادفه و ایکی طرفدن  
اغاز مصادمه و موافقه ایتلریله اعدانک اکثری ایصال  
در کده نار و بقیه لر پی رهروادی قرار اولوب چند موحدینک  
پیشانی لغی موجب نصرت و سبب فوز و سعادت اولوب  
ادوات جسر کا کان محلقده رضین البیان و وارسته کزند  
اهل شریک و طغیان اولدی اناطولی و البسی وزیر فیض الله  
باشا و سایر طوایف عسکری اردوی هما یونده احتشاد و عد  
و شمار لی متفاوت راده اعداد اولد یغنه پناه بر قاچکون صکره  
حضور سردار اکرمیده عقد جمعیت و اعدانک تدبیر دایر  
جمعیت اولوب قارشو طرفه بحمدنا ترتیب عسکر و اعدای  
مقهور و مند مر ایتک خصوصی مقرر اولوب جنادی الاولی تک  
سکر نجی سبت کوفی اتفاق ارای کار ازمود کان روز کار ابله  
صنوف عساکر قارشو طرفه امرار اولوب قرار کاه اعدا  
اولان مطره جی قریه سی پیشگاهنده ترتیب ساق و قلب و اغاز حرب  
و ضرب قلند یسه دخی دشمن پیشه زار ایچنده بولوب بحال  
کر و فر متعذر اولق حسیله محاصره اطراف و انحصار و تضییق اعدا  
اولی کور بلوب اناطولی و البسی بر طرفدن و دیار بکر و البسی  
بر طرفدن و روم ایلی و البسی محمد پاشا بر طرفدن و خان عالیان  
قاسم طرفندن و سردار اکرم حضرتلری پیشه زار طرفندن  
اهلک جنگ و قتال و دبل و کله کتوز نره فغ همان افضل

قلنوب هر طرفدن اقرار کرد کان وحدت خدا انواع و عدا ابله  
تشویش و اغرا و کیدرک دشمنک اوچ درت مترسی و الی قطعه طوب  
و ایکی قطعه جبه خانه عربله ری رسیده ایادی غزاة و خان و سایر  
دلاوران طرفدن اخذ اولنان کله و دبل سکر یوز عده منتهی اولدیغی  
تحقیق کرده رواة ثغاة اولوب بو کسبیه طابور اعدا مصحح  
و دروینده اولان خذله مشرکین مستأصل اوله جفی تحقیق ایتش ایکن  
پیشه زاره تعیین اولنان پیاده یک بشپوز مقداری اولوب  
بعضی کله و دبل اخذ ابله و بعضی مجروح و شهید لر پی  
نقل ابله مشغول و بو تقریب مقابله اعداده مبارزه اید تارک  
عددی بش التوزه موصول و وجه اخر ابله امداد ممکن اولوب  
سوار یک دخی طوب و خبره اتش لرندن سوار اولد قلری مشهور  
کفار اولغله همان بالقا ندرده اولان مترس لر دن خروج  
و متفرق اولان عسکری دوشوروب مقدمه ما طرف اسلامدن  
تسخر اولنان مترس لر پی ضبط و قلت پیاده حسیله مدافعه  
مکن اولوب بوم مذکورده حاصل اولان فوز و ظفر ابله  
فتیحت و قرار کاه عسکر اولان محله رجعت ایلد یلر  
بودن صکره تکرارند میر کفار مصطفی ضمیمه اسفاره و بر کاد  
افسکار اداره اولنوب اون ایکی یک قدرت القلیج تحریری استصواب  
و بر طرفدن قارشویه امرار ابله اعدای مبتلای دوشاخه  
اضطراب ایتک امرنده اتفاق اولنوب تدبیر مذکورده مباشرت  
خلالنده بر قاج کون علی التوالی نزول ایدن باران سبی ابله  
نهر طور له طغیان و جسرک طونیا زری نقصان اولق  
خیشنی ابله ایکی جانبی عربله ابله تکمیل و تزیید موج ما عربله ری  
تحلیل ایدوب ماه مزبورک اون النجی بازار کیجه می بقضاء الله  
قتال کور پی و سطنندن شکست اولوب تکرار ربط  
وقار شوده اولان عسکره امداد خصوصنده سردار اکرم  
و سایر لر یک رای و تدبیری قطعاً مفید اولوب بو طرفده اولنر  
قار شوده اولنرک حاله نکاه و مدانین واه ابله افلاکه  
اطارده دود سیاه ایلد یلر اعدا بو حال بر ملا له اطلاع و ابتدا  
لوند طایفه سی اوزرینه هجوم و بر قاج ساعت محاربه ایدوب  
ظفر دن محروم اولد یغندن یکجیری مترس لر پی کلب عقور کپی



مهاجم و غزاه اسلام دخی محاربه ثابت و قائم اولوب صباحه دك  
 بوحال مستمر وقتی حوق كافر ناردوز خده مستقر اولوب سران  
 غزاه ظفر سماتدن قول كخنداسی و طور ناجی باشی و نفر اندن دخی  
 بعض كسه ل نایل رتبه شهادت و عیارم حیاض ریاض جنت  
 اوان یلر فرداسی زمره موحیدینك بر مقدار ی برو طرفدن تدارك  
 اولان طومبار زایل و بر مقدار ی تا تار طایفه سی بدلیله برو طرفه  
 امرای و انا طولی والدسی دخی بر تقرب ككمار سلامته چیقوب  
 شكر گذار ایزد سستار اولدی ایتسی کون بو طرفه هر روز قدرتی  
 تحصیل ایتمن اسلام اوزرینه تکرار اعدای تمام هجوم و اقدام  
 و یا بن مداخل و تخارج ایله بولرد دخی مقابله یه اهتمام ایدوب  
 بش التي ساعت اقتصاد نایره جنگ و خون اعدا ایله روی صحرائی  
 ششكر ف رنگ ایلوب بوفرده ناجیه نك دخی بر مقدار ی شهید  
 و بر مقدار ی برو طرفه کیچور لملكه جامه پوش رند ككائی جدید  
 اولدی قارشو طرفه اولند طایفه سندن قلان التور مقدار ی  
 شواری و سایر عسکری لهندن بئدره وصول خلیا سبله قماچه  
 طرفه اینفتار و اوج درت محله اعدا قطنه لیه طرح قرعه کار  
 زار ایدرك وافر لشكر بی ایماقی طعن سیف و سنان ایله رهبری  
 نار سوزان و بولردن دخی بر ایتکیور قدرتمند دلاور عزم سراستان  
 جنان و باقیسی برو طرفه هر روز ایله تخلص جان ایلدیلر قارشو  
 طرفه مقابله اعداده شخص واحد قالمیوب برو طرفه کیچن  
 طوایف عسکری دخی بلا توقف هر روزی بر طرفه شتابان و خویشتن  
 قلعه سی دخی ایکی دفعه محاصره ككوروب اثر بنا دن عاری  
 و هر طرفه و هن و ترزل طاری اولد یقندن بشقه موجود اولان  
 ذخیره دخی یکریمی ككونه و قایدوب تقرب شتادخی بوحوالیده  
 مكث و استقراره مانع و رو ساینده اینسه انواع اختلاف  
 واقع اولوب حال بویه ایکن بالغا ما بلغ بخشش و علوفه عرضیه  
 خویشتن محافظه سی سردار اکرم التزام و دلال و سا طیله  
 ابلاغ پیام ایتمن ایکن خدمت رعیت عسکریدن بشقه محافظه  
 تعین اولسان وزیر ابازه پاشا ایله خویشتن اعلا سلك انجی  
 بشر التیشراد مملری قالمیوب انلردخی خوف جان ایله قلعه دن  
 كزیران اولدیلر بوزور نله محافظه قلعه دن مأیوس و سردار

اکرم رؤسایه نظر ایله دسترن حیف و افسوس اولوب اکر  
 اعتنا عادت اولسه کندم بالنفس اتباعم ایله محافظه قلعه یه غیرت  
 و ورای مشیتده حق تعالی نه تقدیر ابتدیه رویت و جهان عزیزم  
 فدای صاحب شری سلطنت ایلریدم دیه رك اشكر بر حسرت  
 و قلعه ده اوچوز باره طوب و مکمل جبه خانه و بر مقدار ذخیره  
 تركبله ماه مزبورك یکر منی بخشینه کیچه سی صدر اعظم  
 خطرتلری و سایر وزرای عظام با جمعهم اردوی همایون طرفه  
 سبل منحدر کی سبلان و اولحصن حصینی بلا تعب تسلیم ابادی  
 اعدای بدکان ایلدیلر صدر اعظم مهر همایون ایله مکرمل اولد قده  
 خان و سایر ارباب و قوف خویشتن شتاسی سایر محاربدن مقدم  
 کله جکئی افاده ایله اوج بش ماهدن بروجه اسلام کفار بد انجام ایله  
 جنگه اقدام ایدوب بازوی اقتدار زینه فتور و غیرت  
 و هم تارینه قصور طریقان ایدوب تخلص قلعه بی غنیمت غدیه خرابه  
 مشرق محاربه تمیرو محافظ و عسکر و سایر مهمات و اواز منی  
 ترتیب و تدبیر ایتد ككدن صکره اردوی همایونی طوئادن امرار  
 و محل مناسبه قشلاقی مصلحت خیره دن معدود دزدیور بر  
 بسط گفتار ایتملر ایدی ككلامری محض صواب اولدیغی  
 معلوم صدر عالینساب اولوب انجی خویشتن صحرایی شمش یك  
 قدر جنك آور عسکر ایله ملو و ترك جنك ایله ككبرویه عودت  
 بین الناس سبب گفتگو بلکه باعث غلو اوله جفنی ایما و ناچار  
 ككوری انشا و قارشویه عسکر اسرا ایلایوب تحریض و اغرا  
 وجود و سخفاده قصور ایماش ایکن قضا و قدر بوشویه بی  
 اجرا و شامت غرور و جهال لشكر بولرده ارتکاب ایتد ككلمری  
 ظلم موفوره پاداش و جزا ایلدی ( و ورود سلحدار حضرت شهر باری  
 باردوی همایون ) خویشتن قلعه سلك استخلاصی و قانچه و ایز و آنچه  
 طرفلرینه بعضا عسکر تعینی ایله جنود موحیدینك غلبه سی  
 مقدما سامعه رسن همایون اولد یقنه پشاه اوغور دین مینده  
 سبقت ایدن خدمتلرینه مكافات و بوندن صکره ظهوره  
 ككله جك اقدام و هم تارینه سبب شوق بی غایات اولمق اراده سبله  
 بر موجب روزنامه سردار اکرم و خان و سایر وزرا و رؤسایه  
 قشربقات و عظیبات ترتیب اولوب مفاو فی خزینه ایله طرف

\*



مستجمع الشرف شهریار بدن سلطدارانی خدمت متبعه لایله شرفیاب  
اولان محمد امین اغا تعین وطنی منازل ایله خان دبه سنه تقری  
واصل سمع یقین اولدیغنه بناء مشار الیهی بکک برندن رجال  
باب مهتر خانه ایله استقبال وقایم مقام پاشا خیمه ستمک جانب  
میننده نصب اولنسان اوبه به تنزیل ایله رسم مهمانوازی حقنده  
اکمال ومستصحبی اولان اشیا ونقود اردوی همایون خزیننه سنه  
نقل واد خال اولندی ( اعدام صدر سابق محمد امین پاشا  
مشار الیه اردوی همایون ایله داود پاشا صحراسندن نهضت  
وزو سنا وطوایف عسکری بی مظهر نوازش و رغبت ایدرک  
بندره واندن خان دبه سنه غودت ایدوب ککافوا احوالده  
خلاف امر همایون وضع وحرکت اجتناب لازمه سرداری  
عسکرده ذره ماقصور و نوائی اختیار ایتماش ایکن برنار بخنده  
اجتماع ایتماش عسکرک ذخایری تدارک کنده ترک خواب نوشین  
وقلت ذخایر ظاهر اولدیغی حین بعضا نصف وبعضا یدیل ایله  
اداره اقوات موحیدین ایتمش ایکن نظم اذالم یکن عون من الله  
للقنی قاول ما یجنی علیه اجتهاده مفهومی اوزره شعبی هیا  
وهمتی سبب جفا اولوب چمنکی لعب چمنکی عدایدن باشی بوش  
عسکرک شداید سفره عدم تحملاری و ذخیره بهانه سببه  
غیبت و فرار لری مشار الیهک سوء تدبیرنه جیل و اسنایم  
و غلام کبر اولان مدایحی نقایص و معایبه ابدال و جدت مزاج  
وناس ایله عدم امتزاج ذمیمه لری نشر و اشاعه ایله ککند و  
سبب تلبین مستور و کیدرک تقول ایلد ککازی اکاذیب  
وارا جیف اظهار غضب و نهورده خاقان زمانی معذور  
و علی المریب شواهد لاندفع مصرع مشهورنی حقنده مذکور  
ایلدی بناء علی ذلك مشار الیه دیمتوقه به عزیمت نبی ایله  
ایسا خیدن حرکت اثنا سنده اعدامه اراده تعلق ایدوب  
قبوچی باشی شیرین خلیل اغا خط نهانی ایله بو مصحفیه تعین  
اولنوب مشار الیه ادرنه به متقارب اولدقده ادرنه بو مستانچی  
باشی اسماعیل اغا به قبوچی باشی قضیه بی سرا افاده و طریق  
اعدامنی بالاسنایزه اما ذه ایند ککدن صکره برقاچ سیاحت  
مسافه دن بوستانچی باشی استقباله شتاب ولدی الملاقات میرا به زولنی

صورت اگر امده اشرا ب ایدوب مؤمنی الیه غرس یمینی اولد یغندن  
باشقه ملا حظنه به ذاهب اولوب دعوتی تمحض غبود بته حمل  
ایله سرایه نزول و برقاچ دقیقه خلوتنده قضیه بی افاده ایله  
اودستور و قورلی مرجع اصل سنه فوضولی و طریف و تلبید  
وغتیق و جندید هر نه به مالک ایسه مباشر من قوم بالجهله قبض  
واستثانه به ایصال و تسلیم ایدانی اما انکاران دولت اید اتصال  
ایلدی ترجمه مرحوم مشار الیه هند ایلچیلکی ایله نامدان و وسعت  
حال ایله شهره روز کک اراولان الحاج یوسف اغا کک بک یوز اوتوز  
الی تار یخنده صلب پاک کندن ساحه نیرای عالم وجود اولوب  
فرق سواد و بیاض و تمیز جواهر و اعراض ایلد ککده العلم  
للفس نور تستدل به علی الحقایق مثل النور للعبین مضمونی  
قهم و ادراک و لیل و نهار معرفه ککوشش ایله کاه سیر  
بسبط ارض و ککاه سیر افلاک ایلر ایدی بر مدت مرورنده  
اذلزم الناس الیوت و جدت هم عمایه عن الاخبار خرق المسکاسب  
مفهومی پیش نهاد و بعضا پدر لری معنی ایله و بعضا علی الانفراد  
قطع اغواز و انجاء ایدوب نشوین کک بش دفعه خدی  
خوان راه حج و اشقاط فریضه عیج و میج ایند ککدن صکره  
اللی یدی تار یخنده قصد سودا ککری و تجارت ایدن پدری ایله  
هنده سفر و الی ماه قنر مششاهین بلدان هندی نیر ایله مصنوعات  
خالق البشره تعلیق نظر ایند ککدن صکره بندر جده به امانه  
سکان عود و قفول و ایدن ککجه الامال اولان استثانه  
سغایه حط رحل و وصول ایند ککیدی دولت علیه طرفندن  
سالم افندی هند ایلچیبسی نصب اولنوب صاحب ترجمه کک  
پدر لری من حوم توانکر و ذی مال و هنده سفر ایله واقف  
احوال اولق سببی ایله بالاستعمانه مقام مرا فتنی استدعا  
و مؤمنی الیه دخی تکمیل ناموس دولت قصدیه ککافه امورنی  
رؤیت ایله تحصیل رضا و بخند و منی یسله الوب بوجیت ایله  
زمان عزیمتی طرف هنده اراخا ایلدیلر باد لالت خضر توفیق  
هند اقلیمندن اورنک آباد نام محله وصول خللا لنده سالم افندی  
بعض امراض ایله سر نهاده بالین بیماری و برقاچ ککندن صکره  
خلول اجل موعودیه در وجودی صدق زمینده متواری اولوب



دولت هند مرا تهنه صدارة عظمی مصطلحی اولان نظام الماک  
امر امر سفارتی صاحب ترجمه نیک پدر لری موی البهه احاله  
وتفویض و نظیر التفات ایله که داشته و ترمیض ایدوب سفارت  
و کالتری نادر شاه ایله هند بزرگ مجادله و مجادله لری هنگامه  
تضادق ایدوب الی سینه قدر تحمل اعباء غربت و تفرع زهرایه  
مشقت عقیده او طرفدن فک انکار ارجیاع و مساعده ایام ایله  
خرسای جده ده لف شراع ایلدیلر والد لری بدندن جواب  
قباله هیا بونی الوت بحرامضره کور ایکن ناکاه روی بحر قلم  
مکفر و امواج یم زخار خیال راسیات کبی نهدر اولوب  
سفینه لری شکست و تلف نفس اماره لری ظاهر اولمشیکن  
امداد جناب رب العباد ایله نور طه هولنا کدن تخلص جان  
و مصره وصول ایله شکر کذار جناب سبحان اولدی مصردن  
دخی استانه به واصل و حامل اولدیغی تحریراتی مجلته تسلیم ایله  
انواع التفات نایل اولد یغندن غیر قلمه الدیغی تقریرک سبک  
ورفتاری خوش ابتده طبع حضرت تاجداری اولوب اوزمان  
مجمع اهل عرفان و عزتی من کل الوجوه نمایان اولان مکتوبی قلمی  
خلفا سینه الحاق و تیراقبالی اشراق اولمشیدنی یتش بر  
جادی الارسلینک اوتجی کونی باش خلیفه ک ایله پاتهاد اولین  
خرقات کامکاری و یتش بش صفرته صدر اعظم مکتوبچیلکی  
ایله مندار بخت سازکاری اولوب یتش سکر صفرینک بکری  
ایکجی کونی اقضای مراتب کاب دیوانی اولان مستدریاسته  
اعتلا و سال مذکور ذی الحجه سنه اسم ساهسی داخل دفتر و زرا  
و توقی و موره محصلاتی ایله داغزن قلوب امثال واکفا اولوب  
سکسین شعبانده قیودان دریا طوسون محمد پاشا وقعه سنه  
وکیل و استانه به کلجیه دک تسویه امور دو تناده بروزنده سعی  
جیل اولوب سال مرقوم توجیهات تهنه ایدین مخلصانی ایله چشم  
ابتهاجی تویر و سکسان بر شعبانک اوتجی کونی نامزدی  
شاه سلطان علیه الشان ایله قدر و شافی تویر اولندی بر قاج  
ماهیدن صکره حلب ایالی ایله بکام و سکسان ایکی ربیع الاخرینک  
بکر منجی کونی سلحدار حیره پاشا به قائم مقام اولوب منه مرقومه  
جادی الاخره سنه صدر اعظم و سپه سالار اکرم اولدی بالاده تحریر

اولان علل و اسباب ایله عزل و دیمتوقه به آدهیاب اولمشیکن  
الموت ما یجیک من افاته حصن و او شیدنه بالچندل مقهوری  
اوزره دست ککر بیانکیر اجلدن رهیب نجات اولوب  
مقتضای سیر نوشت ازل ایله دایره هسیندن معده و معازم شهره  
لوم معلوم اولدی مشار ایله جودت خط ایله مشهور و مقدمات  
علومه اطلاع ایله فارق میان غیب و حضور اولوب پاک سبزه  
صاحب فطنت میاند علیا به شایان و مستحق و اعتبارات ملوک  
تجندیر ولایتی بر وزیر ایدی بعضا میل انشاد اشعار و مقبول  
بلغا اولور ایران امار ایدو ککلدکلرندن بشقه فن انشاده درجه  
استعداد لری و از سنه قال و قیل و ککش خیال نامنده اولان  
تالیف لری صدق ندی به دلیله و متوفای مشار ایله مراتب  
بشیرت و اقتضای سندن اولان وقار و سکینه به بروجه افراط رعایت  
ایدوب غلو همت غیبی ایله خلقت رای زایفی استحقار و استناد  
و ادب لرده شخص واحد سله بعضا رخصت کق قار ورمکله  
ناسی دم و منسا و اینسه مجبور ایلد یکندن غیر اختلاف دواعی  
ایله خلفه ک علی العموم مطیالینه مساعده دولت یکن اولوب  
محظرا حضور لی بمنع اولان مراتب مختلفه دن یاس و حرمان مشاهده  
ایدنر مختلف مطلب لری مشار الیهک منع مجرده جزو ایله  
حقنه انسان مناوی و افترا بی حقه شیهه مغالطه ایله اطلاق  
و تمیج غضب شهر باز افان ایله علی زعمهم تشی غیظ و روجی  
از هاق ایدر دیلر مشار الیهک شجره عز و رفعتی خاقان عصرک  
نشاند و دست غنای اولوب هر جهته ککند و به حسن ظن  
و اعتمادی و جل غوامض امورد و رای صواب سینه استادی  
در کار ایکن ظاهرینان عوامک اغلو طدری مراتب تابنا کدن مصفا  
و پاک اولان قلب هما یونه تأثیر و مجرد قطع لسان ناس و سیاده  
لان زور و ککارک توهمیدن لازم کلان اندیشه و بایک اند فاعی  
اراده سبیل اودیلر و وفوره حواله شمشیر قهر و تدبیر ایدیلر  
بو حال ایله مرقومه متعلقات و اقریاستدن زیاده متیالم اولوب حقنه  
خواستکار رحمت جناب غفار اولدیلر اوایل صدر تکرده  
فی الحقیقه بسط کف ایله شهرتیا اولوب بذل و انفاقدن مقصود  
اولان امر مرقوم غزایه طوایف عسکر لری تحریر و اغراض



قصد ایشان عسکریده اولان جین و رخاوت و جهاد فی سبیل الله  
 مسلکته عدم ذهاب ایله محضاً جلب منفعت اراده سنده اولدقلرینی  
 تحقیق ایدوب ضیانت بیت المال اجتهادیه امشاک و اطلاق بیننده  
 پیدا ایتدیکی طوری خلق تقیر و ضننه جل و میاویسی محل محل  
 نقل ایدر اولدیلر بوفتصادادن ناشی مرخومک دماغی مختل  
 و غیرت و عارندن وجودی معتل اولوب خان دپه سنده امور  
 سفریه دن قطع نظر مصالح دیوانیه بی لیه رویتدن عاجز و درمانده  
 اولوب ضروری بزقاج دفعه تشبث ذیل استیعفا و دغدغه  
 صدارتدن تحلیضی رجاء ایلدی عاقبت و من الم یتم بالسيف  
 مات بغیره تنوعت الاسباب والموت واحد قطره سندن کثیر  
 واستیعفا رزق مقسوم ایله عزم عسکر ایلدی نجساور الله  
 عن سبانه (وصول صدر اعظم باردوی همایون و عقد مجلس  
 مشورت) سردار اکرم حضرت تری بالاده تخریر اولنان صورت  
 ایله خان دپه سنده عودت ایدوب ناوچ بش اساعتدن صکره خان  
 عالیشان دخی از دپه واصل و تصب اولنان خیامه نازل اولدی  
 خردانی مشارالیه و وزرای عظام اومیر میران و سایر ارکان دولت  
 مجتمع اولوب خان جمله دن اول تخریرک لسان و دشمن هر طور له بی  
 برو کچمدن شوقد روضنا و اتحاد ایله کلمه ملک خاقانی اولان  
 خوتینی ترک و روز کورمدن عسکر برزندن منفک اولدق هر بری  
 بر طرزه متفرق و پریشان اولملی بنی غمکین و نالان انجشدر  
 کلامی بسط ایلد کده سردار اکرم دخی خاقانی تصدیق  
 و وقوع بولان حالت مد هشی بی مثبت قضا و قدره تعلیق ایلدی  
 انشای زاهده یاش حوالسنتک محافظه سنی ایازه محمد پاشایه  
 و بیک نفر ادم تخریر بصله صور بقه و مویلوه تهریر لینی بتدر صاغ  
 قول اغاسی حاجی بکه سپارش و تنبیه او قویخی باشبلیق ایله  
 قدرتی رفیع و تنویه ایتدیکی سردار اکرم حضرت تری مجلسده  
 بیان و بوضوحی هر کس استعسان ایلد کلمی ختامده  
 اردوی همایونک مکت و حرکی مخصوصلری در میان قیلتوب  
 طول شادن مقدم کیر طویلرک اسلخی به ایصالی قرار کیر اولغله  
 طویچی او جانغناک اسلخی به حرکتی اراده و محافظه سینه انا طولی  
 والیسی فیض الله پاشا ایالتی عسکر به تعیین و قرمان بکری بکیمی

خزینة دار علی پاشا دخی یاش طرفنه مأمور ایازه پاشا معینه کتمک  
 خصوصی تحسین اولنوب مجلسه ختام و مشورته انجسام و پرلدی  
 بوندن صکره طرف همایوندن سلجدار اغا و سا طنبه خاق  
 عالیشان طرفنه شرفرسان و زود اولان تشریفات سینه که سراسره  
 قیاس و سوره کوزک و قلیق و مرغ صغ سر غوج و شمشیر و ترکش دن  
 عینارت ایدی حضور سردار اکرم میده الباس و تقلید ایله  
 شرفند قلند قدن صکره اردوسی طرفنه سوق سندن ایلدی  
 حرکت اردوی همایون بچاناب ایسا خانی (خان دپه سنده  
 وجود و جوه مجاد بر ایله اقامت تمتع اولد یقندن ایسا خانی طرفنه  
 عزیمت صوابنای از باب الباب اولمشیدی یاش محافظه سینه  
 تعیین اولنان ایازه پاشا معینه نزل امینی تعیین اولنوب روز مره  
 توزیع اقوات ایچون بدینه بکرمی بش بیک غروش تسلیم و دشمنه  
 یار و نهائی اتفاق ایله هوادار اولان رما یا نک اخذ و استیصالاری  
 مشارالیه و بغداد و بوده سنده تنبیه و تاسکید و خان دپه سنده  
 موجود انبارلک امری محافظه سنی دخی تشبیه اولنوب خیان  
 جنابلری دخی او طرفلرک محاربه و کمرند اعدادن وقایه سینه  
 زغب و وجوه نوازش و التفات ایله تطیب اولد قدن صکره  
 جادی الاخره نک غره سنده خان دپه سندن فک طناب ارام و ایسا خانی  
 طرفنه تخریرک زمان اولندی کثرت باران سینی ایله ایلر و جبه  
 کوتدریلان طویلرک نقلی متفسر و شدت برد ما مورلری متضجیر  
 ایدوب خان دپه سینه بش ساعت مسافه ده چادرل بی نصب  
 ایتد کلمی حضور سردار اکرمی بی سلب ایدوب لو پوشسته  
 نام منزله درت کون اقامت و کتخدایک معرفتیه خلقه اجرت  
 و بره رک ذکر اولان طویلری تسلیه همت ایلدیلر موسم مذکور  
 تشرینک امتداسی و برودتک وقت تماسی اولد یقندن یوما فیوما  
 سرمانک شدنی فراوان و ابرمد رارک طغیانای نمایان اولد یقندن  
 غیرنی قلت ذخایر ایله نوع انسان جنس حیوان بی تاب و توان  
 اولملریه بلا فرمان یعنی من غیر استیذان ناش ایسا خانی طرفنه  
 روان اولدیلر یاش طرفنه مأمور چند موقور دخی هر پروت  
 کارنده اقامت و شدت هوا بی علت ایلد کلمی مسموع اولد یقندن  
 طناب اقامتلی تفکیک و صوب مأمورلرینه تخریرک اراده سینه

\*

\*



جانبك محصلی علی بك معینده اولان عسکر به زمین و بو مصلحت  
دخی تهوین اولند قدن صکره صدر اعظم لمصلحه اقامت ابتدایی  
مخلدن رفع رخت ارام و ایسا غنی معبرندن کذار ایله قارشو طرفه  
نصب خیام ایلدیلر (نقی مکتوبی و تبدیلی کاتب گتخدا و بعضی حوادث  
صدر اعظم مکتوبچیسی اولان فیضی سلیمان افندی صدر اسبقك  
منظوری اولوق حسبیه بعضی اموره مقتوم و ذاتنده دخی کبر  
نفس اربابندن بر مرد متعظم اولوب خدمت مذکور دن تجنبت  
واکری دره پلنقه سنه تغریب اولوب مقدمه مکتوبچیکل خد مننده  
مهازی و اداره اموره ممارستی اولان رئیس زاده عبدالرزاق افندی  
مکتوبی و حوله لك مرغوبی اولان باش خلیفه السید محمد خیری  
افندی دخی ککوچك اراهم افندی عزلندن گتخدا کاتبی نصب  
اولندی دفرامینی اولان سلیمان بك خلال راهده عال کونا کون  
ایله دمبسته و ماذونا ایسا غنی به کلوب تدبیر وجود ایله مشغول  
ایکن تا ککاه سنك اجل ایله مینا سرای عمری شکسته اولوب  
اوکل مطرای کلیستان دانش و عرفان مساجدک بیرنده بحاور  
ککدشته کان ارباب توحید و ایشان اولدی افندی موی ایله  
یکه ناز مضمار مغرقت و خایز قدح معلای درایت و اصل  
سیر منزل سخنگویی صاحب طیلافت و ککشاده روی ادیب  
حافظ بیان رونق شکن بدیع و خواجه جهان بر مرد صاحب  
دیوان ایدی غزلیات و قصایدی مشهور و متواتر و وسعت  
احاطه بی آثارندن ظاهر در بو غزل جله آثارندن در خم ایندی  
قامت اول چین ابرو کوستر شجکله عتاب ایلر یوزندن وجه احسانه  
کر شجکله یوزن ککوستر مک یوز و بر مکر مهره مقصودی  
ایدوب دستن نقایب اول ناز و نخوتله ککشجکله نه بلبلدن نه طوطیدن  
ایشندم بزم ککیشنده اولکیتلر اوشکر خنده لاله سوبلیشجکله  
زواج قدر حسین قصد ایدر عشاق مالانه تجاهل ایلشجکله  
باشلر بلشجکله هلاک ایندی بی بازیچه طفلانه سی عارف  
صدد کوی نیاز و صله کلدنکه چلشجکله خوانندکانک  
مقام ینا بنده نعمه پرداز اولد قیلری بنه مشهوره نک  
ایسانی دخی زاده طبعاریدر در بال سن ککی هپ  
بویله مستثنا میدر یا کمان ابرورک الای مستثنا میدر

بویله تارک پروشباب ایلش ای مه سنی مادرک باد صبا  
دایه ککل رعنا میدر فصل اولان دفرامانی ایله توفیقی  
بولان هیدالله افندی مکرم و بالوککاله نشا بحیاتی دخی  
منصینه منتظم اولدی متوفی اردو قاضیسی حین مر مننده  
اردو حکیم باشیسی احمد افندی به تدبیر اندر دوت اجله مداوات  
قایدی اولدی یقندن غفلت ایله فتنده اولان جهانی استانه به تحریر  
و آخرک جلنی نه ککیر ایشیددی انامی موصول حیر  
حصول اولوب فی الحال عزل و برینه خارج ربه سی و بریلان  
ککورک زاده حسن افندی نقل اولوب اردوی هما یونک پریشانی  
و تفرقه سنه نگاه و بعضی علل ارادیه مایل سمت تختگاه اولوب  
تدارک و صایل ایله تحصیل اذن و رخصت و بر شخصی برینه  
تو ککل ایله رجعت ایلدی روم ایلی و البسی وزیر محمد پاشا نک  
اعمال عسکر ده چهل و رخاوی سب ادبار و تکی اولوب عسکری  
یننده سوه ذکر ایله معروف و کبر و انقه ایله موصوف اولدی یقندن  
بشقه قل الصداره سردار اکرم ایله بعضی خصوصیه محاوره  
ایلد یکنه بنه عزل و تکرر و وزارت رفیقیه شمی قصه سنده  
اقایتی تدبیر اولدی (نصب سر عسکر بغداد) اردوی هما یونک  
خان دبه سندن رحلی و ایسا غنی به عزیمتی اعدابه منعکس  
اولد قدیه باش جانبته هجوملری حسبیه مقدمه مایوند معاهده به  
بدر ایند ککری بغداد رعایا سی دخی جمعیتلرینه ملحق و باش  
محافظی اولان مشارالیهک طر فتنده بولان بغدادلو دخی  
ککیدرک متفرق اولوب اعدا ایله مقابله و سندن خارج  
اولد یقنی ملاحظه ایله بغداد و بوده سنی استخبار و طر ماراوه  
طر فتنه عزم و شتاب و دشمن دخی باش قصه سنی خالی  
بولوب عسکری ادخال و اطر فتنه میز و خندق حفرله  
رعایای اشغال ایلد یکنه بشقه باشند ذخیره نقلی مصلحتی  
ایچون ساحل نهر برونده مربوط اولان قاهره هجوم و ملاحظه  
جدال و بر قاج نر اهل اعلای زمره شهدا به ایصال ایلد ککری  
ایسا بنده سمع سردار اکرمی به واصل و بوندن صکره  
قصید اعدا ارا بیل و قلاص حوالینه اولد یقنه بعضی ارباب  
و قرف اقامه دلایل ایلدیلر رفقه و البسی دمدار محمد پاشا



از دوی هما یوزنه هنوز وارد و قوس می خانی سا بر لبك قوس می  
 خلقند زبانه اولوب قلاص حواله بنده اقامتله دولت عایه  
 طرفه مجتهد اولان رعایای وقایه و از ایل محافظی وزیر  
 عیدی پاشا الله محاربه وادی الاقتصا دشمن الله محاربه  
 خصوصی مستصوب ارباب انتشاره اولمله بقدان سر عسکر لکی  
 خدمتی دوش استحقاقه اکسا و ماه مذکورك اول طغوز نجی  
 کوفی ماچین اوزرندن صوب مقصوده اسرا و بازه پاشا  
 ونا طولی والبسی فیض الله پاشا و سلاطین متصرفی محمد پاشا  
 و جانبکی علی بك دایره زنده موجود عا کر الله مشار الیه  
 مقبضه واروب هر حالده امر ورا بنده مطاوعت و امر یکجهتی  
 و انحصار رعایت ایللری باینده هر بیرینه بشقه بشقه استدار  
 مثال لازم الامتثال قیلندی (وزود خبر مشرت از جانت بندر  
 اردوی هما بونك مشتایه عودنی عقیده بندر مشر عسکری  
 کل احد پاشا زاده الحاج علی پاشا رایت همی نهز و مسقولو  
 ایله اتحاد ایلن لهلونك طورله قاروشونده اولان قریه زبانه  
 برقدار عسکر تجهیز ایدوب نابل نقل و غنیمت و سبی واسترقاق  
 اسرا ایله عودت ایشلر ایدی بمقدان رعایا سندن اولوب  
 دولت غلبه به مخالفت واعدای دینه مطاوعت ایدنرك  
 دماء فاسده لری اهراق و اولاد و عیال لری استرقاق اولتی  
 اوزره بوانشاده قبل شرع انوردن ویریلان قوی اومقوله  
 کردن بیخ طوق انشاد اولنرك مسمری اولوب اهل اسلامی  
 اشغال و دشمنه سرق منافع احوال قصیده بیدر ده اولان  
 عسکر پریشان وضبط قلعه اسان اولدی بی طرفی خطمه  
 اشاعه و اعلان ایشلر ایدی دشمن دخی بکرمی بک قنار  
 عسکر ایله بیدرك قنار شو طرفندن ظهور و معیت سر عسکر بده  
 محمد ایلن دلا و زدن جمع کسیر اعدای تدبیر قصد ایله او طرفه  
 مرور ایدوب خان ها بستان دخی بر طرفندن دشمن بد طبیعت  
 انداخته بیز و ضرب شمشیر و اوقرقه هشاله بك وافر بی  
 در که بحیثه تسلیز ایدوب بقیه الشوق اولان کفار حوکه  
 رخنه ورده کسبی سر داده وادی اذ بار اولمله عسکر اعلام  
 وایه دار نصره لك اعلام اولد قلزنی خان عا بستان و سر عسکر

پاشا افاده و اعلام ایلد کسک لرنندن ترکش بها و سکیان علوفه سی  
 نایله خان مشار الیه طرفنه یوز بیک غروشه قریب مبلغ انعام  
 و سر عسکر پاشایه دخی تقد و امر الله اکرام اولندی (حرکت  
 اردوی هما یون بمشتای باباطاغی) اسفار سابقه سردار اکرم  
 بولسا نرا کسک اوفانده استانه ده قنلا یوب بالا قضا اولها رده  
 به معر که کسک جند و سبانه توجه ایدر ایدی بوقیاس ایله  
 خان دبه سندن استانه به و از بجه بهض محله دخی اخبار احضار ای  
 و صعب السلوك معارک تطهیری حمله میده مینا سرور تسبیح  
 و بوقصیه حواطر روساده استمار اولتمسیدی دشمنك سرحد  
 خاقانی به اسبلاسی و بر و طرفله تجاوز و اعتداسی حسیله طونانك  
 بوجا بنده مشتایه اتحاد ایله ارا ایل و قلاص و ماچین و سلسر بی  
 کبد سندن محافظه اولی اولدی بی سردار اکرم فکر و ملاحظه  
 اینه کله کسک بیت خا کقدم شهر باری به بانقر بر افاده و اشارت  
 اولند بقیه بستان استانه سعادتده به خصوص منعم اولان مجلس  
 مشورنده مذاکره اولنوب صاحب الدار دخی بما فیها قولی  
 اوزره اردوی اسلامده اولان ذوات منحصه موضع مشتای  
 اختیاره ترخص اولتی رای صواب ایدو کنی ایما ایلد کسک بینه بناء  
 ترجیح اولنان محله مشتایه و سرحد لری محافظه ایله دفع کرید  
 اعدای دخی تبیهائی حاوی خط هما یون سر فریز و زود اولمله  
 هر کس هواسنده موافق اولان محلی تدبیر و بهضیلر کلی  
 محاسن بستانه استانه طرفن تدبیر ایدوب بالآخره باباطاغی هر جابه  
 متعارف و من کل الوجوه مشتایه اتحاد مناسبت اولدی بی بخیر  
 خواهان دولندن بعضی لری تصریح وادریه و استانه بی سوق  
 ایدنرك رایجی دلائل ملزمه ایله تقیج ایلد بیلر ایستد دخی  
 سلسله نك اولو بی قرار کسک اولوب شهر بیک او بیجی کوفی  
 ایسا بچیدن حرکت تصمیم و فوناجی پاشا قانون اوزره بزکون  
 اول عسکره تقدیم وارد و خلقك بعضی سلسله بی ایله  
 او طرفه هر یفت و اردوی هما یون دخی علی الشجر حرکت ایلد  
 اوزره ایلک ناکسک طوطا طرفندن طوط صداری عالم کسک  
 واستخبار احوال ایچون اردونك حرکتی کرفتا رخنه ناخیر  
 اولوب مکر دشمن شوم قلاص اوزرینه هجوم و جند اسلام

\*

\*



مدافعه و مقاتله به اقدام ایدرل امش بوسیله اردوی  
 همایونک حرکات اول سلسله به هرمت ایدرلک اعاده معین  
 ایدرلر سال واردوی همایونک و ایساجی و سایر محاربت  
 اعداد ایچون عسکر تحریری باجمعه کار و رجال لازم حال حد  
 انحصار ایدی ایدرلر باطاعه وصول و عودت لری  
 اراده سندن بر محله عاموریت مضارنی استنباط و شدت شتا  
 و نانوای چار با بهانه ربه ضما عودتدن لکول ایدرلر ایساجی دن  
 ترتیب عسکر مشکل و با باطاعه وارد و دن صکره هرشی ممکن  
 و قابل اولدیغنی بعضی کسمه صدر اعظم حضر تلی شتا القبا  
 و بالضروره لوی شریفی الوب بفایای عسکر ایل با باطاعه سوق  
 مطایا ایلدی شویله که قصه مذکور ده بر قاج کون اقامت  
 و امداد لازم اولان محاربه عسکر و وجه اخرا ایلدندن صکره مصمم  
 اولان سلسله مشتاسنه هرمت ایدرلر ایساجی با باطاعی  
 صحرای سنده شدت سرما ایلد اقامت خارج حیطه وسیع و طاقت  
 اولدیغندن هر کس قصه به کربوب بر رخا نه تدارک ایلد حاصل ایدر  
 و کافات شتا تدارک کسمه سرعت ایدوب بوقصد درده سلسله به  
 هرمت رابطه سی محل و صدر اجل ایچون دخی دیرون قصه ده  
 تعیین محل قیام ایدی (مخاربه به عسکر بغدادی و وزیر محمد پاشا  
 مشار الیه بهینه ما مور اولان وز را و روستا و سایر عسکر یک  
 اکثری بطاقت اوزده حرکت و معیت مشار الیه عزمندن  
 انکاص ایلد اولد قلی محله اقامت و بوقصد صدر اعظم و عرف ایلد  
 یدر بی استیصال امری اصدار و ارسال ایدرلر ایساجی و ایساجی  
 فیض الله پاشا دایره م بالکله پریشان و بهینه الحق اش  
 اون ادم قلوب بوجالی ایلد حرکت خارج دایره امکان اولدیغنی  
 پشان و سایر ما مور دخی بواغیداران ایلد اطاعت فرمان  
 الیوب عسکر با شامعه حده الحق بش التیوز قدر ادم و وجود  
 و اخصوص بغدادی واسطه عسکر اهل اسلاک کافه احواله  
 اهدا و طلع اولوب مخالف خود ایلد نفوذک انقباض و عسکر حدک  
 عسکر دن خلوص و فراغه واقف اولوب قلاص اوزر به همدم  
 و حکه ما شرت و عسکر پاشا دخی مو خود معینی اولان  
 بهادران ایلد خارج قصه ده مقاتله به قصد و نیت ایلوب

هنوز آتش حرب کرکی صکی مشعل اولدن قصه دروننده اولان  
 دما با عهد نهانی به بنه بالکله طرف اعدایه مبدل و مشار الیه  
 داخل قصه ده اولان خزینه دار و سایر ایشاعنی خشت و سنک  
 و سایر آلات جنگ ایلد قتل ایلد کلدن غیری بغدادی بکنی  
 بند کشد ایلوب سمر عسکر پاشا ک با شنده اولان سپاه اندک  
 شمار دخی بر طرفه فرار ایلد یکشدن ناچار قصه به عودت  
 و واقف کفایت اولد قده قصه ده اولان خونه رعایا کند و سنی  
 دخی اسیر ایتک ادها سنده اولد قلی بی ادراک ایلد هر پروت  
 کنارنده اولان اچقلر سوار و ترک کار و بار ایدرلر  
 بر طرفه گذار و واقع اولان حادثه هولناکی اردوی  
 همایونه اشعار ایلدی مدافعه اعدایه تقید ایدر او طرفه درده  
 شخص واحد قالد بغنی دشمن تحقیق و قصه مذکور درونه  
 دخول ایلد رعایا به اظهار روی الف و نزر بی ایدر کدن  
 صکره افلاقی طرفه سوق طایور مقهور و افلاقی و یوده سی  
 لیغوری ما سور ایلدی (احسان وزارت محمد پاشا  
 و خزینه دار علی پاشا) موی الیهما ک وقوع بولان معارکده  
 حسب الامکان صرف مجهود ایلد ککری مشهود اولد بغنه  
 بنه رتبه وزارت صغودری سردار اکرم حضر تلی طرفندن  
 عرض درگاه خلافت پشاهی قلمغه نیازی مساعد سینه به  
 مقرون و ایکسینه بر کونده وزارت احسان ایلد قدر  
 و اعتبار لری و اصل چرخ نلکون اولدی مشار الیه  
 قلاص وقعه سنده بولوب هرمت لری کونی وزارت نایل  
 اولد لری بین الناس کفتکوبه باعث و علت و حدوث  
 ارجوفه و کاذبه سبب و الت اولدی (وفات سر عسکر  
 بندر کل احمد پاشا زاده الحاج علی پاشا) مشار الیه بندر  
 اوزرینه کلان اعدا ایلد بر قاج دفعه مخاربه ایدوب فضل  
 حق ایلد هر دفعه ده غالب و سیف صولتدن دشمن مغلوب  
 و هارب اولوب اندیشه فتنه و فساد دایما معناد لری  
 اولان بندر بمافلری ایاغ دیوانی طلبی ایلد با بر جای هر کن  
 اصرار و مرا لری بر ایکی اختیار لری به ابلاغ اولتق طرف  
 مشار الیه اشعار اولد بیه دخی عدم قبول ایلد رد اخبار



ایستادیدی - با ضروره مرا ملربنه مساعده اولنوب مستغرق  
سلاح و ماده کفاح اوله رقی سرایه ورود - و امر بحفاظه ده  
بعض تقصیرات اسناد یله لسان هذیانی مدود ایلدی - مشار  
الیهک دائره سی فوق الحد - و اطراف عسکر مواج ایله مشید  
بولند یفشدن رزکیر ضمیر لری اولان خبائنه ظفر بولوب  
رجعت قهر لری ایله عودت - و مر قوملرک پرده برون اولان وضع  
ناهم وار لری مشار الیه تکدی - و خارج دائره حد و ادب  
اولان تحکملری طبع نازک لربنه تأثیر ایدوب برایکی کوندن صکره  
علت انصاف ایله بیچار - و تعطیل جوارح ایله بیزار اولوب  
جادی الاخره او اسطمنده ترک جنان و سرودار اخرته سفر  
ایلدی - ترجمه مشار الیه صدر اسبق چورایی علی پاشا مر حومک  
حقیدی - و کل احد پاشا تک یجل رشیدی اولوب رکاب  
همایونده میرانخورتانی و قوجیلر کتخداسی و میرانخور اول خدمتایله  
میجل و قنطار بیلراده ککاپنه اولان خام سلطان جناب لرینی  
اوزده حبالة نکاح و بوسنیله شهادت یجور یختی هم رنگ بیاض  
صباح ایدوب فردوس مکان سلطان عثمان مر حومک مطرح  
اشعنه نظر عما طفتی اوله رقی رتبه وزارتیه ارتقا - و ووم ایلی  
ایالتیه سر منزل اقباله اعتلا ایدوب جلد اولده تفصیل اولسان  
اسباب ظاهره مشار الیه باعث عزل و نفی و مصا دره اولوب  
اوج سینه یه قریب استانکویده مقیم - و منتظر لطف خداوند  
علیم اولمشیکن وزارتیه ابقا - و ایل سنجایله احیا  
اولمشیدی - بعده جده منصوب ایله مباهی - و پدر لری  
کبی شریف مکه ایله معارضه و مناقشه ایله رک بلا امر  
پادشاهی برا مصره راهی اولندی - حاکم دولته عرض  
و تفهیم - و ادنه ابائی ایله اعزاز و تأویم - و بر قساج ماه مرورندن  
صکره ایدین محصلای ایله چشم بختی روشن - و بر سینه دن  
صکره اناسطولی ابائی توجیه اولنوب قبوسن اشقیاسنک تقبش  
و استیصالنه بالنفس عزیمتله خدمتی مستحسن اولمشیدی  
صدر اسبق مصطفی پاشا تک طلب ایدیک عود یتده تقصیر  
ایلدیکنه بناء تکدی براراده سینه منصبتدن عزل و دیار بکره  
تسیر ایدوب چوق کیمدن حلب الشهبای ابائی ایله سودمند

وازمدند - ایل سنجایله سوق سمنند ایدوب منصب مذکور  
دخی پادان اولوب - و قساج ماهدن صکره ابالت سنجایله  
تحویل - و سقز همایونه ماه و تربتله بندره ورودنده ایلساوات  
و بعده بندر مر عسکر لکبله یجیل اولمشیدی - بالاده قهریز  
اولندینی وجه اوزره وفات - و ترک و دیعه حبس ایلدی - مشار  
الیه حسن الصورة - معتدل القیامه ادیب و وقور - و دانش و هنر  
ایله مشهور - و صاف و درایت مند و اقرا فی مینا نده سر بلند - و وزیر  
عظیم النظیر ایدنی - و الی اولدینی عینا لکده عدل و نصیظی ظاهر  
و رعایا و برایا سیه شده - و مجبور خاطر اولوب مکتوت اراد طبعی  
ایله هر د بارده مسالک مسالک اقتضای و دایره منی کمال زینت  
و انتظام ایله داغزن قلوب حساس ایدنی - و فقیردن عرف  
قصایدی - و مقامات حزیری ای غیا ماقرات - و اوج سینه  
دایره سندن منفک انجوب قدر عاجزانه مد فوق المأول حرمت  
ایله مظهر استوف مکرمت - ایلوب و فائزین صکره روح بددن  
معارفت - ایدر سکی مر خومدن جدا - و بر زمان توالم جانبگاه  
ایله مر سیری کشت دست و صحر اولدم - و صحنی حمزی التمسش  
عقدینه مقرون - و بندرک ایلح قلعه سینه مواقع مبارک و زراد  
مدقون - اولدینی - (نصب سر عسکر بندر و کتخداسدن رسمی  
احمد افندی و حوادث سیره) - مشار الیهک وفاتی حبسینه بندر  
سر عسکر لکی مجلول - و افراد متعینه دن بیرینک نصی رتبه وجوبه  
موصول - اولدینغه بناء کتخدای صدر اعظمی بولسان باز یجی ابراهیم  
پاشا زاده مصطفی بک افندی بک وزارتیه هوسکار - اولدینی  
معلوم صدر کامکار اولمسه - اشبوشهر رجب بکرمی او جیحی کونی  
ایدین سنجایله الحاقایله بندر مر عسکر لکی میرموی الیه احسان  
وامور لازمه سنی رویت - و چون بر هفتقه قدر اردوی همایونده  
مکشته رخصت - و بریلوب تمام سهامی هفتقه بندر بجایینه عزیمتی  
قرمان اولندی - روزنامه لول اولان رسمی احمد افندی عظام  
امور و لنده استخدام اولنه رقی ماهینی معلوم کتار دانا جان  
زمان - و کتخدای مسند رقبته استحقاقی شبهه و کان اولمسه  
شهر مذکورک بکرمی ابکنی - کونی اوجاه و قساج ایله جند لان  
قلمندی - پاشای قونی اولان ابوی احمد انابلا سبب منصبی ترک



ایله استانه سعادته عزمت ایلدیکی معلوم صدر والامقبت اولوب  
 عودتیچون اصدار منال ووراسمندن مخصوص مباشر ارسال  
 اولمشیکن امر شریفه عدم اطاعت و مباشرینی از رده عتف و نخوت  
 ایتمکله برینه اخرک نصیبی لازم کلوب صدر اعظم حضرت تباریک  
 کتخداسی خشی اغا منصب مذکور ایله کاهن و اولدی (رفع وزارت  
 والی اناتولی) رزیه لی زاده و ذری فیض الله پاشا اناتولی ایالی  
 کی کثیر النسا بر منصب ایله مستثنای اولمشیکن سفر هما یونه یهنکام  
 ورود ایتدیکنن غیری خوتنده دین و دولته مفید طرفندن  
 رخدمت بدید اولوب قلاص جنکده دخی رهیمای سمت جبن  
 ویندی و بوس سیله دشمن قلاصه مستثنای اولوب یونین صکره  
 مشایر الیه دخی خدمت مایه اولدی بغداد و زرقی رفع و علی  
 طریق الدی دیموقله دفع اولندی (وقوع محاربه در قلاص  
 و قرا ان اعدا) اهنم بهات عسکر به دشمن قلاص قریه سنی منبسط  
 ایتد ککدن صکره طومار او طرفته عزمت و احوالیده اولان  
 انبار اولان اجناس ذخایر نقلیه مباشرت ایلدیکی درجه نوازه  
 رسا و دفع ککدن اعدا شدت مستثنای حسیله ممکن اولوب  
 من قبلی الرضی قلوب مسلمینده خوف و وحیل و بیم و فیل دخی  
 هویدا اولمقله بواحوال بر احوال صدر غیرت اشغال مضطرب  
 الیه ایتمشیکن ایستاقی ده انبار امینی اولان قیوچی باشی طاعتی  
 علی اغا یکی مباشر او توزر غروش بخشش ایله فرق الی ادم تدارک  
 و قارشو طرفه عبور خصوصیتده اظهار رغبت و تهالک ایتمکله  
 موی الهه صدر اعظم طرفندن ککما بشی رخصت و اسماعیل  
 قصه سنده اقامت اوزره اولان اسکندریه لی مصطفی بک دخی  
 معینه تعین اولوب رانده مطاوعت طرفته اشارت اولمشیدی  
 اغای موی الیه میر من قوبک و رودنه باقمیوب مستثنای الله  
 انبار لردن ذخایر نقلیه تعین اولنسان مشرک ککین اوزرته سل  
 سیف و تیر بر اسنان و اکثری غون سیرخ کون مرک و هلاک  
 خلطان ایدوب یو حر ککب جمیله دقت اولنده باید معمای  
 یکم من قله قلاصه ایلدیکی عایان و دشمن بدیمیان یو عسکر اندک  
 شمار ی طلبه جیش موقور و عدم مسالک ایله هجومی برینی  
 اومعابه مقصور ایدرک تخلص جان سودا سیله کر بران اولدیله

اوخلالده اسکندریه لی مصطفی بک دخی عسکر به وارد اولوب  
 ابراهیل محاسنی وزیر عیدی پاشا قیوسی خانی و سوا حلدن جمع  
 ایتدیکی عساکر و اخره ایله قلاص فریده واقع بر قریه ده تحشد ایدن  
 دشمن اوزرته حرکت ایتدیکی موی الیهما استخبار ایدوب  
 انتظار تقرب ایله بونلر دخی بر طرفدن دشمنه اضطراب و بر مکده تاهب  
 ایتمشیکن ناکاه اوازه طوب عالمکیر و ولوله دار و کیر فک  
 مسر اولوب استدلال محاربه و مقصا دمه ایله موی الیهما بالاثفاقی  
 قلاص قریه سنه دخول و مهاجمه ایدوب در و تشده اولان دشمن  
 اقل قلیل اولمقله صولت اسلاقیان دن زهره تارک و اکثریسی داخل  
 حفره هلاک اولوب یو خبر ملالت اثر وزیر مشار الیه ایله  
 محاربه ایدن کشنیرک ککوش غفلت یو یلرینه کذر ایلد کده  
 ره پیمای سمت مقر و اکثریسی شمشیرتیر اسلام ایله عازم  
 در کک سقر اولوب ایکی عسکر بر بر یله ملاقات و بوعطیه  
 موی الموالیه جدی عایات ایلر یلر و دشمن دیشک قصه  
 مذکورده تکرار تحصن ایلمی ملحوظ عسکر ظفر اثر اولدیغندن  
 محل مر قوی احراق و تحریب ایله خاکه رابر المذکوری خبری  
 اردوی هما یونه واصل و قلوب مسلمینده صتوف مسرت حاصل  
 اولوب مشار الیه اشبهونکام عبرتنامه ظهوره کلان  
 اقدام و غیرتی سبب تقویت قلوب اسلام و باعث خلیان  
 اعدای لثم اولوب سعی مشکور و خدمتی مبرور اولدیغندن  
 غیری حقه یم مکارم شاهانه موح انداز ظهور و بغداد  
 سر عسکر کی عنوانیه ملتفت و منظور اولوب شمد بک یکر می  
 بش بک غروش نقد و مقدار کفایه چلنک طرفته اسال و کتخداسی  
 میر میرا لقی و دیوان ککائی خواجه لقی رتبه لرینی احراز ایله  
 مجبور الخاطر و مقضی الامال قیلندیلر (عزل صدر اعظم  
 علی پاشا و سردار اکرم شدن خلیل پاشا) مشار الیه  
 صادق و غیر نکش دین و فرط شجاعته دل بوده زمره موح دین  
 سخاوتی فوق الحد و اقدام و همتی مسلم ارباب قبول ورد اولوب  
 انجق فساد طبایع اجساد و رؤسایتنده مقرر اولان عدم  
 توافق و اتحاد سیریه هر تفدرسی و تدبیر و اغرا و تشویق  
 ضمنتده فوق المأمول بذل و بذیر ایتدیسه دخی موافق مجرای تقدیر



اولوب خصم عید ممالک سلطانی به کلبه اولان خوتین  
کبی بر حصن مشیدی ضبط واستیلادن قطع نظر طونا  
سوا حلقه رسیده و بمن و بسارده واقع قراوقصبات  
اهالیسی غارت ورمیده ایدوب اشار الیهک بویواعت ابله  
نفوذ و اعتبار نه خلل و بوندن صکره قق ورتق امور و تنظیم  
احوال جهوره برامیه جتی معلوم اصحاب عقد و حل اوله  
بش ماه قدر صدر دوتده هزار محی و مشاق ابله اوقات کذار  
اولد قدن صکره مهر وزارت اشبو شعبان المعظمک اون اوچنجی  
کونی قیو جی باشی آخر کمن یک مباشریتی ابله یذندن زرع  
واسترداد اولوب بوندن اول رتبه وزارت ابله ککامیاب اولان  
عوض پاشا زاده خلیل پاشایه تسلیم ابله و دبعه ککوره حافظه منی  
قلیان وضایای شاهانه بی شفاها مشیار الیه حضرت تریه افاده  
وتفهم ایلدی خبری افندیکن عرض ایتدیکی ضدارت تاریخدر  
هوید ابله مولی خلیل پاشای اناطولی افندیکن دخی ویردینی  
تاریخدر حرف مجوهر ابله بر خوشیچ دوشیدی تاریخ حق بوکه  
ویردی رولق صدره خلیل پاشا صدر اعظم و سردار اکرم  
حضرت تری یا باطاعی مشا سته دخول ابله تنسیق شوارذ احوال  
دواته مشغول اولوب اناطولی و طر برون ایالتلرینک سال  
آیه ده قریم طرفه تعیین اولسنی ضروریات وقت ایجاب  
ایلدیکندن اناطولی ایالتی سابقا ارضروم والیسی اولوب قریم  
بسر عسکری نصب اولتان سلحدار ابراهیم پاشایه و قراض و جلدز  
اطرافتی محافظه شرطیه ارضروم ایالتی دخی معدنلر امیتی  
و ملاطبه سنجای متصرفی وزیر جاقظ مصطفی پاشایه و ایکی یک  
نفر سوار ابله اوله سارده معسکر هتا بونده اثبات وجود اتمک  
شرطیه مزعش ایالتی خوی زاده احمد پاشا ک محمدوی هر بکه  
و خلب ایالتی سابقا سلا یک متصرفی احمد پاشا زاده وزیر محمد  
پاشایه و زوم ایلی ایالتی بغداد سر عسکری وزیر عبدی پاشایه  
واورزی ایالتی وزیر خزینه دار علی پاشایه و ایالت قرمان  
چانکی سلیمان پاشایه و سلا یک و قواله سنجاقلری در بندر  
باشبوغی اولان وزیر علی پاشایه و اسکوب سنجای اسکندریه  
متصرفی پدری محمد پاشا ک کوندزه چکی عسکر دن قاعدا ایکون

نفر ابله اردوی همایونه کلمک شرطیه بارتیه میر میرانی مصطفی  
بکه و کلبس و اعزاز سنجاقلری الحاقیه رفه والیسی وزیر محمد  
پاشایه بندر سر عسکر لکی توجیه و ساقی ایدین محصلی کتخدا  
مصطفی پاشا ک کلی محافظه سته عزیمتی تنیه و بعض میر میران  
طونا اوزرینه نصب اولنه جق جسره پرو و اوتیه باقه رینه تعیین  
وطوبی باشی هزار فن مصطفی اغا بالغ درجه سن سبعین اولوب  
پرو و اثوان و شداید سفر به تاب اورا اوله میه جتی نمایان  
اولد یغدن عزل ویرینه استانه ده و کبل اولان قیو جی باشی محمد  
امین اغا نقل اولندی (عزل کتخدا ی صدر اعظمی) رسمی احمد  
افندی به بعض رخاوت اسناد و او مقامدن ابعاد اولوب مقدما  
کتخدا نصب اولد قدده روز نامه اول منصبی ککمه به توجیه  
اولتا مقله بعد العزل کاکان منصب مذکور ابله فرحان قیلندی  
صدارت عظمی کتخدا انی شق اول و مدار عقد و حل اولان السید ابراهیم  
افندی به لایق و محل کور یلوب دفتر دار مکتو بحیسی عصمتی علی  
افندی دخی دفتر دار لقی جاه رفیعله حاضر هینه استشار واستانه دن  
ورودی منتظر اولان ولی افندی به دفتر اماتی و رفعت احمد بکه  
سواری مقابله چیلکی و پناه سلیمان افندی به سپاه کتانی  
و عبد الکرم افندی به نزل اماتی توجیهله جمله سی متدار بخت  
ساز کار اولد قارندن غیری سابقا کتخدا کانی کوچک ابراهیم  
افندی به اناطولی محاسبه سی و شامی حسین افندی به جزیه محاسبه سی  
و کوپری بنامینی سلیمان افندی به مالیه تذکره چیلکی و چرکس  
محمد بکه سلحدار اغا لقی و دواتدار محمد پاشا زاده عبدی بکه  
باشا قیو لانی توجیه و احسان و بونلردخی دلسیر نعم شهریار  
زمان قیلندی (بعض توجیهات و تدبیرات) موره ده واقع قلاع  
خاقانیه ک تعمیر و ترمیمی اقتضای حاله نظرا امر مهم و شمدیدن  
مصلحت مذکور به مباشرت لازم اولد یغدن غیری  
اوحوالی بی مضرت اعدادن حایه و رعایا برایی هر جهندن و قایه  
ضمنده موره به مجاور اولان قضا الدن مقدار ککفا به عسکر  
تجربینه مباشرت اتمک باینده اناطولی محافظی صدر اسبق محسن زاده  
محمد پاشایه خطبا امر عالی صادر والی یک غروش ارسالیه  
جبر خاطر قصیه سته تبار اولندی ایدین محصلانی رکاب



همایون قائم مقامی وزیر ملک محمد پاشا به واغریوز سنجاعی یازمچی  
زاده وزیر مصطفی پاشا به توجیه وایح ایل سنجاعیه وزیر بازاره  
محمد پاشا نیک حال ترفیه و سلطان اوکی سنجاعی بندر خا فظی  
میر میرانند دیگر بازاره پاشا به عنایت و دیار بکروالشی عبدالجلیل  
زاده محمد امین پاشا به وککفری سنجاعی متصرفی میر میران  
ابوبکر پاشا بندر سر عسکری معینه تعیین اولنوب بران اقدام  
خدمت ماموزه زینه و صولاری تیه و اشارت اولندی فرق  
کون انقضا سینه دک لوازم سفریه سی اتمام و اردوی  
همایونه عطف زمام اتمک شرطیه میر میران سلیمان پاشا ولایتی  
طرفه کتمک رخصتی تحصیل و اوخری سنجاعی متصرفی  
بیرام پاشا قلیرون قلعه سی محافظه سینه زامله بندر تجیل اولدی قله  
قلعه ستمک محافظه سی دخی واجب و بر مقدار عسکره قیینی ایل  
احتیاطه رعایت مناسب اولدیغه بناء نیکولی فضا شدن ابکی عدد  
سواری و آون طغور قدر پیاده سردنکچدیاری تحریر اولنوب اعمال  
و اداره زینه قادر محمول کسه زدن ابکی اغا انتخاب و تصحیح بدرگاه  
قلدر قدن مکره ادای خدمت ماموزه زینه شتاب اتمکری باینده او جا قدن  
مکتوب و دیواندن امر بدیع الاسلوب تحریر و مناسب مباشر ایله تسیر  
اولندی میر میرانند ادنه اعبانی قارضلی زاده حسن پاشا ابکی یک  
پیاده طرفندن تجمیر و کسل و بطاشی عدم تجویز ایله وقت وزمانده  
اردوی همایونه ککلمک اراده و نومقالبده ادنه ابالی ایله غنجه  
اقبال کشاده قیلندی سایر ایالات والویه عسکرینه دخی او امر  
علیه ارسال و و قلیله مامور اولد قلیله محله عزیمتلی استحال  
اولندیقدن بشقه ممالک خرو سه ده دیرلک اربابی و دودمان  
بنکاشیه انسانی اولنره دخی او امر و مکاتب ابعات و سفر همایونه  
توجهلری اغرا و احاث اولندی (عزل سرچاوشان) دیوان بلند  
ارککانه چاوشاشی اولان یسری احمد افندینک عزله بادی  
و خدمت مذکوره دن انفصاله سبب عادی یوغیکن سابقا  
کنخدای بوابین حضرت شهر یارنی عربکیرلی قیوچی باشی ابراهیم  
بکک صدر اعظم و سردار اکرم حضرتک زینه شدت اتصالی  
او خدمته استخدام اولمشی ایجاب و شوال المکرک اون سکرته  
کونی میرموی الیهی چاوشاشی شیلی ایله ککایاب ایلدی

عزل دولترای خان و نصب قیلان کرای (مشاور الیه اون برماه  
قدر یرلیع فرمانی اقلیم قریم اولوب عزله دک مجوهرات و ترکش لیا  
وسایر عطا با اوله رقی الی یک ککینه قدر نفع عظیم مشاهده عیله  
نکات طافکدارنه هر یازار لکساعده اولمشیکن شایان تحسین  
وسلب افرین اولور طرفندن یوز خدمت مشهوری اولدیغه ندر بشقه  
انقطاع جسر هسکا حیداه طوار لهک قارشو طرفندن برویه عیور  
لیدن اهل اسلام ککریکی کی معاونت اتمیوت شب اولرک ایل  
مشهور اولان تاتار لر عیب و همیما لرله بقدر بولسان موجدینی  
امرار و تقودی بولمیشلری ترک ایله عیب خرقی نفوس بشمار  
اولد قلیلی منع و تحذیردن روچیش و دشمن تفرقه عساکردن  
اوج بش کون مکره خوش طرفنه کچوب خقیف المؤنه اولان تاتار  
لشکر ایله خوین اطرافنده ارانه ستواد جیوش اتمک لازم کسه ایلدی  
دشمن بز و طرفه کچمک احتمالی بهمن ناس نفوه و سوار ایل  
ایسه سردار اکرم حرکت ایلدیکی کی باش طرفنه توجه ایلدوب  
اعدا دخی پاک و پروا طور لی بی برو کچوب بنسیدان و افلاق  
طر فزینی ضبط و بقسا و قطنه لر بی اطرافه حواله ایلله انواع  
مفسدت اجرا ایلدوب جین و رنخاوندن ناشی دشمنک مقطنه  
و قزاقلرینه سرکس نماعت اوله رقی بر محله ایزاز جلادیت  
ایلدیکی معلوم شهر یاز غیر اشعار اولغله عزله اراده علیه تعلق  
وسلم کرای خیاب زاده قیلان ککرای خان مستند حافی به  
تفوق ایلدوب چقلکندن نمضت و معسکر همایونه اتقای رحمت  
ایلدی چکی خیری معلوم صدر و الامتقت اولدیقه بالنس رجال  
دولت ایله بکک برنده اجرای رسم استقبال و استفسار چکر تکی  
خالدن مکره باباطاعنه سوق یکران اقبال و بر موجب تشریفات  
همایون حق سارنده لازم کلان رسوم عادیه اکمال اولنوب  
قی القعه مک بشی کونی اسماعیل اوزرندن قاوشاشانه روانه و سلق  
دخی قبریش جزیره سینه نفیاً تحریک تازیانه ایله عبرت بی ناموسان  
زمانه اولدی (توجه عسکر اسلام بفرقسان و عودت ایشان  
و ذکر محاصره ابرائیل ویرکوی) اعدای ملت بیضا طونا  
ساحلارنده واقع قلاعدن بیرنی استیلا دن مکره برو جانبلره  
اطاله دست اعدا اتمک خلباسله فلاص فرار یلری و سایر



محلله منشر اولان عسکر خیت اثر لینی جمع و فوقشاند احنشاه  
 و استماعیل و یاخود ابراهیل اوزرینه عزیمت کسب استعداده  
 ایلده کلریدن فضله بکیش طرفندن دخی قله و برکوک به هجوم و طوبانک  
 انجمادی وقوع بولدیغی حالده اسلخی قصبه شسته و پروطر قلده  
 اولان سایر معافله وضع پای شوم ایده جکری وضع و رفتار لریدن  
 معلوم اولوب ثغور اسلانیه تک مهالک و آفات و نواب و مخافادن  
 وقایه منی لازم اید و کئی سرحد رده مقیم اولان سران عسکر  
 و وجوه اهالی عرض و اخبار و شمدیدن بارة سنه باقمی تذکر  
 و اخطار ایتمیش ایدی مشتارده موجود اولان جنودک مجموعی  
 بر شاه به سدد و بر رخنه بند اولیده جکری معلوم هر هوشمند  
 اولد بینه شاه اطراف و اصکافه اوامر علیه ارسال و مدت بیره  
 اگر چه بر مقدار عسکر جمع و سرحد ره تقسیم ایلد مهمما امکن اسباب  
 مدافعه استحصالی اولمشیدی انجی تدارک اولسان عسکرک  
 غرض و مقصد لری اعلا کلمه الله ایلد استعاضه فریضه غزا اولوب  
 مقصدنا کک و شگزار لری اولان رخعت سی ایلد احراق مملکت  
 و اخذ برده و جلب منفعت و بونجارتدن صکره و لایسارینه عود  
 و رجعت اولوب سرحد لری خلیفه الخالیه ترک ایده جکری ظاهر  
 و اشکار و بو حرکت ناهموار سبب قوت خضم مکار اوله زق  
 ثغور ملک خیالانی به تعدی و انواع مضرت تصدی ایلد جکری  
 بدیدار اولدیغندن رؤسای عسکر بو فکر ضایب ایلد قارشو طرفه  
 عسکر امر ارکدن بجانب اولوب البوم قرار کک اهلری اولان  
 انباکئی محافظه ایلد قساعت و دشمن ورودنده دفع ضایل سمینی  
 رجیخته موافقت ایتمیشلر ایدی لکن تمادی ایام اقامت و سکون  
 ضرورت ظاهرده عسکری طماننه منی محزون ایدوب قارشو  
 طرفه عبور دن ممنوع و بدباطش لری امر غزادن مزوع اولدیغنی  
 میانه لرنده ثقل و غلوی عسکره سبب اوله جق خالانی تحریک  
 ایدر اولدیله بدان سر عسکری وزیر عبیدی پاشایک دخی  
 بوضو کیت صمیمه دهند فرستم و مجبوراً فوقشاند حرکتی  
 مستلزم اولوب قیوستنده موجود بش التیوز قدر عسکر به  
 ذلی اورمان حشراتی و کتب غنایم داعیه سبیله اجتماع ایدیلری  
 استصحاب و قهر اعدایه من اقوی الاعیان اولان طوب و مهمانه بقیه زق

ابراہیلدن حرکت و مشار الیهدن رقاچ کون صکره و سبج  
 و ساسزه و برکوک عسکر به رؤسای اعیانی چایی الحاج سلیمان  
 اغادخی بکر شه طوغرو عزیمت ایتمیشیدی وزیر مشار الیه  
 فرقیبانه قراب محله کک کده وجوه و افراد عسکری به لین  
 کلام ایلد خطاب و دشمن بالکله افشا اولندن کله و دیل و اخذ  
 غنیمت مباشرت اولماق تحذیراتی اطباء و الغنیمه بعد المزمه  
 معنای اشراپ اید ککدن صکره فضل غزا و جهادی  
 بیان و تحریک دواعی شجاعت ایدر ککائی آورده زبان ایدوب  
 بوقول آورده قصبه مذکوره به وارد قلنده دشمن الیلرینی ترتیب  
 و طوبانی لازم کک لان محلله تعبیه و ترکیب ایدوب اهل  
 اسلامدن الی قدر مرده مبارز جنکه و غول و قصوری قصبه به  
 دخول ایلد سی و غایم مصلحتنه مشغول و بر مقداری بلا محاربه  
 کک کاری طرفه عود و قفول ایدر کاری رؤسای عسکره باعث  
 اضطراب و دشمن دینه سبب مکنت و تاب اولوب بو حال  
 سر عسکر پاشا مشاعده و ابراهیل طرفه معاوده و بکیش طرفه  
 کیدن عسکر دخی بو کیفیت غمناک ایلد روی نصرندن محبوب  
 و انهمزام فاحش ایلد معیوب اولدیله تزلزل اقدام اسلام سبب  
 جبارت اعدای لثام اولوب سرحد ره هجومی کار ازمود کان  
 اناک مع لومی اولوب لبقه طماننه سندن ابکی نفر ابراهیل  
 تعیین و فراغول و سایر خدمتانه استخدام اولملری ابراهیل  
 محافظه قصبه و تلقین اولمشیدی مزبور دخی اظهار صداقت  
 و لیل و نهار ابراهیل خارجی محافظه به مباشرت ایدر کلریدن غیر  
 لسان اشنا اوق ملاسده سبیله بعض رعایا و قزاق طایفه سندن  
 دشمنک ابراهیل اوزرینه ککله جکری استخبار و مشار الیه  
 طرفه اخبار ایدر کلرینه تجربه امور دن غافل و رفتار دشمندن  
 غافل اولان ابراهیل سرد تکدیله و بر لونی خبر مد کوری  
 تکذیب و دشمنک هجومی عدم تقریب ایلد خبر و بر نلر غلامت  
 و نایب ایدیلر برقاچکوندن صکره خضم تحله کار لوازم مهمات  
 قلمه کیری ایلد بدیدار اولوب سر عسکر پاشا قیوستنده موجود  
 بش التیوز قدر آدم ایلد خارج قلعه به تحریک قسمل و بر لو و ساردن  
 بش التی یک قدر اجناس مختلفه جمعیتنه منضم اوله زق مدافعه به



قيام وانتظار اعدای لثام ایله احضار اسباب خصام ایلدیلر  
 اعدا واروشه قریب کلدکده چپ و راست طیار بورنده اولان  
 طویلره اتش و یروب بحکمه الله تعالی قلوب مسلمینه رعب و هراس  
 انعکاس ایدوب بی جثک و ستیر هر بری بر طرفه کرب و اهل  
 قلعه دخی اختیار محض ایله دفع ضولت دشمن فتنه انگیز ایلدیلر  
 بوخبر دهشت اثر سامعه سرداران کرمی نه کدر ایدوب صورت  
 امدادده بر مقدار عسکر تحریر بی تصویب و شدت شناسی  
 ایله برکده خواهش عزیمت اولدیفنی تحقیق ایلدیلر اینسه دخی  
 نکند و اندرون اغسالینه آت و بخشش و بزرگ عزایه ترغیب  
 یوروب تحمينا ایکیوز قدر ادم اوایل شوالده او طرفه تشریب  
 اولمشیدی قبل الوصول اعدا واروشی اخراقدن صکره محاصره  
 قلعه ایله مشغول اولوب بونلر دخی انجماد طوناسینی ایله یخ پاره لری  
 مانند کوه روی نهرده جاری اولدیفن کوروب غبور و امدادک  
 طریقنی بولمهرنی دوردن محصور لرده ما و قلعه بی و دیعه جناب  
 مولی ایلدیلر دشمن دخی نصیبی و حضر قلعه ده افراغ جهد  
 و طاقف ایدر ایکن خونین عافلرندن بکرمی اوتوز نفر پردلان  
 اسلام بالای حصاره بر قاج طوب اخراجیله اعدای نشانه دانه  
 انتقام ایتلرله پیشکاه قلعه ککهار و اشجاردن خالی  
 اولدیفنه بشاء دانه لرحیوان و انسانه اصابتله کفاره میدانی تنک  
 و تاز و ایکی ساعت نوقفه بحال بولوب کبرویه رفع کار و بار  
 و ایکی اویچ کون اوز اقدن قلعه ده تکران و خنایا عازم سم  
 قورقان اولدیلر بومرککده بولنسان خذله مشترکینک  
 بر مقدارنی برکوکنی قلعه سنی ضبط داعیه سنبه بکر شده اولان  
 همتلرینه ملحق اولدیلر استخبار و وجوب امداد قرار کیر  
 اولی الانصار اولمشیدی بشاء علی ذلک سلسره ده ذخیره  
 فاده سیکنون وقوع نولان فتنه ده اعتیان ایله بر قاج ککسه بی  
 اعالی اعدام و اومقوله اشراری سبب سنیاسله الزام مانورینی  
 ایله سلسره قضات سنده مشتاقین اولان میواس و البسی وزیر  
 ضارم ابراهیم پاشا او ائشاده روسحق حواله بینه کلوب اعدا تنک  
 برکوکنی قصبه سینه اولان فکر فاسندی مشار ایله اعلام و زو سنجقه  
 اقامتله قارشونک اموره نظام و برملری من اهم لمهام اولدیفنی افاده

خلالنده دشمنک برکوکنی به حرکتی شایع اولوب التماس  
 اهالی ایله سلسره نظامی تأخیر و مشار الیهک روسحقده اقامتک  
 اشد لری اهالی روسحق طرفندن اردوی هما بونه تحریر اولنوب  
 التماسلرینه مساعدده و بومضمونه مشار ایله امر عالی  
 فرستاده اولمشیدی مشار ایله دخی او حوالیده موجود بش  
 التی یک عسکره کتخداسنی باشبوع نصب ایلوب دایره سی  
 عسکرله برکوکنی به امرار و دشمن دخی شوالک او سکرلجی  
 چهارشنبه کونی برکوکنی ضبط ایچون تابورلر کوروب قوه  
 استدار جبه سن اظهار ایلیدی عسکر اسلامک سوار سی  
 دشمن سوار سیله التقا و بر قاج ساعت یکدیگره حمله ایله ائاره  
 غبار و غایلیوب دشمن مقهور و یک قدری شکار زبانیان ایله  
 درکه دوزخه مجرور اولدی فرداسی بیه اغار جثک و ایکی طرفدن  
 اعمال طوب و تنک اولنور ایکن ناکاه هواده غیم وضایب پیدا  
 و هر کس نایینا کی اواره فرق ارض و سما اولوب دشمن ایسه  
 بوفرصتی غنیمت عد و دست خبائتی اتشبارلی سمته مد و یکریمی  
 قطعه نوا ایجاد طویلرینه پیدر بی اتش و یروب اهل اسلامی  
 تعمیر و تصبیق و یرو طرفده اکرحه درت بش قطعه  
 طوب اولوب انجیق بر قاج قطعه سی ساقط عن العمل و عیله  
 صلاحینی اولنلر دخی بر ایکی دفعه اتلقدیده قالدیلر برهمزده  
 خلل اولدیفندن عبری مقدمه حفری فرمان اولنسان خندق  
 دخی انجیق نصف ذراع و اصل و محصن و تزره قابل تحمل  
 اولدیفندن توقف مشکل اولوب ناچار عسکر اسلام  
 بر جانیه ککر یزان و طور ناجی باشی حسن اغا ایله اوچوز  
 بهادر قلعه ده جان اتوب امر محافظه ده تار سر و جان  
 ایلدیلر خصصک قلعه ککوب طویلری اولدیفندن اعمال  
 ایندیکی چرخه طویلری و ال خبره لری مع عدم المناسه قلعه تنک  
 بر طاشی الاله ایده میوب روسحق طرفندن دخی عسکر و مهمات  
 و ذخیره ایله امداد و اعانه اولمقله اعدا ضبط قلعه دن  
 مایوس و اقامتده اتلاف نفوس ایده جکی حزم ایله واروشک  
 بر طرفنی احراق و زمام عزیمتی خایا بکرش طرفه اطلاق  
 ایلدی مشار الیهک اعانه و امداد و پیدر بی ارسال ذخیره



وزاد خصوصاً جلوه کز اولان مائرجه سی رسیده خبر  
 تحسین و کفایت مملکتی موقع مساعد به قرین اولد یفتدن  
 بشقه مبلغ وافی ایله رفقه و اولوالیک باشبوغلی طرفه  
 توجیه ایله محافظه انجا و محاربه ارجا خصوصاً صلی طرفه  
 تأکید و تنبیه اولندی (وقوع محاربه در قراپوه) مملکت افلاق  
 گرفتار دست خصم فی میثاق اولد یفتنه بنه کارده واقع بعض قرا  
 خلقتی طرفه رفقه متقاعد ایتمک ایچون اوزرلرینه شباطین  
 رها یینی تسلط و محکم جنسیت اومقوله بهوشلری تبرک  
 و فسون ایله تعلیم ایتمک ایدی رعایا ایسته الحکم لمن غلب  
 لایین هرب قولله عمل و سی واستزاق ماده سنی دخی احساس  
 ایله مدارای دشمنی قصارای ایل ایدرک ضروری مما مشاء  
 و دخیار و سایر جهات ایله اعانتده سلب تقصیرات ایدرل ایدی  
 مشاء علی ذلك افلاق قراستدن نهراولت کارنده واقع اصلاته  
 قریه سی خلقتی متوال محرز اوزره طرفه رفقه جذب و دروشت بر مقدار  
 عسکر و صنعتدن بشقه قار شوده واقع قراپوه قصاص سنی دخی طمع  
 ایدرک لری خبری و دین محافظی وزیر محمد پاشا جلب ایدوب  
 و دین بمافردن و دایره سی خلقتدن بر مقدار عسکر انتخاب  
 و طوئانی قار شو کچوروب قراپوه سمته اذهاب ایتمیدی  
 دشمنه میل ایله زمره خونه به ذیل اولان افلاق و بوده می طرفدن  
 قراپوه به نصب اولان بان و بوده نک مسقو لویه تبعیتدن غضبان  
 اولوب خدمت دولتی سیر مایه افتخار عدو شمار ایدرک قراپوه بی  
 وقایه و افلاق دروینده اولان ارمود لری باشنه جمع ایله اجرای  
 حق تحایه ایلد یکندن بشقه حرکت اعدابی نو بنو و دین محافظنه  
 تحریر ایله ایضای حق صداقتده ارتکاب تقصیر ایتمز ایدی و دین  
 عسکرینک مرور فی تحقیق ایدرکی آن اجتماعه شتابان و عسکر  
 مذکور ایوب قراپوه نظر افتده اولان کفار خاکسار ایله بر قاج  
 دفعه طرح فرعه ککارزار و اتقاضای موسم شتابه دک  
 اولوالیک فی مضمون کزید اشزار ایلد یکی رسیده درجه اشهار  
 اولوب ککایان کان اوغر ردولتده فدای جان ایدن خد متکذرازه  
 التفات و نوازش سابرک مایه جیننه سبب افراش اوله جغی  
 ظاهر اولد یفتدن بان مسفور اردوی همایونه احضار و الساس

\*

خلعتله متدار قلند یفتدن غیری کما فی الاول و دین عسکر یله  
 محافظه انجا و جلب رعایا اقدام ایتمک خصوصاً صلی طرفه سمته  
 القنا اولوب شویله که دخواه دوات علیه اوزره اظهار صداقت  
 ایدرکی حالده حصول مطلبیه مسرور و خرابه زار املی معور  
 اوله جغی و عد بیطایله کلد یکی سمته ارسال اولندی مسقون  
 یوامینه ایله قراپوه به واصل اولد قنده زبر اذازه سنده اولان  
 رعایا بی مسقو لو اغفال اوزره اولد یفتی استلال و نصیح  
 و بند ایله مسفور لری و ارسته شکال مکر و آل ایلد یکی دشمن  
 تحقیق و مرتب طابور ایله ناخت و تاراج قصدنده اولد یفتی  
 بان مسفور و دین طرفه رفقه و مشار الیه کالاول عسکر ترتیب  
 ایدوب باله نس ککایا سنی رفقی ایدوب عسکر و ارنجه دک دشمن  
 اولت صوبی مرور و غیب و عمارتله رعایا بی بحضور ایلد کری  
 مشاهده اولد قنده هر طرفدن دشمن اوزرینه هجمه ایلان جلادت  
 و اکثر یسنی طعمه شمشیر صلابت و بقیه سی حال منقلب  
 و نفس مضطرب ایله نهری ککدار و بکریس طرفه ایلغار  
 ایلد یلر (اخراج نوع) موسم بهار تقرب و عسکر اسلام  
 تحریر ایتمک باشلیوب ارباب شوری نوع طفر فروغک اخراج  
 و رکزی استصواب ایله وجوه محاسن ادما ایلد کلرینه بنه  
 دی الحجه نک اشجی یوم احمد حضور لری متشاد اولان ضابطان  
 و سایر ارکان دولت سرای سردار اکر می به دعوت و اخراج  
 نوع رسمیه رعایت اولوب بکرمی درت کوندن صکره ککدایک  
 و قوناقی پاشا معرق لریله باباطاغی خلعتک جناتب شرقیسمه  
 نصب و بوسیله پیدر پی عسکر اطراف جلب اولندی  
 هنرل اغای بکیر بان (وزارتله بالفعل بکیر ی اغاسی اولان  
 سلیمان پاشا نک نفوذ کلامی زایل و رویت اموردن عاقل  
 اولد یفتنه بنه اوجاغ عامره اموری مرکز استبدادن ماطل اولوب  
 اورنه رفقه قوللغچیلردن عبارت والد قری تعیینات خارج  
 قدرت دولت اولد یفتدن بشقه ابرایل وقعه سنده یک نفر امداد  
 فرمان اولد قنده عساکر سالی اخبار و تحقیق اولد قنده الحق  
 اوجوز نفر ندرک ایده بلد یکی اشکار و با خصوص قسطن  
 مواجهدن ککمه لری رفقه ادم بویه میوب باباطاغی خلعتدن

\*

\*



استاد و بواسطه باب الله تنفیر طبع صدر و الاثر از ادب خلاصه  
 مشار الیه فیالت رای و تدبیری و ضبط عسکریده اولان رخاوت  
 و تقصیری عزلی ایجاب و بوخصوص اطرافله عرض رکاب  
 مستطاب قلیتوب آخرتک نصیته رخصت اکساب اولند یفته  
 بنیاد و دین محیا فظی اولوب سابقا یکجری اغایی اولان قیو قران  
 وزیر محمد پاشا قانون اوچاغه واقف و درایت و حسن اداره  
 الیه متصف اولند یفتند بن قریم سر عسکر لکی عنوانیله اردویه  
 احضار و یکجری اغایی الیه کما مکار قلیتوب سابق کلی  
 محافظه سینه مأمور اولمشیکن خانه متصرفتک و فانی خبری  
 ورودنه بنیاد منصب مذکور الیه مسرور قلیتوب و دین محافظی  
 دخی سابقا حلب و البسی وزیر محمد پاشا به احسان و برآن اقدم  
 محافظه قلمه به شتابان اولسی با بنده طرفه خطبا با اصدار  
 فرمان جلیل الشان قیلندی ( عزیمت سرجه جیان با ایساخی  
 استیانت سعادتن اردوی همایونه ترتیب اولسان جیه جی نفراتی  
 و مهمات بحرا و نهرا ایساخی به وارد اولد یفتی مہیان اخبار افاده  
 و تصریح و مهماتی اماکن محفوظه به وضع و نظراتی تصحیح  
 ضمیمه جیه جی باشی الیه اوچاغده موجود ضابطان و نفراتک  
 ایساخی به وجوب عزیمت خبر خواهان دولت تلخیص ایلد کلرینه  
 بنیاد ذی الحجه تک یکرمی ایکجی جنس کوفی اغای مومی الیه  
 و سایر ضابطان با باطاعندن بحرنک الیه ایساخی به تصریح  
 اولندی ( عزیمت قیودان دریا وزیر ابراهیم پاشا ) مشار الیه  
 بودند اقدم بحرنک سیاهه مأمور و عودتده بعضی تقصیر استنادله  
 نظر عا طفتندن مهجور اولوب او آخر ذی الحجه ده معزول و امراء  
 در یادن جام خواجده نیرہ می حسام الدین پاشا رتبه والای  
 وزارتله رتبه موصول و موره جزیره می اطرا خنده مسقولونک  
 جنک کلری کشت و کنار اوزره اولد قلمی منقول اولد یفتند  
 دو نعلای همایون الیه ران اقدم حوالی مذکور به واروب  
 دفع کید اعدای شوم و محافظه اطراف و تخوم ایلمسی  
 طرفه تنبیه و ایضا و سلفی دخی مسقط رأسی اولان اغریبون  
 سنجاغله محووف عوارف بی اشها قیلندی ( ذکر احکام بعضی فلاح  
 و توجیه اینه بخنی ) خصم بدکش مالتک محروسه به القای فساد

و تشویش دن خالی اولیتوب از جمله مستند عصبان و بهانه جوی  
 طغیان اولان موره بغایا سنی کوتا کون تسویلات و ترغیبات الیه  
 اضلال و احوالی بی برهمزده اختلال ایلد کلری اطوار رعایادن  
 استلال و اولیتوب تقویه قلاع و ترصین بقطع لازم کلد یکنی  
 منتر حد نشینلر تفصیل و اشباع ایلملرله هر قلعه به محاور اولان  
 قصبات و فرادن تصحیح طریقله و افر عسکر تحریر و قلاع مذکوره به  
 تشحیح الیه اجرای حسن تدبیر قلمد یفتند بشقه دوقه کین  
 ماسلفی خدا و یردی زاده احدیک کلد و مالتدن کفایت مقداری  
 عسکر تنظیم و بود قلمه اینه بخنی توجیه اولسان و وزیر مصطفی  
 پاشا معینده و ارباب امر و نهینه امتثال ایلمسی طرفه تفهیم  
 و بمقابله ده میر میراتاقی الیه بر مراد و دوقه کین منجا غبله  
 نشیده اقبالی مستزاد قیلندی ( بعضی توجیهات ) جزیره موره ده  
 شویع بولان اختلال محتمل الوقوع اولد یفته بنیاد یکجری  
 روز بوزک وجودی از باب الباب استصواب ایلد کلرینه بنیاد  
 یکجری اغا لغندن انفضال الیه دیمتوقه ده منقب عا طفت شهریان  
 در یانوال اولان عثمان اغا به رتبه وزارت الیه ترخاله سنجاقی  
 عبات و احوالی به اطرازه جاسوس فکرت الیه محافظه به وقت  
 ایلمسی طرفه موصدا کلد فخر بر و اشارت اولندی و دین توجیهله  
 حلب ایالتی بودند اقدم محمول اولوب تسلیمه نظاسنه مأمور  
 سابقا روم ایلی و البسی وزیر محمد پاشا به توجیهی امر معقول  
 کورلد یکنندن بشقه یکجری اطرافی محافظه به فرمان و البسی  
 وزیر سلیمان پاشا تعیین و یکی قلمه بی محافظه شرطله کلد  
 ایالتی بارتبه میر میرانی عبد الولی نام کیده به توجیه الیه او طرفی  
 دخی تحصین اولندی لیکن بیک نفر سوار یله متدما اردوی  
 همایونه مأمور و بمقابله ده میر میراتاقی و میر غش ایالتی الیه  
 مشرور اولان خوی زاده عمر پاشا اولقدان سوار یله حرکت  
 طرق و قدوتندن خارج اید و کئی آنها و تقبلتی رجائید یکنه  
 بناء اسلافی کچی سکر یوز نفر سوار یله اثبات وجود ایتک اوزره  
 متاع مطای پسود قیلندی ( بعضی حوادث ) نیجه امیر اطوری  
 حلت مرناق و سودایه مبتلا و حل و عقد اموردن دامکش استفا  
 اولد یفتند بنیچدن غیبت و وندیک و پرو سنجاق و محارر مملکتلری



سیر ایلده دفع ثقلت و بجه غوذث ایلدیکی و بر محله عدم استقرار  
 ایلده مانند سیماب حرکت طبعی ایلده دایما انقلاب اوزره اولدیغی  
 وجودنه عارض اولان قلت اقتضا سندن اولدیغی مادی اولان  
 ایضا طور بجه تحقیق و سیر بلدان ایلده دفع خفتان ایللمنی  
 تشویش ایدوب مجاورت سینی ایلده خد و دینه دخی عسکر تعین  
 ایلدی کلمه بی جا نوملر و سا طبله بلغراد محافظی تصحیح ایلدیکی  
 غریضه صنده ایما و تصریح ایلدی (مقدمه ظهور بحاره دریا  
 سین خند بندن برور و سید لوبجر بالطق کمارلر و مقر  
 ضلال قرال اولان پترورقک خیانت عزین سندن جریان ایدن  
 مکرر سوا خنده صغیر و کبر سفینه لار انشا و تجارت بحره به  
 هوسکار اوله رقی تحصیل نفع و جدوی ایده کلد کارندن بشقه  
 دولت علیه ایلده بحاره لری وقوع بولدیغی خالده دریای بالطقندن  
 بحر محیطه و سینه بوغارندن آقند ککره خیتوب جزایر اسلامیه به  
 ایصال مضرت و زعایای بداندیش ایلده هم کیش اولد فلرندن  
 اکثر ایلده زنا ریندا ایستاد و دلائل ایلده پانهاده موقع اختلال  
 و فساد اولق ایللاری دایما صغیر صغیر لری اولوب بود فقه  
 وقوع بولان بحاره به ده سفینه زنده قلت و ذریافتی ککایدی  
 احاطه ایدر قیودا نلر زنده ندرت اولدیقتدن و ندیک و انکلیز او  
 ایلده استزاج و استیجار ایلده سفایه فحاش اولد لری افاده  
 و مطلب لری انتاج ایلد ککارندن بشقه بحاره مجاور اولان  
 دول نصا رادن قوت نه به ایلده دریاه غلنده ماهر و بخارید بحره ده  
 نماز سنی ظاهرا هر ادمار ندرت ایلد کک لری مسؤلویه بغض ایدن  
 بغض دول خفیه دولت علیه به اخبار و وقتیه اماده حرب  
 و یکار اولق قضیه سنی اخطار ایستلرایدی او وقتک زجالی  
 و کار لری بو کیفیتی مغلظه به جسد و عدم تصدیق ایلده پترورقندن  
 اقد ککره مسؤلوتک دو تنما اخراجی بر وجهه طایفه لری  
 تطبیق ایلده میوت امور مستحیله دن عهد و معارفه اید نلرک  
 دلائلی مکاره محض ایلده رد ایلدیلر ناکگاه دشمن روسیه ایلده  
 یعنی آنقدر زنده نمایان و سوا خنده یوانان اهل اسلامده هشت  
 رسان اولد لریله فی الحال هر جائیدن دولت علیه به عرض ماجرایی  
 و ذخیره و عسکر طلیله کلی اعانت استمداد اولوب ن مسؤلوتک

بحر سفیده دو تنما اخراجی مستحیل عداید نلر غرق بحر شرم  
 و معارضات سابقه زنده تجشم ایلد کک لری شدت این و نرم اولوب  
 در عقب استکندریه مشرقی محمد پاشا به حکم سلطانی اصدان  
 و اولگون و بار اطرافندن عسکر تحریری اشعار اولوب شوبله که  
 پاشای موغی ایلده اون قطعه سفینه احتضار ایدوب جانب میریدن  
 هر سفینه به بشر گنجه و یکسماد ایلده اوله رقی بیکر غرش تخصیص  
 اولوب مبالغه مرقومه بی تقسیم و بکنی بکنی بکی پاشا بوع نصی  
 ایلده بران اقدام موره سوا خسته اخراج ایللمنی بر وجهه ناکند  
 طرفه تفهیم اولند بقتدن بشقه امرای دریادن ردوس مشرقی  
 جعفریک دخی اوضولر بر وجهه تعجیل توصیل و سلا نیک منصرفی  
 وزیر علی پاشا اربود لغدن سفره مامور اولد لری محالرندن  
 اخراج و تقیل و بشر یوز سپاه و سلحدار نقرانی باترقی تحریر  
 اولوب بوجهه ادراج ایلده موره سر عسکرکی نصبت اولنان  
 صدر استی محسن زاده محمد پاشا طرفه ایصال اولتی اوزره  
 اردوی همایون و رکاب متطاب طرفندن او امرای کیده ایلده  
 استیصال اولدی دشمنی دین ایسه اطاع لری نقش رآب  
 اولان مایه خلقی بو خلالده طرفلرینه جذب و اماله و عهد  
 و پیمانی متضمن احد هما اخره غرض قباله ایدوب موره جزیره سنی  
 رعایا سنی دخی اضلال و تسویل ایچون اون قطعه سفینه  
 مایه جانیبه تسبیل ایستلرایدی ذکر اولنان سفینه لری ایکی  
 قطعه سنی قوت تحوت و اوچ قطعه سنی تسد باد هوا ایلده  
 اواره تمکن و ثبوت اولوب سفن باقیه ساحله و اصل و مانده  
 ککفره سبله متفق موره رعایا سنی پیوند اتفاقه شد و داثره  
 جعبه لریته داخل ایلد کدن صکره تخمینا التمش یک قدر اشار  
 کفار مژسته قضیه سنی پازده خسار و اوچبوز قدر  
 مواخذه بی گرفتار قید اساز ایلد کندن غیری بحاره به  
 قیام ایدن در پیوز قدر هر دیشام دخی نوش شربت شهادت  
 ایلده طبعه علیای خلدر بی مقام ایلدیلر ککفره مژبوزه تک  
 قضیه مذکوره اهل ایستد ایلد کلمه اهانت تفصیل اولسه  
 سبب رفت و از جمله بر قاج طفل نور سبده فی بالای  
 مشاره دن خاکه القا و انواع فضا حنه اجزا ایلده آیین



مغولی ایدا ایلدیلر بو حال عبرت مال کوشزدن سر عسکر غیرت  
اشتمال اولدقدن فریب عسکرک ورودنه زمان مشاهد اولد یغنی  
مشاهده و اطرافه یورلدیلر را ککندده ایدوب تر جاله لی نعمتی  
زاده بی و یکبشهر لی مدرس عثمان بک ایلده قیوجی باشی اسمعیل  
اغابی و حجاجه لی علی اغا و ایزد بنلی بکرزاده بی بکر ایکبشهر بک  
عسکر ایلده جلب ایلدیکی حالدده عصاة رعایا دن اون بش بک قدر کفار  
مانده لماندن خروج ایدن اشراره الخاق و انظمام ایلده طرا بلایچه  
اوزرینه هجوم ایده جکری سر عسکر باشا نك معلومی اولد قدده  
دایره سی خلقی و طرا بلایچه منسلمی حسن افندی بی و جلب اولان  
سایر عساکر مسلیمی اوزرینه تعیین و ذی الحجه نك اون اوچخی ائین  
کونی تلاق صفین واقع اولوب قنّه موحدی زمره مشرکی سیر فر  
ورده زمین و ایکی بک مقدارنی کشته ضمیمه و سیکین ایدوب  
نصف ساعت خلّه غدو سوز اسلامه محصل اولده رق کفار به کار  
طوب و مهماتلری ترک و فرار ایلدیلر غسون قضا شده سر راوردده  
بخی و شقا اولان عصاة رعایا قصبة مزبوره بی تاراج و یغما ایتدکن  
صکره بالیه بادره رعایا سبله مخازنه و او اطراف فی نهب و اموال مسلیمی  
غصب و مضاد ره ایلده قلعه بی محاصره ایشلایدی تسلط رعایا دن  
تخلیص جان ایدن ایمان بادره اها لیسبله اتحاد و قلعه به دخول ایلده  
اهالی به کلی امداد ایشلایدی بکرمی کون ایام محاصره نمادی قبول  
و بر طرفندن امداد وصول بولمیدندن غیرتی قلت ما محصورینه اعظم  
بلوی اولوب تاجار اسلیمان ایلده قلعه بی تسلیمه توطن نفس  
ایلدیلر بی سر عسکر باشا نك و کلچر بی اولوب قسطل  
محنا فظه سینه ما موز مضطقی اغا استماع له و معیننده اولان  
ارتبود بهادر ایلده استخلاص قلعه به اشرار ایشلایله  
بک خنده ده لجهیت اعدای مضطرب و اسکریشنی مستأصل  
ایلدیلر کمرندن غیرتی و افریق قید اسره ربط و طوب و مهمات  
و سنا برادر و انلری ضبط ایلدیلر لطیف باری و همت  
تاجدار لی و دستیار لی دستور دین یوزوری ایلده موزه  
جزیره سننده اولان شورش و اختلال بال سجدده عرضه زوال  
اولوب سر عسکر باشا به بونصرت عظیمه سبب فزونی اعتبار  
و فایح موره غنوائنه سرا و ازا ولد یغنی ظاهر و اشکارا دن

توجه صدارت اناطولی (صدارت مذ کوره به تصرف و بر سینه  
قدر او مسند بلند ایلده شرف ایدن اسکر افندی عزل و نوبت  
صدارت بحسب لطریق استانیولدن مفصل محمد نبیه افندی بک  
ایکون بر کون مقدم سر سام داروی حجام و انقاس مقدوره بی  
تمام اولوب استانیول زاده سننده خانی اولان داماد زاده  
محمد مراد افندی اناطولی صدارت بیلده در اغوش ککرده شاهد  
مرام اولدی ( ذکر بعض توجهات علیه ) استانیول قاضی بی  
اولان دری زاده محمد نور الله افندی نامزد اولد یغنی حکمرندن  
دامکش استغفا و برادر سید اختر ی اولوب مکه پایه سبله  
سابقا سلاتیک قاضی بی اولان السید محمد عطاء الله افندی  
شهر ربیع الاولک اون بشیمی کونی استانیول قضا سبله کاهروا  
اولدی اسکر ادره بوندن اقدم منار شریعی رافع اولان  
محمد تافع افندی شهر رجب غره شدن ضبط اتمک اوزره ادره  
قضا سبله خرم و چکچی باشی زاده فیض الله افندی بک بشهر  
قنار قضا سبله ککزار امالی طرا و نیاب فیض خاق التسم اولدی  
سابقا روم ایللی قاضی سکری قره بکر افندی زاده عثمان افندی  
مکمل مدت حیات و ترک مشغله ککایات ایلدی رئیس  
العلم اولان میرزا زاده السید محمد سعید افندی بر سینه قدر روم ایللی  
صدارتنه سایه انداز شرف و اناطولیدن عزول بشمقی زاده  
السید محمد افندی غره رجیده مشارا الیه نعم الحلف  
و استانیول قاضی بی اولان دری زاده عطاء الله افندی برادر ی  
آرنه افتخار و ککار دشوار حکومتدن استعفا ایدوب با پایه  
مکه سابقا مصر قاضی بی اولان اسحق افندی غره جادی  
الاخره ده استانیول قاضی بی نصب و تعیین و شیخ الاسلام  
اسحق افندی زاده السید یحیی شریف افندی ماه مزبور ک  
اوچخی ککوتندن استانیول پایه سینی احراز ایلده نایل عز  
و تمکین اولوب مکتوبی عبد الرحیم افندی بک دخی حکومت  
بروسه ایلده شراعتیاری و اصل جرخ هفتین اولدی ( وفات  
صدر روم ) بشمقی زاده السید محمد افندی اوچ ماه صدارت  
روم ایللی به متصرف و اشهر رمضان شریفک اون التخی کونی  
شمس ضیا دار حیاتی مکلف اولوب سابقا اناطولی قاضی سکری



شریف زاده شریف محمد افندی اوجاه منبع ایله اسعاد و حضور  
قایم مقامیده تلبس فروه سمور ایله دلشاد قیلندی (توجیهات علیه  
سکسان درت ربیع الاولدن ضبط ایتمک شرطیله شام قضای سی  
جلیدن منفصل السید احمد افندی زاده السید مصطفی افندی به  
وسلایک قضای سی بلیغنا حسن افندی به و غلطه قضای سی  
قدس پایه سبیل السید محمد کامل افندی به و حلب قضای سی  
قاضی زاده السید محمد افندی به واسکدار قضای سی امام السید  
ابراهیم افندی به تواریح مختلفه ایله توجیه واحسان و بشقه  
بشقه بدرینه اعطای امر جلیل الشان قیلندی (وفات شیخ  
الاسلام پیری زاده عثمان افندی و معنی الانام شدن میرزا  
زاده افندی) شیخ الاسلام اولان پیری زاده عثمان افندی  
ذی القعدة تک بشیخی کونی ترک دار غرور و مجاور اهلی  
قبور اولوب امامت عظمای قنوی اوج دفعه صدارت اناطولی ایله  
کسب قدم طریق ایدن میرزا زاده السید محمد سعید افندی تک  
ککردن استحقاقه تملیق اولندی ترجمه مشار ایله شیخ  
الاسلام مرحوم پیری زاده محمد صاحب افندی تک فرج جرتومه  
پاکیزه می اولوب ابام جوانیده لسان حال ایله مع اولت ابائی  
بختی بملهم مفهومیه ترانه ساز و مدرسه زو سبیل قامت  
افراز امتیاز اولوب دوره معناده بی تکمیل و مولویت زبده سی  
تخصیل و زمدتن صکره مکه پایه سبیل تطیب و مشیخت  
بدریده استابول قاضیای ایله تطریب اولوب اوج ماهدن  
صکره استعفا و احراز پایه ایله استعفا ایتمیشیدی یوز  
التمش بشنده اناطولی قاضی عسکر لکی دیباچه عنوان اقبالی  
اولوب مدت عزیه سن اتمام و التمش طفقوزده سلطان  
عثمان خان حاضر تلبس برقیاج ماه امامت ایله احراز د ستایه  
مزام ایدوب سنه مزبوره و سطلنده روم ایلی صدارتیه شایان  
و تمش تبار بختنده عزل و بروسه به تفریب ایله دریش هموم  
وا حزان اولوب زمان اقامتی مدید اولمشیکن حقیقه لطف  
الهی بدید و قیامتدن انطلاق ایله یوم مکنه سراملی  
همرک صبح العید اولوب تمش بشنده مکررا صدر روم  
ویدی ماه اجزای احکام ایله فاصل مابین خصوم اولوب تمش

طغوزده مره بعد آخری صدارت مذکور ایله کامروا و برقیاج  
ماهدن صکره استعفا و اختیار مسلاک اتروا ایتمیشیکن سکسان  
ایکی نار بختنده مفتی الوقت بولسان ولی الدین افندی رحلت  
و مشار ایله مسند قنوی ایله کسب اتم رفعت ایلدی سکسان  
اوجده فوت و مطهر ککل نفس ذایقه الموت اولوب مراد  
پاشا جامعی خطیره سننده اوطود باذخ علوم و فنون متواری  
و مد فون اولدی مشار ایله سرآمد علمای روم و فهم  
ودانشی ظاهر و معلوم اولوب نظم و نثره قادر و جدل و بختنده  
مثلی نادر و صاحب مخلص ایله منظور اولان غزل و نار بختی رنگین  
و مقبول طابع بلغای معارف آیین اولوب اکثر اوقاتی مدرسه  
علوم ایله کیچو عید الله مثلا و کلبه و ککوچک امدی کی غول  
دایر سنه تردد و دخول و مباحثه کونا کون ایله مجلسی مرکز ابره  
منقول و معقول ایدر ایلدی انشای جنسی هر خیالنه حسد  
و در مساویستی فح و محاسنی سد ایدوب حتی وفاتیده لایسوا  
الاموات فانهم قد افوضوا ماقدموا مفهومندن عدم اهرض  
ایله مات الحساس تاریخی انشاد و نار عدا و تلبس ایقاد  
ایلدیلر لسان انای زمان ایله جریح الجنان اوله قلمی حسیه  
عثمان سمیده ترکی و فائزیه تاریخ واقع اولدینی غریب  
انصاف اندر (وقایع سنه اربع و ثمانین و مائه و الف) ابام  
بهار خسته انار رسیده و ادراک و نبات نبات مشیه ارضی  
چاک و بوی دلاوز عنبر آمیز ایله مشام عالی عطرناک  
ایدوب نشیب و فراز ککهار ازهار رنگارنگ ایله اظهار  
صنع خالق بی انبار و احضان و اشجار دستبازی نسیم  
ارد بهشت ایله بخت و اهتزاز ایلدی انهار و جسد اول سقوط  
صبیب طبیب ایله مختلعل و پروت هوا کسب جوهر صفا ایله  
ملایم و معشعل اولوب خطیب مبر چترار اولان عند لب  
مشق عشق ایله واوله انداز تلال و وهاد و مرغان اولی احبه  
اختلاف لغات ایله اثبات ککرده بحث مساد اولدی سخن  
مرغزار نسیم و بیخج ایله بهجت بخش مناظر و لاله داغدار تک  
اجرفانی ایله کتابنده خاطر دیده ترکس خواب دشمن نکهدار تاج  
تسرن و کیه نودمیده ستایش نصرت و خضر تله کویای



ایاک و خضره الدمن اولدی بواستبایله فیما بعد اولدی  
همایونک مشتاده افاقی تا مناسب و برآن اقدام صحرا به خروبی  
واجب اولدی یغنه بنه محرم الحرامک ایکی کونی قانون  
اوزره درگاه عالی یکچیریلری و دردی کونی مرتب الای ایل  
صدر اعظم و سردار کرم جنابری لوی قوزالتوای قهر عالمی  
پیشوای منهج سعادت ایله رک باباطاغی مشتاسنون دتره زن  
حرکت و قیام و مقدمات اختیار کرده ارباب نقص و ابرام اولان  
فضای دلکشاده نصب اولان خیمایا نظامه پانهاده عز و احشام  
اولدی غریبه باباطاغنده اتحاد مشتاهن اصل مصمم  
اولدی یغندن ذخیره ده قلم و مکانه عدم و شرف رجال و کجاری  
مبتلای چارموجه ضرورت ایلدی یکندن بشقه الحما دماونا بودی  
ارباب حرب و غایله دشمنک برطرفدن ظهوری اندیشه نی  
ومقاومتک فقدان امکانله بریشا تلق احتمالات قریبه سی راحت  
فرسای ارباب نهی اولمشیکن فیض روحانیت لوی محبوب  
خدا ایل او خاطره ربانکلیه زایل و قدوم بهار و فوج فوج  
ورود عناصیریک شمار ایل اردو خلقنده ثبات قلب و طمأنینه  
حاصل اولدی (بعض و قیامات) شقیق و اخ شقیق صدر اعظم  
اولوب بالفعل سیاهیلر افاقی اولان علی یک دهر فائیده نیمه زمان  
تحصیل مطالب و اکساب مازب ایل کامران اولمشیکن تا کاه  
خسته و زجاج مزاجی سنک حادثات ایل شکسته اولوب زار  
والا کهرری طرفندن ارسال اطبا ایل مداوایه اهتمام اولمشیکن  
داه موته در زمان و اجل موعوده امکان تراخی زمان منتهی  
اولدی یغندن ماه مذکورک طغوزنجی کونی دستکش عالم مانی  
و عازم سمت جنادانی اولدی میره موی الیه باشبای قوی  
واریه امینی و چاوشیاشی و سلیمان و سیاه اناقلری مناسبتی ایل  
کسب اشهار انیس بر میر نامداز ایدی مخجل اولان منصبی خطیب  
زاده قوی باشی احد انایه توجیه اولوب برکون صکره  
الذو شخی بکابی ولی افتدی دخی حیات مستعار دیویه ایل خندان  
ایکن درد ناگه ظهور ایل کریان و اولدی جانب آخریه روان  
اولوب اردو مشیخی ایل مشایخ خلوتیه دن حافظ مصطفی  
افتدی کسب مایه از رومندی ایلدی (حرکت اردوی همایون

فضل جناب قهار و امداد روحانیت حضرت نبی مختار ایل  
اعزای دیندن اخذنار و شوکت اسلامییه اظهار نبی  
ایل بوسال فرخ فائده عام ماضیدن مر داد جمع ارباب جهاد  
و تکمیل عده و عتاد قبلتوب مخترب خیمایا هتکر اسلام اولان  
باباطاغی صحراستدن اشتبوا محرم الحرامک بناینده فوج فوج صنوف  
هتکر حرکت و قیام و ایساخی صحراسته رکزه اعلام ایلدی  
استطراذ) مرخوم انوری افتدی باباطاغی قصبه سنی مبلغ علمانی  
قدز کشف و باغ و راضی وصف ایدوب مقاله سنده خط  
وزل و تحقیقا تنده قصور و خلل اولدی قی برهان عقلی ایل  
مدلل اولغله یو بایده عبد کبصاعه به مشاهده معلوم و ثقاه  
روایه ایل مفهوم اولان بعض اناجر اقیاننر روشنده نقش و نگار  
وره آورد بحالسن مختبران احوال روزگار قیلندی باباطاغی  
فرق بدی درجه طول و فرق ش درجه عرضده اونوز سکر  
درجه انحراف قبله ایل ایکی باراره سنده سازاق و بطاقلی  
دوز دره ایچنده خیالی و اشغ بر شهر اولوب سلطان بایزید ولی  
فورشون اورقولی برجامع بناسیله شهر مذکور ی تزیین  
المشدر بوندن بشقه و زرای عظامه منسوب بر قاج جامع و ایکی  
اویچ جفته حشامی و معتمور خان و اسواق اولوب سفر لائشونده  
سردار اصکر ملزه بعضا مشت اولمشدر حق اصل ماه جاریمینی  
اولوب آباردن جلب اولدی یغنه بنه الحراج اولان آبک اویچ ساعت  
یکچسندن طریق حساد ایل استعماله صلاحیتی اولدی قی معلومندن  
شهرک غرب طرفنده دامن کوهده یوسف باشا چشمه سنی نامنده  
ایکی ماسوره قند برصوبی اولوب اندن غیری شتریه سراسوبی  
یو قدر شهره بر ساعت مسافده واقف بمکمل چشمه سنی نامیله  
اولان صوبی وزیر مشار الیه قنات ایل کتوردوب شهره اجرا  
و بر قاج برده چشمه ل احداثیله عطاش ناسی اروا ایششدر شهر  
مذکورک بهاری فرحنا و انواع ازهار ایل نمونه نمایی چنه  
الساوی اولوب خانه لریک اکثری مسج و فراخناک و اشجاری  
بر برینه اشناک ایل سلوت بخش دل غمناک اولوب اغصان  
و افتاشنده لانه کبر اولان قناری و طبور استیخاع دلسوز و ترغبات  
خاطر فرور ایل قلوب خافقه به بخشنده سکون و سرور اولدی یغندن



لشقه صحرای سبز زار و نلال و جبال اطلس خضر ایله گسوه دار  
 اولوب انجی اهل البیت اکثریسی ترك صلوٰه ایله شهر نشین  
 و وقت ضحایه دك خواب غفلتله اویره فیض اشعار اولد قلردن  
 فضله کار و کسب لری ایشای سیلی و رای اشعاردن شرب  
 ایله نهیب و سلب و بالواجهه اون نفری ایکی نفره مقارن  
 ایده مدیکی محراب باب حرب اولوب بجه نی کسل و بطلان  
 عقون و ایکی اوچ ساعت تحله کهسار لری اشعار ایله مشغول  
 ایکن خانه لیده حاضر اولان عرب لری اعمال ایشوب عسکریدن  
 طلب خطب ایله ضرورتلری دفع ایده ککلدکاری بخته مقرون  
 برادر غریب نمودن و وجه تحمیه سینه سبب اولان بابانام کسه  
 شهره مشرق جبال ذروه سنده مدفون و قد و جبطان تکلفدن  
 بیرون و اهل البیت بعض خسارتی غاده شی ثقلیه ککراماتی  
 بیان و اشاعت و بعض نذور و قربان ایله واصل مقصد اولد قلربی  
 روایت ایدر شهرک قریبده قره ذکزدن مشرب رغدر  
 کسیر اولوب سلفده قزاق قایق لری ککیروب شهری غارت  
 ایدر ایدی قایق کله بک بوغاز سده ایله محصن و شهر  
 غارتدن تأمین اولمشدر ذکر اولسان غدیره خواله بکی صاله  
 نامشده و خراب قلعه اولوب انازی باقیدر قریبده ایوم  
 مشهور اولان قریه قلعه به نسبت اولمشدر غلب و سایر فواکه  
 اوحوالده خنداقی ثابت قیلندن اولوب اهلایده همت و صنعت  
 فلاحته قابل ملکه و طیف اولسه عموما امار و قواکمی اعلا اولوب  
 اطرافدن جلبه ضرورت الحاح ایز ایدی شهر مذکور  
 عن اصل وسیع الارض و مقصور بر شهر بتصور ایکن معروف  
 روز ککار ایله خرابه زار و الحاله هذه صغیر بر قصبه شکنده  
 نمودار اولمشدر بویه در رقتار چرخ کج شتاب بر تحمل  
 مقصور اولور ککاهی خراب (بعض حوادث) افلاق ملحقانندن  
 قریبده واقع بالو و نجبه نام قریه بی تضییق شمشده دشمن دین  
 طرفیندن تعیین اولسان دو نجو نام بویه درت نفس قیودان  
 و بشبور قدر قطعه رفیق اولد یقنی اوحوالی تحافظه سینه  
 نامور ضرورت کجادی اغاری تحقیق ایلد ککریته شاه مقابله  
 اعتدایه سینه کش جلا دت و ایکی ساعت قدر شداید بخاریه

مضارث ایله دشمنی تدفیر و مسعود بویار ایله درت نفر متعین  
 کسه لری والی قدر سبب مشرب ککینی کشته شمشیر برقی تاثیر  
 ایلوب سبب لری ایلد نجات ایله متغری کرپوه و فلاه اولد قلری  
 و دین محافظی احمد پاشا زاده وزیر محمد پاشا طر فندن اشعار  
 و بخیر خبر دافع الضیق قلوب مسلمینی مالا مال حبور و اسبشار  
 ایلدی بکرم قصه منی آبادی اعدادن انزع باینده باشوغ  
 نصب اولنان وزیر صارم ابراهیم پاشا ک معینه مامور عیاصکر  
 اسلام اجتماع و بران اقدام طونانی قارشویه مرو ایله انقاد  
 اخرجها تطاع ایلدی طرفه بدربی تحریر و الماع اولمشکن  
 مهمانده اولان قصور و صنوف عسکریده اولان قنور پای  
 هر بخته شکال اولد یقنی عرض و املال استدیسه دخی اراد  
 ایتدیکی عذر لک برادر اکرم حضرت لری دلتک ایدوب  
 بازوی افتد ار نه قوت و ایشای عزیمت متانت قصد به میر  
 میراندن محمد پاشا به روم ایل بکریک بکدی پایه بی احسان  
 و چرخه جبال ایله دانه وصف و عنوان وزیر یارب مشاعر الهی  
 بران اقدام محندن تحریر و رابطه اعدای تفکیک و صایاسه  
 کوش امورین تحریر اولمشیدی پاشای عری ایله مشاعر  
 الهمک اردو سینه وصول بویار اراده دولتی افاده به فرصت باب  
 اوله مدیغنی اشراپ و حرکته بدی ایلرب هزار صعوبتله اجتماع  
 ایدن صبره طول اقامت سبی ایله قریب تغری طریقان ایلد حکمی  
 بیان ایدوب قضیه مذکوره عقد اولنان مجلده در میان قلوب  
 عزل قرار ککیر منتشر و منتشر و سابقا خونین سر صکری  
 و حلب و البسی اولان وزیر محمد پاشا به تحویل رشد و سداد تحریر گذار  
 ارباب اجتهاد اولد یقندن ماه مزبور کک اون بشی جمعه کونی  
 افلاقی سر عسکری نصی ایله توقیر اولوب ملکی وزیر ابراهیم  
 پاشا مقصد ما ستره نظامنه مامور بولمش اولمشه مامورینی  
 امنیت و تجدید و بران اقدام ستره به عزیمتی طرفه خطا با  
 مشرف بر صدور اولان امر غایده ناکید اولندی مشاعر الهی  
 استینه ده دفتر دار و کمال استقلال و امتداد ایله شهر نشین ایکن  
 صدر اقلیم اولان خلیل پاشا که صرف اولد یقنی مقاطعات میر سینی  
 طلبده اظهار شدت و مشار ایله دخی رجای مهلت ایله اظهار



وجه ملائمت انجمن طبع و قاف و وسیله قرب و استقامت ایل  
اطلاق لسان و خلیل پاشا دخی رد جواب درشت ایل اراده  
خبر بران ایلد یکی او وقتك ز جلال لساندن ككوزد  
از باب اظهار ایلد و گفته بود بجه ایلد اجتناب از نكوت ایلد  
صدع شقاق و نظم دست و قاف ایلد اوله ایلد ابراهیم پاشا  
تغزل و یوما موریتده مزاج عسکره نظرا بر باد زده ظهور ایلد  
تغزل نفس منمكه شقی غمناک ایلد ایلد و با جبار قصور و مهمات  
و عشا ككوزیلنده اولان اخلاقی شسته اخلاقی عسکره ككوزیلنده  
اجتناب و انكاص و سموله نفسی استخلاص ایلدی مشار  
الیهك عزل و سلاطینه عودتی خرماتی بدینه واصل ایلدی  
ككوز اعداك بگرشدن خروجی خبری شایع اولوب حقا  
قار شویه مرور و اعتدای منشا اصل و مقهور ایلد بكمز  
خلالد عزل ظهور ایلدی دبدیکی متوار و مشهور در مشار  
الیه نفسی محافظه و عسکره ككوزیلنده و فاسی مسلاظه ایلد  
اوج ماه قدر و وجهه شده تمكین ایلد و افاده اوقات و عسکره  
المناب و تغزل و نمائنده نایله باعث اشرافات و تالو و تالو  
دخی تكمیل اسباب احتشام و داعیه سبیل بر مدت بر طرف ایلد  
ازام و مكاتبات و جلال ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
دخی دخی بگرشدن خروج ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
پاشا ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
مخلارده فوقی مایه تصور صدافنی معزز اولوب رعایای صیوف و عد  
و وعده ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
لوقیت ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
خبر و موقر در مین ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
مسفوره و یوده ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
مخصوصی طرقتده موقر ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
و یاش جاننه ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
جریان ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
مزرعسکری و وزیر عیدی پاشا تحقیق و ایمان ایلد ایلد ایلد  
عسکر ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
میشیر و بعضی اسیر ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد

نفس بدکار ایلد ایلد ( و رود خزینه و خط همایون ) اردوی  
همایون خزینه سینه بودند اقدام فرستاده قیلان خزینه و واجب  
و سایر مطالبه صرف اولوب ایلد مس احتیاج مغروض بازگاه  
صاحب تخت و تیغ قیلان ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
قرب مبلغ خزینه همایون افران و اردوی ظفر بوی خزینه سینه  
ارسان ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
فرز و جهاده بحث و اغرا ضمتده طرف جهانبندان نشریات  
سینه به مصحوب و بر قطعه خط بلع الاطرب و نشریات همایون  
اولوب فرما علی روس الاشهاد قرأت و نشریات همایون  
ایلد صدور و لا یتیت حایر رفیده انواع نشریات اولدی ( احتراق  
دوختیا و عزل قیودان دریا ) بالاده تفصیل و بیان اولدی و وجه  
اوزره اعدای دینك سفایب بحر سفیدده ككوز و كذار و جزایر  
و سواحل اسلامیه به ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد ایلد  
اولدی بینه بنه دفع مكیدت دشمن قصد ایلد بگری قطعه دن متجاوز  
سفایك لوازماتی ثیر الدن تنظیم و قیودان دریا اولان بحسام  
الدین پاشا معینه و بریلوب محافظه اطراف خصوصی طرفه كركی کبی  
تفهم اولمشیدی مشار ایلد بروقت تحس مسترده استانه دن  
حرکت و کلیبولده اكمال لوازم جدال صورتده مكث  
و اقامتدن صکره بر قاج قطعه سفینه ایلد موره طرفیلرینه عزیمت  
وسفاین باقیه دخی اقتضا ایلد بحار ككوزیلنده سفینه تعیین ایلد  
حرم و احتیاطه رعایت انجمنیدی هوب ایلد هوا خلاف  
مطلوب اولدی بندن حرکت بحال محال اولوب برمدن صکره باد  
موافق وزان و سفن باقیه محل مقصوده جریان ایلد ایلد  
قیودان پاشا دخی موره صولرینه واصل و سفاین اعدا ایلد متقابل  
اولوب فی الحال اشغال نایله جنگ و قتال و در عقب انابول  
لیسانه دخول ایلد بو طرفه افاده حال انجمنیدی مشار الیهك  
دشمن ككوزیلندن نیمی و لیسانه دخول موجب جسامت اعدا  
و لیسانه و غول و افتخار لرینه علت اقوای اولوب نه حال ایلد مقاله  
و عین مقاله ده خضلك اوج اتیساری رسیده سی صدمات طوب و عد  
اشوبدن منزل و اجزاسی متخلل اولغله در عقب غربی كرداب و  
واخساندن صکره ذكر اولان دشمن سفینه لری ارام ایلد مبوب



در پای و شمع الارجاء بر سینه سکان خینی اریخیا ایلدیلر اعدایك  
غیتی سبیله قیودان پاشا اتابولی لیمانندن پادبان عزیمت کک شاه  
و پروپ پنکجه بر و نشه طوغر و عزیمت ایلدیکده دشمن ایلد تکرار  
اغاز جنگ و وفاء و عدم مساعدت روزگار ایلد کک پروقلان  
سفینه ره سافر لیمانده التقاء و تکمیل لوازم ایلد بالاتفاق لیمانیدن  
چقوب قصد اعدا ایشلاییدی دشمن سافر جزیره سی  
وراستندن نمایان و ذوقهای همایونه ابرار زبان ابد چیک  
قیودان پاشایه بیان اولدیکده قیون اطه لری اطرافیدن مهمات  
جنکی اماده و روزنه عزیمتی سوی اعدایه کک شاده ایلد کارنده  
ناگاه اعدا کبکلی بیدار اولوب نار بر شرار قتال مره بعد آخری  
التهاب و لهیب مهیب خدال اشتعال بولدیغی بخلا لده زده دیوقاف  
مصادف اولان جزایرل حسن بک که او ایشاده قیودانه همایونه  
را کک ایدی دشمن دینک قیودانه سینه مقارنت وایکی  
طرفدن جنگه مبادشرت اولوب اعداده فحاش مقابل و احتمالی  
مقاتله بر طرف و سقیته لری ضبط ککرده اسلام اوله جونی چرم  
ایله میلای اندوه و اسفا و ایشاریله واکب اولد قلمری سقیته بی  
احراق و بقضاء الله تعالی سقیته مذکورده قیودانه همایونه  
التصاق ایدوب لغیر اقی ممکن اولد یغینیدن ایکسی بردن  
سوزان و جزایرل حسن بک هزار فحشه تخلیص جان سایلدی  
پوئدن منکره و تمای همایون چشمه لیمانده دخول و اعدا  
دخی او محله وصول و تکرار جنگه ابتداز و قوارع طوبه  
ایله روی در بانی موازی ککوره ناز ایلدیلر دریا بخار به سنده  
اعدا ایکن اوزرنده ایکن لیمانده تحصن موجب مخاطره و مهلکه  
ایکن قیودان پاشانک لیمانده دخول طواغر حاله نظرا قضای  
دعوت قیلندن اولوب شویله کک دفع صایل صورت تنیده  
شمار ایله بخار به به مشغول ایکن اعدا ضبط و سبار اجزای  
نار به ایله غلور قاج قانی اشغال و ذوقهای ایشال ایلوبه  
یکدیگره بخاورت ایله احشاش قصدنده اولان سفاینک جله سی  
ناه مزبورک اون دره یعنی بیجمه ابره سی ککجه سی مخترق  
و درو شده اولان غنای کک بلای بخار به از میر و سبار سوا حله  
مشفوق و قیودان پاشا و جزایرل حسن بک و خندان

و بطر و نه قیودانی علی قیودان ایله و سکر بر نقر قیودان شتا و ر  
در پای مغفرت حضرت افرید ککار اولدیلر اوحوالی عسکر دن  
خالی قالدیقنه بناء دشمن از میر ککوره فزیه دخول ایتک و روی  
در یاده بوله لججی سقیته بی غصب ایتک واردات خاطر دن اولمسه  
از میردن بیش قطعه تجار سقیته سی اشتر اولوب از میره  
اون ایکی میل بعدی اولان سحیاق نوزنی نغریه باطر دیلوب  
قلعه مذکورده دخی مهسا امکن مشانت ویرلدیکندن بشقه  
مقدمه اماات ایچون تجهر اولسان قزاوله دخی بولند قلمری  
محلا رده توقف اولتی ایچون سدا لجر محافظی اولان صیدر ساق  
علی پاشایه مخصوص امر عالی اصمدار و سوا حله و در یاده  
بولان تجاره دخی بولک یقت باخطار اولوب طوفان بخار به  
سکون بولجیه دك اولد قلمری محلا رده اقامت و عظم حر کلمری تا اید  
وقلاع و افور مستحق نظرینه فقط اوزره بولنلری امر نده تشیدیدا  
اولندی اطراف واکک تا فک انسدادی معلوم جوع اعادی  
اولد یفته بناء اتصال ضرر دن تو مید و سقیته لری قیون اطه سی  
اطرافنده قسیر عقیده نابید اولدیلر بوقضیه عبرتتون کافه  
مسلمی محزون و با خصوص شهر یار غیر لشعار تحضر کلمری مهتلا  
قلق و اختلاج درون الموب اخذ نار اسلام و ناید شریعت فخر  
انام شمشه در کک خالق بی انبازره رفیع اف یاز ایلدیلر  
قیودان پاشانک یو حالت مدیهه تقصیراته محمول و فی الحال  
معزول اولوب امر ایدر یادن جعفر بکه میر میرانق احسان  
و در یایه قیودان نصیله کمران قلوب و سبار سوا حله  
موجوده الی قطعه سقیته تجهر و ترتیب و علی الجمله مهینه تیریب  
اولد یفته ان بشقه اولکون و ناز طر ملرندن دخی اوتور قطعه  
قدره سقاین تنظیم و اقد کک محافظ سینه قسیر ایله صد کمراند  
خضم لیم قیونق اوزره اقتضا ایدن عیالی میباشتره و تسلم  
ولازم کک لان اوامری اسکندر به قسیر قنده خطا با رفیم اولدی  
لاحظه دخی اصل قوز و طفر و بخار به از میر و سبار سوا حله  
احکام قدر اولوب خایض غنا را موار عظم نام اولد از اسناد  
مصوره و اختیر اتضا قندن دور دور نم روزنه ذولی اولانک  
اکبر بی امور دولتری بر وفق مرام نم به قیام ایله تحصیل



نیک نام قیدیده اولدقلری اصکر اعیان نمایان ایکن مراتب  
 سنامه دولته نایل اولنلر من طریق الاولی بوسلکه اقیقایلله زمانلرنده  
 شیب شین و عار و باعث سقوط اعتبار اوله جتی مکاره امور دن  
 اجتناب ایله کادکاری مجربان احوال روز صکاره بدیدار در  
 جرحکت خان بقصد تسخیر بغداد (مشار الیه یا باطیغی  
 غشیتا سنده صدر اعظم و سردار اکرم الیه ملاقات و سفره دایر  
 میان لرنده سبق مذاکرات عقبنده بوجاق جانبته تحریک تازیانه  
 عزیمت و معیتلرنده اولان عساکرک اواز م حریه سنی ر ویت الیه  
 محرم الحرامک در دخی ککونی کشتن و قصه سینه نصب خیمه  
 اقامت ایتمیشیدی تاتار طائفه سی طوب و تفنگه تاپ اوراوله بیوت  
 اومقوله الات تازیانه الله ائتلاف ایدن دولت علیه عسکر نندن مقدار  
 وافی جمینه مضاف اولتی ککینتی مقدما خاندا عالیشان مظاہب  
 سنا بیره سینه اودافه ایتدیکندن اسماعیل محافظی وزیر بازاره محمد  
 پاشا و میر میراندن چورم سنجاعی متصرفی سیند حسن پاشا  
 وقبولی باشی طاغیستانی علی انامعیت مشارالیه مامور و اولدغه  
 سواد جمعیتلری موفور و بودیلله الله قصه مذکور ذن  
 سوق ستون ایتمیشلر ایدی باش قصه سینده اجناد ایدن  
 روسیه لویه باش اولان کبر زلیم اهل اسلامک چیش عظیم الیه  
 هر طرفدن حرکترلری و بغدادن مملکتی ضبط نینده اولدقلری  
 صحیح الیه متفرق اولان عسکرکی جمع و تقیم و اولطرافیکرکی کی  
 غلبه و تحکیم ایدوب شهر بروتک ککرتی و جریانشده اولان  
 کمال شدتی مرور عسکره حایل و بحسب نیاز سینه احتیاج مقبلدیکنی  
 متضمن خان و سایر رؤسا نک سردار اکرم طه رفه عریضه لری  
 واصل اولوب جسر انشا سینه نیت اولند بیتی دخی کفار استخبار  
 ایلد کربنده بله معا و رؤسا کی طوب وضعیه ترصین و طایفه وسایر  
 استحکامات الیه تخصیص ایلد کلری سنان عسکر نمایان اولدقده  
 پیاده کک قلی و انشای بحمرک معوی قارشو طرفه مرور قصدی  
 فصیح ایدوب خان دپه سنده اجتماع ایدن اعدا اواز دجه تو بجه  
 و خیمه ککوزا طوب بوزیت الیه جانبته مذکور عریضه اولتمیشیدی  
 دشمن طاغورنه استحکام و هر جسانیدن هیئت اجتماعه سینه  
 نظام ویردیکندن عسکر اسلام ککاه تقدم و کاه تاخر الیه

چنگه قیام و چرخه صور تنده برایکی دفعه اعمال سیف  
 و خسام ایتدیلر ایسه دخی پنج مراد ککرت پنا ده موقوف  
 اولد بیتی بر قاج دفعه سردار اکرم حضر تارینه نحر بر و اعلام  
 ایتدیلر بشاء علی ذلک اردوی همایونه ورود ایدن عساکر پدیری  
 طونادن امرار و خان معینه تسبیح اولد یغندن فضله روم ایللی  
 والیسی و بغدادن سر عسکری اولان وزیر عبدی پاشا دخی روم ایللی  
 ایاللی و سایر طوائف عسکر بله اولطایفه مامور و التفای  
 فریقین الیه دشت و صحر امانند در یا متوج اولد بیتی بو عید احقره  
 منظور اولمشیدی زمزمه موحیدین قنی یکبیده کلوب بحمر  
 انشائی تصور ایلدیلر ایسه دشمن مسابقت و قارشو قارشویه طوب  
 چنگه ایتدیلر عسکرکی به میادرت ایتدیکلرندن غیری قالی  
 نام یکجودن لیلادشمن مرور و خان اردو سینه بلا انفصال  
 طوب اتوب طرفه العینده تاتار قومنی فراره مجبور و ماده فرار  
 سایر عسکره سرایت و بار و یشکاهی ترک الیه معاودت  
 ایلدیلر بووقعه غریبه دن عسکره باچار خان طرفندن  
 استعانه و استعداد و کفارک ککرتی حسیله بالنفس سردار  
 اکرم حضر تارینک قیدومی اراد اولندی (وقوع مشورت  
 و ماموریت اغای یکچربان) خان و سایر رؤسا نک اوتوز کوندن  
 برو مقابله دشمنده محاربه لری قول ایتمیداد و دشمنک جمعیتی  
 مامولدن مز داد اولوب مقابله به ککست استعداد ایچون  
 سردار اکرم حضر تارینک اردوی همایون الیه طونانک  
 قارشو طرفه مرورنی مصلحت وقت ایجاب ایلندیکنی جاوخی  
 ار سال اولنان تحریکات عقد اولنان مجلس مشورته قرات اولوب  
 طونانک بوسال عبرت ایشمالده سنین ماضیه دن زیاده جوش  
 و طغیان اولوب بحسب بناسی بالطبع منوع و اردوی همایونک  
 سایر جهتله قارشو طرفه امرارنده مهلکه و خطر امر مقطوع  
 اولقله سیکار چه سردار اکرم حضر تارینک عریضتی ارباب  
 استشاره استصواب و مشاور الیه حضر تارکی دخی بالضروره  
 بمشاهه الیه ککتم اضطراب ایلدیکنی حالده یکچیری اغاسی نولسان  
 قو قران محمد پاشا و دین والیسی ایکن قرا یوده بولسان پرا ککند  
 مسقوا و متبوعلری اولان رعایانک استیصاله تعین ایتدیکنی



عسکر دن بعضا صورت غلبه مشاهده سنی دشمنك ضعفت  
و كندبتك قوت طالعنه جل ایدوب نيل ظفر ايله قارشویه كذر  
ایتمك ایچون بر قاچ دفعه سردار ار عالی جاه طرفدن رخصت  
خواه اولشیدی سردار اکرم حضرت تازیك صورت  
معلومه ايله قارشو طرفه میل هرور بی اغا پاشا مجلس مشورته حسن  
ایلد كنده همان جوابه اغاز و بزر دولت علیه نك راتبه خواری  
و یو ایام ایچون اعداد اولنش عباد صداقتکاری اولوب مال و جائز  
او غور باد شاهی به فدا و جله مزینار راه غزا اوانی سعادت بی  
احرازه دست برانداز دوگاه خانی بی انبار اولدیغی ظاهرو روشنا  
اولفله همان جناب دولتكر قطب وار مر كز كزده برقرار  
و عسکره ذخیره و مهمات ایصاله ایتدار بیورك بوقولری او جغلو ايله  
قارشویه عبور و اوج بخلدن سایر مامورز ايله بافضل حق اهدایی  
مقهور ایدرز كلاميله در یجه باز نیاز اولدقده مشار اليك  
بلا طلب قارشویه كیچمك اراده قاطعه سی حاضر بالمجلس اولساره  
خوش كلوب همان فاتحه خوان و تكمیل اسباب عزیمته  
برچیده دامن اولدیله بونیت ايله اجفلر احضار و ربیع الاول اوایلنده  
بعض متعینان دولت مباشرتلیله یكچیری اردوسی و اغا پاشا  
قارشو طرفه امرار اولوب قارقال صحراسی مضرب خیام عسکر  
و بلكه همزك دریای احضر اولدی بندان سر عسکری  
وزیر عیددی پاشا عسکر پیشمار ايله نهر سپردن كذار  
و استخلاص باش اندیشه و تلاشله فو قشان اوزردن هریمت ایده جكنی  
المرار ككفار احتیاج ایلد كارینه بناء مقابله قصد له باشند  
و افر ككافر خجوب كینكاهده اختفا و پرو طرفه اولان  
ككفره دخی خان اردوسنه نظراقل قلیل اولوب انلر دخی  
قره غول طور ند به بعضا ایقاد زناد حرب و و غا ایلدكاری حالده  
روسنه عسکری مرشالی و و مانجوف اون التي يك مرتب پیاده  
ایله حر كك ایلد یكنی اخذ اولنان دلار قاده و تبیین و خان  
اردوسنده اولنلری توحیش و توهین ایدوب جله سی الفرار مما لا بطاق  
من سنن المرسلین قولله عامل و سایر عسکر دخی نهر سایل کی  
فالحنی نام منزله واصل و منزس حفریله مشغول اولدقلری  
و عیددی پاشاك بوجعبته انضمامی او طرفه بولسان اهل تدبیر

قطعا سردار اکرمه تحریر و مغلطه بی توفیر ایلدیله  
ایله طوب و مهمات و عساکر کیره ايله باش استخلاصنه مامور  
و اعدایه سید راه عبور ایکن خاتك الحاحنه عدم تحمل ايله  
سلجدار اغاسی چركس بی بو خصوصه اردودن تعیین و نهر بروی  
برو كیچوب خان اردوسنه التحاقی توصیه و تلقین ایلدیله مشار  
ایله دخی امثال امر قضا جریان و نهر مذ كوری عبور ايله  
خان اردوسنه قریب محله انخاز مکان ایلدیكنه وساطت جواسیس  
ایله مرشال واقف و خطر تعقیدن امین و غیر خایف اوله رق  
كو بر بستی نصب و انشا و پرو طرفه كیچوب عیددی پاشا ايله  
مطارد اوزره اولان ككفاره التقا و چرخه شكند عسکره  
رخصت اعطا ایدوب اون کون قدر بو حال مشتم و جند  
اسلام كله و دبل اخذله مشتم اولشرا یكن دشمن مكار یكچیری  
او جاعنك برو طرفه كیچد یكندن خبردار اولوب ایکی اردوی  
بریه ككوزمك محذوری دفع ایچون ماه مزبور ك یكری بشمی  
چهارشنبه كیچه سی ثلث اخیرده برندن حر كك و قره غوله  
تعیین اولسان ایدوسلی محمد خصکی و سایر لری ایچق برایکی ساعت  
قدر خواب نوشینه مصارت ايله اردویه یازم ساعت محله  
یتوتت انش بولند قلردن ككفاره ایقار یله مر قوماری  
بیدار و سر رشته و برمك ایچون سیلر بی تخلیه و قصد  
یدرین تحیه ایلدرك مژساره تقرب و فی الحال آتش طوب  
و تفنك تلب ایدوب سر نهاده بالین غفلت اولسار بو طراقة  
ناك كه ظم و ردن یقظان و جله سی سراسیمه و حیران اولوب  
ابتدا ارنبود طایفه سی مژسار دن فرار و سایر عسکر دخی  
بونلره قفسدار اولوب ترك مهمات و خیام و بلا محاربه عودت  
ایله فرار عن الزحف كیره سنی التزام ایلدیله اغا پاشا  
برقاچكون قرنالد اقامتن صكره كول باشی نم محله نزول و فرداسی  
خسان اردوسنه وصول قصدنده ایکن عسكرك بره قیداری  
منهزم ااردوسنه ككلیك مشاهد ايله خان و عیددی پاشا  
اردول بلك پریشانلغی ادرالك و اولدخی رجعت قهقری ايله  
قرنالك بر طرفه ككلوب بلا سیب مشار الیها به همدست اشتراك  
اولدی ككعبت مذکور به سردار اکرم حضرت لری مطلع



اولوب وقوع بولان احوالی حکم قضا و قدره نسبتله خان و عبدی  
 پاشا و ابازره پاشا و سایر فرمانداران سال و اعطای تسلیله  
 جله سنی مطمئن البال ایلدیکندن بشقه خیام و سایر اوزار مارینی  
 بخند دا ترتیب و بروجده استیصال طرفلرینه تسریب و قرتال  
 و غیره محالدره پریشان اولان عسکر دخی اغا پاشا اردوشنه ارجاع  
 و رغیب و استیصال نامه لایله تطیب اولندی تذبیب بعض  
 کسبه لایه بوجده زیمتی عسکرک غفلته و عبدی پاشا هنوز  
 زده لایوب اولدخی همربک اولاق ایچون خان و ابازره پاشا تک وقت  
 مضافده دسبسه و عدم ثباتلرینه حل المیش جناب حق بزی  
 مؤمن و موحد خلق ایدوب شرائط و موجبات اسلامیه فی اجرا ایله  
 اعلاء کلمه سنی ختمنده غزا و جهادی اوزریمزه فرض و فضایلینی  
 مخصوص فرمایله ایله پشان پیروزوب غزاه و شهدانک مراتب عظمی  
 و مشروبات اوقاعنی دخی ایات بیناننده ذکر ایدوب امرنه اطاعت  
 و نهی ایلدیکی محرماتدن یحسانیت ایمانلره قور و نصرت تعلق  
 قدرندن بقید کوریلور بوسفر برعبرده اجتماع ایدن  
 عسکری طایفه سنی خلاف شرع انوار ارتکاب منکر و منهیاته  
 افتحام ایله بولرده فقر و ضعفای بازده جوز و ضرر ایتدیکلرندن  
 عسکری اولی الامر عدم اطاعت ایله خود پسندانه سیر  
 و حرکتلری اقتراف انواع مقصیت قیلندن اولدیفه بنیاه  
 طرف قهار متقدم حقلرنده بوجهنله مجازات و تسلیط  
 کفره ایله اجرای حکم معاقبات قیلندی ان نصر و الله  
 یتصرکم ایت شریفه سنی ان نصر و ادینه و رسوله یتصرکم  
 هلی عدوکم غباره سنبله تفسیر اولوب نصرت نه مقوله فعلیه  
 باز بنسبه اولدیفی اربابنه معلومدر اشته امرک حقیقی بودر ایچون  
 ارباب طواغیر کتوره دشمن عسکری بخند دا اختراع اولنسان  
 قانون محاربه و اولوب مضاربه اوزره مرتب و مضابطلرینه  
 انقیاد و اطاعتلری مجرب اولوب صنایع تاریخی باسبابها  
 تعلیم و تعلمدن برحاطه خالی اولدقلرندن غیره عسکریلرینی  
 سلمت رفهندن منع و راحت و سکوندن زدغ ایدوب اطیانورلرینه  
 غیر معلوم رشحتنه محل و خلل حقه و قلرنده باعمل و ادنی فرجه  
 و خلل اولدیفندن انجمن و اخبار اولنسانش و ترفه و راحت

آلش پریشان و غیر مرتب عسکره غلبه لری فی اکثر الاحیان  
 نمایان اولفنده در لاجرم بویابده رؤسایه اسناد جنایت  
 و بیعتان محضاً قصور نظرندن ناشی دعوائی برهاندر باین جله  
 خان و ابازره پاشا و سایر میریلو عسکر متفرق اولمشیکن وزیر  
 عبدی پاشا و ادنه لی حسن پاشا قضیه به عدم وقوف ایله اوزر لینه  
 کلان دشمن ایله برسانعت قدر آغاز کفاح و اعمال سیوف  
 و رماح ایلوب جانب موحدینده غلبه صورتلری بیدار و اعداده  
 صورت پریشانی اشکار اولمشیکن خان قولنده اولوب مترسار  
 غایله سنی برطرف ایدن عنده عبده اصنام فرقه مذکوره به  
 امداد ایله باعث تفرقه اهل اسلام اولدیفی حاضر فی المعرکه  
 اولان محرق فقرک رای العین مشهودی اولمشیدن (بقیه احوال  
 جنک و معزولی کتخدای قول) مسقو لو کال استدر راج ایله اردوده  
 بولدیفی خیام و مهمات و سایر طرایف اشیا فی تاخت و تاراج ایتدکدن  
 صکره پشمانده طوایف عسکری فی ورا دن بشوب نهب و اسیر  
 ایتک ایچون قطنه و قزاق طایفه شته رخصت و پروب کفره مسفوره  
 دخی تعقیبه شتاب و اهل اسلامی کرفسار اضطرار ایلدکارینی  
 ذریای شجاعته تمک و زستم دستانه دنک اولان ابازره پاشا  
 خزینه داری فیض الله اغا مشاهده و معیننده اولان لوند سواریلری  
 ایله معا وده ایدوب عقبکیران کفاری زور با زوی جلادت ایله  
 تارومار و وافرینی کشته سیف بتار و زخمدار روح خطار ایدوب  
 بو عزیمت پرهیب سیمی ایله ورا ده قلان پیاده کان واصل سر  
 منزل امن و امان و دشمن سواریلری دخی بعض مرتفع محارده  
 انجام حاله تکران اولدیلر قول کتخدای سلمان اغا مهرجهانکر  
 کی سیباخ عالم و شرحدرده افشای عریش برآدم اولدیفندن  
 غیره خوتین محاصره سنده ظهور ایدن خدمتی باعث عز و رفعتی  
 اولوب قول کتخدایند استخدا و ضبط احشرات و قهر نفرات  
 خصوصیلرنده دخی شدت سیبا سنی فجر بتکذاراتام اولدیفندن  
 سفره دایر بعض واد اموی الیهدن افتقاد اولنور ایدلی اغا پاشا تک  
 قارشویه مری وری هنکا منده کتخدای ضد دالی اولان السید ابراهیم  
 افندی اغای مری الیهی سر اخیه سنبله احضار و اغا پاشا تک  
 علی العموم یکجیزی اوچفلو سبیل قارشویه مری ورتک حسن و فحی



استفسار ایلدیکده اغای مومی الیه جوابه اغاز و نهر طوبه نیک  
طفیانی حسبیه انشا اولیان جنسک قابده سی اولدیفنی بیان  
وامر بالعکس اولورسه موجود اولان آچقار امر اولدیکده و قا  
ایجاب نفوس کثیره اتلافی خاطره تبادرا بیکله دفعه خطر واراده بی  
صبردن صبره منتظر حکم قدر اواق کار ارباب نظر اولوب  
بوصورته قرتالده فی بادی الامر برحکام اطراف شراپو الیه احاطه  
وطوب و سایرالات جنسک الیه تحصیل اولندن عسکرک اونه  
طرفه کچورلمسی غایت مخاطره در دیو پرکار فکر دور اندیشی  
اداره ایشیدی مومی الیهک تدبیری طور مصلحت موافق و شرط  
احتیاطه مطابق ایکن الخلقون علی خطر عظیم مفهوم اوزره  
سوق ایلدیکی امر خیر حقده مستجاب کزند و ضری اولوب اوچقلو  
عموما قارشو کچوب بودخی مروره تهو ککوستر مش ایکن عزل  
اولوب ادرنه اغانی عنوائیه اردوی هما بوندن ابعاد و تیزیه و کمال  
حزن و اندوه الیه مامور اولدیفنی سمت و جهته عزیمتی توجیه  
ایلدی مع وکم سهم نصیب ذری المرامی مفهوم منجه اغای مومی  
الیهک بویایده رای صایب و سوق ایدیکی حصن منک انخادی  
امر واجب اولوب قولیه عدم عملک سببه سی چوقی کچمیدن  
سرزده ظهور و حددن بیرون و قیاسدن افزون نفوس و چارپا  
ککرده و تلف اولدیفنی از باب وقوفه منظور اولدی قرتالده شراپو  
الیه بر محل مناسب مخاطره و طوب و سایرالات جنسک تعبیه سیله  
رعایت شرط احتیاط قیلنسه ایدی عسکر اسلام عودنده متحصن  
و اساقچیدن آچقار الیه امداد ارسالی دخی ممکن اولوب تدارک  
حاجز و حایل الیه دفع صایل و خصمه مقابل اولوق صورتلری حاصل  
اولدیفندن بشقه مصلحت حربک غایتی دخی بجهول اولوب ع  
و عند بلوغ الکد صفو المشارب مودا سنجه شاید نصرت و فوزه دخی  
نایل اولور لایدی اذالم تکن فی منزل المره حرة تدبره ضاعت  
مصالح داره (مرور صیدرا عظم) سوائف از ماندن زیاده نهر  
طونانک طفیانی و انشای جنسک عدم امکانی و آچقار الیه  
سردار اکرم قرتال جاننیه عبوری هر قدر مستلزم مخاطره  
اولدیفنی صدر مشار الیهک معلومی اولدیسنه دخی خان و سایر  
وزرا و اغا پاشانک پیدرپی ورود ایدن تحریراتلرند اکرم چه

پراکنده اولان عسکری طایفه سی جمع اولوب مترسلر حفر یله  
حربه استعداد ویرلدی انجق عسکرک مزاجنده اولان فساد  
جنجی کورمین اجناده سرایت ایتدن سردار اکرم حضرتلرینک  
اساقچی طرفته و جوب عبور فی اراد ایتلریله بوخصوص ایچون  
مجلس مشورت عقد اولوب بوندن صبره قارشو طرفه مروردن  
استکافی باعث قور ارباب مصناف اوله جفنی اشراپ الیه اهل  
شوری سردار اکرم حضرتلرینک مرورنی استصواب ایلدیلر  
بوخبر الیه سپاهیلر اغاسی خطیب زاده قرتال طرفته ارسال  
و قدوم سردار اکرم سیبی الیه صنوف عسکری مطیب البسال  
قیلنوب اردوی همایونک هیئت اصلیه سی اوزره اساقچیده  
ترکی اولی و وقوع بولان اموری رویت و ایفا و علی التعاقب  
ذخیره و کبر و دن کلان عسکری قارشویه کچورمک مصالحه  
نشانی عبدالله افندی قائم مقام نصب و بر مقدار مبلغ دخی  
یدنه اعطا اولندیفندن غیری علم فیض توام رسول اکرم  
صلی الله تعالی علیه و سلمی لیل و نهار محافظه به ابدار ایلملری  
خصوصی دخی سوار ی اوچقلری ضابطانه موککدا اشعار  
و شهر ریع الاخرک اوچجی کونی اردو قاضی نعمه الله افندی  
و کتخدای صدر اعظمی سید ابراهیم افندی و شق اول دفتر داری  
عصمت اسماعیل افندی و رئیس الکتاب رجائی محمد افندی  
و چاوشباشی عربکری ابراهیم بک و دفتر امینی ولی افندی  
و روزنامه اول رسمی احمد افندی و محاسبه اول یسری احمد  
افندی و تذکره اول ابراهیم افندی و تذکره ثانی مصطفی افندی  
و مکتوبی الحاج عبدالزاق افندی و تشریفاتی وحدتی ابو بکر  
افندی و کتخدا کاتبی سید محمد خیری افندی و کلکچی مصطفی  
افندی بی صدر مشار الیه حضرتلری استصحاب و اوتوزینک  
قدر عسکر انخایله قارشویه کچوب قدومنه منتظر اولان  
جوع مسلمینی وارسنه بیج و ناب پیوردیلر سردار اکرم  
حضرتلرینک مقصدی قرتالده اقامت و اغا پاشا اردوسنه  
تقویت و یرمک اولوب انجق خان و اغا پاشا و سایرلرینک  
متعاقب اولان تحریراتلری مشار الیه حضرتلرینک ککندولرینه  
التحاقندن عبارت اولوب بوتقدیده فیما بعد مکث و توقف



ظاهر بینان عسکری به سبب تأسف اوله جغی معلوم ارباب  
تصرف اولدیفندن ایلر ویه تشریفعلری حث و تحریض و سید  
ابواب مناقشه و تعریض قیلندی ایرنه سی جمعه کونی سردار  
اکرم رفع زر منجوق علم و اغا پاشا اردو سنه قریب محله وضع  
قدم بیوروب فرداسی بوم سبت وزرای عظام و رجال دولت  
عظمه انجمن مشورت و بش ساعت بعدی اولان اعدا طابوریه  
مقاربت ایله یوزد مذکور دن نهضت بایسته صفقه زن موافقت  
اولمیرله وجوه عساکر دخی روز مضافه قلب یغش و صاف  
ایله مقابله اعدادن و کتاب انحراف اولمیه جغیرنی عهد  
و پیمان ایله تاکید و بوعز یمتازین سو کندی و ایمان ایله تشبیه  
ایلدیلر ایرنه سی اتین کونی خان عسکری اعدا سواریلرله  
طرح قرعه کارزار و یکریمی ایکی نفر کشتیلری بند کند استار  
ایلدکلی خبری مشارالیه طرفندن ذکر اولسان اسرا ایله  
واصل معسکر همسایون و موجب انشراح درون اولوب دشمن  
بد طینت قلت ذخایر ایله کرفتار محنت ضرورت اولدیفنی خان  
مشارالیه طرفندن تحریق و استعطاق اولسان دلردخی  
بویلمه تقریر ایلدیلر دشمنک من کل الجهات ضعف و مضایقه سنی  
و اعرار ارمان ایله مصلحت قوت اوله جغی مره بعد اخری خان  
عرض و ایما و بر آن اقدام صدر عال بقدر حضرتلرینک قدومنی  
استندعا ایلدیکندن بشقه التقای طرفین ایله صدای طرف  
واصل صراح شهادتی اولدقده و رای دشمندن هجوم وارد و لرینی  
اشباهه اقرباب و بوم ایلدیکنی دخی تلخیص و بوندن صکره اقامتک  
معنا سی اولوب صدق عزیمتی سردار اکرم تصریح ایلدی  
حرکت سردار اکرم و تفرق عسکر ( چونکه دشمن طابوریه  
مخازنه متحقق اولدی و زبر عیدی پاشا چرخه به و بازاره پاشا  
لوندات و میری عسکر به صداغ قوله و ادنه لی قار صلی اوغلی  
حسن پاشا صول قوله تعیین و هر برینه اوزر شاهلی طوب و بریلوب  
دوش غیرتلی خلع فاخره ایله تزین و سایر ادوات و مهمات  
حزیه استکمال و فرداسی کولباشی یوزدندن سردار  
اکرم حضرتلری طوائف عسکر به رفع انفال و خان قشلاغنه  
ایکی ساعت مسافه ده واقع دشمن کور به جک محل مر تفعده

\*

نصب خینام اجلال ایلدکلی خالده افراد وجوع مترس حفره  
شروع ایلدیلر ایلر وده اولان سواری صکرو هیله وزرای  
عظام مناسب اردو و محلی جستجو ایله اخشامه قریب بر محل  
غیر مناسبه تعیین مقام ایتمش بولندقلرندن مترسک بر مقدار  
محلی هنگام شامه قالوب کتخدای صدر عالی ابراهیم افندی  
مشعلر ایله مهمما امکن مترسکری پرداخته دست اختتام و بعض  
مک بحرام مشعله بجی شهر نیله مشارالیهی ملقب و بشام ایلدی  
قره غول خدمتی اوشب و العجیده بازاره پاشایه سپارش اولوب  
خزینه داری قبض الله اغایی اینجه قره غوله تعیین ایتمشیدی  
روسبه قلده مرشالی ایسه اوزرینه کلان عسکر بیشماری  
کوندزدن سیر ایدوب اضلاع مضاعفی اولدیفنی معاینه  
و قیلانکرای خان دخی و راستنده ذخیره بی قطع و قوم تاتار  
ایله هجومه مترصد اولدیفنی جزال و ضابطلرینه ابانه  
ایدوب مسفور لی بحر خیره انفال و قیما بعد روی سلامت  
کورمیه جکار بی ایما ایدوب جله سی یوزر طبه هولنا کندن  
خلاصه چاره جو و سلامت نفسلری طریقنی ارانه ایچون طرفنه  
یکابو ایلد ککرند عسکر مزک قلی معلوم اولماقی ایچون همان  
بوکیجه علی الفطلة خصم اوزرینه هجومدن غیرتی تدبیر اولوب  
کیجه حایله طوب و تفنک و هوایی فشر ایله بر مصلحت کوریلور  
ایسه تخلیص نفس مصلحتی قابل اولور ایشدیکمز ترتیب فائده  
و بر مزایسه جله مزهلاک و انداخته خاک مغالک اولور  
دید کده مجموعی بورایه قراردادده و چکه آماده اولدیلر ساعت  
بشده دشمن دین ترتیب ایشدیکمی وجه اوزره برندن حرکت ایلدیکنی  
ایلر وده اولان اینجه قره غول مشاهده و کورود اولنلری  
اکاه ایتمک ایچون پشتو اتوب انلردخی بد لرنده اولان تفنک  
و پشتور بی افراع ایله اردو به خبر فرستاده ایلدیلر بویام  
بارد وارد اولزدن مقدم اردو ده صدای های و هوای عبوقه  
رسیده اولوب مترسکدن طوب اتمه مباشرت اولدیفنی دشمن  
حسن ایدوب عسکر اسلامک چنکه تمیونی ذهنده تصور  
و شچون مصلحتی وقت سحره تاخیر ایلدی کیجه ایله اردوی  
همابوندن طوب اتمی ظاهر خالده منکره کورلدی



دخی اعدا او طرفه هو شرابی اهل اسلامك بقظ وانباهنه  
 خلی ايله اقدامدن احتراز واولدینی محله بی دم واوز کیمین  
 ساز اولوب بویله ایکن کیجه فرار یارینک مقدمه سی صیاح  
 اولدن قارتاله وصول بولدقلری منقولدر دشمن مشومک لیبلا  
 هجومی کوندزن زیاده ضرر و زیانه بادی و خاق بربری  
 اتلاف و افشایه مودی اوله جفی ظاهر ایدی صبح کاذب نمودار  
 اولدینی حین ککروه مشرکین اوج قولدن پور بوب ستاق  
 و عین و خرجه به تعیین اولنان جنود موحدین مقابله و هر  
 قوله اشغال یاره مقاتله اولنوب قلب و یسارده بولنانلر صفوف  
 اعدای پریشان ایده جنگری زمانده مینده بولنان سوار ی اوزرینه  
 دشمن مکار طویلرینک اکثریستی حواله ایلله جملده سنی اواره  
 ثبات و استقرار ایلوب باشوغلری اولان اماره پاشیا و خزینه داری  
 وینک باشلاردن بر قاج ککمه میدان جنگده پایدار و انلر دخی  
 دشمن آتشنه تحمل ایده میوب اختیار کر یوه و ککنار ایلدیلر  
 سایر عسکر بونلره نظر و علت سر ایستله اختیار سمت مقر  
 ایلدکلرینی مشاهدده ایلله سردار اکرم بیخی عریان و فرار یلری  
 ارجاعه صریق تاب و توان ایندیه دخی منع سیلاب و دفع  
 برق شهاب ممکن اولوب اوخلالده اعدا دخی چادرلر د خول  
 و یسماندکان عسکری سایر فرار یلره موصول ایلدی دمدار  
 تعیین اولنانلر ارنود مصطفی پاشیا فرار یلرک بعضیسنه قطع  
 کوش و خرم اتف ایلله سیاست ایشیکن بوزل و هوای ارتکاب  
 و دار بنده سعادت مستوجب اولان غز او جهاد مصلحت خیریه سندن  
 رجوع و انقیاد یلری من اعجب العجاایر بر اکنده اولان کرامت  
 رزمگاهیدن ایکی اوج ساعت انفصال لرنده دیار بکر ایاتی که  
 اکثر دزدان اکرا ددن عبارت ایدی اوکون قارتالندن قالقوب  
 صوب معسکره راهی اولشار ایدی قصد ارجاع ایلله کز و فردن  
 غافل اتباع و غارت ایچون اجتماع ایش بعض بهنام طباعی نوب  
 و تالان و عسکر مغلوب بالطبع منهم اولقی حیثیتی ایلله مدافعه به  
 جهت امکان بوله میوب هر ی انا الذیر العریان قولله آه و فغان  
 ایلدکلری ککنار کزیشان زمانه به روشن و عیان اولدی  
 سردار اکرم حضرتلری سبکدار قارتال اردو سنه عزم و رفتار

ایمک داعیه سیله رجال دولت و سایر لربنک اغراق استحباب  
 ایتمایلرینی بوجه تا کید اشعار ایشیکن امید غلبه ایلله دشمن  
 خوتین طرفه فرار ایلله جکینی تصور و طول مکث اقتضا سیله  
 بعض شینک لزومی تفکر ایلدکلرندن اغر لغه دایر و سیم وزر  
 اوای به متعلق قی چوق شی استحباب و تنقیل و اتباع مقوله لربنک  
 فرزانه لری دخی افندیلرینه برائی ایچون خاطر خطور ایتماش  
 اشیای بلا استیذان جال و بغاله تحمل ایدوب روزنا فیروز  
 هر یمده او مقوله طرف اشیای و تحف ککرا نهاده سبدا عدا  
 اولدی اعدا عسکرک مالدار لری داد و ستدده کمال رواجی  
 اولان خزینه تذکره لری حامل ولدی الاقتضا صرف  
 و ضرور تلرین زایل ایدوب اوراق مذکورده خصملری بدینه  
 متواصل اولسه بر فایده حاصل اولدیغندن غیری اسافل عسکر یلری  
 سیم وزرک اون و هیئت یلرک قطعات فحاشه مضروب بش  
 القیسی بر پاره فرض اولنانلری سکر قطعه نخا سپاره به یومیه مالک  
 واتی دخی اردو لرده موجود میکرده و مایر ملعنه صرف و اعطایه  
 متمالک اولدقلری ظاهر اولوب بو طور عجیب دقت اولسنه  
 بر نوع مکر و فریب و ارزوی مال ایلله خصم توانکره عات  
 تعلیمدر قانع خطه عرب شهر یار عالی نسب یعنی سلطان  
 سلیم خان اسکنه الله فی بحیو حه الجنان حضرتلری مرج  
 دابقده شور ی لقیبله ملقب اولان ملک ملک مصر ایلله مقابله دن  
 بر کون اول بر تل رفیع جیقوب عسکر چرا کسه به مذار نظر  
 ایلدکده اکثرینک باشند زری مفر و مینارلرنده هر صغ  
 تیغ و خنجر اولدیغندن بشقه آتلی سیم و مطلا طاقلر ایلله  
 مزین و خیام و خرکاهلری غایت معنون اولدینی سیر و تماشا  
 و کندو عسکرینک آلات خریه لری بیور دن و خیمه و ستاره لربنک  
 اندرون و بیرونی ککرا پاس خامدن مصنوع اولدینی فکر ایلله  
 حزن و ملال ایدا و بو کیفیتی بطانته امور شاهانه سی اولان  
 کال پاشا زاده به ایما ایلدکده خصمک زینت ملبوس و مرکوبی  
 عسکر مرک داعیه شوقی افزون و مال طبعیه اقدام  
 و جسد تلرینی جددن بیرون ایلله جکی انشاء الله تعالی  
 یارنکه کون مشهود همایونلری اولور دیمکله طبع ناخدا ریلرینه



تسلیم و قلب تابدار لرینه قوت و یروب فرداسی مصلحت جنگ  
نه نتیجه و یردیکی تار بخارده مسطور در صدر اعظم قرتاله  
کلوب و زرا و وکلا ایلده استناره و هر کس اشیا ب فکر فی  
اداره ایدوب بعضیلری منزس حفریله پریشان اولان عسکری  
جمع ایتک و قارشودن بعض مهمات و عسکر جلی ایلده مدافعه  
دشمنه قیام ایتک رأیی تقدیم و بوندیرک اجراسی اقلی بش  
اون کونه محتاج اولوب دشمن پراچ ساعت محله ایکن استعداد  
مدافعه و یردیوب معاذ الله الماس پاشا وقعه سی کبی  
بر خطر عظیم ظهور ایلده چکنی تفهیم و بوجواب امر جد  
عسکری به موافق اولدیغندین جمله سی سرزمین تسلیم اولدیلر  
قلوب ناس بحکمة الله تعالی بریم و هر اس و قارشو طرفه جان اتمی  
سودا سیله چاره جوی سلامت و بوحال معلوم صدر پر غیرت  
اولوب ناچار حالی اغیاردن استنار و قرتاله قریب سارلق  
برجملدن لایقار شویبه کذار ایلدی و روم ایل و البسی وزیر  
عبدی پاشا و اباز محمد پاشا و آغا پاشا و رئیس الکتاب افندی  
وند کوره اول اوتوزیک قدر سواری ایلده اسماعیل جانینه عزیمت  
و شاه راه دن عدول ایلده قضیه مذکوره به وصول و استراحت  
ایدوب صدر اعظم دخی اساقی به کلد کده موجود اولان اچقار  
وصفیر و کبیر قایقاری قارتال طرفته ارسال ایدوب قدرتی  
اولنلر خفیه سازلق اره سنه واروب قایق استیمار یله اساقی به  
معدنای چنجان استیصال اولدیلر قارتالده ترک و مفادره  
اولنوب جملده خفت و تنقل و امرارنده سهولت عد اولنان  
اشیا بی بعض طبعکاران ناس قارشویبه امرار ایلده فایده مند  
وراج و بمقداره قناعت بر امر راجع ایکن قصد نما ایلده تکریر  
عودت و بمقدار بشی تدارک یله رجوع نیت ایتش ایکن دشمن  
دین بشووب جمله سی ماسور و خویش و تبار لردن مهجور  
ایلدی ع و کم من حربی اهل کته مطامعه صدر اعظم  
مروزدن صکره بقایای عسکر قارتال صحرای سنده بی یا و سر  
کشت و کذار ایدوب قارشویبه و ضولک عدم امکانی تصور  
و بوحال ایلده جمله سی شناسنا و رجور زرف تحسیر ایکن تشریفاتی  
و حدتی ابوبکر بک صورت استیسمان ایلده تخلص جان تدبیر

معوینی اورده زبان ایلده کده بعض عتلا دشمن حال دشمنه اشنا  
اولوب عسکر مایوس چوق کره نیل ظفر ایلده رایب خصمنی مکوس  
ایلدیکی روسیه اویه دخی بر امر محسوس اولوب بونقد یرده دشمنه  
کاغذ تحریر یله طلب امان کمال ضعف و عجزی بیان و بلکه  
بر ساعت اول بو طرفه تحریک پائی طغیان ایلدنی التزامدردیو  
رد جواب و ابرته سی کون اچقار ظهور ایدوب با جمله ناس  
اساقی به عود و ایاب ایلوب به بولکه شرآز قالدی بکر یکی اواره  
سر ایلوب تقوه ایتدیکی قول غیر معقول حق و بسلا دته محمول  
قلوب تشریفنا تحلیفدن معزول وافی و تغریب ایلده مخذولی اولدی  
بعض وقایع) قرتال شدتی مشاهده ایدنلر اکثریسی ترک مناصب  
وزرات و عزیمت طالب اولوب از جمله کد کولردن فیضی آغا  
استانه به بلا استنذان روان اولدیغنه بناء زعامتی ذفر امینی ولی  
افندی به توجه و فیما بعد هر کیم فرار و ترک خدمت اختیار ایلر اید  
دیر لکی اخره و یر یله چکی لازم کلا نلر اشاعه و تنبیه اولندی  
وقوع بولان شوارد احوال من غیر اجمال عرض و محضر ایلده  
شا کعبه ملو کانه به عرض و املا ل اولنوب شخص واحد استناد  
قصور و بر کسه به عز و نهان و فتور اولنجه رقی مهمات و سایر  
جهات ایلده شهر بار و الاثر ایدن استغانه و استعداد اولندی (ورود خان  
باردوی همایون و بیان وقعه اسماعیل) محصار به وقوعدن  
صکره سواری و بعض پیاده بر حال ایلده قارتالدن اساقی به مرور  
ایده مبه جکلر بی سنجیده میران شعور ایلده کلرندن اکثری اسماعیل  
طرفته شتابان و بالضروره او طرفلری محافظه به صرف تاب  
و توان ایلده جکلری وارد اذهان اولدیغندن عسکر ایلده امداد غایله شدن  
استغنا حاصل اولوب سایر اماکنک قسویه شوارد احوال یله صدور  
والا مقام نقید و اهتمام ایلدیدی شهر ریح الاخرک اون ایکنجی  
صبت کونی خان ازدوی همایونه عطف عنان و صدر اعظم ایلده  
ملاقاتنده اسماعیل جانینده تحشد ایدن وزرا و ستران عسکری جمع  
ایدوب اسباب عبورک فقدان و وجود مهمات ایلده مقابله دشمن  
داخلی حیر امکان اوله جفنی بیان ایلوب کده دودخی معینده اولان  
صکره تانار دشمن شکار ایلده معاونت و طاعنه قصور ایتیه چکنی  
جمله سنه تفهیم و حاضر بالجلس اولنلر دخی بوند یردن غیری



چاره قالدیغنی تسلیم ایدوب انقطاع جبل وریده دك مدافعه دشمن  
غنید ایلده جکری بی افاده و تقریر و اسما غیل قصه سی اها ایلدی  
دخی عیال و اولاد لری خضون سلطانیه دن کلی و افکر مانه تسبیح  
و کندولری اسما عیلده اقامت ایلده منتظر دار و کبر اولد قلمی تذکیر  
و بر مقدار ذخیره ایلده مهیا امکن دایره معیشلری توسیع و ابارزه  
پاشا بهر حال معینه تعیین اولتی مسایلی تفریح ایلدی بوندن  
بشقه قبایل تاتار دن ید یصان قبیله سی سار قبیله لردن وافر  
و فی الاصل مسقو اودن افتراق و بر و طرفه غار اولد قلمی یناه  
الجمال یمن الی عطنه مقهوری اوزره او طرفه میل و رک و ناری  
وارد خاطر اولد قلمی کندولری معیت مشار الیهده بقا و اولاد  
و عیال لری مقدار وافی اچتی تعیینی ایلده اساجی طرفه امرار اولتی  
خضوصی استغنا ایلدی خان مشار الیهک تقریری معقول  
و جمله عند نده مقبول اولوب استغنا سی اوزره ابارزه پاشا بعض  
سوار یان ایلده معینه تعیین و ید یصان قبیله سنک اولاد و عیال لری  
بر و طرفه کیچور لک اچون اچقر احضاری لازم الایله افاده و تلقین  
اولد یغندن نظری قطع ایلده فی الحال بشور قطار بکساده اچقر  
تسحین ایلده او طرفه ارسال و عیدی پاشا دخی پیاده فی متر سله وضع  
ایند کدن صکره اردوی هما یونه نشر یال استیعال ایتک اوزره  
اصدار مثال لازم الامثال و خان جنا بلرینه دخی اردو خزینه سندن  
اون بریک غروش خر خلی اعطا و کلدیکی محله اسرا اولندی مشار الیه  
اسما عیله وارد و عسکر یده خلاف تعهد اساجی به ضرور سودا سی  
مشاهده ایلده فخر د و غضبان اردو سینه ذاهب و غایب اولوب  
اسما عیلده اولدر خان طرفندن مایوس حصول مرام اولد قلمی  
اساجی به ضرور لری خاوی بر قطعه عرض و محضر ترتیب و وزیر  
عیدی پاشای اردوی هما یونه تسریب ایلدیلر اوتوز بک قدر عسکره  
و قایده بک اچقر معدوم و فرض محال ایلده تدارکی نمکن اولسه یله  
التمش کونده اچتی بر و طرفه عیور ایلده جکری اچقر و دشمن  
عسکرک ضروری تحسین ایلده لا محاله او طرفه هجوم و خلی ضرور  
ایلیه بک معلوم اولد یغندن بشقه تاتار طایفه سنک اسما غیل قصه سی  
اطرافنده و سایر محله ده اولاد و عیال لری ساکن و عسکر پادشاهی  
قویله نمکن ایکنی اوط قلمی عسکر دن اخلا بک گرفتار آبادی اعیا

ایمک فعلا و عقلا جایز اولد یغنی عیور خواهان دولت انها ایلیوب  
در عقب ابارزه پاشا به سیر عسکرک مشوری تحریر و احوالده  
بولیان طوایف عسکرک استقرانه دایر لایم کلان و صایا  
و تنیسات مافور بی امرینه درج و تسلط اولوب امر مذکور مشار  
الیهک یدینه واصل اولد دن مقدم بکساده تحمیل اولسان قایقره  
اسما عیلده اولان عسکرک زور آور و قوتند لری و برینی قیره رقی  
راکب و اچقر بیسی طوایف غرق ایلده بر مقدار لری طویله طرفه  
هزارب اولد یغنی فر دانی رتبه یمن خیرال تخمینا بش اون بیک  
روسته لو ایلده ظهور ایدوب اسما عیلده بولسان سوار یان مقابله  
صورتنده او طرفه شتابان و نفس لری بحافظه ایلده کلی و افکرمان  
یولنه کورزان اولدیلر سوار یان اسلامک جانب یعنی غدیر  
و جانب یساری خصم دوزخ مضمر اولوب میان اب و نار دن  
گذران اولد قلمی خلی رخت و حددن بیرون مشقت جکرب  
دشمن بد یمن دخی خار میدان ایلده وافر اسیر اخذ ایلد یگندن بشقه  
متر سله اولان پیاده دخی میززل الاقدام و تاتار لره و بندر سمته  
طوغر و رهگیری انزام اولوب ابارزه پاشا به جر فیه سوار  
واج بشام ایلده اردوی هما یونه بکلوب وقوع بولان حادثی  
و اغایا شانت اون بیک قدر عسکرک ایلده کلی طرفه شتاب ایلد یکنی  
اخبار ایلدی بوسال عبرت اشتعالده مهمات و ذخایر ده ذره  
مقداری قصور و جمع عسکرده ادنی مرتبه فتور اختیار  
اولوب بچه خزان و دفان صرف اولد یکنی بالاده پشان اولد یغنی  
وجه اوزره عسکرک او امر و ر و اجر الهیه به عدم اطاعت ایلده  
ارتکاب انواع نه صبت و مواجهه اعداده اظهار ثبات انجیه رک  
کریوه بک کرد یمن و رخاوت اولد قلمی بوساده جانکدازه  
علت اولدی قصه مزبوره بی ترک و بر ترک خنک هر یمن ترک  
ایدن عسکرک بر مقداری کلی به غایم و بر مقداری بوجاق و ادیلر ده  
متحیر و هیام اولوب الی التمس کوندن صکره اچقر قویله  
افکرمان و اوزی طرفنده استیجار مرآکب و بر مقداری اساجی به  
و بشقه سی و لایسلیر به آیب اولدیلر (هزل اغایا بیکه یان  
و سرعربه جیان) بالاده تحریر اولد یغنی اوزره اغا پاشا ک اردو به  
عودتی ابارزه و طرفه امر عالی فرستاده اولوب مشار الیه عوده



اماده ایکن دشمن ظهور و ککلی طرفه عزیمت ایلدیکی فرع  
شامعه ضد ز الصیور و ایدوب لوقت ورود ایدوب لجه کی مجهول  
مطلق و او جاع عامه اموزی اموش و مغلق اولدی و لندی غیری  
او جفلونک به مضبلی دخی میشار ایلدی و سبیله تکدی و وجمله سنی  
دکبر ایلدیکی طغدا اولسان میخلن مشورنده زیاده و کبیر  
اولوب عزلی نعیم و شهر ربیع الاخرک بکر می بان ایلدی و  
قول کتخانی محمد اعلا بکچری اخیاشی نصب اولوب قاعده لری  
اوزره سلسله لری تعلیم اولشندی و طوب عزله بی باشی اولان  
مضطقی اعانک دخی کلی طرفه عزیمتی منقول و الیوم حال مجهول  
اولد یقندن اولدی لقی منقول و او جاعی مدد کور باش چاوشی  
محمد اعلا بریده و وصول اولدی و سبیل قصبه سنی اعدا  
اشیلا ایتمک نقر بی ایلد و طرفه و واقع طوبه به اسود قصبه  
طاطره سی اعانی بی توخیش و میلانی اندوه و کتخانی ایدوب  
و قله بی تحلیه و اسباب فراری اسویه ایلدی ککلی سابعه رس  
مردار ککلی و اولقه له اوله لری زجر و نجندرا و طوب  
و علمه سارنده قصور و اراسته اشکارت و نجندرا و کتخانی  
و اعانه ده از تکاب نصیر و اولجه جفی استیقامت معملکر هسایوندن  
قرمان عالی تنظیم و اناطولی محاسبه جیبی ابراهیم نظیف  
افندی میباشق بی ایلد نسیر و اولوب قومی ایلد طوبه به وصول  
بولد قده اهالیکن و محشلی نسکین و امداد و اعانه ده قطعاً  
قصور اولجه جفی افاده و تبیین ایدوب ککدن صکره اردوی  
هسایونه عودت و استحکاماته دایر بعضی محارده طایفه لراشایله  
طوبه سار وضعنک اشدر زومنی و قلمه بی محافظه ایچون بیک نفر  
دالقیج نحر بریده بر مقدار طوبچی ککوند رلسنی نفر بر اتمکله  
ککلی محمل مدد کور و ککلی مستقامتی اولان سینه بو غازیکن  
محافظه و ایمنی ککله دایر اولان احوالک نسویه سنی ماموزله  
محواله و بواسطیات ایلد قلوب اهالیده اولان قلی و اضطرار ازاله  
اولندی ( انهم کفار لیسام و نصرت اهل اسلام در قریم  
منه ولونک بر لوطه رافزده نایل اولد قلمری قوا بد خزیه جرض  
و طمع لری افزون و قریم اظه سینه دخی سوقی و ککلی ایلد یانار  
خلفی سر ککدن و زبون و طشاع جاسیه لریه ملازم حوادث

وارجوفه القاسیه مغرم و مفتون ایتک ایچون قالموق و تن قراغی  
طایفه سندن و افر کک فر احضار و روس عسکری اوله رقی  
بر مقدار کفره بی دخی بوجعبته الحاق ایلد هر فرقه به برز جنرال  
نصب ایدوب منتظر حلول بهار اولد قلمری قریم سر عسکری  
وزیر ابراهیم پاشا استخبار اتمشیدی اولکله مزبوره نک  
بعض محلی بحر ایلد محاط و دشمنک اور قلمه سی طرفدن  
غیری معبری اولوب ابتدای امرده قلمه مذکور به تعرض  
ایدوب ککلی قریم سر عسکری وزیر سلجدار ابراهیم پاشا  
قرابن خالیه ایلد استنباط ایلد یکنه بناء معینده موجود اولان  
یجنود ظفر موعود ایلد اور قلمه سی طرفه سوقی سمند اجلال  
و جنشکه و جوتقار بوغاز لریه دخی نورالدین سلطانی قوم تانار  
ایلد نعین وارسال اتمشیدی خذله شرکین اور  
قلمه سینه بر یچی ساعت مسافه ده خیمه نشین و تترس قصد به خرق  
زمین و طوب و خیمه و سار حصانات ایلد جوانب اربعه لری  
ترصین ایلد ککلی خبری خلال راهده سر عسکر پاشا سمند  
واصل و حرکت مسرعه ایلد ککلب اور قلمه سینه داخل اولدی  
فر دایمی عسکره اجازت و اعمال تبر و سنانه رخصت و بر مکله  
بر طرفدن اناطولی ایالتی و بکچری دلاور لری و بر طرفدن قلمای  
سلطان چرخه شکنده اعدای ضلالت پیمای جنک و ستمیزه  
دعوت و دشمن دخی قطنه سنی اخراج ایلد اظه ر جلادت  
ایدوب حین مقابله ده قوارع زماح و سیوف ابلاغ پیام خوف  
و شربازان اسلام شق صفوف و غبار سم سمند لریه اجرای حکم  
ککسوف ایلوب بو حال ایلد وقت شام حلول و هر کس محل  
منیعته دخول ایدوب اشور روز نصرت برورده و افر کک فر مسلم  
ایادی خزنه تار و جنود اسلامیه دن انجیق بکرمی قدر مرد  
جلاد شکارک بعضی شکن زخم ایلد از رده دل و بعضی  
رینه شهادت نایل اوله رقی قصر دلشین فردوسی موئل ایلدی محاربه  
مذکوره ده مشاهد اولسان غلبه بر دلان اسلامه باعث شوق تام  
و طابوز اعدا اوزرینه هجوم و اقتحافه سبب جرأت و اقدام اولوب  
مکمل طوب و پیاده ایلد حرکت امداد اولد قلمری دشمن احساس  
و ششاهه ایلد ککله همان اوکیجه متر سارینی ترک و طابور لری

\*



فسخ ایدوب دیار نکینداری طرفه فرار ایلدیلر قصد تعقیب  
ایله تسمیب اولنان قوم تانار قرارگاه دشمنده بعض قلب جث  
قبلی ایله املا اولند یغنی اخبار ایدوب بوروايته کوره روز مضافه  
قتی چوق کافر مد مر سیف یاز اولدیغی طاهر در طابور  
مقهور عدو استحکامات سو بسو ایله برج و بارونی محیط بر قلعه  
نوی در نوی ایکن ابام و غا ایله طابور رینه و هن وضعف کلی  
طریسان ایتدن فراره اغارلری اثر مجرزه باقیه حضرت نبوی  
اولد یغنده اشتباه یوقدر غریبه انوری افندی مر حوم  
انشای جمرک الحاله هذه شخص واحد انحصار فی بیان  
ایدوب جسر بنا سنه دایر شخص مذکورک بود فیه سردار اکرم  
حضر ترینه عرض ایتدیکی تفر بر هر نقدر باش بحاسبه دفا تره  
قید و تسطیر اولمش ایسه دخی نفع وفائده ظنیله تقر بر مذکور  
بعبارة تاریخیه قید ایلش فن جدید بحار به انشار بولد یغنی  
کوندن برو هر وضعک سمع سهولتی اقتصاد اولوب جوع کثیره ایله  
اداره اولنان افاعیل و مواد کیدرک پذیرفته چیره دستی افراد  
واوضاع حریره قدیمه نک با سبابها اطواری لغو اولوب الیوم  
جنگ باشقه هیئت و اسبابی اخر صورت کیروب شویله که  
عن اصل طونا اوزرینه یکریمی کونده جسر بناسی انجق ممکن ایکن  
الیوم حضور اجزا ایله ایکی کونده قابل بنا اولدیغی فجر به اولمشدر  
فن جدید بحار به به سلطان سلاطین جهان صاحبان  
دور زمان حضرتلرینک جل هم شاهانه لری بنذول و تائید  
دین مین ضمیمه بوفن لازم الاعتنا به اعتبارلری درجه کماله موصول  
اولد یغندن اوضاع جسر و سایر اسالیب جنگ واعدای قهره اشنا  
دولت ایدمد نکرده و اقرا دم پیدا اولوب لدی الاقتصا اومقوله  
افاعیل متجدده نک اجراسنه اسهل وجه ایله اقدام ایله جسرکری  
امر متیقن و وارسته شک و ظن در حکمی لغو و باش بحاسبه ده  
قیدی اولان تفر بری تاریخیه ثبت تکثیر سواد و یهوده تحریک  
قلم و صرف مداد قییلندن اولدیغی ذهن نقاد اصحابه روشندر  
شکستن جسر طونا ( ایساغی پیشکاهنده انشا اولوب مرور  
سقا بن ایچون قرنا لدن طرفه هدم اولنان جسرک ثلثاتی کید  
اعدادن محافظه ایچون وسطنده نصب اولنان خیمه اقامت

وامر محافظه به مداومت ایچون قوت بلوک تفراتی علی طریق  
الانابه آمین اولمشیدی دشمنی قارتال صحرا سنه ورود  
وطریق نهر بالکلیه منسدود اولقله جسر مذکورک تقض  
واجزاسی حفظ اولتی لازم ایکن لعل و عسی ایله امر از صبح  
ومسا فیلوب ناکاه اشبو جیادی الاولینک اون بشچی کونی  
بورج عقیق هوب وارد و ده اولان چادرلک اسکرتی هدم  
ایله تثبیت جهت قلوب ایدوب ذکر اولنان جسر قطعه سنک  
وابطه سنی فک ایله دست امواجده تسلیم و طونا نک قارشو  
طرفیده واقع سازلق درو تنه ابصال ایله خدمتین تقیم ایدوب  
محافظه سنه مامور اولنرکد و تعبدن فارغ البال و برقا چکوندن  
محرکه بولد یغنی محملده اجزاسی تفریق اولوب اساجینک  
اوست طرفنده واقع خلیجه نقل و ابصال اولندی ( استیلا ی  
کفار بقعه کلی ) اسکندریه فی محمد پاشا زاده میر میران  
مصطفی پاشا و خیر جی و قمعین باشی و روم ابانک صاع و صول  
الای بکیرلی ایکی یک قدر ادم ایله اسماعیل وقعه سننده کلی به  
طوغرو غزمت و اها لیک اکثریسی اسکی کلی و افکنمان  
طرفلرینه هجرت ایش بولنرله میر میران موی ایله مزبور ایله  
بالذات حفظ قلعه به مبادرت و نفوذ نه علت و بازوی اقتداره  
باعث قوت اولتی ایچون وزارتله حکام اولمشنی افاده و افهام  
ایتمشیدی هر قوملرک قلعه به دخول و امر محافظه به قیاملری  
صدر اعظم حضرتلرینه موجب انشراح صدر اولوب اهالی دن  
پراکنده و پریشان اولنلری جمع ولدی الاقتصا کید اعدای  
دفع اتمک پابنده طرفه خطا با موکد امر عالی اصدار و شمد یلک  
روم ابلی پایه سبیل کامکار قیلوب بوندن ضکره بروتی مامول  
حفظ قعه و جمع نشر دین و سایر مرتب عهدده سی اولان  
امورده ازان اثر معقول ایلدیکی حالده رتبه وزارتله مرا مته موصول  
قیلنده جتی پاشا یله یدی یک بشبور غرویش اردوی همایون  
خرتیه سندن افران و طرفه ارسال ایله دستنوا زنده افران  
قیلتمشیدی کلی اطرافنده دوران و استراق سمع ایله او اطرافنک  
احوالی بیان اتمک ایچون قوت قطعه فرقه و بر قطعه بر غندی  
از ساله دخی سبق فرمان ایدوب اولد یغنه او حوالی محفوظ



و کبد اعدادن سلامتی ملحوظ ایکن عسکر مذکور بر قاج دفعه  
مخاربه لردن روکردان و کوزی قورقش بر طایفه جیان  
اولد قلرندن داغما کر بوه کرد سمت شقاق و رواج داده بازار نقاق  
اولد قلرندن فضله ادنی بهانه ایله اخذات اغلو طه و گفتگو و دایما  
ترك تنك و عار ایله فراری عادت و خوابدوب او مقوله فساد اندیشلری  
اعماله قار رضای حق و قدر نعمت پادشاهی بی یلور او طرفه  
بوغردیسا در بولموب عاقبت و فاقلری شقاقه محول و صفوتلری  
کک دورته مبدل اوله رقی مصطفی پاشا باشده اولان ارنبودلری  
الوب بعضی شی یغما ابدرك افکرمانه طوغر و عیان ملعتی ارخا  
ایلدیکی خبری اردوی همایونه منعکس اولد قده بقیه عسکری  
اعمال و دشمن ظهور نده مدافعه ایله اشتغال اتمک اراده سبله  
معسکر همایونه موجود قوناغی عبدی پاشا کلی به تعیین  
واون بش کیمه احسانیه مصلحت عزیمتی تهوین اولندی پاشای  
مومی ایله کلی به وضول بولمزدن مقدم اسماعیل استیلا ایدن  
جنزل ربتین بر مقدار کفره تمین ایدوب اون کون محاصره دن  
صکره حیات نه روزه به مرور بهض اهل شرور و قتی ایله اتحاد  
وار معقل متبنی شدت محاصره کور مکسزین ماه من بورك  
اون برنجی کونی استبان ایله تسلیم خصم بد نهاد ایلدیلر ذکر اولیان  
قلمسه متین و مستحکم و دروینده بولشان عسکرک محافظه به  
کک نابتلری مسلم اولوب بکرمی کون قندر محاصره به تحمل  
و حق سبحانه و تعالی به توکل اتسه لایدی قریت موسم  
شتا ایله سقوط برف و باران دشمنی روکردان اتمک وارد خاطر  
هوشمندان اولوب انجق دزدان نامیه اولان ادنه لی فروغی و معنی  
و سایر ملعت ککارلری کون صبرایده میوب قلعه پادشاهی بی  
بلا اضطراب دشمنه تسلیم ایله مستحق تقربین شیخ و شایب  
اولد یلر ( ذکر کزارش قیل و قبال در مجلس مشورت  
طرایف عسکری هر نه جانبیه ما مور اولد یلر ایسه اظمهار عدن  
مشورش و هر فقی مصلحت تعیین اولد یلر ایسه ککردن  
بیج و دامکش اولوب بو مرض عسیر الدوا نوجهله بد برای علاج  
اوله جخی ارباب اسفاره دن ستوال اولند قده بعضی  
فرار ایدنلر نادیب و نایساره لری ارباب استحقاقه توجه ایله

زهیب و تنکب اولمشتنی متوق و تر ضیب و بعضیسی دولت علیه نك  
سیف قاطع و حصن مانعی اولان او جملره عدم رغبت ایله  
تحت ضابطه به دخولری تمتع اولان اولد و تر کمان و سایر  
غشایر یلر محبت اولوب اعطای قود و ترغیبات نامحدود ایله  
سفیره کتورد یاوب دشمنی ایله محاربه به مباشرت هنگامنده  
چله دن اول شد ز برنك هر یمت و نفوس سارقه و طباع مایله  
اولمق حسیله سایر عسکره ماده فرار سنرایت ایلد یکی ظاهر  
اولوب بوندن بویله او مقوله مطلق العنان عسکره اعتبار  
اولموب میری نامیه من بولر اعطای اولیان مال فقرانه  
توزیع اولند یخی حالده قوا بد خریبه مشاهده اولند جخی  
وارسته قیداشکا لدر ایدیلر و بعضیلری دخی بو ترتیب  
اولشان مقدماک و سعت وقته و قوف کک یغما تدن اولوب  
تیرالدن افکرمان و اوری قلعه لریک اسباب مدافعه سنه  
اقدام لازم و با خصوص طو ناک برو طرفه اعدا نك مروری  
احتمالات عنینده دن اولوب بو صورتده حفظ سوا حل برا من  
مهم کک و زور ایدیلر بو میا خنده عقیده داشته بو غار نك  
خطه عظیمی پشان اولد رقی تحارمه می خصوصی در میان  
قیلنوب کشف و معاینه و شیرانیو ایله استحقاقی مناسب  
ککور یلور مجلسده بو خد مت کیمه سوق اولد یسه شخص  
واحد اظهار شوق ایدوب هر کس نیکه کسیدار بحث و فوق  
اوله رقی خار ج خطه طوق اولد یغنی اراد ایله بوا من ا همه  
سلب فوق اولد یلر انما به مافی البسات کد کولردن ابوبی اجسد  
اعمالک بو خد مت کک رد مت تعلیق و یازم کیمه خر جلق ایله  
حبل غریبی توثیق اولوب هر قوم محمل مذکوره وارد یفک  
ایکجه ککوق اردو به عودت و سسته نك اطراف قوم اولوب  
شرایونک عدم امکانی رولایت ایلد کده کلی محافظه داشته  
بولدن اقدام تعیین اولوب ایوم طو لری ده میکن اولان مجدی  
پاشا مشای عسکری ورود اید نتیجه نك ذکر اولشان بو خار کده  
واقع بلنقه ده اقامت ایلمی استحقاق و بو مضمونده طار فیه  
اصد ار فرمان اولوب مو غی المیه مستحق اولان یمش قندوق  
آدم ایله بلنقه به وارد یخی خبری اردوی همایونه رسیده اولمق



ثباته الت و هیچ اولاد به مقدمه ماکلی محافظه سینه ما مور بنده  
میریدن و بریلان اون بش کبسه بی هضم ایچون محمل مر قومه  
بر مدت اقامت ایدر ما مولیله طرفه وافر یکسما د و ذخایر  
سایره بز قایفه تشکین و بر مناسبت ادم تعیین اولوب محلیته  
وارد قده پاشای موی الیه اقامتدن خایف و کبرویه منصرف  
اولوب پلنقه به نظر و خلق بشر الیه کلیدی بر در بولوب ذخایری  
اصاده و کیفیتی افاده ایلدی کلی بی محافظه ایدر امید به  
مقدمه ایدر بود مصطفی پاشایه کوندر بریلان اون بش کبسه  
استرداد و قبض و رفع طوعه بدل ستم امیر کلام الیه قدری خفص  
اولند یغندن غیری اردوی همایون قریندن نجیب و بکرش  
محافظی محمد پاشا معینه تسریب اولندی قوناقچی عبدی پاشا  
پیر و نایوان و هجوم فقر و فاقه الیه پریشان اولد یغنه بناه مظهر لطف  
واحسان و عدم رذیل الیه چلان اولدی (بحار به خان و عودت  
او بختیه قریم) خصم بد مال کلی و اسماعیل قبضه تصرفه ادخال  
و بندر قلعه سینه دخی وافر عسکر ارسال اولوب طوایف تاتارک  
ممکن اولد قاری بوجاق اراضیسی مر کرده اعدا و انساب قدرت  
مدافعه الیه بعد ازین او طرفلر ده اقامتلی مخاطره بی مستلزم بر معنی  
اولد یغندن غیری بالاده اعدا اولند یغنی وجه اوزره بد یصان  
قبیله می عن اصل مبقولودن منزع و بر مدیدن پرومبانه زنده  
مخایره یکجته و موافقت غیر منقطع اولوب حمایت اعدا ایله  
مکانلر زنده استقراره قرار ویرد عسکری شایع و بوحاله خان  
و سایر لری مطلع اولمغله بو کیفیت سبب بر قایله سیرایت انجام  
ایچون خیانت عالیشان مطایع اولان قبایلی الوب افکر مانه  
طوغور و راجع اولمشیدی قبایل مذکور به نیک بر مقداری  
افکر مانه و با قیسی مشار الیه الیه اوزویه طوغور و راجع اولوب  
دشمن بوجاق طرفلر تاتار و سایر عسکر دن خالی قالد یغنی  
استماع و الی بیک قدر خنده الیه اوزی قلعه می اطرافنده  
اجتماع ایدوب بو کیفیت خیانتک او طرفلر ده ورودی وقتیه  
قصصه دق ایدوب معیت خانیلر زنده اولان عسکر الیه مقابلیه به  
اقدام و طرفلر دن مداو له رخ و حسیام و اعدا نک وافر  
اعدام اولوب با قیسی رهگیر وادی انهرام اولدی بر قاج

کوندن صکره دشمن لکام جمعیت کثیفه سینه نظام و یروب  
اوزی به طرغور و تکرار هجوم ایله جکی معلوم اولد یغنه بناه خان  
جنابلری اوزیدن اوچ قطعه طرب و اوچ یوز مقداری پسا ده  
اخراج و قناتل و اسماعیل فراریلری بوجمینه ادراج ایدوب اعدا  
ایله مقابل و حمله اولدیه صورت دشمن زایل اولوب کلدکاری  
محله عزم و شتاب و بوطور غریب اسلامی مظهر قوت  
و تاب ایدوب قصد تعقیب ایله هجمه انداز سوی دشمن و ناگاه  
کینکاهدن بر صکره و آهن پوش مشهود از باب تیغ و جوشن اولوب  
قرار یلردخی عودت و اهل اسلامی ایکی طرفدن حصر و تضییقه  
مبادرت ایدوب نه حال ایسه محل مر که دن زوناب و بر مقداری اسیر  
و بقیه می قامه به دخول ایله وارسته فید اضطراب اولد یلر  
یوندن صکره خان قریم طرفه کذار و معینه اولان  
عسا کرک بر مقداری معافیه و بر مقداری دوتغای همایون  
کبلیته کبروب ضعیفی عسکرک بر مقداری دخی بالضروره  
اوزی قلعه سینه اقامت اختیار ایلدی (بعض وقایع) عسکر  
اسلام قرتالیدن اساقچی به پانهاده سکون و آرام اولد قلنده  
سردار اکرم حضرتلری روز مفر که ده مجروح اولانلری  
روزنامه اول احمد رسمی افسدی معرفتیه تعداد ایدوب  
قطعه بداد واء مسرع فی شفا نه دراهم بیض الجروح مر احم  
مفهوم اوزره جمله سنه اون بریک غروش بخشش اعطا و حرارت  
جریحه زین شربت دینار ایله اطفا ایلدی بقضاء الله  
تعالی اسماعیل و کلی به اعدا مشغولی اولد قندن صکره اساقچی ده  
موجود عسکرک اقدام تیاتلری منزل و قوه و اهد لری  
مختلخل اوله رقی فوج قوج فراره یوز طونوب هر قدر کذر کاهلری  
سد و معابر و مسالکری بند اولد یسه دخی کبریه و شفا قدن بدل  
بواب ملکاترینه انصراف و بوجمینه محافظه لوا ی سعادت  
الزاده وافی عسکر قالد یغندن بشقه سواحل طونانک محافظه می  
دخی وجود عسکر الیه اکشاف اولنه حتی طاهر اولوب شفا  
عسکری ورود اید فحیه دک اذرنه و حوالیسی قضا لندن مقدار  
وافی عسکر اخراج و اساقچی به ابصال اولتی وارد وی  
همایون خزینه سنده امور مهمه به صرف ایچون وجود نفوذ نفوذ



اوله بر مقدار آنچه کوندنك وسوق عسکر پروز بر دلبرك  
اقدامنه ووقوف اولوب بوماده دخی ركبك مستطاب طرفندن  
تدبیر اولمقی تضرعاً بیه بر قطعه تقریر بر مرفوع در شوکت مصیر  
قبیلہ سیدی تقریر مذکور منظور شهریار کامل الشعور اولد قده  
ورای پرده تقدیردن رونما اولان صور خیر وشر مثبت فعال  
مطلق ایله جلوه کراولدیغنی فهم ایله همت کوه افکن شاهانه رینه  
فتور کتور میوب روم ایلینك حول واورنه قوللرنده واقع  
قضالك ضرب وحر به مقتدر لری بر آن اقدام اساجنی به واروب  
اخر محافظه به اهتمام اقلری ضمیمه لازم کلا نکره اصدار احکام  
وبالاری خطوط شریفه ایله تزیین و مقدم قیوجی باشلیر  
تعیین اولند یغندن غیری امور سفره خرج اولمقی ایچون بیک  
کیمه آنچه دخی ارسال وارد و خزینہ سه تسلیم وایصال  
اولوب محافظه انجا و محارسه ارجا خصوصاً لرینه کمال تقید  
واعضا اولمقی امرنی حاوی بر قطعه خط هما یون دخی سابقا  
کنخدا ی صدر اعظمی احد عزت افندی و ساطنبه شرفر برزورد  
واوفاق صدر اعظمیه مکتوبی الحاج عبد الرزاق افندی به قرأت  
ایده بریلوب محضاً لطف حضرت تاجدار بدن لوحه طراز وضوح  
اولان التفات و استمالت بجله به سبب طمانینت و سر زنا محدود اولدی  
اردوی هما یون رجالی را کعب اولد قلمی حیواناتی قرنالدن  
برو طرفه امرار امکاتی بوله مد قلمی مکشوف ضمیر شهر یاری  
اولوب ع خبول تضاهی البرق عدوا و رکضه مضبوته  
سزاوار اوتوز راس اسب برق رفتار واون راس زهوار افندی  
موی ایله تیسار پیوروب هر کسک حیدیه کوره تقسیم  
وجله سی نمون لطف صاحب تاج و دیهیم قیلندی افندی  
موی ایله بر قاچکون اردوی هما یونده اقامت و طرف سردار  
اگر میدان مظهر بوز و مکرمت قیلند یغندن بشقه میننده اولان  
خاص آخور طاقی دخی کسب مایه منفعت ایله رک جلوه سی  
استانه سعاده عزیمت ایلدی (احسان وزارت بطا غستانی  
علی اغا) بالاده افاده اولدیغنی وجه اوزره اوتوز بیک قدر  
عسکری با وسر افکرمان واوزی طرفلرنده و الله و خیران  
پویان اولوب او مقوله لری جمع و اعدا تصرفه داخل اولیان

مالکی محافظه ایله حسب المقدور ضرر دشمنی دفع اینک مقاصدیه  
بوجاق طر فلرنده بولالند بر شخص متعینه وزارت و بریلوب  
عسکره باشبوغ نصبه اولمقی ارکان سلطنت و اهل مشورت  
سوق و ایراد ایشلرایدی در ضمیمه عالی قیوجی باشلیرندن  
اساجنی انبار امینی طاعینانی علی اغا واقع اولان معرکه رده  
اقلها ر جلادته و با خصوص استعمال وقعه سنده و زرا ورو سا  
کاره بکیر سلامت اولد قلمیه موی ایله اوحوالیده اقامت  
ومدا فعه اعدایه مبادرت ایلدیکی منقول و حقیقه هر طرفدن  
حسن شهادت سمع سردار لکرمی به موصول قیلوب بالاده  
پران اولسان غرض و حکمته بشاه رتبه والای وزارتله قدری  
اعلا و مشور وزارت اتباع صدر اعظمیدن بیرله قارشو طرفه  
امرا اولمشیدی دشمن طرفندن انسداد معابر ظاهر اولد یغندن  
وساننده مشور وزارت کیر و بعودت و افاده کیفیت ایلوب  
بوصورنده قصدمه کور بالطبع ملغی و موقوف مشیت و حکم  
جناب خدا اولمشیدی اغای موی ایله اسله حقیقه مضمر  
اولان عنایتدن بی خبر و اوحوالیده اولان عسکر کمر کرده راهه  
رهبر اوله رق اوزی به ورود و اعدا ایله جایجا محاربه ایدرک  
عسکر خد کور تا چار انلری بر اقوب اوزی و افکرمان طرفلرنده  
موجود اولان مقابله رکوب و بر طرفه و ثوب ایلوب او ارفنده  
لشاه باشادنی صکره سلامت و اضلی واردوی هما یونده  
داخل اولوب اغای موی ایله بر زمان دخی اوحوالیده کشت و کذار  
واخر الامر خسیقه به سوار و وارنه اسکله سته رسیده و ایدن  
عسکره اوردوی هما یونده بختان کیشیده اولدی دشمن قارتان  
صور استنده حیمه نشایین و بر طرفه سوه قصدین ایله در کین  
اولد یغندن لشقه اردوی هما یون خانی مشته طرفه عقد نیت  
واسا قیوجی محافظه و با خصوص انبار لری محاربه ایچون صبر دار  
اکرم پروز بر تعیننه عینک ایلوب رتبه وزارت عن اصل موی  
ایله خیم اولد یغندن اشو چادری اولی اوا نخریده رتبه والای  
و وزارتله قدری ترفع و اساجنی صر عسکر لیکله عنوان منشون  
وزارتی توفیق اولدنی (وفات شریف مکه) سنین متطاوله دن  
بر و مکه منکر مده دست ارای چمنقه شرافت اولان شریف



مساعدت جده و ایلرینه مخصوص اولان قوایده مذاخله ایله امورنده  
فارد اولوب اشباهنده امور شرافتی اداره به قادر و مشار ایله  
معارضه به قابل بر مرد به در بولند یغندن عزلی متعذر و کیف  
ما بشا او طرفلری تصرف ایله استماع احکام سلطانیده مقصر  
اولمشیدی سکسان درت سسته سی محرمتک یکریمی بدی نجی خجس  
کونی ع وکل مصعده بوما ستمدر مضمومی اوزره مشار ایله  
قوت و ذایق مرارت کل نفس ذابقه الموت اولوب سلسله عد نایه دن  
شریف احسن جمله عندنده مشار و سرآمد اولد یغندن مستند  
شرافته اختیار اولند یغنی حاوی او طرف باهر الشرفدن عرض  
و محضر تسبیار اولغله لازم سکلان تشریفناک بر صورتی  
و تحریر اولند حق نامة هما یونک مسوده سی بکک و تشریفات  
قلندرین اخراج و ترقیم و رکاب هما یون طرفه تقدیم اولندی  
(ما موریت عبدی باشا بمحافظه ما چین و ابازره باشا بجانب  
خرسوه و قوت ابراهیم باشا و وقوع توجیهات و زرا)  
نهر طونانک و و طرفلرینه بر تقرب مرور ایله اهمل اسلامی اواره  
حضور ایتمک خصم برکشته احواله اجل ماری اولدیغی ذهنه  
مقارب اولد یغندن سوا حلال اسلامی به بحفاظه واجب اولغله  
بشارتین روم ایلی و الیسی وزیر عبدی باشا بوندن اقدام اساجی  
سرمسکر لکنه انتخاب و انتقا اولوب شعله به دك ملازمت اردوی  
همایون ایله وساده را حنه اتکا ایتمیدی طباغستانی  
علی پاشانک ورودی سرمسکر لک نیتی الفعا و مشار الیه  
بر طرفه ما موریتین ایضا ایلد یکنه بنیام عبدی باشا ما چین  
محافظه سته وایح ایل متصرفی وزیر ابازره باشا خرسوه طرفه  
تعیین و ارسال و اوزریک غرض قرضا طرفلرینه اعطای اولوب  
ما مور اولد قلری محلازه توجه و عزیمتلی استیصال اولندی  
مشار الیه غارتزده اعدا و طبل و سورتا و عتوان وزارتدن  
معرا البشر التشرایع الیه رهپیا اولد یلر تقاضیل احوالی  
بوندن اقدام بسط و افاده و ایوم سلیسترد اقامتی اراده اولسان  
وزیر صارم ابراهیم پاشای میتلا اولدیغی علت مزای اختناق  
و واسطه جادی الاخره ده حکم و اراده حضرت جلاق و ماه سریع  
السیر عمر بنی گرفتار عقد محاق ایدوب متصرف اولدیغی سیواس

ایالتی اوزی محافظی و سلیستره و الیسی وزیر خزیننه دار علی پاشابه  
و سلیستره ایالتی اساجی سرمسکری وزیر طباغستانی علی پاشابه توجیه  
و بوجهه حالری ترفیه اولندی متوفای مشار ایله بر دفعه رکاب  
دفترداری اولان نجم قلی مصطفی افندیکن نجل نجابت کسری  
و دفتردار نامدار اولان بهجت افندیکن برادر والا کهری ارلوب مالیه  
قلندرین نشت ایله ازمایش معرفت و تحصیل ملکه کتابت ایدوب حقیقه  
نظم بابامی سبب عجمدر اناسی غداره تیغان خویلدی در عشاقه جفال  
قلیچی بیت مشهورتی اساجی و مجونه مایل عصرک بغض قوا بلی  
ترانه ساز ترککب و سرامیانه لنده انشاد و تشبیه ایله مستحق  
لوم و تائب اولمشلرایدی طی عقبات طریق ایله سکسان  
سسته سی ترسانه امینی ایکن عونی افندی بریده دفتردار صاحب  
اشتهار و ملحوظ نظر شهریار اسکندر اعتبار اولوب دولت  
علیه ده سرتمای برده ظهور اولان مستوفیلرک اشدا سبندن و قن  
دفتری به وقوف تام تحصیل ایتمک کتبه نک اقویا سندن اولوب  
دفتردار لغتده قمر در پایه رسوب ایتمش اموال میری بی خواص  
عقل دوراندیشیه تحصیل و استیانه ده و طشره ده نیجه ارباب  
تعیین و اشتها ری شدت تقاضا ایمله قولا و فعلا زایل  
ایتمیدی و زارقی حالنده لای ماصدر بهمتادن مستشعر  
اولوب اذنی بر مصلحه خود بخود میا شرتدن اجتناب و دولته  
نافع بر خدمته موفق اولدیغی معلوم ارباب البایدر مشار  
ایله توانسکران زمانه دن اولوب ادخار ابتدیکی اموال مطلع  
وزارتدن مقطع و قاتنه دك یهوده به صرف و ابدال و نه وارثرینه  
و نه بیت المناله فائده ایتمدیکی ظاهر حالدر قبل الوزاره  
متصرف اولدیغی متاسب و دخی مسکریه و محققده وقوع بولان  
مشاقب محال لنده مقید و مستطور و تکراری سبب سامت  
ارباب شعور اولد یغندن بومقدار ایله استیصال و خیر  
الكلام ماقل و دل مسکنه اتکا اولندی (دخول کفار  
بقلعه بندر و افکرمان و آمدن سقیر مقوق) قارتال و قعه سندن  
مقدم روسیه نویسد اوزرینه دخی بر طابور ترتیب و ارسال  
و اوزاقدن محاصره به اشغال ایتمشلرایدی و بر پاشا نایق  
و قوعندن مسکریه دشمن بندر قلعه ششقه تقرب و بونهر طرفدن



محصر و تضییق ایله انش جنك تلهب ایدوب محصوران اسلام  
 ه سافه به قیام و لیل و نهار نار کفار ه امطبار ایله قلعه نك  
 مداخل و بخار جی محافظه به اهتمام ایله ککری محالده  
 یا امر الله تعالی اسلامه طاعون مستولی اولوب موئای مسلمان  
 دفته وقت بولد قلردن خانه لرنده پنهان و بند بوجال ایله امر  
 مدافعه ده بذل جان ایدوب او ائشاده سر عسکر لر یوز بر محمد  
 پاشا دخی مطعون و شهادت حقیقه ایله محنون اولوب بالانقانی  
 عبد الجلیل زاده و ز بر محمد امین پاشای طوایف عسکری  
 سر عسکر لکه تقدیم و ذمام مهم نامی بدینه تسلیم ایلد یار دشمن  
 نابکار بر قاج دفعه اسخیر قلعه قصد یله هجومه ائشدار ایلد یار  
 حله ده خایب و خامر و زور بازوی مجاهدین ایله اسره حال ایله  
 منکسر اولد یله دخی اه نازلری علی التوالی ورود ایله حصن  
 قائم دن غیر فارغ و مدت محاصره دخی اوچ ماهه بالغ اولوب  
 طایق امداد منبذود و اسباب نجات مفقود اولد یغندن  
 خبری قلعه ده موجود غنائك بر مقدار ی طاعون دن ناساید  
 و بر مقدار ی وقوع بولان یوزیشلرده شهید اولوب ناکگاه  
 و کجه اعدا عسکر لر ی ایکی قسمة تقسیم و ساعت درنده  
 یوزیشی تصمیم ایدوب بر فرقه می اهل اسلامی اشتهال و دیگر  
 فرقه سنی مستحفظان خیالی استاتیل قبولیسته ارسال و زرد بانلر  
 قضی ایله قلعه به ولوج و هر قدر مدافعه به اهتمام  
 اولد یله مجاهدین اسلامك فضا و قدر سستی به چ ایدوب  
 خوا و ناخواه استیمن ایله تخلص بجان ایلد یار قلعه ده  
 موجود رجال و نوائی شهر طور له دن امرار و عربه لر تحویل  
 ایله له طرفه تسبیح ایلدی بندر یوزیشلرده روسیه لوتك  
 قی چوق عسکری ضایع و سر عکر ده لر ی باش و کیکل رادری  
 پاتین بو سنبهله ایما طور یجه طرفدن معافیه اولوب اومقدار  
 عسکری قیر درمدن ایله قلمبه قی ترک اولد ایدی دیکیم  
 مزانه لرنده شایع در افسکر مان طرفنده اولان اعدا  
 محصر قلعه به مناسرت ایله ککرنده در و ننده بولسان  
 خبر تسر لر بندر اکر قبضه تصرف کیم اید افکر مان حاضر  
 و مهادر دیرك مقارله و مدت مذ کوره ده بر یله حسن معامله

ایدر لیدی بندر صکیفی و قوعنده قلعه بی بلا نزاع تسلیم  
 وسنك ملائنه وجود بد بود لر یز رجیم ایلد یار بد بضان قبیله سی  
 نفوس و اموال لر یله سالم و پر لنده قایم اولق اوزره روسیه لو  
 ایله معاهده و بر برینه سند اعطا سبله قوی مواعیده لر ی  
 سبت ائشیدی بندری استیلار لنده اهالی بندر ك اکثر بسی  
 بزم ایله خصم و اقربا اولوب علاقه التمام ایله بزه مستند اولنلر  
 معاهده به داخلدر دیو اصرار و ابرام و خواه و نا خواه يك  
 بد یوز قدر اهل اسلام ی قید اسردن تخلص ایله آقصدون امرار  
 و اوزی به چیقروپ اندن قریبه تسبیح ایدکری بعض ثقات دن  
 مسوع اولمشدر خبر بندر بر مددن برو منقطع و امداد ارسال  
 بالکله ممتنع اولد یغندن سیر دارا کرم لیل و نهار مبتلای  
 آندوه و غم و ناکاه قرتال طرفنده اولان اعدا اردو سنده  
 طرف طرف طوب شنکی و اصل سمع ناس و استخبار ممکن  
 اولد یغندن حالت مذ کوره باعث اختلال حواس اولوب صیدر  
 اعظم بندر دن خوفی اظهار و بو خاطر به بعض همراه لرینه  
 اشعار ایلدی جساد ی الاولك یکر می ایکی سنده بندر د فتر داری  
 طبیب افندی معینه بندره عزیمت ایدن باش محاسبه کاتلرندن پیری  
 افندی به مسقاو یوان پز و نامیله لسان اشنا بر یک باشی قوشوب  
 اسماعیله بعدا اوصول اردوی همایونه کک استند عا سنده  
 اولد قلی خبری توارد ایدوب مسفور ك اردوی همایونه  
 کلمی سبب قیل و قال و باعث اختلال اولور معنایله طولی ده  
 ککبته وقوف و اطلاع ایچون انا طولی محاسبه جنبی  
 نظیف ابراهیم افندی او طرفه اسراع اولمشیدی افندی  
 موی الیه قصه مذ کوره ده پیری افندی ایله ملاقات و سبب  
 ورودنی سئوال و اولدخی بندر ك ککرتار دست دشمن  
 بد سكال اولد یغنی ککبته اجمال و امین پاشا خر جلق استد عالمی  
 ایله ککندوی بو طرفه کوندر د کئی میان و افاده حال ایلدی  
 بوندن صکره يك باشی استنطاق و فر شال طرفندن کاغد  
 ایله کاوب مفه می بین الد ولتین محمد عهده و میثاق اولد یغنی  
 افندی موی الیه قرائن حایله ایله استراق ایدوب اردو به لزوم  
 احضار ی موی الیه طرفندن تحریر و طبق اشارتی اوزره



معا صکتور لسی خصوصی طرف صدر الصد وردن تسمطیر  
اولنوب ماه مذکور کوریک پکری بشچی کوفی اردوی هما یونه واصل  
ورئیس افندی دائره سنده احضار اولسان خیمه به نازل اولدی  
هر شالک مکتوبی ترجمه اولنوب مالی شروط مصالحه انعقاد نه  
رخصت سکامله سی اولمقدن عبارت اولوب کیفیت رکاب  
کامیابدن استیذان ده دکه مسفور ک اردوی هما یونده اقامتی  
چندان مناسب کور لیوب بوندن صکره جواب مکتوب هر شال  
دو ستمزه تحریر اولنور دیو مسفور اعاده و کیفیت استانه طرفته  
تحریر و افاده اولمشیدی نتیجه و پروسیا طرفلندن ماده توسط  
بوندن اقدام استند عاود دولت علیه طرفندن دخی روی بمایشات  
ابدا اولمغله توسطلری قبول اولمدیغی رنجش خاطرلریه مؤدی  
اوله جتی یسانله رکاب طرفندن ظهور ایدن مسوده یه نظرا  
هر شاله جوابنامه تحریر و اسرا اولندی جنک وقتنده طوز  
صلح و وقت صلحه طور جنک اراشه سی فصل قدما و جنک  
نتیجه سی معلوم اولیوب علیه ال ویرمشیکن فرصتی فوت ایتمک  
کار عقلا اولدیغندن فرنگ طایفه سی دخی دایم بومسلکه  
افتدا ایلد ککاردن اردوی هما یونده بولسانلر مسقرواوتک  
صلحه طلبی ضمیمه جل ایله کون بکون اتلاف رجال و اضاعت  
مالدن غیری برقایده ایتمک لری وارسنه قید استند لادر  
مطاب نفس) مساوی جامع الصغیر شرحنده اهل اسلامه  
اعدای دینک علیه سی واقع و متدفعه متعذر و تمتع اوورسه  
سار مسلک و قسایه اراضی و حیوانات نفس و ماللری غرضیه  
انقار صلح فتح و نصرت قیلندن معدود اولدیغنی تحریر ایتمدر  
مسلمه بن عبد الملک نیت جهاد ایله شیعیان عربدن مرتبه  
برساز و سلب بتمش سکسان یک عسکر منتخب ایله  
شامدن رایت افراز قیام و تغور اسلامیه دن قسطنطنیه به  
و از نتیجه کفار ایله برقاچ محله برزده داما ن خصیصام اولوب  
چندین بار فوز و ظفره نیل ایله منهج و چندین بیرون کفار  
حفره ناره متدحرج اولمشیکن الحرب سجال قاعده سی اوزره  
جنود موحدینه دخی بود فعه شکن تفرقه عارض اولوب شداید  
و نواب حریده عدم مصابرتله عود نه نیت ایتمشله ایدی

مسلمه بن عبد الملک بر میر طسا هر الکشف و غزایه حرص و شوق  
زاید عن الوصف اولدیغندن غزائی وجوه استقامت و شوق ایله  
اغرا و نیت عود و انصرافلری فسخ و انقار و قسطنطنیه به  
سکایوب مسامره حضرت شیخ اکبرده تفصیل اولسان ماجری  
وقوعندن صکره مؤید اغنان عزیزی شام طرفته ارضا ایتمشیدی  
قطع طراوت و طی عقیبات ایله خارج شامه وصول و رخصت  
خواه دخول اولد فده نصفت و عدله احد العمرین اولان عمر بن  
عبد العزیز خلیفه بولنوب ملاقاته جواز و یرمیه رک امیر مشار الیهی  
کرفتار چار موجه اشتراک ایدوب نه حال اید برقاچکوندن صکره  
بواسطه الشفا داخل شام و رویت خویش و تبار یله شاد کام  
اولمشیدی برقاچ دفعه دیوان خلیفه به عزیمت و رویت  
بر بهجتربله دفع اوام حسرت قصدین ایدوب عدم انجام مطلب ایله  
لواره حضور و برمدندن صکره مجلس خلیفه به دخول ایله مسرور  
اولوب جرم و کناهی سترال و مقدمات رقت انکیز ایله  
استکشاف سریره حال ایلد کده سکا رنجش و عتابه سبب عسکر  
اسلامی دورد راز محاربه سرق ایله انصاف و انواع الم و زحمت  
ارکاب ایندزدکندر رسالت پناه صلی علیه الاله حضرت تریبک  
اولو پاش طبقه بیان اولد فتری قول معتبر اوزره قیامت کوننده  
عادل حققی احقاق حقوق مخلوقات ایلد کده بر مؤمنک علت افتای  
وجود یله مواخذة اولسار تخلص ککر یسانده عاجز ایکن دن  
بوطریقده مقتول اولان جمع کثیر اسلامک جوابنده توجهله تدارک  
هذر ایدرسن حوالی عوریه نک که شمعی انقاره دیمکله هر وفدر  
قنی ایله اکتفا لازم ایکن حد و قیاسدن بیرون اهل اسلامی اقصای  
دیار رومه سفر ایندزمک ندن لازم ایدی سکا عارض اولان جهل  
و غفلتدن ترتیب ایدن سیانکه الحاله هذه معاملة عفو ایله  
قلون معنی ماضی اودام دیور رخصت قعود ایله امیر مذکور  
شرفند و متعود ایلدی خلیفه نک مسلمانی عنف ایله  
مواخذة می سافر بعد ایله اتلاف نفوسدن تحذیر و عسکر  
منهکله و محاسنه به الفساد منع و نذر ایدی قارال و اسماعیل  
و قومه زنده ضایع اولان نفوس و چار پا و فراره اقتدای اولیه زرق  
ما سوراوان شمعقا لایم و لا یحیی قیامت اولوب دشمن صلحه



خواهش کو ستره شمعین مماشات اولنق لازم کلسه ایدی جنکک  
 غایبند و وقوع بولان مصالحه دن بر قاج قات زیاده دولت اید  
 مدتک فایده ایده چکی مقرر ایدی ذلك تقدیر العزیز العظیم  
 ماموریت مسعود کرای سلطان بحساب بکیش) مقدمات  
 گذارش پذیر کلک تحریر اولدیغی وجه اوزره عصا رعایانک سبی  
 و تدبیر لری ضمیمه و بریلان فتاوی شریفه اطرافه نشر و اعلان  
 و فوج فوج عساکر اسلام سوا حل طو ناده اجتماع ایله قار شویه  
 مرور ایچون استیذان غنیمته چنکیر یلردن مسعود کرای سلطان  
 دخی الی بیک قدر عسکر ایله نیکولی به کلوب اولدخی بر طرفدن  
 چاپوله کلک ز خصصتی جو یان اولمشیدی اولوقت قزیم خانی  
 اولان دولترای قبایل تانار و سائر صنوف عسکری ایله بالاستخبار  
 باش قضیه سببی تالان و دشمنی پریشان ایلک قصد فی اشغال  
 ایدوب موی الیهک بر لغ خانی به عدم اعتبار ایله خود بخود  
 حرکتی اجازت دولته حل ایله عزانی استدلالت و قوار کاهی  
 اولان قوشاندن قیام ایتمه رک اظهار انفعال ایدوب خاتک  
 خاطر نه رعایت لازمدر دیوقار شو طرفه هر ور نه رحمت  
 و بر ایوب مایو سا خفتلکنه عودت ایتد بر لشدی تانار  
 طایفه ستمک بر مقصداری بود قعه خاتک ایله قزیم طرفه لازم  
 و بعضی بالاستیذان بوجاق اراضیه ستمه ممکن و قایم اولوب  
 یونلرک بر مقداری طونانی برو کچوب اسلحی و بابا طاغی و سایر  
 مختارده چرکه نشین و حاجت دولت ایله امین اولمشلر ایدی اردوی  
 همایونده اولان عسکر فوج فوج و لایتنرینه شتاب و هجوم  
 جیش شتا ایله اردوی همایونک مشتتا طرفه چکلمستی ضرورت  
 وقت ایجاب ایدوب هر کس بومقاله فی نفوه و نهیه لوازمه  
 فوج ایدوب قبل الحریکه بحفاظت سوا حل امر لازم اید دخی  
 بو غرضک حضوری و خود عسکره موقوف و رکاب طرفدن  
 تعیین اولتان عساکر هنوز وارد اولد یقندن اسلحی ده اقامت بخاطره  
 و حقوق اولد یقنی ارضکان دولت مذاکره ایله ارباب استشاره دن  
 طلب تدبیر و هر کس افراغ مافی الضمیر ایدوب انجاسا مکمل  
 سالف الذکر مسعود کرای ندرک ایده بلدیکی عسکر ایله  
 بو طرفه کاوب طونانک برو باقه ستمه کچین تانار لری دخی معینه

استصحاب ای وهیبت اجتماعیه بسته قوت و تاب و پره رک امر  
 بحفاظتیه قیام ایلستی مناسبتدر دیوار باب و قوف اتفاق و جله سبی  
 یکسانی وفاق اولدیلر صدر اعظم و سپهسالار اکرم حضرت لری  
 سلاطین چنکیریه نک استیذان می خاتره منحصرا و بواته ذک  
 مسند مزده قایم اولنلرک امر ایله حسط و تر جالارینه تعرض متعذر  
 اولد یقنی ظاهر و هنوز خان نه طرفه اولد یقنی غایبان اولما مشیکن  
 سلطان موی الیهک ماموریتی محذور دن خالی دکلدر قویله  
 اصرار و اوزد و قاضیهی و لشدی افندی جوابه استیذان ایدوب  
 وقت شدت و مضایقه ده خدمت دوتدن دور و قزیم بحایبند  
 محصور اولان خاتک آیین چنکیر یانه غیالفتی واضح و بین  
 و بوعتله خاطر نه رعایت لازم کلدیکی متعین اولوب دولتک حصول  
 مصلحت نظر و زید و عمروک خاطر نه حرمت ایله تعویق امر اهم  
 موجب خطر در دیشلر ایکن ککاردکر اولوب قضیه بونحال ایله  
 قالمشیدی موی الیهک بلا ماموزیه وجه مشرووح اوزره غزایه  
 میل و شوقی شهریار دیندار حضرت لری اسقاع پیوروب رکاب  
 همایون طرفدن بکیش جانینه ماموریت امری اصدار و طرفه  
 ارسال و فی الحال امر عالی به امثال ایلله و افر عسکر  
 جمع ایدوب بر ککوی طرفه نشر بال استیصال و او خوالی بی  
 و ارسته احتمال ضرر اعدای بیامال ایلدی ( وفات حسام الدین  
 پاشا و قیودان دریاشدن جزایری حسن پاشا بارنی وزارت  
 و وقوع نصرت در جزیره لندی) دوتیا وقعه ستمه قیودان پاشا  
 و جزایری حسن بک و جعفر بک برا از میره کلدکاری سامعه رس  
 حضرت شهریار اولوب دریا قیودانلغی ایله جعفر بکک یادبان  
 اقبالی ککشاده و جزایری حسن بک ایکی نوع ایله قیودانه نصب  
 اولوب بو غرض حصاره کلدلری افشاده سبیل قیودان مسایفک  
 کلیو لیده اقامتی اراده اولمشیدی مشار الیه وقوع بولان  
 داهیه عظمی دن متأثر و زجاج خاطری ستمک غیرتله متکسر  
 اولوب بر قاج کون طرفه کشی عمری موج طوفان اجل خرق  
 و شرع زند کالدی شند باد مرکب ایمان خرق ایدوب اوغلی حمد الله  
 بک حقه بحر زرف عاطفت شاهانه ممتوج و پدر بک سوار اولد یقنی  
 چکدرمه قیودانلغی ایله مسرور و منبج اولدی آقد کزده

\*



گشت و سبکداز اید بن کفار یعنی جزیره سنی استیلا به هوسکار  
 اولوب نارگاه جزیره مذکوره به عسکر اخراج و اکثر محلی ضبط  
 و تاراج ایند کدن صکره التمش کون قدر قلعه بی محصور و اها اسی  
 استیلا به مجبور ایدوب اهل حصار ناچار استیلا به تسلیم قلعه به  
 قرار و یروب توشیق بپیمان ضمنده حتی اعطای اربهان و بزکون  
 صکره ایضای عهدی خلیفه اذیهان ایشلر ایکن نهنگ دریای و غا  
 جزایری حسن باشلعا کر کثیره الله همان او کیمه جزیره مذکوره به  
 لبرال و کذر کا خنده اولان دشمن غافل و مغروری سبقت سلول و تیغ  
 مضبوط ایلله افسا و هلاک ایدوب قلعه بی فصل ذی المن ایلله  
 ازاده دست دشمن و محصور و ری و ارسنه ترک وطن ایلدی  
 علی الصباح سر کمرده بی شمه موی ایلله ارسال پیام ایدوب  
 مقدم اهلان طرفیدن و یریلان از هان خلیفه قلعه مصلحتی ایچون  
 مشروط اولدی بی باهر البرهان و الحاق هذه ذکر اولتان قلعه تیغ تیغ  
 و نك جلاد تمیز ایلله تخلیص اولمغه شرط مذکور متفق و ملتی  
 و بودند صکره رهتاری توقف شرطك خلافتی تحقیق ایدوب یعنی  
 اولوب عهدی ایلله طرفه مذکوره رهن اولان کسه لری بو طرفه  
 تسیر و قلعه بی یدمردن استیلا صد طاق کور و ارفه ایشو میدان  
 کوره لم اینه دوران به صورت نمیدان ایدوب کلا بیلده دشمنی تعری  
 ایدوب نقص عهد شش و عیله رعا یا لسانته و دشمن کدن جند  
 و رهتاری اعاده و لنی جزیره سنی مضامیندن مؤید روز نام محله  
 عسکر اخراج ایلله جگنی تعیین وقت ایلله افاده ایلدی و فی الحقیقه  
 محل مر قومه عسکر و طوب چقراوب بحار به به حاضر اولدی  
 ظاهرونی ابلال پاشای موی ایلدی و مصلحت اولان بها درر ایلله  
 بکنک برینه ککروب حول و قوت جناب یحیی اعضاء ایلله ابواب  
 محاربه بی کشاد و اغاز ترال و طراد ایدوب چوق کچمدن نسیم  
 غیر شیم نصرت هب و بیله کروه اعدا ایشان و مضاعف و جله سنی  
 سبقت جا ایشان غزه ایلله مذکور و مصلحت اصل اولوب انجیق سکن  
 نراجل نار سینه لری تخلیص جان و سر و د و تاراج ایلله  
 خبر ایلدی اعدای ایدی جزیره مذکوره ده قشلق تخمین ایلدی بکنه  
 بنا مهمات و ذخایر و مسا بر ادواتی کیمه لردن اخراج و جزیره به  
 ازراج ایشیدنی ذکر اولتیا ن مهمات و سایر ادوات به ایلان

مقبوض دست اغتنام دلاوران اسلام اولدی دشمن بوانکسار  
 فاخسه عدم قناعت و تکرار استیلا قلعه سودا سبیل  
 جزیره نك بر طرفه عسکر اخراج ایلدی یکی رسیده رتبه شهرت  
 اولوب پاشای موی ایلله فی الحال محمل مزبوره سوق عسکر  
 و رزمگاه وصولر نده کما فی الاول نمیه لنده جنک و ستیز  
 کار کر اولوب بود فقه دخی دشمن مقهور و اکثریمی سرداده  
 ضیاعه الجب هلاک و ثبور اولوب بواقی اشرار کفار نقشه باره  
 جانلرینه فرار ایلدی بزر بودند صکره دریا و سوا حیلدن شر  
 اعدا منزع و عدم امنیت شایه لری اولد فقه مند فقه اولمغه  
 پاشای موی ایلله پیوسته موقع ظهور اولان جلادت و شجاعتی  
 موجب تلاؤ کو کعب رفعتی اولوب دریا قبولد انلغی طرفه توجیه  
 و رتبه والای وزارتله قدری ترفیع و تنویه اولندی اولکون بار  
 حواله بستاندن بودند اقدام نجبهری فرمان اولسان سقا بن موره  
 صورت بینه کلدیکی اخبار اولند یغنه بنا استانه سعا دندن دخی  
 اون قطعه صغیر و کیر سقا بن تدارک اولوب لوازمی تکمیل  
 و اقد کور بو غار نه تسبیل اولند یغندن غیری الی ایش والی  
 اوچ ذراع اوله زق ایکی قطعه قلیون انشا سینه اراده هما یون  
 جریان و ترسانه امینی یوسف افندی به اولو جهله صدور فرمان  
 و سنبوب و مدلل و ردوس اطه لنده دخی ایکشمر قطعه سقا بن  
 انشامی اراده و دریا قلمک زعمای و ارباب تیماری طوعا و روجا  
 بو غار محافظه سینه فرستاده اولندی ( ذکر محاصره ابراهیل  
 و ماموریت مکرمی الحجاج عبدالرزاق افندی ) مسقوا و طونانک  
 اونه یاقه سنده واقع قلاع و بقاعک اکثری بلا تکلف اخذ و تصرف  
 و بوجاله تألف ایلله ابراهیل قلعه سنی تسخیر دخی اظهار نخوت  
 و تصلف ایدوب ککیوو و بوظفور یحسان نامنده ایکی جزیره وافر  
 کافر قوشوب نهر بروندن اصرار و فو قشان قصه سندن  
 کذار ایلله جادی الاخره نك اون التیمی کونی که ایاولک یکر می  
 شیمی کونی ایدی قلعه مزبوره بی محاصره به ابتداء ایلدی بزر  
 فردا سنی نوریش صورت سنده دشمن قلعه او ز رتبه هجوم ایدوب  
 محافظ بولتان جانیکلی وزیر سلیمان پاشا مقدمه احضار ایلدی یکی  
 جنود موحیدینی دروازه قلعه دن اخراج و دشمنی هر طرفدن



از حاج ایله بخش قدر کله واون ایکی نفر زنده اخذ واعدای  
 عودت قسری به محتاج ایلد یلر طرفه رعد هم اهنگ اولان صدای  
 طوب اردوی همایون طرفندن استماع و ابرایشان محصور بنده  
 کسب اطلاع اولوب احوال قلعه به وقوف و واقع اولان  
 احوال اعلام ایچون فرط استقامتله معروف برکده تک ما موریتی  
 خیرخواهان دولت تحسین و صدر اعظم مکتوبچیسی اولان  
 عبدالزاق افندی بو خطب احمه قیمن اولوب استحکام قلعه به  
 دایر امورک تمشینته اقدام و غیرت اعلی کوزه درایشنه تودیع  
 ایله دایره ما موریتی توسیع اولوب مومی ایله دخی اسانچیدن  
 حرکت و ما موراد ایغی جانبه عزیمت ایلشدی اعدا  
 طرفندن اخذ اولنان دل وکله محافظ پاشا تک اوغلی محمد تک ایله  
 اردوی همایونه ورود و قلعه تک صوقیوسندن غیرتی جیع ابوابی  
 مسدود اولوب ایوم محاصره دن زحمت کش و حاللری قطعاً  
 مشوش اولوب دشمن برکشته وزبون و اهل اسلام کون  
 بکون اصرع عزیزه مقرون اولد یغنی مشار ایله تحریر و اردو  
 خلقی تبشیر ایدوب دللردن مسقولو اولنلر در زنجیر و رعایان  
 بولنانلر سیف سیاهه بد میر اولوب میر مومی ایله طرف  
 سردار اکرمیدن مأمولی درجه سنده اکرام اولد قدن صکره  
 پدزی طرفنه عطف زمام ایلدی قلعه مذکور به امداد و اعانت  
 ارباب جهاده واجب و یو یایده صدر ستوده مناقب لیل و نهار  
 بو خصوصه مکب اولوب اسانچی سر عسکری طایغستانی علی  
 پاشا عسکرندن و سایر اوچقلردن بر مقدار آدم تدارک و برا  
 و نهرا ابرایشله ارسال و اووقته دک مکتوبی افندی دخی ماجینه  
 واروب ماچین محافظی وزیر عبدی پاشا ایله ورود ایدن عسکری  
 قلعه به ایصال ایلدیلر اعدا قلعه به روز بروز تقویه و استحکام  
 و پریلد کئی مشاهده و بریحی ساعت قلعه دن مباحده ایله  
 بر شب تارده طوب التنه کیرمک قصد فی ملاحظه ایلد یکی  
 معلوم ارباب محافظه اولغله خطرناک اولان محارره هجوملردن  
 حراست و تقرب قصد ایتد کلر تده طوب و خیره و سایر صنایع  
 نازبه اعمالنه مباشرت اولنه رقی پیرامن قلعه دن مستعمله  
 و باب مقصدلری هر طرفدن منسد اولد یغنی معاینه ایله محارره

پار جای آرام و بو حال برقاچگون بردوام اولوب کعبیت  
 حرکتلری انظار غزاندن نهان و فیما بعد مقوله اوضاع  
 اختراع ایله جکرینک بمحلولتی باعث نشنت ظن و کمان اولوب  
 ماه مذکورک یکریمی بشیخی کونی قلعه ده اولان آلات نازیبه  
 آماده ایدوب قلعه قیوسی کشاده و دشمن منزله بنده هجوم  
 ایله وافر کافری هاویه سقره افتاده ایلد کدن صکره بنده قلعه به  
 رجوع و امر بحفاظت به شروع ایلدیلر دشمن دین اهل  
 اسلامک عودتی انهمه جل ایله تعقیب و طوب منزله قریب کلد کده  
 تصمیم اولد یغنی وجه اوزره طوبله آتش و بریلوب بر مقصداری  
 رفیق دور حیان و باقیمی منزله سارینه ککر یزان اولدیلر  
 مزبورلر هر هجومده ما یوس اولد قسری بالا ستخار مر شال  
 طرفندن محسوس اولغله قارناله کاین اردو سندن کفایت  
 مقصداری عسکر افراز و تسخیر و استخلاص قلعه خصوصه  
 ذکر اولنان جزالره بروجه ناکید سپارش و تحریر ایلدی  
 مزبورلر ابرایشل حواله سینه ورودلر تده محافظ پاشا ماه  
 مذکورک یکریمی سکریمی کونی بتقدیر الله تعالی مطعون  
 و دغده دینادن را حنیاب سکون اولوب قلعه ده اولان  
 رؤسا کعبیتی ماچینه مقیم وزیر عبدی پاشا ایله و اولدخی  
 اردوی همایونه اخبار و انبیا و مکتوبی افندی دخی قایمه سنده  
 عبدی پاشا ایله بالانحداد ابرایشله نازه امداد ارسالله قلعه  
 اهل لیسنه باعث قوت فوآذ اولد یغندن غیرتی ماچین برونی  
 و بحال سازه به انشاسی اهم اولان طایفه لک بنا سینه مباشرت  
 و طوب و مضاعفه ابرایشله صوقیوسی طرفتی محافظه به ایدل  
 جل غیرت ایلد ککریمی ایما و عبدی پاشا محافظ نصیب اولنور  
 ایسه مال فراوان صرفیه ماچینه اجتماع ایدن عسکر پراکنده  
 و پریشان اوله جغایرندن بشقه عسکر امراری و طایفه  
 انشاسی ککندوسنه مختصر اولوب ایکی جسم مصلحتی شخص  
 واحد اداره به قدر نیاب اولوب احد امرینک التزامی دخی امر  
 دیگرک تعطیلی ایجاب ایده جکی بی ارباب اولوب عبدی پاشا  
 کاکان ماچینه ایما و بر غیرتی محافظ تدارکی هر وجهه اولی  
 اولد یغنی مقدمات مصنوعه ایله تمهید و اردو خلقی دخی انشاسی



تصدیق و تأیید ایدوب اطراف قدہ اولان و زرا بور شغال ایلہ  
 مأمور و محارندن تحریک مستلزم محذور اولدیفندن اساجی  
 سر عسکری علی پاشا خسروہ دن ضرور و محصور لہ  
 خارجدن اعانتہ بذل مقدور ایتک اوزرہ اصدار منشور قیلتوب مشاور  
 الہ ایکی بیک قدر ادم ایلہ او طرفہ سوق ستور ایلدی دشمن فتنہ  
 انکیز قلعه تک هر طرف فتنہ اشغال نازہ جنک و ستر و صوقوس  
 ضبط و شرانپورده اولان پیساده کانی دفع و تعبیده جهه  
 و طاقنی افراغ و عسکر اسلام ایتنه هر طرفه کرکی کبی منات  
 و پروب نه جانبہ دشمن توجہ ایتدیسده اوجانیدن مزبور لہ پیام حر لہ  
 ابلاغ ایدر ایدی صوقوسی ماچینده مجددا انشا اولنسان  
 طایفه محاذی اولقله او طرفدن دخی دانه طوب ایلہ وافر مشرک  
 هالك اوله رقی سلسله امانیری کسسته و ککافی الاول  
 قرار کا هیزی اولان غلده کسسته اولدیلر ( ذکر بعض توجہات  
 و انعامات ) محصور لک بوکونه اقدام و جرأتنه افندی موی الہک  
 حش و اغراسی و پیدر پی عسکر امر ایلہ بذل مال و ایصال نوال  
 ایلدی علی افوی اولوب بوسکیت معلوم صدر والا منعت  
 اولد فتنہ موی الہی تطیب و فیمای بعد او مقوله خدمتہ ترغیب  
 ایچون بیک عدد القون و فوسنی ککاری برتیشان ارساللہ مظهر  
 پاداش و تشویب ایدیلر قلعه محفاظدن حالی و پروزرک تعین  
 اولمسی مقدما مطلوب اہالی اولوب میر میراندن علائہ لی صادقی  
 پاشا ایوم محافظہ قلعه ده موجود ووزارتہ لیلای مشہود اولدیفنی  
 وزیر عبدی پاشا تحریروا اشعار و فی الحال موی الہہ وزارت  
 وریلایوب امر محافظہ قلمہ قیام ایلدی پاشا علی اصدار  
 ویش بیک خروش خر جلق تسبیح اولوب اشپوز لی عبدا لله  
 پاشا دخی قلعه ده اعیال عسکر ایلہ فدای جان و سر ایتک اوزرہ  
 اولوب موی الہک دخی جهه ما ایلہ ممنونتی موجه و مناسب  
 ککوریلایوب متصرف اولدیفنی قرہ حصار صاحب سنجافتنہ  
 الحاقا سلطان اوکی سنجافنی توجہ و حال ترفیہ اولندی قلعه  
 مزبورده یکچیری ضابطی اولان سلیمان اغانک سکستو فیلکی  
 پایہ سنبیلہ قدری افزون و ایکی بیک خروش عطیہ ایلہ مرقوم  
 ممنون قیلتوب ذخیرہ مباشرتی ایلہ سلسلہ ده ممکن مالدوانی علی پاشا

\*

کفنداسی حسن اغا دخی میر میرانلق ایلہ بکام و تکه سنجافتنہ  
 مقضی المرام اولوب تدارک ایدہ بلدیکی عسکر ایلہ طاعستانی  
 علی پاشا معینہ وازوب اندن قارشو جانبہ ضرور ایلدی پاشا  
 امر عالی صندور و فی الحقیقه مشار الیہ و میر میران موی الہہ  
 عسکر پیشمار ایلہ شهر رجیک اون اوچکی ککونی خسروہ معبرندن  
 کیچوب ابراہیل جانبہ طوغری عنایت و قهر اعدایہ رایت  
 افراز عزم و شتاب اولدیلر ( هجوم کفار و مشہور شدن آن قوم  
 مکار ) عساکر مذکورہ تک ابراہیل طرفہ مامور بتلری معلوم  
 اعادای اولوب ایکی عسکر بر محله کلدیکندن صکرہ مصلحتلری  
 مشکل و بیکجہ سی مضمحل اوله جفاری متخیل اولملریلہ  
 سوار یلری امدادہ کلنلریلہ مقابلہ یارسال و ککندی وری قلعه  
 ایلہ اشغال ایتک اوزرہ برچیده دامن احتیال اولدیلر  
 بنابرین شهر رجیب الاصلک اون التجی بازار کیچہ سی اخشامدن  
 اهل قلعه بی ضرب طوب ایلہ تصدیق و چند اسلام دخی هر طرفہ  
 برز فربق تعینی ایلہ امر مدافعه ده یکدیگری تشویق و صفوف  
 اعدای دانه طوب و خبره انشیلہ تمزین ایلدیلر بوحال اوج درت  
 ساعت قدر غمت و انقطاع داد و ستد نبرد ایلہ برج و باروده  
 اولان زخمتلر سید اولوب بونندن صکرہ دشمن مقوله خیلہ یه  
 سلوک ایدان انتظار ایلہ عسکر حاضر و مہینہ و بروج وزوایی  
 قلعه بی هاله قری استیعا ب ایدر ککبی عسکر ایلہ احاطه و املا  
 ایلدیکری اثنای اعدای مکار در نیوز قدر زردبان تدارک و احضار  
 وثلث اخیرده مزسلردن چیتوب شرانپورہ هجوم و چند اسلام  
 دخی مقابلہ ایلہ وافر بی معدوم ایتشلا ایک و زارندن پیدر پی  
 امداد لری وصول و علت ککرت ایلہ برتقربت شرانپورہ دخول  
 و عسکر اسلام دخی ضروری قلعه ده ککری مدافعه یه مشغول  
 اولدیلر اعدا شرانپور مصلحتی انعام ایتدکدن صکرہ زردبانلری  
 جداران قلعه ده وضع و صعوده اقدام و عسکر اسلام دخی بالای  
 قلعه دن سوبسو محاربہ یه اهتمام ایلوب ال خبره لریلہ وسایر آلات  
 حریمہ ایلہ وافر بی اعدام ایلدیکری حالده ایکوز قدر کا قی قلعه تک  
 خالی محلی بولوب طایفه هجوم ایلدیکری جنود نصرت موعوده معلوم  
 اولدقدہ او طرفه شتاب و ذکر اولنان کفره تک خس و خاشاک وجودلری

\*



سوزش پذیر تیغ اشتاب ایلدیلر بقیه کفار پشته لک بی توی درتوی  
اولان کشته لرینه باقیوب ضابطلر یلک ابرای کند و لرینی مد هوش  
و باخصوص اکثری مست و سرخوش اولوب دامن قلعه دن بروجیهله  
دور اولد قلری اهل اسلامی بحر حیره القای وعاقبت تیغ جلا دنی  
اتضا قلعه قبول بن اچوب پیرامن قلعه ده موجود کفار ایل  
اداره رحای جنک و غایلدیلر سر یازان اسلامک بوجرات  
و اقدای اعدای دینی واله و حیران و جمیع کشفه لرینی فی الحال  
پیشان ایدوب خارج از تصور و شمار کفره اشرار انداخته  
هاویه قهر و دمار اولوب زردیا نلرین ترک ایله مترسری جانینه  
فرار ایلدیلر بقیه السیوف اولان اهل اشراک هجوم اسلامیان  
خوفناک و روز فیروز ظفرک فرداسی رابطه اقامت لری قریب  
اشکاک اولوب مرغ نیم بسمل کی حرکت واعین غزاه و مجاهدیندن  
غیوبت ایلدیلر تمه سواحل طونانک قارشو طرفنده واقع اولان  
حالت پریشانی که عدم ثبات عسکر و اختلاف کلمه رو سادن  
نشأت ایش بر کیفیت ایدی عموم ناسه سبب وحشت و بعض  
قلا عک گرفتار دست اعدا اولمسه علت اولوب محافظه قلاع  
و نفور ضمیمه جمع عسکر مشکل و هزینه صکونه بذل احسان  
و صرف مال فراوان اولند بیه ربط قلوب ناس غیر قابل اولد یفتدن  
خبرخواهان سلطنت داغ بردل اولوب از جمله ابرایل قلعه سنک  
بماق و سایر مستحق نظر لری بر محله کشت و کذار و قلعه مذکوره  
دخی حصون متعه دن اولیوب بر معقل صغیر اولد یغی اشکار ایکن  
جددن بیرون کفار بر قاج دفعه یورش ایدوب بالای قلعه به  
صعود ایشیکن اتفاق درون و ثبات عسکر غره سیله دشمن  
مقهور و منهزم و بر محله بو مثال و ثقلت حکیموب بش اون یسک  
مرتب عسکری و رعایادن مجتمع و افرهوا داری سبب صقیل  
اسلام ایله مقدم اولدی مکتوبی عبدالرزاق افندینک حفظ  
قلعه ده الی و خلاصی خصوصنده کلی مدخلی اولوب شویله که  
پیدری قلعه به عسکر امرار و ماچینه طایه لرینا و اردودن  
کونور دیکی طوپلری درونه تعینه ایله ابرایلک صوفیوسنی  
وارسته کید اعدا ایله رک غطاش غزائی من غیر کداری وایه سعی  
اوی ایلدی افندی مومی ایله بوندن صکره قلعه به دخول ایل

غزات ظفر سمائی انواع ترغیبات ایله دلسیر فرحت و قتلای  
اعدای یلک ایچون محل معرکه به عزیمت ایدوب دیوار حصا رایل  
شرایط میا نده ایکی یکه قریب اهل صلیب اغشته خون دمار  
و شرابو خار جنده القای حفره استنار ایده مد کلمری اشرار  
مقاوت راده عد و شمار اولد یغن تحقیق و قلعه نک حسب  
المقدور رابطه نظامی توثیق و بر ماه اقامتدن صکره  
اردوی همایونه عودت و تفصیل مآخرا به مباشرت ایلدی  
و قوع بولان فوز و ظفر علی التفصیل معروض درگاه شهریار  
اسکندر فرقلوب موجب نشاط و سبب انبساط طبع همایون  
اولمقه طرف طرف اشارت نامه لر نشر ایله قلوب مسلمینه القای  
سرور و ایرات صتوف جیور قیلندی (ترک قلعه ابرایل و مرور  
اهالی بجانب ماچین) قلعه مذکوره دشمن تسلطندن خلاص  
و اهل اسلام فوز و ظفر ایله اختصاص بولوب اردوی همایونک  
اساقی صحرا سنده اقامتی الی یدی ماهه رسیده و طول مکث  
و اقامتله صحرائین اولشراک قیائی صبر و طاقتری دریده  
اولوب طاعشانی علی باشانک اساقی به وروددن صکره فک  
خیام و مشتا طرفنه شد خرام آرام اولم جعی خاص و عام میا نده  
فرار کبر نظام اولشیدی رجب القردک بکرمی در دخی ضالی گونی  
مشار ایله ابرایل طرفندن عودت و ایکی یلک قدر عسکری اونیاق  
سردار اکرمی پیشگاهندن امرار ایله عرض دبد به و هیبت ایدوب  
وجه مضیم اوزره اردوی همایونک حرکتی اصابته نسبت اولمش  
ایکن ابرایل قلعه سنده موجود جنود میا نده اختلال واقع  
و ضبط و زبطلری مجمع اولوب دشمن دخی قرب و جوارده ممکن  
واوج درت کون طرفنده اون ایکی یلک عسکر کوندر لمدیکی تقدیده  
بربادره ظهوری متعین اولد یغی محافظه وزیر صادق پاشا  
و سایر رؤسا بحر و املا ایشرا ایدی موجود اردوی همایون  
اوج یلک نفردن افزون اولد یغی درجه صحنه مقرون و انلرک  
دخی بعضی کشت و کاره مقنون اولم ایله مشتا تریشاندن  
اوطرفه ارسال عسکر اولنور دیو خبر کوند رلد کدن صکره  
بر مجلس خافل عقد اولنوب بو امر دشواره جازه نذر دینل کده  
حفظا ر مجلس کیمی فتح ایله نظهر کار و کمی بهت و سکوت ایل



تافته رو او او ب آخر الامر بکچری اوجاسی ماچینه عزیمت  
وین الاهیالی واقع اولان اختلالی رفع ابله دفع وحشت اتمک  
واو طرفده اولان عسکر در دست بولنوب خارجدن دخی تهمین  
نفراته اهتمام اولتی راینه نظام و مجلسه ختام و برلدی بکچری  
ضابطلری خیمه رینه وارد قلرنده دفع اختلال اندیشه محال قیلتدن  
اولدیفنی میانه رنده تذکار و انتقای نفع حرکتله بسط اعدار  
ایلدیلر فی الحقیقه بعض ساده دلان روز کار اوجاع عامر نک  
اردوی همایوندن انفکاک میزوک اولدیفنی نقول و بویکفیتیه  
بناء تکرار عقد مجلس اولنوب رفع اختلال قضیه سی تامل اولندی  
نیجه قبل و قالدن صکره لواء شریف سعادت ردیف ابله او طرفده  
توجه بین الخواص نفوه اولنوب بورا بی هر کس تصویب  
واو جاغیرک قانون اوزره اولاحرکتلری ترتیب و بعد اردوی  
همایون تعقیب اتمک خلالتده ابرائیلده متحشد جنود هنوز خندق  
و شراپواره رنده موجود اولان اعدا لاشه لربک تطهیر اولندیغنی  
و نایاره لری بروقی مطلوب مجلوبلری اولیوب خلاف سمت اولان  
سینوب واکاماتل محاربه مصروف اولوب با خصوص بعض  
کجه رانعامات فراوان ابله بمنون و بعضیلری جهات امتیاز به دن  
برشته نایل اولما مغله مکدر و محزون اولدقلرینی تقریر ابله احداث  
شروع شور و دشمنک قریبتی سببندن نشئت ایدن مقلطه لربی  
بواعدار غیر وارده ابله مستور و انجام کار قلعه بی براقوب  
جمله سی ماچین طرفه عبور ایدکدن صکره دایما قلعه احواله  
ناظر اولان دشمن غادر بی کد و تعب قلعه به دخول ابله دسترن  
شوق و طرب اولدی بونقدیده اردوی همایونک ماچین طرفه  
حرکتی بی فایده و آخر وجهله علاجنه باقله متقی اراده اولندی  
سوه تدبیر برقلعه ده شدا بد محاصره ابله تنکدل اولان اجساد  
نیل ظفر ابله بر مراد اولدقلرنده در عقب عسکر جدید ابله امداد  
و حین محاصره ده ضمیر رنده جولان ایدن ترک قلعه و غیبت خیلارینی  
انواع وعد و بذل نقد ابله ازاله و ایداد لازم اولدیفندن  
غیری عسکر جدید به سبب خوف و خشیت و جنگ کور و مشلرینه  
باعث رعب و وحشت اولما متقی ایچون پیرامن قلعه ده جایگیر  
اولان کشته لری حقره له القا ابله نظردن اخفا و قلعه نک

طوب ضربندن رخنه دار اولان محاربتی بلا تاخیر تعمیر و مهمات  
ناقصه سنی تکمیل و توفیر واجب اولوب درون قلعه ده بولسان  
قاید لشکر دخی قوی القلب و عالی همت اولوب دایما فضل جهادی  
وظفردن حاصل اولان امتیاز و اجر معادی بیان ایدرک  
هر ابطرک داعیه شوق و غیر ثلین افزون و اعدانک رجوعنه  
مغرم و مقنون اتمک فن حربک فرو عاتندن اولدیفنی ارباب تدقیق  
تحقیق اتمشلر در اردوی همایوندن و جوازده واقع قضا لردن  
و با خصوص ماچینه مستقر عبدی پاشا دایره سندن قلعه به بر مقدار  
عسکر ادخال و محاصره کور مشله اسسند کلری سرحددن  
لمصلحه اسامه لربی و سیه ثباتلری اوله جغی اغلب احتمال ایکن  
بالاده بیان اولنان ککیفیاتک اجرا سنه همت اولند یغندن فضله  
عسکرک خلاف مطلوبی اولان سرحدله اسامه لری تحریر و ختام  
مصلحتده ترک خدمت نامیله رفع و القا خاطره لربی قلیبرینه القا ابله  
تو حبش و تنقیر و شوق در طوب و مهمات ابله قلعه بی ترک وار تکاب  
تیمارون و تقصیر اتملرینه علت اوله رق ایینه ککینی نماذن صاف  
اولان طبع شفاف شاهانه بی تکدیر ایلدیلر (عزیمت مکتوبی الحاج  
عبدالزاق افندی باستانه سعادت) ابرائیلده وقوع بولان فتوحات  
بودن اقدم مغروض خاصه کیمه شهر باویدبع الصفات قلنمشیکن  
ایکی اوچ کون صکره حدوث ایدن ترک قلعه ککیفیتی ترقیم  
موجب حجاب عظیم اولدیفندن افراد مشائخصه دن بیرینک رکاب  
همایونه عزیمتی و ایکی سنه دن برو تقدیر جناب الهی ابله تکیلان  
تعب و مشقتی افاده ابله خزینه و عسکره مس احتیاج ایلدیکنی تفصیل  
ایتمک اردوی همایون طرفندن اراده اولنغله مکتوبی صدر اعظمی  
اولان الحاج عبدالزاق افندی طلاق لسان و عذوبت بیان  
ابله ممتاز اتراب و با خصوص ابرائیلک و سایر معارکک هر کیفیته  
مشاهده و قوف و اطلاع کسب اتمش اولوب واقع اولان احوال  
یکان یکان شمرده نشان بیان اتمک مقاصد ابله استانه سعادته  
اسال اولمشنی کار گذاران اردوی همایون استصواب ایلوب  
فی الحال موسمی الیه اولصوب شرف اوبه مطیبه ران استیصال  
اولمشیندی بر تاج ساعدن صکره قلعه بی ترک ایدن لرغض نشان  
بنیامت و اخدهما اخره غیرت و بزه رک طونابی کیچوب کا کان حفظ



قلعه به مباشرت اتمك اوزره اولد قلربی رؤسای عسکر تحریر  
و اشارت اتملرله بو خبر غیر مامول وصولندن درون ناسده  
رتوسرور التماع و در عقب افندی موی الیه ارجاع اولنوب  
نصیم اول اوزره ماچینه عزیمت و قلعه به تقویت و یرمک داعیه سی  
ددون سردار اکرم میده جولان و او جغله علی الترتیب  
حرکتلرینه سبق فرمان ایدوب شعبانک اوچین کونی سقوط  
برق و باران باقلبه رق بکچری اردوسی ماچینه شتابان اولمشیدی  
اردوی همایون دخی حرکت کته نه یواش یکن قیالت زای  
رؤسا الیه تکرار عسکری بیننده اتش اختلاف التماس و خارجده  
وجود اعدا یو غیکن تکرار حصر قلعه و همندن ناشی قصد و پتله  
فسخ الیه تکرار ماچین طرفه کچد کبری خبری صدر اعظمی  
دل ارار اضطرار ایدوب دشمن دخی بو حاله و قوف الیه قلعه به  
دخول و بلا مشقه بیحد مهمات و ادواتی برسم هدیه اورده دست  
قبول ایلدی بو منورنده افندی موی الیه ک خبر اول الیه  
استانه به تسیری لازم کلوب ماه مزبورک بشی کونی رکاب همایون  
جانبه هارم اولدی ( حرکت اردوی همایون بمشتا ) اساقی  
صحرانده یدی ماه اقامت و بومدت خلانده وقوع بولان کیفیت  
محلرنده بسط و اشارت اولمشیدی انسداد اطراف الیه ذخیره  
قلت طناری و موسم شتا حلولله خیمه لده اقامت سبب رحمت  
وزاری اولوب مشتایه عزیمت خصوصی اردوی همایونده تکلیمه قادر  
بعض کسار طرفندن سردار اکرم حضر تریته افاده اولند بجه  
اقامنده اصرار و مقدمه بازار چقده قشلق حصو صیچون رکاب  
همایونه رفع ابتدکی عربضه ک جوانه انتظار اوزره ایدی بوهنگام  
عبث انجماده ابرایل وقعته سی ظهور و قیام بعد اساقی  
صحرانده اقامت مستوجب تلف نفوس و ستور اولدی بقی صدر  
و فور بنف اتمکله اوحوالینک امورنی اساقی سر عسکری وزیر  
طاغستانی علی پاشایه سپارش و بوزیک غروش اعطاسیله  
مشار الیهی مظهر لطف و نوازش ایدوب ماه شعبانک التخی کونی  
اتفاق ارا الیه نقض خیام و بر کیمه بیتوت الیه بابا طاختی صحرانده  
رکز اعلام اولندی الی بر تار یخی مشتاسنده مطمح امنی خلیل  
افندی معرفتی الیه مجدد ایتا اولان طغوز عدد چشمه نک مرور اعصار الیه وقفی

مختل و طریق جزایانی مهطل اولمشیدی سردار اکرم حضر تری  
مقدمه بابا طاختی تشریف یوز دقلرده چشمه لک کیفیتی توصیف  
و تجماره محتاج اولدی بقی تشریف اولمشیدی خزینته لریدن اون بک  
غروش افراز و دفتر حاله کتابندن سعد الله افندی خدمت تعمیر  
الیه تار قیلدیشیدی موصف همایون الیه بابا طاختی خود تارنده  
ذکر اولنشان چشمه لک کانی السابق ساسیله ضروری اجرا اولدی بقی  
رای الیه مشاهیر و بوار خیر مایه ابساج و بشاشنی زیاده  
ایلدی ( رفع وزارت و براباره محمد پاشا و عزل اغای بکچریان  
و خوادات سازه ) سلسله تحفظی و براباره محمد پاشا اتمده  
شیخ و دلاور و قوی القلب و نامور اولوب بتقدیر الله تعالی وقوع  
بولان محاربه لده سائرری کبی بودخی ادبی بر خدمته موفق اوله بیوب  
اورانک تبعاتی مستور و مشار الیه بخت و ارون و طالع بار کون  
افضا ساسیله هر جنکده نقضه انهرام الیه مشهور اولدی بندن بشقه  
جانب میریدن سنده دله الی بوز کیمه استقامت نامیه اختطاف  
و وفادار عد و حصار ایتدیکی او یاس اولنانه بدل و تلاف و بومه الیه ده  
جزوی و کلی ذین و دلته نافع بر مصالحه طفر بولدی بقی کندودخی  
اقرار و اعتراف ایدوب میزان اخبار و واسطه لریله بواحوال  
سامعه رس شهریار فرخنده خصال اولدی بقی پناه شرفا قسه  
صد و اولان خط همایون و جیمه اشوشعسان المعظمک  
سکرچی کونی رتبه و زارندن تزیل و علی طریق النبی کوشندیل  
قصه سنده تمیل اولندی بکچری اغای اولان و بر یوق و قران محمد  
باشانک اسماعیل و قعه سندن صکره نه طرفه کندیکی بجه ل و رابطه  
اوجاق مغلول اولماقی ایچون قول کتیرامی محمد اغا بکچری اغای  
نصب اولمشی زدار باب شوراده بر امر مستحسن و معقول کور بلوب  
صوابد ایدار باب یقش و دید الیه اغای موی الیه ک قدر و رفعتی  
مزید قیلدیشیدی مرتب عهده کفایتی اولان امورده بطور حرکتی  
و اومسند رفیعہ عدم ایساقی سامعه رس حضرت تاجدار ی  
وعزلنه اراده علیه جناری اولوب مقدمه قول کتیرامی ایکن  
قارشویه مرمر دن اول قارناده لدی الاقضا تحفظ ایچون بر محل  
منع تدارک اولمشی تلفظ الیه استرقاب و ادرنه اغای الیه  
عزل و اذهب اولنشان سلیمان اغایک رشد و زوی و بود قعه



اردوی همایونه عسکر سوق و اخراجنده سرزده سوج اولان کمال  
عریق مو و مو معلوم خدا وندار سطو مانند اولغله اغیالی مسندنه  
اصعاد اولمسی مقدمه صیدرا عظم طرفه تنیه و موئی الیه دخی  
سوق عسکر ایدرک با باطاعنه کلوب فرداسی یکجری اغالی توجیه به  
قدری تنویه و سلی تکفور طاعنده اقامت عنوانه اردوی همایونین  
تبعید و تنزه اولندی طوئانک انجما دیله کروه اعادی پرو طر فله  
مدیادی ایده چکی بین الناس شهرتکیر و اردوی همایونک استانبول  
و یا خود ادرنه طرفلرینه عزیمتی حسن تدبیر عد اولنوب سردار اکرم  
بو خاله واقف و مشتاقیننده رای جله به مخالف اولدیغندن بشقه  
با با طاعندن حرکت طوئانک پرو یاقه سنده بولسان اهالی به سبب  
و حشت و بلکه ادرنه طرفلرینه عزیمت ایده چکمرینه علت اوله جفنی  
مقدمه مارکاب کامیابه ایما و اشارت ایلدکده خان عالیشانک اردوی  
همایونه وصولنه دك مشتاق خصوصی توقیف و بالذکره تعیین محل  
اولمسی رکاب طرفندن تعریف اولندیغنه بنه با با طاعنی صحرای سنده  
قدوم خانه انتظار ایلد هر صکس متر فل ردای شکب و اضطراب  
اولمشیدی انجق شدت شتا و عدم تخصص مشتاق کفتکوی ناسه  
سبب ایلد باعث ترک حرمت و ادب اولوب بویکیت سردار اکرم  
حضر تلبینه منعکس و در حال مشورت ایچون ترتیب ساز مجلس  
اولوب عموم ناس تعیین مشتاق اولنه جفنی جزم و تحقیق و اولو جهله  
امانی و احلاملرین تصدیق ایشلر ایکن سردار اکرم خان کله بکه  
مشتاق تعیین اولمماق اراده سنی اعلان و هر کس خیمه سنده  
سویله چکی مجلسده بیان ایلسون دیوچرک زبان ایلدکده حضار  
بایند افکار و ضرب نطقه عدم اقتدار ایلد انشاالله قریباً مشتاق  
تعیین و هر کس راحت کرین او لور قولیه سرچینان حیرت و خیمه ینه  
عودت ایلدیلر (عزل خان قریم) برلغ فرمای خطه قریم اولان  
قیلان کرای خان حد ذاتده دایر و جسور و اعمال عسکره قادر  
بر ضرر دیور اولوب انجق حدایت سن و عتقوان شباب ایلد تجربه  
امور دن عاطل و کید و قریب دشمندن غافل اولدیغنه بنه بر قاج  
دفعه پروت کارنده و سایر محالرده رفدت غفلت علی ایلد منہزم  
و بین الناس مستفیض اولان سورت و شانی منعدم اولوب تانان  
طایفه سنک دخی دشمن ایلد مخابره سی واقع و بر پادشاه قاهرک

تحت تسلطنده مقهور اولمقدن ایسه سر بشتاک امتیازی کسب  
ایلد بر قوم سر ازاد اولوب خاتلق اختیاری دخی راجی و اراده لرینه  
مقروض اولوق معاهده خفیه سی شایع اولدیغندن باز وی  
تصرف و اقتدارنه بالکلیه و هن و فتور عارض اولوب کولباشی  
چنکنده بوسبب ایلد برنده مستقر و غایت امره منظر و پریشانی  
وقوعندن صکره اسماعیله و اندن بر قاج ادم ایلد استاخچی به کلوب  
سردار اکرم ایلد بعضی خصوص مذاکره سندن صکره تکرار اسماعیله  
و رودنده عسکر ایلد استمزاج و ثبات اماره سنی عدم احساس  
ایلد قریب طوغر و عزم و انصرافه محتاج اولوب لدی الوصول  
دولت علیه به ارسال پیام و مضارفات سفریه سننه مدار اولوق  
ایچون بیک کبسه ایقه کوندردی کی حالده خاتلق اخره احواله  
اولمشی افهام ایشیدی تخریراتی شده اعلایه عرض اولند قده  
شده دك مشار الیه قتی حقوق مصالح اعطا و کافه مسئولاتی  
قلم اسعاف ایلد امضا اولنوب فرض محال ایلد بوالتماسته دخی  
مستاعده درکار اولسه جزوی و کلی طرفندن بر مصلحت نافه  
بروز ایتمه چکی دلالت عقل ایلد جزم و تحقیق اولنوب عزلی تصمیم  
و سابقه قریم خانی سلیم کرای خان رکاب همایونه دعوت اولنوب  
او مستحضر فیه ایلد تکریم و مشار الیه دخی طرفنده بولسان سلاطین  
چتکیریه بی استعجاب و دوکاب همایون طرفنده عزم و شتاب  
ایلدی غریبه بالاده بیان اولندیقی وجه اوزره خان جنابلری  
قریم اولکه سنک محافظه سی بیک کبسه به محتاج و قرق کون طرفنده  
ورود انجرا یسه فرییدن خوف اولنور معشارینی تخریراتنه ادراج  
و سر عسکر بولسان سلحدار ابراهیم پاشا دخی بوقوله تصدیق  
ایلد ارکان دولته باعث اضطراب و اختلاج اولمشیدی  
مبلغ مذکورک جهت ایصالی پرو بخره موقوف اولوب رک انسداد  
جهانی و بحرک خطرات افانی باعث حیرت کار شناسان دولت  
اولوب حضور همایونه دخول سعادتیه کسب امتیاز ایدن  
یکشهرلی عثمان افندی به صدور خطاب و سن بویله نک و قنده  
کوزل ملاحظه لر ایدر ایدک بومشکل ماده به علاج ندر دیو  
استجواب پیور دقلرنده بوماده ایشد نمیدر دیه رک بلا تامل  
قلم و کاغذ طلب ایدوب خان ووز پر مشار الیهما نک مطلو بلری



اولان مبلغ کف جزیه سندن حواله ایله امری یازماق دیورکاب  
دفتر دارنه خطا یا بیورلدی اصدار ایدوب دلالت سهولت مطلب  
مقرون تحسین اوله رقی انکشاف درونه سنب اولمشیدی بیورلدی  
قلعه وار دقده اون بدی کسه محصول اولان کفه جزیه سی قالمغای  
سلطانله خرج حبیب قید اولندیغی دفترده مسطور در جوائی اهل  
قلم تحریر و شهر بار شفقت انار یووضع تادر باره ضروری خند ناک  
اوله رقی مومی الیهک عطفی نهچین و رای توهمین و الحای حاصله  
خان مشبار الیهک عزله قرار و رلدیکی اصح روايته یاد دلیست  
ارباب اختیار در غ و قدیکون مع المستعمل زل (عزل کتخدای  
صدر عالی) صدر اعظم کتخداسنی اولان السید ابراهیم افندی عقل  
و درایتله مشهور و خدمات دولته سخی و غیرتی متکاز ایکن  
بلاشب مضاعف افواه خدمت کاران جهان و موضوع بحث سبکفران  
زمان اولوب عزله اراده همایون تعلق و استیفاء معادین هنوز  
وارد اولان احمد عزت افندی متصف شعیان شریفده روجه  
تکرر کتخدای جا بلندیه تفوق ایدوب سانی ابراهیم افندی ذخیره  
مناسبت رینک احوالی تقبیل و تنقیب و مصلحت نظر اوله قوله ری  
ترغیب و ترهیب عنوانله سلسله و زو سخی و شعی طر قلمریشه  
تسریب و مطلقا دیندیکی محملده نفس و اقامت ایله مامور  
و بوسیله واریسته اندیشه دورا دور اولدی (عزل صدر اعظم  
خلیل پاشا و نصب سلیمان محمد پاشا) صدر اعظم خلیل پاشا  
پدری عوض محمد پاشا ایله نمجه سفرنده بولوب اعمال عسکر فنی  
ازیر و تحصیل سمت فوز و طفر ایش احتمالایله طرف جم اندازین  
صدر اعظم و سپهسالار اکرم نصب اولوب عسکر فراوان  
و نفوذی بابان و ذخایر و مهمات و سایر لوازم و ادوات ایله  
ازوی اقتداری تسدید و ملتمسات و مطلوباتی و راسته قید  
امر فیض و تریب قلمشیدی طو ناک طغیان و خضر بناسبتک عدم  
امکان سینی ایله قاتال طر فیه بالنفس احقر ایله ضرورت صعوبت  
و خط عظمی تأمل ایله رک اسلا بقیده اقامت و پذیرنی قارشویه  
ذخیره و عسکر ایصاله اعطای تقویت و کمرنده ایکن خان و سایر  
طر فلردن ابرام تام ظهور ایله رابطه بینی و چلی اولوب ناچار  
قارشویه سبکداز ایشیدی بر قاج دفعه در دیند ایله تاقه روی

مراجعة اولان عسکر ایله اختلاط و مدافعه اعدا خصوص منده  
اشراط ایتمه سیرایکن بالاده تفصیل اولندیغی وجه اوزره فقدان  
مساعده قدر و عدم ثبات عسکر ایله عارضه بریشانی ظهور  
و حیددن بیرون اموال و نفوس تلف اوله رقی بز و طرفه مرور  
ایشیدی ذکر اولنان تفرقه سینی ایله نفوذ و اعتباری خلل پذیر و بحکم  
لاری این لایطاع هزینه طرفی حفظ و حراست مراد ایدیه امر  
و حکمی فروم غنه تأثیر اولدیغندن بشقه عن اصل مدیون و سر پنجه  
تقاضا ایله زار و زبون ایکن بذل و انعامده مدد و ح اولیان جهت  
افراطه سلوک ایله حاصل صدارتی بیجا محله صرف و انتفاض  
و میریدن دخی التي بدیور ککسه استقراض ایدوب ترقه و نعمة  
دخی ائتلاف ایله حظوظات شهنشاه و مستلذات نفسانیه به  
مایل اولوب خصوصاً اعیان سفریه بی تحملده عجز و فتورنی ایهام ایدر  
بعض تمهیرات ایله رفته رفته ارسال تلخیصات ایدوب بوحال  
ایله برسنه قدر صدر دولته مکن و بوندن بویه او مقام خطیرده  
ایقاسی باعث افزایش تجاوز مشرکین اوله جفی جز میله انزعاج  
مهر همایون مصلحتی ایچون قبولی باشی و دینی علی اغا مامور  
اولوب صدر جدید موصف همایونه وصول بولوبجه دک بر قایم مقام  
فصلی لازم و سابقا بوستانچی باشی اولوب رتبه و زارته قدری  
تفخیم و سوق عساکر مامورنی ایله ادره ده مقیم اولوب  
طوبانی محافطه قلمی حقهنده تصمیم اولنان وزیر احمد پاشا به  
قایم مقامق خط شریقی اغای مومی ایله ایله ککو ندر لمشیدی  
ادره ده خط همایونی مشار الیهه ابراز ایله واقف راز ایدوب معا  
با باطاعته پای انداز اولد قلرنده مومی الیه تقدم ایله یکچیری اغاسنی  
کوروب قضیه بی سرافقه و هیئت متکبره ایله معا کتخدایک چادره  
توجه ایلدیلر مومی الیه صدر اعظم پاننده مذاکره امور ایدر اولدیغی  
استخبار اولوب سراسر استیلاب و ماده اشراپ اولند قده علی اغای  
بر ارجه الووب مشار الیهدن مهر همایونی استرداد و قرب  
اردوی همایونده خبره انتظار اوزره اولان وزیر الحاح احمد پاشا  
قایم مقامق مستندة اصعاد اولندی صدر سابق خلیل پاشا  
حقهنده یم لطف و کرم شاهانه توج ایدوب اموال و اشیای انعام  
و کتد و غنه قلبه قصبه سنده تعیین مقام اولندی شهر بار ستوده خصال



بوسال عبرت اشتعالده وقوع بولان احوالی تقدیرات ربانیه به  
 حل ایلده همت شاهانه لایحه ایزات شامت و ملال ایجاب تلافی  
 مافات ضمیمه سینه آیه به ترتیب ایدن لوازم سفریه بی ذهن تابشک  
 جهبا ندر یلریده تصویر و هر طرفه عسکر اخراجی ایچون  
 بالاری خطوط هما یون ایلده موشع اوامر علیه تسیر یور دیرلر  
 دخی اعمال کاتب موحدینه قادر و وقوع بولان ملاحم  
 و معازیده مشواری ظاهر بر وزیر دیرک مقدّمه جاه رفیع صدانته  
 نصمدیرنی ملا حظله بیووب بوسنه والبسی وزیر سلحدار  
 محمد پاشا و جاهت و وقار و مهابت و اقتدار ایلده شهرت شعار  
 و با خصوص قریه طاع سفریده بخنی میون و طالعی سعیده مرون  
 اولدینی تجربه و اخبار اولنوب شویله که سرکشان مشرکینی  
 تیغ جلالت ایلده مقهور و بین و بناتنی ماسور و سایر لرینی  
 بوجه مقطوع جزیه به الحاکم ایلده مشکور الحدمه و منصور الولا  
 اولدیفنه بتا حق مشار الیه حقه حسن ظن شاهانه مقرر ولدی  
 الحاحه خدمت صدانته تقریبی ذهن عالیبرنده مضمر یور مثلر ایدی  
 قارقال بورغوشدن صکره خلیل پاشایه اولان توجه رفته رفته زایل  
 و طبع شاهانه مشار الیه طرفه منجذب و مایل اولوب بتا برین  
 شهر رجب الفردک بشی کونی نوید بشارت صدارت قلمر و حکومتی  
 اولان بوسنه ده دهلیز سمعته داخل ویش اون ادم ایلده او طرفدن  
 حرکت ایدوب رمضانک بشی کونی قرب موکب هما یونه  
 واصل اولدینی قائم مقام پاشایه اعلان و فی الحال بمکک چشمه سنده  
 نصب سایان قیلتوب رمضان شریفک التیمی بازار ایرته سی کونی  
 قائم مقام پاشا و کتدایک و علی العموم قیور جال رسم استقبال اجرا  
 و شروط دعا و ثنای ایفا ایلدیلر مصلحت اکل طعام انجام بولدقده  
 مرتب الای ایلده بمکک محلدن حرکت و لوا شریف اوبه سته  
 تقریبده فی الحال نزول ایلده وزرای عظامه روح ثانی و حیات جاوداتی  
 اولان مهر هما یونی قویجی باشی علی اغادن اخذ و نهاده جیب مغفرت  
 و اوتاقی اصفا نه لایحه وضع پای هیئت ایلده کلرنده سوء تدبیر  
 وزیر سالف ایلده وقوع بولان وضع زایف مرتبه زده ضرر و زیانه  
 باعث اولدیفنه ارباب خیرت و امتحان واقف اولوب حول جناب  
 قهار ایلده اخذ ثار خصوصیه بوسال فرخنده نقد غیرتی

نشار و خدمات پسندیده اظهاراتک مالی متضمن شرف بر  
 صدور اولان خط هما یون قرائت اولنوب حاضر بالمجلس اولنور  
 اساله ذموع رقت ایلده دعای شاهانه به مواظبت ایلدیلر  
 آمدن خان عالیشان و عقد مشورت برای مشا (بود فقه قریم  
 خانی نصب اولنسان سلیم کرای خان ایلده استانه سعادتده بر قاج  
 دفعه عقد مجلس اولنوب مشا خصوصی در میان و خیل ابحاث  
 کذران ایدرک تعین مشا اردوی هما یون خلقک رایته تفویض  
 اولنقی استعسان اولنوب خان دخی بوسنه مبارککه ده قریمه  
 عدم ذهاب ایلده مناسب محله مشا انتخاب و طونا محمد اولور سه  
 وقت و حاله نظرا قار شویه کیچمک و یا خود بر و طرفلری محافظه به  
 اهتمام ایتک صورتلری استصواب اولنوب بوسورت ایلده خان  
 مشار الیه استانه دن حرکت و رمضان شریفک طقون بجی کونی  
 موکب هما یونه کلوب بو خصوص ایچون نزد سیردار اکر میده عقد  
 انجمن مشورت قیلتوب ابتدا سرحدلرک کیتینی صدر اعظم  
 سوال و یکجری اقامی الیوم اون بشیک قدر عسکر امر محافظه ده  
 قیام ایلدیکرینی افاده ایلده دفتر دار افتدی دخی او مقدار تعینات  
 و بر دیکتی آورده زبان مقال ایلدی صدر مشار الیه اتخاذ مشایه  
 نعل مناسب در دیو خطاب ایلدکده مشا خصوصی از باب حل و عقد  
 میانه زنده یا استانبول یا خود ادرنه و هیچ اولدیه شنی طرفلری  
 تخمین اولمشیدی خان جنایله قشلاق خصوصی استانه ده  
 قرار و بیوت بولش احتمالیله هرکس مهر زن لب سکوت اولوب  
 بعد الابرام حضار دن بعضیلری بوامری تلیم و اشراق و صدر  
 اعظم دخی واقعا جنابکز قریب العهد ده رکاب هما یون طرفندن  
 ایاب و بو خصوص او طرفده توجهله رابطه بند نظام اولدی  
 دیواستجواب ایلدکده مشا خصوصی لبس المجرب مثل من لم یعلم  
 مفهومی اوزره معسکر جهانداریده اولنورک رایته احاله اولندیغنی  
 ایما ایلدکده هرکس مد هوش و هواقب احوالی فکر ایلده دبسته  
 و خاموش اولدیلر بوسورنده ماده مجلس اخر تاخیر و هرکس  
 یارنکه کون افراغ مافی الضمیر ایلده احضار تدبیر ایلسون دیو  
 جمله اجازت و بریلوب خیمه زینه عودت ایلدیلر فردامی کما کان  
 اجتماع ایلده مجال کلامه اتساع و بریلوب حضار مجلس ابتدای امرده



سوق کلامدن امتناع ور بقدرین ابتلاع ابلدیلر انجاسکار  
 بهضیلری بابا طاعنده مشتاک محذوری بیان و بازار جفی استخوان  
 ایدوب خان جنابلریک دخی بابا طاعنده قشلمانی تصدیق و بورای  
 مشار الیهی تکدیر و تبریح ایدوب دامن افشان انفعال و بهانه  
 بخوی ارتحال اولمشکن صدر اعظم جوابه آغاز و بازار جفده  
 قشلا ندیغی مصلده بابا طاعنی اهل البستی اوساعت بریشان اوله جعفرینی  
 تحقیق و ایتقان و بون کبفت سار سوا حمله سزایت ایله هیئت  
 اجتماعیه ریته تفرقه طریبان ایلده جکلی بیان ایدوب نهایتکار  
 بابا طاعنده قشلماعه قرار و بریلوب ره ضایک لکریلجی کونی  
 سردار اکرم الای ایله بابا طاعنده دخول و سوارلری دخی بر  
 محمل مناسب تدار کبله اوارام شتاند ارکته مشغول اولدیلر  
 وزیر الحجاج اخذ پاشا اوج دوت کون قدر قایم مقامق ایدوب  
 صدر اعظم حضرتلریک شرف انداز قدوم اولد قلمی سبی ایله  
 مامورینی لغو اولوب طوطی طرفیه اولان ماموریت مسابقه سیل  
 هوایل بایده دامن اصفی فی تقییل و اورجایی اخیر استافه توصل  
 اولوب تسلسله اطراف فی محافظه به مامور و برقاچکوندن صکره  
 نیکوئی احوال بسکک محاربه می دخی ازم کوریلوب او طرفه صریمت  
 بایده لمر جلیل العنوان شرف صدور اولدی (کیفیت خان قریم  
 لمر طوطی ملجند و اولد ریاحه بعد الفوریه عقبه اولدیغی تقدیرده  
 دشمنی اوز ریته چابول ایتک اولوزنه سوا حمله بره شتاسف بجلنده  
 مشابه اتمان جنابلریک دخول تصحیم اولمشیدی ارشاد الحق سوا حل  
 عشا ککر اسلام ایله مال مال و اقتضایدن تعییناتلری اطراف  
 خوارلندن استحضال و اولد و اق مامورلر انواع ضمه و بشه دوچار  
 اولد قلمی ظاهر حال اولوب بیخ خانه ایسه ایوم صحرانده خیسام ایله  
 آرام و سقوط برقی و باران ایله مبتلای اسقام اولوب مداوات  
 و نفسی انحرالین ایچون بابا طاعنده بر خانه احضار و فی التماس  
 و طبیب میکان حسیله استکیر و ضعیف بر محمل تدارکی منفع و غیر  
 اولد یقینه نکتته ایتک خاندان مستندن اخروج و خلک جنابلری و اوج  
 ایتک اولد و محمل اده اقامت ایتک ایلدیکی خان تظان و بابا  
 طاعنده ایتکی سالت مستافه اولان قنبر قریه سمنده بالضروره  
 اختیار تمکن ایلدی خانک او طرفلده قشلمانی ذخایرک قلت

وانقطاعی الحجاب و محلوبات اطراف الحق دایره سنه احاطه ایله  
 سار مستحفظ لک اداره تعییناتلری من اصعب الصعاب اوله جفی  
 افکار یله صدر والا جناب دخر اش انقلاب اولوب مشار الیهک  
 بش التیوز ادم ایله محل مذکورده اقامتی مشتاشین اولد لمر  
 کلفت و اطرافدن جناب ایلده جکلی ما کولانک بولسا سنه علت  
 اولد یقینه غیر تعییناتلر معاندته صرف و اعطا اولسان الی  
 دیوز کبسته مبلغدن ماعدایومیه اردوی همایون خزینه سندن  
 بدیشر کبسته تعییناتلر ایله کسب راحت و صفا ایدوب طوونانک  
 عدم انجسادی حسیله چابول غایله سنی دخی بر طرف و منوال محزون  
 اوزره میرینک و افرمالی تلف ایلدی (اخراج مواجب و توزیعات  
 سایر) اردوی همایونک مشابه دخولندن صکره مطوایف عسکریتک  
 بر قسط مواجیلری اعطا اولمشیک لزومی بوندن اقدام عرض سریر  
 اعلی قلمشیدی بنابرین مواجب و سایر مطالبه صرف و اتمق ایچون  
 ایتکی یلک در یوز کبسته به قریب مبلغ رکاب همایون طرفندن تسلیم  
 و بازار جفده مشابه تخمین تقریری ایله بر محمل مأمده تحفظ اولمشی  
 بازار جفده کاین ضابطانه اردوی همایون طرفندن موه که تحریر  
 اولمشیدی اردو خزینه شده ایقه تصاد بولوب اوزی مواجبک  
 دخی بران اقدام ارسالی اقتضا ایلدیکندن خزینه مذکوره دست  
 امانتکاران ایله یاز و در تیز کبسته افران اولوب اوزی  
 خزینه ارسالی و طاعنستانی علی پاشا دخی بواجبهک بر مقدار یله  
 تنظیم حال و باقیبستی مشابه دخول عقبده بازار جفدن یحلب اولوب  
 مواجب نامیه او جفده تسلیم و ضابطان دخی هوایی تقسیم  
 ایله مبلغ مذکورک استکیرینی اخفا و تکتم ابلدیلر بونجه به  
 متعاقب شهر یار سنی المساقب یلک کبسته لک زر قمر تاب ایله  
 مامورلک دست اقتدار نه لغوت و تاب و پردی (غودت مکتونی  
 صدر اعظمی) رکاب کامیابه افاده حال مقصد یله ارسال اولسان  
 مکتونی صدر اعظمی الحاج عبدالرزاق افندی بر قاج دفعه حضور  
 همایونه دخول ایله رخصت یاب قیام و شول اولوب عساکر اسلامک  
 بریشا لفته دایر اولان علل و اسبابی آورده زبان و دشمنه غلبه  
 لوازمی یکان یکان بیخط و بیان ایدوب تقریری منفع و موجه  
 و تدبیری مزج و غیر مشوه اولد یقینه بناء بر قاج دفعه باب عبالده

\*

\*

\*



و بر دفعه حضور هما یونده طرح قرعه مشاوره . و قح ز نادمذا کره  
اولوب افندی مری الیه بحال س مذ کوره ده میریلو عسکره صرف  
اولسان تقود پیشمار تلف صرف قیامدن اولدیغنی اشکار اوامه قوله  
سر سری و شمار غیرتدن بری اولان اشخاص و اراذل جمله دن  
اول فرار الیه دولت علیه نك عسکرنی منزل ابتدا کدن صکره  
میں و بسار لنده بولد قلمی اموال و اشیا بی غارت و مملکت لرینه  
عودت و مذکور له اولان رغبت او جغیر خلقتنه باعث فتور  
و رخاوت اولوب فیما بعد دولت علیه نك موظف عسکرینه اعتبار  
و قانون قدیم لرینه مراجعت الیه استحضال و سایل نظام لرینه صرف  
اقتدار لازم اولدیغنی تذکار اولوب اعمال اولان طو پلرک دخی کبر  
و ارتقا عندن بحث الیه استعما لی متعذر و نقل و تحریکی متعسر  
اولوبیر نوایجاد طو پلر تدارکنی ایما و شعیبدن مشا عسکرنی  
بر او یرندن اخراج الیه معسکر هما یونده تقویت و یرمک اقتضا الیدیکنی  
سایر مواد الیه احصا الیدی . تقریر مذکور ذهن شهنشاهیده جلوه کر  
اولان ضرور معقولانه متلازم و بود دفعه اردوی هما یون طرفدن  
و رود ایدن تدبیرات و تصرفاتک مالتیه ملایم اولوب شهر بارانام  
سوق کلام درنی النظام و شمدیه دک اموال و عساکر و مهمات  
و ذخایر ده قطعاً قصور اولمید یغنی او مجلسده اولنره مستند  
خسروانه لرینه لایق عبارات رشقه الیه افاده و افهام بیوروب  
منا سب کورلدیکی تقدیرده عسکره قوت قلب اولمق ایچون بالذات  
ادرنه به و یا خود بحمل تقابل اعدایه دولت و اقبال الیه حرکت  
بیوره جغیر بی کشته سلاک تقریر و حاضر بالمجامع اولنلرک  
اعصاب حبت و غیرت لرین تحریک الیه او جغیر ضابطی بوباید  
افراغ جهد و طیاقت ایلیه جک لرینی رشته ککن حسن تعبیر  
ایلدیلر . بوندن صکره او جا غلرک تنظیم شوارده امور لرینه  
اهتمام و تصحیح بدر کاه بله تکثیر تقرانه اقدام اولمق سمته  
سوق کلام اولنوب او جغیر بوباید دخی سرفرو و زده طوقی انقیاد  
و بوا امر اهلک تسویه سنده یکساق اتحاد اوله جغیر لرین ابراد  
ایلیه رک فی الحقیقه وافر نفرا تزیب و بر او بحر اردوی  
هما یونده تسزیم ایلدیلر . سوازی او جغیر لنده دخی بوزمه و سایر  
تصرفات الیه مستکن اولان فساد دخی از الیه اولنوب

قانونلری اوزره اواد شریف محافظه سنده اثبات وجود و مامور  
اولد قلمی جهاندی بذل محمود انگری مذکور اولوب انردخی  
اصول قانونلرینه رعایت و رزم کاه دشمنده بذل طاق  
ایلیه جک لرینی تعهد الیه مجلس ختام و مشورت انجسام بولوب  
بو و فو عاتی صدر اعظم و سردار اکرمه افاده و او جغیر نظامی  
مختص و فیما بعد بحمل رزم و معرکه ده ثبات و استقراره سبب  
اوله جق اقامتک تدارک و اجراسنی متبیین ایکی قطعه مفصل خط  
هما یون الیه افندی مری الیه اعاده اولنوب . رمضان یکرمی سکر فچی  
کونی بابا طینا غنیه پانه سده و شوالک او چنچی کونی او جغیر  
وانا طولی به وار فجه رجال دولت عقد اولنان مجلسده اماده اولوب  
ذکر اولنان ایکی قطعه خط هما یون چهار اقرات و مفهوم  
شرینی جمله به اعلان و اشاعت اولنوب . امر ولی الامر  
اوزره امر جهاد و تکثیر رجوع و افراد و مقابله اعدا و مقارنه  
و غوغاده ثبت مهمه و فو اد الیه سر و جان فدا ایلیه جک لرینه یکساق  
و فاق و اتحاد اولدیلر (بعض وقایع) اوزی قلعه سنک محافظه سی  
موجببات وقت و حال دن اولدیغنه بناء اون ایکی یک نفره قریب  
یکچیری سترد تکچیدیلری تحریر و یرا قلمی کشاد و اوزر لرینه  
برر مشا هب انعامین اولنوب مهمات و مصارف قلمی اعداد و زمان  
قلیلده او چنق طرفندن تعیین اولنان مباحث الیه تکمیل  
مصلحت امداد قیامت لیدی . ذکر اولنان نفرا تک بعضی  
و ثروت لوازم ثانیله کو سنج و وارنه اسکله لرینه رسیده و مشا جره  
و محاصره و قو عندن لرزان و تر سیده اوله رقی اطرافه پریشان اولغه  
شروع ایلد کلری تا معص کذار سردار اگر می اولمغه اوامه قوله  
اصول عهده مخالف و امر غزا و جهاد دن متجانف اولنلرک  
تادیبات لازم لرینی معرفت ضابطان الیه اجرا اولنره رقی سفینه لرینه  
از کاب و مامور اولد قلمی محله اذ هیاب اولندی . اعدای  
دین سوا حل طو نانک انکثر محلی ضبط و بیضا برو جانلر  
حرور الیه سوا حل خلفی مشلای تشویش و خط ایلد کلری  
مسموع شاهانه اولمقندن ناشی دفع کورند و ممکن اولور سه  
قار شویقه ده مدار قیامدن اولور بر محله ربط پیوند قیلمق  
دایمه سبیله اون یک قدر یکچیری ذلور لرینی احاطه ایدر



قری قطعه سفاین تجهیز و سینه یوزانیدن طولانی و اسلحی به  
 واروب قصد مزبورك انصاعی ضمنده سکان عزیمتاری نجریک  
 ونهزیز اولمشیدی سکان بش سینه می نیساننده قره خرمن  
 صورنده عرض جعبت و سواد ایلد ککری معلوم صدر قوی  
 القواد اولد فده اون قطعه می پورتجه یوزاننك حفظنه مامور  
 ویا قبضی سینه یوزانندن دخول ایلد سواحیل طونانك بر محلی  
 ضبط ایتك بابتده ضابطلرینه خطا با امر عالی شرفصدور  
 اولدی افلاق و یوده می منولاکی درجه مکنتی قدر بکیش  
 قصه سنی محافظه ایلد اعدای حدوده دخولدن منع و عصاة  
 رعایانك وحشتلرین دفع قصدنده اولوب افلاق سرعسکری  
 وزیر محمد پاشا طرفندن اعانت و امداده ظهور ایدن قصور  
 مسفوره سبب فتور اولد یقندن بشقه دولت علیه به صیدی  
 واستقامتله خدمتی دشمن دینه داغ درون واخذ و تعذیبی  
 اضمار ایلد ایجاد انواع مکر و فسون ایلد ککری مسفور درك  
 و ضروری افلاق طرفنی ترك ایدوب قرا یوده عساکرکش و بوجال  
 مشوش ایلد او طرفنده دخی اقامت ایلد میوب و دین قلعه سینه  
 داخل اولد یغی سمع تحقیقه واصل و دشمن دخی ترك اولسان  
 محملاری ضبط و ادخار اولسان ذخایر اباره مالک و یو جهته دخی  
 فوت پیدا ایدوب راه نجاوزه سالک اولدی اعدای دینك برو  
 یافته ده بر معقل متبینه دسترس اوله رقی اطرافه ایصال ضرور  
 درون خیانت مشغول نلرند معمر اولد یقنه پناه ایلد ککیرك  
 محافظه می لازم و طوب و جبه خانه سینه نظر اولنه رقی  
 عسکروسایر جهتلر ایلد تقویه سی امر مهم اولغسله بشبوز قدر  
 هنکر استصحاب و قلعه بی محافظه و محاربه به صرف قدرت  
 و تاب ایتك شرطیه پرزین سکانندن امر الله اضایه ابکی توغ  
 احسان و جومات سا بره ایلد تکبیل نقصان قیلنوب و دین قلعه سنك  
 دخی اقتضا ایدن محملاری تعمیر و محافظی اولان وزیر محمد  
 پاشایه اون بش یک و دفتر دارنه اون یک غروش ارسال اولنوب  
 محافظه قلعه خصوصی بوجه تاسک پدند کیر اولندی موره  
 جزیره سنی تسلط اعدادن مصون و جزیره به دخول قصد ایدنلری  
 دور باش جلادت ایلد بیرون ایدن صدر سابق محسن زاده محمد پاشا

و دین طرفته سوزی عسکر ایلد مامور و رکاب ککامیادن  
 مشار ایلد اصدار منشور قیلندی تدبیر مشت امرنده وقوع  
 بولان تردد اقتضا سبیله انصاعی شتایه دك فکر جمع ذخایر قلوب  
 ا کارده دابر اولنوب با با طاعنه دخولده ذخیره جهته ضرورت  
 چکله چکی معلوم جناب شهر یاری اولغله اردوی همایونه و اوزی  
 قلعه سینه و فایده چك قدر ذخایر سواحیل بحر سیاهدن نقل  
 اولد یسه دخی و قیله وصول بولد یقندن با با طاعنه قشلا یا نلرک  
 و ایطه تعبشلری منفك و دور و دراز محملردن ذخیره جلی ایلد  
 مامیکلری مستلک اولدی اصاعه سی وضع قدیم اولان طوپلرک  
 یو محاربه ده استعماللری قید عظیم اولد یغی ککیفاتی مقدما  
 حضور همایونه عرض و تقدیم اولنوب و عرب بهی باشی  
 محمد اغا نك یوقنده فرط مهارتی حبیبله افاده حال ایچون استانه به  
 ارسال اولمشیدی موی ایلد درد و التمدار و وضع رخساره ایلد کده  
 استعماله صلاحیتی اولان طوپلرک رسم و هیئت و ثقل و خفقتی  
 شامل رکاب همایونه عرض اولنان تقریری استعسان اولنوب زمان  
 یسیرده وجه معرف اوزره اوچ و قیه دن یوز درهمه دك کفایت  
 مقداری طوپ اصاعه و تقیم و عرب لری دخی بسیر الاداره و سهیل  
 الاستعمال اوله رقی مجید دا انشا و تنظیم اولنوب مهمات  
 و لوازماتله سقاينه تمویل و التمش قدری برا اردوی همایونه  
 تمویل اولمشیدی میوب باد قبول ایلد قره خرمن اسکله سینه  
 وصول بولد یغی اخبار اولنوب در حال عرب لری ایلد اردوی همایونه  
 نقل و لازم ککلان محملره توزیع و عرب بهی باشی اغیاد دخی  
 برا کوردیکی طوپلری سکر بوز ککریده نفر ایلد پیشگاه اوتاق  
 صدر عالی جا هندن امر ایدوب یو مقابله ده خلعت خاص  
 الخاص ایلد قدری ترفیع اولنوب اون قطعه بوز در همك طوپلر  
 دخی ایکی قات باروت ایلد لدی الامتحان سنجاع شریف اوباسی  
 مقابلنه وضع و ترتیب و با قبسی طوپچی باشی طرفته تسلیم اولنوب  
 قصوب اولندی و زارقی رفع اولسان اباره محمد پاشا  
 کوستند یله ککیردرا یکن خان ماباشانه تصادف و کرفشار  
 اولد یغی مصیبت سبی ایلد اظهار تلهف ایدوب مشار ایلد دخی  
 حاله تاشف ایلد مع اردوی همایونه کوروب جامه و زارقی مجید



ایچون دامنگیر صدر جدید اولمشیدی حنفوان زمان خانی سبی  
ایله رجائی حیرزان امانت و انقادی وزارتی ماده سینه کویستندیل  
منصبی ارداف اولننه رقی مظهر صوف الطاف اولوب صوب  
مقصوده عزیمت انجمن قریم اولکه سنده واقع یکی قلعه به وزیرای  
عظا مدن بروز برنامدارک تعیینی ضروریات وقت انجمن ایلدیکه  
بنام مشار الیه بش یک غروش خرچلق ارسال اولنوب کویستند  
اسکله سندن سکسان قدر اتباع ایله اولصوبه شرعکشی  
استیصال اولدی ( وفات شهزاده سلطان بایزید ) شرعکشی ازاد  
چنستان سلطنت اولان شهزاد کاندان سلطان بایزید حضرت تریک  
کل مطرادن تارکتر اولان وجود شرعکشی انحراف و عنص  
پاکیزه لنده اختلاف واقع اولوب احضار اطباء ایله تدبیردوا  
اولندیسه دخی ع و داء الموت لبس له دواء مفهومی اوزره علاج  
اطباء کارگیر اولوب اواخر شهر رمضان عزم خلیفانزار  
دارالفرار و داخل جنات فخری من نعمت الانهار اولدی قانون  
اوزره نعمش معقرت نقشی یولک والدی لری جامع شرعکشی احضار  
اولسان محله دفن ایله اوغر شجر ثابت الاصل ناجداری اعین  
تاسدن نهفته و متواری اولدی شهزاده مشار الیه صبت  
مجال الرحه علیه اووز تار بخنده پیرایه بخش عالم وجود اولوب  
قرق اوج تار بخنده کابجه طلبی القسان و بوندن صکره سار  
شهزاد ککان ایله جر مسرای همایونده اختیار مکان و منتظر  
بروز فیض رحمن اولمشیکن و داع عالم فانی و عزم سمت بقا  
و جادائی ایلدی ( وقوع توجیهات ) صدر سابق توجیهات  
دفتری ترتیب و املا و مرفوع سنده سر بر اعلی انجمنیدی  
انحلال صدارت عظمی تقریبی ایله تاخیری انسب و صدر جدید  
طرفندن تکرار عرض اولمنی مستصوب کوریاوب بنام  
علی ذلک سردار اکرم حضرت تری بابا طباغنه وصولر لنده دفتر  
توجیهاتی اقتضا سنه کوره تحریر و رکاب همایونه کادکبه  
اذن همایونم صادر اولمشدر زبنتی ایله بالاسی توشیح و تحریر واردوی  
ظفر بویه تسیر اولمشیدی شوالک بکری اوچجکی کونی توجیهات  
وقوع بولوب مناصب رجال ابقا و فقط چاوشا شلیق صدر و قورک  
طشره ده کتخداری اولان قیوچی باشی روحی سلیمان اغایه و سلحدار

اغائی سانی عر بکیرلی ابراهیم بکه و پیاده مقابله چیککی بکر پاشا زاده  
عطاه الله بکه و جبه جیلر کانی سمری سلیم افندی به توجیه اولنوب  
وزرای عظام حضرتانک دخی منصبی ابقا و تقریر وادیه ایالتی  
منشوری فقط راغب پاشا دامادی وزیر حسین پاشا نامه تحریر  
اولدی ( بعضی حوادث ) ایادی ناسده متداول اجناس زر مسکوک  
بالکبه نابود و متروک اولوب بد لرنده بولنا نلری هر کس کتم و اخفا  
و معامله ضروری به بیاض ایله اداره و بعضا را بچندن زیاده  
ایله برشی فی بیع و شرا ایله کلدکاری رونما اولوب بعض ارباب حقول  
التونک اجناسه نحملی قدر رقی وضع اولننه طمعکاران ناس نفع  
و ناس التماسیله اختزان ایند کلری التوقی اخراج و داد و شد بروجه  
سهولت رواج بوله جفتدن غیری جانب میری به دخی و افر فایده  
ترتب ایله چکنی ظواهر احوالندن استنباط و استخراج اتملرله  
بوز اون پاره به تداول اولسان زر محبوب فیما بعد بوز بکری پاره به  
و بوز الی بش پاره به جاری اولان فندق بوز التمش پاره به تعاطی  
اولمنی فرمان اولنوب بمالک محروسه به نشر اخبار واردوی همایونه  
دخی خط همایون اصدار اولمشیدی اردو خزینه سنده و افر التون  
مامول ایکن وزنه دارباشک ملعنی ایله استبدال و جزوی التون  
بولند یغنی مأمورله سبب انفعال و نه حال ایسه انفاذ اراده ایله  
هر طرفه امر عالی ارسال اولدی اردوی همایون خزینه سنده  
ایقه نک فقدانی معلوم حضرت جهانبانی اولدیغنه بنام بود فقه  
دخی در تیر کیمسه ایقه ارسال ولدی الوصول خزینه به ادخال و بروجه  
اعتدال امور سفریه به صرفیه اشتغال اولندی ( مقتولی وزیر  
محمد پاشا سر عسکر افلاق ) مشار الیه خوتین و فقه سنده سر عسکر  
ایکن سار لری کی بود دخی بر مصلحت موفقی اوله فیوب کار شتابی  
و رویت ایله ویردیکی شهرت اعوام صکری میا بنده چین ویر خواوب  
بلکه محض امانت معالیه خیل اولنوب بوندن صکره بکرش استیلاصی  
ایچون فحشد ایند عسکره باشووع نصیب و تعیین و برآن اقدام جریکت  
ایلمی نیه و تلقین اولند فقه کولیا بی و قلند نال جاده لرندن بکرش  
اوزر بنده دشمن کله چکنی فخیل ایله رفته رفته کارو بارنی روسجی  
و سلسله طرقلر بنده نقل و انزاد و کند و لیلی دخی مشیمر عالم کون  
و فساددن تولد ایله چکن احواله انتظارا جلسه مستوفی صورتنده



فرار و پورفتار تا بهجاء عسکری طایفه سنه خونین وقعه سنه  
اولان اسناداتی تذکار ایدوب جله ناس کندودن متفر و قلوب  
جاسیه زنده کین و خضومت متفر اولمشیدی دشمن یوک اردویه  
مه سابه نیتی ایل اطرافده اولان متفری عسکری جمع و بعض خوف  
محلله بر قاج طوب و اقل قبل ادم وضع و بوملاسه ایل بکرس  
طرفلری دخی افراغ ایلدیکی خبری مقدم بکرس و بوده سنه ابلاغ  
اولوب بلا حایل قصه به داخل و مغلوله صلحته تمسیت و اربابی  
اورده دست ملهت ایلد کردن صکره مطمع نظری اولان  
بکرسه بر مقدار عسکرار سال وادی غریبه جنگ وجدال و فوج  
بولدن مشارالیه برو طرفه و بوده قراوه به ارحال انشار ایدی مسعود  
کرای جمع ایلدیکی عسکر ایلد بر کوسکی طرفه کچوب بر قاج دغه  
اعدا ایلد جنگه اقدام و نیل طفر ایلد شاد کام اولدی بی طوایف عسکری  
سر عسکر پاشا به اشعار و بالذات کند و لریک دخی قارشو طرفه  
هنر ایلد جنود موحدینی اعمال ایللری اخطار اولند قدده عسکرک  
عدم ثبات و استقرارنی تجربه و امتحان ایلد یکندن حرکتی  
استحسان انجوب روسیچقدن امداد و اعانه بی التزام و عذر و بهانه  
ایلد خلقی التزام سمته اهتمام ایدوب کیدرک دشمنه کثرت جهته قوت  
واهل اسلامه قلت سببی ایلد و هنر و رخاوت عارض اولوب عسکر  
التماسده اصرار و مشارالیه هزار لایه و قریب ایلد قارشو به اصرار  
ایلد بیلر مشارالیه نه را بر کوسکی به و بیلار و منجغه آیب  
و ذاهب و بوضع غریب بالکلیه اختلالی موجب اولوب بوضورت  
برقرار اولورده جله من روسیچقه عبور ایلد قلعه بی اخلا ایدر زبانی  
لسان عسکر دن ظرف کوشنه القاولند قدده ترک قلعه دن ترسان  
ولسان قضای غریک حتی صرت تا من شرهم مالی حقده کویا  
اوله رقی بر کوی طرفه عطف عنان ایلدی اعیان عسکر و ضابطان  
لشکر سوء قصد عسکر دن بی خبر اوله رقی اجرای رسم استقبال  
ایچون اسکله به طرغور و رض و هروله ایلد اعتراف و فقرات دخی قات  
اندراقات کک ز کاه مشارالیه اخاطبه ایلد سلامه انتظار لرینی  
انهمام ایدوب مشارالیه اسکله به قادم و اوضاع عسکر دن  
قصد بداماره سنی فهم ایلد ککله بکینه نادم اولوب ناچار قلعه به  
طوغر و عزیمت و سفهای عسکری سل سیف ایلد اوزر بنه هجوم ایدوب

قرنده اولان مخزنه دخول و چاره جوی سمیت سلامت اولد قدده ع  
ان الفرار لا یزید فی الاجل مالی اوزره محل مرفومده اووز بر مشزی  
تدبیری کشته تیغ غدر و تزویر ایلد بیلر اشرار عسکرک هجومی  
خلالنده اردو اغاسی احمد اغا و بر کوی اغاسی نوابعلربله منع صد دنده  
اولد قاریچون اردو اغاسی دخی قلیچ او شوروب ضرب سخت ایلد  
اعضای حیات و بر کوی اغاسی دخی بر قاج محلدن زخم مهلاک  
اچوب قدرنی پست و غرضنی شکست ایلد بیلر (لاحقه) جنگ زمانده  
مواخذة عسکر و تقش احوال اهل شهر بقدر عقلا بمنوع و مصروف  
و وقت فراغه وابسته و موقوفه ایلد دخی بیکیری اغاسی سلیمان  
اغاسی اظهار جلالت ایدوب اردوی همایون سمی صحراننده ایکن  
جزا من جنس العمل معانی و نمای و مشارالیه کتله سنی  
یک یلک الی کتوروب قتل واقفا و قبوله وضع و القیا ایلد قویبی  
لقبیه شهرت ایلدی متوقای مشارالیه نیش قرا سندن  
شست و شاهین پاشا دامادی الحاج حسن پاشا کیشیه زاده سی  
اولی تقریبی ایلد کتخذانی خدمتده کتب شهرت ایدوب محمد و منک  
جایانده بنفشه اغا لقبیه دلشاد و کیدرک دایره به دخول و قطع  
طریق ایلد رک قول کتخذانی و بیکیری اغا لقبیه بر مراد اولمشیدی  
تمشیدی سنه سنی او اخرینده رتبه وزارت احرار و صدارت عظمی  
قابلمقا ملخی ایلد سرافراز اولوب بوندن صکره قیودان و شرف  
صهریت ایلد رفیع الشان و بر عدت سایر مناصب دولتی دور ایدرک  
مشارالیه باللسان اولمشیدی سفر و قعوده روم ایلی ایا انی ایلد  
خوتین سر عسکری نصب و تعیین و عسکره بر شانلق طاری  
اولدی ایلد دخی دستباری اقدام و همی ایلد او حصن متبع  
محفوظ آبادی دشمن دین اولوب اقتضای نهد بد ضمیمه طرفندن  
ظهور ایدن مواخذة و نشد بد حقیقه بعض ازا جیف تولید ایدوب  
خوتین استیلا سندن صکره وزارت رفیع القای و شمنی ده اسکان  
و انوا اولمشیدی بر قاج ماهدن صکره وزارت ابقا و کافی الاول  
داخل دفتر و زرا اولوب صارم پاشا دن صکره بکرس سر عسکر لکلیه  
ککسب امتیاز و تارخ مذکورده غدر لشکر ایلد طایر روحی سمیت  
جنازه پرواز ایلدی مشارالیه فی الاصل بیکیری اوجا غندن منشعب  
لولد بقندن بیکیری عسکر فی قهر و تدلیل ایلد استخدا م قابل اولوب



ضابطان امر مدن نکول و نقرات را بمدن عدول انجوب خبرت  
 اوجاق افتضا سیه هر حاله اراده مه تابع ونهی وزجره مطاوع  
 اولورل زعمیه خوتین وروسحق و برکوک کی ستمارنده بیکچر یلرک  
 سواری و پیاده سینه علی العموم عتف ایله معامله ولساتی شتم  
 و جرب ایله اطاله ایدوب بووضع غیر معقول حقد و زون و غیظ کونا  
 کونلرین ربه غایته موصول ایدوب اخرا الامر اعتماد ایتد بکی اشخاص  
 النده قتل و کهنه دستان جهان اولان هزار یاره به بذیل  
 اولدی ( توجیه وزارت بکتخدای صدر اعظمی و کتخد شدن  
 رسمی احمد افندی ) بکر شده حد و ث ایدن واقعه فاجعه سینی ایله  
 جسم مصلمت مغفل و مزاج عسکر مختل اوله رق دشمن اختلاس فرصت  
 و برکوک به اطاله دست مضرت ایله چکی احتمالی خاطر خراش صدر  
 والا مثبت اولوب رومحق ستر عسکر لکنی اداره به قادر احوالیده  
 بروز برمد بر و متبصر بولمده یغدن کتخدا بکده وجود طور ما نوس ایله  
 بوخطب اهمه لیاقت محسوس اولغله ذی القعدة ک یذبحی سبت  
 کونی موی الیه بارتیه وزارت رومحق جانی ستر عسکر لکله  
 سبق افران و اوج بش کون طرفنده قیوسنی تنظیم وضوب  
 مذ کوره سوق یکران عزو شان ایلدی کتخدای سابق رسمی الحاج  
 احمد افندی بک مشواری معلوم و عقل و ذرا بی مسل ارباب فهموم  
 اولدیغدن غیر احوال عالمه مطلع و اثر ایتدن هر کس منتفع  
 اولوب تاریخ اشنا و بر قاج دفعه سفارتله اور و پایه کیدوب کفره  
 دولترینک دخی حالربنه وقوف پیدا انمش بر ذات بکا اولغله هسان  
 او کونکه کون صدارت عظمی کتخدایله کاکان جذلان و متصرف  
 اولدیغی روزنامه منصبی نشا نچلیق ایله اداره امور ضروریه سندن عاجز  
 اولان رئیس الکتاب اسبق عبد الله افندی به بوجه الحاق توجیه  
 و احسان قیلندی ( ظهور تشریفات همایون ) عقیب مواجیده صدر  
 اعظم اولنره شهر یاز و الا زاد طر فندن ارسال تشریفات معتاد اولدیغنه  
 شاه مناسبت محل التزامیه بر رأس مزین اسب و بر رأس مزین  
 بار کبر و بکرمی عددات صدر اعظم برادری میر اخور ثانی حسین بک  
 ایله اردوی همایونه ارسال و میر موی الیهک باباطاغنه تقریبی  
 استدلال اولوب کتخدایک و چاوشباشی اغا بکک چشمه سنده مهر خانه  
 ایله استقبال و کمال توقیر ایله سرای صدر اعظمی به ایصال ایلدی

صدر مشار الیه خطوات اجلال ایله خط همایونی اخذ و سوده  
 چشم انهمال و خنجر مجوه ری بند کراقبال ایلوب تخیم لوازم  
 جهاد و غزاه و محافظه نغور و انحصار به موجب حث و اغزا اولان  
 خط همایون علی رؤس الاشهاد قرات و مضمون منبئی جله به  
 باعث شوق و قوت اولوب بکدن و زبان دعای بقای شاهانه بی  
 رسیده ابوان کیوان ایلدی ( بنی اغای سلطداران و تشریفاتی  
 سلطدار اغامی اولان ابراهیم بک عن اصل صدر سابقه منسوب  
 و هر حاله طرفته متمایل و منجذب اولوب مشار الیهک صدارتدن  
 انفصالی سبی ایله موی الیه دخی استقال و چاوشباشی یغنده  
 تیار روز عامه دایر طر و خیالی موجب بعض احوال طرفته اسناد  
 اوله رقی طر نوی طرفتارنده سوق ذخایر مصلحتی ایله اردوی  
 همایوندن ابعاد و تحبیب و تشریفاتی بیکرک قازنال وقعه سنده  
 قاله کتورد بکی رای مخفف سبی ایله صماقوه فی و تغرب اولندی  
 مورخ انوری افندی کتخدایک سو قبله تشریفاتی بخلق خدمتله مظهر  
 توارش و سلطدار اغا انی تعین باید نجبه د ک و کانی اوجاق کتخدای سینه  
 سپارش قیلندی ( استرداد سندات بیکچر بان ) میریلو عسکره  
 قیایمه رغبت اولوب اوجاق احوالنه تعید اولتیق رکاب  
 واردوی همایونده واقع مجالس شوراده قزار کیراز باب رای و تدبیر  
 اولشیدی سپاه و سلطدار اوجاق فندن مجددا نقرات تحریر اولتیق  
 اراده سیه ایکی بیک رؤس رکاب همایون طرفندن میا شراره  
 تسلیم و روم ایلی طرفتینه ارسال اولوب بران اقدام خدمتار بنی تخیم  
 توصیه و تعلیم اولمشیدی میا شرارک مستحق اولان روم سله  
 کسه اعتبار انجوب انجق ایکوز ادم قبول رؤس ایله اظهار خواهش  
 و قصوری یدل ایله قلوب طبیعت و فته نظرا طالع بولمده جفتی  
 تحقیق ایله کیمه بی معروض حضور صدر آصف منش ایلد کارنده بومقوله  
 رعنی منقطع عسکر یازیلوب مجتمع اولسه لر دخی سفرده دولت بولنلر دن  
 منتفع اولیه جفته ارباب وقوف و نجر به مطلع اولد قلمزدن ذکر  
 اولشان رؤس استرداد اولوب قید لرینه خط بطلان چکله رک  
 المناخته زاویه نسیان قیلندی ( دخول کفار بقاعه برکوک و ماموریت  
 سرچاوشان بجانب نیکبونی ) برکوک طرفته واقع اولان طغیان دشمن بد پیمانه  
 و سبیل کتاب و توان اولوب بر مقدار عسکر ایله قلعه مذ کوره بی



استخلاص داعیه سینه تحریک پای ملعت و مجدداً او طرفه سرعسکر  
نصب اولسان عزت احمد پاشا دخی وقوع بولان اختلال و فزوت  
وساطت و عسکرینک اسکریسی روستی طرفه کچوب بواسباب  
ردیه برکوکینک بداعیه کرفتار اولسنه علت اوله جغنی فکر ایله  
بوامر مکر و هده بوائما مقصد فی درپیش ایله رک سیر و حرکتده  
بالاضطرار ارتکاب بطائت ایتشیدی خصم عنید ذی القعدة نک  
اون دردنجی جمعه کونی طوب وادوات سایره ایله ناکاه بکرس طرفندن  
بدیده اولوب چند اسلام دخی خارج قلعه دن مقابله و برقاچ دقیقه  
مقاتله ایدوب دشمنک اتشنه عدم تحمل ایله مترسردن خروج و حصاره  
واوچ ایلد کلری حالدده دشمن حصار ی مقدمه نشا ناکاه ایلد یکندن  
نیجه مرید سعیدی طوب ایله شهید و مقدمه محمد پاشا و قعه سنده  
مخروج دست بیداد یان اولان برکوکسکی افاسنی دخی دایره هشدیدن  
ناپدید ایلدی قلعه ده برسنه لک زاد و وجود مهمات ایله حربه  
استعداد درکار اولد یغندن جنود موحدین اولد فقه قلعه نک بعض  
تخلارینی ترصین ایله اماده جنگ مشرکین اولشلرایدی انجق قلعه  
فی الاصل مترزل و صدمات طوبه غیر تحمل اولد یغندن فقط اوچ  
سکون قدر هول چنکه مصارت و بومدته قلعه طوب و خبره  
ضربندن قلب عاشق کی ویران و سینه از باب هنر کی داغدار  
اقران اولوب ناچار عهد و پیمان ایله قلعه بی دشمنه تسلیم و روسجغه  
کچوب وقوع بولان احوالی سردار اکرم طرفه تفهیم ایلدیلر حالدده  
مذکور مشارالیهک اوایل صدارت لر نه سرنمای ظهور اولد یغندن  
شیشه خاطری مکسور و بالکلیه بی صبر و شعور اولوب جمله بی  
حضوره دعوت و وقوع بولان کفیتی افاده ایله دشمن بوندن صکره  
قله قلعه سنه و برکوی به مستولی اولنر روستی طرفه خسارت  
جسارت ایده جککین ایما و نه کونه تدبیر لازم کلد یکن استقصا  
ایلد کده روستی و یکبولی طرفه عزت احمد پاشا و قایم مقام  
سابق الحاج احمد پاشا موجود و معتبرنده وافر جنود اولوب هر کس  
سمتی محافظه به بذل مجهود ایده جککری محقق دید کلرنده سردار  
اکرم حضرت لری کللمرینی تصدیق ایتدیه دخی احوالی به امداد  
ایندی شایسته سندن استکاف ایله برزیدن هنوز حرکت ایلمن عسکری  
اخراج و ذخیره مباشرتینی تضییق و ازعاج ضمنده ذوات متبخصه دن

برکسک نک مأموریتی تصویب و چاوشا بی اغا نک اقدام و غیرتی  
مجرمی اولد یغندن مومی الیهی بوخدمته تقریب ایلدی بورای رزین  
حضار مجلس طرفندن تمسین و برقاچ نفر زعیم و طور ناجی و اش  
اون قدر تللی چاوش اغای مومی الیهک معینه تعیین اولندی (مقولی  
کچ علی) صدر سابق و قنده شستا ترنیدانندن اوله رق بولی  
حوالسنندن بیک نفر میریلو عسکر تحریری و بوده سی یوسف بکه  
فرمان و لازم کلان مبالغی نقدا ارسال اولوب بران اقدام جمع و تسیری  
افاده و بیان اولمشیدی میر مومی الیه امر عالی به امتثال و توزیع  
میری ایله جمع ابطال رجال ایدوب کچ علی نامنده بر شخصی اوزر زینه  
باش و بروجه اونی تخصیص معاش ایله اثنای راهده فردا فریده به  
تعدی ظهورنده مظهر جزا و پاداش اوله جغنی رازی مر قومه فاش  
ایدوب ع لقد نادیت لوا سمعت حیا مفهومی اوزره مر قومک پند  
و نصیحتی عدم قبول و سیر بطی ایله بولرده فقرای پازده سیول خیول  
ایلدیکی حوادثی سمع سردار اکرمی به وصول بواب اردوی  
همایونه کلد کده سر نخوست اونه حواله سیف سیاست و محل عبرت  
ارباب ظلم و غوابت قیلنوب بیک باشلیق مصلحتی اداره ایچون باش  
اغای احضار و خلعت الباسیله ضبط نفقات اتمک تنبیهی ایله انذار  
اولندی (هجوم دشمن بطولچی) اسما عیلده احتشاد ایدن کفره  
بدنه ساد ذی الحجه نک اون سکر نیچی کچ سی قایقار ایله طولچی به  
بر ساعت مسافه دکرمن بوفازی دیمکله معروف بحلده عرض سواد  
ایلد کلری قره غولار طرفندن محافظه ده بولنان میر میران فراشلی زاده  
محمد پاشایه و سر سکضونی خلیل اغایه اخبار و آنلردخی موجود معتبر لری  
اولان بیک بشوز قدر سواری و پیاده ایله اماده جنگ و پیکار اولد کلرندن  
غیری اردوی همایون و خان طرفندن استمداد نیچی ایله لایلا ساعت  
بدیده اوچ طوب اتوب کفیتی ضمننا اشعار ایتشلرایدی دشمن دین  
عسکر خجیت اثرنی اوچ قول ایدوب شب نازده طوب انفسرین تفنگ  
صدار بله مستحفظ لری تحذیش و طولچه قصبه سنه هجوم ایله  
تولید تشویش ایدوب ظلام لیل کیت اعدائی فرقه مانع اولد یغندن  
کثرت اعدا خلیا سیله اهل اسلام پاشا طایفه سنه تخصیص و مذا فعه  
اعدا ضمنده ابرار شرط ثبت و تمکن ایتشیدی دشمن عسکرینک  
برمقداری حربه قیام و برمقداری مصطفی پاشا طایفه سنه ضبطدن صکره

\*

\*



طولی قصه سده کربوب نهب و غارت اقامد و رعایای قایقاره املا و طایفه ده بولد قبری طوپلری نهر طونایه القا ایلدیلر صدای طوپ خان طرفندن سردارا کرم طرفته آنها و صدر اعظم دخی بعض قراین ایلله کیفیتیه ایشنا و فی الحال خان طرفته امداد ایچون خبر از سال و مشتاده بولنان حرب و ضرب اربابندن بر مقدار عسکره قول کتخداسی باش نصب و او طرفه ایصال اولندی ترتیب اولنان عسکر محله و ارنجیه دك كفار مصلحتی اكمال و امداد ظهوری احتمالیله اسماعیل طوغر و نقل اقبال ایلدی بو خبر بارد صدر اعظم طرفته وارد اولد قده قصه مذکوره به استحکام و یرنجیه دك قول کتخداسی و سپاه اغا سده طولی ده ارام ایتک اراده سی افهام اولنوب معرکه مزبوره ده اوچوز قدر اشرار کفار مجاور اهل نار و اهل اسلامدن ایچوز مقداری مرد نامدار خلعت کلکون طراز شهادت ایلله عازم دارالقرار اولدی سردار اکرم حضرتلری بو جنگده مجروح اولانلری بخشش ایلله تطیبق و برارخی نمودار اولان غزاتک چلتک و خلعتلریله دواعی شوق و متمارین تضعیف ایلدی تتمه اردوی همایونده جبهه جی باشی اولان کرد محمد اغا عزل اولنوب معزولله عادت اولدی و جبهه اوزره سوق ذخایر عنوانیله بابا طاعتدن اخراج و ابعاد و جبهه جی باشی ایلله باش کتخدا مصطفی اغا اسعاد اولندی ایام بهار حلول و اردوی همایونک صحرا به خروجی و فتنی دخول ایدوب طوایف عسکرینک ایکی قسط مواجیلرینک لزوم اعطاسی بوندن اقدام رکاب کامیاب طرفته تعرض و آنها اولند یفته بنشاء موجب و سبب امور سفریه به صرف ایچون ذی الحجه نك النجی کونی ایکی نیک در تپوز کپسه ایقه واصل معسکر شهر یار ربع مسکون و داخل خزینه اردوی همایون اولدی سلطان اغا سی ذخیره مباشرتی ایلله بوندن اقدام تغریب و یرینه اوجاغ کتخداسی و کاله تغریب اولمشیدی الی الان اغا لاق مستندی خالی اولمق تقریبی ایلله رساننده خزینه اولان قویجی باشی قوری ابراهیم اغا نك سلطان اغا لاقه شجر ذایل اقبال رطب و ماه ذی الحجه نك اون بدنجی کونی ایکی قسط مواجب دخی اخراج و ایادی اما شکار نه ادراج اولندی (توجیهات علیه) بیک یوز سکسان بش ششده سی مجرمندن ضبط ایتک اوزره مکه مکرمه قضاسی مصر قاهره دن منفصل علی بکنی علی افندی به و مدینه منوره قضاسی

تاریخ مذکور دن سابقا شام قاضیسی الماس پاشا امامی زاده محمد امین افندی به و سکسان درت جمادی الاخره سندن متصرف اولمق اوزره قدس شریف قضاسی ولی الدین افندی به و از میر قضا سی محمد صالح افندی زاده احمد اسعد افندی به و غره شعبان دن یکبشهر فنار قضا سی در سهام عباس افندی به و آمد قضا سی خامسه ده بولنان مدرسان السید محمد افندی به توجیه و سلسله لری ترتیب و بحسب الطریق بجهه سی تطیبق اولدی (عزل و نصب صدر اناطولی) برسته قدر مستند صدرانه شرفخش اولان محمد مراد افندی معزول و شهر ربیع الاخر ک ایکیجی کونی سابقا استانبول قاضیسی عاطف محمد امین افندی او مستند بلنده منقول اولدی ادرنه قضاسی از میردن منفصل اولیا زاده زین العابدین افندی به غره رجیدن و ادرنه پایه سبیله مصر قاهره قدس شریفدن معزل طرسوسی زاده مصطفی افندی به غره رمضان دن توجیه و احسان اولنوب سابقا ادرنه قاضیسی السید محمد غانم افندی به سنه مرقومه ربیع الاول غره سندن و ادرنه پایه سبیله سابقا شام قاضیسی اولان مفتی زاده احمد افندی به سکسان بش سنه سی مجرمینک اوننجی کونشدن مکه مکرمه پایه لری و یریلوب بوملا بنسه ایلله محسود اقران و مغبوط امثال و اخدان اولدیلر سابقا روم ایلی قاضیه سیکری و حالا نقیب الاشراف و رئیس العلماء اولان شیخ الاسلام السید مصطفی افندی زاده السید عبدالله افندی ناوله اجل تا که رس ایلله مطعون و ربیع الاخر ک یکرمی سکرنجی کونی مصر و جبهه ریب المنون اولوب منصب اشرف نقایله سابقا استانبول قاضیسی السید ابراهیم افندی ممنون اولدی لف و نشر مرتب اوزره بروسه و یکبشهر وینه بروسه دن معزول عبد الوهاب افندی و عرب زاده علی رضا افندی و مراد زاده السید احمد افندی متعاقباترک حیات مستعار و اختیار دارا خلود و القرار ایلدیلر روم ایلی قاضیه سیکری شریف زاده محمد شریف افندی مدت عرفیه سن اكمال و ضداره اناطولیدن معزول صالح زاده محمد امین افندی رمضان شریف او اسطنده او منصب عزیز المثال ایلله تحصیل درجیات عز و اقبال ایلدی (وقایع سنه خمس و ثمانین و مایه و الف موسم شتا قرین انقضا و دشمن دین بر قاج طرفدن ممالک محروسه به



اطاله پای تجاوز ابله مباشر حرب وغوغا اولوب هشتای اردوی  
همایونده عسکر هر قدر اقل قبل ابله دخی اسباب نهی و حرکت  
خارجدن کله جک عسکره اعلان و اشاعت اولتی ایچون ماه  
محرمک ایکنجی کونی طوغ اصنی اوجاق اغاری معرفتله رکز اولوب  
اطراف و انکافه خبرلر ارسال و ورودی منتظر اولان جنود  
موحدینه افاده حال ضمنده ارسال مثال لازم الامثال قیلندی  
استیلای کفار براساخی و نهضت سردار اکرم بصرای بابا طاغی  
صکیفت حط و تر حال و قیله مذاکره و حکمی قوندن فعله ایصال  
موجبات وقت و حالدن اولدیغنه بناء عقد اولسان مجلس مشورته  
بومباحثات کدزان و هر کس معلوماتی اوردی زبان ایدوب احرکار  
نهرطونا اوزرینه انشا اولنه جق جسرک ترمیمی خصوصنه اقدام  
وایام صیف ایچون مرتب اولان عسکر دخی سفینه تشمین و سندن  
طونایه دخول اوزره اولد قلمی رسیده رتبه عین الیقین اولوب  
بوصورته اردوی همایونک بابا طاغی صحر اسنه ضرب خیام  
و فرش و طرفه مرور اسبابی تحصیله اهتمام اتیمی من اهم المهادرد بو  
هر طرفدن اداره کلام اولمقله بوتدیرد لیدر مختار مشیر  
و مستشار اولدیغنه بناء اوج بش کون طرفنده بومره میا شرت  
رکیز ضیاء اراکان دولت اولمشیدی مشورتدن برایی کون  
صکره اعدانک یا طولی و یا خود اساجی اوزرینه هجوم ایده جکلری  
بعض دلاردن تحقیق اولوب طاغستانی علی پاشایه بو کیفیت تلج  
و ماده به لیدی الوقوف افشانی باعث وحشت عسکر اوله جفنی فهم ایل  
کتم طرفتی ترجیح ایشیدی بناء علی ذلک ناگاه صباحه ایکی  
ساعت قالدی دشمن ککرده راه بوظرفه مرور واسکی اساجی  
دیملکه مشهور اولان محله ترتیب طابور ایدوب جسر مح فظه سینه  
مامور اوللری پراکنده و پریشان و اجزاء جسر می سوزان ایلوب  
عسکر کیندا اعدادن غافل و تعیناتلرنده ضروری الاختیار اولان  
قصوری ساحه و تفاوله جل ایله احدث فساد و تفرقه مایل اولوب  
مقابله بویله دوزسون طرف دشمنه نکاه ایتمه رک قطع راه و کچی  
بابا طاغی و کیمی طولی فی پناه و بعضی پشته ره چیقوب  
دشمنک اساجی به ابتدایکی خسارتی تماشا ایله نامه اعلالرین فرار  
عن الزحف خطیله سیاه ایلدیلر صدر عالیه بوقضیه دن

اصحاب اولد قده دود آه و تاسی عنان آسمانه پیوسته و بوحادث  
معاقب الظهور سببی ایله زجاج مزاجی شکسته اولوب کفار  
اساجی قلعه سنی ضبط و اقامت عقبنده بابا طاغی عزیمت  
و مدافعه به وافی عسکر اولماق له بر حادته عظیمه ظهورندن ذهی  
پریشان و نه ایده بکنده واله و حیران اولوب بوتقدیرده مجلس  
شوراده قرار و بریلان و فته انتظار بحالی قالدوب ماه مزبورک  
اون برنجی کونی علم شریف ستوننه بند و برقچ کوندن صکره صحرا یه  
چیقلی اوزره توثیق رابطه عهد و پیوند اولدی اساجی اوزرینه  
کلان کفار اوح بیکی تجاوز ایلدیکی تصحیح کرده ارباب اعتبار  
اولوب اهل اسلامده مقابله و اشغال ایده جک قدر قوت واریکن غیرت  
دینیه بی براقوب فراره اغاز ایلری مسانت دین ایله متصف اولنلره  
داغ درون و سبب خزن و الم کونا کون اولدی دشمن  
اساجی و جسر ادواتی احراق و تخریب و پلنقه سنی باروت ایلله  
آقوب رعایا دن آله بلد کلرینی قایقلره تقریق و ترتیب و اسما هیل  
طرفه مرور ایل بر منوال محرز اهل اسلامی خزن و کتیب ایلدی  
بوندن صکره بدی کون بابا طاغی مشنا سنده ارام و محرمک  
اون سکرنجی کونی سردار اکرم و اوجطو و سنا بر خدم و چشم  
اساجی سینه نصب اولنان خیامه چیقوب منتظر جهیت جنود اسلام  
اولدیلر (وزود خزینه و تشریفات) قسطنطنیه مواجی توزیع و تقسیم  
و مصارفات سفریه به ایقه نک لزومی دخی معروض ذرکاه شهر یازجم  
خدم قیلمشیدی بودقه قیوجیلر کتخداسی صالح اغا ایله بشبور  
کبسه و تشریفات همایون معسکر جهانداری به تقرب ایلدیکی  
اخبار و در عقب مهنر خانه ایله ایفای رسم استقباله ابتدار  
اولوب صدوقور تشریفات سینه جهانداری ایلله مشرور  
و دفتر دار افتدی به دخی وزود خزینه ایلله تحفیت مصلحت مبسوز  
اولدی طولی و فقه سی سامعه کذار حضرت نا جدار ی اولمقدن  
تاشی رنجش خاطر ملوکانه زینه بادی و تنیهات و رغیباتی حاوی اوج  
قطعه خط مهاجرون صدور نه سبب عادی اولوب رئیس الکاتب  
افتندی جهراقرانه لب جنیان شروع و مال رقت اشتمالندن  
هر کس متأرو جزوع اولدی (قصه غریبه) صدر اعظم حضرتلری  
اردوی همایوندن رفع منکر و غشنا امرینه مزید دقت و اعتنا ایدوب



حتی دوا بر کبارده اولان نازه رول مظان تمت و بیک سریع السیر  
حرص و شهوت اولوب بونلرک طرد و ابعاد لری لازمه در ديه رك شفاها  
و وجاها تنبيه و تاسكيد و اكثر ناس مؤمن اوله رقي دابر لنده  
بولسا نلری تبعيد ايدوب جبهه جی باشی کرد اغا هر زمان بر آفت  
دوربانك بند كند محبتی و هر بار بر محبوب دل اشوبك مصروع  
حسن و بهجتی اولد یغندن بوحال كند و به مقدمه چین چین  
انفصال اولوب دور باش انزال ايله مظهر توبیخ و كوشمال اولمشیدی  
تذکره جی متنب افندی بونه دیمك استر پادشاهلر بعضا  
محوه رات استعما ائی بحكم یساع ایند کاری حالده بيله رجال دولت  
میاننده بولنان صغیر محوهر بجا قلدن تغافل ایدوب و واخذة اینزل  
بنم ذابره منده اولان طفل امر دكه بكار و روح اضافی و جسم نجیبی و قایده ده  
بر درج ضافیدن مر اهل و شیر خواره ایکن زیر سر پرده حریده  
دستار حجر تریه اولوب سکر یا شنه بلوغنده باشنه وضع دستار  
واو زینه غبار فوندر میه رقی ولد معنوی مشابه منده برخد متکار  
ایکن مر قومی دایره مدن تبعید بهض هوا پرستلر یکنه و بر مکدن  
خیزنی نه بی مفید و بد كنده مومی الیه رعایتی واجب زبردست  
بر کاتب اولد یغندن حقیقده اختیار سکوت و توانی و بومقاله  
او مشربده اولنلره باعث انبساط نهانی اولدی (ماه و ریت  
طاعستانی علی پاشا بمحافظه طورتقان) اساجی ده وقوع بولان  
حادثة مشارالیهك غفلت و سوء تدبیرنه جل اولنه رقی ناذیب و تقریبی  
اراده سببه اردوی همایونه احضار اولمشیدی لدی الوصول  
سر عسکر له لازم اولان ثبات قلب و بذل موجود و حث و تحریضده  
قطعا قصور ایدوب عسکر بلا مضایقه ترك قتال و بونقد برده  
منفردا مدافعه به افتحام امر بحال اولد یغنی اورده زبان مقال  
ایتنكله بسط ایندیکی مقدمه معقول او اوب عذری هر تقدیر مقبول  
اولد یغنه و حتی سر عسکر لکدن معزول و طورتقان جانیلرینی  
محافظة ايله معاتب و مسئول اولدی (عزل دفتر دار) بالفعل شق اول  
دفتر داری اولان عصمت علی افندی قلیت واردات و ككثرت  
مضارفات سببی ایللایل و نهار اواره حضور و سکون و کیدرک بونخیلات  
مومی الیه ابراث مقدمه جنون ایدوب پورلد یلرنده خبط و خلل  
ولمور ماله به دایر سهو و زلل و قوعنی خلط و ككسه داران افلام

سرا افاده و افهام و اومقوله مختبصات احوالنه مد تارا نظار  
و میری به مضراولان تحریراته عدم اعتبار لازم کلنلره علی الانفراد  
اخطار اولد یغندن بشقه مبتلا اولد یغنی سودا قابل مداوا اولور  
ظنیه تعیین اطبا اولمشیدی علا چك تاثیری اولوب بر کونده  
اوج بش دفعه صدر اعظم یانته كکیروب بلا مناسبه بعض امور  
استبدان و چادر نه کلد کده اساس و مساسدن عاری اصدار فرمان  
ایلد یکی معلوم حقایق شناسان امور و خطوب و بونقد برده عزل  
واخرینك نصی رسیده درجه و جوب اولمقله ذمت خلیفه سی  
اسماعیل افندیه لیاقت و مهارت نخل و دفتر دار لغه مستحق و محل  
کور بلوب اوجاه بلند ایل شرفند و سلفی اتباعنه تسلیم و استانه به  
ایصال خصوصی مر قوملره تفهیم اولندی (توجیه روزنامه چه اول  
و بعض حوادث) سابقا صدر اعظم ككخدا سی اولان السید ابراهیم  
افندی اتمام خدمت ایلله اردوی همایونه عودت ایدوب محل اولان  
منتصب دفترینك حقیقده نخلی سبب یاس و حرمان و استانه به  
عزیمت ایچون دامنگیر استبدان او اوب تحصیل رخصت عقبنده  
استانه سعاده پانهاده وصول و تسکین اوام حسرت ایندن مأمور  
عود و بقول اولوب اردوی همایونه کلد کده نشا فیلقه الحاق اولنان  
روزنامه چه اول منتصبی افراز و افندی مومی الیه توجیه ایلله مظهر  
اعزاز قیلندی نفور اسلامیه ده سر عسکر و محافظ بونلرک  
ته اوان و تقصیر لری شایع و تعینات و سایر مجلو باندن تحیری  
فکر و ملا حظه لری اولوب ایکی اوج سینه دن پرو بزل اولنان  
اموال و ذخایر که حساب شده ارباب قلم و ر قم تحیر در بالجملة تلف  
و ضایع اولد یغندن بشقه چپ و راستلرندن اعدا ایام شتاده  
قابقر ایلله برو طر فه کچوب اهل اسلام و رعایای رفته رفته گرفتار  
قید استار و قارشویه امر از ایلله اقدام و جرأت اظهار ایدوب  
مانند خراف و عجایب مدافعه دن در مانده و عاجز اولد قلدی  
سبب قلیق و اضطراب صدر و الاجتاب اولمقله روم ایلی و الیسی  
وما چین محافظی وزیر عبدی پاشایه و خرسوه محافظی وزیر صادق  
پاشایه بو کفیلری شفاها انها و محافظه اطراف و قارشویه مرور  
اسبابنی ا ككشاف اراده لرینی بیان ایلله فیما بعد عکس قضیه  
روما اولد یغنی حالده جوابه قدر پاسب اوله میه جفایرینی سامعه لرینه



الفساد فضلہ او طرفلرده واقع اولان احوالی حقیقی اوزره سرا انبا  
ایمک ضمنده مشار الیهمسا نک قبو کتخدازی طرفلرینه اسرا  
اولمیشیدی طوق مامورینلری اوزره او جانبہ عزمت واقاده  
کیفیت ایلد ککرتده عسکر و جهات اخیری ایلد عدم قوتلرین  
سرد و بیان واقدار اولد قلمی صورتده بذل جان ایلد جگرینی  
اورده زبان واقامتلرندہ برقاظه اولد یقینی جزم و ابقان ایلد اردوی  
همایونه عطف عنان ایلد بلز ( ذکر نصرت اهل اسلام واستخلاص  
قلعه برکوککی ) اتقای اعدای کسامده اخلاص نام و ثبات  
واقدام و هول جنکه نصارت واعلاء کلمه الله قصد و نیت اکثر  
احیانه فوز و نصرت سبب و تدبیر اهل شرک و طغیانہ علت اولد یغی  
متمن و مجربدر لاجرم بود فعه برکوککی طرفندہ قیل جناب  
واجب الوجود دن جنود موحدینہ موعود اولان متن فوز و فتوح  
بو وجهله مشروح قبلنور که روسیحی سر عسکری وزیر عزت احد  
باشا پد اعدایه گرفتار اولان برکوک و کینک اسباب استخلاصی تامل  
و معینده اولان میزان عسکر و سایر ارباب و قوف ایلد بومصلحتک صحت  
سمولتی تفکر و تخیل ایلر ایدی قدوم بهار ایلد بسیط غیر الاله زار  
و مقابلہ اعدا زمانی نمودار اولوب علت کر وفر اولان خیول ارباب  
غزایچون چراصکاه و مراتع روسیحی طرفلرندہ درجه احاطه دن  
دور و شناسع اولوب برکوک ایلد روسیحی میاستده واقع اطه ده  
ککبا هک کترنی اولد یقندن قطع علف و ممکن اولور سه دشمنی  
نیر مرک و هلاک همدف ایمک یقینی ایلد بر مقصد ادم ذکر اولنسان  
اطه به تعین و دشمنه بو حال مستین اولد فده برکروه عسکر  
افراز و تفنک ایلد جنکه اغاز ایلد کلری سر عسکر باشا به معلوم  
اولد فده بی محابا منفردا او طرفه مرور وارد و اغاسی بکن اغایه  
بو حال منظور اولد فده اولد یغی پرزده دامان عبور و استیصال دشمنه  
بذل مقدور ایلد بلز روسیحی طرفندہ بولنان پردلان اسلامک دشمنی شود  
شوق و جینلری دوران و قدر جلالت و غیرتلی غلبان ایدوب  
زور قلمله اطه به کچوب جعینلری عدد اهل بدره متقارب اولد فده  
اطه دن گذار و برکوککی به بریحی سیاحت محل اولان اسلا یوزی  
نامبله شهرتدار اولان جقتلکی ضبط ایچون سر عسکر باشا اردو  
اغاسی تعین و اولد یغی جقتلکه واروب دروننده بولنان اعدای

دین ایلد غمبار به به دامن چین قهر و کین اولدی مشار الیه ایسله  
اطه ده جنک و حربه مباشرت ایدن اعدا دشمنی حول و قوت جناب  
خدا ایلد منہزم اولوب کو پرورینی فک ایلد قلعه قریبندہ اولان مترسلره  
فرار و اسنادلری اولاب طوپلر ایلد عسکر اسلامی عدم تقریبہ بذل  
اقدار و جنود اسلامیه ده تفنکدن غیر الت حرب اولد یقندن  
سر عسکر مشار الیه عسکری محل نهلمکه و مخاطره دن عوق و تخیج  
دواعی شوق ایلد جقتلک طرفندہ سوق ایلدوب کندوسی دشمنی بر پیاده به  
رکوب و طالب محجیر اولان شیرککی جقتلک طرفندہ و ثوب ایدوب  
ایکی عسکر بر برینه اتصال و مزین حفرنه اشتغال و ایکی ساعدن  
صکره تزر سه قابل بر محمل منع استیصال ایلد بلز فرداسی بخبره  
قریب اهل ناقوس و صلب طاپورلرینی ترتیب و جنود موحدینک  
مترسلرینه مانند ککراز هجومه اغاز ایدوب برو طرفدن مرده  
مقابلہ والات جنک مداوله اولد رقی مترسلرده اظہار ثبات واستقرار  
واو کروه مکروهی نشانده دانه تفنک ایلد رک فی الحال پریشان  
وتار مار ایلدوب بوسبیلہ دشمن قلعه به رجوع و درود دروازه سن  
سد و طوب جنکنه شروع ایلد بلز روسیحی طرفندہ اجتماع  
ایدن جند مطاع بوسککیفیه بالمشاهده تحصیل اطلاع ایلد کده  
شوق جهاد و غزادرون غیرت احتوا رنده رونما اولوب ایکی یک  
قدر دلاور داخل زبر لوای سر عسکر ظفر رهبر اولوب اچقندن  
اعدامک مترسلری اوزرینه هجومه انداز و و عید نصره یقینی  
استیجاز ایلد بش ساعت قدر شعله جواله جنک وجدال خرمشور  
سامان اعدای پد مال اوله رقی بر مقدار ی ککشنه مصاصم قهر  
و استیصال و بعضی زخدار شمشیر خزی و نکال اولوب بقیه  
السیوف سواری و پیاده سی تخطوط اوله رقی مترسلر دن خروج  
واسوه حال ایلد قلعه به ولوج ایلد بلز دشمن ترک ابتدایکی  
حصانات عسکر اسلامه مامن و قار شودن جلب اولنسان درت قطعه  
طوب ایلد قلعه بی دو ککوب برمدن دن برواستندرا چندن  
مخا صل اولان سرور لری مبدل مانم و شیون اولدی برکوککی  
ممتدہ حدوث ایدن وقایع هر طرفندہ مستفیض و شایع اولد یقندن  
مسعود کرای سلطان زشتوی معبردن و افره عسکر ایلد کچوب  
روز مضافک او جیمی کونی نیر دگاهه و اصل و قلوب موحدینده



مابه فوت حاصل اولوب قلعه به پوريش نديري درميان و برا  
 بوغرضه وصول عسیر الامكان و نهرا هجوم هر حاله سهل و اسان  
 اولد يفتدن دال قلیچ تحریر به امر مذکورك ابقا عنه قرار و بر مشرايكن  
 منزس حذا سنده واقع جسر ك زنجیری اهل اسلام طرفندن اتیلان  
 طوب ضربندن شكست اولوب همان بردن قلعه نك خند قلعه  
 سوق كایب و ایچنده بولنان ملا عینك ا كثرینی مستاصل سیوف  
 قواصب ایلوب بقیه سی استیجان و قلعه بی برایکی كون مهل ایل  
 تسلیم ایده جگرینی تفهیم و بیان ایند کارنده علی السحر قلعه بی تخلیه  
 و آمانا بجماری اولان محله کیدر رسد امان و بریله جکی خبر به برادرم  
 کوندر یلوب ضروری بوصورنه رضا و قلعه دن چیقوب اردوزلی  
 طرفنه عنان خیت و خسرانی ارخا ایلدیلر برکوکینك استخلاصی  
 خبری مقتضای قلعه ایله مشارالیه طرفندن اردوی همایونه وارد  
 اولوب برنندن روانوید فتح و نصرت ككوشردا ارباب توحید  
 اولد يفتدن كافة ناس کسب سرور بی قیاس ایدوب دایما منصوریت  
 اسلام و مقهوریت دشمن بد فرجام ادعیه سنی فلاك اطلسه  
 عباس ایلدیلر عون حضرت باری و بن بخت جناب تاجدار یله  
 وقوع ولان فتح و ظفر تقا صیل احوال محاربه ایله معروض عنیه  
 شهر یار هفت ككشور قیلنوب مرآت طبع همایون بحلای صور  
 سرور کونا کون اولدی تمه سر عسکر مشارالیه مطلع وزارتنده  
 مساعده قدر ایله کارکر اولان خدمت باهر الاثرینی استحصال صدارته  
 مقدمه و یا خود پیام فتح اوجه جمع همایونه رسیده اولوق ملاحظه ایله  
 اردودن اول بو خبر خبری رکاب همایونه تحریر ایندیکی معلوم  
 صدره مشعری تدبیر او اوب بو وضع نادر طور قدیم دولته مغایر  
 اولد يفتدن مشارالیه منفعل و میانه لنده نار منافسه مشعل  
 اولوب احد هما آخری غزو شكن خاطری مستلزم تحریرات ایله  
 طرفین التزام سمیت کابه و رمز ایلدیلر مقام صدارنده اولسرك  
 مترتب عهده کفایتلری اولان امورده مخالطت و شرکت اغیار هر تقدیر  
 موجب اتقای نفوذ و اعتبار ایله دخی مجاری احکام قدره ربط  
 رشته اعتقاد ایدن صدور عظام کاسه کاسه تجمیع زهرابه سینم  
 و الام ایله ذات مصلحتی التزام و امورد ولت بروفق ارادت  
 توجهله پذیرای حسن نمیت اولور سه همان اولسون طور یله

خود را بلیق واد یسندن اعراض و مؤثر حقیقی طرفندن بلا اراده  
 اوری بمنع اولان اوضاع مخالفتین اعراض حضرتده عموما و سفرده  
 خصوصا لازم ككند یکی واریسته قید اعراضدن صدر اعظم  
 شایسته حسد ایله موصوف و ضعف قلب و قیالات حس ایله معروف  
 اولد يفتدن حیایت مقام و استرضای نفس بدرام اقتضا سبله  
 سر عسکر مشارالیه استرقاب و محسناتی معرض اسانده عالم  
 بالایه تحریر ایله ككسر سورتنه انکیاب بر امر ناصواب اولد یغی  
 ظاهرا ایدی لکن الله و نفیوت وزارت فضلا عن البشر به متحمل  
 باز کران مشارکت اولوب او مقوله لری صدر رحیب و معامله  
 دلفریب ایله حاله ترك و عواقب اموره نظرا ید نلراقل قلیلدر (ورود)  
 خنجر بحر باغای بکچر بان واجسیان وزارت بمحافظه طولیچی  
 بکچری اغاسی سلیمان اغا كك عقل و درایتی تحقیق کرده حضرت  
 شهر یاری اولوب شوقی تجدید و قدرتی مزید اغا كك قصد یله طرف  
 همایوندن بر مجوز خنجر سردار اکرم حضرتلری طرفنه کوندر یلوب  
 بدایدن موعی الیه اعطا و قدر و اعتباری دوبالا قیلندی میر میران  
 ككر آمدن از اوب طولیچی محافظه سنده مامور اولان السید  
 احد با شامحل مذکورده بر مصلحت مونی اولد یغی محقق ایله دخی  
 اوحوالی ایله الفت و بحسب الاستطاعه ابراز غیرت ایدوب  
 معینه دخی وافر عسکر تعینین و نفوذ نه سبب اولوق ایچون قامت  
 لیاقتی جامه زرین طراز وزارت ایله تزیین اولمیشی ار ككان  
 عسکر همایون تحسین ایتلریله غره ربع الاولده مطلیله بکام و داخل  
 سلسله الذهب و زرای عظام اولدی (نصرت عساكر اسلام)  
 در قله (قرا بویه بی یغما ایدن اعدا قله بی استیلا قصد یله برکوکیده  
 اولان جوع ضلالت متبوعلرندن استمداد و بیک بشبور قدر  
 ككافر امداد یله بالاتحاد قله اوزرینه کاوب علی الغفله همجه  
 انداز شر و فساد اولمشلر ایدی ایکیولی محافظه سنده اولان وزیر  
 الحجاج احد پاشایه بوقضیه اخبار و ممکن مرتبه اعانته ابتدار  
 ایله صفر الحرك بکر منجی کونی جنگه مباشرت و درت کون قدر  
 ایکی طرف افراغ جهد و طاقت و ایکی اوچ دفعه زهره موجدین  
 دشمن دینك منزس و طایفه لری ضبط ایله اظهار منات ایدوب  
 وافر ككافره اذافه زهرابه مرك و فتنه و بیکلرینی زخم مهلك ایله

\*

\*



اه وائنه مبتلا ایلوب کفار بو خاله نظر ایله بالکلیه مد من اوله جعفر بن  
مقرر یلوب همان خیام وخرک اهلر بی انتفاض و صورت  
فرارده بکشر طرفه انتفاض ایلدیلر بوعصاویه ده الی قدر  
مرد دلیر نعمت شهد شهادت دن دلیر و سکان قدر مبارر نامدار  
زخمدار اولوب برکوک کیدن بالاستیمان خروج ایدن کفره دخی  
قله ده اولان کفره یه الحاق اوزره اولد قری خیزی استراق  
اولد یفته بناء روسحق سر عسکری وزیر عزت احمد پاشا  
ورالندن عسکر تعین و قله دن هم جنسار بنک ضرب ثخن ایله مظهر  
خشم و کین اولد قری خبرندن نمکین و بوندن قطع نظر اسلام  
عسکر بنک ایکی قرقه سی میاننده قلوب تحلیض جان ایدنجیه ذک  
خیلی مشقت چکد کاری واصل درجه یقین اولدی (وقوع مشورت  
شهر زیج الا ذلک بدخی کوفی احوال سفر بنده کمره سچون  
مفسرکرها بونده بولنان ارباب عقول و ارا عقد مجلس شوری ایدوب  
صدر اعظم اردوی همایونه کلد کده قازقال و سایر سواجلده واقع اولان  
نویات سبی ایله موکب اسلامی مهمات و اصحاب حرب و ضربدن  
خالی بولوب بادی امرده متلاشی و بریاداره ظهورندن متحاشی اولوب  
نه حال ایسه در دست بولنا تکر ایله حفظ سوا حل امور نه مباهل شرت  
ایند یسه دخی تعین اولنان عساکر مأمور اولد قری محالده  
مستقر اولوب بوسبیله دشمن کسب مایه جرأت و یرقاج دقمه  
طولیچی به چقبوب وافر خسارت ایلد بکندن بشقه قرق الی کون  
ظرفنده هزار محنت ایله جمع اولنان عساکر و ذخایر ایله اسناچی به  
استحکام و برلای اعتقادنده ایکن خصم ککرده طریق او طرفه دخی  
چقبوب بلا محاربه عسکری تفریق و اجزای جسری احراق  
و اطرافدن امداد و ارنجیه دک قارشوده اولان جمعیلرینه الحاق  
ایلد کاری صدر مشار الیهی مجزون و اواره صبر و سکون ایدوب  
پوشانده عسکر ایله پر بار ایچک طوئنا طولی طرفلرند بیدار و موکب  
همایونده دخی کثرت حاصل اولمغه قارشو طرفه مرور و اخذ ثار  
و انتقامه بذل مقدور فکری خاطر سردار اکرمیده جولان  
ایلدیکی سباق و سباق کلامدن مستبان اولوب بونیت هر تقدیر  
محض اصابت ایسه دخی فقدان اسباب ایله قوتدن قعله جقمیه جفی  
مجزوم اولد یقندن حضار مجلس دبسته و خاموش و هجوم وله

و حیرت ایله مدهوش اولدیلر سواجلده واقع اولان قرق و نصرت  
یاد و کند و زینک الی بدی ماهدن بر و احوال اطراف ایله اشتغال  
وارد و خلفه الی الانفراد بر مصلحت کوره مبوب فیما بعد  
عقوله وضع و حرکت اقتضا ایله چکنی معرض سئوالده ایراد ایلد کده  
اردوی همایون تعیناتی ایکی کونده بر ویریلوب بونصرفدن حاصل  
اولان ذخایر سواجلده نمکین ایدن عساکر کت احوال بومیلرینه  
تزیین و تنظیم بوجهه جسته ورود ایدن عسکر دخی بوکایا سا  
سرخدره تقسیم اولوب قارشویه مر و زک علت غایبه سی اولان  
جسردخی باجزائها محترق اولمغه ظاهر خاله نظر اطلونانک اونه  
جانبه شوق عسکر کت سبیل امکانی نقطوع و بیل مطلب بو طریق  
ایلهموع کوریلور طوئنا و تناسی اسماعیله مأمور و بافضل حق  
استخلاصی مینور اولور سه قارشو طرفه بر محال در دست  
بولوب بعد ذلک مصلحت نه بی ایجاب ایدر سه کاکوره حرکت  
اولور ذلک کندن صکره دشمن قراپوه و سایر محالری رک و قرار ایدوب  
تیمون توقف اولور معشای شامی سرحدلرین کلان اخبار و قاطعه نه  
سخواله سمع اعتبار جایز اولوب بر وجود مهمات و ذخایر ایله  
سرخدرلر قارشو کچوب خصم ایله مقابله و اقی عسکر اولد یقندن  
فضله بحسن زاده نک عساکر و افره ایله احوالی به تفریق دشمنک  
متفرق بولنان عسکر نک بر ایکی محله تحشد و سواجلدن دور  
اولدیلر ایجاب و اوته باقه به عسکر اسلامک مرور احتمالی  
اولور سه قتل ذخیره سبی ایله عسکره اضطراب و بر ویر تجربه  
دشمن اوزره قتل ذخیره بی عسکر هانه ایدوب کیدرک خود بخود  
تفرقه و انقلاب حاللری ظهور ایتک معشایرته محمول اولد یقنی  
بجولنده بولنانلرک به صبیهی اشراق ایلدی و الحاصل ایچک  
قیل و قال و اعمال فکر و بیان احتمال عقینده طویلی  
پیشگاهنده اولان طوئنا عسکری اسماعیل طرفه کچوب قصیده  
وجود کک قاری تدبیر و تحمل مذکور تسخیر ایتک لوزره  
مجلس قرار کبر بود و عساکر بنک پاشا و غلریته بوقضیه شفاها  
امر و تدبیر اولندی (مرد و کفار بطویلی و پریشانی اسباب  
قصیده مذکوره پیشگاهنده اولان الشمس قطعه مقداری طوئنا کبیر  
وجود مستحق جنوده اردوی همایون طرفلرین دخی امداد



اولنوب قار شوطرفه نو جمله سرور اید و جنگری پسانه صدر اعظم  
 دیده براه انتظار ایکن دو نمناک روسای عسکری اردوی همایون  
 نهضت و طولی به واریجه دك اعدا اسماعیل طرفه قصد و نیت  
 اولدیفنی تحکیم ایل اولجه بر پیشانی ابرائی نصیم و شهر ربيع الاول  
 اون النجی کجه سی طولی ایل اسماعیل میانه واقع اولان اطه به  
 طوب و عسکر جقوب اطرافنی تحکیم و احوال اید و کشت  
 و کذاز ایدن اسلام قایقربنی طوب یله میاشرب ایلدکربنی کجری  
 سز دنگیدیری معاینه ایل عواقب اموری فکر ایمن معیارنده اولان  
 دالجار ایل اتحاد و قایقرب سوار و اطه به کذاز ایدوب  
 حمله اولده بر ایکی مترسارین ضیط ایل و ایکیوزدن منجوز  
 کفاری رسیده حیر هلاک و دجار ایلدیلر دشمن صورت فراری  
 اظهار و یونلرخ بقعه سن طعمه سیف تالدار ایدرز عیله امر تعقی  
 نصوب و سیف و خچرلرین تشحید و تدریب و دشمن دخی مقصد و درکن  
 اولان مرتب طاوورلری اوزرینه اهل اسلام چیکوب فی الحال طاووردن  
 طوب و سایر ایلات نازیله جنود و وحده روتاب اضطراب ایدوب  
 ناچار قایقربه جانب انه رقی طولی به عود و ایلدیلر بحار  
 احوال دشمنک طولی به هجومی استدلال و سردار اکرم حضرتلری  
 طرفه محافظ باشا طرفدن افاده حال اولد و قیه ضرب و حرب ایدندن  
 سکر یک قدر دلاور جمع اولنوب ذخیره و سایر لوازم نه اید استکمال  
 و طولی به ارسال اولندی کفار اچقرا ایل طولی به نصف ساعت اولان  
 طاشلی برونه جقوب التي بک قدر عسکر دن مرتب طاوورنه نظام  
 و یروب تراقصه اوزرینه هجوم اوزره اولدیفنی جنود اسلامیه به معلوم  
 اولد فده بش التور سوارى مقابله به تعیین اولنوب یوم مذکورده  
 کثرت ریا و امطار سببی ایل جوسمما مکفه و صوت رعد و ویمض  
 برق نوع انسان و جنس حیوانی متضجر ایدوب طین لازب رسیده مناکب  
 و مباح مجتهدن هر برده بر غر بر عمیق و شدت عیوب عواصفدن هر محله  
 بر جبل ممتنع الطریق پیدا اولوب تصادم رجال و کوفرا بطلان محال ایکن  
 به غیرت کرن بند میان اقدام و هر طرفدن مدافعه امر به اهتمام اید و یروب  
 دخی اطه ده واقع جنگدن حیف مجروح و حار دشمنک کثرتدن و انشکام  
 صولتدن بخت ایل و وطرفده اولان عسکری به وحشت ابرائ و یون  
 و نجا نقلرینه وسیله اخذات ایلدیلر وسیله سفایند و لوند یاریلان نفراتک

بعضیاری سقیه لری ترک و میشه زارده احق و بعضیاری  
 سقیه لری هر طونا ایل اجرا ایدک ککنار سلامتی استقصا ایلدیلر  
 سایر عسکره دخی بو حالت ساری و بحکم الله تعالی درونلرینه  
 رعب و هراس طاری اولوب محل معرکه دن کبر بران و هر بری  
 بر طرفه پراکنده و برشان اولوب روسای عساکر هر قدر سعی ایدیلر  
 ایسه رجوع لری متصور و تکرار چکنه شروعلری میسر اولوب  
 دشمن دخی عسکری بنصب و بر مقداری مدافعه به و بر مقداری  
 حیات و مصدده اولان اشیا ی قایقربنه نقل و برصیف ایدرل ایکن  
 اردوی همایون ترتیب اولسان عسکرک طلیعه سی پیشوب محافظ  
 باشا ایل ملاقی اولد قیلرینه باروی همملرینه بر نوع قدرت رب  
 ایدوب بدی سکر بور قدر ساده و سواری رفاق دفعه دشمن اوزرینه  
 هجوم و افهام و وافر ایل هلاک و اعدام و برشان اولان  
 اهل اسلام دخی بشر او بر محل معرکه به کلکه باشلوب ککیدرک  
 چمیلری منکبر و طاق مقاومت متعذر اولدیفنی کفار جزم  
 ایل یکر می ساعت بروجا بیده اقامتدن صکره شبنارده اسماعیل  
 طرفه کذاز ایلدیلر (ظهور دشمن و وقوع قتال) طولی به اوج  
 ساعت بدی اولان بش برده ی فراغدن بور شرجه کدار رعایا به  
 تعیین مسکن و مأوی قیلوب واقع اولان محاربه زده عساکر  
 اسلامه اعانت و صداقتلری هویدا اولدیفندن بشقه صغیر قایقرب ایل  
 کینکاهلر ده ریض و احوال دشمنی تعحص و جنود و وحده ی اکاه  
 و قصد فاسد لریدن رفع اشتباه ایلدکربنه بناء باشلری اردوی  
 همایونه احضار اولوب خلعت الیاسیه مریدن تعیین ترتیب  
 و شهریه آتوزر عروس ایل لطیف اولمشیدی مسقوا و بو حاله  
 واقف و فعل و حرکت لریدن ترسند و خایف اولد قیلریدن زوال  
 و اضحلالرینه طالب بش التور قدر عسکر ایل شهر ربيع الآخرک  
 اون سکر یچی کوئی محل مذکورده جقوب علی کمرله قزاقلره  
 غالب اولوب و حال او طرفلرده قره غول شکله مقیم صدر اعظم  
 دلی باشمی طرفدن اردوی همایونه افاده و تفهم اولد و ده یک  
 باشی کونا به لی سلطان اتائی و ایکی یک ساده و سوار ایل سکصویچی  
 باشی ی و مورو احمد اتائی سردار اکرم در حال تعیین و عسکر  
 مذکور محل معرکه به کلجه دك دشمن قزاقلرک یوردنی تحریب

\*



و خانه زند بولدقلى اشياىى بىفما و طايه ده اولان طوپلى الوب  
كلكارى ستمه عزم و شتابى امضا انجمن ايكى ناكاه اردودن تعين  
اولان عسكر طفر رهبر لال و جالدين سيل العرم كى سيلان و دشمن  
بد پيمان ايله مناو له سيف و سنان ايدوب دشمنه بوسه كشت نمايان  
اولدقده افسان و خيران قابلقينه سوار و قارشو طرفه كى بران  
اولدلىر كفار اچقارينه سوار و بر محل تنگدن مروره مجبور  
اولدقلى عسكر مو حديدن اوچور قدر مرد كزى انجمن ايله  
درگين و اچقارور و دنده بر قتلدن تفكره انش وروب او قوم  
ضلالت اينى انش و اب ارسنده هاجم و اكثره دانه تفكك اصابت  
ايله كلكارى نه نادم اولدلىر قزاقك كچه بورد و مسكلى  
سوزان و اشبارى مقصوب عدوى جانلى اولدى انجنى خصم  
نايكار كى دى نصفتدن زياده سى بو محاربه ده هالك و سمت دورخه  
سالك اولدى بش الى اى طرفنده طوپلى و اسلحى و اسلحه  
بر فاج دفعه دشمن هجوم ايدوب مدافعه ده قصور و همم عسكرد  
فتور تحميلة او اراضى كبر اليا اثار عمارتدن معرا اولوب آشيانه  
بوم و غراب و قلوب ارباب معارف كى ويران و خراب اولدى  
انجنى نظم و كل شديد تزلزلت بموم سياىى بعد شدتها رخاء  
مفهومى مدار تسليت درون و سبب زدودكى غبار قلب مجرون اولوب  
قريبابو دواهى عظمى قري انتفا و هر شخص مسكن و ماوا سنده  
اقامت و ثواب ايله وارسنه انواع مصيبت و بلا اوله جملرى مستعد عادر  
بعض حوادث طوپلى ده واقع اولان مصائب بحفاظت بولنان احد  
باشانك عدم اداره سندن نشئت ايلدىكى ظيله عزلى واجب كوريلوب  
موره وى احمد اغا بر محافظ تدارك كنه ذلك اوحوالى به مأمور  
و بدنه اعطى مى مشور قيلندى صدر اعظم برادرى حسين بك  
ايله طرف واضح الشرف حضرت جهاندار بدن تشرىفات سلبه به  
مخكوب بر قطعه خط بديع الاسلوب شرف بر ورود اولوب مضمون  
خط متيف اعدانك هر طرفندن هجومى سببى ايله طمع هما يونه غبار  
ملال عارض اولديغندن و بويون بويله يكدل و يكجهت دفع كند  
اعدايه مبادرت قلم سندن عبارت اولوب بومال خطير جله به افاده و تدبير  
اولوب اخذ تار و رجاى نصر جناب قهار ايله دست بر آورده درگاه  
آله اولدلىر اردوى همايونك باطاعى صحر اسندن حركت و اعدا اوزرينه

و يا خود

و يا خود اخر طرفه توجه و عزيمتى فقدان اسباب ايله داخل حيطه  
تصور اولدىغى جمل به معلوم اولوب الشمس كون قدر وقت اقامت  
ممد و طول مكندن قلوب ناسده فتور و سامت كيدرك مشند اولوب  
تفرق حالتلرندن اخيرا ايله على العموم او جفله و سايرله فرمان  
على اصدار و نيكيچرى اغاسى سليمان اغا سوقيه قرضدارى نصبت  
اولوب اينكوز نفر ايله دايما كشت و كذار و فرار ايدلىرى  
مكتوف الايادى اردويه احتضار ايلدى قتيبه و اشعار اولمشيدى  
بوتد برك بر زمان فايده سى ظاهر و عيان اولوب قرار دن هر كس  
ترسان و اخذ و ارجاع اقتضا خندن رزان اولمشرايكى بواشاده  
باطاعى قرينده اولان ليمانلردن ارد و خلقك بعضيتى استانبول  
قابلقينه بلا مانع راسكب و ذاهب اولدقلى شايع اولغله بوقبوى  
دخلى شد و او ملاحظه ده اولشلى منع و صد انچون اضنافدن  
ماعد ا شخص و اخذ كخذ ايك تذكره سى بدنده اولدقغه رخصت  
عزيمت و بولمك اوزره كدكولردن مفتاحى ابراهيم اغا و بطور ناجى  
اوحوالى به تعين اولمشيدى ع اخب شى الى الانسان ما منعا  
مفهومى قلوب ناسده هويدا و معبر رده بولنان كخاشكان  
دولتى اچق ايله اطماع ايدوب بحرا استانه طرقة شراعكشا اولدقلى  
اخبارى اردوى هما يونه منعكش اولغله بلا تجربه مأمورلى  
ناديب تصويب اولمشوب بناء على ذلك فعلا دى ماده تصحيح  
ودر عقب طور ناجى باشى نى طريفيله تسريح اولنديغندن بشقه  
زعيم مر بورك دى زعامتى رفع و كدكى اخره دفع اولوب  
اضلاع نفس صوز تنده پلاطمه قلع سنده خلس اولندى اقليم  
مسترد و طغيان و دعواى استبداد و افراد ايله عصيان ايدن  
على بك خنبر هلاكى رصكاب همايون طرفندن نجر بر اولوب  
غالبه سفر خلاصه هر قومك سر كشلى سبب نشئت بال و باعث  
تكثر اندیشه و خيال اولغله وفاتى خنبرى تشيط خواطر و تفریح  
قلوب اكابر ايلدى ( احوال سر عسكرو دين محسن زاده محمد  
پاشا ) مشار اليهك موره دن بر و طر قله توجهى ابتدای امر ده  
مهر همايون ايله مشرف اولق اراده ستمه مبنى ايكى وقت و زمانى  
خلولندهك سابق تقدير بواخر خطيرى باز بسته ككره تاخير و تخلف  
مطلب ايله صدارت سجدار محمد پاشاده قرار كبر اولمشيدى انجنى

✱



مشار اليك صبت وصواني مشاش افاق والسنة ناسده مدح  
وثناسي متجاو ز حد اغراق اولوب بووقلرده خال عن العمل  
منزوك ومهمل قالمسي مناسب كورليوب سردار اكرم اساجدين  
مرور اتمك مقدر اولديغي حالد مشار اليك دخي ودين طرفلرندن  
عساكر وافر ايله قارشو كچسي قصيم وسكسان درت سنه سي  
اواخرنده روم ايلي منصبي وسر عسكر لك ايله قدر واعتباري تفخيم  
اولمشيدي مشار اليه دخي مقدما لشراولنسان اواخر جليسه  
اقتضاسيله هر طرفدن سوقي عسكر وجع اشكر ايلوب منتصف  
ضيغه ودين خواليسنه ركن اعلا م ودين مفايلنده اولان  
قلعات نام محله كچوب ضرب خيام ايلدي محل مذكوره  
برقاج كون اقامت وقراويه واروب اردوسنه تقويت ورد كدن صكره  
جسادى الاولى نك سكرنجي كوني قله به طوغر ونجرك رايث ايلديكي  
صدر اعظم وسردار اكرم معلوم اولدقده برطرفده اولان  
وزرا وميرميرانه امر عليه ارسال ومشار اليه دن خيز وارد يني  
كي قارشو كچوب معيت مشير يلرند اجتماع واحتفال وامر ونهي  
اوزره حر كته ابتدار ايلاري تنيهنده استجمال اولندي (حر كت خان  
وشنوع خيز اسيلاي كفار بقرم) خان مشار اليك باباطاغى  
فر بنده قلماسي عسكر ك قلعه ميني اولوب عسكر ذوات هر طرفدن  
نجن به مباشرت ايلد ك لرينه بناء فيما بعد بو خواليده اقامتدن  
مغري به ضرر مضار فدن غيري بر معني فهم اولنما مقله بر كون  
اول قريمه توجهي استحسن وطرفنه بو كيفيت بيان اولندقده  
خر كته تفرغ ايدن مبالغ ولو ارم نه ايسه دفتر واردوي  
هممايونده مطالبك تسويه سي ممكن ومصور اولديفندين  
كيفيت ركاب هممايونه عرض واشارت اولمشيدي مشار  
اليك قشاده اقامتي اواننده طور ورفشارندن بر مصلحت نافعته  
موفق اوله ميه جني مستبدال بوودقده دخي مطلوبي قدر مبالغ  
وساير اوازمي تاديه اولسه اتلاف واضاعه دن غيري بر عمل  
وجوده ككتور ميه چكي نجز ورم ارباب عقد وحمل اولمقله  
مطلوبانندن اغراض اولنه رق موشى ومشمم كليات ايله اراسته  
وبعض آراوندا ايجرا ايله پراسته خوايشه ظهور ايدوب حتى  
قنابل مجهوله تارندن بعضيلري جاب ايله اغدايه تسليط ماللريني

شامل يكيشهرلى عثمان افنديك مختراعات ذهنيه سندن خارجده  
وجودي اوليوب معاني معقوله قيلندن اولان رساله سي دخي  
سردار اكرم طرفنه كلوب ع طر قوا طر قوا كه خان رسيد  
مصرعي دخي رساله به تدبير واردورجالي تانار هر تقدريشمار  
ولسه دخي ادوات نار به به تاب اور اوليوب بزم رزم كرم اولدقده  
صدمات طويه نظر وبر برينه فرقوا فرقوا كه كله رسيد مصر عيله  
تبليغ خبر ايدرل ديور رساله بي تزييف ايلدير خان ايسه بو مقوله  
كلام ايله الزام اوليوب انچه ويرلد كچه حر كته بحال محال اولديغي  
تقرير ورايكي دفعه دخي بو كيفيت ركاب طرفنه نجر اولمقله  
صدر اعظم او طرفدن مابوس ودسترن افسوس اوله رق ناچار  
بور كسه كندى خزينه سندن اعطيا وصوب مامور نه بجز اسرا  
ايلدي موافق روزكار ايله قريم اطه سنه رسيد و مقر  
قيليري اولان باغچه سرايده بساط راحتي كسترده ايلدي مشار  
اليه قريمه پانهاده وصول اولديغي ايامده قريم سر عسكر ينك  
مطلوبي اولان عربيه وسابرسيله الحصول لوازمي تمشيته برزد  
دامان غيرت اولوب كندوسي دخي محول عهده كفايتي اولان  
مدافعه اعداده اظهار جلالت اتمك لازم ايكن وقت حضر كي  
استكمال اسباب رفاه سمنه ذهاب وامور جنك و اداره عسكري دن  
اضراب ايلدي سر عسكر پاشا بو احواله حيران وبالنفس  
لوازمي رويت ايله مشتادن صحن ايه چيقوب منتظر حر كت دشمن  
بد بمان اولوب ناكاه او تونيك قدر كفار القش يك نوعاي  
تاتار يله اور قلعه سيني محاصره به ابتدار ايلد ك لري اخباري اشتهار  
بو اوب كيفيت محاصره خان طرفنه انما اولندقده معينده اولان كروه  
تاتار ايله ايلغار ومحل مذكوره برقاج دفعه طباور دشمنه  
هجوم ايله غيرت اظهار ايتديسه دخي معينده اولنلر ضرب طويه  
محممل اوليوب ناچار الي سياحت بروده واقع طوزله نام محله قرار  
ايلدير كفار دفع مزاحم ايله قلعه بي تضيق ايدوب دروننده  
اولان سردن كچدي ذلاور لري هر تقد رمدافعه ده جانسپار لك  
ايتديرسه دخي اسباب مساعلري قليل اولديفندين عاقبت دشمن  
قلعه بي استيلا وكليد قريم مئابه سنده اولان بر معقل ميني ضبط  
ايله زمان متطباوله دن بر وضيمير لنده مستكن اولان غرضي اجرا



ایلدیلر بوخبره ایل خان طرفندن سرعسکر پاشا سمعه واصل  
اولد قده حط و تر حال قدر تندن ماری اولدیغنه بناء مقامده  
ضروری مستقر وورای پرده تقدیردن ظهور ایدیه جک صور  
توایه ناظر اولدی بوخلالده کفه به درت ساعت مسافه اولان  
طمان قلمه سنی دخی برا و بحر اونی یک قدر دشمن محاصره  
وعن اصل بوقلمه دخی اسباب مناعت و حصانندن فارغ اولق تقریبی  
ایله جزوی مشاجره دن صکره قلمه مزبوره بی تسخیر واور لرینه  
عسکر ککاور سه محاربه ایچون قلمه پیشکا هنده مترس حفربله  
اماده دار و کبر اولدیلر طوزله ده خان بویکیت وقوعندن کر بیان  
جاک داد و فغان و نه حرکت ایدیه جکده سر اسیمه و حیران اولوب  
عاقبت باشنده اولان سلاطین و میرزایان بر طرفه متفرق و پریشان  
و کدوسی اقل قلیل ادم ایله قلوب فکر خطر ایله اولدخی باغچه سرایه  
کارب عاقبت حاله نکران ایکن هر طرفدن اعدانک هجومی ملاحظه  
ایله محل مر قومه دخی اقامت ایدیه میوب قربنده واقع قره طماغ نام  
جبل شاهقه صعود و آنده بعض اهل عیال لاجل التحصن موجود  
اولدیغنی مشاهده ایله ایلغار و بر قاج ادم ایله بر سفینه به سوار و استانه  
طرفه فرار ایلدی خانک فراری سیمی ایله قریم اهابسی میانده  
اختلال واقع اولوب اقویا و اغنیاسی سواحله بولدقاری سفینه  
رکوب ایله اناطولی و سایر محاربه عزیمت و باشه مداری اولوب بعید  
محللرده بولسانلر جبل مذکورده مختصا اقامت ایلدیلر یکی قلمه  
مخافظه سنه مأمور ایازه پاشا هنوز سفینه دن چیقماش اولوب  
بو حاشیه دن صکره یوز یکریمی ادم ایله بر اقامی فتح ایتک طوق بشردن  
خارجدر دهرک سنبوب ساحله رسیده و بوجزم ایله اخر کار  
جامه حیاتی دریده قیلنوب سرعسکر پاشا دخی ارامکاهی اولان  
قره صودن نهضت و التماس اهالی ایله کفه به عزیمتی خلانده دشمن  
قره صوبه مسئول و کفه به کله جکی ظاهر و جلی اولوب اونی یک قدر  
تیر انداز محاربه اعدا ایچون افراز ایدوب مقبله وقتنده اور بکی  
ظهور و مسقولو ایله معاهده لرین بیان ایله عسکری دمیسته فتور  
ایدوب خلقی کفه به اعاده و ککندوسی کلدیکی سنی اراده ایلدی  
دشمن دخی طمان طرفنده اولان عسکر ایله ملحق و بر برله متفق  
اولوب عسکرک ایشه زارری مقدمه سفینه لایله منظم و سرعسکر

پاشاده بازای مقاومت مقدم اولوب بو حال ایله قید اسره مبتلا  
و پیر بوزقه ککیدوب بر زمان مهور اهل و عیال واجبا اولدی  
خان دخی شهر ربیع الاخرک یکریمی در دخی کونی بحر سبیه بوغازنه  
واصل و یوک دره ده واقع مراد افندی ساحلخانه سنه نازل  
اولوب طرف سلطنتدن نشانچی و ککلی عثمان افندی استکنانه  
حال ایچون طرفه فرستاده و اولدخی وقوع بولان قضایای مع  
قیاساتها بسط و افاده و تاتارک ککندوسیه سبقت ایدن  
عهد موعود اقتضا سبیل بالضروره قریم ترک اولنوب الحاله  
هذه بداعدا به کرفتار اولدیغنی بیان و بویکیت شیوه قدره  
جبل اولنه رقی مشار الیهک چفتکننده اقامته اراده شه نشاهی  
جریان ایلدی استیلای قریم حوادی رکاب و سایر اطرافدن  
اردوی همایونه منعکس اولمغله غیر نکشان دین و دولت اطلاق  
زمام او وحسرت و خلبه جیتدن عاری اولنلر خوف و خشیت  
اظهار ایله تفرقه شروع و مبادرت ایلدیلر بوندن صکره بخانه  
فتوی پشاهیده مجلس مشورت منعقد قیلنوب سلب و ایجاب اهل  
مشورت بحر سیاه طرف لرینه محافظلر نصبی نتیجه و بره کله او اوجهله  
حرکت اولنق رکاب طرفندن سردار اکرم حضرت لرینه بحر پر  
و اشارت اولدی ( انهم ام کفار در حوالی اوزی و قلوبون ) شهر  
مذکورک یکریمی برنجی جمعه ککونی اعدای دینی و دولت ترتیب  
طابور و برصودن برصوبه دک اوزی قلمه سنی محصور ایدوب  
قلمه ده موجود جنود ظفر موعود بی اختیار قلمه دن خروج و دشمن  
طابورنه ولوج ایدوب حله اولیده سوار یلرینی پرا ککند و یخ  
جهت لرینی برکند ایتدکدن صکره طابور لرینه دخول و افتحام و بش  
ساعت قدر اعمال سیف عدو التقام ایتدکدن صکره دشمنی قلمه به  
تقریب و صنعت انشباری ایله تعذیب قصد یله حبله حربه  
اظهار و صورت فرار بیدار انجملر ایدی بو حرکت اعدای  
مغرور و هجوم و تعقیبه مجبور ایدوب بی فکر انجام طوب  
مزلنه وضع اقدام و قلمه و لیمانده اماده قیلان طوب و خبره به  
اتش و بریلوب قتی چوق مشرک مرده و هالاک و نیچه بر ککسته  
حال انقسام اعضا و جوارح ایله کرفتار اشدنکال اولوب عرصه کاهده  
اقامت مشکل و طور دخی اکثری مستاصل اوله جملرینی متامل



اوله رق فراره اغان و بورطه هولسا کدن تخلص نفس غنیتی  
 انتهاز ایلدیلر اغدا قوه استدر اجه ایل هر طرفده غلبه مشاهده  
 و کبر و نخوتی کون بکون زیاده اوله رق بلافاصله بمالك محروسه به  
 پای تجاویز اطلاله ایلدوب قلیرونه دخی و افرلین تعین و قلعه بی  
 حصر و تضیق ایله محافظلری اندوهناک و جزین ایدوب کیفیت  
 مذکوره اوزی محافظی و زرخزینه دار علی پاشا به معلوم اولدقد  
 ایکوز نفر دلاور و اون بش نفر طویچی ایله قلعه به امداد و محصورزه  
 قوت قلب و مدافعه به استعداد و بر مشیدی ایمانده اولان  
 سفیان اسلامیده و سور قلعه ده موجود طویلره آتش و بریلوب  
 طرفه العینده اعدای مقهور و پیرامن قلعه دن دور ایدوب نادم  
 و سادم کلد کلمی محله عازم اولدیلر اوزی محاربه سنندن  
 فرار ایدن اشرار جبرکسر ایله تکرار قلعه بی محاصره به اجتناسار  
 ایدوب کماکان قلعه دن طوب و خجیره ایله جمعیتلری پریشان  
 قلندیغی اخباری اردوی همایونه منتر ترسان اولوب شکرانه  
 النعم بو خبر دافع الام صدر اعظم طرفندن اعیان و افراد نشر  
 و جله سنی حصه اوقای سرور ایله مقتم ایلدی وزیر مشار  
 الیهک سرزده موقع ظهور اولان خد متی شاباش و تحسینه سزاوار  
 قیلنوب اوج پیک التون جیب خر جلعی ایله خاطری استفسار  
 اولندیغندن بشقه قلیرون محافظی عبد الله پاشا دخی بو عاطفت  
 دلتوازن حصه باب و پیک التون ارسالیله مظهر نوازش صدر  
 عالیجناب اولدی اوزی قلعه سنک ککزند دشمندن وارسته  
 اولسی اقصای مارب شاهانه اولدیغنه بناء اداره امور سرحد  
 متمنده رکاب همایونلری طرفندن اوچیوز الی کبسه و ارنه  
 اسکله سنندن ارسال اولندیغندن فضله هر طرف مسدود اولقی  
 حسیله قلعه ده وجود لحم نابود و لیل و نهار مقابله اعداده جانسپار  
 اولان مرابطینک بو وجهله دخی ضرورته دوچار اولملری  
 مطارب شهریار اسکندر و قار اولغله امر و اراده ملوکانه لری اوزره  
 یکرمی پیک وقیه لحم از دو قصاب باشی طرفندن ترتیب و اسکله  
 مزبوره دن ابصال ایله محصورلر ترفیه و تطریب اولندی ( انهم  
 کفار در پیشگاه برکوی ) سر عسکر عزت احمد پاشا برکوی  
 قلعه سنی نوجمله ید اعدادن تخلص ایلدیکی مقدمان نوشته صحیفه

بیان قیلنوب نوید فتح اطرافه منشر و قلوب موحدینده شوق  
 غنزا مستر اوله رق اطرافدن و افر عساکر مجتمع اولدیغندن  
 افلاقی جوا بند اولان گروه اعدا اوزرینه مشار ایله جابجا صوت  
 انداز هجوم و اسکر اچانده منتر غلبه ایله دفع هموم ایدوب  
 تبشیر صریح ایله اردو و اهالی سنی تفریح ایلر ایدی بو حالت دشمنه  
 داغ درون و سبب افسکار کونا کون اولوب برکوی قلعه سنی  
 کالاول نزع متمنده حشرات ارضدن عبارت اولان عسکرینی جمع  
 و یکرمی پیکدن متجاوز عصاة رعایا ایله مخلوط عسکر مزبونی اوب  
 نزد بانلر و سایر الات قلعه کیری استصحاب ایله جمادی الاولینک  
 ایکمخی صالی کونی باغلارده سی نام محله طابورنی ترتیب و تنظیم  
 و مترسلر و خندقلر حفر ایله اطرافنی تحکیم ایشیدی ستر عسکر  
 پاشا معینده الان اون یک قدر دلاور موجود بولنوب سزان عسکر  
 ایله بعد الاستشاره قلعه بی ترصین و خارج قلعه ده خندق جدید  
 ایله طوپراق قلعه میانه مدافعه اعدایه قیام ایتک خصوصتی  
 تضویب و تحسین ایلدیلر مشار ایله پیاده عسکر ایله مترسلر ده  
 بانهاد زمین تمکین و سواریان ایله تاتار سلطانی مسعود کرای  
 پخر حه چکنه تعین ایدوب سواریلر دشمنک آتشینه عدم تحمل  
 و اضطبار ایله معسکر موحدینه اوغرامیوب قله طسرفنه فرار  
 و ارتکاب نقیصه عار ایلدیلر علی الصباح دشمن محندن حرکت  
 و اطراف اسلامی احاطه ایلهرک آتش افشانلقه مبادرت ایلدکنده  
 بخود اسلامیه برقاچکوندن پروپایی نزول ایدن بازان سببی ایله  
 منبل و ککل لازچدن تگون ایدن تعب و مشغله معتل اولدقلرینه  
 باقمیوب اداره آسباب مدافعه ایله دشمنه اراثت صورت قهر  
 و اذافه شربت پر زهر ایتشلا ایدی ماه مزبورک بدنجی کونی  
 دشمن دین نزد بانلرینی استصحاب و اوج قولدن اهمل اسلامک  
 متحصن اولدقلری خندق اوزرینه بوریش کوسر مکه سبب  
 اضطراب و مقابله ده اقدام تام اولمز ایسه جله سی مضحل  
 اوله جملرینی جزم ایله بالاتفاق آماده رزم اولدیلر حدودی  
 بدخوار قوت بازویه کتوروب خندق اوزرینه غلو و غزاة ظفر  
 سمات بو حالی مشاهده ایله تشمیر ساق و اوزرینه کلن دشمنی طعمه  
 تشمیر براق ایتدکدن صکره مترسدن طشیر چقبوب حق تعالی دن



نصرت و روحانیت حضرت فخر انبیا در معاونت طلب ایلدرك  
 بش ساعت قدر و روبرو جنگه مبادرت و دشمن صولت اسلامی به  
 طاقت کتور میوب بالای حصاره چیتی ایچون نزد بانلری آماده  
 ایلد نلر ایلد فراره مباحثت ایلد کلرند عقیقیران اسلام و راندن  
 اعمال رمح و حسام و کرکی کبی اخذ انتقام ایدوب بو حال  
 ایلد دشمن فرار و مظهر قهر جناب قهار اولدی لر اعداد قتلای  
 مشر کین ایکی یکه بالغ او اوب میدان معرکه ده ترك ایلد کتری  
 بدی قطعه طوب و اوج قطعه جبه خانه عربی مضبوط ایدی  
 از باب جهاد و بقیه اهل کفر و عناد بی سپروادی نجیت  
 واستیهاد اولدی سرکرد دشمن منکوب بادی امرده سر عسکر  
 پاشایه ارسال مکتوب ایدوب قلعه بی بلا محاربه تسلیم و عناد  
 اولدی بی صورنده قتل عام قضیه سنی تفهیم ایدوب برو طرفدن  
 معامله درشت ایلد وعد عقاب و ارائه تیغ انتساب ایلد رد جواب  
 اولمشیدی خصم عید غرور و استکبار ایلد هجوم شدید انجشکن  
 انکسار فاحش ایلد مغلوب و لوای سورتی یاز کونه و مغلوب  
 اولسی تأییدات الهیه و وحدت کزیشان اسلامه بر نوع عنایت  
 از ایلد اولدی بی ظاهر در ایکی اوج سندن برو اهل اسلامه طریبان  
 ایدن عارضه پریشانی جمله به سبب فتور و توانی اولمشیکن  
 بوائشاده واقع اولان فتوحات قلوب مسلمینه القای انواع مسرات  
 ایلد یکنندن بشقه شمدیه دك بر محله جمیلری پریشان و ایکی  
 یك قدری جهنم لره صیقل و وافر مجروح سیف اولدی بی مسبوق  
 و نمایان اولماشدر مسعود کرای ایلد سایر سواریلر زشتوی به  
 مرور و اهل قصبه نك تقریعات و تشنه عانه دیانه میوب عازرندن  
 یتد برو طرفه کگذار ویر کوکی به کلوب نه کوردیلر سیلاب جنگ  
 و اشوب باشند اشوب نه محل ستیزونه جای کر زهمان ناچار قلعه به  
 جان اتوب صدمه طوبدن اجزاسی انحلاله قریب اولان جسردن  
 مرور هنکا منده مزاحه دن جسرمقطع و نوسیه سلطنتان  
 و برادر زاده سی و سایر رفقایسی با جمعه طونایه دوشوب زو حلی  
 منزوع اولوب فقط چادر جی زاده تخلص جان و بووقعه بی  
 کلوب سر عسکر پاشایه پشان ایلدی مثنویات غزا و شهادتی  
 ترك ایلد زهنور دست فرار و عاقبت چوق کیچمدن کلوب طوناده

غرق اوللری محل اعتبار در تذبیب مصر قاهره ده بر سینه شدت وبا  
 وافر آدم افلا ایدوب قرق کسه بر محله کلوب بو آتش سرکشدن  
 رها و علت سرایتدن فرار ایلد روحلری ایداند ابقا ارزوسیه  
 اسکندریه به کلوب فی الحال بر سفینه استیجار و موافق روزگار  
 ایلد بکرمی میل بر قطع بمشرا یکن ناکاه صفوت هوا زایل و بر مخالف  
 روزگار هویله دریا مضطرب و متخلخل اولوب شدت باد سفینه نك  
 ستونی شکست و بلکنی حرق و سالف الیسان قرق ادی  
 غرق ایلدی بی بعضی تاریخلرده منظور اولوب بو منقبه به مشاهیر  
 بولندیقین لاجل الاعتبار کشیده سلك سطور قبلندی نظم  
 ایلد مز دفع صافغله قضای کسه یك صافقسن یتد الك صولك  
 اوله جی اولسه کرك بو محاربه ده اوتوز بش قدر مرد و جلادت  
 ذابق شربت شهادت وارد و اغاسی و ایکبوزدن منجسوز دلاورلر  
 جریح دست اهل غوایت اولدی بی اخبار ایلد سر عسکر پاشا محضر  
 سیاقنده بر قطعه مفصل بشارتنامه ایصال و بوغزای غراده بولسان  
 سرد نکچدیلر دن درت نفر کسه بی معا ارسال ایدوب ورق کلی  
 مطرادن الطف و ارق اولان ورقبارة بشارت علی رؤس الاشهاد  
 فتح و قرأت اولنوب جمله اردو خانی نشوان راح مسرت اولغله  
 بکوری اعدا مهتر خانه و طوب شلکله ایلد اظهار شادمانی و سرور  
 وفی الحال بو کیفیتی سردار اکرم حضرتلری عرض عز حضور  
 ایلدی بشارتنامه ایلد کلان سرد نکچدی اغازی خلعت و چلنك  
 ایلد تطریب و یار مشر کسه اخیه واد مارینه قرق غروش احسان  
 و تطیب اولد قبلریدن فضله اسامه زینه ترقی خصوصی یکچیری  
 اغاسنه فرمان و سر عسکر پاشایه سراسره قلو بر ثوب سمور  
 و مرصع تیغ و اوج یك التون احسان اولنوب سایر غزانه تقسیم ایچون  
 یك عدد سیم چلنك ایلد درت یك قطعه توی چلنك دخی ارسال  
 و تحسین و ستایشی شامل اصدار مشال قبلندی (توجیه رتبه)  
 میر میرانی بابر اهیم یك و وقوعات سنایه (سجدار اغالغندن انفصال  
 و طر نویده اقامت ایلد مظهر تفریع و استیصال اولان هر یکسیری  
 ابراهیم یك حقیقه عقد انفصال قرین انحلال و بارتبه میر میرانی  
 سلاتیک سنجاعیلله نایل دستایه عز و اقبال و بو توجیه جد بد رتبه  
 وزارت ایلد بکام اولسنه براعه الاستیلال اولدی معسکر هما بونده



طول مکث و اقامت سبب تګون عقوبت اولوب بوتقرب افراد وجوع  
 ناسیدن قتی چوق ککسه مخموم و حیددن بیرون کسه ل  
 دایره هسیدن معدوم اولوب بونلردن علل مزمنه به مبتلا  
 ودور و دراز محتاج مداوا اولنلریا ادرنه و باخود استانه به کتک  
 باینده دستباز رجسا لوللریله حقلرند مساحده انصراف  
 رونمون و بالفعل باش محاسبه جی اولان یسری احمد افندی  
 و باشا قیقولی محمد امین اغا زاده نک زاده سی طاهراغا و سابقا  
 مصرف ککاتی کسه داریوسف افندی و بونلره بمائل بعض  
 کسه ل ادرنه و استانه طرفته عزیمت ماذون اولدیلر بوصورته  
 بعض منصب محل و منصرفلرینک فقدانیه امورمالیه و ارباب  
 مصالح مختل اولغله جزیه باشبانی قولی قره قولاق عیدی  
 اغایه بالفعل باشا قیقولی و حکیم زاده خزینه داری احمد  
 اغایه جزیه باشا قیقولی توجیه و تذکره اول منصب ابراهیم  
 افندی به باش محاسبه و ککاتی تفویض اولنوب اوراق مهمه بی  
 تمهیر ایچون طرفته تنبیه اولندی ماذون انصراف اولان  
 ککسه داریوسف افندی باباطاغندن برغر حله مفارقتده  
 سر بنجه سختگیر اجلده زیون و ترک ماسکان و مایکون ایدوب  
 نعشی باباطاغنه ارجاع ایله سلطان با یزید جاه مننده مد فون  
 اولدی یسری احمد افندی نک دخی علی یوما فیوما قبول زمانت  
 و عاقبت عزم سفر اخرت ایدوب یوسف افندی جنبنده  
 سر نهاده و سادۀ راحت و زیان حال ایله نظم اجارتن  
 ناغریبان هینا و ککبل غریب لغریب نسب انشاد و قران  
 ایلدی متوفی یوسف افندی بازار جق قصبه سی قراستدن کونکلی  
 نام قریبه ده تولد و رتبه فرق و تمیزه تصاعد ایلد ککده رئیس  
 الکاب عیدی افندی به انساب و ککیدرک خزینه دار لغایله  
 کامیاب و اون بش سنه قدر ریاست خد متلرند اولان ذواته  
 ککسه دار و پیاده و سپاه ککنا بی و حره بن محاسبه جیکین  
 ضبط ایله کامکار اولدی برمنوال محروسفرده مرحوم و عازم  
 سمت یوم معلوم اولدی یسری افندی دخی مفردات دنیا به  
 صورت محاسبه اجمال اولان استانبولده یکریمی تاربخلرند  
 قساطراری وجود و تحصیل ملکه بود و نبود ایلد ککده تحویل

قلنه ملازمت و دور سلطان مصطفی خانیده کوچک تذکره جیلاک  
 ایله ککسب مزید رفعت ایدوب برقاچ سنه دن صکره بیوک  
 تذکره جی و سکسان ایکی تاربخنده طاطف زاده عمر وحید افندی برینه  
 چاوشباشی اولوب سفره مأمور و سکسان اوچ تاربخنده  
 منصب مذکور و درن بهجور و باش محاسبه ایله خاطر مکسوری  
 مجبور اولوب او ائشاده استانه ده اولان خانه ستنده موجود بین  
 و بنات و سایر یکریمی قدر حواشی منی افت معلوم ایله معدوم اولدیغندن  
 متأثر و مخموم و بوتقرب حسای ردیه ایله مخموم و عاقبت  
 کند و دخی وفات و ترک مشغله ککایات ایلدی (وقوع مشورت  
 و رفتن مکتوبی صدر اینهاهی باستانه سعادت) اردوی همایون  
 خلئی الی ماهدن بروصحراده اقامت و آرام و انجم حال نه به منجر  
 اولور کککوسبیله مبتلای اندیشه و اوهم اولدقلرندن خبری  
 ابتدای سالدۀ ککلی ذخایر جمع اولمشیکن بر وجه سیرق عسکره  
 بذل ایله اوچ ماهه و ازمدن ضایع و تلف اولوب اردو و خزینه ستنده  
 دخی ایچیه نایاب و سواحلده بولسان روسا ایسه ایچیه و ذخیره  
 مطالبه سبیله باعث اضطراب و شمه به دلک نه حال ایسه ککاه  
 ضیا و کاه بد لا بومصلحت اداره اولنور ایکن ایچیه نقاد و ذخیره به  
 بالکلیه ککساد عارض اولدیغندن قطع نظر و خود جسم  
 فر ضیه طغیان نهر مانع نصب اولدیغندن بی خبر و غافل ظاهر  
 بیلان عسکری دخی قارشویه مرور قصد اولسه ایدی ککید  
 اغدادن اجرای جسم محافظه اولنور ایدی بهانه لریله بر برتی افساده  
 مایل و ایکی ماه اقامت ایلدن اظهار قنور و فوج فوج اغاز فرار  
 و وارد قلاری محارده بوقول واهی ایله بسط ککفتار و تمهید  
 مقدمه اعذان و اوایل ایلوله دلک او جغلر نقر اشدن اردوی همایونده  
 ککسه قالیوب زجال دولت دخی و خاست هواد خسته و بو حلالی  
 تفکر ایله مد هوش و دبسته اوللریله بو ککفیت و قوعی اوزره  
 عتبه جهانداری به عرض اولنوب باباطاغنده مشا ائشاذندن  
 استعفا ایلد ککری بر ایکی دفعه عقد اولشان محالین مشورتنده  
 ارباب عقول و نهی آنها و حصر عقلی ایله مشا با ادرنه باخود  
 استانه ده تعیین اولنقی لازم ککدیکنی افاده و تبیین و سواحل  
 محافظه ایچون سر عسکر و باشجو غلره و رودی منظر اولان



مشتا عسکری تقسیم اوله رقی اطراف تمین و سرحدل تحکیم  
اوله جغنی عربضه به ترقیم و باخصوص باباطاغته قوی  
الاقتدار بر سر عسکر نصیب اولنوب ایام شتاده قنق طرفدن  
اعدا ظهرو را بدرسته امداد ایله دفع شر و فساد ایتمک نصیب  
اولندینه دخی شمدیدن ذخیره سی تکمیل و مشتا عسکرینک  
نصیب سر عسکری به وقتله التحاقلری تعجیل اولنق ککیفاتی  
شفاها دخی افاده به قادر بر شخص ناطقه پرداز و منکمل رکاب  
طرفه عزیمتی صوابنای اسکار واردوی همایوندن تعیین  
اوله جتی شخص نصریج اولنوب ترجیح اختیاری محول رای حضرت  
جهاندار قیلنشدی مغر و ضبات صداری پناهی منظور  
بادشاهی اوایوب دفع مضایقه اراده سبیله بدی یوز الی ککبه  
ارسال واردوی همایونک خط و تر حال و سایر خطوب اشغالی  
در دست نسویه و تثبیت اولوب قوندن فعله ایصال امرنده دقیقه  
قوت اولندینی بیانیله بو احوالی افاده ایچون اردوی همایونک  
هر حاله واقف اولان مکتوبچی افندیکنک ارساله دخی امر همایون  
ضدور ایلدی صدر اعظم مکتوبچیسی الحاج عبد الرزاق  
افندی بدی سته قدر خدمت مذکورده مستخدم و هر حاله  
وقوف و اطلاعی کار علی علم ظاهر و غیر مبهم اولدیفندن بالانتخاب  
اشبور جنادی الاخره نک طقوزنجی ککونی استانه سفاده  
عزم و شتاب ایلدی افندی مومی الیهک عزیمتدن اوج بش  
اکون صکره بین العساکر اختلال و اراجیف نکون و اونه  
ناسده شور و غوغایه استعداد تبیین ایدوب بو احوال تکرار  
بر عربضه مستقله ایله عرض حضور شهریار بیهمال و مشتا  
مخصوصنده اراده اولسان طریقینک بزی تعیین اولنق باینده صدر  
بدیع الفعالم دامنکیر اسرار حام و استدلال اولدی (ابتدای  
وقوع مکاتبات درمیتان دولت علیه و روسیه و ارسال مبالغ  
بسر عسکر سابق قریم) طایفه روس دلی پترو رساله سنده  
تمم اید اولسان مقدمات فاسده بی رفته رفته اجزا ایدوب  
رساله نک خلعت غنائیه سی اولان قریم اولکه سننی ترغیب و ترهیب  
صورتنده تسخیر و بین الدول جاری اولدینی ککی ابتدای امرده  
متر بسلک عنوانیه اهالی بی توقیر و کیدرک ضعیف و سنایلی

مدیر ایتک غرضلری تبیین باشلایلر بشله علی ذلک مبانه ده  
اولان اختلاف مبدل اختلاف اولنق صورتده ایلمی طور بجه طرفدن  
تحریر اولتان مکتوب بودلا ککترده ایله اردوی همایونه کوندربلوب  
خلال زاده سر عسکر باشانک دخی بر بونجه تحریراتی کلکله  
جمله سی باباطاغده میل دارا کرمد تسلیم و وقوف درجه سنده  
احوال دشمن افاده و تفهیم اولنشدی تقریر عاجزانه م منظور  
شاهانه اولوب استانه سعاده جلب و اخضار اراده سی تعیین  
و مکتوبچی افندی دخی اوخلالده پادور ککاب بولندیفندن معا  
استانه به کلوب تقریر و تحریرا هر حال تفصیل و اجمال و سر عسکر  
مشار الیه بدی بیک بشور و غروش عطیه همایون ظهور ایدوب  
صدر اعظم طرفندن دخی ایکی قات مکمل لباس اضافیه اوله رقی  
ایصال باینده فارشاله خطا با صدر مشار الیه طرفندن مکتوب  
تحریر و ارسال اولندی (توجیهات مناصب دیوانی و عزل  
والی شام) باش محاسبه چی اولان یسری احمد افندی جوار رحمت  
حقه انفعال و منصبی قبول انحلال ایدوب جنادی الاخره نک  
یکری بشی ککونی منصب مذکور ایله آتلی مقابله جیسی رفعت  
احمد نک مصرور و انک منصبی ایله موقوفاتی عبد الکریم افندی  
وانک منصبی ایله مالیه تذکره جیسی قضی سلمان افندی نایل اتم جوار  
اولوب مالیه تذکره جیلکی دخی دفتر دار ککبه داری درویش  
محمد افندی به اضافه ایله غصن اقبالی رطب و جامه عز و رفعتی  
جدید و قشرب قیلندی برمدندن بروشام و البسی اولان وزیر  
عثمان پاشا رضای دولته موافق خدمت ایله شهرتغا اولدیفندن  
حقنه الثقات شاهانه مبدول و امارت حاج امداد ایله نایل اعز  
ما مول اولدیفندن بشقه ایکی اوغلی دخی میر میرانلق رتبه من احرار  
و بین الاقرا ککسب دست به تعیین و امتیاز ایتملر ایدی تطاول  
دهور ایله جمع مال موفور ایدوب مقوملر ایله مشترک و کثرت نما ایله  
سم غه سنک و فلک کلک دیمکه باشلوب مصر محروسه ده شیخ البلد  
وبنی و شقاق نصیب رسد ایدن علی نک ایله بر مقتضای حقد و حسد  
معارضه و ماقشدری خارج از درجه رسم و حسد اولوب طرفین  
بر بری سوه خرصکله تحریر و نصایح دولت صفای درو نلری  
عدم تغییر و علی نک ذی قوت و مال بولنق حسبله بر قاج دفعه

\*

\*







غما له سكوت ظهرو به فسخ محله اشارت اولوب جـ له سی  
 نهضت و برل به غزمت ایدر ایکن بولده عثمان افندی نه بو پرده  
 برون وضع و خر صکت دیه رك عبد الرزاق افندی به خطاب  
 و جرم لسانی اشراپ ایدوب افندی موئی الیه نظم وای جواد  
 لم تعثر بکوة وای احسام لم تصبه قلول بمشهوری اوزره فی الحقیقه  
 منبت لسان الیه نفی لوم ایدوب امانت سیماب اسیر انقلاب روزنه  
 مامور قیلنه جفنده دفع اشتباه واریاب اغشیدی اوکون  
 اخشامه قریب ادم کلوب موئی الیه حضور تاجداری به کوئورد کمرنه  
 افندی آشته صبا حدن دیدیکن کی جز یقربوز اولوب بوطرفه کلپور  
 نوکاید بیر داز یوزد قلمده شمدیلک یاز ارجقیده اقامت الیه تسلیتی  
 مشعر بر خط قطعی المداول اصدار یوریلور ایسه مهابت شه ساهیدن  
 بر خطوه برویه خر صکت ایتمه یجکری محقق دیوب فی الحال خط  
 شریف ارسال و عسکری تأمیده اولان اختلاف منشر اطراف  
 اولوب رجال دولت و اوجاع اغاری امر هما یونه امثال یوزار جفنده  
 آرام الیه منتظر ماقبت حال اولد قلمی قصه غریبه سی بیه اوکون  
 غر خومک اسان کوشرد فقیر کتب البال اولدی (هجوم مسعود  
 و پریشانی اردو و غولت صدر اعظم به یاز ارجق) اردوی همایونک  
 اخوانک و سلاطین جوانسین الیه آن بان مسعود اولک مسعود اولوب  
 بالاده پیمان اولدی و وجه اوزره شور و اختلال و وقت ذخایر  
 و رفقه رفقه غود و انصراف عساکر و عائلتله اردوی همایون  
 با کلیه خالی و نولسانلر دخی ادنی و بهایه الیه امانه فرار اولد قلمی  
 مجرم اسافل و اعال اولوب سوا حله بولسان طوایف عسکری  
 دخی شر اوژ و لایتنر به رجوع الیه ارتکاب غاروشین و ضابطلری  
 تمام نفین و با خود بدل المی فوایدی فکر الیه نجاهل و اضماع  
 عین و ضابطلر دخی دشمنک بر طرفدن ظم و ربه رقبه و فراره  
 ناهب ایله کلری افکاری صدر اعظمی دخی اش و افتیاده  
 ضاه غمی الغور و هم و نولسان ایله یکی حالده شهر رجیک پکر مجبی  
 مجری کیمه می اسما غیل و ابر ایل قصیه زنده بولسان دشمن  
 بریزه کلوب طوایف ضرور و ماچین و طوایف ده بولسان عسکر  
 اندک شمار املا می فراره مجبور ایند کندن صکره ایلر و به سوق  
 طسایر ایلد کلری سوا حله مامور اولملر طرفدن آنها و اخبار

ومدافعه ایدر کسه اولمد یفندن اردو خلقی شمشاور بجر افکار اولوب  
 نه حال ایسه اردو به اقرب اولان طوایفی به بر مقدار عسکر تر قینی  
 تصویب ایلد یلر دشمن ایسه برو کچدی کی طوایفی به استحکام  
 و یوب راکب اولد قلمی قایقلمی بر برینه ربط الیه تهیه اسباب  
 اقدام و انجام ایند کندن صکره فرداسی بروجه تخمین معینده  
 اولان یک قدر سواری و بش یک قدر پیاده سنی الی طابوره تقریق الیه  
 اردوی همایون اوزر به هجوم اوزره اولدیغی تحقیق اولوب  
 طوایفی محافظه سنده اولان جعفر پاشا و عبدالرحیم پاشا و جعفر  
 ضابطلری بشر اوژ ادمر به چرخه صورتند جنگ و فرار ایدرک  
 با با طاعنه اوج ساعت مسافه اولان کپری باشنه کلوب  
 برو طرفه عتاز بر قفل و دشمن دخی دفته هجوم کوستره یوب  
 کپریک اونه باشنده مترس حفر به مشغول اولدی سوا حله بولنانلرک  
 هجمه اعدیه طاقت کتور میوب مترصد فرار اولد قلمی هر نقدر  
 خواطر ارباب البایه استقرار بولش ایسه دخی مقدم دشمن بر قاج دفعه  
 برو طرفه کچوب تاراج و یغما الیه کتفا و یا خود خالیه الخایه  
 اولان طوایفی قلعه سنی ضابط ایدوب قلعه به استحکام و عسکره  
 نظام و برقاج کون ارامدن صکره اردوی همایونی قصد ایدوب  
 اختلاس ابام الیه بو طرفدن اسباب مدافعه تدارک اولدی  
 صورتلری قلوب اکا برده رونما اولش بکن دشمنک بلا توقف  
 برو طرفه نجا و زی باعث تخدیش اذهان اولوب نه حال ایسه  
 سکون نجی باشی الیه بر مقدار عسکر مقابله دشمنه تسیر  
 و بوندن صکره نه مقوله تدبیر لازم کلمدی کی عقد اولسان بحاس  
 مشورنده تذکر اولتور ایکن محضر اغا مجلسه دخول و دشمنک  
 کپری باشنه کلمدی کنی سرا سامعه صدر اعظمی به موصول  
 ایلد کده او اشاده اردو خانلک به مضبسی نجسارنده و روسا مشورنده  
 و با قلمی چادر لده دشمنک هجومی مذاکره الیه قصد فرار  
 و غیبتده اولوب چنکه مستعد شخص واحد بولند یفندن هر کس  
 حیرته قالوب بر تدبیر نافه موفق اوله مدقارندن غیری صدر اعظمک  
 بو خبر هول انکیز دن لونی متغیر و نه ایده جکندده تحیر اولوب  
 اختناق ریح مراق اعضاسنی معطل و حواس ظاهره و باطنه سنی  
 مختل ایدوب مشورنده بولنانلرک بعضی مانع مرور اعدا اولان



کبری محافظه به موکب هما یونده بولنان عسکره چاوشباشی اغا  
باشوغ نصب و تعیین و اردوی حفظ همچون باباطاغندن  
دخی بر مقدار ادم جلب اولمسنی تخمین ایدوب دلارندا والتفر النفر  
صداری ککمره صیوقه رسا و چاوشباشی اغا یمش مسکان قدر  
ادم ایله عازم سمت اعدا اولوب دشمنک ورود ایده جکی محل ایسه  
تلال و جبالدن خالی ارض مستویه اولدیغندن سیر و حرکتی  
وطا بورنک هیتی اردو خلقنک مشهودی اولوب اموال نفیسه ربی  
افراز و خیام و اتقاللربن ترك ایله فراره اغاز ایلدیلر بروجه  
تکرار افاده و اشعار اولندیغنی فسادات سببی ایله عسکر متفرق  
بولنوب رجال و اسکارک دخی اکثری اسیر فراش و فکر عاقبت  
امر ایله دلخراش بولنوب اردو خانی اعدانک اضغاتی درجه  
سنده ایکن نه مقابله به لازم ککلان تدبیر اجرا و نه فرار ایدن  
ناسی اعاده به قدرت هویدا اولدی بو حالت اعدانک معلومی اولدقده  
مقابله به کلان چاوشباشی اغایی و یوز قدر نفری اولان یک باشی  
بطال یکی اوکنه قانه رق طوب منزلنه کلد کده صدر اعظم دخی  
بو کرداب بلادن تخلص جان سوداسنه دوشوب لوای سعادت  
التوایی الوب بش اون نفر جال دولت ایله یوله روان و خیام و طوب  
و مهمانی پرلرنده ترك ایله بازار جق سمتنه شتابان اولدیلر باباطاغی  
اهالیسمک اردوی همایونه وثوق و اعتمادی اولوب هیچ  
اولمسیه برایی کون مقاومت ایدر ملا حظه سنی دریش و بوملاسه  
ایله ازاده قید نشویش اولسد قلرندن بوم مذکورده اجمال  
و اتقاللربن نقله وقت بوله میوب تخلص اولاد و عیال ایله اشتغال  
ورعایا پرلرنده ثابت اولوب اعدایی استقبال ایلدیلر قصبه  
مزبوره بوغازنده وقوع ازدحام ایله عسکر بربری باصه رق  
سمت سلامتی جویان و دشمن ککندورینک عشری قدری  
اولوب فراره ضرورت مس ایتماش ایکن سبب سقوط حضرت رب  
اوله جق هریمتی بلا ضرورت ارتکاب ابتدکاری معرض توپخانه  
بربرینه کویان اوله رق کریزان اولور ایدی دشمن مقتضای  
فن حرب اوزره رعایت حزم ایدوب معاذالله عسکری تعقیب اینسه ایدی  
قتی چوق کسه بی اسیر و دولت علیه به کلی تقیضه ایراث ایله جکی  
ظاهر و غیر مستیر ایدی انجق جناب حق بوامت مرحومه بی نظر

کلائت احمدانیه سبیله ملحوظ والی بوم القیام کزنده مشر کیندن  
محفوظ ایلدیکنی طاهر در ایدو بوغازدن یارم ساعت ایلر و قطع  
مسافه و اولدقده دفعه مسافه ایلد ککلرنده سردار اکرم موجود  
اولشلا ایله مشورت و نه طرفه عزیمت اولی اولدیغنی استفساره  
مبادرت ایدوب بولدن عسکره حاجی اوعلی قصبه سینه توچهلی  
استصواب و اتفاق از ایله اولاصوبه عزم و شتاب ایلدیلر لوای  
شریفک عربیه سنی استر بولندن ککیدوب معامو جود اولان عربیه  
اصحابی دخی هر یمن بولنسلرله کیندن عربیه طلب اولند یسه حال  
معرضنی عرض ایله ناچار بر بونجه به ملفوف یا غموز اتق کبسه سنه وضع  
ولوای شریفک اتلرینک برینه بید اولنده رقی سنجاقدار لره تسلیم  
و عثمان فقیه نام بحمله ورود رنده عربیه یثوب او بر کذار غی  
مخارای عربیه سنه تدبیر ایله اجرای رسم تعظیم و علی یک قریه سینه  
وصول بولدقده صدر اعظم وقوع بولان حادثه بی تکاب  
همایونه عرض و تقدیم ایلدی (ذکر پریشانی سر عسکر و دین  
بالاده نحر ابر اولندیغنی وجه اوزره و دین سر عسکر بی صدر استبق  
محسن زاده محمد پاشا قله سمتنه ورود و نیکولی محافظه سنده  
اولوب مسعود لوایله بر قاج دفعه وقوع بولان محاربه لده برارانی  
مشهود اولان قائم مقام الحاج احمد پاشا دخی اردوی مشار الیه  
انضمام ایله ترکیه کی بحر اسنه ضرب خیام ایتمش ایدی تکه  
متصرفی و مستیره محافظی اولان حسن پاشا به دخی حکم جهاء اطاع  
کوندنیلوب اوحوالینک ضرب و حربه قادر اولنرینی جمع و قار شویه  
کذار و سر عسکر مشار الیهک امر و زبانه انتظار اوزره اولسی  
اشعار اولنوب بو تقریب برکوی صحر اسنده اوزر بیکه قریب عسکر  
احشاده ایند یسه دخی عساکر مذکورده تک اکثر بسی سوار ی  
اولوب بکرش نینده اولد قلرندن پیاده به مس احتیاج و بوسیلله  
جمع پیاده همچون سر عسکر پاشا اطرافه ادملر اخراج ایتمشیدنی  
مشار الیه فی الاصل امورنده عازم و مزاج عسکر یده اولان  
فساده عازم اولوب تیرالدن حرکتی فجوریه و اعتماد سزا اولمیان  
بویه بر عسکر خیر مطاوع ایله بکرش اوزرینه بلاتدیر عنان توچهلی  
تبر بر ایدیکنی اخلاف لشکر حسن ایله اردو اغامی اوزرینه هجوم و طول  
توانندن شکایت ایلد ککلرنده جمع پیاده ایله اشتغال شمدیده ک مانع جنگ



وقتی که اولوب سرك ايك نيكز يكيچري اولوب اوجاغ مزبور  
في الاصل پياده هيكردن مرتب اولغله اسلر كزي فدا و قانونكر  
اوزره راجلا اختيار چنك و وغانايدر سكر هسان شيدن حركته  
حاضر و هميا يوزديه رك الزام و برقاچكون دخی بونه فاشه لايه  
امرار ايام اولوب بالاخره مشيار اليه بر كوكيده اقامت  
وايلرويه قوت و يرمك اوزره مشورت اولوب صورت احد پاشا  
وقايه مقام الحجاج احد پاشا سر عسكر و مدار اوله رقي بكرش  
قصيه سنده اولان اعدا اوزر بته تعيين و موجود اولان پياده  
وسواري اليه هيات اجتماعه لري ترصين اولندي پياده نك  
قلتي و روسانك يكد يكره بخدا لقي يوم ممر كه ده قضا ياي مغلوبيني  
اتساج ايدوب سوار يان اسلام قله وودين طرقلر بته و پيادگان  
بركوكي طرفته فرار و مشار اليك اردو و كاهنده فردا فرته  
قالوب ناچار برز و رقه سوار و و سچقه كذار ايلدي (بعض  
وقايع) باش محاسبه بي اولان احد رفعت افندي مريض و منصب  
بالوكاله اخيره تفويض اولغی اوزره مشيتا مامل اولسان ادرنه به  
عزيمت ايچون زوي افكن حضيض رجا و مشورته مساعد روجا  
اولمشيدى عزيمتدن برايكي ككون صكره منصبي اناطولي  
محاسبه جيسي ابراهيم نظيف افندي به توجه اولوب اناطولي اليه  
مصطفى افندي بكيكچيلكدن اخراج و بوجه الحاق خدمت مذكوره اليه  
كخدايك كاتي سيد محمد خيري افندي محفوف صوف اينهاج قيلندي  
دفتر اميني ولي افندي عن اصل بيمار و بابا طياغي و قعه سنده علتي  
مشند اوله رقي بازار جقه ترك خبات مستعار ايدوب نشانيك  
وارداتي قليل و متصرفي اولان عبدالله افندي باركران  
مصارف اليه سر كردان و سفي اولوب دفتر اميني نصيبه دك  
خاصيتي قبض ايمك اوزره جهت معيشت و وسعت و يرلدي مرحوم  
انسان اعجامدن اولوب يك يوز يكرمي تاريخلرنده داماد حسن  
پاشا حليه لري خديجه سلطان اليه از نكبيده اقامت ايدر ايكن  
والده ليله حرم خدمته تعيين و استانه به كلكر نده سلطان  
احد خان عليه الرحمه و الغفران حضرتلري حرم سراي سلطانيده  
مرفوعي مشاهده اليه خرم همايونه الو ببعده طشره اخراج  
وكيدر ك خزينه كخدا لقيه بازار اعتباري قرين رواج قيلمشيدى

سلطان مصطفى خان صيت عليه شايبي الغفو و الغفران  
حضرتلر نيك دور بي جور لنده باش محاسبه جيك اليه چراغ  
و برمنوال محوره فتر اميني ايكن عالم قابلدن دمنشوي فراغ اولدي  
سر عسكر شدن و زير عهدي پاشا بچاسيه قره صو و ماموريت  
طاغستاني علي پاشا بكيكچي (اردوي همايونك ادرنه ده قشلاسي  
مامور و مهمتدين اطراف و استكنا فك محافظه سي امر معقول  
اولدنيغدن دلي اورمان و ساير محلاتدن جلب عساكر و كلكر يكه  
روساري خلعت و نوازش اليه قطيب الحيا طر قيلوب قره صوده  
ممكن و زير عهدي پاشا معينه جسته جسته تسيير و ادرنه ده قشلي  
حسابي اوزره عهدي پاشا بازار جقه و طاغستاني علي پاشا  
قره صوده اقامت ايمك امري راي و تدبير اولوب قصد مذكور  
اعمار و بازار جقي اها ليسي توحيش اولغيا مق قصد اليه قصيه  
مذكوره ده اخذ مثناز و شلزي اظهار اولوب زايدي بزرده  
تفصلي ابراتا اولغيه جقي و جقه اوزره بازار جقه قشلاق طليله  
اغاليدن ظهور ايدن خركات نابرجا ظاهريده ادرنه عزيمتي الغيا  
ايدوب مشيار اليه دخی او اشتهاده موكب همايونه كلس بولغايه  
ماموريت حقيقه لري اخفاء پاشان و شديك ظاهريده عهدي  
پاشا قره صوبه و طاغستاني علي پاشا كوكو سنجيه مامور قيلند قاري  
اعلان اولوب شباتك طقور بي كوفي مشيار اليه ماسا اكساي خلعت  
و غير بري صوب مامورنه عزيمت ايلدي (وقعه بازار جقي) سردار اكرام  
وجه محرز اوزره حسابي اوغلي بازار جقه كلوب اولدنيه اطرافك  
استحسانه تقيد و بازار جقه قشلاق حضور مني ظاهرده تعهد ايتشيدى  
سواحل طوقانك بوطرفنده ساكن اولان اهل اسلام هر طرفدن  
اعداي ليام ظهور اليه محافظه به تعيين اولسانلر كرا كنده و منفرد  
اولد قاري مشاهده اليه اولاد و غيا لارين بازار جقي اطرافنه كتوروب  
عربه ل اوزر نده ارام ايند كاري اهالي قصيه بي توحيش و ايلام  
ايلديكندن خبري اردو خلقي ادرنه طرفته مقابل و حصول صورت  
عزم اليه شديدن معروف و مجهول قتي جقي كسيه اوسمه راجل اولوب  
حقي اردو و خبري سي دخی جال و بغاله تحصيل و ادرنه به تسهيل اولمشيدى  
بازار جقي اهالي ليسي بوكيفيدن خبر اولوب ولايتلري اردو و خلقه بگلنك  
شمند رجا و اوجاغ غاري بزد صدر ايتشاهيده مشورت ايچون

\*

\*



اجتماع ابتدا کبری کون جم غفیر ایل محمل شورابه مسلح دخول و دخول  
 دخی الی تفکلی حیدود هیئت وافر کشتی بدسیرت نفوه کلام غیر معقول  
 ایدوب یعنی راغز دن خطاب و فریم اولکه سنی و پردکن صکره  
 ملکتمزی دخی ویره جکسر دعوی باطلی ایله مجلسده اولانلری پریم  
 و تاب ایلدیلر شویله که درود در وازه شاکی السلاخ ارباب کفاح ایله  
 مالا مال و ارکان دولت محصور و محال و ممنوع قعود و ارتحال  
 اولدقلری حالده قصبه مذکوره ده مثانشین اوله جغنی صدر اعظم  
 موکد بالیمین ایدرلر کراولان حشراتی کوچ ایله اسکات و پرکون اول  
 قطع راه ایدن خزینه موکلری اطاده ایله کسب حیات و دفع افات  
 ایدوب بولعهده غوغا و نزاع بر طرف و زایل و قلوب اکابرده فی الجمله  
 طمأنینت حاصل اولدی بوم مذکورده بازار حق سرد نکمچد یلرینک  
 جسارت ابتدا کبری وضع و حرکت نابر جا ولسانه الدقلری کلمات  
 ناروا تحریره سزا کورلیوب بوطور غریب او مقوله هرزه کر دوا دی  
 غوایت اولنلره و قتله سبب نادیث اولوب اکثر یسی قلب سلیمانی  
 ایله ملتان و نیجه سی جلای وطن و مواخذه شدید ایله بی سرو سامان  
 اولدی (صدارت محسن زاده محمد پاشا) صدر اعظم سلطدار محمد  
 پاشا مسند صدارت پانهاده اعتلا اولدیغی کونون عزله دك  
 بحکمه الله تعالی طولی و اسافی جانلرینه اعدا برفاج دفعه کچوب  
 اجزاء جسر و ذخیره انبارلری افنا و استانه سعادت دن ترتیب اولنسان  
 التمش قدر سفینه به مشیخون صنوف عسکری بی اعماله موفق اوله میوب  
 سفینه لک بعضی دشن احرانی و بعضی اسماعیل قصبه سته  
 کونورمک تقریبی ایله دولت علیه به کلی رخنه ابتدا کبری هویدا اولوب  
 برکوی طرفندن ظهور ایدن نصرت ایله فی الجمله نشی غبط حاصل  
 اولمشکن کفار ک طولی و ماچین طرفلرندن ظهوری و احوالی بی  
 فارتدن صکره سابقارده منظور اولدیغی کی فی الحال قاز شو طرفه  
 مرور ایده جکئی توهم ایدوب و قتله اردوی هابون محافظه سندن  
 و مترس و سایر اسباب مناعت تدارکندن غفلت و اهمال و هر حالده  
 سز عسکر له اهم اولان رعایت حزم و احتیاط مشغله سندن اعتزال  
 ایدوب لذایذ اطعمه به جریص و منهوم و نقایس ملائیس و کسایه  
 جل همی مضروف اولدیغی معلوم اولد یقندن غیر بی نفوذی زایل  
 و متنی و شعله حواله سورقی منطقی و بوندن بویله دین و دوله مفید

طرفندن بطور نافع پروزی ملا حظله دن بهیند اولد یغنه بنه  
 عزلی جهایکیر جمیر یاف شانه فلاطون تدبیر اولدی مشار الیه  
 سپهسالاری خطب چسبی بویله دورسون خود بخود مصلحت عامه بی  
 اندازده دوله عاجز ایکن شهرت شایعه بی ضد از نه تقریبی مستلزم  
 اولوب معاذ الله بقیاسی ایکی سندن صکره ظهور ایده جک  
 حادثه ای که همسان بوسیله ایچنده مشهور اولسنی موجب اولوب  
 یوضو رنده عزلی اصول حکمته مطابقی و قانون دوله موافق  
 ایدنی قیایده دفع هجوم اعدا مغرینده سپهسالار لغه انتخاب  
 و انتقا اولنسان شخص مجرب الاطوار بو خطب چسبک رجلی و فن  
 همکار به ده بخار سه و مدخلی اولدیغی میدان جل و عقد اولنلره طنا هر  
 خواجه ای بولده فقه برایکی دفعه پریشان اولسنی ایله عزلی غیر لایق  
 و غیره شیفقت ایستادن بر شخص مجبول الحاله او امر امری تعلیم  
 اصول ایچنکه ناموافق اولدیغی فنون ریاضیه دن معذور و صنعت  
 خزینه کاپلرینده مضر حدیث ازمان سالفه ده فرانسوز لغوت و سایر  
 ملل الفرنج ایله محاربه ایدوب بدی دفعه سز عسکرلری منتهز موجدین  
 بیرون صکره و منجملری مقدم اولوب ارکان دولتری سز عسکرلری  
 طالع وادون و بخت و از کونندن محبت ایله و حوب عزلی قریب لایق  
 افاده و هر سته نوکلامی استیفاف و اعاده ایدر ایدی قرال  
 امورنده حازم و ممکن و عواقب احواله واقف بر حکیم متین اولوب  
 لومقوله سادۀ دلارک تقریبات و لغز یضاتندن دامکش استیفاف  
 و هر حال تقریر و ایقای سز عسکری ایله حکمتی اجزا و سکرچی سته  
 سز عسکر مسفور اعداسی مقهور و غلبه صکره ایله جیر میکیور  
 و خصمای دولتی خوا و ناخواه صلحه مجبور ایدوب قرال قومته خطایب  
 و سز عسکر مزهر سبال اعدانک برکونه خيله و آله و قوف فحصولی ایله  
 آتیه ده دفع حیلۀ دشمنه تدارک اسباب ایدوب عاقبت غلبه ایله یزی  
 و از سته اضطراب و آزار ده طعن و تشنیع از اب ایلدی دیدیکی  
 منقول ایدر وضع مر قوم فنون سیاسی دن بر فعل غیر مذموم اولغله  
 الحکمه ضلالت المؤمن اخذها این و جدها مقهوری لوزر و یو حیلۀ  
 ثبت و تنظیم و یاد صکار اصحاب رای و تدبیر قیلندی یزینه صکره  
 کلام استانه سعادت اولان مکتوبی عبدالزاق افندی مهر  
 هابونی نزاع و استرداد و یکجیری اغاسنه قیام مقامی خط شریفی اراز



وقضیدنی اراددن صکره روسجق طرفنده بولسان محسن زاده محمد  
 پاشایه تبشیر صدارت و تسلیم امانت اتمک اوزره طرف جهانداریدن  
 تعیین و والی کونده بازار جغه کلوب کتخیدا بکه ماده بی ستراتیین  
 وفی الحال صدر اعظمک ساکن اولدیغی خانه معازمت و کمال تسلیم  
 ایله یندن مهر همایونق نزع ایدوب یکجیری اغاسی بولنان سلیمان  
 اغابه اغالق انضمامیله وزارت وقایع مقامق خط شریفی ویردکن  
 صکره لسانا مشرف صدور اولان اوامر همایونق تبلیغه مبادرت ایلدی  
 صدر سابق نوکیفت مرعوب القلب و خوف جزا و عقوبت راجحتی  
 سلب ایدوب افندی مؤمنی الیه یو بایده تعلیف و اولدیغی ایمان موکده  
 ایله خوفی تحقیف ایدوب مهر همایونق محسن زاده محمد پاشایه رو بچقده  
 تسلیم و مانوریتنی احسن وجهه تسلیم ایلدی صدر جدیدک  
 موره استخلاصی امرینده او حه طراز سیموح اولان حسن تدبیری  
 و مانده بی رابطه و بیقه یه یشد ایلدی و باخصوص صدارت اولی سنده  
 اراد دلائل ملزمه ایله صلحی ترجیح و جنکی تعیح ایله جهتینک مضار  
 و منافعتی برفاج دفعه اوردی زبان مقبال ایدرک الیوم اجتهادی  
 مطابق وقت و حال اولسی حقنده توجه و التفات شاهانه بی مستلزم  
 اولوب مکتوبی افندی استانه یه وصولنده صدر وقت عزلی و مشار  
 الیهک نصب و وصلی مذاکره اولنور ایکن باباطاغی وقعه سی تعاقب  
 ایدوبایت اولی تا کدن و عزل و نصب خصوصنده رفع شایه تردد  
 ایله مشار الیه صدر دولته تصاعد ایلدی فی الحقیقه صدارت  
 عظمتی یه لایق و خطیب جسیم سهیلاری یه شایان و مستحق مرتبی  
 ارباب هنر و معرفت و حقایق شناس خطوب دوات و وزیر  
 اصفا منقبت اولوب جیله عالم قدومندن خندان اوله رق شکر یزدان  
 و ذلای بقای شان و ایت شاهانه بی زسیده ابوان کیوان ایلدیلر  
 مشار الیه روسجقندن شئی یه و رودلنده محرز فقیر دخی استانه دن  
 ماز و ناسی یه کشیددی قلی عاجزانه م ایله کشدی سلاک تحریر  
 قیلان تقریرله نظر انداز دقت و سبک و رفتار عاجزانه م مشربلرینه  
 موافقت ایله بلا سوزی و ترغیب رتبه خواجسکانی ایله غصن ذایل  
 قدر می ترطیب ایدوب رؤسی اعطایا اید کلرند شئی کتبه دن ایدرک  
 تعمیری لسانلرندن مشوع اولوب عن اصل حواجکانه کتاب اطلاق  
 اولدیغی اشراپ انشار ایدی رحمه الله (شروع صدر اعظم مقام سوره

سردار اکرم خطیب اهم سفر یه یه مباشرت و علت اقوای  
 تحشد عسکر اولان ذخایر جمعیله اجرای لازمه بصیرت ایلد کارندن  
 غیری سوا جل طوبانی روز خضره دك حفظ و حراست اتمک اوزره  
 خراج قلماری قضایا و تعییناتلری بجانب تبریدن و برملی اوزره  
 عثمان بازاردی و شئی و سلوی و اسکی جمعه قضایا و تبریدن اوتونیک  
 ادم زینب و تلظیم و مباهاتلر تعیین ایله ایش اوتونیک طرفنده  
 مامور اولد قاری محاللازه تقسیم اولنوب شئی اطرافلنده اولان  
 قضایا دك ذخایری مشایع عسکرانه عتدم و قایله بو ماده دك دخی  
 و قبضه نظامی امور لازمه دن اولفله مقدمه مستحق اولدیغی کئی  
 نتیجه لودن کفایت مقداری ذخایر اشترایا بچگون قره اجهتاری  
 اخذ بکک قویخی با شلیق پایه سبله قدری توقیر و بلغراد طرفته تبشیر  
 اولدیغی بازار راجق وادینه یه مشیت انخا ذی بعض محمد واری  
 مونجیل و شئی هر حالده مندر سب اولدیغی معلوم صدر ریتی المناقب  
 اولدیغنه بناء بوسککفت غایب مقام پاشایه انهار و شملیده در حال  
 دخلیره ضرورتی تحکیمات ایچون اردوی همایون خل بنده سندن  
 یکرای ایش یک غرض شئی اعیناته ان سلال اولغسی مشار الیه  
 نظر پروانیشا اولد یضدن غیری قره صوده بقیه روز بر خندی پاشا  
 بازار نجغه کلوب احوالی بی کک بد دشمندن تا مین اوقلوب  
 اهنایله اولان خفقای تسکین و صا یاسنی ککوش هوشنده  
 الفس ایشد کدن صکره لوای شریفی زیب عاتق رفعت و شئی یه  
 توجه و عزیمت خصوصی قایم مقام مشار الیه تحریر و اشارت اولندی  
 امر و فرمان اولنان اموری مشار الیه رؤیت و در مضمان المبارکک  
 سکر نجی کونی بازار جقندن حر ککت ایتدیکی مکتوبندن معلوم  
 صدر فلاطون منقبت اولفله معیت اصفیالنده اولان یک قدر یوسمه  
 عسکرکی روسجق ضرر عسکرکی عزت احمد پاشا معینه تعلیم  
 ایتد کدن صکره روسجقندن فک طنساب ازام و کمال اخشام ایله  
 رمضانک اون ایکجی کونی شئی مشناسنی مقام ایلدی اردوی  
 اهنایونک دخی رمضانک اون بشی ککوی وصول بواله جخی  
 تعیین ایدوب سردار اکرم خارج قصبه دن لوای فخر ایلای استقبال  
 و مقدمه احضار اولنان محله اوخل روان سوزستان شرف واجلالی  
 ایضال ایلدیلر قدانسی خط شریف قرات اولنوب ارباب مناصبه



قانون اوزره عموم خلع تری الناس و طرف صدر باهر الشرفین  
هر کس مظهر لطف و استیسان قلبی و دیوان برندن فقول  
واخصار اولنان قونا قلیزیه نزول ایلدیلر (تادیب و قهر بعضی  
ادبان) عن اصل خاک ایخته شرف و فساد و اهل البقی مایه طایح  
و عناد اولان دن اورمان و حاجی اوغلی یازاری و شیعی و هزار  
غراد و سایر قصارده ککاین اولنلرک بعضی سفیر لری ایل  
دایره اطاعتدن کردنکش و فقرا و انباء سبیلی دندان نیز  
گزید ایلدیع و از عاجده مانند مار منقش اوله قلردن غیری زیش  
سفیدان و صابا بطریق تحت اطاعتلردن خروج و نصیحتلری  
عدم قبول ایلدیره و عتو و استکباره خروج و کمال غلبه ایلد خوف  
جزادن مضمون و روز و شب قنک و بطش ایلد طور و زینار  
باغبانه لری دایره خلدن بیرون اولوب بواستجاب ایلد برکوکی  
و یازار جق و طونا حوالیلرنده ذکر سبقت ابتدایی وجه اوزره  
شقا و نه جبارت ایلدیلرک واسطه تیغ سبیا بنسخته دیماه فاسده لری  
اساله و اهراق و متهم و افاق اولان اباطل اعماللری دستیارنی  
خشن تدبیر ایلد الحاق اولتی ر کیز صبر صبر مستوده اخلاق اولمغه  
اومقوله ظلمه و اهل فساد صکار از موده و مقدم کاشیتلر ایلد  
سرا و علما قهر و استیصال و سفر و حضرده یقی و شقا قدن غیری  
الدرندن برشی کلجان مفسد لری یک یک اعدام ایلد سواحل و سرحدلری  
آزاده شور و اختلال ایلدی دلی اورمان و انبؤدلق برمنوال بحر  
منبع شور و شر اولوب بر قاج سسته ده برد فیه نظام ضعیفه  
قوی الاقتدار و زرای عظامک مأمور تری سرکشاری قهر و فقرانی  
آزاده ظلم و جور ایتک حکمته مبنی اولوب فی الحقیقه بو نظام مدن  
مکره بر مدت تحصیل اسایش و اندفاع مظالم حاللری مشهود  
و ظل رأفت بی تاب و طاق اولنلر جفته ممدود اولور ایدی  
حکمت نفوس رذیله اربابی مطالبه مال و منی ترفه ایلد بالفسد و  
والامثال اقتصاده خیالات و هم و خیال و دام افکن کیشکاه  
اختیال اولوب تحصیل مال ایسه تعدی و تجاوز و بعضا  
ازهاق روح و اتلاف نفس ایتکه محتاج اولمغه غرض مذکوره  
وصول ضعیفه ندر جده رده ضرر زمین ایلد جکی ظاهر اولوب  
بو تقدیرده امور سبیا سبیل منی محافظه ایدن دول باش شد ایلد

منصف اولان حدیدی قراشدن سل ایلد او مقوللری تدبیر و ملک کنی  
تطهر حکمته موافق بر فعل سریع التأثیر در خواص ناسیده دخی  
بو حالت نمایان و سرکاره ککدکاری کی مذت قلبه ده نقد فراوان  
جمله تر ضیعی بنیان و تزین ایوان ایلد ککدکردن غیری ظاهر  
و حق انواع بخور هرات ایلد حبیب و بیسان و کشته و البت انلری ملتان  
ایدوب بو بختل و تزین منسلری ارادی و فایز و فایز لایحه مبرنی به  
مضر و مصالح دولته محل امور و خیم العاقبه به اقتضای ایلد جککاری  
ادنی ملا خطه ایلد مملوک اولان مواد دند و مملوایه ناسیده مضم  
اولد قلی دولته اهاکت و التماس انواع و فایز هیتله شهر یازار  
دام فی القوا و التضرر حضر و تری بختایت ایلدیلر حق جعل و علی  
اصلاح و نعمت و فائزله افلاخ ایلد آمین (خاک شدن مقصود کرای  
ملکت فرایم دستبرد و شمشیر لیم اولد یقه بنساخته ملک مملوایه  
و یا خود ضلحا کافی الاول داخل مملکت پادشاهی اولد یقه خاتره قریم  
خانی تعبیری ایلد اولوب بر و ظرفده الیوم و تمسکین اولان تا نارله  
اصطلاح لری اوزره خان اولتی و بر جمیت ندر طریقه سرحدلر  
قریب بر محله محافظه به اهتمام ایتک خضوع صبری رسکات  
همایون طرفه فنده مشا و ره و اوامر و لایق بر شخصک نصب  
و تعیین مملکت ایلد اولوب زوم ایلد ساکن مملکتین و مبرر ایان  
استانه سعاده اخصار و داود پادشاه سرایده بو خصوص قرار کیر  
نظام اولتی ضعیفه علما و رجال اجتماعیه بلنفس شهر یازار  
اطوار دخی محل مدد کوره سوئی رهوار عز و اعتبار ایتلریدی  
هر کجیت حضور همایونده اطرافیه سوا بلیشیلوب آخر کار  
خاتلق مقصود کرایده قرار ایدوب فی الحال دوش استیالی لشرف  
لطیف ایلد تزین و فالفا یله قریم کرای زاده بختکرای سلطان  
تعیین اولوب قریم خلقتک مسقوا و ایلد واقع اولان معاهده  
ضروریه لری تدبیر و او اولکة نک کالاول مملکت پادشاهی به التماس  
مدار اولور تدبیرک قوتدن فعلیه ایصالی خصوصیتی یکان یکان افاده  
و تدبیر اولوب جمله منی مظهر صنوف الطاف اوله رقی جفتلرینه  
رخصت یاب عود و انصراف اولدیلر مقصود کرای شان قریمده  
اولان تا نارک الغای معاهده منی قوم چرا کشته فی اغرا ایلد حاصل  
اوله جفتی اشرا ب و قریم کرای خاک اوغلی محمد کرای سلطانک

\*



اوپر فہ تو جہنی استصواب ایدوب قایل مذکورہ ورجلب  
 و تالیف واعداد اولیان انعامات شاہانہ فی توحید و ارادہ سنیہ فی  
 تعریف ایچون خاصہ سلطوز رندن کورچی علی اغا سلطان  
 موی الہہ رفیق و عزیمت لرندہ ترک تعویق اولنمشیدی قریم  
 اطہ سی کفار الہ مالامال و سواحل نرطونانک اکثر محلی  
 آبادی مخوسہ لرندہ اولدیغی ظاہر حال اولدیغندن خبری بخیر سیاحہ  
 مسعود سنیہ لرینک کشت و کداری بن الناس شایع و بوملا سہ الہ  
 طریقاری متقاطع اولدیغی اعدار الہ اون یکدن متخیا و ناناار  
 واجناس مخلوقاتدن متر کتب آد ملر الہ شعی بہ ایلغار ایلد کلری  
 معلوم صدر غیر شاعر اولمسلہ مشتائشین اولنلرک تدارک زاد لرندہ  
 رجت واصل درجہ نہایت اولمشکن شوقدر مخلوقہ تعیین یلشد رمل  
 طوق استطاعتدن خارج اولوب ہر چند خان چسا یلرینک  
 ضیق مکان و عدم مساعدہ وقت و زمان الہ شانلرینہ موافق اکرام  
 ممکن اولہ مہ جفی مرہ بعد اخری طر قاریتہ افہام و سواحل  
 طونادہ مختار لری اولان محلہ ارام ایلری ارام اولمشکن قصد  
 زیارت و شمنایر منعمت ارادہ سبیلہ علاقہ میل کلی نظم بار  
 و ناچار پیادہ مقابلہ حبسی عطسا اللہ بک افندی مہمہ تدارک الہ  
 طر فہ بسیار اولنوب معینندہ اولان بیک قدر منیر زایان و نیلا طین  
 و سایر افراد تاتاری موی الہ اطراف قصہ دہ واقع قرایہ اولولوازم  
 و حواج ضروریہ لرینک ایضا ایلدی خان یسان اولندیغی کچی  
 ملاقات ایچون شعی بہ کلمہ حکمی انہا و بردوش ات الہ کتخدانک  
 استقبالیتم کیدوب یارم ساعت محلدہ نصب اولیان بکاک  
 حیمہ سنیہ واصل و صیدر اعظم دخی رستم تر حجب و استقبال  
 سیافندہ معنون الای الہ محل محل مذکورہ نازل اولوب خان  
 دخی ورود و رستم خوش آمدی ایلدندن صکرہ ہمیشان سہرای  
 اصنی بہ ککوب نصف ساعت قعود و بعد ذلک اعداد اولیان  
 قوناغہ نزول الہ ہستند استراحتہ صعود ایلدی مشار الہہ جنوز  
 تعیین مکان اولنبد یغیندن بو خصوص ککند و لر الہ ہذا کرہ  
 و ہر طرفک کیفیتی ضمیمہ ہر ضکار مشورت ادارہ اولندیغندہ  
 اجماع نہر سببی الہ روسجق طر قاریتہ کبر اعدا ملحوظ اولدیغنی  
 اشعیان و قصہ مذکورہ دہ اختیار مشتائمناسب اولدیغنی

تذکار ایدوب رأی استصواب و بوندن صکرہ بش اون کون  
 اقامت و خواستکار رخصت ذہاب اولوب اردوی ہمایون  
 خرینہ سندن اون بش بیک غروش و برثوب سمور و تکرار مزین  
 براسب صبار فشار تقدیمندن صکرہ غبطہ زن محاسب خلج و نوشاد  
 واتش انداز قلوب زہاد و محرز ہروق جساد اولان درت نغرتازہ رو  
 اوغلارینہ کور کلر الباس اولنوب رمضانک بکرمی بدنجی کونی  
 ایغای رسم تودیع و کلد صکرہ ہیئت الہ تشیع اولندیلر  
 بقیہ احوال خان (مشار الہک دایرہ و حوا شیمہ لازم کلان  
 تعییناتک ادارہ سنی ضمیمہ اردوی ہمایونندہ با شہابی قولی  
 اولان بکچشم محمد اغا تبیین اولنوب ضعیف حال الہ بو مضلحتی  
 ادارہ دہ عاجز اولدیغنی بیان و منشبت دایمان غفوا اولدیغنی  
 باعث تہنیت غضب صدر غالب قدر اولوب عزل الہ تہریب ویرینہ  
 ساربان با شعی بولنان احمد افندی تقریب اولنمشیدی خان  
 ہر طر قدن سیراب زلال پرواحسان اولوب ہر حالہ مقتضای  
 وقت و حالہ نظر الہ بولدیغنی بیوب موجودہ قناعت لازم ایکن  
 اوحوالہ و جودی معدوم تفایس اطعمہ بہ حریص و طالب شعی  
 غیر رخص اولوب باشندہ اولان ہوا پرستند دخی تحریر کدن خالی  
 اولمہ رق جابجناد وانی تصدیع و نزل امینی مواخذہ و تفریح  
 ایدوب بو حال سردار اکرمہ ایراث اندوہ و ساقیت و بالآخرہ  
 تعییناترینی بدلہ قطع ایدوب بہرماہ اونوز بش بیک غروش خرینہ  
 ربط و طرفتہ اہمات الہ کسب راحت ایشیدی انجق باشیندہ  
 اولان خشرات بوکافقاعت ایچوب ہلاکو عسکری کچی قرب وجوار دہ  
 اولان قرابی حرا بہ زار و طالب شعی موجود و معدوم الہ سکاتی  
 کرفشار چار مولجہ ہم اضطراب ایلد کارندن غیری بدل مذکورزی  
 استقلال و طلب زاید الہ اردو خلفی اشغال ابتد ککری  
 رسیدہ مسافعہ ہمایون و سبب انفعال کونا کون اووب مقدا  
 حضور ہمایون لرندہ منعقد اولان مجلس خطیردہ کند و لرینک خانلغہ  
 انتخابی قریم اولکہ سندہ ککابن اقوام تاتارک استجلا بیلہ میانہ لرندہ  
 حر نوط معاہدہ نک قسطنطنیہ و ایام شتادہ سواحل محافظہ سندہ و امکان  
 مساعد اولدیغنی حالہ اعدانک بولندیغنی محللہ ہجوم ایتک و برقاج  
 سندہ دن برو نیچہ خزائن صرف و رعایادہ دخی طاقت قالمیوب چین

\*



اقامنده ممکن ایله اداره امور ایتک عیسایینه منی اولوب بولمکان  
ایداخته طایفه نسیان و تکلیف مالایطاسق ایله تحصیل استیباب  
راحت و سامان و بیا خصوص معینانده بولنسان لندال ناس فقرای  
چور بقیاس ایله افزاس ایدوب فیما بعد بوطور غیر مالوف  
مصرف و حضورده واقع اولان عهد معروف اوزره ابراز خدمات  
میز و زه به سعی ایله عوارف سنیه و نه محفوف اولملری و حفظ دایره  
ایله چوارده واقع فقرای نجابت و مؤتمن اولوب رعایای متضرر  
ایدملری طرد و تبعید ایلله سز دیور قطع خط همایون شرفرین  
وزیر اولوب صدر اعظم طرفدن مشارالیه ارسال و بوسله  
ایله یاشینده اولان خلقی دورباش تائیده ایله طوق طایفه ادخال  
ایلدی (باخراج مواجب) بوسلر عبرت اشتیالده کثرت مصارف  
و روزگار روزگارین مشاهده اولنان وضع مخالف سینی ایله قسطن  
قواچینه مرتب اولان مبالغ امورمه به صرف و استهلاک اولنوب  
یوانه دتک مواجب قبول تأخر و بوسله او جاغلواظم سار تضرع ایدوب  
ره صیانت شریفک تکریمی سکرینچی کونی بر قسط مواجب دستیار  
صدر سنی المناقب ایله اخراج و توزیع و راتبه خواران دولتک جهت  
تعیملری توسیع اولندی (رئیس الکتاب شدن الحاج عبدالزاق  
افندی) اردوی همایونده بالفعل رئیس الکتاب اولان محمد رجایی افندی  
بر زماندن بزوان فعالیت نفسانیه و انقلابات سفیره ایلله جلیله  
صحتدن دور و اوج ماهدن بروملازمت باب عالیدن همجور اولوب  
فاخر استانه سعادتیه عزیمت ایچون استبدادی رخصت ایشیدی  
فی الاصل مکتوبی عبدالزاق افندیک مستند زیاسته اعتلاسی  
طرف همایوندن صدر اعظم طرفه خفیه فرمان و مومی الیمک  
منزله علم و عرفان و درجه عقل و ادعای معلوم قامی و دانی  
اولد یغندن اوربیه منعه به استحقاقی نزد صداریتینا هیله دخی  
بالتجربة و الامتحان نمایان اولوب شوالک اون ایشی کونی فیک  
کتابه رئیس و فیک دولته رجس اولدی تذبذب افندی مومی  
ایله زاعیب پاشا صدرارنده آتخدا بولنان کاشف محمد افندی به کسب  
تعلق ایدنلره نفوق ایدوب ضرب نطق و اداره آلام بدیع الانبیا  
ایله افندی مومی الیمه تقریب و یکدیگر ایله توالف و تجد ایدوب ایدر  
ایدی برضکون صدر اعظمه شو عبدالزاق افندی بکه تاز میدان

معرفت و وفور علم و هیز ایله استیاق غایات درایت اولد یغندن بشقه  
پدری رئیس الحجاج مصطفی افندی ایلله برمدت باب عالیده مرافقت  
و میانه کرده حقوق را سخته سبقت ایدوب بوقوچیه تده باب عالی به  
تقریب و تذکره جیلک ایلله مومی الیمه تطریب بیورسکن اهل پروراک  
و حقوقه رعایت ایتش اولور دیکر دیدکده فی الحقیقه پدر ایلله رابطه  
بند دست الفت اولان حقوق فراموش اولنوب کند و سنک دخی ماهیت  
و حیثیتی مؤتمن و معلوم مدر و اتحق انسانه نصف دولتن محدود  
اولان جناسمت وجود دن مجر و م اولوب ایلله بودور و قصیر القامه  
چلبی بی محل هیت اولان دیوان عالی خدمته توصیل سخره ارباب  
مصالح اوله جعفری ایجاب ایدر دیکله قطع رشته قال و قبل ایلدیکی  
توتیافته صحت روا بیدر حق جل و علا اضیف مخلوقات اولان  
مورحقیری حضرت سلیمان کی بر پیغمبر دیشانک شرف مخاطباتی ایلله موقر  
ایدوب بین الناس من جهة المخلوقیه تساوی مقرر ایکن افرید کار  
صنع جبار اولانلره عین حقار تله نظر شایسته تعریف ایها مبدن  
عقیری بر معنی افاده ایجه جکی جز مکرده ارباب استدلال و نظر در  
سبحان من لا یقدران یشازعه فی امره احد حقوق کچمدن افندی  
مومی الیمه مکتوبی اوسر مچیر ایکن تذکره حی و نه مکتوبی اولد یغندن  
فضله عظما ی رجالک سنیه چالک حسرت و اشتیاق اولد قاری  
حضور مستوجب السرور شاهانه به رخصت باب مشول و رفاج  
دفعه شرف مخاطبات ایلله محسود ارباب رد و قبول اولد یغندن بشقه  
ایکی دفعه رئیس الکتاب منیع الجناب او اوب نفوذ و اعتبار ایلله  
مرکز دایره امور و مشارکت غیردن سلام اوله رق مدار عقد  
و حل خطوب جمهور اولدی فی الحقیقه ذات بدیع الصفای بر جوهر  
نایاب و ذهن وفادی کجینه کشای رای صواب اولوب او غور دولته  
چنان فدا و استقامتده مفرد علم کی ندا اولنور بر ذات یکا ایدی  
سیر عسکر شدن و ز برخلیل پاشا بجز سیاه و حوا دیات ساریه  
دشمن ضلالت سواحل طونا و فریم اولکده سنی استیلا حسنبیله اوله سارده  
موجود اولان کیکلری بجز سیاهیه اخراج و بعض محملری تاراج ایلله  
اهل اسلام کیکلرینه اولان تبحار و سفره ملور لی ازعاج ایلله چکری  
ظواهر حالدن استیلاط و استخراج اولنوب بومقالات حضور  
مواهب محصور شاهانه ده رفاج دفعه زبان آور ارباب نمکین



و ثبات اولوب بشاء عليه بوسال فرخفاده ترتيب اولنه جق سفا بك  
 نقرانی تكثير و او زر لینه بر سر عسكر نصبي تدبير اولنوب بوكيفيت  
 طرف جم انبا بدن سردار اكرم طرفه تخریر اولنوب بوجده منه  
 لایق و جدير اولان بلغراد محافظی وزیر خایلك پاشا نك استانه طرفه  
 قیسری تیه و بو ترتیب نزد صدارت رسیده دخی بر امر و جمع  
 کوزلب ب بلغراد و دخی محافظی وزیر محمد پاشایه تواجیه و بلغراد  
 وصولی کونی خلیل پاشا نك رکاب طرفه بلوونی مؤکدا ایما اولنوب  
 بطاعتی شدن تحذیر و تنزیه اولندی و دخی سرحدی مقبله اعدایه  
 واقع اولوب حفظ و حراستی من اهم المهمات و بر او بر ستوده  
 تدبیر تعیین ایله مدافعه و تجاوز اهتمام خولی کورد ضمیر صدر  
 و لامقام اولفله نیکولی محافظه شنده اولان قایم مقام الحاج  
 احمد پاشا بومصلحت اری ویشه زار جلادتک غضنفری اوایوب  
 محافظه مذکور به مأموریتی استکسان و بر این اقدام وصولی  
 یافته اصمدار امر عالیشان قیلندی و بو تصرفات ایله نیکولی  
 محافظت خالی و بجه جی تحفیندی وزیر المید احمد پاشا نك  
 او طرفه تعیین اولمیشله تحصیل اطمینان اهایلی قیلندی و غایت  
 غیری طوثرقان محافظه شنده دخی اما سیدلی خلیل پاشا نك سال  
 و مهمما امکن او طرفلک اسباب استحکامی استحصال اولندی  
 خلیل پاشا بلغراد دق حركت و سیر سرع ایله استان به کلوب  
 اموری زوایت و دوغما سفاخی دخی تجمیر اولنوب بحر سباه  
 سر عسکری خلعتی حضور شاهانه ده اکسادن صکره مامور  
 اولدیغی صنوبه سکان غریبی تهریر ایلندی و بر اینکی سباه دن پرو  
 وزیر عیدنی پاشا نك وقوع بولان محاربه زده طرف و تلبیس  
 و عشق و خلدیل هر نه به مالک اولدیغی ضلایع و نایب اولوب  
 الحاله عده بارار جق و خرسوه و با باطای اطرافنی محارسه به مامور  
 و غیر جهته اقدامی و طلب اولوب صلیب الضد ورا اولفله ممکن غریبه  
 اعانه ایله مضایقه سکی متدفع و لوجیل متصدیجی درونه واقع  
 اولقی خلی ایله متصرف اولدیغی روم ایلی ایالتی دخی قبیل  
 توجیهاته ایضا اولد رقی ایستادال منصب خشقی دار و نیدن مرتفع  
 قیلندی (آمدن قوجیل روایتا از پشایب پرتو دق و ظهور مکتوب  
 مارشال) فعال ماینا اولان جناب مولی بوعالم کون و فسادنی

نوع نی ادم ایله آباد ایدوب طبایع بشر به عناصر منضاه دن  
 مرکب اولدیغنه بشاء عداوت و مخالفت بومخلوقنده سبب  
 و طبیعت اولفله وقت بوقت ذواتر میباندند حدوت ایدن جنک  
 بر امر حکمی کوزیلور الحق عالم نسق واحد اوزره برقرار اولوب  
 ایام جنک هر تقدیر متادی اولشده دخی روی بسط غیراده ممکن اولان  
 طوایف ناسه کاه راحت و کاه مشقت و کاه جنک و مهمات  
 عارضه دخی سر بر آورده ظهور اوله جق اتقالات احوال عالیدن تجربه  
 و استدلال اولمشدر لاجرم دولت علیه ایله روضه لویننده ظهور  
 ایدن جنک و لشوایک مبدل صفوت اولشده اراده جناب حق تعلقی  
 ایدوب کاه متار که و کاه محاوره اولنه رقی اصلاح ذات البین  
 و اندفاع تشا فرجایین مقدماتی ظهوره باشلندی تفصیلی بو که  
 روضه لوینو محاربه نك وقوعی قرانچه لونك نفاق و تزویرنه حل ایدوب  
 دولت علیه دخی خصمه سفاین ایله امداد ایتمک جنایینی علت  
 و انکیز لو دن سلب امتیاز ایتمکله نمجه لو بوباید به بر طرف اولدیغنی  
 انما ایله توسط استدعا و پرو سنا دولتی دخی طرف سلطنه میل  
 و رکون اظهار ایدوب نمجه لو ایله بوباید به مشارکت و لطف و عطف  
 ایله امر مصالحه به شمیر سابق غیرت ایده جنکری استانه ده مقیم  
 ایچلیرینه اشارت ایتمیشلر ایدی دولت علیه نك بقای شایله  
 مصالحته موافق مشار که به نظام و بر ماری تسویغ ورجارینه  
 مساعده سدر یغ قیلنوب سکان التي سنه سنك ابتدای صیقندن  
 اوچ ماه انقضا سنه دك متار که بذرفه نظام و سیف خصوصت  
 در نیام قیلمق مذاکراتی پرتو بر قده قرار صکیر اولوب بویام ایله  
 پرو سنا لونك بر نقر مایوری استان به هریمت ایچون مرشال  
 اردوسنه کلوب مسطور طرفندن دخی بدبته مکتوب اعطا واردوی  
 هما بونه کلوب ماده به وقوف عقبنده استان به سعاده اسرا اولندی  
 وفات دفتر دار شق اول) علت جنون ایله بوندن اقدام دایره دفتریدن  
 بیرون اولان عصمت علی افندی یرینه مقرون اولان الحاج اسمعیل  
 افندی دخی فقد نقد ایله متخیر و اداره امور دفتریده عاجز و مضطر  
 اولوب کیدرک سابق کی مبتلای سودا و اسیر فرارنج و عنا ویش  
 ماه بوشال ایله امرار صبح و مسا ایدوب عاقبت خرمن غمری تلف  
 شده صرصر اجل و دی القمه نك بکر منجی کونی زیر زمین موسمی ایله

\*



مسکن و محل اولدی. رؤیت امور دفتری کیم تکلیف اولدیسه  
احوال سلفه نظر الیه فریاد و دفعی بایسته اطرافدن اسمداد  
ایدرلایدی. مالیه تذکره حبسی درویش محمد افندیده  
وجود قابلیت و مزید شوق و رغبت معلوم صدر ستوده حضرت  
اولد یغنه بناء فرداسی قویه دعوت و شوق اولد دفتر دارائی خلعتیه  
ممنون لطف و مکرمت قبلندی. دفتر دار حدید برقا چکون مرورندن  
صکره جوان قصیه ده واقع حدید یغنه صدر اعظم حضرت تازی  
دعوت و مشارالیه دخی تنزلا محل مر قومه رغبت ایدوب افندی  
مومی الیه تشاول طعامدن صکره و راس اسیر مین الیه جامه رقیق  
تجدید و حیات با مجلس اولان ذوات مشخصه به دخی مناسب  
هدایا اعطاسیله حب و شفقتین افزون و مزید ایلدی. لوازم  
دعوتدن اولان آلات سازه و حضره مخصوص صوت و آوازه  
سردار اکرم اعتبار ایوب حدیقه مذکورده ده شغل کارزار  
و استحصال جهت غلبه دشمن مکار محنتله وقت گذار و حین  
حرکتلریده دفتر دار افندی بی برثوب سمور الیه وایه کیر افتخار ایلدیلر  
دفتر دار مرحوم استانه ده تولد الیه فارقی میان مجهول و معلوم  
اولدقده باش محاسبه قلمنه یکریمی اوج سنه مداوم و تمس طغوز  
تاریخنده ذمت خلیفه لکی الیه مظهر مکارم اولوب سکسان بش  
سنه سنه شوق اولد دفتر دار لغیه یکام و تاریخ مذکورده دایق جام  
جسام اولدی (آمدن خزینه و وفات الحاج احمد پاشا) سردار اکرم  
مشایه دخولی ترتیبات مفریه به شروع و فته تصادف ایدوب بوسیله  
مضارف کثرتی وارد و خزینه سنه اخه نک کال قلی معلوم حضرت  
جهاندار ی اولد یغنه بناء امر مهم سفره صرف اولتیق ایچون  
التون اوله رق یک اوچوز کبسه خزینه همایوندن افزار اولوب  
فیوجی باشی نوح یک الیه مشایه ارسال وارد و خزینه سنه ادخال  
اولندی. و دین محافظه سی توجیه اولنان احمد پاشا پادر رکاب  
هزیمت ایکن بعض امراض برج بدین اشتقاق ایدوب ماه مر قو مک  
یکری سکرچی کونی قونی خبری رسیده سمع صدار تنه می اولدقده  
پوسحق سر عسکری عزت احمد پاشایه و دین محافظتی و طاعتی  
وزیر علی پاشایه سلسره ابائیه روسحق سر عسکر لکی نفویض  
و بر آن اقدام حرکت و خدمت ماموره رینه قیام ایللری اغرا

و تحریض اولندی. متوفای مشارالیه ایلحصان سیکاندن اولوب  
بر زمان طشره زده کشت و گذار و استانبوله کلوب بوستانیان  
اوجاخنه دخول الیه مترصد مساعده روزگار اولمشیدی  
کیدرک بوستانچی باشلیق الیه سرافراز و بعد العزل امانت صره  
ایله مختار راه حجاز اولوب عودتی عقبنده چاوشباشلیق و برمدتن  
صکره میراخورلق الیه کامکار و سفر هنگامنده صدر اعظم  
کتختا لغیه نامدار اولمشیدی. سکسان اوج سنه سنه عزل  
ایله استانه به عزیمت و برمدتن صکره نایل وزارت اولوب  
سلحدار محمد پاشایه قائم مقام و بعده طونا سواحل محافظه سیله  
اوطر قله عطف زمام ایدوب تاریخ مذکورده فوت و مدهوش  
سکرت موت اولدی. نیکولی قصیه سنه سنه مدفون و مقامه  
مناسب سوز بولور و وزیر ظاهر السکون اولوب بسین الناس اولیا  
و سر خوش احمد پاشا لقب الیه اشتهار بولمشیدی (ظهور  
تشریفات بجانب سردار اکرم) مقدم بعض تصرفات الیه  
اوجفلونک ایکی قسط مواجیلری تبیم و برلورینه تقسیم اولد یغنی  
معروض سده شهر یار جم خدمت قبلندی. مشار الیه  
بو مصلحت عظیمه بی وقت حاله تطبیق الیه تنسیق علامت توفیق  
اولد یغندن درون الهام مشحون جهانداریده نشاط و مرآت  
تمایل حقایق اشیا اولان مرات تابناک شهر یار بلرنده صور انبساط  
روما اولغله محض مشار الیهی تلطف و تفسیرات بنده  
نوازی الیه تشریف اراده سنه سنه برثوب اعلی سمور و بر خنجر  
بحوره و محکوب خط بدیع الاسلوب عبدالله پاشا زاده سعید یک الیه  
مشتای اردوی همایونه شرف رسان و رود اولوب معتاد اوزره  
استقبال و سرای عالی به الای الیه ایصال اولوب صدر اعظم  
و سردار اکرم سمور قایض السروری زیور دوش اقبال و خنجر  
تربا جوهری زیب میان بند اجلال ایدوب قسطنین مواجیل  
اولو جمله اداره و توزیعی موجب تحسین اولد یغنی متبیین و امور  
سفریه به کابینگی اقدام و همت اولتیق و صاباسنی متضمن خط  
همایون دخی تحریک لب ادب الیه اهل دیوانه اسماع و جله سی  
اوغور شاهانه ده بذل وجود ایده چکری امرنده تواقوه واجاع  
ایلدیلر (عودت فوجیال پروسجا) مصلحت صلحه دایر اخبار الیه



اردوی هسایونه ورود ایدوب سر بهیستانه به ارسال اولسان  
شخص استانه دن عودت ورجایه اطلاق اولان برنفر روسیه  
او قیباله مشتایه رجعب ایدوب مسفوره ورفیقه خرچراه اعطا  
اولنه رقی روسیه مرشالی طرفه اعاده و مرشال مرسومه طرف  
صدار تینا هیدن بر قطعه مکتوب دخی فرستاده اولندی ( ابقای  
اغای یکچیریان در کاه عالی و بعضی توجیهات ) رتبه والای  
وزارتله بالفعل یکچیری اغامی اولان سلیمان پاشا نك ضبط  
نفرات و نادیب حشرانده جلوه ککر مجلای ظهور اولان همت  
عالمندی هر حالده رضای دولته موافق و روش و رقتاری  
مزاج فیض امتزاج شاهانه به مطابق اولد یغندن غیری مقدمه کرارا  
و مرارایت صحیفه بیان قلند یغی وجه اوزره کوشمال اشقیاناً دیب  
ارباب یغی و شقاده ید طولی کوسزوب بوسیله ابقا سنه اراده مناج  
افاده ملوکانه تعلق ایتمک شوالک اون برنجی کونی قویه دعوت  
اولنوب منکب استحقاقی فروه سمور ایله ترین و فیما بعد تنظیم  
امور او جاغ عامره ایله بقیه سرکشان او جاغی قهر و استیصاله  
تقید و اهتمام ایلمی طرف سردار اگر میدان بوجه تاکید توصیه  
و تلقین اولندی مشار الیه دخی حد ذاتنده اظهار فرط جسارت  
و علمدار و سر دنگچدی اغامی اوله رقی روم ایلی والبسی قتله سنی  
و بازار جفده پرده برون حرکته مبادرت و سوا حلقه ادنی بهانه ایله  
ایفاظ فتنه و آشوبه مباشرت ایدنلری بک پک اخذ و خفیه استیصال  
و پیرامن اردو سننده واقع حفره له القبا ایله بالاده ایما اولندی یغی  
اوزره قویو بی سلیمان پاشا نامیله شهرتقا اولدی یوم مذکور ک  
فرداسی مناصب و زرای عظام ابقا اولنوب فقط خداوند کار  
سنجاغی سلسله محافظی وزیر سید حسن پاشا به توجیه و برابری  
سنجاغانی محمل ایله سفر بر اولان ایکی نفر میر میرانک حاللری  
ترقیه اولندی امانت دفتر خاقانی ایله وحدتی بکر بک نایل سرور  
و شادمانی و روز نامه اول منصبی ایله محاسبه اول ابراهیم  
لطیف افندی دلشاد و خرم و محاسبه اول ایله پشاه سلیمان افندی  
مظهر لطف و کرم اولوب سپاه کانی ایکی بیک غروش عطیه ایله  
سلیمان فیضی افندی به احسان و یکچیری کانی ایله لاله لی مصطفی  
افندی خندان و سلحدار کانی بکر پاشا زاده عطا الله بک افندی به

تغویض و موقوفه تاجلیق ایله غریبه جیلر کانی بهجت زاده مصطفی  
افندی نگاه نوازش ایله ترمیض اولنوب بی ماء سید دخی بوجه  
مناسب سفر بر اولنلار توجیه ایله طی دفتر اولندی صدر سابق  
سلحدار محمد پاشا نك وزارت ابقا و تقریر و اغریبه بر منصبی ایله  
چشم اینها بی تنویر اولمشیدی و کورچستان طرفلر نه  
اختلال پیدا و او حوالده صاحب شان روز نك وجودی اقتضا  
ایلد یکنندن طر زون ایاتی رکاب طرفندن مشیار الیه رای او اوب  
امر شریفی دیواندن تحریر و طرفنده تیسیر اولندی قاضی سلطان  
قریمه کتک و اغای تعهد طرفین مقدمه مانی تمهید ایچون چرا کبی  
تسلیت اتمک و بوضو نك امکان عادی بی بولند یغی تقدیرده سواجلی  
طریق نك بر مناصب مجتهد قشلق ماموریتی بوندن افسد م حضور  
شاهانه ده منقد اولان مجلده قرار ککر ارباب رای و تدبیر  
اولمشیدی قریم اولککه سنه سنیل وصول بمنع اولد یغندن  
غیری انسداد معیار و مسالک ایله دروننده بولسا بک احوالنه  
اطلاع دخی ممکن و متصور اولد یغندن سلطان مومی ایله شنی به  
ککلوب صدر اعظم ایله ملاقات و خلعت و خراج و اسب و زین  
ایلله مظهر القیاس اولد قدن مسکوره و اربیه طرفلری حفظ  
و جراحته مامور قیو ب اتمام مصلحتی ایله اولصونه دره زن عزمت  
اولدی ( وقایع مبارکه در غلظه ) ذی القعدة نك یکرمی رنجی  
صالی کک فی غلظه ده نفر ایدن التیش درت و یکرمی ش جانتک  
بولد شایله قلم نجیب لک بزمی بر ماده ضمیمه و واقع اولان  
منافسه ری مناشد به بدل او اوب ککند بکه جمیلری مرداد  
و ایکی طرفندن متر سلسله حفریله مقبض اسر شتر و مسافر اولد قاری  
مستوع و غلظه به امد شد اید نك بحرا و براسیللری مقطوع  
اوله رقی مصالح ناس ککرتار عقده نعیمی و بوکیت ارکان  
سلطنتی شتاور در بای تفکر ایلیوب هر نقد را خیار و ضابطلری  
کلام معقول ایله الزاملرینه مشغول اولد یغریبه دخی ککار کر  
اولوب اوج ککون تو حال مستر و جنگ و آشوب مستقر او اوب  
ایجا مکار چار شباشی و سکیان باشی اغا و طرفه امرار و ایکی طرفک  
ضابطلری اضر اولنوب جمیللری بر اصد ککند اولمز ایدن اخر  
وجهله تدراکلری کور یله جکی ایما اولند قد حین محاربه ده



فلکه چیلردن برنفر دمیته یکچیلردن برنی اعدام ایندیکی ثابت  
اولوب مسفورک صلب و از الله سی ایله نزاعه فیصل و بریلوب  
بووجهله بجهیلری تفریق و میانه لری توفیق اولندی شهریار  
زمان و قهرمان قدر توان جغتارلریک سرپوش انداز حقه  
دهان اولدی لری در شهوار اطفیه بومرکه خالاند زینب  
طبقه بیسان اولدی بغی متواتر و مشهور در (بعض توجیهات) ناشی  
عبدالله افندی ایکی اوج سنه دن برنجیل و غیثه سق و ککایت  
منقلب ایله غلیل و اسنانه سعادت یولنه نکاه انداز حضرت اوله رق  
هر زمان کویای هل من سبیل اولمشیدی رقت حال و شبیه  
مرحمت و استانه سعاده کیمت اوزره نایل اذن و رخصت قیلنوب  
بهر سال طرفه و بریلان اوج یک بشیور غروش موقوف ایله سی  
کا کان طرفه احسان و ذی الحجه نک اون دردنجی کونی  
منحل اولان منصبی ایله رفعت اخمد یک فرخنده قیلنوب اناطولی  
محاسبه جیلکی ایله قبا قولتی یکی سلیمان یک تجیل و متصرف سابق  
اولان رافت مصطفی افندی ملاحظه نما ایله جبه جیلر کتابینه  
تعییل اولندی (احسان وزارت سلیمان پاشا و بعض وقایع) رشتوی  
مخاطفه سنده اولان میرمیران کرامدن اربود سلیمان پاشا برمدتن برو  
اردوی همایونده صرف تاب و توان و مامور اولدیغی محارده  
قد رقی قدر تکمیل شان دولت ابد بنیان ایدوب یک نفر پیاده  
والتیور نفر سواری بی کمد و مالندن نجر بر ایله روز حضرتدن  
قاسمه دک مامور اولدیغی محله استقرار و بمقابله ده ربه والای  
وزارتله کامکار اولتی نیازی تکرار ایدوب نیازی مساعده به مقرون  
و شرطنه ایضا ایتمک اوزره ذی الحجه نک اون بشی کونی اورنبه  
نجلیله ایله قدری افزون و یا نه سنجلیله مظهر لطف کونا کون  
اولوب بوخبر مسرت مسموعی اولدیغی کبی برادر بی ولایت  
ارسال و متعهد اولدیغی عسکری و قبیله جلب ایدوب مامور اولدیغی  
محارده اثبات وجود ایله افراد و زرادن معدود اولدی بوندن  
اقدام اردوی همایونده وقوع بولان اختلال حسیله سابر عسکری  
کی زمره طو بچیان دخی بریشان و یوفنده مهارت ظن و حساب  
اولسانلره نقصان طریان ایدوب تکثیر نفرانه پادی و نوآرمودکان  
فن مذکورک تراید شوقه سبب عادی اولتی اراده سبله شمی

قصه سی خارجیه برقاچ قطعه خیمام نصیب اولنوب صدر اعظم  
اغایاشا و دقردار افندی بی استیجاب ایله ذکر اولنان محله  
ذهاب و مقدیمه احضار اولنان طو پاری اعماله متناشرت و نشانگاه  
عدم اصنات ایله طو بچی پاشی و سنا برنفرات سر بر زمین شرم  
و خجالت اولتار ایکن در دنجی دفعه ده ذله طوب مانند اه مظلومان  
یکناه راست و سینه نشانگاه اولدیغدن مامورلر کسب مسرت  
و دفع خجالت ایلنوب هر باز تجربه و امتحان ایله اوقات گذار اولملری  
بایند جانب سردار از کریمین تلبیه و تاسکیم و علی العموم تفرانه  
عطیه لرو بریلوب جامه شوق و رغبتی تجندید اولندی (عقد  
منار که) بالاده گذارش پذیر خیمه نجر بر اولدیغی وجه اوزره  
بروسیا و نجه دولتلری عقد مصالحه توشطی سده اعلا دن رجا  
و مجرد اسایش عسکری و رعایا مقاصد یله یا لاتفاق التماسلرینه  
مساعده سنیه و رعایا اولوب انلردخی روسیه مامورلر یله ماده  
مد کوره بی بالذا کره قرار گیر نظام ایلدکری بی پایه سر بر اعلی به  
عرض و افهام ایتلار ایدی بناء علی ذلک اولان عقداد شروط  
منار کیم و تانبه مرخص و متوسطلر اجتماعیه تشدید قواعد  
مصالحه اولتی رخصتی حاوی طرف جهانداریدن برقطعه خط همایون  
شر فریزور و اولوب روسیه لو متوسط بولسان دولتلری غرض  
اولوب هر حاله طالب جزا و عوض اولملریله بوتقدیرده داعیه  
توسط ایله صلحه راغب اولان دوللردن کسب فایده زاید ایتمک  
مجزوم و طر فیه ضرر لری اصابت ایتمک غیر موهوم اولمغله  
ایکی دولت خود بخود مرخصلر تعیینله مشار که و مصالحه امر نه  
تمشیت و بر دکری حاله مشارکت و اختلاط اجانبین ترب  
ایده چک ضرر مال و ملکیدن مصون و مصالحه بی بووجهله بالتراضی  
قوتدن فعله ایصال ایتمک بو ایکی دولته هر حاله خیر محض  
اولدیغی بر امر غیر مظلوند و دیه رک قوم تاناسر بست اولتی و افلاق  
و بغدادن بوجه نصیب مصالحه دن منکره دولت علیه به رد اولتی  
ماده لری دخی اساس اوله رق در میان و مرخصلر تعیین ایلدکری بی  
بیان ایتلار ماده تاناز هر تقدیر مشکل و دشوار اید دخی  
مرخصلر بر محله کلوب اقتضاسی اوزره مکالمه به شروع ایتلری  
خصوصلریته اتفاق علما و ارکان سلطنت ایله جواز و رخصت



ویریلوب عقد شروط متار که ویریکا متفرع اولان احوال فیما بعد  
سردار اکرم وروسیه قلمر شالی ایله مخایره واستخراج اولتی  
امری خط هما یونه ادراج اولمشیدی چونکه دولت علیه من جهة  
المصارف مبتلای مشاق ضرورت ورعایا ویرایا تکالیف سفریه  
ایله گرفتار دو شاخه ضرر و خسارت اولوب مزاج عسکریده فساد  
وروز مصادفه عدم ثبات و انقیاد بر قاج سینه دن برو عجز  
اریاب اجتهاد اولوب بواسباب ایله بر مدت سیف خصام در نیام  
قیامتی ضروریات ملکیه دن اولدیغی اردوی همایون خلقت ایله  
جزما معلومی اولوب روسیه او دخی هر قدر غلبه ایله سرغای عجب  
وغرور اولدیله ایله دخی مال و عسکر جمعیله مبتلای ضررنا محصور  
و صلحه میل ور غبت مصلحت داخلیه و خارجیه لینه موافقت ایله  
دولت لرینی مجبور ایدوب امپراطور یجه تک معتبر و منظوری و محرم  
سرا پرده اموری اولان اورلوف باش مرخص و بکرمی سینه دن برو  
استانه ده قو کتخداری اولان ابرشوق ایکنجی مرخص نصب اولدیغی  
هر شالینه تحریر و اولدیغی بویکیغینی اردوی همایونه تسطیر  
ایله امر متار که تک بر آن اقدام کار بند نظام اولسنی ایهام ایشیدی  
متار که شروطی اردوی همایون دن قلمه النوب سردار اکرم طرفدن  
مرشاله ارسال و اولدیغی بر قاج کله علا و سبله برکو کیده  
و یا خود بکر شده عقد متار که اولمسنی اظهار انبساط ایله استیصال  
ولو طرفدن دخی مقابله و معامله بالجامه اظهار ایله تاکید حال  
قیلندی مقصود کرای خان اولافلرک قارشو طرفه ذهاب  
و یا بلرندن رایحه مصالحه اشتیاق و صدر اعظم ایله عسکره  
فتور عارض اولماق نبی ایله بو خطب ایمی نهفته پرده اکتام ایدوب  
ناگاه خان جنابلرندن مکتوب ورود ایدوب معینده بولسان اوج بش  
پوز ادم ایله روسیچقدن حرکت و بیکولیده اولان عسکری جمعینه  
ضم ایله قارشو طرفه القای رعب و خشیت و دشمن ایله مقاومت  
ممکن اولدیغی خالده عصاة رعایای نهب و غارت ایده جکئی تحریر  
و اشارت ایش مشار البهک تمام متار که انعقاد اولنور ایکن اظهار  
جسارت ایلسی محل تعجب واستغراب اولدیغندن فضله در دست اولان  
مصلحت افسادنی مستلزم بر امر ناصواب اولدیغی بی اریاب اولمغه  
امر متار که به شروع اولنه جغنی سرا افاده و روسیچقدن حرکت ایش ایله

برمناسب محله اعاده اولتی اوزره سلحدار کاتی عطسا الله بک  
افندی علی العجله مشار ایله طرفته فرستاده اولنوب مومی ایله  
و ازنجیه دل خان مانند برق انش افشان بیکولی حواله سینه دبدبه انداز  
طفره و عنوان و میر مومی ایله و راستندن یتشوب بوسر نهانی  
عیان و اعاده سبله مظهر نوازش صدر سامی مکان اولدی (توجه  
ایله بخنی بصدر سابق) مشار ایله مر اکب و روا حلدن ازاده  
و بو حال ایله مقدم توجه اولسان طرزونه عزیمتی ممکن اولدیغی  
اغذارتی رکاب واردوی همایون طرفته افاده ایدوب منصبی تحویل  
و ایله بخنی سنجانی توجهی ایله مظهر لطف جزیل اولدی مدینه  
منوره قضا سبله کسب شرف ایدن الماس پاشا امامی زاده حلول  
اجل موعود ایله وفات و تسلیم و ذبیعه حیثات ایدوب بقیه التي ما  
مدتی مصر قاضی بولسان حسن پاشا زاده السید محمد سعید  
افندی اتسام ایتک شرفیله یکام اولدی مکه مکرمه قضا سنک  
توجهی زمانی دخی حلول ایلدیکنه بناء حکومت مزبوره ایله شامدن  
معزول سر کاتی السید عمر افندی نایل اعز مامول اولوب مدینه  
منوره قضای دخی سیال ایلده ضبط ایتک اوزره سابقا ادرنه  
قاضی بولسان افندی زاده احمد افندی به اراده اولدی (ترفع  
رتبه قضاء خواص رقیعه) ذکر اولنان قضا بغداد رتبه سنک  
دوئنده مناصب دوریه دن اولوب بلده هر قومده زانو زده صدر  
استراحت و پرتو باش قبض و برکت اولان ذات سروشی صفاته  
حرمة و قرب سلطنت عظمی ده بولدیغنه رغبه ترفع رتبه سی  
مناسب کوریاوب دوریه مناصبندن اخراج و تخرج اعتبار ایله  
حلب و سلاطین مولو یلری میانه ادراج اولنوب تمایسی قلیل  
اولدیغنه بناء اوزنجیه آباد قضای الحاقیله تقع وجد و اسی تکبیر  
اولنوب سلیمانیه مدرسلرندن شیخ زاده السید محمد رفیع افندی به  
سکسان بش صفرنده توجه اولدی غره رمضان دن ضبط  
ایتک اوزره مصر قاهره ایله سابقا حلب قاضی راشد زاده السید  
ابراهیم ادهم افندی نایل فرحت و ججادی الاولى غره سندن  
از میر قضا سبله جالقدنی زاده عارف مصطفی افندی رفص اوز بزم  
مشرت اولوب غره شهر ربیع الاخر دن تصرفا شرفیله اسکدار  
قضای نالی قانی زاده السید احمد افندی به احسان و ججادی



الآخره غره شدند قدس شریف قضای کل احمد پاشا زاده اسمعیل بك افندی به توجیه ایله قدری موازی ابوان کیوان قبلندی عزل و نصب صدر اناتولی و توجیه ادرنه (صدازه اناتولیده برسنه قدر اجرای احکام و تصدی نقض و ابرام ایدن طاطف محمد افندی تکمیل مدت و یوم نصبندن پایه سی معتبر اولوق اوزره اناتولی قاضی عسکر لکی شیخ الاسلام اسبق اسعد افندیك مخدوم مکرملری شریف محمد افندی به توجیه و عنایت و ادرنه قضاسیله برادر زاده یعقوب افندی دفع حزن و صکابت ایلدی اسلامبول قاضی سی یحیی افندیك معناد اولان مدت حکومتی رسیده حیز انتهائیه و مکه مکرمه دن منفصل علی دامادی علی ساطع افندی غره جنادی الاخره دن استانبول قاضی لکی ایله فرسران میدان اعتلا اولدی استانبول پایه سی اولان علی پاشا زاده عبدالله بك و سابقا بروسه قاضی سی مکتوبی عبد الرحیم افندی بر برینی تعاقب ایدرك مرارت موتی ذایق و دنیا ی بی بقادن وارسته دوشاخه امنیه و صلابت اولدیلر روم ایلی قاضی عسکری اولان صالح زاده محمد امین افندی مدت عرفیه سن اتمام و عوض محمد پاشا زاده ابراهیم بك افندی مکررا صدارت روم ایلی ایله تفصیل نام ایلدی استانبول قاضی سی علی دامادی علی ساطع افندیك تعبدیل قیم و اسعار و تادیب ارباب اختکارده جهلی بدیدار و بطور و رخاوق اشکار اولدیفنه بناء استیقای مدت اتمزدن مقدم عزل ایله تنکب و نقیب الاشراف اولوب سابقا استانبول قاضی سی ایکن وضع و رفتاری مجرب بعید و قریب اولان السید ابراهیم افندی استانبول قضاسیله مکررا تطیب و شوق و غیرته وسیله زاید اولوق ایچون اناتولی پایه سیله تفریح و تطیب اولندی شام قضاسنك وقت توجیهی تقرب و شمدیدن او طریق سحیفك اسبابی تدارك و تمسینه تاهب لازم کلدیکه بناء سنه اتیه ربیع الاولی غره شدند سابقا از میر قاضی سی مقیم زاده دامادی اسماعیل افندی حاکومت شام ایله مقضی المرام اولدی سنه اتیه ربیع الاخرنده ضبط اتمك اوزره قضای حلب ایله رجب زاده محمد عارف افندی نایل مطلب و وقار آبادی زاده محمد رافع افندی قدس شریف حکومتیله سر بر آورده ارباب رتب اولدی

وقایع سنه ست وثمانین و مایه و الف مأموریت عیسی الکریم افندی بعقد متارککه ( بین الدولتین رابطه بند نظام اوله حق مصالحه به مقدمه اولان مشار که نک بران اقدام پذیرفته حسن ختام اولسی طرفیندن بالخیاره قرار گیر مذاکره اولوب ایکی طرف هر خصلری برکوبیده اجتماع و مکالمه به شروع ایله دفع جنگ و نزاع اتمك بحاویه سی دخی انقطاع اوزره اولوب لاجرم سواری مقابله جنبی اولان عبد الکریم افندی متارککه خدمته تعیین و بدینه رخصت نامه و بریلوب کافه مؤتی طرف میریدن رؤیت و مصلحتی نهوین اولند یغندن بشقه دولت علیه ایله دول نصاری میاندیده رشته بند استحکام اولان عهد و شروط بالممارسه اکسباب علم اجمالی ایدن دیوان قلمی کبسه داری دری افندی دخی مومی الیه همدوش مراقت و محرم الحرامک بشیخی کونی برکوکوی طرفنه عنایتاب توجه و عزیمت اولدیلر (حقه) بقای شان سلطنت ستمیه ایله عقد شروط نهادنت اکبر چه منوی ضمیر ارکان دولت اولوب انجق نتیجه مکالمه مجهول مطلق و حصول مصالحه باز بسته امر جناب حق اولوب ژا ژ خایان اعدادن تکلیف مالا بطاق معاملاتیله انعقاد صلح مقدر اولدیفنی تقدیرده لاحاله اعاده حرب اقتضا ایدوب بوصورتنه جمع عسکر کرده اظهار کسل و توانی باعث ندامت و پشیمانی اوله یغندن بشقه اوازه متارککه عواقب اموردن غافل اولان عسکرینک دهلیز سامعه لرینه داخل اولغله ضروری ترک سرعت و استیجال و وقتیه بمعسکر همایونه عدم وصول لری من اغلب الاحتمال اولوب بنابرین اولبهاره ترتیب اولنسان جنود موحدینک بران اقدام موکب سردار اکریمی به التماس قلمی بابتده هر طرفه امر غالبشان شرفصدور و سلاطینک متصرفی وزیر ابراهیم پاشا سوق عساکره مأمور اولدی یوتدیر دلدیزدن صکره تاکید الحالی نوع آصفی دخی قانون اوزره اخراج و اغرای عسکری طریقه سنه انتهای اولندی ( ختام امر متارکه متارککه به مرخص تعیین اولنسان عبد الکریم افندی و معینده اولان دری افندی و دیوان ترجیاتی اسکرلت روسیجه وصول یولوب وصول لرینی قارشو طرفه اخبار و روسیه لوطرفندن تعیین اولنسان سیولین نام شخصدن فی الحال ادم کلوب وقت



مرور درین استفسار ایتمشیدی افندی مومی الیه دخی شهر  
مذکورک اونی التبعی کونی فارشویه کچه جکئی افاده واد مبینی  
اعاده الیه بوم مذکورده برکوکی طرفته عبور و قصبه دن بر ساعت  
ایلووده نصب اوانسان خیامه نزول عقیده برکوکید اولان  
جنرال طرفندن وخرخص اولان سیمولین جانندن رسم خوش امدی  
اجرا وخدمته اولتی ایچون قرق نفر فطنه و بزفر مایور ارسالیه  
حقوق رعایتی ادا ایلدیلر ایکی اوچ کون صکره روسیه خیرخصی  
ایله بریره کلوب بربریه اجرای حسن معامله و رخصت نامه لری مبادله  
و فرداسی مکالمه به شروع و مبادله لنده اوتوز کون قدر منافعه  
وقوع بولوب عمل نزاع اولان مواد و تحت الشروط مضمر اولان  
فساد چیره دستی سردار اکرمی الیه جرح و تعدیل و قبولی تمتع  
اولان ایرادات دلائل عقلیه الیه سمت صلاحه تحویل اولنه رقی صورت  
توافق تحصیل اولنوب صفرا الحیرک یدنجی کونی تمسک ترقیم و تختم  
ویکدی بکره تسلیم و سردار اکرم و مرشال طرفلرندن دخی  
تصدیق نامه لری باز یابوب فصلت متارک که تیم اولندی بوندن  
صکره رسم مهادنه مباشرت و افندی مومی الیه و معینده اولنلره  
بروجه تفاوت اوچ طلوم سمور و بریلوب بزوطر قدن دخی روسیه  
مرخصه برد و نامش آت و سرکاتیرینه بیک غروش و تر جانلرینه  
یدینوز غروش اعطا و رسم وداع ایفاسیله ننان فر اجهت ارضا  
اولندی افندی مومی الیهک خدمتی استخسان و بر فرود سمور  
ایله مظهر احسان قیلند بندن بشقه باش محاسبه پایه سیله محسود  
الافران و دیوان ککسه داری دخی بوم ملاجه الیه داخل  
قطار خواجکان اولدی ( ذکر شروط متارک که شرط اول  
ایکی عسکر بولند قیلری محالده بخار به بی ترک ایده ل شرط ثانی  
روم محقق و برکوکید اولان رؤسای عسکره امضای سند  
عقیده خیر و بریلوب اناطولی و روم ایلی عسکره دخی بعد لری  
کوره افاده حال اولنه شرط ثالث طرفین عسکری مدت متارک ده  
حالی اوزره قلوب سواحل طوناده بولنسان طرفین عسکری  
دولتاری طرفندن تعیین حدود اولنجیه دک نهر طونا حد فاصل  
اولوب مجزدا اینه احداث اولنوب تخرب اولنسان رلر و با خصوص  
با باطاعی و طو لخی و ایساجی و ماچین و خرسوه تعمیر اولنوب

حالی اوزره ترک اولنه ل شرط رابع متارک که عقدنه روسیه او  
طرفندن مخص اولان کسه به استانه به واندن بحر سفیده واقع  
روسیه د و نماسی سر کرده سنه متارک بی اعلان ایچون رخصت  
و بریلوب سر کرده مسفور دخی دولت علیه د و نماسیله  
امر متارک به نظام و یزوب سواحل و قریه دولت علیه طرفندن  
خیر ارسالیه طونا و طورله بوغازلرینه اسلام کیلری کیر میوب  
کاشان کان قریم سواحل لیمانلرینه دخی ذکر ای شر و طندن  
ماعدایلا ضروره کورنجه ل و طونا نهرنده موجود اولان سفایک  
حد تعیین اولنسان نهر کیر زده طول و عرض آمد و رفتلرینه ممانعت  
اولنوب طرفین خلقی مینا لند حد و ثایدن نزاع ضابطلری  
معرفیه عدالت اوزره فصل و لازم کلان تأدیبری اجرا اولنه  
شرط خامس اوزی و قلیرون قلعه لریه متارک تمشیتی خبری  
وصولندن صکره عسکر و مهمات سفر به ارسال اولنوب ذخیره  
ارسالی جایز اوله شرط سادس ذخایر الیه محمول سفاین مخالف  
هوا و آخر کونه قبضا الیه قریم سواحلنه و فارشوسنده واقع  
بسر ایله طرفندن قریه دوشرا یسه تخلیصه و جوهله امانت اولنوب  
مرور لریه ممانعت اولنجه شرط سابع طونا و قریم و بستر ایله  
طرفلرینه ذخیره الیه محمول روسیه سفینه سی دخی قضا دولت  
علیه حدودنه دوشرا یسه اهالی تخلیصه و دفع مضایقه لریه سعی  
ایله مرور لریه مانع اولمه ل شرط ثامن ککرجستان و قویان  
و سایر اناطولی طرفلرینه واقع ایکی طرفک عسکره متارک که خبری  
وصولنده اهالی و عسکرلری شروط متارک که به رعایت و هر شهر  
و قلعه و سایر محالار کیلرک یدلرند ایسه اوجال الیه قلوب تعیین  
حدود اقتضا ایدن محالده شروط متارک که مری اوله شرط ناسم  
اشق و مهادنه نک مدتی بغداد و افلاق و بوجاق و قریم و قویان  
و سایر طرفینک اراضیسنده بلا استثنا و کذک قریه ذکر  
صورتده مصالحه مخصلری عقد مجلس ایدنجیه دک طرفین  
سرا عسکرلرینک اتفاقیه متارک که نک امتدادی جایز اوله و اما کن  
بعید هیه بو خبرک علی الفور ابلاغی ممکن اولوب مواضع قریه به  
قیاس اولنجه رقی مدتاری بوسنه نک تشرین اولی ابتدا سنه دک  
نمتد اوله ( نهضت سردار اکرم ایچرای شمی ) موکب همایونه



مرتب اولان عسا كرك نوروزدن اول ورودلى مقدما مشاير  
سلطاني ايله تعجيل و متار كه بهانه سبيله متاخر اولنلر اشد عقوبت  
ايله تنكيل اولنه جفلىرى تفصيل اولديغنه بشاء جيله سى مثل  
امر وفرمان و فوج فوج شنى به طوغرو توجه ايلد كلىرى  
واصل سمع ايقان اولديغنه بشاء سردارا كرم حضرت تليك دى  
برآن اقدم شنى صحرانده ضرب خيام ايله اجراى لازمه نفى  
وابرام ايلمى اقتضا ايمكلمه محرم الحرامك اون النجى كوفى سالار  
كروه ايتسار اهماى محجة رشيد وهدى حبيب كبريا محمد المصطفى  
عليه من النجاة از كاهها حضرت تليك علم فيض توأملرى صلوة  
وسلام ايله صيد و فقه سندن اخراج اولوب حضور اركان دولت  
ايله شهنشاه بنده و حاضر اولانلر بومصادات في مانند ايله شرفند  
و شهر مذكورك بكرى النجى كوفى صدر اعظم و سردار اكرم  
حضرتلى دى صحرا ده منصوب خيلى بى مرتب الاى ايله پانهاد  
وضول و ساير مشيان نو كى هابون دى خيلى بى دى دخول  
ايله مصالح سفر به في نيجه افكار و عقول ايلديلر ( اخراج عظيمه  
و بيان احوال شنى ) اردوى هما بونده ليل و نهار خدمت كتابله  
نشان نقد اقتدار ابدن ككتاب و ساير خدمه ك عظيملى بوانه ك  
قرين عقد تسويق و بوسيله حاللى پريشان و ضعيف اولمشدى  
بوانهاد بجمع مستحق اولد قلى بيش بوش اوراق آصفيد  
بر موجب دفتر يك توزيع و دارة مبعشرى توسيع اولندى  
مورخ شنى قصبه سنك سال فخرى نام فاتحى تحرير و بومقدار ايله  
اكثافا اينديكندن محرز فقير توسيع مقال به ساق قلى شير  
و نخل برومند فوايدى تيمر ايلدى شنى ضم شين و سكون ميم و نون  
و باوكاهى نوئدن بدل لام ايله دو بر بجه دن برده نهند بر شهر  
معموز اولوب قلعه سنى غازى سلطان مراد مرخومك وزىرى  
خير الدين پاشا زاده على پاشا بد يوز سكران طقوزده صلح ايله  
المشدر يك يوز الى طقوز نار بختند و زير كخدا سى اولان  
شريف خليل افسدى بوقصبه دن اولوب طر نوى قضا سنده اولان  
زعامتى خاصه جالدر وب وقف و وظائف ترتيب و بر مكلف  
جامع بناسيله مدخ و شاستنى زبا نزد بعيد و قريب ايلدى شهره  
مشرف قلعه التند طناع بكارى ديزل مفرح شينكا هى اولوب

ايام صيفده اهابسى تيزه و كسب هوا و محل مدكورده اولان  
ماه قراح غايت بارد و خوشكوار اولديغى اوطر فسلرده كست و كذار  
ايدنلره هويدار ماه مذكور شهرده اولان اسيا بلى اداره ايله  
اهالىسى دقيق او كنده زحمتكش اولزلر اطرافى باغ و راغ ايله  
مزين و خانه لنده اولان خدابق مبيت صنوف ازهار و نستر  
هوامى خوب و محبوبلى دلشدين و مرغوب بر شهر در عن اصل  
ظباء نافره ككى وحشى و اردو خلقندن دافكش تيساعد و نحاشى  
ايكن او قومك غذوبت لسان و بذل و احسانلى بروت معاملله لى  
كرم و سخى دل سنجكلىن مانند موم نرم ايدوب اردو رحلتندن  
صكره اكثرى نعمت اكل و شربه اشلاف ايله جىلاى وطن  
وزر شخصه ربط تردد ايله ايل و ولايتلىر دى شور افكن اولديلر  
حين فخره بدى سكر بوز خانه دن عبارت بر قصبه ايكن مرور  
زمان ايله او خاى دلکشايه رعبت ناس در كار او اب و تناسل و توالد  
و اطرافدن نوادر ايله بر شهر عظيم و درت بشيك خانه فى مشعل  
بر شهر جسيم اولمشدر ( اخراج مواجب و ظهور شريفات  
صنوف عسكر يك يوز الشمس كسبه روميدن عبارت اولان  
بر قسط مواجبرى سردار اكرم صحرايه جيققدن صكره او جفلاويه  
تقسيم و الطاف شاهانه اولو جهله نعيم قيتوب خدمت  
مذكوره استكمال قيتديغى معروض سده شهر يارجم خصال  
قيتمشدى سلحدار حضرت تاجدارى عبد الله انا و ساطيله معناد  
اولان شريفات و خط همايون شرفسان ورود او اب صدر  
بديع الفعال شريفات مستلزم المسراتى خطوات اجلال ايله استقبال  
و مهموم خط شريفى جله به ابلاغ ايله شوق و رغبته ايكثار  
و تشكرى متضمن نقر بر ايله سلحدار اغاى مطيب و ممنون استانه  
سعادته تسليار ايلدى ( خوادات متفرقه ) سلحدار اغاسى قورى  
ابراهيم اغا بر مرد جاقى و بايس و رطوبت مالىه دن خالى و بايس  
اولوب بواشيب ايله اعمال نقران عاجز و مضطر و عزلى چوقدن بزو  
قلب سندن موفرده مضمر اولمشدى بر قاج سندن بزو اردو قصاب  
باشيسى اولان على اغا توانكر و فالدار و اومقوله خدمت مائى بروفق  
مأمول اداره ايله ككى بى يدار اولديغنه بشاء صقر الخير ك بكر منجى  
سبت كوفى سلحدار اغا قيله مظهر مكارم و سلى ابراهيم اغا

\*

\*



ماذونا استانه طرفه عازم اولدی نهر طوبانك احمد طرفینی  
 بد اعداد اولوب سینه بوغازندن بحر سیاهه دوتما اخرجیله  
 سواحل اسلامییه بی از عاج ایله چکاری حوادی بین الناس دایر  
 و او طرفلرک وجوب محافظه سی وارد خاطر اولوب ایدوسلی محمد  
 خصه کینک بوخده منته لیاقتی ظاهر و ادرنه بوستانچی باشیسی  
 نصب اولندیغی تقدیرده بش اون یلک آدم ایله مقتضی اولان محلا رده  
 اثبات وجود ایله چکی رکاب همایون طرفندن مجرم اکابر اولدیغی  
 قائم مقام پاشا طرفندن با امر همایون صدر ستوده شیم حضرتلرینه  
 عرض و تحریرو برو طرفده دخی رأی مذکور پستیده صغیر  
 و کیر اولوب خصه کی مرقوم فی الحال احضار و صفیرک بکرمی  
 او چنجی کونی ادرنه بوستانچی باشیغی ایله مظهر اعتبار قیلوب  
 صورت مأموریتی تفصیل اولنه رق ادرنه طرفته تسبیل اولندی  
 موره محصلی وزیرکاه جی عثمان پاشا زمانده بعض حیدود مقوله لری  
 رعایای جزیره بی مبتلای جور و اعساف و بوسیلله اهالی موره  
 میاندده عدم امنیت اوازه لری شایع اولوب انبای سبیل و سایر قوی  
 و ضعیف سیر و اقامتدن استکاف ایلد ککری سامعه رس صدر آصف  
 اوصاف اولغله مشار الیه معزول و اغریوز منجانه موصول  
 قیلوب موره محصلانی ایله دربندلر باشجوخی وزیرعلی پاشا نایل اعز  
 مامول اولدی ( احوال شیخ البلد علی بک ) وقت بوقت امرای  
 مصر به دن بر شخص زبیم کسب تحیر عظیم ایده رک سایر امرایه غالب  
 و تکبر خدم و حشم ایله مصر حقنده زبازدن ناس اولان و هی ان غلب  
 حکمتی اختلاسه مغرم و طامب اولوب حربه بین شریفینه مراتب اولان  
 غلال و تنس مصرده اداسی لازم کلان ادرارات و دولت علیه به  
 بهر سال تقدیمی معناد اولان ارسالیه و سایر مطلوباتی باجمها نفوس  
 خسته لرینه تحلیص و هوادار اتخاذ ایلد ککری اجلاف بی انصافه  
 بر وجه مقطوع تخصیص ایلد کارندن اشفه ظاهرده دولت علیه به  
 منقاد و باطنده هر بری بر خصم مستمر العناد اولوب ولاه عظامه  
 اظهار عصیان و عزل و نصب لری بد باطنه لنده اولاق حسیله مضرت  
 طاقتدار لردن لرزان و حین حکومتلرنده انسلاب اسباب ایله حل و عقد  
 قدر تیاب اوله میوب بالضروره رای مخفی و حکم ضعیفلرینه رام  
 و وفایه عرض و شبان ایله مد تریخی بوجه سهوات انعامه کربند اهتمام

اولورل ایدی هر قوملری مالک لری اولان ضعیف الادیان و حدیث  
 الايمان کسه لر حین اینیاعده شروط اسلامییه بی تعلیم و مفر و ضاتی  
 ادایه کفایت ایده چک قدر ملکه و قابلیت شروطنی تقدیم لازم ایکن  
 همان او ککون علم فرو سبت و اخذ وقتک متملرینی تعلیمه سوق  
 و دلالت و آنلردخی شعار اسلامییه بوندن عبارت اولدیغنی جزم ایله  
 فرط جهالت و غیباوندن او امر باری بی ترک و رفض و اهل اسلامه  
 فرض اولان اطاعت اولی الامر دن چشم بصیرت لرینی نقض ایدوب  
 حتی شهر یلردن بری سیاحت قصیدله مصره و اروپ حلاوت صوتی  
 حسیله وقتک شیخ البلد نه امامت ایچون سوق اولندقدده لکن استانبوله  
 اشنا اولقی ایچون مرقومی امام و صدای بلند و حزیننی مایه  
 شوق و غرام ایتشیدی یوم مذکورده میره زبور کوله لردن  
 بیرخی خزینه دار و بدینه تسلیم زمام مال و عفسار ایدوب نماز  
 وقتی ککلدکده جاعته ادای فریضه به قیام و امام دخی جله به  
 تقدیم ایله نمازی قیلوب طشره جیقم ایکن خزینه دار جدید امامه  
 خطاب و ولی نعمتمن اولان میر محمد شک نیچون ایلر و سنده بولوب  
 ترک حرمت ایلدک بردخی بووضع نابرجایه خسارت ایلدیکک حالدده  
 سنی طعمه شیر شمشیر ایده حکم محقق در دپو سرزنش و عتاب ایلدیکنی  
 بیچاره امام بکه حکایت و اماملر مقتدا و نمازده بجمله به پیشوا  
 اولدیغنی افاده ایله خزینه دارک دفع صولت و مضرتنی و یاخود  
 امامتدن عفوئی رجا ایلد ککده خزینه دار بیانه سولش تنبیه ایدرز  
 لکن سندخی امام بک ایلر و به کچوب هتک پرده حرمت و بین الخدم  
 ککشرشان و منزلت ایدبورسن دیوتو بیخ ایلدیککی مشهور و مالک  
 و ملوکک احوالی و بونلرک درجه نادانی و جهالت لری بوقصد دن  
 معلوم ارباب شعور در قطر مصرده الیوم سر غمای بیغی و شقا  
 اولان شیخ البلد علی بک ابراهیم ککخدا ممالیکندن اولوب تعاقب  
 ازمان ایله مصرده شیخ البلد و مرجع ارباب قبول ورد اولوب یمش  
 یدی تاریخلرنده وزیر ککوریجی محمد پاشا مرقومک فساد ضمیرنه  
 واقف و هر بار مکر و مضرتندن منجانیف اولدیغندن امداد ککار  
 از نمودکان مصر ایله مرقومی میر الحاج و بوسیلله قاهره دن اخراج  
 ایتشیکن بچون عودتی مشار البهک عزلی هنکامنه تصادف ایدوب  
 هوادار لری اعانه سبیله تکرار مصره دخول و شیخ البلد لک خبرنه



وصول ايله ككنا في الاول نقض و ابرام و حل واحكام مصالحته  
مشغول اولدى انجق معاصرى اولان امراء مصر به دن بعضلىرى  
قوتده كندويه مشاكل وبعضا اموره مداخله ونعرض ايله اتمام غرضه  
حد فاصل اولديغنى تعقل و بونلر قاهره دن استصفا واستبعاد  
اولمديقه صورت افراد طرفه توجه ايمه جكنى نامل اوزره اولديغنى  
ليل ونهار سريره احوالى تفتيش اينلره بديدار و افشاي وجودى  
متمنده بربريله استظهار و يقته خانه سنى ككس و محاربه  
جزويه دن مسكره مرقوم صعيد طرفه زامنه بند هزيمت وفرار  
اولدى بتمش سكر سته سنى او اينلده بين العوام ختام شخنى  
شهر تيله نامدار اولان شخص قوى الاقتدار دن بر نهج دخالت  
طلب معاونت و اولدنى محض بادشاهه انقياد و اطاعت ايتك  
شرطيله قوت و يروب مصره ادخال و ككنا في الاول شيخ البلد  
اولوب امور باطله منته دعواى شركت و معارضه اينلرك  
بعضبسنى استيصال و بعضبسنى طرد ايله مشوش الحال اينلريكى  
شام و البسنى وزير عثمان پاشا طرفندن سده سعادته تحرير  
وامر كوشمال وند ميرى ككاه عثمان پاشا طرفنه وكاه اهل مصره  
حواله اولنديسه دنى استيفاي حيات سه روزه مى ازاده خفيه سيله  
بو ككار دشوار قرين غفده تاخير اولمشيدى شقى مرقوم  
بواحواله واقف و از هفاق روحندن ترسان و خايف اوله زق عسكرى  
تكثير و اغشاي مصرى مصادره ايله جمع مال ككثير اينلدى  
سكسان ايكي تاريخنه ككجه صورت ضيافى پوشيده پرده احتيال  
و ككار بند اشتغال اولديغى دسايس عالم قريبي اخفا ايله  
ظاهرده ارايه حسن حال ايلوب سال مذكورده مستقوا  
ايله وقوع بولان محاربه بي تمامجه فرصت عدايدوب تدريجي  
اعلان عصيان و ينوعى قهرا ضبط و اهال بسنك بعضبسنى  
ككشته سيف بغي و عدوان و ساخته فرمان اختر اعيله  
شريف مكه بي عزل و جده كككته طرفندن برك نصب ايتك مثلاً  
حر ككته جسارت اينلديكندن فضله شام و البسنى بالاده بروجه  
اجيال تحرير اولنديغى وجهله شامدن تبعيد و اراقده نويد فويله  
بريد ظهورى ذكر اولسان امر انك سبب انسلاب شهورى  
او اوب جيله سى پريشان و نايديد اولديغندن بشقه عزل اينديكى

شريف خلقى شريف عبداللهك نصبي ساخته امر ايله وقوع بولديغنى  
تحقيق ايله جمع عسكر و ككنا كان شرافته زيب و فري و يروب بوجهته  
على بك ملائى و مضطرب و اخر كونه دسايس و صورت حقندن  
كلهرك نمايش عرض ايدوب فرمان سيافته وجوه شامه بوموال  
اوزره عربى العباره بر مكتوب ترتيب و اقامه ادله ترغيب و ترهيب  
اينلرك شامه ابعاث و سكاكى بغي و فساد ابحاث اينلدى مكتوب  
مزبور عيني ايله بومحمله قيد اولندي ( صورت ككاغد ) صدر  
هذا فرمان الخليل الشان من ديوان مصر المحروسة العالى  
دامت له المفاخر والمعالي يا امر من من به الكرم المنان على اهل  
هذا الزمان فاطهر العدل والامان وعم بالفضل والاحسان ججع  
اهل القرى والبلدان وارغم انوف اهل الجور والطغيان امير  
الامراء والكرام وكبير الكبراء العظام المختص بمن يدعنا به الملك  
الغلام ميرالواى الشريف السلطاني والعلم المنيب الخاقاني  
الامير على بك مير الحاج سابقا وقائم مقام بمصر المحروسة حالا دام  
عزه وسعده وبقا امين مضمونه جدا لبارى التسم وعبي الرم  
الذى تقدس وعظم قدر الحرم وبارك حوله بجزيل النعم وامر  
بالعدل في سائر الامم واعد الظالم بالهلاك والنقم القائل تعالى  
في كتابه المبين والله لا يحب الظالمين ان الله لا يصلح عمل  
المفسدين فلاناس على القوم الفاسقين والصلوة والسلام على  
رسوله الامين سيد الخلق اجمعين القائل وهو اصدق من قال  
الضرير زال وعلى اله واصحابه الذين سادوا وشادوا الدين صلاة  
وسلاما دائمين الى يوم الدين وبعد فمزيد السلام والتحيات  
ونواحي الامر والبركات وجزيل النعم والخيرات في سائر  
الافاق والساعات الى حضرة العلماء العاملين والفقهاء  
والمحدثين المفتين بشريفة سيد الانام وقضاة الاسلام وارباب  
المناصب والحكام والاكابر والاعيان الكرام والخواص والعوام  
من اهل مدينة دمشق الشام اعزهم الله بنور العدل واحكامه  
واجارهم من الظلم وظلامه وعاملهم بالطافه واكرامه  
وقاض عليهم جزيل انعامه امين الذى يحيط به كرم علمكم  
وسلم فهمكم ان الامة لا تجمع على الضلالة وقد علمتم ما فعله  
عثمان پاشا في ارضكم وفي غيرها من الظلم والجهازه وانه قد تعرض



للحجاج والزوار وسلط عليهم الاشرار والفجار بالانبياء والاضرار  
وظلم المسافرين والتجار واذى اهل الاماكن الشريفة وبدل  
امن الحرمين الشريفين بالخيفه وتعدى حدود الدين وصنع  
مالا يليق بالمسلمين وقد قال من لا تراه العيون ومن تعد حدود الله  
فاولئك هم الظالمون ولما بلغنا عنه ما بلغ والله في اداء الارض  
المقدسة وقد ولغ فبادرنا لسوء فعله بالنقض كما ازلنا في العام  
الماضي من ظلمه البعض وارادنا نظهر منه تلك الارض نصرة للدين  
وغيرة على المسلمين واعظم القصد والاحتياج دفع ضرره  
عن الارض المقدسة والحجاج تبع الحديث الشريف ما حل بحرمكم  
حبل بكم وبلغنا ايضا ما فعل بالعلماء في غزوة وقد اذاهم الذل  
بعد العزة ودفعهم في الارض بالحياة والحديث القدسي عن الاله  
من اذى وليا فقد اذيت به بالحرب والعلماء لاشك اولياء الله لقوله تعالى  
في كتابه الانبياء انما يخشى الله من عباده العلماء واذا كنتم  
بذلك غير راضين وعلى دفع ضرره غير قادرين فحق ان شاء الله  
قادرون على ازالة ما هنالك وقد اقتتبا المذاهب الاربعة بذلك  
فاستخروا الله وهو نعم الولى وسالناه ان ينصر دين محمد صلى  
وصرفنا الهمة والاموال في رضى الملك المتعال ووجهنا  
العساكر والابطال ليرفعون يد الظالم ويستردون المظالم  
ويحفظون الديار والمعالم ويميزون العاطب من السالم والمقصود  
منكم ترك الظالمين والبعد عنهم ومن يتوابعهم منكم فانه منهم  
وان تجهدوا فبما يدفع الشرور وتوجب لكم الفرح والسرور  
والقبلة بالعدل والحبور وامير الحاج الشامي من طرقتا يتولاه  
حفظا وصيانة لحجاج بيت الله فنعاونوا على البر والتقوى ولا نعاونوا  
على الاثم والعدوان والنصر من الكريم الفتاح لمن طلب العدل  
والصلاح وهاتين قد اخبرناكم والمعاونة على الخير قد اخبرناكم  
من قبول هذا الظالم في ارضكم حذرناكم قال عساكر قاصدة اليه  
وجميع ما لديه وقد سلطها غضب الله ومخطه عليه فاحفظوا  
منه سائر اموالكم واحوالكم ولا تدعوه بغيركم في ارضكم بين عباكم  
وراي العلماء والاكابر اعلى وانتم بالمعاونة على الخير اعلى وعلى  
القريب منكم والبعيد والطيار والتليد والاحرار والعبيد  
امان الله ورسوله واماننا السعيد والله يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد

والخير يكون والصعب يهون من فضل الاله مرقومك اشبو  
مكتوب اليه بالانحساب تعين ايلديكي اسماعيل بك وطنطاوى على بك  
وحبس على بك ظاهر عمر اليه اتفاق وشام اطرافته اولان  
قضايا يغما واحراق وشريف جنابك مسند شرافته عود  
وقدومته محاربات قضيه غلال وسباير ادراراني قطع ومحاور  
تعتين مشاركتي كرفتار مضايقه واملاق ايلديكي شريف مكة  
وعلماء ووجوه ناس طرفلندن عرض بايه سرير اعلى قبلتوب اقطار  
مصريه وسباير ممالك بادشاهيدن اعوان وانصاري ازاله ونظهير  
وكندوسى دغى اله كتور يلوب عبرة قتل وتدمير قيلنقى باينده اركان  
سلطنت اتحاد وقتوايه مراجعت اولند قدغه بغى مسئله سنه قياس  
اليه مشروعت ازاله لرى باينده قنوى دغى وير يلوب نعمان پاشا وجه محرم  
اوزره سر عسكر نصبله كسب استعداد نزال وطراد وشامه  
وارمزدن مقدم مصر عسكره سردار اولان ابو ذهب انجم كارى  
ملاحظه اليه بوامر مستكره دن رجوع وانابت وسلامت نفس اطاعت  
بادشاهى اليه حصوله كله جكنى فهم اليه اظهار بشياني وندامت  
ايدوب باشنده اولان عسكر اليه مصره دخول وعلماء وسباير  
منتقسان مصريه اليه بو احوال وخيم الانجاسى مذاكره به سرا  
وعلماء مشغول اولوب اهالى مصر عن اصل شقى مرقومدن بيرار  
ومسورت ظاهره مشين اولان اطاعتلى ايجاب اضطرار اليه  
تناول اصكل ميه قيلندن اولديغى اشكار اولغله ابو ذهب اليه  
همان صفقزن موافقت وشقى مرقومك بغتة قوناقنى محاصره  
اليه ايقاد نايه خصومت ايلديلى مرقوم مدافعه دن آيس ونوميد  
اولوب نقايس اموالندن بمقدارنى خروار وانبايه املا ومظهر سك  
بجهر اولديغى خبرى ابو ذهب طرفندن صفر الخيرك يكرى التبحى  
ككونى اردوى همايونى واصل وبوامر عظيمدين قلوب ناسه  
تطرق ابدن اندوه وكابت زابل اولوب بكورى اعدا طبل وسورنا  
وطوب وتفنگ اليه آيين سرور وشادمانى اجرا اولندى شقى  
مرقومك بغتة احوالى بوندن صكره انشاء الله تعالى ترقيم وقصة  
عجيبه سى تميم اولنور (توجيهات او جاغ عامره) زغر جى باشى  
صالح اغا بكچرى اغاسى وزير سليمان پاشا نك بر كشيده سى ايكى  
اشقيانك قتلنده سميت افراط اختيار او انوب ار القنده بيجرم وكاه



نجه كسه از مظهر زمان و تپاه اولتور كلام و نعيم الا نجه مبله ناطقه پوزان  
 و قول كند استی همزار ابدرك سر رشته كفتكوبی دراز ایلدکری  
 واقع و غیر واقع انا انا شاطرفدن بجانب صدارتیناهی به القاس و لزوم  
 تبعید لیبی ایما انا كنه انباشتی سمع قبول صندره كازم شموله موصول  
 و مقدمه بازار حق طرفند مامور بته دفعه اش قیاده ظموره ككلا  
 خدمتی رسید به موقع حسن قبول اولان سنا بقا ز غریجی باشی خلیل  
 اغاقول كند استی و سكضه و نجی باشی بولنان یكنی محمد اغا ز غریجی  
 باشی نصب و تعیین و مرقومار بلا ی لسان ايله برر محله و تمكین  
 اولندی (امدن متصرف تر حاله و قرات ولد شریف) موره و قعه سنده  
 صدر اعظم معینده بولوب خدمت دولت علیه ده اظهار جلالت  
 و بمقابله ده احرار رتبه وزارت ایدن تر حاله متصرفی وزیر عثمان پاشا  
 اردوی هما یونه ورود و الای ككوس و سروب اككسای فروه سمور  
 ايله نایل انبساط نامحدود اولدی روحانیت حضرت خیر المرسلیندن  
 استمداد و استعانت قصد یله مولد شریف قزاقی ایچون ارکان دولت  
 عقد مشتمله جمعیت ایلوب نظم ككزین موالد حضرت خیر المرسلینی  
 سمع جان ايله كوش و فرطه بنا كوش هوش ایلدیلر (امدن مرخصان  
 دولت علیه یازدوی همایون) انعقاد مشار که ايله عبد الكريم افندیك  
 عودتی و روشیه او طرفندن تعیین اولنان مرخصان باش قصه سنده  
 ككوب بوبابده مرشالك استجمالی حاوی ورود ایدن مكنونی بوندن  
 اقدام ركاب مستطاب جهاندار ی به عرض اولمشیددی ركاب  
 همایوندن توفیقی بولنان یكیشهرلی عثمان افندی مرخص اول عنوانه  
 تمسار و دیانته متعلق بر ماده وقوع بولور اینه جرح و تعدیل اتمك  
 ایچون اعلم یلده اولان ایا صوفیه شیخی مرخص ثانی شانبله سرافراز  
 قیلوب او طرفده ككافه امور لری تنسیق و حفظ و تر خال لری  
 هنگامنده مضارف لازم لری مبریدن اداره ایچون خواجكان دیوان  
 همایوندن كوچك ابراهیم افندی دفتر دارلق مصلحتیه مومی البهنامه  
 ترفیق اولوب توشط امیده بولنلر ايله بوله جیفق نجه و پروسیا  
 ایلچلرینه یكرمی بشر یك غروش بدل تعیینات و بولوب دیبع الاولك  
 اون ایكچی بازار كونی اسانه دن حرکت و دیبع الاخره دردیجی  
 كونی از دوی همایونه ورود ایده جككری خبری و اصل سر منزل شهرت  
 اولوب تشریفاتی افندی مرخصانك استقباله و ایلچلرك سوال

\*

\*

خاطره تعیین و كذركا هلی اولان طرق و معابر صف صف  
 طوائف عسكری تشكین و ازاراته قوت دولت ابد قرین قبله رقی  
 خیمه اریته ایصال و تمكین قیلدیلر مرخصان ايله ایلچلرین سوال  
 خاطر لری صدر عالیه مقام طرفندن التزام اولوب اوتوزر متقال غیر  
 و یوزر درهم عود برر قرمز ككیسه به وضع و اشربه و قوا که  
 و سایر ماکولاته متعلق بر قاج طبله ترتیب و ارسال ايله خاطر لری  
 تعایین اولندی هر یبه مرخص اول نصب اولنان عثمان افندی  
 ركك ابدیه رئیس انکتاب و مرجع روش و اذئاب اولان اسماعیل بك  
 افندیك معافا موریانی نیاز و طرف شهر یار بنده نوازدن سدنك  
 غایت و بوماده به مامورینك حسبله بوطرف خالی قلوب مصلحه  
 اموری و سایر احوال رویتدن عاقل اوله جفی ظاهر اولمسه بونقدیده  
 بكك بوطرفده بولمسی لازم کی کور بلیور پیورد قلندره مومی البهك  
 خود بخود اختیار و تابع و مشاقق نقشه غایت ككوج ككوب همان  
 جوابه اغار و خطاب مصلحه مواد مشكله دن اولوب قطعی  
 متعذر و غیر مستر و بوماده لره و قوف نامی اولان بك افندی قوللرینك  
 مرافقی تسهیل مصلحتی و وجیدر كلامی تکریر ایلد بکندن غیر مومی  
 البه رخصت مرافقت و براندیکی حالده بوقوللری دخی عفو اولمقی  
 نیاز اولنور دیودا متکبر شهر یار اسکندر نظیر اولدقده مصلحه  
 نماشا و ظاهر ده اسماعیل بك افندی دخی لوازم راه تدارك بوله  
 اشتغال و ازالقده جنابكر ايله بوللرده سیر باغ و راغ و بومصلحتی  
 تنظیم ايله قلوب حسادی پرداغ ایلرزقوانی بوم حركه ككته دك تلفظ  
 ايله رهكیز سمت معالطه و اغفال اولمشیدی مومی البهك اردویه  
 توجهی كونی اسماعیل بك افندیك تدارك کی ساخته و مصنع و غرض  
 اصلی كندوسنك بالانفراد عزیمتی اولدیغنی تحقیق ايله اطلاق جرب  
 مسجع ایلدیکی متواتر و مشهور در (احسان وزارت بمسلم کوتاهیبه  
 و غیر میران جنده و حوادث سایر) انا طولی ابالنده قیوسن  
 اشقیاسنك ككزنی و فقرا و ضعفا به و فور مضرتی بوندن اقدام  
 ككوشكدار صدر عالیه دار اولدیغنه بناء بعض الویه مسلم لری او مقوله  
 اشرا رك دفع تسلطارینه حواله اولندیسه دخی مامول دولت اوزره  
 بر مصلحت كورلوب ابنای شلیل و فقرای رعیت یازده ظلم و اعسافی  
 اولدق لری تحقیق و بوفسادك دفعی صدر عالیه قدر حضر تری داغا

\*



تفکر و تانی ایدوب آخر کار برقاج مسند دن برو کوتله ده. متسلک  
ایله شهر تشهار وضبط و ربط مملکتده اظهار مایه خسارت ایدن  
عمر اغایه قیوسن اشقیاسنی استیصال و او طرفلردن دفع اختلال ایتک  
شرطیه بارتیه وزارت اناتولی ایالتی توجیه و حیده بکری بکشی  
ادنه لی عمر پاشا نیک دخی حسن سلوک و امیر حاجی شریف مکه و امیر الحاج  
طرفلردن نجر بر ایله حقنده وزارت رجا و التماسلری حیر قبوله  
رسمی قیلوب تاریخ مذکورده منشور وزارت طرفه فرستاده  
و محول عهده کفایتی اولان امور کایدیغی اهتمام ایلمی طرفه تنیه  
و افاده اولندی. سوزیچی تعیین اولسان وزیر ابراهیم پاشا عسکر  
وزارت الوب ربیع الاخرک اونچی کونی معسکر همایونه رسیده  
و خیدمتی مقبول و پسندیده اولدیغندن فروه سمور و التماسات  
صدر الصدور ایله فرحناک و مسرور اولدی. بودفعه اناتولیدن  
متفصل وزیر صنع الله پاشا اغریوز سنجاغنه نایل و سانی کلدیچی  
عثمان پاشا معارض بوغازی محافظه سنه متقل اولدی ( عزیمت  
من خصصان دولت برای مکالمه ) مومی الهم اوج کون قدر  
اردوی هما یونده آرام و تنفس و یوندن صکره محل مکالمه یه واروب  
بروشیه مرخصلریک مطلوبات ککامنه لری نجسس و قتلری  
کلدیکنی صدر اعظم تفرس ایدوب ابتدا مرخص اول و ثانی یه برر  
سمور کورک ایله برز من اسب الباس و اهدا و ثانیانجه و پروسیا  
ایلیخلرینه کذلک بومعامله اجرا و بهمن زاد ککان و ترجان  
مقوله لریته دخی خلعتلر و ایشله باغلقلر اکسا و اعطا و شهر  
مذکورک اون برنجی کونی مأمور اولدقلری محله سمند عزیمتلرین  
نجریک وارجا ایلدیلر اوج کوندن صکره رویمخفد و رود  
و منر عسکر علی پاشا طرفندن تکثیر جنود ایله الای تربیب اولنوب  
برر محله تنزیل و لازمه لری بالغیا مبالغ احضار و تکمیل اولندی  
بو خبر قارشویه منعکس اولوب برکوک کی جزالی اگر مرخص  
اولده بیوک ایلیچیک پایه می یوغیسه ابتدا انلری ملاقات ایله مسرور  
ایدرلر جوانی ارسال و عثمان افندی دخی رتبه مذکورک  
و وجودنی بیسات و سایه پادشاهیده او مقوله پایه لری اخرله احراز  
ایندرمک قدرتی اولدیغنی کمال تصاف ایله اوردده زبان بیان  
ایلیوب بودعوابی مصدق خد متلرنده اولان ترجان مهور کاغذ ایله

بجزاله حقیقت حالی بیان ایلدی. اولوجهله قارشو قارشویه مسفور  
ایله جزوی مناقشه دن صکره برکوک کی به مرور و نصب اولسان  
خیامده دامن افشان حضور اولدقلرینه متعاقب جزال مر سوم تبریک  
قدوم ایدوب عودتنده برراس مزین اسب ایله نظریب و فرداسی  
دولت علیه مرخصلری دخی جزالک چادرلرینه وار مغله مسفوری  
تطیب ایلدیلر برکوکون صکره برکوکیدن حرکت و ماه مر قومک  
سلطنده فوقشان قصبه سی کارنده تخصیص اولسان محله القانی  
رخت اقامت ایلدیلر ( احسان پایه استانبول بیاسینی زاده افندی  
مرخصلر هنوز روسیهده ایکن مباحنه سی سبقت و مسقاولونک ایکیجی  
مرخصنده بیوک ایلیچیک پایه سی اولدیغی دخی تصحیح اولنوب بیاسینی  
زاده افندیک فضیلت ذاتیه سی خصمک مجهولی و پایه سی یوق و اعظ  
برادندز دیوشاید مجلسه ادخالدن ممانعت ظهور ایدردیوسردار اکرم  
حضرتلرینه بو کیفیت تحریر و اشارت و استانبول پایه سبله رفیع الشان  
قیلمی عثمان افندی طرفندن انهار و بو کیفیت عرض سده اعلا  
قیلوب افندی مومی الیه حقنده عواطف علیه جهانبانی ارزانی  
و پایه مذکور ایله دارج سلم کامرانی اولمشیدی. مرخصلر  
بر محله کاوب هرکس بدنده اولان رخصتنامه سنی ابراز و دفع شبهه  
ایله کار ساز اولدقلری عقبنده رتبه خصوصنه صرف کلام  
و باش مرخصلرده و ایکیجی مرخص اولان ابرشقوفده بیوک ایلیچیک  
رتبه لری اولوب بدلرنده اولان سندات ایله رتبه لری تصحیح و دولت  
علیه طرفندن ایکیجی ایلیجی اولان افندی مومی الیهک او مجلسده  
هنوز پایه فرمانی رسیده اولوب قریبا وورد ایده جکی تایج اولندیسده  
دخی روسیه مرخصلری قول مجرد ایله ملزم اولوب پایه کله جکته  
دایر مرخص اول عثمان افندی مهریله مختوم سند الدقندن صکره  
پایه امری دخی واصل و میانه ده وقوع بولان معارضه متنی  
و زایل اولدی ( میرمیران شدن ارسلان بک ) مومی الیه طوپال  
عثمان پاشا حنفیدی وزیر عثمان پاشا نیک کتخداسی اولوب موره  
صادقه سند خدمت پسندیده سی مشهود ناس / و بودفعه میر  
میرانلی ایله ارتفاع قدری وزیر مشار الیه طرفندن التماس  
و ایشو شهر ربیع الاخرک بکری دردنجی کونی میر مومی الیه رتبه  
میر میرانی ایله مظهر لطف بیقباس اولدی ( وقوع مشورت ) مرخصلر

\*

\*

\*

\*



استثانه سفادندن سگاور ايكن پروسيا ايلچيسي دولت عليه  
عسكري برقاچ سسته در تحسینه البق بر صحت نافعه به موفق  
اوليوب حال بداوتدن منزله خضرينه انتقال و دشمن دخی رؤسانك  
عدم مبالايله عسكريك ترك ازمايش جدال واختيار قورواهمالي  
ايلسني مشاهده و تجربه ايله پاجاي نخوت واستكبار ودوات عليه  
عسكريني صكوز لرينه كشتوب مباحثه ده جلادت واوضاغ  
زور مندي اظهار ايله جكاريني اشعار و بويله بردولت قوي  
الشكبه به مستقاولونك نظر حقارت ايله باقسي لابق وسزاوار اوليوب  
سردار اكرم حضرت نلري ارا لاق ارا لاق تبديل يورد و مكان  
و تجربه استعداد ضرورتی اعلان ايلسه تسهيل مصلحت عات اوله جفني  
نيان ايتشيدى عثمان افندي پروسيا ايلچيسينك تقريري  
صدور شده تدبيرة افاده و بوماده قصد و اراده سردار اكرمي به  
توافق ايتديسه دخی قلت ذخاير مانع حط و زحال عساكر اولوب  
اردوي همايونك ايكشر اوچر ساعت ايلرو سنده بزرارد و ترتيب  
ودشمنه مقابله معامله سني اظهار ايله مكالمه بي اراده عارضه  
تضحيات صور من غوبه بني تصويت اوليوب في الحقيقه بو تدبير صايب  
من كل الوجوه مناسب و حرب اعاده ايندراينه عساكر اسلام جنكه  
متأهب بولمش اوله جفليني منعقد اولان مجلس شوزاده مدار قبض  
و بسط اولنار بلا اختلاف اقرار و اعتراف و بوراي صوايك فعله  
حقيقتي بحثي ذمدم تجديد واستبناف ايلديلر ببناء على ذلك  
ترحاله و سلايك متصرفلري وزير عثمان پاشايه و ابراهيم پاشايه  
بررارد و تنظيم و عساكر و هما نلري تنظيم اولنه رقي رابطه  
اقامتلري تفكيك و اردوي همايوندن برر ايكشر ساعت انفصال  
ايله سلسره و روسچق سمترينه تحريك اولنديلر سردار اكرم مشار  
البياني لوقير و معتلرنده اولان عساكر كرك شوق و غير نلريني توفير  
اراده سنبيله بزر دقمه اردو لرينه بلش طريقي اوزره عزيمت و صنوف  
عسكري بي عطايان و رؤسا سني التفات ايله سر كرم سلافة  
ممنونيت ايلديلر (شروع هر خصان بمكالمه) بر كوكيده عبدالكريم  
افنديله واقع اولان مكالمه ده امتداد متار كه هر خصارك رايته احاله  
ايله طي مقاله اولتمشيدى هر خصار بر محله صكلوب متار كه بي  
تأشير ايلوله دك مد و طرفيندن طرح كافت واحد هما آخر ك قدره

رعایت و اقتضا ايلراينه هر خصار را صكبا و را جلا منفردا وجعا  
ملاقات ايدوب سر كاتيلري و ترجمانلرندن ماعدا استراق اسرار و جلب  
حوادث و اخبار ايچون محل مكالمه به شخص واحد تقريبن اولتميوب  
هر خصار دن غير يلري بعد المغرب محللرندن حركت ايتما ملرينه ناييه  
اولتمق و مصالحه مقدر اولمديني حالده حدوده دك اقتضا ايدن لوازم  
ايله اسباب امنيت و راحت التزام و ايام مكالمه ده بعض بد خواهلر  
سعایت و القاي تفاسي ايله مصلحتي افساد ايچون اختراع ارجوفه  
ايلد ككلى لدی التحق ايكي طرفدن كتم اولتميوب يكد يكری  
اكاه و رفع اشتباه ايتك خصوصيلري مكالمه دن اول مقاوله و جادى  
الاولينك يدنجي كوتى بوز سسه رعایت اولنه رقي طرفين هر خصلري  
محل مكالمه ده اجتماع و سانحه لريني بر برينه اسماع ايلد كدن صكره  
متوسطلرك مجلس مكالمه به دخول و عدم دخوللري تراعى نمشد  
اولوب نه حال ايله شروط سالفه بي متضمن متار كه سمندر لري  
ايكي طرفدن تحرير و امضا و تمهيد و بعد المبادله دولت عليه به ارسالي  
مقتضي اولان سندات و اصل اولديني ككي تعيين مدت ايله  
ايام متار كه سرحد له و ساير اقتضا ايدن محللره اعلان و اوليا بده  
نشر فرمان و دفع عدوان فيلندي (اجمال مكالمه و عودت  
هر خصان) طرفين هر خصلري وجه مشروح اوزره محل مكالمه ده  
اجتماع ايدب ابتدا نمچه و پروسيا ايلچيلرينك مجلس مكالمه به دخوللري  
مبحثي درميان قيلمده روسيه باش مزخصي اورا و ف مقدمه  
نمچه دولتي اصلاح جانين قصديله توسط طلب ايلد كده دولتمز  
متعين بردولت اولوب آخر ك توسط طنه عدم تنزل ايله مصلحتي  
خود بخود درويت ايلبه چكي خبريني نمچه لويه تبليغ و غايه مافي الباب  
رعایت خاطر التزاميله خارجدن مشكلي تسهيل و مواد صعبه بي  
تحليل اوزره نمچه لو و بالتبع پروسيا لونك معا بولملريني دولتمز تسويغ  
ايدوب بو تقد يرده ايلچيلرينك مجلس مكالمه به دخوللري ممنوع  
اولديني حصر افهام و مطالب ساير لريني بادي امر ده  
سروايتام ايلديلر مجلس ديكرده طرفين الفاز و رموز ايله  
بر زمان سخن پرداز و دن صكره ابضاح بهيات و نصريح ككناياته  
اغاز ايدرك روسيه او شيبه دعوا سسته نمك و نقض عهدي  
دولت عليه به استناد و تضمين طلبني پيشنها دايلوب برو طرفدن دخی



مبدأ جنگ کند و لری اولوب له وبالطه ده اولان نجس اور و تعد یلری  
تعداد اولند قده شمد بلك بوسجبتدن اعراض واضراب و غرض  
اصلی لری اولان سر بستت ناتار ماده سنی اشراب ایلدیلر دولت  
علیه مرخصلری سر بستت ناتارده نمایان اولان اعدا شرعیه بی  
بسط و بیان و قبول عیدیم الامکان اولدیغنی مفدمات مسله  
ایله اورده زبان ایلد ککرنده روسیه مرخصلری تکریر کلام  
وناتار ایکی دولت میانته هر بار القای فساد ایله رک سبب  
کارزار و خصام اولوب سر بست اولد قلمی حالد استاد ایلد کلمی  
دولت ظاهرا اقتدار دن رشته امید لری منقطع اوله رق زوچ  
فساده بارای استطا عتلی قالیوب ککندی حال لریله مشغول  
اوله جغلی ظاهر در دید ککرنده برو طرفدن مقابله و ماده سر بستت  
اجتماع خلیفتین قضیه سنی انتاج و بوسورنده دولت علیه بنه  
محاربه به محتاج اوله رق مصالحه نک عمره سنی غیر معین اوله جغنی  
نصریح و روسیه لویجر حاجز اولسه تعدد لازم ککله چکنی  
تلیج ایله بعضی مماثلات اقامه سنه مبشرت و برو طرفدن دخی  
دعوی صادقی اولسه یله فصل بحر قضیه سنی اتصال ارض منقنی  
ایلد یکنی ایما ایله نقض مدعای بنه مبادرت و کیدرک تکر قیل وقال  
ایله نزاع وجدال و اصل درجه غایت و کمال اولوب انجام کار سر بستت  
مصالحه نک اساسی و سایر مواردک میثاسی اولوب قبول اولدیغنی  
صورنده اخر ماده رک مکالمه و قطعنه رخصلری اولدیغنی روسیه  
مرخصلری تقریر و فتح مجلس ایله حصول و عدم حصول مهادنه بی  
باز بسته حکم تقدیر ایلدیلر بر ایکی کون صکره بعد المغرب  
اور لوف نک و تنها عثمان افندی نک خیمه سنه واروب سر بستت  
ماده سنک قبولی ضممنده خیل معارضه و محاجه ایدوب عثمان  
افندی هر شواله جواب ایله مسفوری نومید و پتر بور قده امیر اطوریجه  
مواجهه سنده نظامنه متعهد اولدیغنی سر بستت ماده سنندن  
برید ایلد کده فرداسی عرب لرحضار یله دولت علیه مرخصلری نک  
عودتی ایهام و آنلری دخی بلا استیدان روسیه بی طرفنه عطف زمام  
ایلیوب سر بستت ماده ساند ابراد اولن عذر شرعی بی گویا افاده  
ضممنده اور لوف پتر بور ق طرفنه عازم و ابر شغوف مر شالی باننده  
قایم اولدی عثمان افندی فن مفاطه و محاوره ده یکا و سمیت جدل

ومعارضه ده بردا هیله دهیسا اولوب مسقو مرخصلری سوز ایله  
اتعاب و مصلحتی ایله تسویه ایدرم زعمنه ذهاب ایله خیل اضطراب  
چکوب انجق روسیه لو کلام مدال و غرضلریته موافق بدل ایله ملزم  
اولوب تمشیت مضالیرنده ابتدا صبر و تانی اختیار و امید لری منقطع  
اولد قده تدریجی ثبات و کیدرک متانت و اصرار اظهار ایده کلد کاری  
محرب ارباب خنکت و اختیار اولوب عثمان افندی دخی سر بستت  
ماده سنی بر قابله اقراغ اینسم لسان علمایه دوشوب آخرینی برور طه  
هولنا که القا ایله معمره بدغنی افنا ایدرل خوفیه زهره ترک اولوب  
غایتنه نظرا قطعنده سهوات و دولته کلی منفعت اوله جق مصالحه بی  
تنظیمه جسارت ایده میوب بوسیله جنگ تجدد و تقریر اید رک فنی جوق  
نفوس و اموال برهمزده دست اضلال اولوب کیدرک دشمن مملکت  
قریبه دخی مالک و یوما فیوما منافع تجاری تومیده متها لک اولدیلر  
مکالمه مجلسلرنده افندی نک یا یغرا سنی روسیه مرخصلری استماع  
ایتدیکه بوا دم دیوانه در دیسک سوء ادبدر عاقلدر دیسک طوری  
ذا رة عقلمن خارجدر انجق بوعقل بزم یلیوب ایشد کز عه و ولدن دکلد  
دید کاری مشهور در صدراعظم مصلحتک عدم رویندن و عسکرک  
برمدت استحصال راحتیه وسیله اولان مشار که نک انقضاسندن غایت  
متاثر و دلکیر اولدیغنی حالد روسیه مر شال نک بر مکتوبی کلوب ایکی  
طرفک مرخصلری ضمنه ازم و قدح و و قلمی معارضه و مکاره ایله  
کیچوب انواع صعوبتله ترتیب ایتدیکمز مشار که ایامنی و مقصود بالذات  
اولان مصالحه موادی خلل پذیر ایلد ککر لری کال سوز و کداز ایله  
سردار اکرم طرفنه تحریرا بنشدی فی الحال اوتاق سردار اکر میده  
مجلس مشورت منعقد اولوب عسکرک قلمی و هر جانبی احاطه به  
عدم قدرت ایله شتاک قدومنی و مشایه مرتب اولان عسکرک  
اوج ماهه دک ورامی الیه میوب دشمن هر طرفدن ظهور ایلد ککده  
مکتب مقاومت مسلوب اولدیغنی و بوسورنده سر رشته مشار که نک  
انحلالی مصالح حریره دولته بروجه هله موافق اولدیغنی یکان یکان  
بیان و عن اصل مارشال صلح و مهادنه به طالب و خلیل باشا وقتندن برو  
بومصلحتک تمشیت مکب و راغب اولوب عثمان افندی برو به کیچمدن  
مسفوره مقام صدارتن بر مکتوب یازلسه و امتداد مشار که ایله  
اغاده مکالمه به خواهش کوسزلسه غرض دولت حاصل اولدی نه اعلی



اولد یغی سورنده دولت عسکر و ذخایر جعبله نظام احوال سوا حله  
تقید و اهتمام و استعداد مقابله کسی ایله اظهار قوت دولت اید قیام  
ایدر دیو مشورنده بولسان ایکا بران دولت صدر اعظمک بورایه  
موافق سلیقه سنه تا بداده اعانت و درایتند و بویک بقیانه واقف  
خواجگاندن بر ادم ارسالده یکران موافقت اولدیله بورای اوزره  
معانی سابقه بی شامل مرشالک وارد اولان مکتوبنه جواب  
پاز یلوب محرم فقیری انتخاب ایله سردار اکرم حضرت تری  
افندی کوره بی سنی متار که بوخلالده دولته عظیم خدمت و محض  
منفعتدر عجبیا وارد قدده نه سویله سن و نوجمله و امر عسیر الحصول  
تنظیم ایدر سن دیدلکرده خصمک نه سویله جکی بجهول اولوب تحلنده  
اقتضای حاله نظر انشاء الله مقصودرم اولان سعیده قصور ایتمس  
جو ایله جعفر ایکن حاضر بالمجلس و برکت خدای بی رمی افندی اولجه  
قالقوب کار خیمه ده فقیر انتظار و متار که بی بروجه اشد تاکید  
ابتدار ایدوب حتی اون کون اختلاس وقت اولنسه بیله فایده درکاردر  
زیرا عثمان افندیکن عودتی شیع بوله لی عسکرک ثلثانی فرار  
وقصوری دخی بر بهانه ایله کار چیروب مرحدل حال ایسه بوقیاس ایله  
نه سورنه کیردیکی بدیداردر دیدکده متوکللا علی الله منزله سوار  
و شیندن حرکتک یکنی ساعتده روسجقه واروب مقدماسر عسکر  
طاسغانی علی پاشایه آچی احضار بچون تاتار کوندر لمشیدی آچی  
حاضر ایدوب مشارالیه ایله ملاقاتده مشورتی بیان و عودت  
اید فحیه دك خصوصته متعلق برحالت وقوع بولماسی باینده لسانا  
صادر اولان فرمان نهاده ظرف اذعانی قبلند قدده مشارالیه رای  
مذکورری تزییف و تهجین و متار که به رغبت بچون اولسون  
باشنده مالانهایه عسکر اولوب قارشویه مریور بچون جایجا زور و ابرامدن  
خال دك لار صدر اعظم حضرت تری اذن و برسونلر قارشویه کیچر  
کیوه به دك فتح ایدرم دیدکده چونکه بوند میرا کان دولت اتفاقله  
قرار کیر اولدی متار که بروفق مامول قرین حصول  
اولد یغی تقدیرده انشاء الله بوقصد قهرمانه دن نکول ایتموب  
قهر اعدا ایله بین الو زرا مغنیر و مقبول اولور سز دیه دك ختم کلام  
و قارشو طر فزول و الماس اولمشیدی برکوک قومنسانی ایله  
ملاقات اولنوب احضار ایدیکي قالسقه به که یارم همنطودن عبارتدر

سوار اوله زق اوج ساعت مسافه قطعنده عثمان افندی بی عودت  
ایتمس بولد یغمدن عربیه سنه یاشوب صدر اعظمک قائمه سنی بدینه  
ایتمس و ضرورت مامور بی خار جدن دخی ادا و تفهیم اشدکده  
مرشال اولان زوما نجوف اون کون متار که عقدنه مقتدر اولوب  
سری پیروده اتعاب ایلد کاردن فضله حصولی تمتعات عقلیه دن  
اولان طلب متار که دولت علیه به مورت شین و موجب قوت و قدرت  
دیدکده افندی مومی الیه عظیم الشان و بحالقرینه اعمار عدوان ایدکده  
مشهور زمان اولد یغمدن احواله هذه را بکره طایع و امر و بهیکن  
ناهم کیت دیر سکر کیدرم کیمه دیر سکر کیم دیدکده بورضا جولقدن  
عنون و اظهار توجه کونا کون ایدوب معا عودت و خلیل  
طریقده یاسینی زاده دن خیلی شکایت ایدوب مکالمه ده قطعیه بکره  
معاونت ایتموب طاوق جهمدن غیری بر شیده برامدی اعتماد ایدر سن  
باقی شوقفسلره دیو اشارت و بو حال ایله برکوک کی پیشکاهنده  
منصوب اولان خیمه ره نزول و بویک یغی اندیشه ایله عرق عرق  
خیرت اولمشیدم برساتدن صکره افندی مومی الیه بری  
خیمه سنه احضار و تسهیل مراد مضاحله ضمیمه ترقیق اولسان  
ایلیچلر دخی خیمه سنده موجود اولد یغی حالده خواجگاندن  
بوکا و اصف افندی دیرلر متار که ایچون اردودن کوندر لمش عبت  
دکلی و زوما نجوف متار که به قادر میدر دیو نمجه ایلیچلر سینه خطاب  
ایلیچ دخی زوما نجوف دولنک و کیلی اولوب متار که ایله مز دیه م  
دیر دیمز پروشیا ایلیچسی بی افندی بو خود رایاق و عناد و اصرار  
نیجه دك اتفاق ارا ایله دولنکر بر آدم تعین ایتمس بونی بولندن رداده  
محل بروضع بد اولد یغمدن بشقه متار که مقدر ایسه وجود بولور  
دکل ایسه کیدن آدم هیچ اولد یسه دشمنی حالته و قوف ایله دولنکر بی  
اکاه اتمک فایده سنی ملحوظ دکلی دیدکده عثمان افندیکن ریکی  
متغیر و متحول و فی الحال بطوری متبدل اولوب افندی بو صورتده  
عزمتکر واجب اولدی دیدکده مخصوص ارعاج ایچون بی سکرک  
امر بکر اوزره عودت ایلدیم انشاء الله خبر بونده در ایلیچلرک مغلطه سنه  
باقین و الزام قیده دوشون دیدکده افندی سن بری بلایه اوغرائی  
اسیور سن ایلیچلر بویله دیدکدن صکره بهر حال کملوسن دیدکده  
برواقف معارضه دن صکره باشه طوع و اطلاق زمام اعترام ایلدک



باش قصبه سنده روسیه مر شالی رومانچوف ایله ملاقات و مکتوب  
سردار اسکری بی تسلیم و مالی معلوم اولدوقده اظهار بشاشت  
وانداسط ایدوب طرفین مر خصلری مکاره ایله وقت ضایع ایدوب  
بو خیرلی مصلحتی افکار و مجدد ایکی دولتی ورطه جنکه الجا ایله  
بربار ایتمکی استدیله صدر اعظم ایله بر ماده بی کورر  
تمشیت و بررز دید کده حق تعالی دولتمز مصلحت خیریه ایسه  
انی نصیب ایدو جوائیله اعداد ایند صکری بر خانه به نزول و بر قاج  
ساعت استراحتدن صکره لیلار رومانچوف و ابر شقوف ایله بر محله  
کاتب عقد متار که مجتبه شروع اولندوقده رومانچوف فتح کلام  
واوله که دولت علیه بزی اغفال ایچون بو صورتی اختیار ایدوب  
بزی مصلحتزدن تمویق ایتمیدیلر و صلحه رغبت و خواهشلی  
بزم کی صمیمی اولیدی دید کده دولت علیه نک نیتی شان  
و مصلحت موافق صلحه در عرض آخری بوقدر دینلد کده غرضی شوقدر  
اوله یلور که قش عسکرینی جلب ایچون وقت قزانورل دیوب  
فقیر دخی قش عسکر نک ورودنه حاجت مس اینز محاربه مراد اولنسه  
روسیچ و سلسله ده قرقر البشیریک وار دوی هما یونده سکسان  
یک قدر مرتب عسکر مز موجود وسوا حله اچقلری مهیا و امره  
منتظر درل ادنی اشارت ایله برو طرفه کیچوب اغار محاربه ایدرل ایدی  
حتی روسیچ سر عسکری بزم بو طرفه کلدیکمز دن محزون اولوب  
همیشه قور عارض اولد یغنی جزم ایله کیدوب کلنجیه دک مکنی مخصوص  
نیار ایلدم و سلسله سر عسکرینه دخی بو بلجه خبر کوندر لدی  
صقوت مراد اولنسه بوتکلفات اختیار اولنمز ایدی دیوب ختم کلام  
ایلدیکده ابر شقوف جهاندیده و مصلحت نظر ایدر پایان بین شخص  
اولوب بومقوله کلمات ایله افانه وقت اولنسون طرفینک حالی معلوم  
همان مصلحت باقم دید کده بزدخی مصلحت کوریه کلدک ضمیر کزی  
بو قلوب خلوص اوزره مصالحه به رغبت کز حس اولنور ایسه متار که بی  
معقول کورورز دیدک متار که ایامی مقدار اولسون دید کارنده  
ایام متار که ت بر حد واسع ایله امتدادی اهم امور دندر زیرا ماده لک  
بعضی استیذانه محتاج اولوب بعد مافه سی ایله مر خصلرک  
کا عدی کیدوب کلنجیه دک متار که مدنی انقضا و جنگ اتمک انقضا  
ایلدیکی بود فقه مجرب اولی النها اولدی امتداد اوزره متار که به

قدرم منسوب اولوب انجق ایمرای طور یجه به یارر استر خاص ایدرم  
خبر کیدوب کلمی قرق کونه توقف ایدر اشته بوقرق کون متار که به  
جسارت ورخصت آلدقدن صکره بر قاج ماه اضافه سنه نظام  
و بررم دید کده دولت علیه قرق کون متار که به رضا داده  
اولار اقلی بدی سکر ماه مدت ایله ملزم اوله یلور زیرا هجنتی سزه  
پیان اولندی بوتدن قطع نظر ایمرای طور یجه نک سزه رخصت  
ویره چکی دخی مجبور لزد در دیر اینک رخصت ویره چکنه یدیکز  
مهور و ممضی دولته سنده ویره بلورم لکن سندخی بومتوال اوزره  
سنه و بررم سن دید کده مصلحتده ملائمت احسان اولوب  
سند اولوب و برمه رخصتم یوغبکن جسارت ایدوب اوله اولور سه  
بی دخی سند و بررم دیدم رومانچوف بو صورتی دولت راضی  
اولور می اولزمی معلومز اولوب طرفین مصلحتی تأخر قبول  
ایتمک ایچون قبول و عدم قبول خبرینی قاج کونده ایصال  
ایده بلورسن انشاء الله اون کونده کونده بلورم دید کده ابر شقوف  
اون کونده ممکن دکل اون ایکی کون اولسون دید کده سوزمدن  
نکول اتم عون حقله اون کونده خبر سزه کور یلور دید کده  
یو کادخی سند و بر دیوب بوماده به دخی سند و بر یلوب جناب حق بو عبد  
عاجزی تکذیب ایتموب اون کونده قبول خبرینک مسقو لویه وصولی  
غرایب اتفاقا تندر باشه کور اینک مسقو عسکری فوج فوج  
سوا حله طوغرو عزیمت وقار شو طرفله مرور ایله ایصال مضرت  
فکرنده اولدقلری نمایان اولان وضع و حرکاتندن استدلال اولوب  
بزم عسکر دخی فوج فوج فراره اغاز ایله سرحدل خالیه الخالیه  
قالدیغنی تصحیح ایتدیکمه بناء نمود قمره دک مبادا دشمن کیچوب  
برشا شغلق ویره دیو شعورم منسلب اولمشیدی مسقو او بی تجاوزدن  
منع قصد یله روسیه مر شالک سندی آلدقدن صکره مسقوره خطاب  
و بودو سکر کور اینک ثغور اسلامیه ده اولان سر عسکر لره کیدوب  
کلنجیه دک حدودی تجاوز ایتمک و روسیه لو کور ایسه فقط مدافعه  
ایتمک خصوص صلری افاده و اشرا ب اولمشیدی سزدخی عسکر کره  
بو خبری ابلاغ اتسکر مناسب اولور ظن ایدرم دید کده در حال بولده  
بولانلره و طونانک بو طرفنده اولانلره سریم الح که اولانلر کوندر و ب  
انتظار لری تئیه و بزدخی ختام مصلحت ایله یوله دوشوب ایکی کون



بر کوی به واندن روسجغه وصول بولدق نه کوردك اورنالی تبدیل  
و کوردیکم اصول نحویل اولمش سر عسکر پاشا ايله ملاقاتده  
افندی نه صورت ویردیکن چا پوك سوبله دیندکده تجاهلانه حرب  
تحقیق ایلدی همان اوج بش کون اول یور دینسکر کی قارشوبه  
کیچمکه و دشمنی او حوالیدن قالدز مغه همت واقدام یورک دیندکده  
اونته اصفرار و وجودنه اقشمار عارض اولوب افندی جنکه  
بر وجهله اقتدار بوق معینده اولان بوسنه عسکر نه اسهال عارض  
اولوب اکثریسی وفات ايله شو قارشوده مجددا بر مزارلق پیدا اولدی  
سایر عسکر دخی قبش کلدی دیو فراره یوز طونوب اچمه و ذخیره دیرسن  
بری موجود اولوب بوحال ايله تجاوز بویه دورسون مدافعه ده عاجزم  
سردار اکرم حضر تریته تفصیلا بواحوالی افاده ايله عسکر و ذخیره  
واقع ایلد اینه همت اینسونلر بوجسه روسجق اللهه امانت دیندکده  
اولکی جلالت تولدی نه تیز همتکره فتور ابراث ایلدیکن وزیرانه  
طور ککن خیلی پشیمیده اولمشیدی بورخاوت ندن اقتضا ایلدی  
دیندکده سز کیچر ایکن بینه خال بویه ایدی انجق سزه قوت کک ایچون  
کال تکلف ايله اظهار تعلق ایشیدک دیدی ضروری حالدن خبردار  
اولمش لازم کلوب صورت مکالمه نهانی طرفلرینه انهارا و خبر کلنجبه دک  
کسه به سر رشته ویرلما مک ایضا اولندی عثمان افندی اردویه  
کلدکن صکره مسقولونک کال ضعیفی و ایچلر نه خسته لک کیروب  
اضمحلال درجه سنی بولد قریبی نشر ايله قارشو کیچلمک ند بیرنی  
جمله به اعلان و منقوش مرشالی بش کون متار که به قدر تیاب اوله میوب  
بهر حال مامور اولان کسه باس جوابیله کله جکدر عسکر مز قارشوبه  
برجمله اینسدر دشمن خونیته دک فرار ایلد جکی مجزوم و مدردیه رک هر طرفه  
نامورلر کوندردوب جنکه اغرا ایتدرمش ایدی موی الیهک هر کس  
شرندن خایف و استانه به کیده جک اولد یغندن شدت تقریبی حسبیله  
بر نوع نفاق ایدردیو کبرای دولت مخالفتدن متقاعد و متجانب و سرارای  
زایغنی ذکرو تخطئه ايله اندوهکین و متاسف اولد قلمی حالده سلسزه  
قارشوسنده روسیه عسکری سر کرده سی یونمکین محافط سید حسن  
پاشا به کاغذیازوب مجددا متار که خبر لری استماع اید یورز سزده دخی  
بو خبر واری دیواسه تفسار و اولدخی چفته تا نار ايله بو خبری  
اردویه نسیار ایلدی کارفرمایان دولت متار که انعقادنی استدلال ايله

سرکرم سلافة فرحت اولوب خبرک صدق و کذبته اطلاع  
ایچون قدومنه منتظر اولدیلر فقیر دخی روسجقندن چیقوب  
ایلاهنار غراده کلدیکمده نابلی پاشا برادری بکر بکک قصبه ده اولدیغنی  
خبر ویردیلری استماع ایتدیکی کی ماشیا اولدیغمن محله کلوب بک  
افندی نه کیر یور سز دیندکده عثمان افندی اردویه کلوب بالاده تحریر  
اولدیغنی وجه اوزره متار که ممکن اولوب مامور قریبا مأموس کلور  
سرحدله استقامت ویرک دیو یاغرابی باصغله اصول دکشوب رجال دولتی  
بر محله تعیین ویزی روسجغه کوندردیلر قارشوبه عسکر کیچورمک  
استعدادنی بولورسق کیچوره جک بولمز سق روسجغه مشانت  
ویره جک سزده نه خبر دیندکده بزه شفای صدر اوله جق نسته بوقدر  
لکن اهسته رفتار ايله روسجغه عزیمت ایدک و رادن شاید ماموریتکن  
نحویل اولنور دیه رک جزئی سر رشته ویریلوب بینه لایلا اردوی  
همایونه کلدک صلاة صبحی لوی شریف چادر نه ادا و کتخدایک  
وریش افندی ايله صدر اعظمک بتاغ چادر نه واروب صورت حالی  
علی التفصیل افاده ایلدیکمده ابتدا بکر بکک تاخیرندن و عثمان  
افندی ايله کیرویه کلوب صکره ابرامیه عزیمت ایتدیکمزدن غایت  
محظوظ اولدیغنی افاده دن صکره متار که بشاشتی ايله تیرالدن نه اکرام  
ایده جکن بلوب جیلر نه هر تقدیر التون بولند بیه احسان و بوکون  
امدی اولسون دیو فرمان ایدوب امدی نوری افندی علیل و اختیار  
و دولت علیه ده امکدار اولوب انکسارندن حذر ایدرم و قتیله فولکزی  
انشا الله چراغ یورر سز دیو نیاز و بوطوردخی طبع اصفا نه لرینه خوش  
کلوب اظهار تضر و اهتر از و اخر جهته امتیاز ویره جکنی وعد ايله  
خیه فقیرانه معودت و کسب راحت ایلدم بر ساعتدن صکره سری  
سلیم افندی خیمه عا جزانه مه کلوب صدر اعظم حضر تری قره حصار  
صاحب قریبده واقع چای زعامتی سزه توجیه ایدوب برائی یا پدر من  
ایچون شمدی تنیه یوز دیلر قلم کوندردم دیو تبشیر ایلدی ایکی ساعتدن  
صکره خبر متار که ارکان دولته منعکس اولوب جمله سی محظوظ  
و بوقیری نظر عا طفته ملحوظ ایلد کلرندن غیری اوتاق اصفیده عظیم  
مشورت اولوب مرشالک مکنتوبی و سندی و مضبوطه مکالمه قرات  
اولنوب جمله سی دولت علیه به الیوم بوندن اعلی مصلحت اولوب حتی اغا  
پاشا ایکی کون ظرفنده بکیچر یلردن یک بشوز قدر ادم فرار ایدوب



چاق قواق محافطتك عسكركي بوزوب بالقاني آشد قلري خبري  
شمدی نوارد ایلدی همان سند مذکورك تصدیق نامه سی  
برساعت اول یازیلوب ارسال اولمسی مناسبدردیه رك هر طرفدن  
مشار الیهك كلامی تصدیق اولوب فی الحال سند مذکور  
تحریر و تانار چاپك پا ایلدیه مرشال طرفته ارسال اولندی عثمان  
افندی دعوا سنده كاذب چیقوب بز هیچ مامول ایتزایدك  
عجایب دهر ك مجلسدن نهضت و یسینی زاده افندی ایلدیه الفتاری محول  
خصوصت اولدیغندن سنك هب رای و تدبیرك بویله درد عوای  
نفر دایله حق تعالی سنی هر یرده مفتضح ایتكده در دیونفسایتنی مجلسده  
اظهار ایلدیه مجلس ختام و مشورت انجام بولدی برقاچكون مقدم  
اعاده حرب و خصام و بودفعه متار كه به نظام ویرلك آموز متیایته دن  
اولدیغنه بناء ایجاب مادیتن ایدن اسبابی شامل اردو قاضیسی  
حجت یازوب بو خصوص ایچون منعقد اولان مجلس مشورته اجتماع  
ایدن اكابران دولت جتی ختم و امضا و متار كه مك حسن قبولی  
ایمایدیلر بوماده جسمیه مضبوطه سی عینی ایلدیه موجود ایكن  
احراقده ضایع اولوب اوتوز سنه لك بر مكالمه اولمغله فكرده  
قلان نه ایسه بو محله نما ما تحریر و صدق و كذب معلوم جناب  
حی قیدردر زعامت مذکوریه فی سفر خاتمه دك ضبط و تصرف  
ایلدیه اوتار یخلدیه ترادف و صار فیه مندار تكلف ایكن عرحوم  
و مغفور له سلطان عبد الحمید خان وقتده محسن زاده وفات  
واردوی هما یون استانه په كلد كده اسماء سلطان بوز عامتی  
پاشام و کیلخر جمعه ویره چك ایلدی سن زور ایلدیه المش سن دیو  
كال مرتبه تخویف و كیمه فریاد اولندیسه بدایت سلطنت اولدیغندن  
شفاعت و رجایه قادر اوله میوب زور ایلدیه یدمدن بلا بدل  
وعوض اخذ و دیلدیكي ادنی چراغ و تلطیف ایدوب حكمت حق  
ایلدیه درت ادمه کیچوب البوم كیمك یدنده قالدیغنی معلوم اولدی  
جناب حق و قیاض مطلق شهریار ذریا كرم و عالمه فیض جود  
و ولی نعم اولان پادشاهمزی جهان طور دقده صاع و دولته  
بدخواه اولانلرك قلوب قاسیه زینی داغ بر بالای داغ ایلسون  
سایه مراخم وایه خمیر وانه زنده نیجه سنین و سال زعامت  
و ابراد سن تعیش ایلدیه هر بار احسان هما یونلرینه مظهر و كال

\*

رفاهیتیم بو غیبه دخی قناعت و تصرف ایلدیه بین الاقران غیر  
مضطر اولدیغیم امس دابردن اظهردر (حوادثات متفرقه  
سردار اكرم حضرتلری بالاده افاده اولندیغنی وجه اوزره وزیر  
عثمان پاشا و ابراهیم پاشا اردولرینی تشریف ایلدیه مشار الیهما بی  
مظهر اعزاز و بوامتیا زدن وزیراغا پاشایه دخی حصه افراز  
ایتك ایچون و اخر جمادی الاولی ده قیو خلقی ایلدیه یکپیری اردوسنه  
عزیمت و اغا پاشاك خیمه سنه نزول ایلدیه مشار الیهی ممنون  
لطف و عنایت ایدوب برقاچ ساعت اقامت و حین حرکتلرینه  
مشار الیهی بر ثوب فسروه سمور ایلدیه نوازنده چشم اعتبار  
و اورنه ره عطایای وافر بذر و مشار ایلدیه اوطاقلرینه تحریرك  
عثمان رهوار ایلدیلر تعاقب امام اسفار ایلدیه زعامت و تبارك  
اكثری نا اهل و صبیانه توجیه اولنه رق اومقوله ره قلم طاری  
و مامور اولد قلری محالرده الای بکیرلرندن غیری كسه بولمیبوب  
اقل قلیل نفرلری دخی عدم اداره اقتضا سیله مرتكب سفالت  
خدمتگذاری اولد قلری معلوم و یوقلملری رسیده خبر لزوم اولوب  
رئیس الكتاب و توقیعی و دفتر امینی معرقنبیله دفترلرینه نظر  
ونا موجودلری ملازم و سفر ایتمك مقتدر كسره توجیه ایلدیه تحصیل  
اسباب سفر قیلندی ابارزه محمد پاشا خزینه داری فیض الله اغا  
پاشاسی قتل اولندقدن صكره اختیار سمت قرار و نصوح  
اوغلی بانه واروب منتظر لطف ككرد كار اولمشیدی مرقومك  
درجه شجاعنی معلوم و استدیكي وقتده خیالی ادم جمع ایدوب  
انا طولی په ولوله براقه جتی نزد صدر اعظمیده مجزوم اولوب دایما  
بو فكر ایلدیه متوهم واردوبه بر تقرب جلب اولمسی قصد و تأم ایدرایدی  
اخرا لامر اردوده موجود مرقومك معتدلرندن بیری احضار بی  
الزام و رای مکتوبی الوب طرفته ارسال ایلدیه او وحشی دشت  
تفرق رام ایدوب اردویه كلد كده طرف صدر ایتنا هیدن صنوف  
اکرام حقنده ارزانی و چوق کیچمدن نابل رتبه میر میرانی اوله رق  
كافه اموری نهوین و طوز قانه محافظ تعیین اولندی عودت  
حرب ایتنا ایلدیه اردوی هما یون خزینه سنده وجود مبلغ اهم اولدیغنی  
معلوم شهریار اسکندر خدم اولدیغنه بناء بر برینی ولی و تعاقب ایدرك  
ایکی يك بشیور كسه مقداری مبالغ خزینه به اصل و دغدغه ضرورت



\* یو تقریب ایله منق و زایل اولدی (توجیه رتبه وزارت با سمعیل اغا  
 مومی ایله صاحب ثروت وغنا و مالک جوهر عقل و ذکا  
 اولدیغندن غیر موره ده بوندن اقدام وقوع بولان معارف کده اظهار  
 تجلید ایله تفرید و بوسبیلله صدر اعظمه کسب تردد ایلیوب بیک  
 بش - یوز نفر عسکر ککند و مالندن ترتیب و کافه لوازم برین  
 ترکیب ایله روز قاسمندن مقدم بالذات اردوی همایونه کلک شرطیه  
 جادی الاخره نک النجی ککونی رتبه وزارتله تطریب اولندی  
 توجیهات جزویه) بوسنه ایالتی مضارقت ضروریه سفریه رتبه مدار  
 اولتی ضمیمه بوانه ذک سردار اکرم حضرتلرینک عهده لرنده اولوب  
 قائم مقام ایله استیاب نظامی استحصال و جزیه سی جایت اولنه رق  
 حاصل اولان تمامی جزیه همایونه ادخال اولورایدی تر حاله  
 متصرفی وزیر عثمان پاشا بوانه بالیه بوغازنی محافظه مامور  
 و ممکن اولدیغی حالده قارشویه عبور ایتمک صورتی قرار کبرار باب  
 شعور اولوب انجیق عهده سنده اولان متصب بی نما و امورنی اداره  
 ایده مبه چکی هویدا اولغله بوسنه ایالتی طرفته توجیه و احسان  
 و محفل اولان تر حاله سنجاقی ایله مجددا وزارت ویریلان اسماعیل  
 پاشا نک فحیم اقبالی فروزان قیلندی (بعض وفیات) قنده محافظی  
 وزیر خسنی حسین پاشا برقاچکون متسکی بالین پیماری و اوایل  
 جادی الاولی ده واصل رحمت حضرت کرد کاری اولوب محفل اولان  
 قنده منصبی یکپیری اغا لغندن مخرج قائم مقام اسبق وزیر سلیمان پاشایه  
 منرا وار والیق کورلندی اغریوز سنجاقی توجیه اولنان وزیر  
 صنع الله پاشا دخی منصبه عزیمت ایدر ایکن رهزن اجل سبیل حیاتی  
 سد و جوهر روحنی مرجع اصل بنده ردایدوب منصبی ایله دریندن  
 پاشا بوغنی وزیر علی پاشا نایل سرور پیمدا اولدی مشارالیه سلحدار  
 حضرت شهر یاری ایکن سکسان بش تار یغمنده اناطولی ایالتی ایله  
 چراغ و خایزد ستمایه رفاغ اولوب بر مدت معارض بوغازنی حافظ  
 و خراست و بر منوال تخریر اغریوز کیدر ایکن عالم عقابه رحلت  
 ایلندی (عودت مرخصان با ستانه سعادت) نتیجه و پرو سیایا پیمباری  
 هزار غراردن مضارقت و اردوی همایونه واندن استانه معا  
 توجهری خصوصیه هر تقدیر دولت علیه مرخصی طرفندن سنی  
 اولند بیه دخی صلحک عدم انعقادندن اظهار نار و خجلت ایله توقیقری

\* ممکن اولوب اولوب شرف او به راحله بند عزیمت اولمش ایدی  
 ذکر اولنان مرخصی دخی اردوی همایونه مصلحتی قالیوب  
 تحصیل اذن و رخصت ایله انلر دخی استانه سعادت عودت و کلوب  
 کملری میری بی بش الی یوز کبسه رخنه دار ایتدیکی بویافته صحت  
 روایتدر (وقوع مشورت و مرخص شدن رئیس الکتاب الحاج  
 عبدالرزاق افندی و مأموریت بعض کسان بمعبت او) اتفاق  
 ارا ایله استصواب اولنان مشار که نک تصدیق نامه بی روسیه  
 فلد مر شالی زومانچوف طرفندن رجب شریفک طقوزنجی کونی  
 اردوی همایونه واصل اولوب روسیه مرخصی ابر شقوف محل مکالمه  
 تخصیص اولنان بکرش قصبه سنه وارمق و دولت علیه طرفندن دخی  
 صاحب رتبه بر ذات تعیین اولتی خصوص صلیب مکتوب مستقل ایله  
 افتاده ایتشدی ماده مذ کوره معظمان خطوب دولت علیه دن  
 اولدیغنه بناء فی الحال بر مجلس حافل ترتیب و اکابران دولت احضار  
 و تقریب اولوب سردار اکرم حضاره خطاب و بوباده رای  
 صواب ندرد بواستجواب ایلد کده امر متار که بوجه مهوات پذیرای  
 تمشیت اولدیغنه نظرا انشاء الله تعالی مصالحه خصوصی دخی بروفق  
 مامول قرین خبر حصول اوله جفی محسوس اولوب همان بر ساعت اقدام  
 تعیین مرخص ایله مصلحتنه با قلیق معقولدر دید کارنده صدر اعظم  
 دولت علیه مرخصی بیک عودتی وقته موقوف و عن اصل مواد  
 مصالحه رئیس الکتاب بوانلر ایله عقد اولنه کلدیکی معروف اولوب  
 رئیس الکتاب بولنان عبدالرزاق افندی بیک جولان طبع و حدت ذهن ایله  
 اتصافی و دوات علیه نک هر حالده اعتماد کرده سی اولغله مرخص تعیین  
 اولتمی رایزه کوره محض صواب عدا اولبور سز نه دیر سر حضار مجلس  
 رای صدارتیناهی بی هر طرفدن استحسان و مومی الیهک محاسن و درایتی  
 بیک شمرده بنان بیان ایلدیلر بناء علی ذلک شهر رجبک اون برنجی  
 کونی اتفاق ارا ایله مومی الیه بیوک ایلچی و مرخص نصب اولوب دوش  
 استحقاقنه الناس فروه مهور قیلندیغندن بشقه استشاره امور ضمیمه  
 پاش محاسبه بنی سلیمان پناه افندی و سلحدار کاتی عطی الله بیک افندی  
 معینه مامور قیلوب بیکلچی السید محمد خیری افندی سیر کاتی  
 و بوفقیبر مکالمه کاتی و مکتوبچی قیلندن ابکی نفر مبیض دخی ترفیق  
 و عقد الال و کالت ریاست تذکرة اول ابراهیم منیب افندی بیک کردن



ایستاده تعلق اولندی (طلب محلول از او جفها و اخراج واجب  
سفر تقریبی ایله اصحاب علوفه و وظایف دایره حدی تجاور  
و متعاضف اولدقلرینه نظر احین حاجده جمع کثیر ایله ادای خدمت  
لازمه عهده دیانتری ایکن بعضی اسماء سنی محافظه و بوملاحظه ایله  
ولایت عازم و بعضی دواړه کماره ملی بطن وادی معیشت ایله  
متروک و ملازم اولوب یو حال ایله قیدلرینه باقله بکریه سیده بری  
موجود اولدیغی جزما مشهود و او جفله کلی محمولات و احوال  
ارباب خیانات اولدیغی مکشوف ضمیر صدر ستوده صفیات او لغله  
ذکر اولسان خصوص رئیس الکتاب افتدی به خواله ایله اغاری  
احضار و ضرورت تهریب و ترغیده معامله حکیمان اظهار اولوب  
همان او کونکه کون سنیه و سلحدار او جفله بدیشریک اچیه  
محلول و بریلوب سایر او جفله دخی بالنده ریج و افر محلول تفریح  
اولوب بیت المال مسلمیه اعانت و کلی خدمت ایله افتدی موی ایله  
طرف صدارتینا هیدن دست و ازنده عز و حرمت اولدی (عزیمت  
رئیس الکتاب بجانب بکریه) افتدی موی الیه اقتضایدن خواهی  
تیم و معینده اولان افتدی لک دخی خرج اهلاری توزیع و تقسیم اولوب  
طرف همایوندن و بریلان رخصتیه دخی بدینه تسلیم و شهر رجیک  
بکریه بشی کونی صدر اعظم حضرت تریله رسم پرداز و داع و طرف  
اصفانه لرندن کشیده قیلان اسب مطلقه سوار اولدق  
منزله قدری واصل سرمهزل ارتفاع اولوب یوم خر کتلیک  
بشی کونی روسجعه پناهده ورود و فارشوده اوزم تدارکی ایچون  
النی گون قدر قصه مذکورده ارلستان قعود اولمشلر ایدی  
شعبان شریفک بدیجی کونی مرتب الای و مهرخانه ایله شایسته  
راکت و فارش و طرفه ذاهب اولدقلرینه قصه به نصف ساعت  
مسافده تصب اولسان خیامه نزول عقبیده برکوی قومندان کلوب  
ایضای رسم ترحیب و پرو طرفدن دخی سئوال خاطر ایله تطیب  
قلوب فردانی بکریه عزیمت و درت کونده قصه به دخول  
ایله دفع و عشاء مشقت ایلدیلر ترجانلر و طایفه طرفیندن اجرای  
معامله خوش آمدی قیلندقدن صکره ابرشقوق بالنفس رئیس  
افتدینک قونا غده کلوب تبریک مقام و ایضای لازمه تعظیم و اکرام  
ایدوب فردانی افتدی موی ایله طرفدن روضه سرخصی ابرشقوق

مزین برراس اسب و محمد و ملری احمد حید افتدی طرفندن  
ابرشقوق معینده اولان مرشالک اوغلنه بر دوشش ات ارسال وانلر  
دخی سمور و قاق مقابله سیه ذیل تشکری اسبال ایلدیلر  
برکون صکره دولت علیه مرخصی دخی ابرشقوق خانه سنه  
عزیمت و جزو یجه افاق مصاحبتدن صکره مکالمه به شروع  
مذاکره سی سبقت و یارنکه کون بدأ و مباشرتده دمساز موافقت  
اولمبله ایکی طرفک سرکاتیلری و ترجانلری محل مکالمه بی رویت ایله  
عودت ایلدیلر (ابتدای اجتماع مرخصان) شعبانک اون اوچینی  
کونی ایکی دولت مرخصلری مساوی اقدام محل مکالمه به  
دخول ایله رسوم عادی بی انعامدن صکره مجلس تخلیه و خیری افتدی  
و بوقیر و اونه طرفدن دخی ایکی نفر سرکاتیلری و طرفین ترجانلری  
مجلسده قالوب خیری افتدی او طرفک و فقیر و طرفک مباحثه سنی  
ضبطه شروع ایلدک ابتدا ایکی طرف رسم قدیم اوزره سانحه ریخی  
قرات و ثانیاً متارکه صحبته شروع و مباشرت و ابرشقوق متارکه نک  
مدتی بمقدار اولسون دیو سئوال ایلدکده رئیس افتدی  
اقلی الی ماه اولسون دیدکده ابرشقوق استکثار و شوافندی ایله  
مقوله مز قرق کونی الی ماهه تقریب ایدی سوزمزدن نکول ایچوز  
ارالقه مشایخ اولان ایامک اوزرینه اوج ماه ضم اولتیه عهد سابقه  
مقاربت حاصل اولوردی دیدکده رئیس افتدی متارکه نک عدم  
وسعتی بزدن اول بومصلحه ماه موراولملری نمرتیه از عاج المدیکی  
ظاهر در بعضا قطع و قصه قریب ماده لر استیذانه توقف ایدوب  
پتر بورقه ادم واروب کلنجبه دک بردفعده او مقدار مدت منقضي  
اولوب تکرار متارکه به احتیاج مس ایله جکی بدیدار دز بوغبسه  
متارکه ایامک قلت و کثرتی عندم زده مساویدر دیدکده رخصتی  
ذرت ماهه منحصراً اولوب زیاده سی الیدن کلیه جکنی قطعا افاده  
و بیان و طرفیندن و افراحت کذران ایدوب اخر الامر کر جستان  
و سایر اماکن بعیده نک برماه ضمیمه سی ایله برو طرفدن قبول و بادی  
امردن تسافری موجب اوضاع اظهارندن عدول اولندی طرفین  
عبدالکریم افتدینک متارکه شروطنی التزام و تصدیق ایله لازم کلان  
سندلری تحریر و تمهیر و بعد المساده بر صورتی اردوی همایونه  
کوندرلدکده نوروزه دک تمدید مدت قلب صدارتینا هی به الفای



هزت و بشاشت ایدوب فی الحال مآثر که اخبار بنی سرحد له  
نشر و اعلان و طوایف عسکری حصول اسایش و فراغ ایل  
اختلاس وقت و زمان و آلات حریه بی او بخت مسمار نسیان  
ایلدیلر ( ورود والی فرمان و وقوع مشورت برای مشتتا و آمدن  
تشریفات ) فرمان و البستک شام ما موریتی منصرف و رقه ده  
دخی اجتماع ناس ایلده مزاج راحت و سامانی مخرف اولوب فرمان  
ایالتی طرفته توجیه و احسان و سر میچک ایلده رفیع الشان قیلمشیدی  
بو بهانه ایلده چپ و راستنده واقع قراوقصباتی جغد و بونه اشیانه  
واها البستک بنیاد تبشلی بنی خراب و ویرانه ایدوب نه حال ایسه اردوی  
همایونه رسید و بش التی یوز قدر عربان و انلری لاغر و ناتوان  
عسکر ایلده صف کشیده اولوب امثالنه ارزانی قیلمدیغی وجهه اوزره  
فروغ سمور اککسا و اردوی همایونک برجا نینده خیمه لرینی  
نصب ایلده و ساده راحته استلقا ایلدی تکاثف ابرمدار ایلده نازل  
اولان امطار انسان و حیوانی مبتلای چارموجه اضطراب و ناتوانی  
و برودت جو هوا جلله بی کرفقار عذاب روحانی و جسمانی ایدوب  
بوسیله اتخاذ مشتتا و برشهر ظاهر الزامه بهناره ذک دفع سوزت  
مشتتا ضمیر صدرعالبقدرد جلوه نما اولوب اردوی همایونده  
موجود وزرا و وکلالاتی ثریا نطاسقه جمع و بو کیفیت جله شنی  
حواله سمع ایدوب بعضیلری صدر اعظم اردوی همایون ایلده استانه  
شفا دانه مزیت و مرخص افتدی طرفندن پیدری ورود ایدن  
موادک حسن تمشلی عرض پایه سر بر سلطنت ایدوب محضا بعض  
و حسدن ناشی سفسطه و مغلطه بی جامع کلام غیر واقع  
ایلده بومصلحت خبره بی مانع اولنری ردع و فایده جنک و صلحی  
موازنه ایلده تحجیل اولان فساداتی دفع هر وجهله فنا سیدر دیدیلر  
بعضیلری دخی احتمال اعاده خرب ایلده سردار اکرمک بعدی مصلحت  
حریه به بروجله موافق اولوب ادرنه خصب و رخا ایلده شهرت  
و استانه سعادته نسبتله سرحد له قریب برشهر و سبع الارجا  
اولغله اتخاذ مشتتیه اولوتی ظنا هر و هویدا در دیدیلر بعض  
اصحاب عقول ادرنه و استا نبولده قشلی لازم کلورسه براق سنه دن  
برو متاعب سفریه ایلده مضطرب و آتش فرقت اولاد و عیال ایلده ملتهب  
اولنر قاهیت عیش و نعمت تلذاف ایلده ائتلاف ایدوب اعاده خرب

لازم گلدکده برلندن تحریک لری متعمر و تیرالدن بنه شمنی به وارلق  
خیلی متعذر اولوب شوبله که هر تقدیر حرکنده سرعت کوستراسه دخی  
عسکر مقابله اعدایه و ارنجیه دک سرحد له اکثریسی کرفقار  
ید دشمن اوله جخی متیقن و بو تقدیرده کما کان شمنی ده اقامت  
مستحسن اولد یغندن بشقه مرخص دولته دخی سبب قوت و بعض  
موادک استراحتیه قصر مسافه سبی ایلده مدار سهولندر دیدیلر ارباب  
مشورت اجرای رای انجیرده صفقه زن انجساد و موافقت اولوب  
غره رمضانده سردار اکرم حضرتلری و سایر رجال و اوجفلو شمنی به  
دخول و سنا بقی اوزره هر کس خانه سنه نزول ایدوب خارج  
قصبه ده خیمه نشین اولان وزیر سید نعمان پاشا پراوادی قصبه سنده  
یوز برابر ابراهیم پاشا هزار غراد قصبه سنده قشلاق خصوصی  
دخی مجلسده قرار داده اولوب بواراده شفا ها مشار الیه سایه افاده  
اولندیدی بوندن اقدام نعت اصفانه ایلده او جطر دن تحصیل  
اولنان کلی محمولات قسطنطنیه مواجینی تقلیل و اداسنی تسهیل  
ایدوب بو خدمت نزد فرد شاهانه ده باعث تحسین و پستند و سردار  
اکرم حضرتلری قدر و اعتباری بالاتر و بلند ایدوب چاقربی باشی  
بنا و سا طنبه سمور کورک و مجوهر خنجره مصکوب خط همایون موقع  
وصوله مقرون و برقاچکوندن صکره اغای موی ایلده ملتفت  
و بمنون استانه طرفته روانه اولدی ( بعض وقایع و احسان وزارت  
یحیی اغا ) سردار اکرم حضرتلری عن اصل روم ایلی قطرنده کثرت  
سیر و حرکت ذی قدرت اولنری اختیار و تحملار بنه کوره میری و یروب  
مشتتیه ترتیب و برآن اقدام اردوی همایونه وصول لرینی اشعار پیور مشا  
ایدی امر عالی به امثال واربعین ایچنده قوج فوج مشتای همایونه  
اتصال و الای کوستر دکن صکره سرحد له نفریق و ارسال اولوب  
بوجوعک افراد ندن چنانچه لی علی اغا بالیه بو غار نه ما مور و الی ماه  
قدر او محله عسکر فی نفریق ایتیه رک امر محاسن فطه ده صرف مقدور  
ایلدیکی معلوم صدر الصدور اولد یغندن بشقه وزارت نه استحقاقی  
معلوم و خدمات دولته لیاقتی محروم اولوب غره شوالده رتبه والای  
وزارت ایلده نایل اقصی الغایه منزلت و مجددا منصب و بریلان اغریوز  
قادمه جنیان عن یمت اولدی ( وفات قاضی اردوی همایون نعمه الله  
افتدی ) افتدی موی ایلده ساخورده و پیر و برقاچ سنه دن بروکرم و سرد



روز که از غی معاینه ایله قوای وجودی بالکلیه خلل پذیر اولوب  
عاقبت عرض مرض ایله دلخراش و بر مدت پهلوزده کاره فراش  
اولوب شوالک اون ایکنجی کونی نعمت حیاتدن دلسیر و واصل  
رحمت حق قدیر اولدی موی ایله یوز اون ایکی سالنده مشیمه چاک  
شهود وفارق میان بود و نبود اولدقده پدری وفات و موالیدن  
جدی عثمان افندیك اغوش تربیه سنده تحصیل کالات ایدوب نیل  
ملازمته کامین و قرق اوج نار بختده من احدی المدرسین اولمشیدی  
نایبند طرافت و جلدنده عدم ثقلت حسیلله اکثر کاره انیس  
و با خصوص بعض وزیریه همراهی اولوب داماد زاده مشیخته  
هزل و دفتر مدرسیندن اسمی حک ایله میلای ذل وازل اولوب  
برمدندن صکره کماکان طریقہ دخول ایله بعض خدمتدرده استخدام  
و با خصوص مقتول بشیر اغازماننده حرمین مفتشکی ایله ترتیب ساز  
اسباب عز و احشام و الشمس سکرده غلطه مولوبتی ایله مظهر  
صنوف اکرام اولمشیدی بعده مصر قاهره و مکه مکرمه قضا ایله  
دلشاد و عبدالله افندی برینه استانبول پایه سیله اردو قاضی منصب  
اولوب تاریخ مذکورده عازم سمت معاد اولدی افندی موی ایله  
نساج کارگاه معانی و واقف مزایای معارف و نکته دانی  
حسن سلیقه ایله مذکور و سلطان محمود مرحومک بنا ابتدکاری  
بنده ع اندبند ابتدی بو بند آب حیاتی سوبسو تاریخی بین الناس  
متواتر و مشهور در (وقوع توجهات) ذی القعدة ک سکرنجی کونی  
اردوی هما یونده موجود اولان رجال و خدمه ک منصبی ابقا  
اولوب فقط نوح ک استانه یه عزیمت ایتک باینده دامیکر التجا  
ارمسله متصرف اولدیغی سپاه اغالغی ایدوسلی حسن اغایه توجه  
و بیوک روزنامه پایه سیله رئیس الکتاب افندی و کیلی بیوک تذکره جی  
اولان ابراهیم متبب افندیك قدر و منزلتی ترفع و تنویه اولندی  
مخلص افندیك و معینده اولان افندیك دخی متصرف اولدقلری  
مناصبک رؤسایله خلعتلری صدر اعظم مهرداد ایله بکرشه ارسال  
اولوب هر کس اکسای خلعت و اخذ رؤسایله خایز رهنه  
خبور و محرر فقیر بوجه داخلنده اولوب متصرف اولد یغم  
غریبه یسار کانی ابقاسیله مسرور اولدم مهرداد حین عودنده  
مخلص افندی طرفندن سمور کورک و اوج بیگ فروش خدمت

و بریلوب معینده اولان افندیك دعوت و رؤس مصارفندن و ارسته  
و بو تقریب افندی موی الیهک شناسی طیارم چرخ اثره پیوسته  
اولدی (اجمال مکالمه مرخصان و عودت ایشان) ایکنجی  
مجلسده دولت علیه مرخصی ایله روسیه مرخصی اجتماع ایدوب  
ابتدا تضمین ماده سی خصم طرفندن ایراد و دعوی سببت ایله  
اظهار صورت عناد انشیدی رئیس افندی طرفندن اکثر  
معنای تضمین مصارف سفر به دن عبارت ایلده دولت علیه ک  
مصارفی رسیده راده اضعاف و بالاسحقاق دعوی تضمین  
ایسرایسه موافق طور انصافدر اکثر تضمین سفره علت  
اولمندن ک نایه ایلده جله دولتمارک نظارتنده اولان لهلویه  
روسیه لو اطلاله پای تعدی ایلد ک لرندن خبری ممالک عثمانیه ده  
واقع بالطله به ندرجه زده ضرر ایراث ایلد کلری معلومدر بحار به  
نیتده اولان دولتمارقلی اوج سنه مقدم لوازم سفر به لرخی تنظیم  
ایلده اعلان حرب ایتک طور قدیم اولوب دولت علیه ایلده برفاج ماه  
لهلو غوغاسیله استانه ده منکله امرار ایام و یوماده لر سرحد لرزه  
احداث اختلال اید یوردیو فریاد اولند فیه صورت نظام  
الترامبله برشاقی جواب و برلمدیکی معلوم انا م اولوب دولت علیه  
امورنی تسویه و ترتیب ایتدن سفره چیتوب حتی بندره وارلد قد  
قلت ذخایر سیاهی ایله اهالی چونکه سفر ایلده چک اید یکر مقصد مج  
نیچون انبار لیاوب ک کلی ذخایر ادخار ایتد یکر ذید کلری توار باب  
اشتهار در دیدکده و افز قیل و قالدن صکره ابر شوق جوا بدن  
عاجز اولرق فوقشان مکالمه سننده واقع اولدیغی کبی اخر ماده یه  
انتقال ایلدی برمنوال بحر رهنه ده ایکی کون اجتماع و طرفیندن  
مناسقه و نزاع انقطاع بولوب کاه و ساطه و کاه شفاها تسهیل  
مصالحه ایلده چک مقدمات معقوله و ترغیبات مقبوله ایقاع اولوب  
اخر کار روسیه مرخصی ایشوق دولتک سبار اغراضنی تحصیل  
سبب افندی برفاج مادی قطع و تحصیل و تمسکات تحریر و طرفیندن  
تمهین اولوب مجلسلرده مبادله ایلده دفع مجاهده ایدوب شویله که  
افلاقی و بغداد و حین مجاریه ده دولت علیه به مخالفت و روسیه لویه  
موافقت ایدن رعایانک جرم و کتناهاری عفو ایلده حقارنده حسن  
معامله اولوب کرجستانده واقع بالجمله قلاک دولت علیه به رد



و نسائی و بومقابله ده کورجیلر فیما بعد سی و استر قاق  
اولمیه رقی ممنوعیت بیع و شراری و روسیه ایلیچیزیک ذیوان  
عالیه و رودلنده بحسب الرتبه تقدم و تاخر لینه رعایت اولنوب  
ترجیهان و خدمه لرینک امثال لینه قیاسا جزیه و سایر نکالیندن  
معافیت لری و ایلیچی اتیپا خندان دین اسلامی قبول اینلر ترجیهان لری  
مواجهه سنده دفع اشتباه و احتمال ایچون بر قاق دفعه نکر بر شوال  
اولنوب آیین نصاری ترک و دین محمدی بی قبول ایلد کملری  
ثابت اولدقده روسیه لو طرفندن قطعا بجز و طلب اولنوب فقط  
ایلیچیک بعضی اموال و اشیا سنی غارت و نهب ایتش ایسه تماما  
تحصیل و استرداد اولمسی و فرقی چرا که دن کک و چک قبار طای  
ویونک قبار طنای روسیه لو طرفنه ترک و دفع اولنوب قریم خانک  
نصب و تعیین دینی صنوف و قبایل تاتارک رای و اختیار لری و وقوع  
بولسی و دولتهن اسراسی شکرانه مصالحه صورتنده بلا بدل ایکی  
دولت طرفندن اطلاق و آزاد اولنوب الی اوج تاریخنده عقد اولسان  
مصالحه شروطی اعتبار دن ساقط و متروک اولوب اشتبه عقد  
اولنه حق مصالحه شروطی فیما بعد مریعی و معتبر و دستور العمل  
اولی حاصل کلام اون ماده نک سند لری بر قاق کون طرفنده  
مکالمه و هر ماده سنده خیلی مناقشه و معارضه اولنورق وجه  
شروع اوزره قطع و طر قیدن ختم و امضا و یکدیگره مبادله  
اعطا ایله توشهیلایتن غرض اصلی اولان بحث تاتار ره رفته رفته  
شروع و اسن بشای مصالحه اولدینده شاه مرخص لری بنده خیلی  
مناقشه و مجادله وقوع و نهایت الامر قریبده واقع جوامع و مساجده  
جمعه کک و نلری خطبه قرات اولنور ایکن کفی الاول اسم نسائی  
حضرت شهر یاری ذکر و یاد اولنوب بر منوال بحر رقوم تاتارک انتخابیه  
خان نصب اولند یخی حالده دولت علیه مشور اذن و رخصت اعطا  
میوروب احکام شرعی لری جائز اولی ایچون تاتار هلاستندن اجرای  
احکامه قادر کسه لره بلا حوض قاضی مکر افندی طرفندن مر اسله  
التمی ماده لری دخی طرفیندن بالایجاب و القبول قرار کبر حصول و انجق  
ازاع قریم قلاعک ردند و قالوب روسیه مرخصی بجه قلاع تاتار یکنده  
و کرش ایانی و یکی قلعه روسیه لو یکنده قاق دعاستده اصرار و عذوری  
متعین اولدیندن رئیس افندی قلعه زماده سنده دولت علیه

و جهها من الوجوه راضی اولیه جفتی بیان ایله فسخ مکالمه صورتی  
نمایان اولمشیکن طرفین بوماده بی قرق کون وعده ایله دولتمینه  
تحریر ایتک اورره قرار و حلول ایام موعوده هنکامده ابر شقوف  
انقضاء صلح بر قاق ماده به متوقف اولوب بونلره دولت علیه مساعدده  
ایدر ایسه روسیه لو تضمین معتدلدن کچر بری تاتارک سر بستن لری  
ایقاسینه روسیه لو تکلی و ایکیچیمی ککرش و یکی قلعه نک  
روسیه لو یکنده قالمسی اوچنچیمی اق دکر و قره دکرده کرک جنک  
و ککرک نجرار سفینه لرینک آمد و رفته مسافعت اولنماسی  
درد نجیمی قلاع قریمک آبادی تاتارده ایقاسی و روسیه لو  
طرفنده اولان لیغوره یغمدان بروجیه نایند تقویض اولنوب  
ویونده لقی منحل اولدقده اولادی توارث و دوبره و تکلی کبی  
یغمدانک میریسی اوج سنده بر مغلوطه دولت علیه به تسلیم  
و استانه ده بر قو کتخداسی اقامه سنده رخت و بریلوب قلیرون  
روسیه لویه ترک و اوزی هدم اولنق ماده لرینی شامل ایلیچی مسفور  
برضک اغدا ابراز ایلد کده رئیس افندی دولت علیه بوماده لک  
برینه رخصت و برمیوب اعاده حرب لازم کله چکی ظاهر در بونلری  
قیلایدن ایسه دین و دواتر او غریبه افندی وجود ایتک هر حالده  
بزه خیر اودر دیو جواب و بروب هله بر صکره بوسولت طرف کزدن  
دولت علیه به عرض اولنسون باقه لم نه جواب ظهور ایدر دیملکه  
بلا استیذان عودت شرط اده محل بوضع و حرکت اولدینندن  
بواحوالی لسانا و روسیه مرخصک مواد کاغذینی عیانا افاده و عرض  
ایتک اوزره عطشاء الله بک افندی بک اردوی همایونه از سنالی  
تصویب اولندی میر موی الیه اردویه و رودنده و جوه رجیال  
و عوما او جغلو حضور سردار اسکری بمجلب اولنوب میر  
موی الیه توارد لیدن تحریرات و لسانا تقریر ایتدیکی مغلوطات  
جمله به افاده اولند قده مسقولونک غرضی ککرش و یکی قلعه  
اولوب باقیسی مغلطه و تهوین مد عالینی استحصالی ایچون توهم  
و سفسطه قیلندن اولوب شیر در باماده سنده دخی وجه مناسبی  
اوزره نظام اهون ککوریلور دشتنک تضمین دیو طلب ایتدیکی  
الی بیک کبسه ظاهرده اسان و اداسی خارج از حد امکان اولوب  
تاتار باشلو باشینه اولنق کفارک شمیدیکی تسلطندن اشد دکلر



مرد زمان ایلد حیث اول سنه ارجاع دخی قابلدر بوندن صکره  
 اون سنه حرب تمادی اولسه بوندن اعلی صلح اولماز دیوهر کس  
 صدر اعظمی ترغیب و قبول عامه بولندیغنی حاوی حجت ترتیب  
 اولوب هر کس بینه و قوف تحصیل ایدن عطیاء الله بک افندی  
 ایلد کر اولسان معروضات تقدیم درگاه پادشاه جبل الصفات  
 قیامتیدی استانه به وصولنده برفاج دفعه عقد اولسان بحالسنده  
 ضمان و کفالت و ترک قلاع و بلا استثنای سیردریا جله به قبیح  
 کوریلوب قبولنده انواع محاذیر تعداد و باخصوص عثمان افندی  
 اطلاق زمام فریاد ایلد رک امتناع قبولی تصریح و ابراد اتمکله  
 هر کسک ذهنی تغلیط و شهریار عصر حضر تباری توهم ایلد  
 ماده بی افساد و تخلیط ایدوی مواد مذکورده خصم طرفندن  
 قبول اولمیه جق صورتده تعدیل و تمشیه و هر خص افندی طرفنه  
 کوندلک طرف هما یوندن توصیه اولندی صدر اعظم دخی  
 وقوع بولان کیفیتاتی هر خص افندی طرفنه تحریر و سر رشته  
 مکالمه عدم انقطاعی سرانته کیر ایدوب هر خص طرفینه اجتماع  
 و ماده له عدم مساعدت صورتی رئیس افندی ابرشقوقه افاده  
 و اسماع ایلد کده معارضه تجدد ایدوب اوچ ساعت قدر طرفیندن  
 سرادله و براهین و هر کس مصلحتنه موافق بسط رای رزین  
 ایدوب روسیه هر خصی شو تقدیم ابتدیکم ماده له رک جله سی دولت  
 علیه طرفندن قبول اولندیغنی صورتده فیمابعد لفظ مکالمه بی  
 لسانه المی سمع رخصتدن صد فرسخ دور و بوباید معذور  
 اولدیغنی افاده به مجبور اولندی فرداسی بکلکچی افندی بی  
 و بوقیری رئیس افندی الوب ابرشقوقک خانه سنه انصراف ایلد بته  
 ایحاث سالفه استیناف اولندقد روسیه هر خصی مقدما عرض  
 اولسان ماده دولت علیه رضاداده اولدیغنی حالده رضاکزه  
 موافقتله سبب تنفر اولان سایر موادک تمشیقی قیابلدر قالدیکه  
 کسب امنیت ایچون طمان یافته سنده بقلعه بنامنه رخصت  
 و بریلوب بوندن صکره مکالمه عبث و اتعاب وجود قیلندن  
 اولدیغنی و متارکک ختام بولوب عودت حرب لازم کلدیکلی  
 و بکرش ذخیره مزک مجملی اولوب انبار طوشقی و آخر بر قضا  
 ظهور بیلد شاکر نه نقیصه ویره جک بر حال ترتیبندن غایه الغایه

خوف اوزره یم دید کده رئیس افندی یارنکه کون قوناغزده نهایه  
 النهایه اوله رقی بر مجلس ترتیب ایلد لمدمکله ایرنه سی کون ابرشقوق  
 ایلد تکرار مباحثه و استانه دن تعلیم اولسان صورتک بر بیلد قطع نزاعه  
 افراغ جهد و طناقت ایدوب بومجلسده دخی بر فایده احساسی ممکن  
 اولما مقله هر خصلرک مفارقتی تحقیق ایلدی نهایت مجلسده بقای  
 رخصت طرفین ایلد قریب و بعید مواد مصالحه بالمکاتبه تمهید  
 اولتی و مصلحت حصول بولدیغنی تقدیرده روسیجی ایلد برک و کی  
 میماننده واقع اطهده و یاخود اخر مجلسده تصدیقیامه له مبادله اولتی  
 بقاوه اولندقدن صکره ذی الحجه نک یکری سکرنجی کونی رئیس  
 افندی بکرشدن رفع کار و بار اقامتشان واردوی هما یونه کلوب  
 واقع اولان احوالی معروض حضور صدر رسنوده خصلت ایلدی  
 تذبذب روسیه لوتک نهایه النهایه مقصدلری فقط قلیرونک هدی  
 و ماده نجارت و محدودده قریب سیردریا و کرش و یکی قلعه نک  
 استخلاصی اولوب قصور اذعاری مقلطه اولدیغنی بزوجه او طرفده  
 بولسان مأ مورلرک تحقیق کورده سی او ایلدی بوندن بشقه  
 شهر یار زمان حضر تری زوجه او یکی قلعه و کرش لماندن کیر ایلد  
 لون بش یک کسبه وعد ایلمسی غایه الغایه خنی اوله رقی بر قطعه  
 خط هما یون ایلد هر خص افندی طرفنه اشراب و تسویغ و ماده  
 مذکورده ابرشقوقه تبایغ اولندقدن مقلس اعتقاد ابتدیکم  
 دولت او مقدار شی سزه و یرمکده تعلل ایلد چکنی رسما تعهد ایلد  
 همان سیر شودرت ماده بی قبول ایلد دیدیکلی کبی حاضر بالمجلس اولان  
 رئیس افندی و خبری افندی و بوقیر بهت و حیرت طاری او اوب  
 بوندن صکره ماده مصالحه به ظفردن مأیوس اولدی سزدار اکرم  
 حضر تری عطله الله بک افندی ایلد عرض اولسان صورتده حاله نظرا  
 جزوی جرحدن صکره رضا و بیلد چکنی جزم ایدوب کمال  
 و سوسه سندن و صدارته عرض و رغبتندن نجات و ماده بی تصدیق  
 لیدر تاکید ایلدن استغنا و رایه احاله اظهار سمع استرخا ایدوب ماده نک  
 عدم نظامنه کلی سبب اولدیغنی جله به هویدا و بوموانع اسباب  
 ظاهره به نسبتله سرد اولوب حقیقته جناب حقک اراده سی بشقه  
 یوزدن اولوب شوقدر نفوس ضایع و بر مقتضای استبدراج قی  
 چوقی اماکن و مواضعی استیلا ایلد دشمن دلسر منافع اوله جق



ایمیش بوباید عقلای دولتک رای و تدبیر فی تقدیر الهی تغییر  
و عاقبت قینارجه مصالحه می کسی کر به بر مصالحه وقوع بولوب  
و حدت کز ینسان اسلامه الی یومنا هذا داغ درون و سبب حزن  
کونا کون اولدی هر شبه قادر اولان جناب مولی قریب بولمطلب  
اعزی دولت علیه به تیسیر ایله اخذ ثار و انتقامه قدرت و بر مک نیاز  
کرده اعلا و ادنادر و ما ذلک علی الله بعزیز رئیس افندی  
برادری موالدن بولوب قاضی عسکر لک بری خفیه برادر لک نه پایور  
پادشاهک لسانتدن ایستدم بومصلحتک بولیمه قطعی محض خیر اولدی  
بجز و ممدن و رئیس افندی جسارت ایدوب قطع ایدر سه دولته  
خسدت ایمیش اولور ایچق ناسد قبل و قال حسن ایدر سم مکالمده  
اولمیری بر اطیه به تقریب ایله لسان خلقدن و ارسته اولورم یوردیلر  
عقلنی باشنه بیج و نصیحتنه حواله سمع ایله متبصر بولوندون دیدیکی  
برادری طرفندن عکس و افندی موی الیهک همه اراث فتور ایدوب  
مقارفت اولاد و عیال و اطهرده معینده بولان بی جرم او قدر کسه لری  
تکبر و اضراردن خوف ایله مصلحتی بالضروره طبیعتنه ترک و رابطه  
مکالمه بی منفک ایلدی روسیه مرخصی یکی قلعه و کمرش لپانده  
ایکی چم تله محتاج ز یکی قلعه بی استخلاصدن غرض امور تاناره  
نظارندر کمرشی طلبدن مراد تحصیل منافع تجارتندر دیدکده  
رئیس افندی قلعه تک طرف کزدن ضابطی امنیت دولتی سلب ایدوب  
دائما محاربه به حاضر بولمقی کی دولت علیه بی بر قید عظیمه دوشور تک  
مقدمه سه توطئه در دیدکده تحصیل مایه امنیت و بزم و قوم تاتارک  
هر وضع و رفتار نه نظارت ایچون یکی قلعه مقابلنده واقع اطهرده دولت  
علیه دخی مستحکم و متین بر قلعه بناسیله مقدار کک فایه مستحفظ وضع  
ایلسون دیدکده رئیس افندی ماء جاری و یارندن و آثار آبادانی  
و عماردن خالی محل موخسه قلعه یاقی بر مقدار ادی ضمنا حبس  
ایتمکدن غیر بی فایده ترتیب ایدر دیدکده غرض صوابه شهر یجار  
ایل پیدایمکدر دیوب رئیس افندی دخی تقدیر الهی ایله و قنایان الاوقات شاید  
بین الدولتین حرب وقوع بوله روسیه لوقرب مکان جهتله ابتدای امرده  
قلعه به هجوم و امداد کلچیه دک صوبه نفاد طاری اولوب قضیه استیلا  
بر وجه سهولت حاصل اوله جغنی معلومدرده رک جبل فاف و بهت و نفعمدن  
ازاده و صاف دلیل ایلر ایدوبه هر بار ابر شقوفی ملزم و قایلدن عاجز

و در هم ایلوب عاقبت مطلوبان عمره غلبه به مبنی اولوب عجا نایل  
اولدیغمن فرصت دولت علیه به توجه ایدوب ایدی وسع بشردن خارج  
تکالیف ایدوبه کیهودن قطع حدود اراده ایدر ایدی دیدکده  
رئیس افندی جوابه آغاز ایدوب قرالکزیتر و مغلوبیت سخت ایله  
اورمائه تشاؤل قشردرخت ایلدیکی حالد و تاتارخان و اکثر ارکان  
قرال و سایر لرینی بند ککمند اسار ایدوب رعایا حکمنه ادخال امرنده  
اصرار لری سبقت ایتمشکن دولت علیه قتل و اسزده افراد مسلکندن  
دامکش استفا اولوب حقن دما کزدن فراغت و ازانی ردیله  
قناعت ایدوب بوماده بی دخی وقت معهوددن بر قاج ماء صکره به دک  
تطویل ایدوب تکرار اوزر یکره حرکت اولنه جغنی حسن ایتمکجه سوزده  
یا محبوب حتی اوزمائدن برو یلانجیلیق ایله شهرت و بر مشیدیکر دیدکده  
ابر شقوف طیار و رخنکده بولسان سر داز کز بالطه جی محمد پاشا  
عاقل و دانا و عواقب آموزه اشنا بروزر اولوب اورمائه محبوبس  
و حیانتدن مایوس عسکرک هجومندن توهم و شاید تصادمدن  
حاصل غلبه ایله تراحم ایدر دیویدنده بولسان سر رشته غلبه و نصرتی  
ضایع ایچوب صلیخی اختیار ایلدی ذیه تک بوماده به مسائل قتی حقوق  
مناقشه لری ظهور ایدوب یازماق لازم ککلسه تکثیر شوا دی و موجب  
اولور بناء علی ذلک بومقدار ایله ترجیح سمیت اختصار اولندی (وقایع  
جزویه) صدر اسبق مولد و انجی علی پاشا سر عسکرک عنوانه  
بوغازده مقیم ایکن مبتلای علت فلج و قوا و جوارحی ازاده دخل  
و خرج اولدیغی سامعه ارکان سلطنته درج اولوب تحصیل  
قوت و شهور ایتک ضمیمه تکفور طاعنده اقامته مأمور و بوغاز  
سر عسکرلکی ایله قبودان دریاوز بر حسن پاشا نایل ام جوار اولدی  
جن علی پاشا او علی ابراهیم بک وعد و عهد فی ایضا و اوچوز  
پساده و سوار یله و اصل مشتا اولدیغی حقیقه استلزام توجه  
صد زمعالی نیز ایتکله مأمور اولدیغی محله قیام ایتک شرطیه  
داخل قطار میرمیران کرام اولدی شهر ربیع الآخر غره سندن  
مشیط ایتک اوزره خواص رفیع قضا سبیله هاشم زاده السید  
عبدالله افندی حایز رهنه مسار و غره جیادی اولی دن اسکندار  
قضامی ایله یایجی باشی زاده حافظ اسماعیل افندیک ناولک راست  
و مرای رسیده هدف اعتبار اولدی (نصب صدر اناطولی و سایر



انا طولی قاضی مسکری اولان اسعد افندی زاده محمد شریف  
 افندیکن بر سندن عبارت اولان مدت عرفه سی رسیده درجه ختام  
 و شهر ربیع الآخر که ابکی کونی صدارت مذکوره ایله بایه  
 انا طولی اسلامبول قاضی و نقیب الاشراف اولان السید ابراهیم افندی  
 محصل المرام اولوب نقابت اشراف منصب جلیلی ایله سابقا صدر  
 روم شریف زاده محمد شریف افندی مشرف و مکه مکرمه بایه سیله  
 برو سندن معزول بای زاده عبدالله افندیکن توجه قضاء استانبول  
 پیامبله کوش امیدی مشفق قیلبوب سابقا از میر قاضی السید  
 محمد درویش افندی دخی غره رجیدن ادرنه قضا سبیل و ارسته  
 اندوه و اسف اولدی (توجهات علیه) غره ذی القعدة دن برو سندن  
 قضاسی سابقا یکیشهر قنار قاضی توفادی مضطقی افندی به  
 و شعبانک اون بشی کونندن سابقا ادرنه قاضی شیخ الاسلام  
 عبدالله افندی زاده عبد الواحد افندی به مکه مکرمه بایه سی  
 و از میردن منفصل حکیم باشی احمد افندی زاده محمد امین افندی به  
 ادرنه بایه سی و سلا بکدن معزول السید محیی توفیق افندی به  
 غره ذی الحجه دن شام شریف قضاسی و سلیمان مدرسلرندن  
 احمد مختار افندی به از میر قضاسی و شیخ الاسلام احمد افندی  
 زاده حامد افندی به سنه ابد محرمی غره سندن سلا بک قضاسی  
 و قسام زاده فیض الله افندی به تاریخ مذکور دن یکیشهر قنار  
 قضاسی توجه و هوئی البهک بعضی بایه ایله تفریح و بعضی  
 تمتعات مناصب ایله ترفیه اولندی روم ایل صدر اجلی اولان  
 ابراهیم افندیکن مدتی غایب رسیده و اشوشوالک اون بشی کونی  
 سابقا انا طولی قاضی مسکری و صاف زاده محمد اسعد افندیکن صداره  
 مذکوره ایله ستاره بختی در خشیده قیلتدی (قوت رئیس المجین  
 او ایط ماه ذی الحجه ده منجم باشی خلیل افندیکن ماه سیرج السیر  
 عمری ککر قنار محاق زوال و منجم ثانی عبدالله افندی ریاست  
 مذکوره ایله نایل رسد کاه اقبال او اب استانه سعادت و ضبط  
 وقایع ایله مشغول و فن نجامتده ابومعشر بلخی درجه سنه موصول  
 اولان موسی زاده افندی منجم ثانی عنوانی کسب ایله نظر عطا قته  
 شعول اولدی ربیع الآخر غره سندن حلب الشهاب و قدس شریف و غره  
 محمدن بایه قدس غلطه لف و نشر مرتب اوزره اطباء خاصه دن

ضره امینی زاده السید محمد سعید افندی به والهی زاده السید سلیمان  
 افندی به والسید محمد طاهر افندی به توجه اولندی (وقایع سنه  
 سبع وثمانین و مائة و الف وقوعات متفرقه) انقضای مدت منار که  
 ایله مرخصلرک عودتی اتش جنکی علو کیر و ایکی طرف ترتیب  
 مقدمات دارو کیر ایدوب وارنه اردوی همایونک الحاله هذه  
 اسکله سی اولی حبسیله وجوب محافظه سی وارد خاطر و راوادی  
 مشتاسنده مقیم اولان وزیر السید نعمان پاشا ک امر محافظه به مأمور بی  
 موافق رای اسکار اولدیفته بناء مشار الیه وارنه به وارمی اوزره  
 دیوان عالی دن فرمان جلیل الشان صادر اولدی باشی پوش عسکرده  
 نظام و مامور اولد قلمری محلا رده دولم ایله پار جای مرکز ثبات  
 و قیام اولد قلمری مجرب خاص و عام اولدیفته بناء سردار اکرم  
 و سایر عظمای دولت دایره لنده بحسب الامکان تفکیکی عنوانیله  
 بر مقدار ادم تحریر اولسه وقت و بیوقت مرتب عسکر کبی  
 در دست بولوب لزومی اولان محلا ر تیر الدن ارسال ایله اطهار تاب  
 و ثوان اید و جکری نمایان اولفله علوفه و کسوه و تعییناتری  
 طرف لرندن ویرلک اوزره ابتدا صدر اعظم حضر تری بیک نفر  
 و دفتر دار افندی ایکوز نفر و رئیس افندی و چاوشباشی اغا  
 و سپاه و سحر دار اغازی ووزلالبشر نفر و جبهی و طو بچی و عربی بی  
 باشی اغا لریوزر نفر رساده تحریرینه مباشرت و بر قاج کون  
 طرفنده کسوه لری تنظیم اولوب پیشگاه سراداکر میدن الای ارائتی  
 ایله هر فرقه دایره سنه ملازمت ایلدیلر (ظهور تنیها شاهیانه  
 پادشاه دل آگاه بر قاج سندن برو مستقر الظهور اولان قن جنک ایله  
 پای و کدما منسلب الشغور و با خصوص رعایا و فقر تکالیف  
 ضروریه ایله منقسم الظهور اولوب اسایش قاطبه عباد و آرامش  
 مخلوق ضعیف الایاد مقاصد بیه دفع شور محاربه به میل و رکون  
 بیوروب بر سنه قدر متار که و مکالمه لایله دشمن بر مکر و فسون  
 تکلیف شروط کونا کون ایدوب موانع شرعی و ملکیه ایله  
 شرط لرینک قبولی تمتع اولد بختن مرخصلرک امدن عاجز اولدی  
 راجع اولد قلمری محلا رنده تفصیل و دشمنک بودرجه زده اصراری  
 ایادی اسلامدن کرکی کبی ضرب شمشیر و صورت قهر و تدبیر  
 کور مدیکدن فشت ایلدیکی وارسته دلیل اولوب بر دفعه اتحاد



قلوب ايله اوزرلر بنه واريلوب جمعيلري تشيت وعسكرلري تشيت اولسه  
مصالحه بروفي دلخواه رابطه بند نظام اوله جتي بي زيب واشباه  
اولديغي متضمن وزراي عظام واولجقاروسرحند تشين اولنلره  
خطابا مفصل ومشروح برقطعه خط همسايون شرفصدور اولوب  
مضمون منفي قريب وبعيده افاده وهر كس زمين اطاعته رونهاده  
اوله رقي بالاتفاق تفریق شمل دشمنه حاضر واماده اولديلر (مرور  
كفار از باليه وطولجي) بالاده پيان اولندي ووجه اوزره  
مصلحت صلح عقده عمرته دوچار وایک طرفدن اثار خصومت  
ونفارت بیدار اولوب نوروزه برفاچ کون قله رقي دشمن بداندیش سلسله  
ايله خرسوه ميبانده واقع باليه بوغازدن وطولجیدن برو طرفلره  
مرور ايله قلوب اسلامه القای اختلاج وتشویش ایلد ککری مجموع  
صدر خیرت کیش اولغله سلسله سر عسکری وزیر عثمان پاشابه  
وسوا حله بولسان مایر محافظلره اکید وشدد امر عالی اصدار ايله  
مغذله مشرکین تبعید وکلد ککری سمنه تردید اولمشلرایدی  
طولجي طرفدن سر نمای وادی مرور اولان دشمن مقهورك دخی  
دفع شرورلری بازار جتی سر عسکری عیدی پاشابه وباخصوص  
باباطاغی محافظی میر میراندن چرکس پاشابه سپارش اولنوب  
سر عسکر مشار الیهك برفاچ دفعه اسباب سامانی خب ککرده  
اهدای و نمای منصبي مستلر بدنده تلف وهیا اولديغندن غیری  
معینده اولان روم ایلی ابائی عسکری دخی امتداد متارککه حسبله  
صلحك انعقادنی اجتهاد وخرچلهچی نامه اکثریسی ولایتلرینه  
ککیدوب بانده بولسان جزئی وعسکر ايله مداد ممکن اولديغنی  
وباباطاغی ايله بازار جتی مایینی قرق ساعت مسافه اولوب شلکدن  
خالی اولق حسبله حرکت واعانه به بحالی اولوب چرکس پاشا دخی  
امداددن نا امید وباباطاغی قصبه سندن اولان اولاد وهیالی سمیت  
سلامته اخراج مصلحتی رای سدید عدایمکه جمله سنی بازار جغه  
ارسال وکندوسی سیواس ابائی وسایر معینده اولان عسکرانده  
شمار ايله مترصد ککارزار اولشیدی دشمن دخی طساورنی ترتیب  
وباباطاغی پیشگاهنده اماده جنگ اولان اسلام دلاورلرینه قریب  
اولدقده درت بش ساعت قدر محاربه وطرفیندن اعمال الات  
مضاربه اولنوب عسکر اسلام فوز وظفیری اختتام هنگامنده ترکه

اوغلی ايله بعضی ناکرد ترك نبرد وبازار جغه طوغه وفرار وبقیه  
عسکر دخی بونلره قفسادار اوله رقي غیرت دینه لرینی نار مار ایلدیلر  
دشمن دین باباطاغندن اخراج اولسان عیال واولاد هر به لرینی تعقیب  
ايله بر مقداری بی ضبط ایلد ککری قره صوجا بنده مشتاقین  
اولان بختکرای سلطان اختیار وباباطاغندن مشرداجنادك  
بعضی سنی توقیف واستصحاب ايله فی الحال ایلغار وخیال غنیمت  
ايله قریبه له مشر اولان اشرار ککقاری هدف تیر بلا ویدلرینه  
ککرفتار اولان هر به لك بر مقداری استخلاص ايله حق نعمت  
شاهانه بی اجرا ایلدی صدر سابق زماننده حدوث ایدن وقعه  
دلخراشدن هزار محمله وارسته اولان باباطاغی خلقنی صدر اعظم  
بولسان محسن زاد حصولی مثبت الهیده اولان ککبیت صلی  
جزم وغیبه حکم ايله ولایتلرینه اعاده وحرث وزاراعته مشغولیلرینی  
تاکید و افاده ایدوب غودت جنگ تحققة باحفاظه وباخود  
بر محله نقل داعیه سنه دوشنبوب درد مندرك اکثریسی مأسور  
اعدای بدسکال وبومقابله کسب وزرو وپال ایلدی استطراد  
دشمن ايله باباطاغی مایینی درت بش ساعت مسافه اولوب صلح  
ماده می دخی مجبول ایکن اوقدر امت محمدی ککگرداب بلایه  
القائیک فی الحقیقه بدیرضعیف ورای سخیف ایدی بلکه دشمنك  
مرفی غورما وشلکندن اخلا ايله سیر وحر کککتر بی نصیب  
کککسب امتیت ودفع غایله دشمنه سبب قریدر چنین خانی  
مسقولونك تعذیبندن بیزار اولوب حدودلرینه واقع نهر کیرك  
اوتیه یاقه سنده واقع اون کوتلك مملکتلرینی فدا وکند والریله  
تخریب وافسایدوب آبار وجد اولی نهر کیره اجرا واولمقدار  
مسافه بی ارض تیه وعمارندن خالی دشت وصحرا ککای ایلرله مسقولونك  
آخر عسکر ايله کلوب نعدی وفسادندن سالم وآزاده اولدیلر  
حتی مسقولونك حقیقه ايله نهر مذ ککورك برو باقسنه کلوب  
مشاعرینی ترك وکبرو کککلوب چنیلر دخی نهری مرور و مشاعرلی  
قدر مملکتلری بضاعتی تعذیل وضع وکبرو چکلد کککری زمان  
قریه دک مسافه لنده جاری بر معامله اولديغنی مشهوردر باباطاغی  
وقعه می شامعه صدر اعظمی به رسیده وفسالت رایندن ناشی  
مکون ایدن ماده مزخمه دن متکدر ورنجیده اولوب فی الحال



چاوشباشی اولان اسپر اغایی دل اورمان عسکر به وبوستانجی  
باشی بی موجود معنی ایلد عبدی پاشا طرفه کوندروب بوجیت  
ایله باباطاغنه وارمق نیتند ایکن دشمن او طرفلری نهیب و یغما  
واستلاء ایتندیکن قره خرمق بر اقوب طوطی طرفه زخت خیت  
وعودتی القابلدیلر بولدن صکره چاوشباشی اردوبه وبوستانجی باشی  
ادرنه به بی فوز و ظفر هودت و دشمنی قاجر دق دیه رک کسب  
مفخرت ایلدیلر (حرکت سردار اکرم بصحرای شمی و ذکر بهض امور  
حلول ابام بهار ایلد ظهور یدایت جنک وهر قوله بخاوره و محافظه  
اعمال سیف و تفنک اقتضاسیله سردار اکرم مک شمی صحرانسه  
رکز اعلام و دشمندن اخذ انتقام مقاصدی ارکان دولت  
و خیر خواهان سلطنت طرفلرندن القاء و تشویق و اتفاق ارا ایلد  
صفر الحیرک یکر می برنجی خبیس کوفی حرکت تحقیق اولوب  
مرتب الای ایلد نصب اولشان خیام سترین فامه نزول و المام و رابطه  
جنک و خصوصتی تشبیه و احکام ایلدیلر ارد و قاضیسی نعمه الله  
افندی ارتحال و برینه بر فالتک ابدال اولتی خصوصتی نعمه الله  
سده سعادته عرض و املا و التمشیدی فقه شریفده کیدائی  
وسا بر علومده تفتارانی اولان سابقا غلطه قاضیسی مفتی زاده احمد  
افندی انتخاب و اوچ بیک غروش خرجلق ایلد اطراب و اردوی  
همایونه اذهاب اولتمشیدی اوایل صفرده اردوی همایونه  
قادم و الباس خلعت ایلد مأمور فصل مبان مظلوم و ظالم  
اولدی اغا پاشا قول کتخداسندن شکایت و علت بخره مبتلا  
اولدیفنی حکایت ایلد بعض اسرار ابلاغده تن دهسانندن متبازی  
اولدیفنی افاده و عزلتی اراده ایتکله رجاسی قرین مساعده اولوب  
عزل و سلوی طرفه ارسال و عزرجی باشی یکن محمد اغا قول  
کتخدالغیه محصل الامال قیلندی معزول مومی الید فایت جسور  
و جری و طایفه یکجیری شدت سیاستله فرمانبری اولوب تطاول  
ازمنه ایلد بغداد اغالغنده دخی وافرشی ادخار ایلد صاحب ثروت  
و یسار اولدیفندن اغا فقه عمل ایتک خاطر سی اغا پاشاتک شعورقی  
مخفی ایدوب بو محذوری دفع ایلد نفسی ترویج و مومی الیهی  
تکذیر و تبریح ایلدی (انهمام دشمن دین درو و سبوق) هر جانبدن  
دشمن عهد اوزرینه سوق ککاتب موحدین خصوصلری اوامر علیه ایلد

ناکید اولوب روسجق سر عسکری دخی معینده اولان عساکر ایلد  
برکوککی قلعه سنی استخلاص ایتک اوزره مأمور و بوبابده بر قاج  
دفعه طرفه ارسال منشور قیلتمشیدی فی الواقع مشار ایلد مره  
بعد اخیری قارشو طرفه عسکر امرار و اشرار ککفار قلعه مک  
اطرافنی متین طایفه و مژسار ایلد محکم و استوار ایدوب قلعه به ظفر  
عسیر اولد یفتدن خارجده دشمن ایلد طرح قرعه دار و کیر وینه  
روسجقنی موئل و مصیر ایدر زایدی دشمن بورقناره مقابله قصدیله  
ایکی طرفدن روسجق اوزرینه هجوم ایلد ککری معلوم اولغاله  
عسکر اسلام دخی حاضر و دشمنک ظهورنه ناظر اولوب روسجقنه  
اوچ ساعت مسافده واقع مرتین نام محله وصول و طوب و سایر  
مهمانی طشره به اخراج ایلد محل مذکور صیغه مشغول  
اولدی محافظه به مأمور صنوف عساکر ایلد بوسینه مک زعما و اباب  
تیماری دسترن اتحاد و اعیان اوزرینه آتش جنک و قتالی ایتاد  
ایلد ککری هنگامده صدای طوب سر عسکر پاشاتک مجموعی  
اولوب دایره سنده موجود و محافظه ده بولنسان جنود ظفر و عود  
ایله چرخه طوبلرینی استیجاب و برا و نهرا محل جداله عزم و شتاب  
ایلیوب بر حمله ده متوقف اعدائی ککمر و هر طرفدن دشمنی  
مبتلای قهر و اسر ایدوب اجل نارسیده لرینک بر مقدار ی نهزه  
خرف و بر مقدار ی برکوک کیده اولان جمعیتکاملرینه ملحق اولوب  
ایکیوز مقداری اسیر بند زنجیر و اوچ قطعه طوب و وافر اچقلری  
ضبط اولدیفندن غیر صباطلرینک اککری واصل درکه  
نارسعیر و برینن جیزالک برادری دخی مجروح و حاکر قنار شکال  
اسار اولدیفنی مشار ایلد طرفندن سردار اکرم حضر تلرینه  
عرض و تحیر و اولغله در عقب اظهار شادمانی و سرور و سر عسکر  
پاشایه برقوب مأمور ایلد بر قبضه مجوهر قلیچ ابعاث اولوب معینده  
اولان میر میران و روسای عسکری به دخی خلع و چلتک ارسال ایلد  
شوق و همتاری موقور قیلندی (عزل و نصب سر عسکر قره صو  
روم ایلی و البسی و قره صو سر عسکری وزیر عیدی پاشاتک دایره سی  
پزیشان و عهده سنده روم ایلی ایالتی ککری کثیر الجودی بر منصب  
وار ایکن بر خدمت نافع به موفق اوله مدد دخی شمدیه دک وقوع  
بولان ککیقیاتدن مستبان اولوب با خصوص با طاسانی اوزرینه



بود فقه کلان کفار که دفع مضر شده قصور ایلدی کی معلوم صدر الصدور  
اولدیفندن بشقه چاوشباشی اسیر انا بومعنا به ملائم ابراد قبل وقال  
واکرم عزل اولمز ایسه اعدانک بروطری قسره تجاوری اغلب  
احتمالدر دیه رک تشویر غضب وخواه ناخواه مشار الیهک عزانه  
سبب اولوب وارنه محافظی السید نعمان پاشا علت صممه میتلا  
ورویت اموزده تجزی معلوم اعلا وادی ایکن سوق قضاء وقدر ایل  
سر عسکرک وروم ایل ایالتی حقنده جلوه کراولوب ماه مزبورک  
اون النجی کونی عبدی پاشا معزول ویرمنوال محرز مشار  
الیه بواعث ارات ایله نایل اعر مامول اولدی سر عسکر جدیدک  
سوارچینی تکثیر ارا ده سبله بدی بوز نفر سپاه و سلحدار سردنکچدی لری  
وذب قدرت و سابر دن مرتب اوج بیک نفر پشاده معینه فرستاده  
اولوب سیوان ایالتی عبدی پاشا به توجه و موری محافظه سنه  
عزیمت ایلدی تا مکیک و تنیه و قره صواطرافه عبدی پاشا  
کرکی کبی تقویت و حفر مترس و طایفه لرا نشا سبله متانت  
و پروب نعمان پاشا وارنجیه دک بواصول تغییر قبول اتمامک ایچون  
میر میراندن اشبورلی عبد الله پاشا سر عسکر پاشا به توکیل  
و وارنه محافظه سی میر میراندن سید احمد پاشا به تحویل اولندی  
اعدام ترصکمه زاده و حوادث سایر (میر میراندن ترک زاده  
حسن پاشا پایا طاعی محاربه سنده پیشوای قرار یان اولق نه متبله  
چاوشباشی اغا دایره سنده قتل سیف ضعیل و موجب عبرت  
قوی و ضعیل اولدی مرتین وقعه سنده پند کمنده سار اولان  
روسیه لو و زور بازوی اسلام ایله اتمام اولسان بعض الات حریه  
اردوی همایونه و رودک و بوظفر عزیز الوجود سینی ایل زمره  
موحدین سر زمین حیرت مجود و شکر کگذار جناب و عبود  
اولدی لر ذکرا اولسان اسرا و ادوات سایر عربی له تحصیل  
و استانه سعادت طر فته تسبیل اولوب اربین جسر الک برادری  
زخدان و عربی ایل عزیمت عذیم الاقدار اولوب زخمی تیمار اولتیق  
ایچون رئیس افتدی دایره سنده مسفور و بر چادر نصب اولوب  
علندن افراق احسان سبله و ادنی رفیق قزیه و رادن الحاق  
اولندی بود فقه دخی طرف همایوندن غزا و جهاده اغرا و فخر بعض  
سیاقنده بر قطعه خط همایون سر فریز صدور اولوب علی رؤس

الاشهاد قرأت اولوب مضمون منبئی جمله به اعلان عقبنده صنوف  
عساکر پادشاهینک بر قسطنطین مو اچیلری دخی اخراج و انبان  
اما شکارانه ادر اراج اولوب وظیفه خواران دولت ابد قیام  
شاهانه بی رسیده هفت اجرام ایلدی لر (وقعه قره صو) سر عسکر  
سابق مسوری محافظه سنه عزیمت وارد و سنده بولسان عسکرک  
اکتر سی کندویه تبعیت و بر مقداری قره صو اردو سنده اقامت  
ایلوب نعمان پاشا و رودنه دک اشبورلی عبد الله پاشا بر منوال محرز  
اجرای لازمه و کالت و علت ذات ایل هر کس فراره حاضر و دشمنک  
ظهور نه تکبهار و ناظر اولشرا بدی خصم نابکار و سناطت رعایا  
ایل هر بار اهل اسلام احوالی استخبار دن خالی اولوب سر عسکر  
جدیدک بر ماهه دک النجی اموری تشویه اولنه جفنی جزم ایله ایام  
فارغه بی فرصت عدا ایدوب قره صو اردو سنی پریشان و بولدیغنی  
نهب و تالان ایتک نیت فاسده سنده اولدیغنی روسای عسکر تحقیق  
و ابقسان ایتلر یله بویکیغنی احوالیده مقیم اولان پشکر ای سلطان  
سردار اکر مه بیان ایدوب وارنه ایل قره صو دک یینی یکر می بش ساعتی  
متجاوز اولوب خطب سر عسکر مشار الیهک عهد سنه احاله  
اولنه لی خیلی وقت اولوب بر ساعت اول حرکت و او طرفک استقامت  
عزیمت ایتک لازم ایکن اظهار بطاقت ایلدیکندن فضله خط و تر حاله  
هنوز کجه واقف اولدیغنه بشا تکرار استعجالی حاوی طرفه حکم  
سلطانی کوندر لمشیدی ماه مزبورک اون سکر نجی کونی دشمن  
یذیمان نمایان و فرقه غازیان ال تیغ و ستانه اوروب دماء مشرکین  
ایل روی زمین سرخ قام و رؤس دشمن مهره ششدر حریب و خصام  
اولوب طرف خصم ترزله قریب و طوب و جبه خسانه لی بر دلان  
موحدینه نصیب اوله جق هنکام جانب عینده بولنان عسکر اقوای  
اسباب نصرت دن اولان صبر و شیا به رعایت ایتمیوب فراره مباشرت  
و بویکیغیت سایر سرایت ایدرک ترک کار و بار و هر بی بر طرفه  
فرار ایلدی سر عسکر پاشا خلل راهده بوزغون عسکره تضادق  
ایدوب بو حال ایله ایلرو عزیمتده خطر و هنوز لوازم سر عسکر بی  
رابطه و برمدن دشمن ازور بنه هجومده ضرر و ملاحظه ایدوب بازار جغه  
عودت او زره اولدیغنی قصبه اهالینک معلومی اولدقد و رجوعی  
بر وجهله تجویز ایتمیوب سکر ساعت ایلروده ارام و ممکن مرتبه



ذخیره و سایر جهت ایل اعانت و امداد ده قصور ایتمه بکلیه ای اقام  
 ابتدا بکلیه بزرگان فضل و وقوع بولان ماجرایی اردوی همایونه دخی  
 اعلام ایلدیلر کیفیت جمله به مشورت اولنوب غایت کلام حضار  
 بر مقدار القلیج تحریرنده قرار ایدوب بش یک القلیج حین تحریرندن  
 اعتبار اولنورق تنظیم و ترتیب و معیت مشار الیه تسریب و بوجهیک  
 رؤسای خلع و عطایا ایله تطریب اولندی ( دعوت دولترای خان  
 تاتار طایفه سنک روسیه لویه بمایشاتری زعمارینه کوره مال و هر ضلربک  
 وقایه سنه مینی برکیت اولوب البوم میانه زنده منعقد اولان  
 شروطک خلاقی اوله رق جورده دایر بعض طوره شاهده سبله عقلانی  
 دولت علیه دن استغاثه و استنصار و بومالی شال طرفلرندن  
 ویدر بی تحریرات و رودیه تاسف و ندامت اظهار ایلد کلبه بناه سلما و حربه  
 تمشیت مصالحلرینه دولت علیه طرفندن همتده قصور اولنجه دخی  
 طرفلرینه اشارت اولمشیدی سلما تسویه حالرینه قدره ساعده  
 ایتموب فضل حق ایلد جز با تحصیل مطالبلرینه اقدام اولنق خصوصی  
 رکاب همایونده قرار گیر نظام اولوب سابقا فریم خانی دولترای  
 چغقلکندن استانه به احضار و جمع عسکر جرار ایله اولکده فریمک  
 استخلاصی اسبابی طرفندن استفسار اولند قدده سمت سهولت ماده بی  
 بلدیکی قدر ایضاح و تقریر و جانبکی علی یک معرفتیه بکرمی یک پیاده  
 تحریر و سینه و سایر او محارره فریب اسکله لردن سفینه تشکین و املا  
 و نفوذ و اعتبارنه سبب تر اید اولنق ایچون میرمومی الیهک رتبه و زارنه  
 قدر و میزانی اعلا اولنوب فریم جانبیه بوجهیک کبری ایلد اسرا اولندیلر  
 بو کیفیت بوندن اقدام خسان نصی ایلد برمدندن برور و سچق و یکبولی  
 ستملرند مهر شهر او توز بشربیک غروش تعینات بها ایلد تسهیل وجود  
 و ادخار نفوذ ایدن مقصود کرایک معلومی اولد قدده اظهار چین  
 چین انفعال و بوماده بزدن برکده سوال اولندن دولترای خانک  
 رکاب همایونه دعوتی و فریمه عزیمتی بزم بوه سندن انفصاله دالدر  
 دیزرک زیمع الاولک بکرمی کونی رفع انفصال و توابع و لواحقین الوب  
 چغقلکده طوغرو مطبیه زان استیصال اولد یعنی پسای مقام صدارندن  
 سمع همایونه رسیده اولوب فی الحال بساط اقامتی برچیده و تاتار  
 بازار چغقله نئی و محازات اولنق بایند صفحه سوه علامه خط همایون  
 کشیده قیلندی ( گرفتاری علی یک ) مصر قاهره ده شیخ البلد و دعوی

تفرد ایلد بر زمان بنوع فتنه و نکد اولان علی یک دامادی ابو ذهب  
 مولندن فرار ایلد بر سنه قدر یافه طرفلرند درنده درمان طلب  
 یعنی مصره دخول ضمنده جویای وسیله و سبب اولوب عاقبت  
 ظاهر عمر ایلد ترویج بازار تفاسق ایلد اتحاد و اتفاق ایدوب مصرک  
 یغما سنه نیت و بوبهانه ایلد وافر جمعیت پیدا سنه مصره طوغرو  
 عاتاب عزیمت اولد یعنی ابو ذهبک کوشش از عانی اولد قدده  
 وجوه قاهره بی جمع ایلد باغی مذکورک قصدی بیان و او زربنه سل  
 سیف قهر و خسران مصلحتی عسکری و سایر ایلد بعد الاستشاره  
 جمله سی بواهرک تمشینه بر زده دامن اولد قلرندن غیری وجوب  
 ازاله سی ضمنده علمای ازهر و مذاهب اربعه مفتیری و متعدد فتاوی  
 اعطا و صالحیده خصم نایکاره التقای و ابو ذهب عسکری  
 از جان و دل صدمه بغاته متحمل اوله رق اکثریستی تدبیر  
 و بکلرک بش نفری ایلد متعین وافر ادمار بی طعمه شمشیر ایلدیلر قاید  
 کروه بغا اولان علی یک دخی درت برنده جرح قوی التاثر ایلد افشاده  
 چاه نالش و پندادی و توابع و لواحق ایلد مکثوف الیادی اولوب  
 باقبسی قلا و بیابانه طوغرو فرار و تخلص جان مر داز ایلدیلر  
 بوخبره مسرت اثر باعث انبساط کمر و مہتر اولوب ضرب قیل  
 شادمانی ایلد قلوب تاسه القای سرور جاودانی و اولزده  
 جانبها ایلد وارد اولان شخص صدر اعظمک مظهر جود و احسانی  
 اولندی ( مرور اعدا بجانب بالیه و تفارق عسکر و محاصره  
 سلسره ) فره صو اردو سنک تنظیمی ایلد اشتغال اتناشونده سلسره به  
 اتی ساعت مسافده واقع بالیه بوزارنه اعدا کیچوب اطرافه متشیر  
 اولان کمره بی استیلاب و نفر مذکورده محافظه به مأمور جعفر  
 پاشا و مصطفی پاشانک جمعیلر بی تفریق ایلد کلرینی سر عسکر  
 صمان پاشا تحقیق ایدوب اردو سنده اخیشاد و ثبات و متاتلرینه  
 اعتماد ابتدکی سواریلری چرخسه به تعین ایلد قضیه بی صدر  
 کزیننه تحریر و استمداد ایلد بکندن غیری سلسره محافظی وزیر حسن  
 پاشانک بر قطعه قائمه مینی کلوب دشمنک وضع و حرکتندن ابتدا  
 سر عسکر اردو سنی پراکنده ایلد کدن صکره سلسره بی محاصره  
 ایتک اماره سی حسن اولنوب بر آن اقدام سلسره به امداد وارسال  
 مهمات و اجناد ایلد اشبو سرحد عظیمی محفوظ کزینند خیم



بد نهاد ایلده سر دیور رفع عقیر فریاد ایلد بکنه بناء اتفاق ارا ایلد بکری  
اورطه به قول کتخداسی یکن انا سردار ورجیال دایره زنده اولان  
تفکچیلر وایکوز قدر اندرون اغازی چاوشاشی اغالیله سلسزه  
طرفنه تسیر قبلتوب اردوی همایون چرخه جیسی وزیر ابراهیم  
پاشا اردوسدن دخی بر مقدار ادم ترفیق وافتضا ایدن ذخیره لری  
خصوصنده بوجه کمال تدقیق اولتوب بوصورته سر عسکر  
عثمان پاشا نك اردوسته استحکام و هیئت اجتماعیه سینه نظام  
ویرله چکی هنکام روسیه مارشال زوماخوف اولجه داووانوب  
عسکر اجتماعدن مقدم فصلت کوزمک وایکی عسکری بره کتورمک  
ضرر منه منی بالیه دن تحریک پای شوم و سر عسکر پاشا اردوسته  
هجوم ایلدی اهل اسلام چرخه جیلری کفارک قطعه سیه اغاز  
حرب ایلد کلری مشار الیهک معلومی اولد قده پیاده بی مقدم حفر  
واماده ایتدیکی مترسزه تعبیه و وقتی حلول ایتدی بوریش فکرند  
اولما ملری تو صیه ایدوب بقیه سواریان ایلد بالنه من معرکه برینه شتاب  
وطایفه عسکری بی اغزا و تحریض ایلد ذرت ساعت قدر آتش جنگ  
التهاب وایکی یك قدر کفار سوخته سیف اتشار اولوب نسیم فوز  
و طایفه مرآت و قوعدده جلوه کر اوله جتی زمان صاع قوله بولسان  
ذلی اورمان نابکار لری عیثال واولاد لری محافظه ضمنده چنان تشار  
ومیدان معرکه ده جلوه دن زیاده پارچای عرکز استقرار اوله جفلی  
محفوظ ایکن ضعف دیانت وعدم غیرتله اوتکاب عار فرار و بوحالت  
سایرک تزلزل اقدامه و سیه اولوب اندر دخی مترسار جانبینه  
ایلغار ایدوب مترسده اولتوب صورتی مشاهده ایلد فراز یلره تابع  
وقیاسدن بیرون مهمات وادوات جنگ بو تقریب تلف شده وضایع  
اولوب سر عسکر پاشا و پیادگان و بعض سواری سلسزه به دخول  
وحفظ قلعه ایلد مشغول اولدیلر دشمن دین اهل اسلام مترسارین  
منبط ایلدیکی کون اردوی همایوندن پراساز و سلب منظم و مرتب  
اولان جیوش آهن پوش دخی سلسزه قرینه واصل و بر مقدار  
شهر قرینده واقع کوچک مضطبی کوشکنده توقف و بر مقدار  
سلسزه به دخول ایلد اهالی به مدار دفع تحوّل اولدیلر چرخه جی  
وزیر ابراهیم پاشا دخی محل مذکوره کلوب سر عسکر پاشا ایلد ملاقات و حفر  
انقرس و سایر استحکام ایلد نادیه اسباب ثبات اوزره ایکن ریح الاخرک

اوچنجی کونی کفار بهکار حصدن بیرون وقیاسدن افزون سواری  
و پیاده و مکمل طوب و خیره و سایر ادوات ناریه والات قلعه کیری  
ایلده سلسزه بی محاصره به نیت و جنود اسلامیه دخی قصر مزبور  
پیشکاهنده حفر ایتدیکلری مترسره کربوب بخلوص القلب مقابله به  
توطین نفس و اظهار غیرت ایتشار ایدی چرخه جی ابراهیم پاشا  
سکزیك قدر سواری و بر قاج نفر میر میران ایلد برایکی ساعت  
ایلزوده دشمن عسکر نه هجمه انداز و محاربه به اغاز ایلد مترسره  
دشمن دخی جلب ایتک فکرند ایکن مشار الیهک اجسامی صنوف  
جنود فزاره تحمل ایلد هر بری برسته کربزان و دشمن اتلوسی  
سواریان اسلامی تعقیب ایدوب پیاده لری مترسره طوغرو بوروبوب  
هر طرفدن آتش افشان اولدیلر غزاة ظفر انجم اکرچه خصمک  
هجومندن متاثر اولوب ممکن مرتبه مدافعه به قیام ایتشار ایدی  
اتجق بر قاج دفعه معلویت ایلد الات جنگ و مهمات لری تلف شده  
دست حادثات و موجود اولان ادوات لری دخی دفع صولت اعدایه  
وفا ایتوب پیاده اولتوبی سر عسکر پاشا و قول کتخداسی و بر قاج  
میر میران ایلد سلسزه واروشنه داخل و سواریلری بر طرفه  
داخل اولدی بوخبر جمع سردار اکرمی به رسید اولد قده  
قره صوشر عسکری عثمان پاشایه حکم سلطانی اصدار و معینده  
اولان دالعلیج و سایر عساکر مترسره ایلد سلسزه امدادنه برق خاطف  
وزج عاصف کی یشمک خصوصی غایت تاکید ایلد اشعار  
اولد یقتدن بشقه ابراهیم پاشایه دخی حیات لازم ایسه جتفری  
اولان سواریان واردوی همایونده قبل الوقعه میر میرانلق  
ویریلان پرشته لی اسمعیل اغا و محمد اغا و قهرمان پاشا ناده طاهر یك  
اوطرفه اخراج اولتوب پراسکند عسکری رویتله ایلزویه  
اقدامدن بود قعه تحائف ایدن میر میران لری دخی جمع و معیتکه الوب  
بر آن اقدام سلسزه امدادنه کینده سن دیو خط قطعی المدلول  
طرفه موصول و قره صوشر عسکری تحریک ایچون سواری  
مقتضایه جتبی عسکد الکرم اغندی هر سول اولد یقتدن بشقه  
رویتجی سر عسکر نه دخی امر کوندربوب مساعد امکان  
درجه سنده ذخایر و عساکر ایلد سلسزه به امداد ایلمی ذکر و بیان  
واردوی همایونده بعض خواص وادعیه به دخی مداومت ایلد طلب



فتح و نصرت قیلتشیدی دشمن سلسله بی محاصره به شروع  
 خنلانده طو تر قان مقابله دخی لیلادرت یک قدر کفار  
 چقبوب مترسده اولان کسریه لی عراغانک ازورینه غلو و پرو طرفدن  
 دخی مقابله ایله جنگجو اولدیلر ایسه دخی آخر قولدن امداد اولمبوب  
 مترسری ترک ایله نافته زو اولدقربی محافظی اولان ابازه پاشاخرینه داری  
 فیض الله پاشا مشاهده ایله شو کفار دن قاجه قاجه نه اوللو  
 بوندن صکره شو حیاتی نیله ملی تعبیرله کنندن کفاره اوروب  
 بش التیسنی اعدام و کندوسی دخی بر قاج بوندن مجروح اولوب  
 بر قاج ساعتدن صکره او شیر کتام شجاعت و اقدام جنت اعلائی  
 مقام ایلدی عراغانک در تپوز قدر عسکرینک دخی وافر  
 شهید و حایز زنده کانی مدید اولدیلر فیض الله پاشا بر قاج  
 دفعه طو تر قان معبرنی کقبوب دشمنی قهر و تذلیل و دل و کله  
 الهرق قارشو طرفده داستان شجاعتی ترتیل اولند یغنه بنه حسن  
 صورت و اعتدال قد و قامتیه نظر احیا اخذ اولمسی دشمن طرفدن  
 قصد اولمشکن قابل اولمبوب صافقت منرب دانه ایله نیر شهاده  
 نشانه اولوب دشمن بوحاله غمناک اولدقربی متواتر واردوی  
 همایونده بولسانلره دخی اولدیلر رستم نظیرک فقدانی سبب حزن  
 و اندوه متکثر اولیدی پاشای مومی الیهک یاشینده اولان  
 اتباعک اکثریسی ابازه پاشا دایره سندن تشعب و منفصل  
 و از مابش جنگ ایله کسب فتون حریره آتش چسور و پردل کمسدر  
 اولوب بریشان اولمالری نیتی ایله یینه ابازه پاشا مالیکندن  
 اندرون همایونه چراغ و باش چوقدارلقدن نمایی بر رعایت  
 ایله نایل عبش رحیب و رفاع اولان اوزون عبدالله اغایه میر میر اتلی  
 توجیه اولوب اوازی رویت و ایکی اوج کون ظرفنده  
 طو تر قان طمرفنه باشبوغ نصب اولوب تحریک رایت عزیمت  
 ایلوب منجمل اولان پاشا بقوللانی بکمر پاشاخرینه داری  
 سلیم اغایه عنایت اولندی (بقیه احوال سلسله و انهمزام  
 کفار) روسیه مرشالی بالاده مسبق الذکر غایه ایله  
 مسرور و مست باده غرور اولوب سلسله بی تخلص خننده  
 جزا لرینک میشا هیرلندن پوتومکی و ویسمان دید کلمری  
 بد اختر ایله بالنفس ککندوسی بی حد و قیاس کفره ایله حرکت

و خندقلری املا و تشجیح فکر فاسدیه بشیوز عربه چوق و وافر  
 باغلی پیاو ره ندر کله محضرو تضییق قلعه به مباشرت و بتش قدر  
 طوب و هواون و بوریشده استعمال اولنوریشکی سکلیتی یغنی اسرار  
 طوبی نامیه میبانه لرنده مستر اولان بش فضا طوب که اغزی کیر  
 هاون کبی واسع و قدی قصیر آل چوقه پوشیده لی بر غریب طو یلر  
 ایلدی جله سنی سلسله اوزرینه حواله ایله شهره عظیم اضطراب  
 و بریلر ماه مزبورک متکرنجی صالی کونی علی السحر مرشال مسفور  
 عسکرنی بش قسمه تقسیم و طابورلری ترتیب و تنظیم و جوائب  
 شهری احاطه و مسفورلک ضرر فی اماطه خننده سواریان  
 اسلامک بمضیلری خارج سورده مطبوعه ایله بدأ محاربه و بحالده  
 و دشمن بر قیلدن طوب و تفنگه آتش و پروپ اهسته اهسته مترسدر  
 اوزرینه اقدام و جنود اسلام دخی مقابله به حیر ساقی اهتمام  
 ایلوب کفار قور شون مترانه کلدکده عسکر پاشا و جاشا شنی  
 اسپرانا و قول کتیدانی عسکر ظفر رهبری تشویق و اغرا و مشوبات  
 غزا و جهادی یا طرافها بیان و املا ایله دیک جینلرین اغلا ایلدیلر  
 تصحیحتری قلوب جنود مسلمین تأثیر و هر برنی پیشه زار شجاعتده  
 تریه اولمش برتره شیر ایلوب همان دشمن صفترینه مهاجمه  
 والی ساعت قدر اوکروه مکروه مزاحمه و بره رک فنی چوق ککافری  
 آغشته خون بقم کون و وافرنی زخم سیف ایله زار و زبون ایلدیلر  
 انجق دشمنک ککرتی و بر قاج دفعه عسکر اسلامک محاربه سنی  
 تجربه و عدم ثباتلری جزم درجه سنده تعقیق مدار قوتی او اوب  
 عسکرنی جبر و اکراه ایله مترسره سوق و جنود موجودین مترسره  
 اقامندن مضطر اوله رقی جله سنی واروشه دخول و دفع صایله  
 مشغول اولدیلر ایکی ساعت استراحتدن صکره واروشده موجود  
 الی یک قدر پیاده بی روسای عسکر د القلیج تحریریه مشغول اولدقربی  
 سالدده دشمن کله و خیره ایله ازعاج و تضییقندن خال اولوب روسا  
 و قتمز بونلری تحریریه اضیاعه اولتی لازم ککلوراسه دشمن  
 هر طرفدن هجوم ایله معاذ الله شهره فرصتیاب دخول اوله جفی  
 طما هر در بوضورنده جله سنی ذالقلیج اولتی اوزره مناسبتلریدا  
 ایندرمک اولی در دیملریه اولو جهله ندا و هر کس بواستیا زنی  
 اصفا و سکر یک پیاده ویش بوز سوازی همسان کر غیرتی میبانه بد



و بر بيله عهد و پيوند ايدرك واروش قبول بن كساد و قول كند اسي  
 پيشوا اوله رق صفوف اعدايه قارشوب متصدى نزال و طراد اولديلر  
 دشمن دين بو جبارنى مشاهده ايله صنعت ناريه ده اولان عمار سنى  
 كمال جهد ايله اظهار و هر طرفدن شرر بار اولديلر ايسه دخی غزاة  
 ظفر سمات قطعا ميل خوف و وجل و اظهار ايجام و فتل ايتوب  
 حق عز وجل حضرت تيرينه توكل و زو حانیت سالار ايتيسايه توسل ايله  
 مشرب شمشير و اعمال تيره و تبر و درت مساحت قدر نازموقده  
 جنگ شررا فشان و نيجه لرك سر و جان و زخم منلك ايله بن تاب  
 و توان اولوب ثبات مسلمان سبب نصر مين و باعث ثبات اعدای  
 دين اولوب قرار لری فراره مبدل و استدر اجلری زواله محول اوله رق  
 نظم و ضاقت الارض حتى صاها ربههم اذارای غیر شى ظنه رجلا  
 ماصد قبله مفعور و منذل اولديلر برضا عت محله دك قتلاى كفا  
 ايله صحرا يملو و دماه فاشده ليله ارض قفر امانند جو اولوب  
 كشتگان مشر حكنين سكر بيكه و مجروحلى بيكه بالغ اولد ينى  
 واصل درجه يقين اولدى اون ايكي قطعه طوباد و ايله طرف  
 اسلامياندن اغتام و دشمن دخی بو انهنزام فاش ايله برو  
 طر فسلرده توقفدن عاجز اولوب قارشو طرفه مرور ايله داغ بر دل  
 اكدار و الام اولدى دشمنك قوتنه نظرا شو قدر نفوس اسلاميه  
 سلسله ده محصور و محبوس و نجا نلرندن سردار اكرم نوميد  
 و مأبوس ايكن ناكاه خبر ظفر اردوى هما يونه و رود و غبار اندیشه  
 ايله مفعود اولان قلوب مسلينده صور شاد مانی رو نمود اولوب  
 نباش صبا ح العبد كى هر كس خصه باب سرور و شكر كذار جناب  
 رب غفور اولديلر لاحقه دولت عليه عسکر نه شجاعت فطرى  
 و دشمن عسکر ينك متانتى جبرى اولوب هر محله بويجه اظهار  
 ثبات و دشمنك انشه بر دفعه صبر ايله محو مخافات ايلسه رسا دت  
 غلبه ايله مسعود و خوف تيغ جلا دتلى هر طرفه ممدود اولور  
 ايدى انجق عسکر من باشلى صقيدقه جان و دلدن مجاريه اينزل  
 و اطرافى اچى بولور رسه طور مازل و بويجه ربه زهر بار مشهود  
 ارباب اعتبار اولمده در صحرا ده اهل اسلامك بوز يك عسکر نه  
 اون يك مرتب عسکر و افى و قلعه ده اولان اون يك عسکر نه بوز  
 يك مرتب عسکر غير و افى اولد ينى اليوم فرانجه لونك باش فونسلوسى

اولان بونا پاره تجربه ايندم ديور و ايت ايلديكى مشهور در بشمار تنامه  
 ايله وارد اولنلری صدر اعظم انعام فراوانه قرين و سرود و شلر بنى  
 چلك و خلعت ايله تزيين ايلد يكدن غیری عنوان غازی سر عسکر  
 باشلك القابنه الحاق و سمور كورك و بچوهر شمشير و چلك و اون يك  
 غروش عطيه ايله مظهر لطف و اشفاق قبلد يغندن بشقه محافظ  
 اولان وزير حسن پاشايه و قول كند اسنه و سابر روسايه دخی روجه  
 سزا ارسال خلع و عطا ياقينوب جوع و افراد عسكری به دخی درت يك  
 سيم و اوچ يك توى چلك تسيير و حين مفر كه ده زخدار اولان  
 سر بازار ميدان جلادنه تيار ايجون مس احتياج ايدن بر قاج جراح  
 ارسال ايله حقارنده صنوف عنايت توفير اولندي بو خبر خير دافع  
 الضير فى الحال تفرير دليذير ايله سده سر ير اعلی به عرض اولوب  
 انبساط شاهانه بن مستلزم و مقدمات وقوع بولان غبار ملال مرات  
 طبع هما يونلرندن مرتفع و متعده اولوب بو غزوه كبراده يرار انى  
 مشاهده اولنا نلره نظم نصارى پريشان دل از هيئتش اهراسان  
 بنى اصغر از شو كوش مفعو منه ماصدق اولان شهر يار بديع الفعال  
 مجوهر و التون چانكار ار سال و صدر اعظم طرفندن مشار و موى  
 الهيه اعطا ايله هر برى دوام عمر تا جدارى بن كركه طارم افلا كه  
 ايصال ايلديلر دشمن دين تهديدى متضمن بادی امرده سر عسکر  
 و محافظ پاشايه مکتوب ترقيم و ذريجه بار نوهم اولمشيدى  
 جوابى زبان شمشيره حواله اولند يغندن مسفور اظهار عجب  
 و غرور و امر هين ظن ايتديكى غضا طره به و غول ايله سرداده وادى  
 ادبار اولمى ظهور غيرت الهيه دن منبث بر كيهيت اولد ينى معلوم  
 ان باب انبساط و شعور در روسيه لوحيا صره ايله اشتغال اوزره  
 ايكن يك قدر قطعه بن ذخاير و ساير اشيا مطا ليه مسيله ارسال  
 و لا افلا طار نام قريه به دخولارنده قريه مذكوره بن اهل اسلام  
 عسکر نه مالا مال بولوب فى الحال ايكي عسکر ترتيب صفوف  
 و اعمال رماح و سبوف ايدوب جنود و وحد بن فضل رب العالمين  
 ايله منصور و قطنه لرك اككر فى كشته سيف مأثور ايلد كارى  
 ديسا جة نصر تامة اهل ثوجيد و مقدم خبر مبتداى فوز و تايد  
 اولدى (پريشاني شدن اردوى نعمان پاشا) روسيه فامد حرساني  
 رومانچوف سلسله اوزرينه حركتى خلا لنده متفرق اولان عسكركلى



یا شنه جمع ایدوب اسماعیل جانبنده اولان نمجه لو و بسمان نام  
جزالی دخی بوجمه دعت و برمنوال محرر هیئت پز خیتلرینه  
نطرق ایدن تزلزل و هزیمت اقتضا سبله جزال مسفور مفارقت  
واسما عبله کیدر ایکن قینار جه ده نعمان پاشا اردو سینه  
مصادفت ایله ضروری جنکه مباشرت انتشار ایدی نعمان پاشا نك  
معینده اولان عسکر یکر می یکجه قریب و بوجمه نك التي يك  
مقداری دالقیج اولوب خلی زور مندود شمدن روتاب اولبه جفلی  
بی ارنیاب ایکن کفار مترساره قریب کله یکجه برکسه نك خبری  
اولوب نه طلیعه و دمدار ونه بمن و بسار و بلکه کمال غفلت ایله  
جمله سی سر کرم جام تصلف و پندار اولوب دشمن نا کم ظهوردن  
جمله سی پیشه ور ونه حال ایسه تنیم قصور ایله جنکه استدار  
ودالقیج صبر ایده میوب دشمن ایله میانه لری یارم ساعتک  
محل ایکن یورویشه اجنسا ر و جنگ محله وارو وارمزا کتر یسنه  
اتفاخ عارض و دشمن دخی بر یا یلم آتش و پروب جمله سنی مجبور  
فرار ایلدی سر عسکر پاشا علت صم اقتضا سبله ندن صکره کیفیت  
وقوف ایله ترك بار و بنگاه و بازار جغه طوغرو هزیمت ایله اقراراف  
معصیت و کناه ایلدی طرف اسلامبا ندن ابتدا واقع اولان  
حمله ده جزال و بسمان هالك و هلاکی کسه به افشا اولمیه رق بر مقتضای  
ترتیب جدید هر کس کند و طرفنده واقع اولان مصلحتک  
رؤیننی طالب و مرید اوله رق بوزغون و صفتن عسکر مشار الیهک  
اردو سینه بالنکبه مالک اولدیغندن ایشند نر مشار الیهی هدف  
تیر نفرین و ملام و نشانه طعنه جرب و دشنام ایلدیلر مشار الیه  
طرف سردار اکرمیدن هزار تویج و آزار ایله قره مو طرفنده  
تحریک و احوالیده اولان اعدانک دفع مضرتی ضمنده کوش اثباهی  
تحریرک اولندی (عزل و نصب سر عسکر روسجق) صدر اعظم  
و سردار اکرم حضرتلری خفیه چلی زاده محمد افندی بی  
و حسن اغایی روسجقندن کوردوب او طرفده فوق الحد عسکر اجتماع  
ودوات علیه یومیه قنی چوق مصارفه ابتلا ایله بوانه دك قلعه نك  
عدم استخلاص و انتزاعنه سبب نه اولدیغنی سوال و انلردخی  
سر عسکر پاشا نك طوایف عسکر به امتزاجی اولدیغندن نشئت  
ایلدیکنی افاده و عزل و آخری نصب اولنورسه عوما او طرفه کیچوب

فضل معال ایله تخلص قلعه به سعی بهمال اولنور دیو بسط مقال  
و بوندن غرضلری حسن افانک رتبه وزارت ایله روسجق سر عسکر  
اولسنی اشترایند و دولت دخی بوماده ده اختیار رسیت تجاهل  
وماده بی ظاهر نه چل ایله روسجق میرا عسکر طاعستانی علی پاشایی  
عزل و مرتین تعافظه سنه تعیین و یکشهرلی وزیر اسماعیل  
پاشا او طرفی سر عسکر ایکی ایله کامیین قیلندی مشار الیه مرتینه  
کادکدن صکره اردوی همایون چوخله جنسی نصب اولوب مقتضای  
مأموریتی او زره عسکر سلطنتی نه واصل و صدر اعظم  
پیشگاهندن الای کوسر و ب انتظام دایره سندن محظوظیت حاصل  
اولوب جوار اردوی همایونده تعیین محل و بر قاجکوندن صکره  
نعمان پاشا نك اوضاع نابرجاسی املائی مسامع ناس و او طرفلرده  
اقامتی سبب تولد محذور و باس اولدیغنی احساس اولمغه هلی  
پاشا نك او طرفلرده بولمنی استخسان و معینه طوب و عسکر  
و بریلوب قره صوبه قریب حاجی کوینده اقامتله هر طرفه  
حواله کوش اذعان قلمی باینده طرفه تنیه و فرمان اولندی  
عزل اغای یکچریان) مشار الیهک ضبط و ر بطنفرانده فتوری  
و عقل و ذکاده قصوری اولوب بیم سطوتندن حشرات نفرات  
ترسان و نیجه کوردنکشان طوق اطاعتی اقامه برهان عقبنده  
سینف قاطع سبا سته بی سر و سامان ایدوب پیاده نك هر صنفی  
اصلاح و اهل عرض و مو دبلرینک مطلبلری انجام و بوملا بسده  
ایله عز لنی موجب بر حال بوغبکن مجرد قول کتخداسی یکن افانک  
سلستره جنکنده ظهور ایدن برار لغنه مکافات ضمنده ابرام اطراف ایله  
جساد ای الاولی نك اون التیمی کونی عزل و قول کتخداسی مومی الیه  
برینه وصل اولندی مشار الیه صورت ظاهرده روم ایل ایالتی  
تصمیم و بازار جغه عزیمتی تفهیم و بوجمه نك مشار الیهی سقیم  
ایدوب الباس خلعت دعت اولندقه بر ایکی کون نماز اظهار  
وسری سلیم افندی و ساطنبه قنده منصبی تحصیل ایله مست ر حقی  
استبشار اولوب بوزار سر عسکر و وزیر قیودان پاشا نك اردو به  
مأموریتی لازم کله رکاب همایون طرفندن بوزار محافظه سنه  
تعیین و چوق کیچمدن اناطولیدن عسکر سوزمک مأموریتی انقلابات  
دروتنی نسکین ایلدی (بعض حوادث) و دین محافظی وزیر احمد پاشا ندن



فی الأصل بر اراق مشهود اولدیغندن مظهر جو دشمن بار عالم سود  
او اوب رکاب طرفندن یوز الی واردو طرفندن الی کیسه احسان  
وسر عسکر لک ایله رفیع الشان قیلتوب معینده احشاد ایدن عسکر ایله  
فلسات طرفنه کیچوب ایدن قله به عزیمت ویکبولیدن ورودایده جک  
عسکری استیلاب ایله روسحق سر عسکری بر ککوکی طرفنه هجوم  
ایده جکی وقتده کندودخی حرکت و بالا اتفاق استخلاص قلعه به همت  
ایمک اوزره مامور و طرفنه خطایا متعدد اواصر جلیله شرف یرضدور  
اولمشیدی مشار الیه بمنوال محرز قلعه به ککلوب نیکبولی ده  
مجمع اولان عسکر دخی معینده ورود و لوازم ساربه سن اکیال عقبنده  
بر کوکیده اثبات وجود ایمک قصدنده ایکن اعدانک قلعه به هجومی  
بین العسکر شایع و خرکنه مانع اولوب مترس حفر یله جسکه حاضر  
و بر قاج دفته ظهور ایدن دشمن ایله محاربه به مشار اولوب بوصورت  
بر ککوکی طرفنه قصد و عزیمتی العسا و مقیم اولدیغی محلی محافظه ایله  
اکتفا ایلدی سلسله ده وقوع بولان عزای اکبر موجب انبساط  
پادشاه اسکندر فر اولدیغنه بناء صدر اعظمی تطلیف و شوق  
نجاهدنی تضعیف اراده ضربه مفصل و مشروح بر قطعه خط همايون  
اصدار و سردار اکریمی ایکی اسب مرصع رخت ایله حایز رهینه افتخار  
یور دیر (ورود والی اناتولی و ماموریت او و ذکر بعض وقایع) اناتولی  
والیسی وزیر عمر پاشا بوندن اقدام سوق عساکره مامور و اخراج  
ایندیکی جنودی فوج فوج اردوی همايونه تسیر ایله بدل و سم و صرف  
مقدور ایشیدی بوخده منی اکیال و بحسب الماموریه کندودخی  
بالذات عسکر همايونه نشر بال استیمال ایلوب جادی الاولینک یکریمی  
سکرنجی کونی اردوی همايونه رسید و نظر کاه اصفیدن مرور  
ایلله الایی پسندیده اولوب امسالنه قیاسا سراسره دوخته بر ثوب معور  
دوش افتخار نه اکسا و خلل راهده وقوع بولان تعدیستدن  
بحسب الاقتضا اعضا اولمشیدی دشمنک قره سوار دوسنه هجومی  
بین الناس و اصل درجه شهرت و او طرف سر عسکری نعمان  
پاشاده قیئارجه وقعه سی سببی ایله قدرت قلبوب قالسه دخی فیما بعد  
بدندن بر خدمت ظهور کلمه جکی مجزوم ارکان دولت اولغله شمدیلک  
خارجی اوغلی بازاری طرفنه وزیر عمر پاشانک حرکتی صوابدین  
ارباب پیش وید و اشو جادی الاخرده اولصوبه رشته عزیمتی تمید

ایلدی شام والیسی وزیر حافظ مصطفی پاشا من جهة الوجوه  
قریه و سمین و نایش جنازه قدرتیاب اوله مذیق غرضه داشت  
سده ابد قرین اولغله فرمان والیسی عظم زاده وزیر محمد پاشا ایلله  
منصبری مبادله و وان ایالتی وزیر داماد حسین پاشایه احاله  
اولتوب سپاهیلر اغاسی ایکن وفات ایدن ایدوسلی حسن اغانک  
منصبی اولان سپاهیلر اغالقی زشتولی خلیل اغایه توجیه و احسان  
ویرنجی قر و زان قیلندی (وزارت خللی زاده السید حسن اغا  
در کگاه عالی قیچی پاشا بوندن روسحق اغیانی السید حسن اغا  
بوندن اقدام اردوی همايونه احضار و روسحقده بخت عسکر اجتماع  
ایمشیکن بر ککوکی خطبصنک بوانه دکه عقده تاخیره کر قشار  
اولسنک سببی استفسار اولمشیدی بالاده اشارت اولدیغی وجه  
اوزره سر عسکر لک کککده و سنی بطالب و همراهه بیاندن  
هارب اوله رقی طبعیه ظهور ایدرا احتمالنه ذاهب اوله رقی سر عسکر  
بولنان طاعتستان علی پاشا ایلله عسکری طایفه سنک عدم امتزاجی  
ایماو غرض نه اولدیغی معلوم از باب منی اولوب حدائق سن و عدم  
تجربه ایلله حقیقه بوخطب جنیم سزا ککوز لمیوب وزیر اسما غیل  
پاشا سر عسکر لک ایلله او طرفه بعث و اسرا اولمشیدی موی البهک  
برادری محمد افندی اردویبه ککلوب بوماده بی کاه نصیرج  
و کاه احمار و عاقبت برادر بیه رتبه وزارت سر اواز ککوزیلور ایشه  
بر ککوکی قلعه سنک فتحی تمهید ایدرز دیک ککده بوصورت  
ملازم طماع کار شناسان روز کار اولوب یوم مذکورده موی البهک رتبه  
والای وزارت احسان و روسحق محافظی عنوانله فایق الاقران  
قیلندی (ظفر باقن چند اسلام در جزیره استانکوی) زمندن برو  
اقد کر اطهر لی امر افتده کشت و ککدار و سفاین قجار و جزایر  
خلقه ارات خسار ایدن اورلوف نام مرد غشوم بودروم اوزرینه  
هجوم و اوحوالی محافظه سنه مامور اوللره قضیه معلوم اولدقده  
امر مذاقعه به بر زده دامان اهتمام و مسقوری اوسا خلدن  
طرده ایلله نام یافته انام اولمشیلر ایلدی لعین مسقور عسکر  
و سفیه لری رتیب و عسکر دن خالی ظن ایندیکی استانکوی جزیره سنه  
بر قاج یک عسکر دو کوب متصدی بقنا و تخریب اولدقاری مشهود  
اغال اولدقده همان بر محله احشاد و جناب حقدن استمداد ایلله



اعدای دین اوز رینه مانند سیلاب چریان و تیغ آتش بارین  
 عربان ایلیه رک سکن ساعت قدره شمنه ضرب تیغ مغ رنگ و امطار  
 دانه تنک ایدوب دشمن بوجوم دلبرانه دن دلنک اوله رقی منکسر  
 و پریشان سفینه لرینه سکر زبان و پرهقداری میشه زار ایچنده  
 تخنی و پنهان اولایلر حین معرکه ده دشمن دیندن بش یک قدر  
 مشرک هالک ویدی قطعه طوب و بور قنطار باروت و وافر مهمانه  
 ضرات ظفر شمس مالک اولوب بوغزای عظیمده خدمتی مشهور  
 اولان عبدالرحمن اغایه و بودرم وقعه سینده اثبات وجود ایدن  
 نعمانزاده مصطفی اغایه قوجی باشلیقی احسان اولوب اردوی  
 همایون خلقی تفریح ایچون قبودان باشا طرقدن ورود ایدن بشارنامه  
 طرف واضح الشرف حضرت تاجدار ایدن طرف صدر الصدوره  
 ارسل اولوب حاوی اولدینی بشارت قلوب ناسه القای صنوف  
 بشاشت و ضرب طبل و طوب ایله بوخبر مسرت اثر افراد ناسه  
 اشاعت اولندی (ماوریت سرچا و شان محبت سر عسکر قره صو  
 سلسره وقعه سینده منظم اولان دشمنی تعقیب عسکر اسلامک  
 برقا چکوندن برو مشغول مکافه اوله رقی کال تم و مشقاری ملاحظه  
 ارلنه رقی تصویب اولوب کفار دخی اوج فرقه به منقسم  
 و پر قسمی مجروحلری قار شویه امرار و بر قسمی قینار جه اورردن  
 باباطاغنه طرغ و کدوب و بر فرقه می دخی اکثر محلی مشرف خراب  
 اولان خسوه به فحوض و فی الجملة نعمان ایله دروننده ممکن ایشلر ایدی  
 کسارک بوندن صکره بازار حقی سمترینه قصد و نیت فاسده لری  
 تجرب اولان حاللرندن معلوم و سر عسکر نعمان باشا ک بارای مقاوتی  
 معدوم اولدینی دخی مجزوم اولدیندن عسکری اعمال و مشار الیه  
 ابرار قوت یان اتمک ملاحظه شله احوالی عسکری رایه رام اولان  
 دیوان همایون چاوشا شبلی الحاح اسیراغانک معافه صویه ماوریتی  
 استصواب اولوب قینار جه ده دست اعدایه رسیده اولان طوب  
 و مهمات بدلی دخی اردوی همایوندن ترتیب و اولطرفه تسریب اولندی  
 اردوی همایونده بولنان عسکرک اکثرینی دیندرت و حین حاجنده  
 ثباتلرینه اعتماد اولمده حقی عسکر اولوب دالقیج بار بلانر اولد قچه  
 مرتب و خدمتلی ادا سنه دک ماور اولد قلی محله ثبات واستقرار لری  
 تجرب اولقله برماه مقدم بر مقدار دالقیج تحریری یکجری اغاسه

فرمان و اولدنی ایکی یک قدر شمعانی تحریر و اماده ایلدیکنی صدر کرم  
 معتاده افاده و بیان ایتدیدی قینار جه ده اولان دالقیج لری  
 دخی بعضی اردویه ورود و وجعتلری اوج بیکه قریب اولوب  
 بونلر دخی قره صو اردوسنه تعیین ایله اسباب ظاهره نک استکمالنه  
 صرف مجهود قیلندی (عزل سر عسکر قره صو) جانب مذکور  
 سر عسکری اولان سید نعمان باشا نک قینار جه وقعه سیندن صکره تلافی  
 مافات ایله سبب اولدینی جرحیه بی التیام لازم عهده دیانتی ایکن  
 یهوده افاتیه اوقات و نه حال ایسه خرسوه بی بد اعدا دن نزع ایچون  
 دالقیج لری ایله برقاچ یک ادم تعیین ایدوب خالدن غافل و قلعه بی  
 متانتدن عاقل ملاحظه ایدن عسکر خرسوه به هجوم و بعض طسایه لری  
 ضبط خلانده دشمن دین زوایای قلمبه ده درکین اولوب هر جا نه  
 هندسه ایله ترتیب ایتدیکلری طو پاره آتش و پره رک کیه خود رسته کی  
 هر طرفدن نمایان و جنود اسلامیه بی اجاطه واستیما به شتابان  
 اولایلر عسکر اسلامده طوب یک قلنی و دشمنک عدم و فرقی ظنیه  
 بروجه کال اسباب محاربه نک فقدا فی سبب پریشانی اولوب جنود  
 موحیدنک و افری شهید و بقیه لری تخلص نفس ایله محل معرکه دن  
 بعد و قره صویه و صوللرینه نصرت و هزیمت موقوف مشیت در دیر  
 تمهیر اوراق ایله دالقیج بقیه لری ظاهر اشفاق اتمک و سایر لری دخی  
 استیانت و نوازش معامله سی تقدیم اولتی لازم ایکن مشار الیه  
 عتف ایله عسکری بی مسئول و بعضینه سیف قهر و جری مسلول  
 ایلدیکندن جمله سی قره صوی ترک و یازار جفیه وصول بولایلر  
 بو کیفیت بازار جفیه اولان چاوشا شبلی اغایه معلوم اولد قده مشرد  
 و متفرقی اولنلری و معینده اولان دالقیج و سایر عسکری جمع  
 و احتفال و بازار حقی محافظه سنده اولان اناطولی و البسنی دخی  
 الوب قره صو اردوسنه نشر بال استیصال ایلدیلر مشار الیه  
 محمل مذکور دن عدم حرکتی فی الحقیقه عسکرک رجوعنه علت اولدیه  
 دخی نفوذ و اعتبارنه خلل طناری و بحکمه الله تعالی برقاچ دفعه  
 اردوسنه و ما مور ایتدیک عسکره هزیمت و قوعی سبی ایله بین الناس  
 شامت قدم ایله اشتهاری و علی الخصوص علت صمم عن لسه علت  
 اتم اولوب رجب الفردنک بکرمی التیمی کونی معزول و حاجی کوننده  
 مقیم طاسغانی علی باشا سر عسکرک میزانه موصول اولدی



ورود عساکر مشتا ( ایکی و ستمک عسکری طردا و عکسنا ترتیب و اماده  
 قبلتی کار قدیم اولد بغنه بنیاء صیف خلالتده هر طرفدن مشتا  
 عسکری تحریر و مقدم مباشر لایله اوامر علیه تسیر اولمشیدی  
 وقت وزمانیله عساکر مذکوره فوج فوج اردوی همایونه واصل  
 و سرحدله و سایر لزومی اولان محلهلره تقسیم ایله با فضل حق هر  
 جانبده من جهة العسکر قوت و مناسبت حاصل اولدی احتیاطله  
 رعایت و طایفه عسکری بی اعمال ایله مالوف راحت ایتمک مطلوب  
 صدر سرافرا زو بونیت ایله مشتا عسکرندن درت پیک بشیور  
 نفرافراز و مجددا حفر و انشا اولسان مترسرا طرافته تعیین اولتدرق  
 ارمایش سمت حرب و پیکار قیلند بغندن بشقه بشیور نفر سوار ی  
 دخی لیل و نهارا بروجه منابه ایکیشر اوچر ساعت بعد ایله پیرامن  
 اردوی همایونده کشت و گذار ایلملری تنبیه اولندی درگاه عالی  
 قوبچی باشیلرندن قبله عوض محمد اغا واسطه ایلولده بشیور  
 نفر ایله الای کک و ستروب پیشگاه صدارتینا هیدن گذر و الباس  
 خلعت ایله موفر اولمشیدی موجود معنی اولان نفراتک عینا  
 یا خود بدلا تعیناتلری تکلیف اولندقدده عدم قبول و مدت اقامتده  
 او مقدار عسکری ماندن ادا ره به تعهدی مجبول اولدیغی صدافتی  
 نایید ایتدیکنندن جمله عندنده معتبر و مقبول اولدی ( آمدن خزیننه  
 و وقوع بعض توجیهات ) اردوی همایون خزیننه سنده قلت مبالغ  
 ایله مصارف ضروریه ده مامور لکر رفتار قید متاعب اولدقلری  
 معلوم شهر یارا سکندر مناقب اولمغله بود فعه دخی بشیور  
 کبسه خزیننه همایوندن افراز وار دوی همایونه رسیده و از باب  
 استیفا رفاه فی الجملة ایله آرمیده اولدیله سر عسکر سابق نعمان  
 باشاقله ده اقامت مامور ایکن مسوری محافظه سنه نقل و روم  
 ایلی ابالتی سلسره سر عسکری عثمان پاشایه وصل اولنوب بوسنه  
 ابالتی قره صو سر عسکری نصب اولسان طاغستانی علی پاشایه  
 احسان و اوزی ابالتی ایله سلسره محافظی السید حسن پاشا  
 فرحان قیلندی ذکر اولنان بشیور کبسه بی متعاقب یک الی کبسه  
 دخی وارد او اوب بر قسط مواجب توزیع و طوایف عسکرینک دوا  
 معبشتری توسیع اولندی ( ذکر تفرقه اردوی قره صو و کرفتاری  
 عمر پاشا و اسپرانا ) جانب مذکور سر عسکری اولان طاغستانی علی پاشا

و معینه مامور انا طولی و البسی وزیر عز پاشا و چاوشا شی اسپرانا  
 قره صوبه ککلوب متفرق اولان عسکری جمع ایله جمله سنی تابف  
 و تاسین و مفرس و سایر اسباب استعکاماتی تکمیل ایله محل  
 مذکور ی ترصین ایتمشایدی انجق نعمان پاشا وقتنده تگون ایدن  
 فساد مزاج عسکریده تفر و پند و نصیحت و تدبیر و مشورت ایله  
 قابل تغیر اولوب جابجا افراد عسکری فراره مشا بر اولدقلری ظاهر  
 اولد بغندن اتفاق ارا ایله اغراق بازار جغه تسیر و ککند و لری  
 صالت و سبکیار مدافعه دشمنه ساق غیرتی تشبیر ایتمک میانه لرنده  
 قرار کبر اولدیغی ائنده اعدای دین شعبانک اون ایکیچی کونی قره مراد  
 قریه سنی طرفندن سر بر آورده وادی استکیار و قراق و قطنه لرینی  
 ایلر و سوق ایله احوال اسلامی استکیار ایدوب بر منوال محرم  
 اردوده موجود عساکر میانه جابکیر استقرار اولان اختلاف  
 ککله و عدم اتحاد سبی ایله چرخه به و یا خود هجوم ایدن اعدا  
 سوار لرینی مدافعه به شخص واحد نجما سر ایتموب دشمن دخی مترسرا  
 کناره تقرب و نه حال ایسه کنار لده تخریب ایدن اهل اسلامدن  
 بر مقدار سوازی تخریب و تذبذب ایدوب فتح در یجه خصام و مد اوله  
 ریح و حسام ایدوب دشمنک کثرتی و بر و طرفک اسباب مذکوره  
 ایله عن اصل تزلزل مستعد هیئت عارضه تفرقه بی ایجاب و عدم  
 ثباته من اقوی الاسباب اولوب برمدندن برو شطیننه ککلی اهتمام  
 اولسان جمعیت بر آن ایچنده پریشان و بلا مضایقه هر بری رسمه  
 کر یزان اولوب عمر پاشا پیرو ناتوان و چاوشا شی دخی قرار دن  
 عار ایله خلنی جنکه تخریب ایدر ایکن اولدخی تخلص کر بیان ایده نیوب  
 ایکییمی بردن اسیر و خیم و مهمات بالجملة نصیب دشمن شرکیر  
 اولدی بوانقلا بات ایله او اطرافده اولان قرا و فصیات اها لسی  
 اولاد و عیال لرینی بازار جغه ایصال و سر عسکر پاشا دخی حاجی  
 اوغلی قصبه سنه قریب بر محله ککلوب صدر اعظمه افاده حال  
 ایدوب بوشیور غیر مأمول دخی مقدرات الهیهه محمول قیلندرق  
 مشا ر ایله تیرال دن تسلیتی مشعرا مر عالی شرفصند و ر قیلنوب  
 او حوالی بی محافظه ایله پریشان اولان عسکری جمع و احوال دشمنه  
 حواله سمع ایتمی تنبیه و تاسکید اولندی ( احسان و وزارت باقای  
 یکچیر یان ) اغای مومی الیه بر کو کیده واقع مکر که هول انکیر و سلسره ده



زبانہ کش اشغال اولان آتش جنگ و سبزه اقدام و غیرتی مشهود  
 صغیر و کبیر و مراتب عالیہ ہر وجہ لایق و جدیر اولدیغنه  
 بناء بلا موجب وزیر سلیمان پاشا عزال و برینہ نقل اولمشیدی  
 امثالہ قیاسا نفوذ نہ قوت و اعتبار نہ مزید شان و شہرت و برکت  
 مقاصدیلہ شعبان شریفک اون بشجی کونی اغالق انضما قیلہ غایت  
 رتبہ بشریہ اولان جناہ والای و زارنی تحصیل وجع ریاستین ایلہ  
 اسباب احشامی تکمیل ایلدی (هجوم کفار و بریشانی سرعسكر  
 بازار جق و ما مورشدن رئیس الکتاب) دشمن مکارطوطی و اساجی  
 ساحلارنی ضبط ایلہ با باطنی غندن قرہ صوبہ ذک یمن و یسارنی  
 عسکر و شلکدن اخلا و بازار جق سمتی بغما قصدندہ اولدیغی  
 تحقیق کردہ از باب نہی اولوب مہما ممکن او طرفک تقویہ سنہ اهتمام  
 و طاغستانی علی پاشاہ ترک رفعت غفلتہ مبصر بولمسی بروجہ  
 تکرار افادہ و افہام اولمشیدی اعدای یدین عسکر مقہورنی  
 ایکی قول ایدوب برفرقہ سنی وارنہ بہ و برفرقہ سنی بازار جقہ  
 تعیین ایدوب قصبہ مذکورہ خلق عن اصل هجوم اعدای تحقیق  
 و دوات علیہ عسکرندن امید ی قطع ایلہ جیلای و مان ضمیمہ  
 پر برنی ترغیب و تشویق ایدوب فکر عیال دخی فی الحقیقہ کند و لر  
 بابت و عقال و دشمنک بازار جقہ هجومندن اون ساعت مقدم  
 اہمالینک نصف درجہ سی اموال و عیالارنی وارنہ قلعہ سنہ نقل  
 وادخال و نصف آخری بالقان اتکرندہ واقع قرار و فصاحت وضع  
 رجال ایلدیلر دشمن دخی بازار جقہ قریب اولوب سرعسكر  
 پاشا معیندہ موجود و اردوی ہمایونہ کلان مشتاعسکرندن  
 طرفنہ ورود ایدن جمع معدود ایلہ دشمنہ مقابل اولوب قطنہ  
 و قرنی ایلہ جنگ و صواش و وافر کافری قتل و جرح ایلہ گرفتار  
 چار موجہ انقلاب و تلاش ایلد کلمری جالذہ دشمنک پیادہ  
 و طویلی و رادن ادراک و اسلام عسکری آتش اعتدادن  
 و ہمناک اولہ رق فوز لیجہ عودت و صدر اعظمہ واقع اولان  
 احوالی تحریر و اشارت ایلدیلر سرعسكر مشارالہ قرہ صودہ  
 طوب و جیہ خانہ و وافر خیام ترکلہ رہبرائی وادی انزام اولوب  
 بختی بر قاج دفعہ تجربہ و امتحان و عزل و تادی مصمم صدور  
 زمان ایکن شاید متفرق اولان عسکری جمع و او حوالی بی محافظہ

ایدر ملاحظہ سبیلہ دایرہ سبیلہ نظام و بازوی اقتدارنہ  
 استحکام و برمشیدی بود قلعہ دخی مقابلہ وافی باشندہ  
 اولان عسکری اعمالہ وفق اولہ میوب دشمندن رو کردن  
 اولدیغی ارکان سلطنتہ ایراث یاس و حرمان ایدوب بوسیلہ  
 اوطاق سردار اکبریدہ استشارہ و تیرالین بودند نا کھظہورہ  
 از باب آرادن چارہ طلب اولوب رئیس افندی جوابہ اغیار  
 و دشمنہ فہمائید حیولت ایدر برشی اولوب طوغر وارد و اوزرینہ  
 کلک احتمالدن بعد اولیا مغلہ شمدیدن محار بہ یہ مناسب بر محمل  
 تخصیصی ایلہ اردوی ہمایونک تحریر کی ہر جہتہ مناسب وقت  
 و حال ملاحظہ و استنبواب اولدیغی تقدیردہ بوقوللری اتباع  
 و لواحقہ یکی بازارہ عزیمت ایدوب قرہ صو و بازار جقندن مشرد  
 اولان جنود اسلامیہ بی جمع و دشمن اوزرینہ حوالہ ایلہ دین  
 و دولت او غورندہ فدای سروجان ایدرم دیر کدہ صدر اعظم  
 بوندیری محسین و حضار مجلس سملک اللہ اوازہ سبیلہ انبای  
 شرط پسند و افرین ایلدیلر افندی مومی ایلہ تکمیل اوزام  
 و آلات و جمع متفرقات قصبہ اوچ بشیر زادم ایلہ یکی بازارہ طوغر  
 فتح شقہ رایات ایلد ککدن صکرہ شمی بہ پارم ساعت اولان  
 مفاتیح صحر استہ اردوی ہمایون نقل اولوب احوال و انقالدن  
 قاری اولہ رق آمادہ محار بہ و مقارعہ و دشمن اوزرینہ کتک  
 اوازہ موی اشاعہ اولدی (احوال حسن تدبیر رئیس الکتاب افندی  
 و فرار اعدا از بازار جق) افندی مومی ایلہ یکی بازارہ و ادوب اطراف  
 و اکافہ منتشر اولان عساکری و روم ایلہ ایالتی و سایر حرب و ضرر بہ  
 قادر وافر کسہ بی جمع و غریبہ تشویق و اغرا و جفر مترس ایلہ حوالی  
 قصبہ بی بر قلعہ کثیر البروجہ ہما ایتد کدن صکرہ تفتیش حال اعدا  
 قصدیلہ فوز لیجہ اوچ بشیر زادم احوال و دشمن محاروب فرارہ اغاز  
 ایلد کلمری خالدہ سوار بان اسلام بشوب بر مقدارنی تدبیر و وافر نی  
 اسیر ایلد کلمری خبرینک ورودندہ متوکلا علی اللہ فوز لیجہ بہ بالیقفس  
 تہصنت و بازار جقندہ اولان دشمن اردوی ہمایون بکلیاتہا حرکت  
 ایلدی ظنلہ توقفہ بحال بولوب فی الحال اہنک قرار و رئیس افندی  
 قضیہ دن خبردار اولوب رق فوز لیجہ دن حرکت و بازار جقہ قریب  
 کلد کدہ قرہ غولار بو خبری اشعار و غایت سرعندن کفارک بعض



اشبانی گاره فصبده فالوب حتی طبع ابتدا کلمه طعم نیم بخند  
 قاز غاندرده فالدینی بوقیره دخی بدیدار اولدی طاهستانی دلی پاشا  
 وسایر وجوه عسکر ایله بازار جقه دخول و قره غولار آمینی  
 ایله استخبار احوال اعدایه مشغول اولوب دشمنک واره ایله  
 بازار جق مینانی مفتاح اولان محله قباغی تصحیح و فریدانی  
 اوزر رینه وارلق نداکی تصریح اولوب اوکیجه ساعت درنده ایکن  
 فقیر و فله مقبسی نصوحی افندی رئیس افندی ایله دشمن حالی  
 مذاکره و نصوحی افندی برینه ~~صحنه~~ صکره یا کنز ایکین  
 فالوبینه بو صحنه ایکن ناکاه واره طره دن منظم و شخص ظهور  
 و رئیس افندی به بزکا غده ضوئوب فی الحال غلبه الشهور اولوب  
 کاغدی بوقیره اعطا و نظر اولندونه واره تک محاصره ایله غایت  
 نقلیه اولدینی اهالی انبیا ایله افندیکن استاده اید کلمه  
 اطلاع پیدا اولندونه کفار ایکی ساعت قریب ایکن محصول  
 اولان قلعه به انداد ممکن اولوب یازمکه کنون مقابله مژده اولان  
 کفاری تبعید ممکن اولور سنه واره به اعانه اولنه یلور لکن بوقیه  
 بازار جقه اولان عسکر واقف اولور سنه بجله سی بریشان و و دخی  
 جمع و تدار کلمی عسیر الامکان اوله جفتدوشنه اردو خلقی دخی اوعاج  
 ایده جکلری ظاهردیه ذک متباعدة انتظار و مشاغل بشده مهارت  
 ایله جزوی استراحت و ارمش ایکن ناکاه بر طراکه رعد آشوب طبع  
 انداز قبه استمان اولوب هر کس هول جان ایله بتدار و کافر باصدی  
 اواره لرینی مشتمل چار جهت اقطار ایلدیلر ایشیدلر هر ایل  
 اضطراب ایله آتیه شوار و خارج شهره جقه بوقیه برهرداری اردو طرفه  
 فرار و برهرداری کیمینه اطلاع ایچون برز ایکیشتر شاعت برزده  
 مکت و فرار ایلدوب رئیس افندی دخی یازم ساعت مقدم واره  
 محاصره منی خبر اولوب بازار جقدن فرار ایدن کلسار شاید نمودن  
 ایلدی دیو کرفتار انواع افکار اولوب تک و شها شاکن اولدینی طمانه تک  
 تک طاشنده طلب اشب ایله فریاد و تاباع نامده اولان تکجه املر  
 کند و درلره دوشوب تک انداد ایلدیلر فقیر و معتمد اولان ایکی نفر  
 مکتونی خلفا شدند افندیلرک ایلرینی ایلدوب شوراده ثابت اولون  
 باقلم رئیس افندی نه حالده دیو اتصال بیت سبی ایله جعت  
 و چایک کلوب نه کوردم افندی تک ارتفاع لستون نفسی انقطاع و شام

همان کافر شیخون ایندیه بر بالین اتمه اکتفا اتمز و مراد شاشقلاق  
 و بر مک ایله توقف ایتوب تفک و طوب اتمه قدن فارغ اولما  
 بوند میر حکمت وار کوره لم نه ظهور ایدر ذبه رک استنباس و تسلیم  
 اوزره ایکن زوم ایل ایلندن پر شخص عجمه کلوب کفار کلدیکمک  
 اصلی بوق بازار جقه واقع جا معی دشمن هدم قصد ایله لغم الوب  
 تد ریحی ایشیه رک کیجه ایله جامع کبه سی آتوب طرافه سی  
 جهاتی طوئدی دیدکده خبر واحد اولدیندن اعتماد اولور اولمار  
 علی پاشا دخی و رود و میر قومک خیرینی باید ایندیه دخی عسکر  
 بریشان بولمسه نه حال ایله مناد یلر و چایک سوار تارار ایله  
 عسکرک برمقداری اجتماع و برمقداری سرعت سیر ایله سحر  
 اردوبه کلوب اعدا شیخون و جله عسکر فرار ایلدی حوادثی  
 نشر ایله تولید اوهم و ظنون اغشرا ایدی رئیس افندی بوقضیه بی  
 وقوعی اوزره سردار اکرم حضرت تارینه افاده ایله فرار یلری  
 نادیب مصلحتی ترغیب و اطرافدن تصحیح ماده ایله بازار جقه عودت  
 ایدن لری دخی موی ایله بالنفس تعزیر ایله تخویف و ترهیب ایلدی  
 غریبه دشمن بازار جخی اسبیلاده نسوان طایفه سندن بری  
 امکان فرار بوله مدیندن سقف پشته اختفا و دشمن بش اون  
 کون درون قصبه ده کار بند بغم اوله رق طافات و زوایای بیوی  
 نفیس انجشکن جناب حق او مخدیره طاهره الذیلی کیده شمندن  
 مصون ایلوب رئیس افندی بازار جقه دخول ایتدکده مزبوره کلوب  
 افاده حال و برمقدار عطیه ایله معتمد برکسه به قوشلوب واره به  
 ارسال اولدی او طرفه کرم کی نظام و عسکر و سایر جهتلر  
 ایله مقتضای مصلحتی اتمادن صکره مشکور المساعی اردوی همایونه  
 عود و انصراف و طاهستانی علی پاشاک بازار جقه اقامتی خصوصتی  
 صدر مکارم اتصاف ایله بالخباره تجدید واستنباف ایلدی افندی  
 موی الیهک حسن تدبیر و هیبت عالمگیر لره به دشمن قره صو کپریشنی  
 کیچوب و رادن وافر دیل و کله اخذیه کامران و سر عسکر لر  
 تمشیدن عاجز بویه بر خدمته موفق اولستی نزد سردار اکرم میده  
 سبب مزید استحسان اولوب بر ثوب اعلا شهور ایله مکرر و انواع  
 نوازش و التفات ایله جامه زر تار قدر و رفعتی مطرز و معایق ایلدی  
 انهمزام کفار در واره ) بالاده ذکر اولدینی وجه اوزره دشمنک



بر صنی و ارنه محاصره سته کینوب امداد بطریق مرسود اولدیغندن  
صدراعظم و سایر ارکان دولت مهموم اولمشکن هر طرفه بو کینوب  
اخبار و وارنه امداد نه وصولری نمیشده او امر علیه اصمدار  
اولمشیدی تا کاه ادرنه بوستانچی با عیسی محمد افانک پراودی به  
کلیدی خبری استحصا و وارنه امداد نه عزتی استحال اولندی  
بحر سیاه سر عسکری اولان وزیر کله بی عثمان پاشا هینه و یریلان  
سفای ابله وارنه ده بولنوب کتخداسنی بش التیون قلیونچی ابله شرانپور  
اخراج و محافظه به مامور بیکجری و سایر عسکری دخی زوی اولان  
محارره ادراج ایلد یکندن بشقه عمر اعدا اولان کافر محله سی دخی  
چند قطعه چکدری ابله سد و بند اولمشیدی هر طرفه منتقم  
و متین و هر جانب مرصون و حصین قیلند یغنه متعاقب کتخدای  
مومی ابله چرخه شکننده شرانپور دن طشره بقیوب دشمنک تخمینا  
التی یک پیاده و اوج یک سوار سی اولدیغنی تحقیق و اوج ساعت  
محمده بفته هجوم ایچون احتضار اسباب حصر و تضییق ایلد یکنی  
کاوبه افاده و مشار ابله دخی مقابله به امداد اوله رقی یک بشبور  
اوند سفینه لردن چبقروب رصده ککاه جنگ و پر خاشده استاده  
اولدی مشار ابله بیمار و هشی و حمر کته عدم الاقتدار ایکن  
کردونه سوار غصیرت و طایفه یک بیرینه شمسه نصی ابله خرابض  
غزاته بر زده دامان همت اولوب دشمن دخی شعبانک در دنجی  
چهار شنه سکونی وارنه به نصف ساعت مسافه اولان قاضی کوی  
سمتدن تحریک پای شوم و چرخه جیلر ابله محاربه ایدرک اوج قواذن  
شرانپور هجوم ایتمش ایدی مبارزان دین طوب و قنک ابله  
میدان جنگی اعدایه حلقه همدن تنک و فضای و غای دماه فاسده لریله  
سرخ رنگ ایلد کلری حالد سوار یلری جسارت ابله کافر محله سندن  
شهره دخول و پیاده سندن دخی وافر کشتنی التي قطعه طوب ابله  
شهره و عول ابلوب بقایای کفره و بوده طایفه سندن واروشه  
جان آتوب انده اش سکرک ابله پیشه و روبرام ضابطان ابله  
افداده مجبور اولان کفار صدمات پیدری طوب و قنک باقیه رقی  
مهاجمه ده شدت اراثت ایلد کلری سربازان میدان جلا دت اولان  
خزانه و حدیده رونما و مهره بازا ق صنعتی کرکی کبی اجرا و نه  
طرفدن اعدا ظهور ایدیه صفوف مرصوصه لری خرق و افغا ایلد یلر

بو حال برقاج ساعت مستمر و دشمن مأمول ایدیکی ثبات و متانی  
معاینه ابله خیلی متا اولوب خوف جان ابله کبرویه کر یزان اولدیلر  
مهر که مزبوره یک بشبور قدر مشرک بی دین واصل در که مجین  
وبقیه سی زخمدار و غمکین بوللرده مجروحلرندن مرده اولنلری  
مطر و روح بر زمین ابله رک فره صوب و با باطای سمترینه ملوغر و فرار  
و صولت اسلا میاندن امین اولدیلر قبل الوقعه قره دسکر  
سر عسکری مشار ابله موسم دریا قوتیله استانه به عزیمتی  
استیذان و تحصیل رخصت و پیام اذنی معینده اولان قبودا نلره  
اشاعت ایدوب مساعده روز ککاره انتظار اوزره ایکن دشمنک  
وارنه به هجومی حص ابله بر مقتضای دیانت عدم حرکت و مدافعه ده  
بذل جل همت ابله قلعه پادشاهی بی تخلصه مبارقی سر نامه حسن  
اعالی اوله جفنده اشتباه یوقدر بونصر عزیز برقاج ماهدن برو  
ظهور ایدن حوادثات المله سبی ابله مکدر اولان زمره مو حیدنی  
حق بودر که شوق انکیز ایدوب مرایای خواطر ده اولان غبار  
کدورتی زدوده و صور سرور و شادمانی بی نموده ایلدی مشار ابله  
معاذ الله وارنه ده بولنوب دفع مزاحجه دشمن ابله تقید ایتمه ایدی  
اردوی نصرت مرهون اسکله سی اولان وارنه بی دشمن مضبوط  
و موکب همایونی برهمزده تشویش و خبط ایلمی مقرر ایدی  
کافرک قوه استدر اجه سی کالده اولوب شویله که ادرنه بوستانچی  
باشبندن بر کون صکره فراره اغاز ایدوب وقتیه مومی ابله  
وصول بولمق لازم کلسه ایدی وارنه اوزرینه کلان دشمندن بری  
خلاص و تدارک جای ملجاء و مناص ایده مزایدی (بعض تدارکات  
دشمنک هر طرفدن هجومی سبی ابله غیر تکشان دین و دولت شناور  
بحر عبقی فکرک اولوب هر بار مقابله تدارک کنی ملا حظه ابله  
شان و اینت دولتی دایما محافظه قیده دوشه رک سال اتیه تک  
شمیدن تدارکته مباشرت و روم ایل و انا طول ایا لتلری قوی الاقتدار  
بر وزیر نامداره و یریلوب مکمل دایره لری خلقتدن بشقه معینلرینه  
طوب و یکجری و سایر اوجفلردن مقدار وافی عسکر الحاق و برینه صاغ  
و برینه صول قول سر عسکری اطلاق اولمق ککذک طلیعه  
و دمداراق خد متلری دخی بر وزیره تخصیص و سواری اوجفلری ابله  
دایره لری تحکیم و ترضیص اولنوب اوله یازده سر عسکر لری جانبدن



نهر طوبی کیچوب عون قادر منعم ایلہ اخذ مار وانتقام ایتک تربیانه  
شروع واهتمام و اخراج عسکرو جمع ذخایر امور نه برچیده  
دامن اقدام اولدیله (نصب سرچاوشان) اسپر اغادست اعدایه  
گرفتار اولدیغنه بناء منصبی منحل و بالوکاله خدمتی اداره ایدن  
بکر بکه منصب مذکور لایق و محل کوریلوب حضور سردار اکریمی  
دعوت و بالفعل چاوشباشی اولمق اوزره اکسای خلعت ایلدی  
ذکر انتقال خاقان جهان السلطان مصطفی خان بن السلطان احمد  
خان بن السلطان محمد خان) شهریار کردون بسطت و تاجدار  
اسکندر همت حضرتلرینک باعث اسایش کافه عباد و سبب  
امنیت ساکنان بلاد اولان وجود عالمود شاهانه لینه بر قاج  
ماه مقدم تعطیل جوارح ایلده جک در جهرده انصباب عارض اولوب  
در عقب اطبا و حکما فصد و تدبیر ایلده اوعلت عسیر الدوایی  
پذیرفته حیرت شفا ایدوب شکر الهذه النعم ذبح قرائین و توزیع  
نذیر و صدقات ایلده اطعام و اغنای فقرا و مساکین قیلند یغندن  
بشفقه وجه زمانه بشوش و منتهج و شوق و سرور عالم منتهج  
اولمشیدی تزله حاده نک عن اصل انصبابی غلبه هجوم ایلده وجود  
بولدیغنه بناء اردوی همایون طرفندن متعاقب الورد اولان  
مکذرات اخبار اوشهنشاه دینداری علت مذکور ایلده بیمار  
ایدوب ذی القعدة نک سکرنجی جمعه کوئی نظم اری الموت  
یختار الکرام کانه لاهل المعالی و المکارم عاشق مفهومیجه  
اوشمع بزم افروز دین و راز اشناهی علم البقین خورشید فلک  
عز و تمکین باران رحمت زمین خاقان جهان و اسفند یارتوان  
حضرتلرینک نفس مطمئنه سی ارجمی الی ربک امر شریفه امتثال  
و عالم وحدته تحریک اجنه بال ایلدی نظم دارالسلام جلوه کهن  
اختیار ایدوب پیوندی کسندی رشته قید زمانه دن میل فضای  
روضه ملک بقا ایدوب شهباز روی اوچدی بوتنک اشبانه دن  
یرلیغ بلیغ توفی الملك من تشاء اقتضای اوزره ثوبت خلافت ذات  
همایون لینه مخصوص اولان اخ والا کهر لری شهزاده جوانخت  
لایق سر بر و تخت کل نورسته حدیقه کامکاری و در شهزاده  
صدف یختیاری السلطان عبدالحمید خان بن السلطان احمد  
خان حضرتلری اطباق است واجام ارکان سلطنت ایلده جالس اورنک

عثمانی وزیر اداری مستند جمعیاتبائی اولوب بالجمله وزرا و علما  
و ارکان سلطنت اجرای شرط بیعت و ایفای لازمه نهیت  
ایلیوب ع عین تسرو عین منک تبکینی ماصدق اوزره طبل  
و شورنا و طوب و منابر اشباب شادمانی ایلده اعلان جلوس  
خاقانی به مناسبت ایلدیله نسبت افندی بر تعمیه ایلده خلیفه الله  
ترکینی جلوس همایون تاریخی اوله رقی انشاد و جایزه و فیه  
اخذ یله خرابه زار خاطر قی ایلدیله دارج رحمت رب غفور  
اولان خداوند کار سابق حضرتلرینک امر تجهیر و تکفینی ملوک  
متوده سلوک ایتنی اوزره تنیم و اکمال و مرتب الای ایلده بوندن  
اقدم بنا و احیایور دقلری لاله لی جامع شریفه اعداد ایلد کمری  
مزار پر انوار لینه تعظیم و ایجتال ایلده ادخال اولندی سکنة  
استانبول نو پادشاه مغفور لک کوزدن نهان و عالم وجود دن  
نهان اولدیغنه تالان و کربان و اولوارث اریکه سلطنتک قدومیه  
شاد و خندان اولوب نظم اما تری الغیم کالباکی باده  
والارض تضحک کالجذلان من فرح مفهومی عبرت کرینان زمانه به  
نمایان اولدی عبد محقر او پادشاه دورانک زمان سعادت انظرنده  
خواجده لقی ایلده چراغ و پیر پور قدن عود نمده بالواسطه استنطاق  
و بر قاج دفعه عطایای جزایله ملوک کانه لینه تحصیل وسعت حبش  
و ر قاج ایلد یکمدن حق علیم و دانادر که بوقعه جانسوزی  
یا زار ایتکن ناودان سطح وجود اولان دو چشم خون الودم مائشده  
قواره فیضان و سرشک دید حشرت دیده م مانند نهر سریع  
السبلان جریان ایلدی نظم اقلب الطرف لا ارضی بمد معه  
حتی تعصه قرار دانی علامته لا زال بهمی علیه ککل ذی جزل  
یکسی الریاض دیابیح کرامته کدر و سروردن مرکب اشبوخبر  
قیمه تمام باشا طرفدن اردوی همایونه اوچ کونده ورود ایدوب  
فی الحال اشاعه سی لازم کلانره کیفیت اشعار و اعلان جلوس  
همایون منتهی نمر حدره نشر اخبار قیلندی (ترجمه ان پادشاه مغفور  
ابرار کدشکانه لاحق اولان خداوند کار سابق حضرتلری  
یک یوز بکر می طقوز سنه سی صفر الحیرنده سلطان احمد خان  
علیه الرحمة والغفران حضرتلرینک صلب پاکیزدن محمیه ادرنه ده  
مشرف ساز عالم وجود وزیرنده سرای حضور و شهود اولوب



عمر نازندلی قرق اوج سنه سی راده سنه متاهل اولدوقده عزماده لری  
سلطان عثمان خان حضرتلرینه خلف و تاج و تخت ملوکانه به  
باعث افزایش عز و شرف اولمشلرایدی اوایل سلطنتلری ایام  
سورکبی مرور و سابه سلطنتلرینه هر کس احراز حصه سرور  
ایتمشکن مسعود سفیری بتقدیر الله تعالی ظهور ایدوب ایل  
ونهار اعلاء کلمه الله مشغول و نیجه خزان و دقاین صرفیه  
زمره مشرکینی تاب نیغ مصقول ابله تحذول اتمک اراده سنده ایکن  
نظم اذا لمقا دبر لم تصح مساعده علی بلوغ المنی لم تنفع الهجم  
مفهوم می اویره سعی همتلری هیا و اختلاف کلمه رؤسا و عدم  
وفاداری ارباب و غا ابله کون بکون دلشکن فکر وادی و کیدرک  
یوحالت وجود عالمود لرینه تأثیر و تاریخ مذکورده ترک تاج  
و سریر و مجاور رحمت می و قدیر اولیلر اون الی سنه طه و زماه  
حکمران ملک عثمانی و دلسیر نعمت زندگانی اولدی شهریار  
مغفور بر بادشاه فلاطون درایت اسکندر همت ادهمی سیرت  
مایل خیرات و راغب میرات یم کرم و مقادر شناس و صری  
افاضل ناس مختبر احوال عالم و مجرب اطوار امم وجود اقتدار  
ایله حول و صبار و عفو منی ابله جلب خواطر ایدر بر شهریار  
جیل المتار ایدی جزویات علومه میل شاهانه لری در کار  
و بوسیله ابله نیجه کشدگان روزگار زمان با امانلرینه رسید  
حیر اعتبار اولوب حتی مغرب خلقی بوفنده ماهر اولتی جهنیه  
فاس حاکمه مخصوص نامه تحسیر و مضنونده جیع مغیبات علمی  
ذات اجل و اعلایه مخصوص اولوب الحق اوقات ساعات ایل  
ونهار تی تو بیغ شرع درجه سنده اهالی استانبوله نشر ایچون  
بر شخص ارسا انی ند کبر پیورد قبری فن مذکوره کمال رغبتلری  
مؤید در ارکان سلطنت علی العموم صلحه رغبت و مرخصلر  
تعیینی ابله قطع صلح ماده سنده بی شک و ریت ایکن خداوند کار  
میرور تبسم ابله عدم انعقاد فی اشراب و زما غزده صلح بوقدر  
دبو خطاب پیورد قلرینه نوادی خاص الحنا صلیرینه محرم اولنلردن  
بری چونکه چهره کفاح مرآت عالمده صورت بند صلاح اولیه جفی  
مجزوم شاهانه لریدر یا نیچون مرخصلر ارفاد و لوازم و حوایج لرینه  
مال بیغایه اتلاف اولیور دید کده و کان امر الله قدر مقدور را

پیورد قلربی یکیشهر لی عثمان افندی شفاها بعض خواصه افاده  
ایلدیکی مشهور دوز ( ذکر آثار و خیرات ان پادشاه جبل الصفات  
صلب پاک شاهانه زندن سلطان سلیم نامنده بر شهراده بی مدانی  
الیوم ارایش ده سر صغه زندگانی اولدوقدن بشقه اوج عدد  
سلاطین عصمت ایین ترکیله تحصیل عمر ثانی پیورد مشلر در  
رمضانلر ده علمایی فی کل یوم حضور ملوکانه لرینه کتور دوب  
قاضی میضای تفسیرندن مباحثه ابتدره رک کسب فیض روحانی  
و استفاده نکت فر قانی عقیننده در سده حاضر اولنلری نقد فراوان  
ایله تلطف و نوازش و التفات ابله تشریف مخترعات سلطانیه لرنددر  
اسکدارده والده مشفقه لر یچون مکلف بر جامع بنا و اوقاف کثیره  
ر بطلیه خدمه سنی اغنا پیورد قلرندن فضله لاله لی جوارنده ایکی  
مناره لی جامع و مدرسه و عمارت و تربه بنا سبیل اسم سامبلرین  
احیا و زلزله دن منهدم اولان ابوالفتح سلطان محمد خان جامع  
محمد دا انشا و یکی قیو خار جنده طولا اون ایکی یک و عرض  
اللی یک ذراع مجلی املا و نیجه دلمکشیایوت و دیکر کین بنا سبیل  
بر محله جانجشا ایجاد پیورد مشلر در جناب حق مزار پرانوار لرین  
مهبط شعاع رحمت و مورد وفود مغفرت ابله امنین بجرمه  
سید الانبیاء والمرسلین ( مسند اربابان و کالت کبری در عهد آن  
شهریار مستحسن الآثار ) ابتدای جلاو سلرنده چار بالاش نشین  
صدارت عظمی اولان راغب محمد پاشا مقامنده ایقا والی سنه مقداری  
مهمات صداری اجرادن صکره مد هوش سکریت ربیب المنون و قوسقه ده  
بنا ابتدکی کتابخانه خطیره سننده مد فون اولدی برینه حزه پاشا  
صدر اعظم اولوب بر سنه قدر کار ساز امور انام و بعد العزل جده به  
کیدوب عز فاده متاول جام خام اولدی بوندن صکره مضطبی پاشا  
بر یچق سنه قدر کافل امور صدارت و مدلی جزیره سننده مخوقا  
عزم سمت آخرت ایلادی یمش سکر سنه سی اوایلنده محسن زاده محمد  
پاشا وزیر و اوج سنه قدر او مقامده قرار گیر اولدقدن صکره معزول  
و سلمدار حزه پاشا برینه منقول اولدی مشار الیه یکر می بدی کون  
مخل الشعور متصدی امور اولدقدن صکره عزل و کلیولی به وارد قدده  
وفات و ترک دغدغه کایات ایلادی بوندن صکره نشانی الحاج محمد  
امین پاشا صدر اجلاله متصاعد و سهسار لاری شرفیه امورنده مستقل

\*

\*



و منفرد او اوب بالا ده تفصیل اولسان اسباب ایل عزل وادرنه به  
 کلد کده سبف قضا و قدر ایل ترک سر و توفیق علی پاشا  
 بومسند زب و فر واندن مکره تحلیل پاشا و برسنه مرورنده  
 سلحدار محمد پاشا مهره هایون ایل کامروا اولوب بازار جقه  
 اودخی معزول و ایوم صدر اعظم و سردار اکرم اولان محسن زاده  
 محمد پاشا ثانی بیل صدارتله واصل سر منزل مأمول اولدی ( ذکر  
 مشایخ اسلام در عهد آن پادشاه و الامقام ) ابتدا جلوس ملوکانه رنده  
 داماد زاده فیض الله افندی مقام افتاده بولنوب چوق کیچمدن  
 محمد صالح افندی جاه رفیع افتا ایل شرفمند و بومدندن مکره  
 چلبی زاده حاصم افندی مسند مشیخته سر بلند اولوب برسنه  
 مروراندن مقدم وفات و قطع مسافات حیات ایدوب ولی الدین  
 افندی بک قامت لیسافتی قبی قنوی به سزا کوریلوب وقت مقدر فی  
 بعد الا سستیفا قره بکر افندی زاده احمد افندی نسف سازامور علما  
 اولوب بوندن مکره دری زاده مصطفی افندی ایکی سنه قدر  
 خطوط قنوی ایل مشغول و ضرور روز کار ایل برینه پیری زاده  
 عثمان افندی مقل و اولدخی بهی سکرماه طرفنده صوب عالم بقایه  
 مرتخل با اولوب میر زاده محمد سعید افندی او مقام عالی ایل تحیل  
 و بعد منصب رفیع مشیخت اسلامیه شریف زاده محمد متلا افندی به  
 تجویل اولدخی هنسکام شهریار انام خلد برینی مقام ایلدی  
 ورود خط هایون و ابقای صدارت عظمی ( بر قاج سنه دن برو  
 حسا کز اسلام و عشاء سفر و انواع خطر ایل فدای جان و سر  
 ایلد کز یکان یکان غمایان اولدیفند بناء فیما بعد شرط اتفاق  
 و اتحاد رعایت ایل دشمندن اخذ تار و غالبانه طی طومار حرب  
 و پیکار ایل برینی متضمن و صدارت عظمی بک ابقا و تقر برینی متبین  
 بر قطعه خط هایون شرف صدور اولوب اردوی هایونده موجود  
 وزرا و و کلا جمع اولدقدن مکره جله سنک هوا جهه سنده  
 قرأت و هر کس خداوند ککار سابقه رحمت و شهریار چندیده  
 استند جای توفیق احدیت ایلدیلز ( احسان وزارت محسن پاشا  
 و وقوعات ساره ) سابقا خانیه محافظی اغریوزلی زعم زاده محسن  
 پاشا بعضی تعهدات ایل وزارتیه طالب و جابز کورمیلره کورنر غالب  
 کلوب بالتدریج مطلبی ترویج و ذی القعه نك اون بدیجی کونی کوستندیل

\*

\*

\*

منجانی و روم ایل سوز بچلکی ایل رتبه والای وزارت طرفته توجیه  
 اولوب بو فلا سده ایل جامه رز تار اقبالی طراز عز و رفعتله  
 ترین و تبریح اولندی قول کتخداسی محمد اغا عزل تا که ظموره  
 مبتلا و سلسله جانیته اولان سر زغری مصطفی اغا منصب مذکور  
 ایل کامروا اولدی جلوس هایون اخباری متضمن دوست  
 اولان دولتماره بروجده سفارت بر رادم تعیینی داب قدیم دولت  
 اولدیفند بناء اناطولی محاسبه جیبی قبا قولی بکنی سلیمان بک نجه به  
 تعیین و اردوی هایونده ککافه لوازمی رویت اولنوب  
 بر ساعت مقدم عزیمت ایللمی طرفته افاده و تبیین اولندی شهریار  
 ستوده آثار جلوس هایون بک النجی کونی خیره ساز چشم اعادی  
 و باعث حیرت حاضر و یادی اولان الای مزین ایل حضرت خالیدی  
 زیارت و تقلد سیف ایل قانون ابا کراملری اجرا و بوخیر  
 حضرت آری شامل خط هایون و تشریفات مستبیه ایل چسراغ  
 افروخته لری اولان قوبجیلر کتخداری الحاح مصطفی اغای اسرا  
 و صدر اعظم لری نایل سرور اوقی یوردیلر شیخ الاسلام اولان  
 شریف زاده محمد متلا افندی عزل و ازعاج و دری زاده مصطفی  
 افندی او جاه رفیع ایل حایز رتبه استیلاج اولدی ذی الحجه  
 او اسطنده قائم مقام رکاب ملک محمد یا شاعرل و دریا قبودانلی  
 ایل کامیاب اولوب وزیر قویجی سلیمان پاشا قائم مقامل ایل عز  
 و شرف اکساب و ایوم رکاب چاوشا شیبی اولان عبدالکریم بک  
 دخی معزول و برینه لاهل مصطفی افندی برادری محمد افندی  
 بقعه منقول و چوق کیچمدن رکاب کتخدالی مقامه موصول اولدی  
 سکسان سکر سنه سی عمر مند اعتبار ایل مکده مکره قضا سی  
 شامدن متفضل عز براده احمد عطا الله افندی به و سکسان بدی  
 زجی غره سندن مدینه منوره قضای ادرته دن منعزل السید محمد  
 نافع افندی به و سکسان بدی رجیدن مصر قاهره حکومتی  
 سابقا حلب قاضی بشمعی زاده السید نعمان افندی به و ربیع  
 الاخر غره سندن خواص رفیه قضای شای زاده مصطفی افندی به  
 و صدارت اناطولی مدت عرفیه سن تکمیل ایدت السید ابراهیم افندی  
 عزلیدن سابقا اسلامبول قاضی دری زاده محمد نور الله افندی به  
 توجیه و عنایت ایل مظهر برو مکرمت قیلدی استاجول قاضی



بابی زاده بر سنه قدر اجسرای احکام و مکه دن معزول کتخدا زاده  
 محمد سعید افندی شهر ربیع الاخر کتخی کوفی قضاء استانیول  
 ایله کسب اجل منیه و مرام ایندوب اسکدار قضاسی دخی حقه ایله زاده  
 مصطفی افندی به احسان و عنوان مولویت ایله غنچه اعتباری  
 کشاده و خندان قیلندی (عزل و نصب حضرت قوی پناهی) شیخ  
 الاسلام و مفتی الانام اولان میرزا زاده محمد سعید افندی مرض  
 کونا کون ایله علل اولوب تبدیل هوا و درنده تدارک دوام عرضنده  
 سلطان دپه سنده واقع خانه سنده نمکن و توانا زیدن بشقه  
 مشغله فتوادن استعفا ایلدیکنه بناء التما می مساعد حضرت  
 جهانداری به مقرون و اشوب ججادی الاخره غره سنده سابقا  
 صدر روم و حالا نقیب الاشراف اولان شریف زاده محمد شریف  
 افندی مسند مشیخت ایله ممنون قیلنوب منصب جلیل ثبات اشراف ایله  
 سابقا صدر اناطولی السید ابراهیم افندی مظهر الطناف اولدی  
 وفات بابی زاده و توجیه بعض مناصب علمیه (بر ماه مقدم استانیول  
 قضا سندن منفصل اولان بابی زاده السید سعید الله افندی  
 بر زماندن برو امر اض کونا کون ایله رفحور و خسته و عاقبت باب  
 حیات و زنده کالینی دست اجل ایله مغلق و بسته اولوب فستخیمسرای  
 شهر خاموشانده مقیم و خلقه زن باب نعم المای دار النعم اولدی  
 رمضان شریف غره سندن ادرنه قضا سبیل سابقا یکشهر قنار  
 قاضی حافط محمد افندی قرین اغراز و غره ذی القعدة دن  
 برو سه قضا سبیل یحیی زاده ابراهیم افندی قامت افراز بختر  
 و اهتر از اولوب یکشهر قضا سبیل السید علی افندی دخی کسب  
 امتیاز ایلدی از میر مولویتی ایله غره ذی القعدة دن قاضی مکر  
 عثمان افندی زاده السید محمد امین شادان و سنه آتیه صفرندن  
 شام جنت مشام ایله سابقا غلظه قاضی السید محمد افندی پناهاده  
 مرکز عز و شان اولدی (نصب صدر روم) صدارت روم ابلی  
 ایله معز زاولان و صاف زاده اسعد افندی مدت حکومت معروفة سنی  
 حیر زسان انقضا و صدارت مذکور ایله بحسب الطریق  
 داماد زاده محمد مراد افندی شوالک ایکجی کوفی متصدی احکام  
 شریعت غزا اولدی سنه آتیه محرمندن سلاطین قضاسی حافط فیض الله  
 افندی به و غلظه قضاسی بابیه قدس حرمین مفتی احمد نجیب افندی به

و حلی قضاسی زریک املی زاده فیض الله افندی به و قدس  
 قضاسی سابقا فلیه قاضی صک و حک طورون محمد افندی به  
 توجیه اولندی (عزل سراطیه خاصه) جلوس مایون عقیدنده حکیم  
 باشیلرک عزلی عادت اولدیفنه بناء ریاست اطیبا ایله سرافراز  
 اولان محمد افندی عزل و سابقا حکیم باشی اولان محمد عارف افندی  
 یرینه نقل اولدیفندن غیری ادرنه پایه سنده بولنان موالی عظامه  
 و عزل اولندی (عزل و نصب شیخ الاسلام) بر مندن برو مفتی الانام  
 و حلال مشکلات ناص و عام اولان شریف زاده محمد شریف  
 افندی مدت مقدوره من استیفا و ذی الطبعه نک اون بشیخی کوفی  
 دری زاده مصطفی افندی مالک زینت بخش مسند قوی اولدی امام اول  
 سلطانی حافط محمد افندی به طریق جهتمیه بر نوع اسکرام  
 خاطر کذار شهر یار انام اولدیفنه بناء سکسان سکر عمر مندن ادرنه  
 یاسنیه نائل اولن پایه مرام اولدی عرب علی زاده محمد صالح  
 افندی خواص رفیع قضا سبیل مریبلنده و چاوشباشی زاده احمد  
 افندیك شاخسار املی اسکدار قضا سبیل برومند اولوب مغلوی  
 محمد افندی به مکه مکرمه و السید مصطفی افندی به مدینه منوره  
 و السید عثمان افندی به مصر قاهره توجیه اولندی (عزل صدر  
 اناطولی و قاضی استانیول) شیخ الاسلام وقت دری زاده  
 افندیك ولد اسکبری نور الله افندی مدتی تکمیل و مصلحت  
 مذکور بی دیگر محمد و ملری عطا الله افندی تحصیل ایدوب  
 بر سنه دن برو استانیول قاضی اولان کتخدا زاده السید محمد  
 افندی دخی معزول و مکه مکرمه دن منفصل سبانی زاده محمد  
 سعید افندی حکومت مذکور به منقول اولدی سابقا  
 یکشهر قنار قاضی اولوب اصغر اولاد قوی پناهی اولان محمد  
 عارف افندی به ذی القعدة غره سندن مکه پایه سنی ایله برو سه قضا سنی  
 و ربیع الاخرک اوتجی کونشدن حکیم باشی عارف افندی به  
 و ججادی الاخره غره سندن امام اول حضرت شهر یاری به مکه مکرمه  
 پایه لری احسان و هریری مسبق افران و ایقباد نایره غلظه اخوان  
 ایلدیار ذی القعدة غره سندن از میر قضاسی بشیقچی زاده السید  
 سلیم افندی به و یکشهر قنار قضاسی حسین افرازه عبد الرحمن افندی به  
 و غلظه قضاسی یوسف افندی زاده محمد سعید افندی به توجیه اولدی



عزل و نصب شیخ الاسلام) مفتی الوقت اولان دری زاده مصطفی  
افندی علت پیری ایله مسند فتوایان منزل و سابقا صدر روم  
اولان عوض محمد پاشا زاده ابراهیم بك افندی اوجاه منیفه منتقل  
اولوب برقا چگون مرورنده بخندومی اولان مصطفی بکی روسه  
پایه سیله ادخال دایره موالی و سلاطین قضا سی توجیهله مظهر  
صنوف مکارم و معالی ایلدی روم ایلی قاضی عسکری محمد مراد  
افندی تکمیل مدت و صدارت مذکورده ایله صالح افندی زاده  
محمد امین افندی ثانیاً احراز دستمایه مکتب ایلدی شوالک اون  
بشنیدن اعتبار اولتی اوزره سابقا مصر قاضی عرب زاده محمد  
صادق افندی به و غلطه دین معزول اولوب ادرنه پایه سی اولان  
اردو قاضی مفتی زاده احمد افندی به مکرمه مکرمه پایه لری احسان  
اولوب ادرنه پایه سیله سابقا اسکدار قاضی اولان ولی الدین  
افندی زاده محمد امین افندی به ربیع الاول غره شنیدن شام قضا سی  
وغره ربیع الاخر دن قوش اطه لی مصطفی افندی به حاجب و طرزونی  
محمد افندی به قدس شریف و چند روز مقدم ادرنه پایه سی  
احراز ایدن بخندوم فتوی پناهی مصطفی بك افندی به مکرمه مکرمه  
پایه سی توجیه اولندی (وقایع سنه ثمان و ثمانین و مایه و الف) اشو  
منال میان قال مفتی اولان محرم الحرامک اوچینی کونی صنوف  
عسکرینک ایکی قسطنطینو اجبارینی شیرانیو خار جنده منصوب خیمه ده  
بالنفس سردار اکرم حضرت تری توزیع و اعطای و سفر بر  
اولتری قید مضایقه دن وارسته ورها ایدوب انام مواجب عرض  
سیده شهریار و الامتیا قب قیلد قده سلحدار بلند اعتبار اولان  
عبدالله اغا و سا طنبیه تشریفات عالمیه به محبوب خط هما یون شرفقرون  
موجب ریز و ورود و سردار اکرم حضرت تری یونوازش و التفات ایله  
نایل سرور و نامحدود اولدی (اعطای وزارت باغای سلحداران  
اردوی هما یونده بالفعل سلحدار افاسی اولان دلی اغا فی الاصل  
توانکز و متمول و مصارف سفریه به تحمل اولد یقنه بنه بوخلالده  
قارص جانبیه طبیعت دهر بر سر عسکر تعینی دخی ایجاب اتمکله  
شهر مذکور لیاون برنی کونی ار ضرور ایالتی و قارص جانی سر عسکر لکی  
توجیهله داخل دفتر و زرای عظام اولوب اوچ بش کون طرفته حرکت  
وقیام و جانب مذکوره عطف زمام ایلدی (وقوع اختلال در مکتب روس

روسیه ایامپراطور نیچه سی قزیه عنی اصل نیچه هر سکر ندن بیرینک  
قزی اولوب مسکو ایامپراطور نه اینساری اوزره واروب هوای  
ضبط ملک دروننده جولان و اورا وفاری بوسره اشنا ایدرک  
ربط پیوند و پیما و ملک روس طرفه توجه ایلد ککده مرقوملری  
تصرف و اداره ده انبار و بلکه هر برنی رتب ستامیه ایله ممتاز  
ایله جکئی افاده ایله همراه ایشیدی مرقوملر بر قاج برادر اولوب  
اواحق و هواداری دخی متکثر بولند یغندن فعلی مذکور  
بغته اجرا و ایامپراطورک ملک وجودنی افشا ایلدیلر اوغلی  
سی بولنوب اداره امور شننده مادرید اختری اولان قزیه  
ناظر مطلق و برقا چگوندن صکره ایامپراطور لغه نفسی البق  
کوروب روسیه متفلسفینی رتبه و احسان ایله ممنون و علی  
الخصوص اورا وفارک قدر و اعتبار لری افزون ایشیدی وارث  
ملک اولان ایامپراطور مقتولک اوغلی تریه به طسرفدار لری نک  
بعضی بنی تعبیه و چند بلوغه رسیدن اولد قده مستعان هوا  
و هوسه علت افتتان اولان دختران سیمیر و کبیرکان صنم  
پیکری اوزرینه تسلط ایله مشق عشق و تعلیم فسق ایندره رک  
هواسنی او طرفه منصرف و ککندوسی قید حیات ایله بالاستقلال  
ایامپراطور لغه متصرف اولوب نیچه و پروسیا ایله بر قاج دفعه مثالب  
طرح قرعه کارزار و یخست ساز کار ایله غلبه سی نمودار  
اولد یغندن روسیه او هر طالده اراده سنه انقیاد و حب و شفقت  
ایله اطاعتده اتحاد ککوستردیلر فراق طایفه شدن سوغانشف  
نام بر شخص مسفور نک ظلمدن و سفر تقریبی ایله کثرت تکالیف شدن  
رعایای حایت و دفع مظالم و مضرت ایله وارث ملکی مقامه  
اقت ایندرمک دعوا سیله خروج ایدوب دورینورق نام محلی  
ضبط وقتی چوق اسلمه والات حربی استلاک و معیار ضلربنی  
اهلاک ایدوب زندانده اولان محبوسلری اطلاق و اطرافه نشر  
اوراق ایدرک خبلی یغناقی پیدا ایلدی مقتول ایامپراطورک  
جانبدار لری بو ککیتدن ممنون اولدیلر ایسه دخی اورا وفارک  
قوه شکمه لری اعلان غصانه مانع اولوب روسیه بمالکنه عظیم  
اختلال القاسندن صکره ایامپراطور نیچه ککماشته لری بدنده  
مسفور سوغانشف و توابعنک اکثری مقتول و مسفور نک قوه



استند راجبه سبيله ديار زوسده منلى نادر زور يا دغدغه سى حيز  
 زواله موصول اولد يقي اخبارى اردوى همايونده كسب اشهار ايلدى  
 مسقوزه لك بو حاد نه ناكه ظهور تقريبي ايله زوالى منتظر ارباب  
 عقول ايكن ع ان الكلام طويله الاعمار مقهور منجه دفع غايه  
 وزمان متطاوله اختلاستيله دول حفته توليد امور هائيله ايدوب  
 هالكه اولد قدن صكره روسيه لونك بختي بر كشته وزجاج پاره  
 سور تاز شكسته اولدى ( دخول سردار اكرم بشتاي شمي ) مقاق  
 صخراننده خيمه نشين اولسار نظم از عمل عالم پر انقلاب نقره  
 خالص شده صباب آب قطره كه از ابر چكان بر هوا موزه بلالون شده  
 ذره هوا مالبه ككر قنار رعدت برد واز زبده برودت موسم  
 سرد اولوب تاثير كافيور برف قوت ناسيه دن استعاط فعل توليد و عروق  
 و شرايين ده مانند اب جريان ايدن روح حيواني معطل برد شديد  
 اولوب نوع انسان جنس حيوان نظم دتره بوب برك خزان كيني  
 سراسر عالم تب خاصه سن عالم اولمش سارى و فقيمه  
 صخر الوده قرار دن عاجز و صكرت امطار ايسه بر چادر دن بر چادره  
 وارمق طر يقي مانع و حاجز و فيما بعد بوحال ايله اقامت اتلاف نفوسه  
 سبب اوله جنى معلوم صدر و الانسب اولفله مشتا خصوصي چون عقد  
 جمعيت مشورت قلمشيدى هر كس بر طرفي ترجيح و بعض  
 عقلا سرحد اردن دور اولمق عدم تجويز ايله يا نبولى قصبه سنى  
 نصريح ايلد يلر بو تدبير قرار كير وركاب همايون دن استينان  
 واستر خاص اولنوب خير كلنجيه دك شمنده افاقي ارباب فرق و تميز  
 بالاتفاق تجويز ايلر بله سلج شعبان شريفده مشتايه دخول و هر كس  
 سان ككذشته ده معين اولان خانه سسته زول ايلدى شمي  
 قصبه سبك اطرافنده واقع قرا و قصبات اهاليسنك اكثري بلبه  
 ماسلف ايله برو طر فله هجرت ايدوب ذخاير و علف و ساير موث  
 و خوردني بوسيله ضايع و تلف اولديفن دن هر وجهه ضرورت  
 چكلمك تصوري تخدش اذهان ايتشكن فضل باري ايله شمي به  
 دخول دن صكره بالجملة اهتالي بر لوبونه ككوب فوهوم اولان  
 مضايقه اند فاعيله عموم تاس نابل انبساط بيقياس اولوب شمي قصبه سنى  
 خضب و رخنا و وسعت ارزاق و غذا ايله مصر صغير اطرافنده  
 سزا و بواسايب ايله محل مذكور مشتايه تخصيص وركاب طرفه

عرض و تلخيص او انسدی سلسره سر عسكری وزیر عثمان پاشا  
 سلسره به ايكي ساعت بعدى اولان برقریه ده و طاغستانی علی پاشا  
 قوزليجه ده قشلباق اوزره تعيين مكان و سلايك متصرفي و زير  
 ابراهيم پاشا ك حالى پریشان اولمق جهته منصبي اولان سلايكه  
 عزمت اوزره ماذون اولمشيكن خلال را هده قنديه ايا لى ايله بمنون  
 قبلنوب عزت احمد پاشا دخي نيكيولده ارام و يكشهرلى وزير اسماعيل  
 پاشا ايشه بختي به توجه ايله تحصيل مرام ايلدى ( حفر خندق در شمي )  
 هر حالده شرط حزم و احتياطه رعايت ايله فكر و اندیشه عواقب  
 ع فان سلت فاني الحزم من باس اجتهادنده اولان كار ازمه و دكان  
 جهنان عندنده راى صايب و بامر معتبر و مناسب اولد يفته بناء  
 شمي قصبه سته خندق حفري و شران و بناسى مقدا تصويب اولنوب  
 اطرافدن عمه جلب و انعامه قريپ اولمشيدى مشتايه دخول دن صكره  
 بقيه ايسا او جفله قطعه قطعه تقسيم و دستياري ارباب هست ايله  
 بدايت و غايي يدي ما هده تبم اولنوب شويله كه عرضي التي و عمق بش  
 ذراع جمع اولونيك ذراع دن قضاور بخندق حفر اولنوب اطراف  
 شرانور ايله احاطه و داخل و خارج معلوم اولمق همچون جهات مست  
 اعتبار ايله التي عدد قوت تطبيق و اناطه اولنديفن دن بشقه مسته فظان  
 تعيين و بر قاج طايه بنا و طوپلر تعبيه سبله كر كي كي تحصيل و غونه  
 نماي قلعه ك و هر نكن قبلندي ( سر عسكردن وزير غازي حسن  
 پاشا بجانب روسحق ) بوغاز حصار سر عسكري قيودان دريا و زير  
 حسن پاشا ك مشواري معلوم و سعادت طالعى مجرب و مفهوم  
 اولديفته بناء سفر همايونده استخداي حوالى كرد ضمير شهر ياري اولديفته  
 بناء عمر پاشا دن منحل اولان انا طولى ايا لى طرفه توجه و احسان  
 و بتمش بش يك فروش امدا ذيله تكميل نقصان ايلديه رك مكمل قيو  
 خلق ايله اردوى همايون طرفه عطف عنان ايتشيدى رمضان  
 او اسطنده مشيناي شمي به داخل و سردار اكرم حضرت نلرينك شرف  
 ملاقات ايله فجر و ميا هياه نابل اولوب رومحق حواليسنده واقع  
 مرتين معبر دن بعضا اعدا برو طر قلده رومبا اولمق حيشي ايله  
 رومحق سر عسكري نصب اولمقى اقتضا ايتكملة رمضانك اون النجى  
 كوني جانب مزبور سر عسكركيله ممتاز و طرفي صدارت بنا هيدن  
 برزاس اسب مزين ايله سرافراز قبلنوب برايكي ككون طرفنده اموري



رویش ایله اطلاق زمام عزیمت ایلدی (وقوع محاربه در روسیجق و سلسله  
روز قاسم حواله نظر دشمن دین سرحد لک عسکر دن خلونی ظن  
و کمان و سلسله و روسیجق اوزرینه ابکی طابور توتینی ایله قصد  
زیان ایشیدی سلسله طرفه کچه مبه جکلی جزم ایله طونا  
کنارینک قارشو طرفه متعدد طایه لربنا و طوپلر وضعیه شهر  
خلفی تعبیر واضنا ایدوب اوتوز ابکی کون بومضیت باقی و بلفت  
الارواح الی التزاقی حیرنه حال اهالی رانی اولمشیکن محافظ بولنان  
وزیر السید حسن پاشا عون جناب خلای خرب الامان عضد  
وسافی ایدوب لیل و نهار مقابله ده عجز اوراولیه رقی مقابله بالمدافع  
ایله دشمن بد پیمانی حصول آمدن مانع و خایب و خاسر سلسله  
قارشو سندن زایل و مرتفع ایلدی انجق برکوکلی طرفندن مرتبه کچن  
کفار برمدت برو طرفه مقیم و سر عسکر بولنان وزیر اسماعیل  
پاشا اوئانده ابتلائی رنج الیم ایله دفع دشمن لیم ایده میوب سلسله  
محافظی بولنان چلی زاده وزیر حسن پاشا ایسه انجق محافظه  
مامور اولدیغنی بیان و تجاوز وظیفه سندن خارج اولدیغنی افاده ایله  
سر عسکر لکه نکران اولمشیدی دشمن دخی بوجاله نظر و اطراف  
و کفافه اوچریش روز قطنه ارسالیله فقرا و ضعفا بیبتلای ضرر  
ایدوب طوترقان محافظه سده مامور اناطولی ایا لک بر فرقه سده  
دشمن تصادف و حین محاربه ده اخذ ابتکاری دیل و روشی طوترقان  
باشوغی اوزون عبد الله پاشایه ایصال ایله واقف حال ایلد کلرنده  
پاشای مومی ایلد اطرافدن جمع ابتدیکی عساکر دن بشقه قورد پاشا  
پساده سندن بشیوز نفر آوب او پر نام قریه ده اولان کفار اوزرینه  
عزیمت و رمضانک اون سکرتهجی کونی محاربه به مباشرت ایلدیلر  
اناطولی ایا لک دشمن دینک قطنه سنی تارومار و اکثری قطنه  
سبقتن امر ایدوب بقیه سنی آنارینی بر اقوب ظابوره القای نفس  
بدکار ایلوب عسکر اسلام بریره مجتمع و طابور اعدایی دایر امداد  
استعاب و دانه قورشون ایله بنای زندکابلین خراب و بر قاج  
دفعه صورت استیمانده عجز لربن اشراپ ایلد کلری حالد هجوم شب  
تاریک ایهام خال دور و نزدیک ایدوب او فرقه محصور الجوانب  
مصدر اللیل جنه المنارب اوله رقی مرتبده واقع طابور لربنه دخول  
ایله رهباب مصائب اولدیلر بومعکه هولانگیر که نمونه غمائی روز

روستخیز ایدی فی الحقیقه دشمنه خیلی اضطراب و بروب وافر کافر  
افتاده هاویه جهنم و اکثری زخم جانسوز ایله اواره کیرتاله و الم  
اولوب زمزه موحیدین دخی طوترقان اردوسی اغاسی وار تبود  
دلاور لیدن و ایا لک و عسکر دن بر مقدار ادم نعم شهادت ایله  
مقیم و بعضیلرینک شکن جرح ایله جامه کاکون طراز وجود لری  
نشانه دار و معلم اولدی عنوال بحر اوزره کفارک افجیلری هر  
طرفدن دور باش هیبت اسلامیه ایله رهیماهی عزیمت و مرتین  
ساحلنده ممکن اولان طابور لری درونته دخول ایله ازاده شمشیر  
اصحاب نجات اولد قلمی روسیجق سکا نندن اولوب وقوع بولان  
محاربانک اکثری سنده مامور و چادرچی اوغلی شهرتیه قلوب اعداده  
مهابت و سطوی مقرر اولان محمد اغا روسیجق دن رأینه مطاوع  
عسکر دن بر وافر ادم افراز و مرتین جانبده اولان اعدا ایله بر قاج  
دفعه معرکه پرداز اولد رقی خدن زیاده اشراپ کفاری خاک مذله  
افتاده و سوی سعیره فرستاده ایشلر ایله بالاضطرار دشمن مکار  
بر ایلد مظلومه قارشویه فرار ایلد یکی خبری سامعه کذار صدر  
غیر تشعار اولدی (حوادث متفرقه) صدر اسبق الحاج خلیلی  
پاشا برمدن برو قلبه ده مقیم و منتظر روز لطف خداوند علیم  
اولمشیدی بوخلالده ایقایی وزارتیه مساعد سینه ارزانی  
و اوایل شوالیه اغریوز سنجائی طرفه توجیه ایلد مظهر عوارف  
جهان بینی اولدی فرقه صوده اسیر اولان عمر پاشا و حاجی اسیر  
انکال بر رفته غریضه لری مارشال طرفندن اردوی همایونه وارد  
اولوب سردار اکرم و سایر کبار و نعمان دوات طر فلرندن مشار  
و موحی البهده هدایا ترتیب و مکاتب تسلیمت امیر ایلد اجرای لازمه  
تطیب اولندی استانه سعادتیه مقیم پروسیا ایلمچسی قلیرونک  
فقط هدیه صلحه متعهد اولدیغنی شامل سده سعادتیه عرض تقریر  
ایدوب رکاب مستطایده اولنارک بعضیسی بو صورتی لطف صریح  
و بعضیسی زشت و قبیح فرض ابتدیکندن شهریار دیندار امرین میشنده  
مژد و بو کیفیتی تلخیص ایچون سردار اکرم طرفه خط همایونلری  
وارد اولمشیدی مشار الیه قبل تلخیص روشیه قلدر مرشالیه  
استراج ستمه ذهاب و ارسال ابتدک مکاتیده هر بار دعوائی  
اخلاص ایلد صلحه میل و رکون اظهار ابتدک محقق ایسه پروسیا



ایلیچینسک بود دفعه مشهد اولدی بی صورتله عقد صلحه شروع ایدله  
دیور قطعه مکتوب بازوب بوجوابلری اشراف ایلدکده روسیه  
مرشالی بوقضیه دن قطعه اخباری اولدی بی افاده و کیدن ادبی اعاده  
ایلدکده مکتوب تحریرندن نادم و طرف هما یونه نوجه یله تقریر  
بازه جفته متخبرو هایم اولوب اوخلالده طبع هما یونده کلی انحراف  
خبر لری منشرا طراف اولدیغندن ترصد انجیام ایله ماده بی نهاده  
جیب اکتام ایلدی (قوت سر عسکر قره دکن) فرط شجاعتله نامدار  
و بوسال عبرت استمالده و ارنه بی ایادی دشمندن استخلاص ایله  
کسب افتخار و نامنی مقید جریده ابرار ایدن وزیر کله بی عثمان  
پاشا و ارنه غایله سنی بر طرف ایتد کدن صکره دوتانی ترسانه  
هامر به ارسال و کندوسی بالذات و ارنه بی محافظه ایتک بایده  
طرفه اصدار مشال اولمشیدی برقا چکوئدن صکره در دسر  
دنیادن کشف یید و عزم دار بقا ایله احراز حیات سرمد ایلدی  
مشارالیه کور بی الاصل و رستقی الذیل او اوپ سکبان باشی  
دالقایج محمد اغا نلک سلاک ملکنه انتظام و کیدرک یاز بیچی زاده  
ابراهیم پاشایه تدویج ایله کتخدنا و بعضی خله و انده بولنده رقی  
قبو بی باشلیق ایله تخصیصیل صبت و نام ایلدی بعد زمان استانه  
معاده و رود و بعضی خدمات هایلده استخدام اولنده رقی  
سکله جیلک ایله اثبات وجود ایشیدی سکبان ایکی تار یخنده  
سکند ار اغا غایله ممتاز و او ار القده بر خدمت ایله مضمره تعیین  
اولوب و البسی گروه موتایه همراز اولدیغندن تولیت مصر ایله  
رتبه و زاری اجزاز ایشیدی خبر و زاری طرفه ورود ایتندن  
مقدم مصر دن خروج و استانکویده واقف حال و پرستنه قدر  
غالی بک تحادنه سبله امرار ایا م و لیسال و سکبان در تده سیوا سینه  
وال و در عقب تر حاله سنجای غایله قدری عیالی اولوب بعد موره  
و اغریوز سنجای قلمی تصرف و و ارنه ده وجه مشروخ او زده  
بر دجا پکسوار حیاتی توقف ایلدی مشارالیه عاقل و مدبر و هو شمند  
و منبصر ایقاع تهدیده قادر بروز برها در ایدی (وقوع نوجه یسات  
شهر ذی القعدة نلک بدیچی کونی نوجه یسات وقوع بولوب خدمه بایب  
عالی ایقا و بولک تذکره بی ابراهیم افندی بولک روز نامه منصبی  
ایله بکام و فرق الی کون طرفنده کسندوب کلک اولزه اذن الوب

منصی کوچک تذکره بی اولان هبیدی افندی بکنی الحاج مصطفی  
افندی به و کوچک تذکره جیلک سلیمان قیضی افندی به سزا  
کور یلوب تشریفاتی اولان انوری افندی عزل و جبه جبار کابینه ظما  
تنزیل و صدر اعظم دیوان کاتبی محمد افندی خدمت مذکوره به  
توصیل اولندی بوندن اقدام نعمان بک مکتوبچیلکدن معزول  
و برینه بکر پاشا زاده عطی الله بک افندی وصول ایله نایل اعز  
مأمول اولوب کرجه میر مر قومنک سلمدار کاتبی ایله خاطر  
مکسوری مجبور قیلمشیدی انجی نظری خدمت باب عالیده  
اولدیغنی سردار اکرم انتقال و فی الاصل محفوف نظری  
اصفاه لری اولدیغندن بود دفعه کتخدنا کتاتی ایله مر قومی منشرخ  
الیال ایلدیلر مناصب ساره دخی اربابنه توجیه و ایقا اولندی  
احسان وزارت بعضی ذوات سلمدار حضرت شهر یاری اولان  
پوشناق عبدالله اغا اماره قابلیت و استعداد وزارت احساس اولوب  
محرم الحرامک بکر منجی کونی انا طولینک صاغ قول عسکری  
اردوی هما یونه سوق و اخراج ماموری ایله غومی البه رتبه وزارت  
احسان و قنبله بختی شعله الطاف شاهانه ایله متوقف و فوزوزان  
قیلندی رکاب دفتر داری اولان عثمان افندی دخی ضمنا  
استقال و ممنا انا طولینک منول قول عسکری سوق و اردوی  
هما یونه ارسال اراده سبله جاه منع وزارت اغلا ایتدینه دخی  
فی الاصل مبتلای علت وجود و هجوم شیب ایله درجه سینه صعود  
و بوملا بیه ایله اعباء وزارتی تحمله یارا و استطاعتی مفقود اولدیغنی  
پشان و مشبث دامن عفو و غفران اولمشیدی نیازی داخل  
سمع قبول اولوب خواه و ناخواه صوب مامورنه عزیمت ایله سوق  
چند و منبیه ایلدی منحل اولان رکاب دفتر دارلنی چاوشباشی  
اولان عاطف زاده عمر و خید افندی به و چاوشباشلیق و کالی  
الحاج محمد رجایی افندی به توجیه و نگاه عاطف ایله ترمیض و ریاست  
کتاب و کالی بعد النیا و الی التي سنه دن بزو اوشغل خطر  
ایله صدافتی فلاک مسیر اولان رایف اسماعیلک افندی به کما کان  
احاله و تفویض اولندی (بعضی وقوعات) ایام بهار قد و مبله  
اردوی هما یونک صحرا به حرکتی بین اللزوم اولدیغندن فضله  
هسا کر مرتبه نلک زبان اقدام و رودنه مدار اولق ملاحظه سبله شهر



صفرک یکریمی ایکنجی کوفی توغ اصفی اخراج واپین زردبانه رکز ایله  
 قضایای استیصال عسکر مقداری اتاج اولندی محضاً روحانیت حضرت  
 نبی مختار دن استعانه و استنصار نیت خالصه سببه مولد حضرت نبوی  
 قرائتی تصحیح و بر قاج شسته دن پرواردوی همایونده مقیم اولوب  
 سند عالی ایله فن حدیثه منسوب و حفظ بخاری شریف ایله  
 صنوف فیض و برکتی مکاسب اولان مدنی محمد افندی تقدیم  
 اولنوب حنون مرینه و صوت شجیه ایله اوسالار گروه انبیا علیه  
 من الصلوة از کماها حضرت نرینک عالم وجوده قدمهاد سعادت  
 اولدقلری کتیبانی حاضر اولان وزرا و وکلای دولته تشریف و تکمله  
 موفق اولدینی بخاری شریف ختم دخی ایدوب اده فله سامعینی  
 ملک از فر روحانیتله تعطیر ایلدی ( و توغ مشورت و ماموریت  
 ای پاشا و رئیس الکتاب افندی بجانب خرسوه ) اعدای دین طونانک  
 بروطر فلرنده واقع اکثر محلی ضبط و فرصت بولدقه تهب واضرار دن  
 خالی اولوب عسکر دولت دخی فوج فوج وروده مباشرت  
 ایلد کلمدن نه گونه حرکت لازم کلدیکی منعقد اولان بحاس  
 مشورته زبانیگذار صدر غیر نشمار اولد قده مجلسده بولسانلرک  
 بعضیسی دشمن بروطر قلرده مستقر ایکن فکر اخر غبت اولوب همان  
 اوزر زینه هر طرفدن هجوم ایله طونانک بروطر فی استیصال و غایله  
 مذکورده بر طرف اولد قدن صکره فار شو طرفه کچمک لازم  
 اولد یغنی آنها ایلدیلر بعضیسی دخی برو جانیده اعدانک تمکن ایلدیکی  
 خرسوه سایر محللرک اقوامی اولوب محل مذکورک تخیرنه  
 ریاضت توغ نصیبتی تدبیر ایلدیلر یورای قایتی مطالعه سردار  
 اکرمی به موافق کلدیسه دخی عسکر موجود او طرفه تعیین اولدینی  
 حالدیه اردوی همایون خالی قاله جفتدن بشقه عسکره باشوغ اوله حق  
 کسمه دخی ظاهرده نابود اولقله بر زمان سکوتدن صکره باشوغ  
 کیم اولسون دیو صدر اعظم استفسار ایلد کده کسه جوابه تصدی  
 ایلدیکنی احساس ایله کتخدایکده ابرام و مدر شسته کلام ایلد کده  
 موغی ایله جهاندیده و عاقبت بین واحوال عسکره واقف بر ضرر فطین  
 اولد یغندن جوابه عدم تصدی ایله مهر زن اب سکوت اولد قده تکرار  
 سوال و موغی الیهک عسکره اعتمادی اولد یغندن بی سولتمه اوتوز یکن  
 عسکر ایله رکوکیده مشهور کز اولان حال معلومدر دبه رک زله حل عقد

ایشکال ایلدی هر طرفدن ایراد قال و قبل و سلسله مباحثه تطویل  
 و اخر کار اغا پاشانک ماموریتی تصویب و تجمیل اولند قده  
 اغا پاشا جوابه آغاز و شنیدن اعدانک تمکن اولدقلری محملاره  
 وارنجه اطراف عمار و آباد اتیدن خالی و علی الخصوص ایلر ورده  
 قلت مادی معلوم اسافل و اعالیدر دشمنه حاجی اوغلی بازارنده  
 التقا حاصل اولور سینه اعلی جنکه افراغ جهد و طاق اولنور  
 مقاومتن امتناع صورتی اراءت ایله عسکری ایچرویه چکمک  
 و بوللرده اتعاب ایله بی علف و آب اضطراب چیکدر مک قصدنده  
 اولور سه عسکر بیانه فساد عارض اولوب مجرب اولان پیریشانلق  
 ظهور ایلد چکی مقرر درید کده صدر اعظم دفتر دار افندی به  
 خطاب و اغا پاشا اردوسنه ذخیره ایضاتی تعهد ایلدیمسن دید کده  
 سایه پادشا هیله وجه سهوائی بولمقی تمکندر امر کز اولور سه  
 اردوی همایون موجودندن و وارنه اسکله سندن قوز لیجه و بازار جغه  
 تمسکیدن مقدار اوقی ذخیره ترتیب و مهیا قیلسون دید کده  
 اغا پاشا بوقول مجرد ایله حرکت موجب و خامت عاقبت اولوب  
 اردوی همایوندن بعید اولد قده همه قصور ابرائیلله عرض بزی  
 بر درد جانکاهه مبتلا ایمکدر بهر حال عزیمت لازم کلدور سه موجب  
 و سایر لوازم و قتیله تمشیت و جلبه قادر نافذ الکلم وارد و خلقنک  
 قلیسنده مهائی مقرر بر ذات ترفیق اولنور سه متو کلا علی الله  
 یکیدرم دید کده کمی استرسن دینلد کده سکوت و اضممار ضمیر ایله  
 مبهوت اولدی رئیس الکتاب عبدالرزاق افندی بر جام وار او غور دین  
 و دولته فدا اولسون اشته بن برار یکیدرم دید کده ایلی مرافقت  
 ایلد سکن یکیدرم و انشا الله بوللرده عسکر مضایقه چکمیبوب  
 کمال نفوذ و اعتبار کز سبی ایله اقتضای ایدن مجلوبانده مشقت  
 چکیمزدیدی صدر اعظم رئیس افندیکن اردوی همایونده وجودی  
 لازم و آخری استیجابیه مساعدیه مزد کار در دید کده اغا پاشا  
 معاملة سکوت اظهار و افندی موی الیهک انحصار معینی ضمنا اضممار  
 ایتمکله افندی موی الیه سوزندن نکول ایتوب عزیمتده اصرار  
 و بوجوهله قول و قرار اولنوب بحاجه ختام و مشورته انجیم  
 ویرلیدی بر ایکی کون صکره اغا پاشا پیاده عسکر فی و رئیس افندی  
 سواری عسکر فی اعمال و هر حالده بر بر یله احتضاد ایلرک دشمن دیندن



اخذ تار مصلحتی ایکسینه دخی طرف صدر اعظم بدن تفصیل  
 واجمال اولندی ( نهضت سردار اکرم بجزای شنی و ورود  
 میراخور اول ) نوع اخر اجندن اوتوز کون صکره سردار اکرم  
 حضر تری لوای قبض التوای حضرت فخر الانبیای پیشوای موکب  
 همایون ایله رله شنی صحرا سنده برایکی کون مقدم نصب  
 اولنان خیامه نزول واحوال جنگ ایله مشغول اولدی وقت محاربه  
 مقاربه اوزره اولوب جنگجویان اسلامی نصر بعض ضعیف طرف  
 همایون منقصل و مشروح بر قطعه خط همایون و بر ثوب سکون  
 و بر قبضه جوهر خنجر میراخور اول الحاح مصطفی اغایله ورود  
 ایله چکی استخبار و مرتب الای ایله استخبار اولوب اشریفات  
 سینه ایله صدر کامکار جایزه سینه استخبار اولدی ( هجوم کفار  
 بر بازار جق ) بر بد تدبیر و دشمنك احوالنه اطلاع ممکن اولدیقتدن  
 لیوم نیمه لوده اولد قسری استخبار اولتی سیاق منده بازار جق  
 سر عسکری طاعستانی علی پاشایه حکم شریفه اصدار اولمشیدی  
 مشار الیه دخی کتخداسی قره صویه و بابا طاعنه دک ارسال  
 و او طرفه اعدا دن بر کسه اولوب فقط خرسوده برایکوز قدر  
 کافر موجود اولدیغی خبری ایله بازار جقه عودت ایلسدیکنی  
 مشار الیه مرض حضور صدر بدیع الفعالم ایتمشیدی انجی  
 کتخداسی تجسسده عدم اهتمام و بازار جقه بش اون ساعت  
 محله دک دشمن اتحاد مقام ایلدیکی دی اور مان خلقندن ذیل طلبیه  
 کیدوب ککلا نلردن استفهام اولمشیکن بو خلا لده دشمنك  
 سکر ساعت محله قره غوللری نمایان و بعضا میانه لرنده اعمال تیغ  
 و ستان اولدیغی مشار الیه صدر اعظمه تحریر و بیان ایلد کده  
 انها سنده تلون و مقابرت فهم اولند یفتدن مغلطه سنه خل ایله وقتکه  
 اجرای لازمه تدبیر و ارسال عسکر ایله سلب تقصیر قیلوب جل همت  
 خرسوه استخلا صنه مصروف و ورود ایدن عسکر جانب مذکور  
 ایچون موقوف اولوب دشمن دین بو مشغله خلا لنده بازار جقه  
 مهاجم و بر طرفدن دخی مقاومت عازم اوله رقی فتح درجه خصام  
 وایکی طرفدن انش حرب قرین اضطرام اولوب عسکر اسلامك  
 اکثری سوار و جمیلری طوب و پیاده دن عاری اولتی حسیله  
 دشمنك انشنتاب آور اولوب پریشان و حین معرکه ده سر بازار

موجدیندن و افزای احراز رتبه شهادت و بیک باشی بطسال بک  
 و قوی می باشی طویر خان اغا جق یحنا اسیر اولوب اعدا دن دخی و اخر  
 کفره مستأصل سیف جلالت و بو حال ایله بقیه عساکر اسلام  
 قوز لیجه کله کله بری سر عسکر پاشا جق پرواشارت ایدوب  
 در عقب خرسوه اوزرینه ترتیب اولسان عسکر تکمیل لازمه لینه  
 اقدام و بازار جق اوزرینه عنیمتری الترام اولندی ( حرکت  
 لقا پاشا و رئیس افندی و وقوع بریشانی ) چونکه مقدم اهم قاعده سنه  
 رعایت کار قدیم از کان عقل و درایت اولوب بازار جقه غلوا یدن  
 دشمن اوزرینه توجه لازم کشیدی موجود اولان پناذیه  
 مثال مشروح اوزره اغا پاشا و سوار ی به رئیس افندی با شوع  
 نصب و نو میرا فین اوزون عبدالله پاشا و سلیمان پاشا معینترینه  
 مامور قیلوب کافه لازمه لری تنظیم و طوب و سایر آلات مدافعه  
 ایله اردو لری تشید و تحکیم قیلوب الای ایله صوب مذکور  
 عزیمت ایلدیلر قبل الحار که طویر خجیر خرتو جلاله مشغول ایکن  
 بقضا الله باز و نه یانش اصابت و بر قاج قسری مبتلای سوزش  
 و حرکت ایدوب ناس بوماده دن تطشیر و تقال و اغا پاشا اردو سنه  
 خرقه رسیده اوله تحفی قبول ایدر اولدیلر بکیز و دن عسکر همایونه  
 ککلا عسکر یدر و زار ندان الحاق و واردوی همایون دخی  
 و افرادم معنا بولمغه خور عسکر اوله رقی قوز لیجه به و ارنجیده دک  
 ذکر اولسان اردو به ادم در یاسی اطلاق اولمغه باشلندی و اولکی  
 بکون بکی بازار و او جق ککون قوز لیجه جایگاه عسکر جزار اولوب  
 بعد الاستبار و چرکس حسن پاشا ایله کم المار نام بلو کاشی بی نجسس  
 احوال اعدا ایچون بازار جقه ارسال ایلدیلر و وحی الیهما بازار جقه  
 اوج دعوت مسافه اولان اوشلی دره سنه وار دقلرند و ککبارک  
 قره غوللرینه مصادفه و اغار محاربه و موافقه انکار یله ذکر اولسان  
 بلو کاشی شهید و دشمن دخی بایدید اولوب انلردخی عودت و تفصیل  
 ماجرا و ککبقت ایلدیلر فردای اولشویه واروب وجود و عدم  
 اعدابی تصحیح ایچون بهکده قبوداتی معینده اولان بیک نصر بوسنده  
 دلاور یله محل مذکور و واروب اعدا ایکی طرفه واقع شاخسار  
 خلا لده استقامت و بونلردخی کلوب اعدا دن نام و نشان بولمده قاری  
 اخپاز ایلدیلر از دشمنك بازار جق سمند و انشنتاب بعض قیوان

\*

\*

\*



حالیله معلوم و هسكرك وراسى النوب قوزليجه دن حرصكت  
ايدنجيه دك منز حفرى طاهر الزوم اولد يفته پناه روسای  
عسك هر طرفى كشف و معاینه و اقتضای زمین ایله مژسه شایان  
محل بولوب جهت اخرى ایله تدارك ككوركلى مقباس عقل ایله  
موازنه ایلدیلر بالاخره اوزون عیدالله پاشاكت معینه وافر  
سواری و پیاده ویریلوب اوشلی بی ضبط تدبیری قرار و اولدنی  
اهسته رفتار ایله اوشلی به متقارب اولد فده ككفار برقاچ  
طابور ارائی ایله چمكه ایدار ایلوب محل جنگك ایكى طرفی میشه زار  
و سواری کروهی ككروفره بی اقتدار اولد قلرندن یهوده صكری  
فیردرمقدن اجتناب ایله کپویه عودت و قول ككفداسی پیاده کان  
ایله دشمنی تضییق ایتمشیکن سوار يك غودق یونلرك دخی سبب  
رخاوتی اولوب سواری بی هدف طعن ملایم ایله يك قوزليجه به  
خبر يك پای احترام ایلدیلر عیدالله پاشا دخی دشمنك ككفری اولوب  
معینده اولان عسك معاومه وافی اولما مغله امداد ایچون  
قوزليجه اردوسنه ادم ارسال و یو ككعبیت اغا پاشا و رئیس  
افندی بی منشال ایسال ایلوب رئیس افندی بر ساعت مقدم قوزليجه  
اردوسنه ورود ایدن تخسكرای سلطان و بر مقدار سواری بی  
الوب قوزليجه بایره طوغرو ككبدر ایكن يكچر بلرك براوی  
ظهور ایلوب افندی موئی ایله بولداشلیچون خیر اذن انصراف  
و مواجهه اعدادن انحراف ككوفتره كز دپدكده مجروحلری  
محل سلامته ایصال اید ككز دیدكردن بر مجروحك یاننده اللبشر ادم  
نه لازم ایکبشر ادم کوتورسون قصور كز چنكه رجوع اینسون  
اشته بندتی سزكده بر ابر ككبدرم دیدكده يكچر یلرسن آتلو  
و بر پیاده پوز جزوی ثقلت مشاهیده سبيله قرار ایدر بری میداند  
ترك ایدرسن دیدكردن حاشا سزى ترك ایتسم استر سكرن شمیدی  
پیاده اولور معاصریت ایدرم دیدكده خبیثك بری یوتی  
نه سو بلدر سسز دیوتفنكن افندی موئی ایله حواله و افسراغ  
و یاننده بولسان پیدماغلر دخی هر قومه بیعت ایله خبر و سراغ شری  
بر برینه ابلاغ ایلدیلر افندی موئی الیهی جناب حق حفظ  
ایتدیه دخی سلطانك برقاچ آدمی مقتول و مجروح اولوب نه حال اینسه  
ایلرویه شتاب و اغا پاشا ندن سكره باقی پیاده لری آلوب جنگك برینه

کلور کلار دشمن زورلیوب هر برینی بر طرفه تار و مار ایلدی  
فقر قوزليجه اردوسنده دشمنك ظهوری و اليوم محاربه به مباشرت  
اولد یفتی رئیس افندی طرفندن صدر اعظمه تحریر ایدر ایكن  
قوزليجه بولغاندن عسك سبل منحدر ككی اقوب چادرل طرفه  
عدم التماس ایله اردوی هما یونه طوغرو فرار ایدر ایدی چوق  
ككچندن اعدا دخی چادرله مشرف تل رفیعك اوزرینه طوپلر تعبیه  
ایدوب بلا انقطاع آتش افشان واردوده بولنانلر دخی بو حال کوروب  
پزیشسان اولدیلر سلاستره چنكده مسه ولونك بوریش طوپلرندن  
بری اخذ اولوب معاصر استصحاب اولمشیدی ذكر اولنان  
طوپ و سابرلرك اككری تخلص اولمشیکن بر ساعت انفصالنده  
پیاده لر طوپلری حامل اولان باركیرلرك قایشلرین قطع ایله طوپی  
براقوب باركیرلر سوار اولد قلرینی فقیر دن بشقه يك ادم  
رای العین مشاهیده ایتشیدی بفض ساده دلار ككفار ك  
بر معشر طوپی ایش و اسوجندن برقلعه به بدل آتش آچقندن ویره میوب  
بوصورتله ویردیلر دیور ژسای انهام ایدككری امور غریبه دن  
عید اولمشدر بر ككجه مقدم قره غوله تعین اولنانلری ایلار رئیس  
افندی یوقلیوب بحکمة الله او ككجه قرا غولده سردنكچدی اغاری  
بولوب جسته سنی در خواب بولد یغندن سرزنش و عتابده افراط  
ایتمیکدن بشقه اغا پاشا به دخی جا نكدار بعض کلمات ابرادیه قلوب  
نامی تحویل و سمواتله تنبیه و ایضاظ و نصع و انعاظ ممکن ایكن اظهار  
خدت ایلمی جمله سنی افای وجود نه نشنه ایلدیکی مستغن عن الدلیلدر  
دشمن ایله مقام و متدن مقدم رؤسای عیسا ككز بریره کلوب دشمندن  
پوز دوندرك اوزره خلف بالله ایله بر برینه اعتماد و برمش ایكن  
قرار عن الزحف معنای سیدن جا هل و خت بمین مفهومندین  
غافل اولنلر هتك ناموس شریعت و مال فراوان ایله وجود بولمش  
قتی چوق مهمات و ادوات پادشاهی بی ترك و مفادرت ایله بلا مضایقه  
كروه مشرکیندن هر یملری ارباب دیانته داغ دزون و بلا شبهه حقارت  
سبب ظهور غضب خالق بیچون اوله جفی بر امر غیر مقنوندن (ورود  
كفار بقریه یكى بازار) جنود اسلامیهك بر صنفی محاربه ده مجروح اولان  
عیدالله پاشا ایله بر اوادی اوزرندن بالقانی اشوب قرین آباد طرفه  
عزیمت و قصوری با جمله رؤسا ایله اردوی هما یونه رجعت و یو کیفیت



مدهشده دن صدر اعظمك حاسه سامه سی درجه نعطيله رسیده  
 و بودند صکره نه گونه حرکت ابده چکی فکريله قد خجده اولمشیکن  
 ربيع الاخرک اون بشیچی کونی دشمن دین فوزلیجه دن شمی قصدیله  
 قیام وائلوسی یکی بازاره طوغروکلدیکنی ایلروده بولنان طاغستانی  
 علی پاشا اعلام ایتمشیدی دشمنک شمی به کله چکی محقق اولوب  
 خارج شهرده متوکلا علی الله محاربه به اهتمام اولمقی وظفر ممکن  
 اولدیغی تقدیرده ایکی سنه دن پرو استحقاقیه نغینه اولنان  
 شرانپور وراسنده دشمن ايله ازدل و جان جنک ایتمک تدبیری  
 ارکان دولت مجلس مشورته تبیین وهرکس بورانی تحسین ایلدکاری  
 سالد طاغستانی علی پاشا دخی اردوی همایونه کلوب اعدانک یکی بازار  
 یارنه نصب خیام ایتدکاری افاده و اردوی همایون فربنده مجددا  
 مترسار حفر ایدوب چنکه آماده اولدیلر اردوی همایونده سکر  
 یک قدر سواری موجود و خلوص قلب ايله مقاومت میانه لنده  
 مشروط و معهود اولوب طاغستانی علی پاشا معینی ايله چرخه به  
 تعیین و محاربه ایدرک دشمنی مترسار جلب ایتمک تنبیهاتی مشارالیه  
 توصیه و تلقین اولندی ( وقوع شورش و اختلال و رفتن رئیس  
 الکتاب باستانه سعادت ) شمی اهل البستی اردوی همایون عسکريله  
 بالانحداد دشمن ايله جنک ایدوب نقل خیال و اولاد ایتمک اوزره  
 معاهده و بومعنائی احد هما اخره عیانا افاده ایتمشیلر ایدی  
 شمی قصه سی برمدن برو مشتا اتحاد اولند یغیندن اردو  
 خلقنک به ضمیمی عزوبت و تجرده غیر محمل و شدت شبنی  
 سببیه پابند ناهل اولمشلرایدی سابقا کتخدا کاتبی تزهت افندیکن  
 توابعندن بری زوجه سنی لباس مر دانه ايله الوب فرار ایتمک ثبتي  
 ايله شرانپور قوسندن چیرایکن مقدجه ایاب و ذهاب اوزره  
 اولمشلرک احوال نقیش اولنوب فرد آفرینده به رخصت هجرت  
 ویرلامک خصوصاری دخی مؤکد تنبیه اولند یغینه بانه قومده نك حرکت  
 و رفتن طایفه نسادن اولدیغی استدلالات و جلایه حاله  
 وقوف ایچون شرانپور قوسنک بالاننده اولان خانه به ادخال اولنوب  
 کیدرک شبهه مندفع و فی الحال قنی چوق کسه مجتمع اولوب خلاف  
 عهد ادعا سببه قلیچ اوشوروب ایکسینک دخی جبل حیاتی منقطع  
 اولدی رئیس افندیکن شان و شهرتی برکال اولدیغندن بلکه

نام خوف و هراس اوزره اولور ظمینه اشوزن رئیس افندیکن  
 جاریه سی و بندخی خدمتکاری یم دیو فریاد و شیون ایلدیکنی قاتلار  
 استماع و جمعیتلری یکدن زیاده اوله رقی افندی موی الیهک  
 چادر نه طوغرو هجوم و اهراع ایلدیلر بو حادثه هنوز وقوع  
 بولمشیکن محضر اغا یازمچینی کلوب ماده بی رئیس افندی به  
 سزا اخبار و غیبتی اخطار ایلدکده فی الحال چادرندن نهضت  
 ولواء شریف خیمه سنه دخول ايله متمسک و قایت جناب احدیت  
 اولدیغی آن گروه مزبور افندی موی الیهک چادرلرینه کیروب برقیلندن  
 تفکرینه ایش ویره رک احوال خلقی مشوش ایدوب چادرلرده کسه بی  
 بولند قلندن یغما و تاراجه مبادرت و خبیثک بری افندیکن لوای  
 شریف چادرنده اولدیغی اشارت ايله اوطرفه هجوم کوستر دکلرنده  
 صدر اعظمک یک قدر ارتبوت تفکیکچیلری اوتاق پیشکا هنده حاضر  
 ویدلرینه تفکرینی الوب ورودلرینه ناظر اولدقلرینی رؤیتله مقدمه عدم  
 جسارت و کلدکاری ستمه عودت ایلدیلر رئیس افندی دخی  
 سواری اوچقلرینک اعانتی ايله متکر الهیته استانه سعادت طرفه  
 عزیمت و ذکر اولنان اختلال فضل ذوالجلال ايله قرین زوال  
 اولدی رئیس افندیکن ضیویتی سببی ايله منحل اولان خدمت ریاست  
 ایزاهیم منصب افندی به توجه و احسان و اوزنده اولان ییوک  
 روز نامه منصبی ايله سابقا صدر اعظم کتخدا سنی السید ابراهیم  
 افندیکن نجم تیره یغنی فروزان قیلندی رئیس سابقک دخی شار کوینده  
 اسکرچه اقامتی یاتنده فرمان عالی اصمدار اولندی انجمن  
 امر عالی برینه وصول بولندن استانه به واروب بروسه به اجتلا  
 واندن ککو تاهبه ده قلعه بند اولقی اراد سببه تحقیر وازرا قیلندی  
 حرکت سردار اکرم ( دشمن دین دزت ساعت ایلروده مکین  
 و اردوی همایون اوزرینه کله چکی واصل درجه علم البقی اولمشیکن  
 مذهبه متحد اولدقلری کسه لری اغشینه خون و منکر وحدت ذات  
 خالق بیچون اولان کفار ضلالت مقرون محاربه سنه نجاف و قراری  
 عادت و قانون ایدن ضعیف الادیان کسه ز ماده جزویه سینی ايله مترسارده  
 اولان طوایف عسکری بی ازعاج وارد و خلقنی چادرلندن اخراج  
 ایلوب صالت و سبکار هرکس اسینه سوار ولوای شریف سایه سنه  
 واروب ایکی دشمندن رسکار اولقی امنیه سببه دستکشای عون پروردگار



اولدیلر بناء علی ذلك حاضر انتمش ایکن سردار اکر می برندن  
تحریرک ایله کوپری باشند ایصال و مسلمان اولان زیرلوی شریفه  
کلسون دیولارلندا و خدمه باب و رجال دولتی بعضیستند غیریلری  
اجابت ایتموب اردوی یغیا و برطرفه فرار خلیا سیله سایرلری مهیا  
اولد یغنی خیرخواهان دولت مطالعه و ترجیح معاوده و مراجعه ایلدیلر  
خاتمه جنگ و انعقاد صلح ( ربيع الاخرک بکر منجی کونی دشمن برندن  
حرکت ایلدیکی بالمعاینه مشهور دارکان دولت اولوب برایکی کون طرفنده  
اطرافدن کلنر ایله سواری عسکری اون ایکی بیکه بالغ و مترسار  
دخی پیاده ایله مالامال و غیر فارغ اولغله طاغستانی علی پاشا  
و چرکس حسن پاشا و ایلصانی سلیمان پاشا ذکر اولنان سواریلر  
ایله بر ساعت محلدن دشمنی قارشولق اوزره شدد ز برتک غریمت  
ایلدیلر صدر اعظم وقوع بولان حادثه لر دن مکد و و در هم  
و مبتلای علت جنم اولدیغندن بیشفه آت اوزرنده طور منیه بحق  
درجه لده وجودنه ضعف طاری و سرنهاده بالش بیماری  
اولمشیکن اطرافدن غیرت و بریله رک هزار مختله آت سوار و کبری  
باشنه کلوب عسکره غیرت و شوق و برمه که ابتدای ایلدی شمنی به  
یازم ساعت محله سواریان اسلام دشمن اتلوسنه مقابل و بشور قدر  
مبارزین دین گروه مشرکین ایله مقابل اولدیغنی حالده سایر اقلولر  
اوزاقدن مر حبا و ترک غوغا ایله مقابلرند و یکنی سیر و غناشا ایلدیلر  
بو حال بعضی رؤسا مشاهد و ایله ایلر و واروب تحریر و اغراضه  
افراغ جهد و طاقت اغشار ایکن نصیح و پندلری شود مند و سمولت  
سمت فرار ضمیمه برصد بند اولدقارینی ایجار به به مشغول اولان  
غزاة اسلام رویت ایله بازوی اقتدار لرینه قور عارض اولوب  
امداد و امانتدن تو مید و انلردخی معرکه که اهدن دور و بجید  
اولدیلر دشمن مکار دخی ایکی طرفه طوب و خلیه و سایر آلات  
نار به سنی اعمال ایله شرازه بار و پرقاج کله تماشا جیان مجمنه  
اندقده فی الحال جله سنی پریشان و چادره کلوب سخت سخت  
قیلندن اولان اموال ناسی تالان و بالغان طرفنه عطف عنان ایلدیلر  
یوندن صکره علت وجود سبی ایله سردار اکر م قیامه مقتدر  
اولوب چند نفر رجال دولت ایله کبری فی بر طرفه مرور و صدر  
اعظم پیشور اولدیغندن نه تدبیر ایدم دیدم بکجه سز بلور سز

دیمکدن غیر یی جوابه قادر اولوب انجیق پیاده کان مترسارده  
تایققدم اولدیغندن دشمن دین برویه نجسا و زایتموب یازم ساعت  
مخلده واقع برقریه ده مکین اولدیلر بوار القده کتبه افلام  
و خلقاتک اکثریسی و بکلکچی و کتخدا کانی و آمدجی صدر اعظم ایلر و  
عزیمت ایلدی ظنیه بالقانی اشوب کیمی قرین اباده و کیمی ادرنه به  
افتاده اولدی روسیه قلمر شالک صلحه دایر بر قطعه مکتوبی  
روسیه لو برتقرب عسکری طایفه سندن بیرینک بدینه تسلیم و اولدخی  
مکتوب مزبوری کتوروب صدر اعظمه تقدیم ایلدی لواء  
شریف پیرامنده عصره دک یسماند کان اسلام متوقف و هرکسک  
رابی برسمنه منصرف اولوب کیمی بالقانک اونه جانبی ترجیح و کیمی  
ادرنه به عزیمتی تصریح ایلد ککری خالده تاگاه شدت امطار  
دشت و صحرا بی نمونه نمای بحر زخار ایدوب بو سیله عزیمت بالطبع  
ملقی و شرانپور فوسندن ایچرویه دخول و هرکس برضانه مدار کبله  
مترسارده متنبی اولدیلر مترسارده اولان پیاده کان دخی لیدلا  
مترساری افراغ ایله شمنی به کیرمک تقریبی ایله رجال دولت بریزه  
کلوب دشمن اطرافری محاصره ایله بر محله عزیمت ممکن اولدیغندن  
غیری پیاده ل دامنگیر و شمنی ده اولان اولاد و عیال فکری ایسه  
موجب کدر و فیر اولوب همان اظهار مشانت و حضرت حقه  
توکل ایله ابراز مردانکی و جلادت اثمت خصوص صلیب از دل و جان  
نصیم و پیاده کروهنی شرانپور تقسیم ایلدیلر سوارینک  
بر صنی چرکس پاشا به و بر صنی طاغستانی علی پاشا معینه  
و بریلوب بعضا شرانپور دن خروج ایله محاربه به مبادرت اولد شمن  
مضایقه و بر دیکه کبرویه عودت ایلبوب اهالی شمنی دخی لیدل  
و نه از طریق جبلی محافظه به اهتمام و معاونت و مظاهرتده  
سعی و اقدام تام ایلر لیدی بوار القده چرکس حسن پاشا اظهار  
سور و کداز و التی سنه طرفنده واقع اولان معار که قدرتی  
یشد یکی قدر مایه جلادت ابراز ایتمشیکن امثال کی نایل وزارت  
اولدیغنی حکایت و ارکان دولته بت شکایت ایدوب سردار اکر م  
قضیه افهام و رتبه وزارتله پاشای مو می الیه نشوان و حقیق مرام  
قیلندی بوندن صکره سردار اکر م لوی شریف ایله خیمه نشین  
اولمخی قرار کبر کار فرمایان دولت ابد بنیان و قوشی میدانده



نصب اولنان سايانه مشارالیه اسب ران عز و شان اولدی ربيع الآخر  
یکرمی اوچنجی کونی دشمن طابور لرینی ترتیب و بر قاج  
قولدن شرانپور اوزر بنه انسریب ایتمک اوزره اولدیغی معلوم  
بهید و قریب اولوب هر طرفه دلازلندا و زوایاده کسب راحت  
ایدن ارباب جنگ و و غا جمع و ازجا و شرانپور و راسنه تعین و املا  
اولوب او مقوله سر بازان اسلامه هیچ داعیه شوق اوله جق  
التفات و هر کس کور و هنه بئل عطیات تقریبی ایله غیر عسکری  
اولنردن اولدقده دفع انقلابات و مخافات قیلندی دشمن دخی طوب  
مزلنه کلوب مقابلنده اولان طوپلره بروطرفدن آتش ویرلدکده  
طرف اخره منصرف و بوریش طریق لرینی نام ایله متوقف اولدی  
شرانپور لی احاطه ایلد چک پیاده موجود اولدیغی محقق ایکن  
جناب حق طایفه عسکر بک قلوبدن ازاله رعب و هراس و هر  
طرف عمو صورتده اظهار ثبات ایلر لری دشمن دینی افتخار مدن  
احتباس ایله سبب نفع یقیاس اولدی لر دشمن دینک شمنی اوزر بنه  
کلامک و نصیب و حصر ایله صلحه الحاکمک یکنده اولان تعلیمیه تک  
خلاصه سی اولدیغندن بشقه سلاسه قیاسیله عسکر لر بنه روی  
شکستی بدیدار اولق دخی جمله محسوسات لرندن اولغله صورت  
کروفری اختیار ایله عاقبت کاره انتظار اوزره اولدی لر روسیه  
مارشالک مقدمه توارد ایدن مکتوبی بعض هدیان و تر هاتدن  
عبارتدر دیو نظر و ترجمه سنه اعتبار اولدیغندن غیر ترجمه  
اراده اولغله یله ترجمه نلر نابود و هر بریسی جای سلامتی تحصیل  
ایچون اردودن مفقود اولوب سواری مقابله چکسند مسافره مقیم  
اولان مارشالک اده بسمه مکتوب مزبور ترجمه ایندی ریلوب طلب صلحی  
نخبر و مکالمه صلح ایچون ادم ارسالی مشعر اولغله شهر مذکورک  
یکرمی اوچنجی کونی سردار اکرم طرفندن دخی ادم ارسال و مقابله ده  
بولنان دشمن بو ککفیتدن انقصاد صلحی استدلال ایله نابور لرینی  
چکوب ترک جنگ و قتال ایلدی لر ادرنه و سایر طرفلره پراکنده اولان  
خدمه تک منصب لری اخره توجه اولغی مناسب کور یابوب بکلچیک  
مکتوبی پاش خلیفه می تحقیق افندی به و پاش خلیفه ک عبد الله بری  
افندی به و کتخدا کتای حلی دا مادی شهری افندی به  
توجه اولندی مارشال طرفنه ارسال اولنان مکتوبک جوابی ورود

ایدوب عقد صلح ایتمک مستعد ادمی اولوب او طرفدن ادم ارسالی  
بیان ایلدی کندن موجود اولان و زرای عظام و سایر ارکان دولت  
مشورت ایدوب تعیین مرخص ماده سی در میان اولند قد و وقت و حاله  
نظرا مصلحت صلحی هر کس استحضار و فراغ بال ایله مکالمه اولغی  
ایچون الی التمس کون شارکه ربطی مارشاله مذکور بیان  
اولند قدن صکره رئیس افندی بن سردار اکرم حضرت تلمی احضار  
و مرخصه ایله ارسال اولند جغی اخبار ایلد کده منفردا عز یمندن ایا  
و کتخدا بکه نشانجیلی پایه سی ویریلوب مرخص اول نصب و کند و سی  
مرخص ثانی عنوانیله عز یمت ایلد چکنی انبا ایدوب ایکنسند الباس  
خامت و اوازم و حواجلری مهمامکن رویت و برایکی کون ظرفنده  
آباد عزیمت اولمشلر ایکن ایکی عسکرک مقابله و محاربه سی  
هنکامنده متارک که تک امکانی اولدیغنی ایما و تکرار جمله به  
بو کیفیت انما اولند قد شدت محاصره و انقطاع امداد و عسکرده  
اولان فتور محاذیری بسط و بیان و عکس ماده دن ترتیب ایدن  
خبر و خسران ملاحظاتیله مرخصلرک بلامتارک که عز یمت لرینی  
استصواب و صلح هر نوجهله منعقد اولور سه محض خیر در دیو  
هر طرفدن تکریر جواب ایلدی لر ارد و قاضیسی مفتی زاده احمد  
افندی دن وجه شرعی استقصا اولند قد مقدمه عبد الرزاق  
افندی وقتنده قرار بولان مصالحه ممکن اولدیغنی حالده جواز بویه  
دورسون عقدی و اجدر دیو قطع کلام و او جفلو و سایر لری  
دخی اولوجهله مرخصلرک عز یمتی خصوصتی التزام ایلوب  
بیجادی الاولینک اوچنجی صالی کونی ذکر اولنان مرخصلر روسیه  
فلد مرشالی طرفنه عطف زمام ایلدی لر کیفیات مذکور بکلیاتها  
و جزو باتها رکاب همایونه عرض و محضر اولوب بکچری کانی  
لاله لی مصطفی افندی ایله ارسال اولندی مقابله ده اولان اعدا  
مصالحه مذاکره اولنور ایکن جنکدن خالی اولوب اطرافه قطعه  
وقزاق طایفه لرینی تسلیم ایدوب شرانپورن ادم اخراج ایتمک  
صورتنده عساکر اسلامی ازعاج و چالاق قواق دربندنده  
امر محافظه به قیام ایدن سابقا سکبان باشی وزیر یوسف پاشا بی علی  
الفیله باصوب مجروح ایلد کوری شیعویه مقابله به مس احتیاج ایدوب  
طاغستانی علی پاشا معینده اوچبوز قدر اتساع مقوله سی احتشاد



ایدوب شرانپور کارنده اولان يك بشپوز قدر ككافر سوار سپله  
مخاربه به ابتدا ار ايماريله ايكي اوج ساعت قدر جنگ ميمادي  
و شرانپور دن قطع ابادي اعصادي قلند بگسندن بشغه ايكوز قدر  
كفار دوزخبلره قنادار اولدي فرداسي شمشيده اولان سابر  
سوار يله شوق و خواهش طاري و تخمینا ايكي يك سوار ي  
مل شمشير نيز ككاري ايدوب دشمنك قره غول خانه زيني تخريب  
و سوار يلر يني نوک سنان و سيف بباستان ايله ميدان معرکه دن  
نجيب و پياده كان اسلامه دخی غيرت كلوب شرانپور دن خروج  
و مقدمه حفر ايشد ككاري متر سار و لوج ايلد ككاري كفاره بالمعينه بدیدار  
اولد قده همان طابورلر يني تنظيم ايله اردوسي خارجده معيم اولدي  
هر بران اسلام غالب و ميدانده اولان دشمن بچيكا هارينه هارب  
او اوب قتي چوق كافر مستاصل سيف بار و جود مصلحت منصور  
و ظافر شرانپور و راستنه ككلوب عطيه حضرت قادره شاكر  
اولديلز ( اجتماع مخلصان باهر شال روسيه ) بجادي الاولينك  
يدنجي كوني دولت عليه مخلصي مارشال ايله قينار جده ملاقات  
ايدوب عن اصل صدر اعظم ايله مواد مصالحه بالمكاتبه قرار كبر نظام  
اولوب تمسك ككاري بريدن غيري بر مصالحت قائمديني اشراپ و ريشين  
جنرالي بومصلحت تعيين و برايكي كون طرفنده انعقادني تبين ايله  
قطع جواب ايدوب مكالمه كرده كذران ايدن مباحث قبول تكرار  
و مدعای طرفين تمسك ايدرك اوزي و خواجه يك مقابله سنده قلمرو  
و كرش و يكي قلعه تصديق اولمديقه صدد اخرا سانه التمه جفني  
قضيه افاده ايله مجلس فردايه تعويق و يوم مذ كورده بته مارشال  
ايله عند مجلس اولوب روسيه اونك مدعای استيذانه تعليق اراده  
اواند قده مارشال راضي اولوب بهر حال بونلر تصديق اولمكدور  
ديد كده بالضروره تصديق اولندي قصور ماده ردخی پذيراي  
نظام و بجادي الاولينك سكرنجي كوني تاريخيله يكرمي سكر ماده يني  
شامل سندات طرفين تمهيد و اختتام والي سندن برو مشاهد اولسان  
اكدار و الام فضل جناب منعم ايله مبدل اسایش و ارام اولدي لاحق  
يكرش مكالمه سنده قلمروك هدميله اکتفا و ادعای تضمين الفا اولوب  
ماده تجارت دخی جرح و تعديل و اتمق و قريمدن دولت عليه قطع علاقه  
اجتامك ضمنده قلعه بنا سي كبي سهولت مصلحت محقق ايكن رسته صكره

منعقد اولان صلحه تدرجه تفاوت اولوب دشمن غرتبه كرده  
فايده مند اولديني اذني ملا حظه ايله معلوم اولور جنگده اكثار  
و ظايف جنود ايله اتلاف اموال و تكاليف شاقه ضروريه ايله  
مما لكده تولد اختلافي و ارسته قيد استدل اولوب باخوص  
چينكه ظافي و نصرت مو هو و صلحه راحت و اسایش مجر و م  
اولوب مجر و م مو هو و موطومي بجهوله ترجيح نقشبنديان  
ككاز خانه امور اولان حكماي اسلافك شيم وعاد تلو دن اولديني  
ككابلرنده قصر ينج اولمشيد در رجعتالي مأكتافيه منعقد  
اولان مصالحه سندن لزيك بر صورتی مخلص طر فندن اردوي  
هما يونه واصل و بوب ككفيتدن بجهله به انبساط تام حاصل  
اولوب سردار اكرم طرفندن قصد يقينامه تحرير و مخلص  
طرفنه تسير اولوب بعد المبادله مخلص عودت و اخبار صلح  
اطرافده اولان عسكره تحرير و اشارت اولندي بيكيه كاتي اخندي  
عرض و محضري سده اعلى به تقديم و بوضو رله صلحك جوازني  
علماني اعلام تسليم ايلد ككاريته بقاء رخصتي منضمين بر قطعه  
خط هما يون شرف بزو رود اولوب قلوبنده اولان خفقان زایل  
و مرفق و مصلحتده مو هو م اولان تردد متني و منسد قع اولوب  
هر كس شاد و خرم و رعابا و ايا وطنرينه عودت ايله ازاده كرد  
و عم اولديلز ( غدير نجه ) تصرفات ملكيه ده بين الهدول موازنه  
بر اهر معتبر و ملك اخره بر دولتك خرص و امد يسي جنج دولتلك  
اتفاق و قهر متعدي به هجو ملر يني استلزام ايلك رشم مقرر ايكن  
نوخدوت اولان دولتارده الحاله هده بوطور موعوب ميتروك و مهمل  
واخذ هما اخردن انتزاع اما ككن و از مني قصد يله رصد بين  
مكر و حيل اولوب نظم الظلم من شيم النفوس فان بجد زاعفة  
قلملة لا يظلم مفهوم بجه طبايع ناس كه شر و فساد بجهول و على  
الدوام جلب زوايد و طلب قوا يده مشغوليت ايله اظهار غلق ايجسي  
بر عت ايله موطو لدر قهر ضعيف و استدل لال مهر و لي و تحييه  
بالطبع مابل اولمري خيالي ايله دولتار دن بيري تقدير مالك المللي ايله  
خصمه مغلوب و ملا حظه مضررت مفرطه ايله راحتي مستلوب  
اولديني جالده صلحه راعب اولديني مجاور ي اولان دولتار احساس  
ايله همعه و اولد قلمري اما ككندن بر قطعه اراضي به مديد و باخود



سم موقت نوبت دادن اولان بعضی شروط فاسده انعقاد می نموده  
تصعیر خدایتک طبیعت مصلحت نرندن اولدیغی مجرب ارباب قبول  
ورد اولوب بناء علی ذلک نمجه لو بوسفرده دولت علیه به اعانت  
وخصمی اولان روسیه لویه اظهار عداوت ایله لدی الاقتضا چنگه  
مباشرت مقاوله سنی خنی اوله رقی تمهید و بوشرطی حدوده  
بعض عسکر سوبله کویا نا کید ایشیدی دعوا ابتد کلامی  
مظاهرت و اعلان چنگه متعلق طرفلرندن بر اثر و علامات ظهور  
اقبوب مصارف نامبله دولت علیه بی من جهة النقد اضرار و بغداد  
مملکتندن طغوز قضای اراضی بی خواه و نا خواه قبضه نصرفه  
الوب دولت علیه الی سینه طرفنده خصمیه واقع اولان بحار به ده  
بورغونا ولوب بوضرری ضروری هضم ابتدکی معلوم سریره  
شناسان روزگاردر نمجه لو قریب العهدده مسقو و پرو سنا  
چنگلرنده ضعیف و ناتوان و مملکتی الدن کتمک درجه رنده ترزلی  
غایان اولوب هر طرفدن دولت علیه بی دول ساره تحریک و تشویق  
و مقد ماترک اولنان قلاع و بقا حک استزاده ضامن اوله رقی ارائه  
طریق ایشلرایکن بلا سبب نقض عهد شامتی تحیل و زبون کک شک  
معرتندن استغنا ایله اظهار صورت نفاذ اولدیکی نمجه لونک  
دخی معلومی ایکن بالاده بیان اولنان اغراض دول اقتضا سببه  
مصلحتی انعام و انتهاز فرصت ایله تحصیل مرام ایلدی ( قائم مقام  
شدن عزت محمد افندی ) سردار اکرم محسن زاده نک علی بوما  
فیوما افزون و علی الخصوص صوت بلند استماعندن عاجز  
اولدیغی سمع هما یویه مقرون اولوب صدارته توطئه مقامنده  
شهر امینی عزت بکک قائم مقام بولمسی حوال کرد ضمیر پادشاهی  
اوله له ربع الاخرک بکرمی التبی کونی قائم مقام پاشا معزول  
و سیر مومی الیه یرینه موصول اولدی ( بعض حوادث ) انعقاد  
صلح حبسبیله فیما بعد شمشیده اقامت عبثه اشتغال قیلندن  
اولدیغنه بناء بوسنه و الیمنی وزیر طاعستانی علی پاشا شمنی به محافظ  
نصب و تعیین و سرحد لوده اولان ساروزرای عظام دخی برلورنده  
تکین اولنوب هر خصمه مجددا طرف هما یونین و بریلان رخصتنامه  
دخی بللرینه وصول و سندلری احتیاجه صلاحیت قبول ایلوب مارشال  
طرفندن اعطاسی لازم کلان تصدیقنامه طرف سردار اکرمی به رسیده

و بالکلیه بساط عداوت برچیده اولدی شمنی جوارنده اولان  
کفار دخی مارشال طرفندن خبر وارد و فی الحال اردوسنی  
قادر و ب بغداد طرفنه راجع و عاید اولدی ( حرکت اردوی  
همایون ) بر قاج سینه دن برو متاعب سفریه ایله مبتلای انواع  
مصایب اولان صفوف عسکری و کتاب اقلام و سایر رؤسا  
ورجال دولتی فیما بعد صحرالرده بلا سبب مکث و توقیف رواداشتمه  
طبع اصنی اولدیغندن غیری شمشیده مدخر اولان ذخایرون کون قدر  
عسکره و قایمیه چکی ظاهرا اولغله اشاعت حرکت ایله  
چنگه بی سرکرم نشسته فرحت ایلوب جادی الاولینک بکرم فی  
کونی شمشیدن حرام بند نهضت و خارج شهرده منصوب خیمه ده  
وقفه کیر استراحت اولدی لوای سعادت التوا علی صاحبها  
افضل التحایاتی قانون اوزره صندوقه سینه تودیع و عربیه سینه تحمیل  
ایند کدن صکره صدر اعظم ادرنه جانبینه سوق علم و برکون  
صکره و جفلو دخی ترتیب قدیم لری اوزره تحریک قدم ایلدی یاز  
و خات سردار اکرم محسن زاده محمد پاشا ) مشار الیه اوج  
سینه قریب سردار اکرم و مالک زمام تصرف اتم اولوب  
زماننده بعضا نصرت و بعضا هزیمت و قوعبله فرط غیرتندن مهموم  
و کیدرک علت صمم و سایر امراض ایله زسیده معرض اجل  
مخوم اولوب شویله که شمشیدن الی ساعت مفارقتنده بالکلیه اکل  
و شربدن منقطع و فوا و جوار خندن تاب و توان منزع اولوب نه حال  
ایسته قریب اباده ایکی ساعت قاله رقی برقریه به وصول ایله اردونک  
ایلرویه کیچمسنی فرمان و فرداسی اردویه هزار محشله روان  
اوله رقی برکون اوراق اولمسنی بیان ایشیدی جادی الاولینک  
بکرمی التبی خپس کونی تخت روان ایله قریب اباده کلورایکن منتصف  
راهده مرغ روحی قفس تندن جدا و ماوی قدیمه بال کشا اولدی  
نعشی درت چفت بار کیرلی عربیه به تحمیل و او تونز الی ساعتده  
ادرنه به توصیل اولنوب امکی جامع ساحه سنده والده سی جنبنده  
مدقون و حقنده سوبسوا ستر حام عفو خالق بیچون قیلندی  
منتفسان اردوی همایون معر فتلرله مهر همایون لوای شریف  
صندوقه سینه وضع و تمهید و کیفیت رکاب همایون طرفنه  
عرض و تحریر اولندی مشار الیه و زرای عظام حضراتنک مالدار



و صاحب اقتدار زدن اولغله قرین آبادده موجود اولان اشیا  
قراوانی جمله معرفتیه ختم وادر نه به ایصال واستانه سعادت  
طرفیدن ورود ایدن میرا خور اول اغایه تسلیم و خزینه  
همایونه ادخال اولندی. متوفای مشارالیهک نعشی اون کون  
قدر ادرنه ده متواری خاك اولمشیکن استانبوله نقلی فرمان اولوب  
اغضای فرسوده می هزار کلفله اخراج و حضرت خالد  
جوازنده اعتداد اولنان مزاره ادراج اولندی نظم الانماالدینا  
غضاره ایکه اذا اخضر منها جانب جف جانب وما هذه الايام  
الاجناس وما العیش واللذات الامصایب صدر اعظمك وفای  
سمی ايله اغا پاشانك اردوی همایونه کلسی ارکان دولت  
اصطواب و بویکیت عرض سده نه قباب قیلوب قول کتخداسی  
اغا او خطو ايله کلمك اوزره صکیرویه توقیف و اغا پاشا اردویه  
کلوب ادرنه به دله اقتضا ایدن اموری بحرای قدیمی اوزره تصریف  
ایلندی (ترجمه) متوفای مشارالیه صدر استق موصلی محسن زاده  
عبدالله پاشانك فرزند دلبند و بخل از پ و از چندی اولوب  
مطلع بنور ارباب تصور و شعور اولان استانه سمعاده پرتو پاش  
انجمن ظهور اولوب قرق قنود و زیان و تمیز زمین و اسمان  
ملکه سنه مالک اولد قله سلجوران حاصه به الحاق و قبولی  
باشلیق ايله مهر تابدار اقبالی باهر الاشراق قیلوب پدزی صمد ارثه  
مکرم اولد قدده قبولی خیر کتخدایه لقیله جامعه رز تار لیساقی معلم  
والی طقوز تار یخنده رتبه وزارتله صاحب طبل و عام و فر عیش ابائی  
ایله مجتسم اولمشیدی بحد ذلك پندر محافظه سته عثمان عزیزی  
مختارک و ثانیاً فر عیش ابائی واده نظایمه انا طولی تفتیشنه  
ناکرد و اظهار حسن تدبیر ايله مقبول اصحاب قبول و زدا اولمشیدی  
یونان صکره وافر زمان قلاع خاقانی محافظه سنده قیام  
واسوه ختال ايله امران ایام ایدوب نظم عسکی فرج یاقی به الله انه  
له کل يوم فی خلیفته امر مفهومی اوزره صکیرک طالعنده  
منا بان اولان محوست سعادته متقلب و دایره سته اصابت ایلن  
ادبار بالکلیه منسلب اولوب زوم ابلی البالیله صکاران و اسما  
سلطان علیة الشان شوهر لکلیه هلال اقبالی بدربان اولدی یونان  
صکره متعصب صکیر الجند وادن انا طولی ووشنه وعلب و دیار بکر

ایالتیله مباحی و یتش سکن تار یخنده حامل مهر پادشاهی اولوب  
سکسان تار یخنده صکر جستان و عصاة مصر غوایی و باخصوص  
مسقوسه قری مقدماتی ظهور و بر برینی تعاقب ایدن اشو خطوب  
عظیبه مشارالیهی ککرده عقل و شعور ایدوب امور صدارتده  
پابسته تراخی و فتور و سکسان ایکیده عزل و مالی احسان اولنه رقی  
بوزجه اطه و متعاقب ادر سده اقامته مأمور اولمشیدی سکسان  
اوجده موره اها لیسکی کید دشمن دیندن تامین مقاصد یله انا بولی  
محافظه سنه تعیین و اوخلالده روسیه او موره رعایا سیه  
بر مقتضای جنسیت ربط پیوند اتحاد و موافقت ایدوب حسن  
تدبیر ايله ملکنی تطهیر و قتی چوقی سر ککشلری قهر و تدبیر  
ایله شان و شهرتی فلك مسیر اولوب سکسان یدی ذی القعدة سنده  
ثانیاً مهر همایون ايله مکرم و سردار اکرم اولوب بعض محارده  
فوز و ظفری اغتام اینمشیکن بالاده بسط اولنان اسباب ايله عاقبت  
دشمن غالب و یاشنده اولان عسکر بلا ضرورت سارب اولوب  
شمی محاصره سی کبی وقتده منلی غیر مسوع بر کیت و قوع  
بولوب ناچار صلحه میل و بر قاجکوندن صکره کشمکش دنیادن  
جریل ایلدی مشارالیه قصیر القامه ککیر السبال جمهوری  
الصوت و قوی البسال دانای احوال اخبار و اشرار و بمنجن  
صروق و نواب روزگار صداقت و استقامتی کالشمس فی رابعة  
النههار اشکار اولدیغندن بشقه دایما فکر و ذکر تکمیل شان  
سلطنت و تقویم اودناموس دولت اولوب شعوری نام و مطالعده سی  
درست بروز برینام ایدی اوایل حالنده خبلی فلاکت و عدم  
مساعده روزگار ايله انواع مضایقه و مشقت چیکوب حتی  
اوزی محافظی ایکن ابقا امرنی کسه قبول ایتوب ساعی یدیله  
طرفه وصول بولدیغنی لسانندن استماع اولمشدر خواجه پاشاده  
محسن اوغلی خانی ذاتنه منسوب و آثار خبریه دن بر غیر عملیه  
موفق اولدیغنی تحقیق کرده ارباب قلوبدر صدارت اولی سی  
اوج بچق سنه و ثانیاً سی ایکی سته طقوز ماه اولوب سنین عمری  
یتشه یتش یدی بین الناس خرط بخل و امسالک ايله مالوف ماکل  
وملا بسنده اقتصار ايله معروف ایدی (صدر اعظم شدن قائم مقام  
پاشا و حوادث ساریه) صدر اعظمك وفای خبری واصل سمع



همایون اولدقد. صدارت استعدادی و بریلان فایمقام عزت محمد  
 پاشا جادی الاخره ک ایکیچی چهارشنبه کونی حضور ملوکانه به  
 دعوت اولنوب اعطای مهر همایون و اکسای فروه صدارتله درجه  
 قدر و اعتباری افزون قیلنوب اردوی همایونده فایمقاملق دخی  
 یکجیری اغاسی اولان یکن محمد پاشایه توجیه و بویکی بیتی ناطق  
 میر اخور اول اغا برقطعه خط همایون و خلعت سنیه کنوروب مشار  
 الیهک دخی بویوجهله شان و رفعتی تنویه اولندی صدر متوفانک  
 اموال و اشیائی الی کونده نجر و بوشور کبسه به بالغ اولان نقدی  
 ایله ادرنه ده بر قسط مواجب و برلسی تدبیر اولندی رصکاب  
 مستطابده بر قاج سندهن برورئیس الکتاب اولان رائف اسماعیل بک  
 افندی بک کال صداقت و درایتیه بنه بالفعل رئیس الکتاب اولسی رگیر  
 ضمیر شهریار عالمگیر اولدیغنه بنه جادی الاخره اوایلنده خدمت  
 مذکورده ایله تطرین و باب عالی به کماکان تقریب اولندی  
 حرکت اردوی همایون باستانه سعادت ( ادرنه ده بر قسط مواجب  
 قول طایفه سند توزیع و جله سنک دایره معیشتلری توسیع اولدقدن  
 صکره شرفیافته صدور اولان خط همایون منظوقی اوزره ادرنه دن  
 حرکت و طی مراحل و قطع منازل ابد ریک سلج جادی الاخره ده  
 کوخک چکمه به وصول و بوم مذکورده صدر جدید ایچون اوتاق  
 نصب اولنوب فرداسی محل مذکوری تشریف ایله رجبال اردوی  
 همایونی نظر نوازش و التفانه مشمول ایلدیلر رجب المرجبک غره  
 غراسی اولان بوم خبیس صدر مشارایه مرحله مذکورده دن رفع  
 اثقال و انجیرلی قریه سنه سایه انداز اخلال اولدقدن لوائی شریفی  
 استقبال ایچون آئنده اولان شیخ الاسلام افندی و نقیب الاشراف و سایر  
 صدور عظام و موالی و مدرسین کرام ایله صلوة صبح ادا اولدقدن  
 صکره مرتب الی ایله انجیرلیدن حرکت و داود پاشایه طوغرو  
 عزیمت ایلدیلر شهریارانام حضرتلری دخی اووقته دلد داود پاشا  
 میرایندن بر ابلق سیم اندامه رکوب ایله لوائی هیمت التوائی حضرت  
 سیدالانبیای بروجه تعظیم و ایحال استقبال الطیوب داود پاشا صحراننده  
 نصب اولسان اوتاق جوزا نطاق شاهانه لرینه ظل افکن شوکت  
 و بر لحظه تکایرای و سادده استراحت عقیده در یکتای ذات همایونلرینه  
 صدف و افتاب عالم تاب خمروانه لرینه بیت الشرف اولان سرای دلکش لرینه

کال حشمت و شان ایله عطف عنان بیوردیلر بوندن صکره مطبخ  
 کیکاووسه طعنه زن اولان مطبخ عامره لرینه طبخ اولسان لذایذ اطعمه  
 و خوردنی ایله فقیر و غنی و شریف و دنی داسیر نعمت و جاشنی باب  
 صنوف لذت اولوب صدراعظم بنه الای ایله سرای همایونه کلوب  
 حضور همایونده سرزمین تعظیم اوله رق لوائی شریفی بداید  
 تسلیم ایلدی ( خاتمه ) فضل و شرف ایله بین الملوک شهرتیا  
 اولان حسین یقصرایه بعض ندما سی بچون ملوک سالفه کبی  
 خیرایله یاد اولمغه و سبله اولان ابنیه عالییه و خانقاه و جوامع  
 و عبادتگاه احداثیه میل ایتمز سزدیمشیر عمارت و بنا لامحاله  
 سنک و ترابدن مرتب و خشت و لبنه دن مرکب اولوب مرور زمان  
 ایله مشرف خراب و اجزا و اساسی هم سنک تراب اوله جفی ظاهر در  
 شویله که قسرا و مسقفات ربطیه رویت امورنه متولی و ناظر  
 نصب اولسه دخی او مقوله لر و قی ماکل اتحاد ایدوب زمان  
 بپسیرده مر بوطات وقف متولی به خاص و ناظره علت اختصاص  
 اولوب فقیدان مال ایله ابنیه مدرسه نک بشا و تعمیر می مستحیل  
 و چوق کیچمدن اطلال و اناری بیه متغیر و تبدیل اوله جفی خیرات  
 اسلاف و عمارات اشرا فدن نمایاندر بنه علی ذلک بر نسخه  
 کبری دن عبارت اولان و جو دار باب فضل و عرفانی تربیه و مطرح  
 اشعه تجلیات الهی اولان شجره پرثمره استعداد لرینی آیساری  
 جود و احسان ایله هر بار تنیه ایله تعمیر قلوب لرینی التزام ایندکزدن  
 عنوان تالیف و دیباچه تصنیف لرین اسممزلرینه تزین و توشیح ایدوب  
 بقای ادوار ایله بوا ثار پایدار و دامن قیامت دلد ناممزر بازرد  
 صغار و کبار اولدیغی اشکاردر نظم هنر تربیت کرک  
 هنرک تربیت فی الحقیقه علیدر هر هنر کیم جهانده بولدی وجود  
 پادشاه زمانه همبدر مفهوم منه ملایم سرد دلیل و علت و اقامه  
 برهان و حجت ایلدیکندن غیر ذکر اولنا ن خیرات جلیله  
 متولی و ناظر تکلفندن عاری و ابنیه عالییه به طاری اولان تزلزل  
 و اندر اسدن سالم و متواری اولدیغی بیان ایله رد جواب ایلدیکی  
 معجزات توار بخدمه مسطوردر شهریار جلیل الانار دام مادام  
 الفلک الدوار حضرتلرینک همت کوه انداز ملوکانه لری بویکی خصلت  
 حسنه بی کافل اولوب شویله که اعلاء کلمه الله بیت خالصه سبله



ترتیب بیورد قلری جنود موحدینه مخصوص برقاج محلد، رفیع  
البیسان و رصین الارکان انبیه احداث و لوازم و حوائج ملرین  
بالقضا مبالغ تنظیم ایله غزا و جهاده اغرا و احداث بیورد قلرندن  
فضله فنون ریاضیه بی تعلیم و برقاج سندن بروغایت صنایعیه سی  
خارجه جیقن فن جدید بخاربه بی قول و فعله لافهم ایچون متعدد  
دوا بر حایه بنیاد و تواریح و سایر طبع و تمثیل مناسب کتب آله  
ایچون اسکدارده مکلف دارالطبایع عامره ایجاد بیوردوب حسین  
یقراک مایه الافتخاری اولان کیفیت که تربیه ارباب مقار فدن  
عبارت ایدی اولدخی زمان ملوکانه لرند بکمالها وجود کلوب  
ارباب تصانیف و هنروران حقلرند جلوه کرمجملای روز  
اولان اعتبارات ملوکانه و منایح شاهانه لری جهانداران اسلافک  
برندن مسبق اولدیغی متبعان صفحات احوال ملوکانه مسناندر  
علی الخصوص بوعبد ناتوان لکد کوی عساده طریق ایله افتاده  
چاه مذلت و هوان و صغر سندن برو تحصیل و تجربه ابتدیکم معارف  
و احوال زمان نهفته طایفه نسیان اولمشکن انظار شامل الاقطار  
خسروانه لرندن نام عاجزانه م بلند جک قدر کسب ابتدیکم  
توجه همایون ملکه و قابلیتی یوما فیوما افزون ایدوب زبان صادمی  
البرهان خام فصیح و طلیق و صفحات تاریخ اوراق کل مطراکی  
دلاویز و انیق و بلکه شهر قلری عالمکبر اولان و صاف و خواجه  
جهان اناری کبی مسلم ارباب ایقان و تحقیق اولوب دولت  
علیه ده بوانه دک نشو و نما اولان مورخلرایسه کبی تعقید و اغلاظ  
کلام ایله مرای ابرام و کبی بوفن جلیله درمائه فرق نقض و ابرام  
اوله رقی قولر کیک و معکوس و الفاظ خوشی و غیر مانوس ایله  
صرف مداد و تکبر سواد و موضوع فن تاریخ اولان قواید ملکیه  
و دقایق حکمیه و حقایق اطوار کونیه بی عدم التزام ایله مضغه افواه  
ارباب حیثیت و استعداد اولشاردر بوعلم کثیر المنافع کمال  
توجه و اقبال شاهانه در کار اولدیغندن بوجار و یکش استان دولت  
روز افزونلری اولان عید یکضاعه شب و روز اعمال دقایق  
فکر به ایله ملک و دولته مفید طور عتیق و جدیدی بالمتناسبه  
صحیفه زیب تحریر و قواید اخلاق و حکمت عملیه اصولی  
درج ایله جمع فایده نین مصلحتی نکاشته لوحه تسلط بر ایدوب

مدبران پرکار امور صغیر و کبیر اولان ارباب رای و تدبیر  
اثار کثر امدن التقاط جواهر معانی ابدرک هر بری عصر لرند  
علم مفرد کبی منادی و بالمقایسه فتح کلبه بهیات امور ابدرک  
بین الاقران ممتاز و مستثنی اوله جفاری کالشمس فی عنان السما  
ظاهر و هویدادر حق عاجزانه مده هر بار ظهور ایدن عطایای  
شاهانه که بدورده مورخان دول حقلرند لوحه طراز ستوح اولدیغی  
متحقق الثبوت در لیل و نهار داعیه شوقی نهیج و کالای بی بهای هنر  
و استعداد می ترویج ایدوب التمش الی تاریخندن ایکبوز اون بدی  
نار یخنه کلنجه یعنی الی بر سندن برو دولت علیه ابدی الا تصالده  
وقوع یافته اولان حوادث یومیه و ظهورات کونیه نسق واحد  
اوزره چکیده قلم نادره رقم اولوب انشا الله تعالی بوندن صکره  
نیجه سنین و سال او بادشاه فرخنده قال و اولشهنشاه سروشی  
خصال حضرت تریک شهنامه ستایش و مدیحه و زمان سعید  
افزائرنده نمودار اولان اثار صریحه لرین فکر و تحقیق و صفوت  
قریحه ایله نقش برند تهر بر اتمک الطاف الهیه دن مستبعد دکدر  
همان جناب مسبب الاسباب تعالی ذاته عن الشک و الارباب  
خد بوزمان واسکندر دوران هوشنک هوش افراسیاب جیوش  
سلطان البرین و البحرین المشهر بالعدل و الاحسان فی الخافقین  
خليفة الله فی ارضه لقایم بواجبه و فرضه حضرت لرینی الی اخر الادوار  
سر بر سلطنت لرند برقرار ایدوب اعدای دول لرینی قوه قاهره الهیه سبله  
مدمر و مقهور وزیر سایه حایت عدالت لرند اولان توانا و فترا  
ورع باور بابی طول عمر و فزونی شوکتیه  
مسرور ایدم امین

کل طبع هذا التاريخ الجديد والاثر المفيد المسمى بحساسن الآثار  
وحقایق الاخبار لاحد واصف افندی المؤرخ فی الدولة العلیه  
العثمانيه لازالت محفوفة بتأیيدات الصمدانيه بمعرفه الفقیر  
الی آلاء ربه القدير عبدالرحمن المدرس والرئيس بدار الطبایع العامره  
وذلك فی عام تسع و عشر بعد المائین والف  
فی شهر شعبان المعظم







